شیعیان پاکستان

نویسنده: عارفی، محمد اکرم

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: شیعه شناسی

مکان چاپ: قم

سال چاپ: ۱۳۸۵ ه. ش

نوبت چاپ: اول

##PAGE=5##

فهرست مندرجات

مقدّمه ۱۱

فصل اول: کلیات ۲۳

موقعیت جغرافیایی ۲۵

جمعیت ۲۷

گروه‌های قومی و زبانی ۲۷

تقسیمات کشوری ۲۸

پاکستان پیش از اسلام ۲۹

ورود اسلام به پاکستان ۳۲

تاریخ تشیّع در پاکستان ۳۸

شیعه در عصر مغول‌ها ۴۸

تالپورها (۱۲۵۹– ۱۱۹۷ ه) ۵۱

تاریخ شیعه در شمال پاکستان ۵۳

ادیان ۵۷

مسیحی ۵۷

هندو ۵۸

پارسی ۵۸

قادیانی ۵۹

مذاهب اسلامی ۶۰

الف. فرقه‌های اهل سنّت ۶۰

ب. مذاهب شیعی ۶۶

روابط میان مذاهب ۷۶

تاریخ سیاسی ۸۱

تلاش برای اسلامی کردن کشور ۸۵

##PAGE=6##

فصل دوم: جمعیت شیعه ۸۹

تعداد جمعیت شیعه ۹۱

توزیع جغرافیایی جمعیت شیعه ۹۳

۱. بلوچستان ۹۴

۲. سند ۱۰۰

۳. پنجاب ۱۱۰

۴. سرحد و مناطق قبایلی ۱۱۷

۵. مناطق شمالی ۱۲۲

۶. آزاد کشمیر ۱۲۶

رشد جمعیت ۱۲۷

سواد ۱۲۹

مهاجرت ۱۳۰

فصل سوم: مذهب سازمان‌های مذهبی ۱۳۵

درآمد ۱۳۷

باورهای مذهبی ۱۴۰

باورهای کلامی و اعتقادی ۱۴۱

الف. عقاید موالی‌ها ۱۴۳

ب. عقاید غیر موالی‌ها (شیعه معمولی) ۱۴۴

باورهای مبتنی بر دوستی اهل بیت: ۱۴۸

باورهای مذهبی مربوط به خانواده ۱۵۱

باورهای مذهبی مربوط به مرگ ۱۵۴

توهّم‌پرستی و خرافات ۱۵۶

مناسک و آیین‌های مذهبی ۱۵۸

الف. آیین‌های شادمانه ۱۵۸

ب. آیین‌های غمگینانه ۱۶۱

ج. آیین‌های نیایش ۱۶۶

و. آیین‌های نذری ۱۶۸

##PAGE=7##

نهادهای مذهبی ۱۷۱

۱. روحانیت ۱۷۳

۲. ذاکری ۱۷۳

۳. تصوّف ۱۷۹

۴. پیر– مریدی ۱۸۲

سازمان‌ها، انجمن‌ها و مؤسسات ۱۹۲

الف. سازمان‌ها و انجمن‌های ملّی ۱۹۳

ب. سازمان‌های و انجمن‌های ایالتی ۲۰۵

ج. سازمان‌ها و انجمن‌های محلّی ۲۱۴

روحانیت ۲۲۰

زمینه‌های فعالیت روحانیت ۲۲۶

فصل چهارم: آموزش و پژوهش ۲۳۹

تاریخچه آموزش و پژوهش در پاکستان ۲۴۱

مراکز آموزشی ۲۴۷

الف. مدارس دینی ۲۴۸

ب. دینیات سینترز (مراکز آموزش قرآن و احکام) ۲۶۲

ج. دانشگاه‌ها ۲۶۷

نظام آموزشی ۲۶۷

۱. نظام آموزش دینی ۲۶۸

۲. نظام آموزش جدید ۲۷۹

فصل پنجم: نظام اجتماعی ۲۸۹

درآمد ۲۹۱

گروه‌های قومی شیعه ۲۹۳

۱. بلوچ ۲۹۳

۲. پشتون (پتان) ۲۹۵

۳. پنجابی ۲۹۶

##PAGE=8##
۴. سندی ۲۹۸

۵. مهاجر ۲۹۸

۶. بلتی ۲۹۹

۷. گلگتی ۳۰۰

۸. هزاره ۳۰۱

۹. سادات ۳۰۲

نظام اجتماعی ۳۰۲

۱. نظام قبایلی ۳۰۴

۲. نظام فئودالی (جاگیرداری) ۳۱۵

۳. نظام انجمنی (شورایی) ۳۲۳

نظام سازمانی در جامعه شهری ۳۲۶

روابط اجتماعی میان‌گروهی ۳۲۷

الف. اقوام بزرگ و قوم‌گرایی ۳۲۸

ب. روابط اجتماعی گروه‌های قومی ۳۳۵

نقش مذهب در توسعه روابط اجتماعی ۳۳۹

موانع گسترش روابط اجتماعی ۳۴۵

فصل ششم: فرهنگ ۳۴۹

درآمد ۳۵۱

آداب و رسوم ۳۵۲

۱. ازدواج ۳۵۳

۲. مرگ ۳۶۲

۳. آداب معاشرت ۳۶۴

۴. لباس ۳۶۷

۵. غذا ۳۷۱

۶. زبان و ادبیات ۳۷۴

۷. شعر و شاعران ۳۷۸

۸. مطبوعات ۳۹۶

##PAGE=9##

فصل هفتم: نظام سیاسی شیعیان ۴۰۳

درآمد ۴۰۵

جایگاه شیعیان در حکومت ۴۰۹

خانواده‌های سیاسی شیعه ۴۱۲

۱. سادات شاه جیونه جنگ ۴۱۲

۲. سادات قتال‌پور خانیوال ۴۱۳

۳. خانواده تالپور ۴۱۴

۴. خانواده قزلباش لاهور ۴۱۶

۵. سادات گردیزی ملتان ۴۱۶

۶. خانواده سردار یزدان خان کویته ۴۱۷

حضور شیعیان در مجالس شورا و سنا ۴۱۹

شیعیان، نیروهای مسلّح و ادارات ۴۲۱

جایگاه شیعیان در احزاب سیاسی ۴۲۷

الف. مسلم لیگ ۴۲۷

ب. حزب مردم (پیپلز پارتی) ۴۳۰

ج. تحریک جعفریه پاکستان (حرکت جعفری پاکستان) ۴۳۳

فصل هشتم: اقتصاد ۴۵۷

وضعیت اقتصادی پاکستان ۴۵۹

الف. کشاورزی ۴۶۰

ب. صنعت ۴۶۴

ج. منابع و معادن ۴۶۸

د. حمل‌ونقل ۴۷۰

ه. اشتغال و درآمد ۴۷۳

وضعیت اقتصادی شیعیان ۴۷۵

۱. کشاورزی ۴۷۶

۲. کارمندی ۴۸۹

۳. بازار و تجارت ۴۹۰

۴. مهاجرت برای کار ۴۹۳

##PAGE=10##

فصل نهم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۴۹۵

فهرست منابع و مآخذ ۵۰۵

الف. منابع فارسی و عربی ۵۰۵

ب. منابع اردو ۵۰۷

ج. منابع لاتین ۵۱۲

ه. مطبوعات ۵۱۲

نمایه‌ها ۵۱۳

نمایه اشخاص و اعلام و اماکن ۵۱۳

نمایه کتب ۵۷۰

##PAGE=11##

مقدّمه

پاکستان با بیش از ۱۵۰ میلیون جمعیت، که ۹۷ درصد آن را مسلمانان تشکیل می دهند، یکی از کشورهای مهم اسلامی در جنوب آسیاست. تنوّع جمعیتی، فرهنگی، زبانی و اعتقادی، که تحت نظام اسلامی و جمهوری به حیات مسالمت آمیز خود ادامه داده، یکی از ویژگی‌های درخور توجه این کشور است.

این کشور دارای ظرفیت‌های سیاسی و فرهنگی بالایی در جذب و پذیرش جریان‌ها و گروه‌های سیاسی، قومی، فرهنگی و اعتقادی گوناگون بوده و از گذشته تاریخ، مأمن شایسته‌ای برای مهاجران و اتباع و ساکنان سرزمین‌های دیگر، به ویژه همسایگان، به شمار می‌آمده است.

مطالعه اوضاع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این کشور نه تنها از آن جهت که یک کشور مهم اسلامی است اهمیت پیدا می‌کند، بلکه از آن رو که توانسته است سازوکار مناسبی برای همزیستی افکار گوناگون و رشد فرهنگ ها و باورهای گوناگون فراهم سازد نیز بسیار حایز اهمیت است . دین رسمی این کشور «اسلام» و قریب ۸۰ درصد جمعیت آن را مسلمانان سنّی و ۲۰ درصد را مسلمانان شیعه تشکیل می دهند، اما روابطی که میان دو جامعه بزرگ اسلامی این کشور برقرار است، می‌تواند برای کشورهای اسلامی دیگر نیز آموزنده باشد، هرچند در دو دهه

##PAGE=12##

اخیر، به خاطر رشد اقلّیت افراط گرای مذهبی، که تحت شرایط خاص منطقه ای و دخالت بعضی کشورهای خارجی در این کشور شکل گرفته، وجهه تکثّرپذیری و مسالمت زیستی پاکستانیان تا حدّی خدشه دار گردیده است. اما با وجود این و همه آسیب‌هایی که از این ناحیه به سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و اعتبار بین‌المللی این کشور وارد شده، اکثریت قاطع شهروندان و مجموعه نظام سیاسی کشور همچنان خواهان وحدت، انسجام، برادری، مشارکت و همزیستی احترام آمیز همه جریان‌ها و گروه‌های اجتماعی و اعتقادی هستند . باور فراگیر «همدیگرپذیری»، که ریشه در فرهنگ منعطف دینی و بومی این سرزمین دارد، تداوم حیات و رشد فرهنگ‌ها و افکار گوناگون را برای همیشه بیمه کرده است.

در درون این نظام اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، انجام پژوهش های موردی در ارتباط با بعضی گروه های اجتماعی، مذهبی، زبانی و سیاسی با هر رویکرد علمی که صورت بگیرد، کاملا قابل توجیه است و تشدید شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی تلقّی نخواهد شد. آزادی‌های نهادینه شده تفکر و بیان در پاکستان، این فرصت نیک را برای پیروان تمام مذاهب و اهل زبان های گوناگون در ایالت های چهارگانه و مناطق دیگر کشور فراهم آورده است تا به معرفی موجودیت، موقعیت، توانایی‌های گوناگون و آسیب‌های خویش بپردازند و جایگاه خود را در مجموع نظام به تصویر بکشند . به نظر می‌رسد این یکی از شاخص های مثبت توسعه سیاسی و اجتماعی در این کشور است که نه تنها ظرفیت های لازم برای تحقیقات آزاد علمی را فراهم کرده است، بلکه آن را با دیده مثبت و تشویق‌آمیز نیز می‌نگرند.

اثر حاضر باتوجه به زمینه ها و فرصت های مطالعاتی مناسبی که در این کشور و در کل منطقه به وجود آمده، مطالعه درباره شیعیان پاکستان را موضوع کار خود

##PAGE=13##

قرار داده است. دامنه این مطالعه به بررسی وضعیت معاصر و امروز شیعیان پاکستان در عرصه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی محدود گردیده و عمدتا ناظر به تحوّلات جاری است.

انجام مطالعاتی از این دست از آن رو ضرورت می یابد که تاکنون یک مطالعه جامع و چندجانبه درباره شیعیان پاکستان، که جمعیتی قریب ۳۰ میلیونی را تشکیل می‌دهند، انجام نگرفته است. تفاوت‌های زبانی، فرهنگی و قومی در میان شیعیان این کشور و میان آنها با کشورهای همسایه (غیر از هند)، احتمالا دلیل عمده بر عدم آگاهی صحیح و کافی از وضعیت همدیگر و برقراری روابط فعّالانه علمی- فرهنگی در داخل کشور و با همسایگان بوده است . مطالعات تاریخی و جامعه‌شناختی در سطح هریک از قومیت ها مانند پنجابی، پشتون، سندی و بلوچ، که دارای وحدت فرهنگی، زبانی و قومی هستند، از رشد خوبی برخوردار بوده، اما چنین پژوهش هایی با رویکردهای مذهبی و در خصوص زندگی پیروان مذاهب اسلامی در این کشور، انجام نگرفته یا کمتر انجام گرفته است . تحقیقات انجام شده و آثار منتشر شده درباره شیعیان پاکستان، تا آنجا که بررسی به عمل آمده، معمولا به بررسی گروه های خاص مانند روحانیت و یا جنبه های خاصی از زندگی این مردم مانند عزاداری محدود گردیده و از پرداختن به دیگر جنبه ها بازمانده است . محورهای بیشترین آثار چند دهه اخیر را، که بعضا از اعتبار علمی شایسته ای نیز بهره‌مند است، مسائلی مانند عزاداری، روحانیت، تاریخ شیعیان، مدارس علمیه، فرهنگ و عقاید، ادبیات مذهبی و امثال آن تشکیل می‌دهد.

درهم آمیختگی شیعیان با اهل سنّت و پراکندگی گسترده آنان در سطح کشور، ارائه تصویری جامع و یکدست از شرایط زندگی آنها را با دشواری مواجه کرده است. این تنها کشورهای همسایه و هم‌کیشان آنها در این کشورها نیستند که از کمّ

##PAGE=14##

و کیف این بخش بزرگ از جمعیت پاکستان آگاهی صحیح و لازم ندارند، بلکه خود شیعیان پاکستان نیز از اطلاعات اندکی نسبت به شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جمعیتی همدیگر برخوردارند. رشد سازمان‌های فرهنگی و مذهبی فراگیر (مانند «تحریک جعفریه» و سازمان «دانشجویان امامیه») در چند دهه اخیر، کمک بزرگی به تبادل آگاهی‌ها میان مناطق گوناگون و برقراری ارتباط میان آنها کرده است، اما هیچ‌یک تاکنون به انجام یک پژوهش گسترده و انتشار آن به منظور آگاهی عمومی، اقدام نکرده است.

بنابراین، ضرورت انجام مطالعات علمی در حوزه های عمومی زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شیعیان، شبیه آنچه آقایان حجۀ الاسلام محمّد ثقلین کاظمی در خصوص مدارس علمیه، مسائل فرهنگی و علما؛ حجۀ الاسلام سید عارف نقوی در خصوص علما؛ و شاهد نقوی در خصوص عزاداری انجام داده‌اند، به شدت احساس می‌شود. نوشتار حاضر صرفا گام آغازین به این سو است که انتظار می‌رود توسط دیگر محققان و نویسندگان تکمیل گردیده، به سرمنزل مقصود برسد. روش غالب در این اثر، توصیف شرایط موجود، تبیین و تحلیل آنهاست و گاهی نیز به نتیجه گیری‌های علمی توفیق یافته است. سعی اصلی بر ارائه تصویری درست و بی‌طرفانه از وضعیت عمومی شیعیان پاکستان بوده است.

ارزیابی‌ها به خوانندگان واگذار شده است تا بتوانند آزادانه به داوری بپردازند.

در گردآوری اطلاعات و معلومات، از روش های میدانی و کتاب خانه‌ای هردو بهره گرفته شده است . در اواخر سال ۲۰۰۳ و نیمه اول سال ۲۰۰۴ میلادی، مجموعا دو بار– که قریب سه ماه تمام به طول انجامید– سفرهایی به مناطق گوناگون پاکستان انجام شد . در اثنای این سفرها، از چهار ایالت پاکستان بازدید به عمل آمد و با تعدادی از شخصیت‌های بزرگ شیعه در هر ایالت به گفت‌وگو

##PAGE=15##

پرداخته شد. بررسی همه‌جانبه تمام مناطق شیعه‌نشین و یا گفت‌وگو با همه یا بیشتر بزرگان شیعه، کاری طاقت‌فرسا و از توان فردی بیرون بود. بدین‌روی، از روش نمونه‌گیری آماری استفاده شده و میدان مطالعاتی محدودتر گردید.

در بلوچستان، به شهر کویته (کوئته) مرکز این ایالت و بعضی شهرستان های نصیرآباد؛ در سند، به شهرهای کراچی، حیدرآباد، اطراف حیدرآباد، سکّر (سکّهر) و اطراف آن، خیرپور، کود دیجی [۱] و جیکب‌آباد[۲]؛ در پنجاب، به شهرهای لاهور، اسلام‌آباد، راولپندی، ملتان، لیّه،[۳] بکّر (بکّهر)[۴] و جنگ (جهنگ)؛ و در ایالت سرحد، به پیشاور، هنگو،[۵] کوهات[۶] و پاراچنار سفرهایی انجام گرفت.

---

۱ ijid toK..(1)

۲ dabA bakiaJ..(2)

۳ ayyiaL..(3)

۴ rakkaB..(4)

۵ ognaH..(5)

۶ tahoK..(6)

در جریان این سفرها، فرصت گفت وگو و آشنایی با سازمان ها و انجمن های گوناگون مانند «تحریک جعفریه» (اسلامی تحریک)، «وفاق علمای شیعه پاکستان»، سازمان «وفاق المدارس»، سازمان «دانشجویان امامیه») I. S. O (، سازمان «امامیه») I. O (، سازمان «دانشجویان اصغریه»، «تنظیم المکاتب»، «محمّدیه ترست»، «جعفریه آلاینس»،[۷] «مرکز تبلیغات اسلامی» بلوچستان، «اسلامی تبلیغاتی مشن» و برخی دیگر فراهم گردید. همچنین توفیق گفت‌وگو و مصاحبه با شخصیت‌هایی مانند علّامه ساجد علی نقوی، رهبر «تحریک جعفریه» (اسلامی تحریک)؛ ملک آفتاب جوادی، مسئول «مرکز مطالعات اسلامی» در راولپندی؛ علّامه سید افتخار حسین نقوی، دبیر کل سابق «نهضت جعفریه»؛ وکیل وزارت حسین نقوی، قائم‌مقام سابق رهبر «تحریک جعفریه»؛ سناتور حجۀ الاسلام سید جواد هادی؛ سناتور حجۀ الاسلام سید عابد حسین حسینی

##PAGE=16##

پاراچنار؛ علّامه خو رشید انور جوادی؛ برادران آخوندزاده در پیشاور؛ حجۀ الاسلام محمّد ثقلین کاظمی، محقق و نویسنده مشهور در خصوص شیعیان؛ حجۀ الاسلام شیخ محسن علی نجفی اسلام آباد؛ حجۀ الاسلام حافظ ریاض حسین نجفی، مسئول مدرسه جامعه «المنتظر»؛ آیۀ الله محمّد حسین نجفی (دکو)[۸]؛ حجۀ ا لاسلام شهید غلام حسین نجفی، از استادان جامعه «المنتظر»؛ حجۀ الاسلام سید فیّاض نقوی کراچی؛ حجۀ الاسلام سید حسن ظفر کراچی؛ استاد غلام مهدی، رئیس دانشکده «اسلامیات» دانشگاه کراچی؛ علّامه حیدر علی جوادی، از رهبران محلّی شیعه در حیدرآباد و مسئول سابق «تحریک جعفویه» در سند؛ حجج اسلام آقایان یعقوب علی توسّلی، محمّد جمعه اسدی و غلام مهدی نجفی در کویته و ده‌ها تن دیگر از گروه‌ها و طبقات گوناگون نیز میسّر گردید.

علی‌رغم تلاش های به عمل آمده در انجام هرچه بهتر تحقیق، باید متواضعانه اعتراف نمود که بسیاری از سؤالات هنوز بی‌پاسخ مانده و نویسنده توفیقی برای رسیدن به پاسخ آنها به دست نیاورده است . گرچه به لحاظ دولتی و رسمی آزادی بیان و تفکر وجود دارد، به لحاظ اجتماعی برخی مشکلاتی که در مسیر تحقیق وجود داشت، مانند فقدان منابع آماری، ناامنی و التهابات ناشی از خشونت های فرقه‌ای، بیم از انتشار اطلاعات، و بی اعتمادی ناشی از سوءاستفاده احتمالی از اطلاعات، مانع انجام بایسته پژوهش گردید . نویسنده در دوران بازدید از مؤسسات و مراکز مذهبی، فرهنگی و رفاهی شیعیان در کراچی، که بیش از هر شهر پاکستان در التهاب به سر می برد، دوبار مورد سوء تفا هم واقع شد و از سوی نیروهای امنیتی و گارد محلی مورد بازجویی ویژه قرار گرفت . نگرانی و اضطراب نسبت به گروه‌های تروریستی، به‌ویژه «سپاه صحابه» و «لشکر جنگوی» در

##PAGE=17##

محافل دولتی و شیعی بسیار شدید است و این نگرانی در بعضی ماه های سال مانند رمضان و محرّم، که سفرهای نگارنده نیز با همین ماه‌ها مصادف گردیده بود، چند برابر افزایش می‌یابد.

در واقع، تداوم خشونت های فرقه‌ای، که زمینه های هرچه بیشتر رازداری و فرورفتن زندگی در خفا و پنهان را فراهم می‌کند، این انگیزه را در افراد و گروه‌ها تقویت می‌نماید تا اطلاعات مربوط به خویش، سازمان، مؤسسه و محیط خود را

---

[۷] snialA ayirafaJ..(7)

[۸] ookaD..(1)

از دیگران، به ویژه مخالفان، مخفی نگه دارند . این وضعیت در جامعه پاکستان (میان شیعیان) کاملا محسوس است . به همین دلیل، گاهی بعضی افراد به نگارنده توصیه می نمودند که از انجام مطالعات خویش صرف نظر نماید. این شرایط کاملا قابل درک است؛ اما این سؤال همواره در ذهن مطرح می شود که تا کی اکثریت قاطع جامعه مسلمان پاکستان (اعم از شیعه و سنّی) باید مرعوب اقلّیت افراطی خشونت طلب گردد، تا جایی که فضای علمی و پژوهشی نیز در آشفتگی، رکود و تقیّه فرو رود؟ سلامت و بیداری افکار عمومی و دانش‌دوستی و پژوهش‌خواهی مردم با ظرفیت پاکستان در کنار آزادی کامل مطبوعات مجامع شیعی، که اطلاعاتشان را آزادانه منتشر می کردند، مشوّق‌هایی بودند که نگارنده را در ادامه مطالعات و تدوین این اثر تشویق می‌نمودند. بدون تردید، اگر فضای اجتماعی از این التهابات و اضطراب‌ها خالی بود کار بهتری ارائه می‌شد.

شاید افراد، مراکز، مؤسسات و گروه‌هایی که یادی از آنها در این اثر به عمل آمده وجود داشته باشند که از اصل پرداختن و یا شیوه پرداختن به مسایل آنها در این کتاب راضی نبوده و نقد یا اعتراضی داشته باشند . نگارنده پیشاپیش همه کاستی‌ها و احتمالا «عدم تقیّه» ها را پذیراست . هم‌چنین از آنان که به دلایل امنیتی و یا هر مصلحت سنجی دیگری ترجیح می‌دادند نام و یا توضیحی ارائه

##PAGE=18##

ندهند ضمن عرض پوزش، طلب رضایت می نمایم. امید است به زودی شاهد بهبودی شرایط امنیتی و بازگشت به وضعیت- دست‌کم- پیش از دهه هشتاد میلادی در این جامعه اسلامی و آزاد باشیم.

این اثر قطعا ادعای جامعیت ندارد . همچنین در گردآوری و چینش مطالب نیز هیچ گونه برخورد جانب‌دارانه و سلیقه‌ای مدّ نظر نبوده، بلکه به میزان معلوماتی که در دسترس قرار گرفته و فرصتی که برای تفحّص پیش آمده، بدون تفاوت از آنها استفاده شده است. اگر کوتاهی‌ها و اشتباهاتی ملاحظه می شود به خاطر عدم دست یابی به معلومات و یا دست یابی به معلومات ناقص در هر زمینه است. برای پیش‌گیری و جلوگیری از اندراج محتوای نادرست، تا حدّ زیادی تلاش شده است از منابع دست اول و مستقیم استفاده گردد . در بخش سازمان‌ها، مؤسسات و مراکز، صرفا به منابع معتبر و مستقیم خود آنها تکیه شده است.

مصاحبه‌ها و گفت‌وگوها یکی دیگر از منابع پایه‌ای این پژوهش بوده است. آمارها ظاهرا دقیق و علمی است، اما بعضی از آنها به خاطر عدم وجود آمارهای دقیق ، تقریبی است . در عین حال، در دسته دوم، سعی شده است به اظهارات و محاسبات خود افراد محل، مسئولان و کارشناسان یا پژوهشگران محلی، که احتمالا نزدیک ترین راه به واقع به نظر می‌رسد، استناد گردد.

هدف اصلی بر اختصار بوده است . طبیعی است در اثری که به ابعاد همه جانبه یک موضوع می پردازد، به‌ویژه موضوعی که به گستردگی یک ملت و جامعه است، نتوان انتظار کار تفصیلی و جزء به جزء داشت. رعایت اختصار محدودیت‌هایی را در پردازش به وجود می آورد که مؤلّف ناگزیر می شود به مهم‌ترین‌ها اشاره و بسنده کند و از تفصیل خودداری نماید . در صورتی که هر فصل این اثر به‌عنوان یک پژوهش مستقل مورد توجه و مطالعه قرار گیرد،

##PAGE=19##

می‌توان گفت حق مطلب ادا شده است.

این پژوهش جهت‌گیری و یا- به اصطلاح- پرسش‌های خاصی را تعقیب نموده که امید است به پاسخ آنها دست یافته باشد. مهم‌ترین پرسش این بوده است که شیعیان پاکستان باتوجه به اقلّیتشان (قریب ۲۰ درصد جمعیت کشور)، پراکندگی جمعیت و سایر عوامل و عناصر محیطی و غیرمحیطی، در چه موقعیت فرهنگی، انسانی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار دارند؟ از این پرسش عام و کلی، پرسش های جزئی تر دیگری استخراج می شود که به طور مستقل، به جمعیت، فرهنگ، اقتصاد، اجتماع و سیاست مربوط می گردد. هر فصل این کتاب در واقع، بستر پاسخ به یکی از این سؤالات را فراهم آورده است تا خوانندگان و پژوهشگران ارجمند خود چگونگی پاسخ را استخراج کنند.

مطالب مندرج در این کتاب، در هشت فصل تنظیم شده است:

فصل اول به معرفی کلی کشور پاکستان از نظر موقعیت جغرافیایی، آب‌وهوا، تعداد جمعیت، ادیان و مذاهب آن پرداخته و توضیحات مختصری درباره هر کدام ارائه داده است.

فصل دوم به جمعیت شیعه در پاکستان پرداخته و در آن تعداد جمعیت، توزیع جمعیت، تحوّلات جمعیتی و سایر مسائل مربوط به آن مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل سوم، مذهب و سازمان‌های مذهبی مورد بحث قرار گرفته است.

بررسی باورها و افکار مذهبی، سازمان‌ها و مؤسسات مذهبی محورهای اصلی این فصل را تشکیل می‌دهد.

فصل چهارم به بررسی آموزش و پژوهش در میان شیعیان توجه کرده است.

آموزش دارای سه الگوی جداگانه است که مهم‌ترین آنها آموزش مدارس علمیه

##PAGE=20##

است و در پژوهش، به آثار و تحقیقات عمده محققان شیعه اشاره شده و وضعیت عمومی آن روشن گردیده است.

فصل پنجم نظام اجتماعی شیعیان را مورد مطالعه قرار داده و- به ترتیب- به گروه‌های قومی و زبانی، روابط میان گروه‌ها و جایگاه نهادهای مذهبی در انسجام آنها پرداخته است.

فصل ششم از نظام فرهنگی شیعیان بحث کرده و آداب و رسوم، باورها و عقاید و نهادهای اصلی فرهنگساز در این کشور مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

فصل هفتم به مقوله سیاست پرداخته و جایگاه شیعیان در سیاست کشور را به بحث گذاشته است. همچنین در این فصل، به احزاب سیاسی شیعه و نقش آنها در کشور نیز اشاره شده است.

فصل هشتم مسائل اقتصادی شیعیان را در دو بخش روستایی و شهری بحث نموده است . این فصل، به مشاغل عمده، سطح درآمد، بیکاری و مؤسسات خیریه اقتصادی نیز پرداخته است.

بخش آخر کتاب با یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کوتاه به پایان می‌رسد.

در پایان، لازم می دانم از همه کسانی که به هر صورت، نگارنده را در به انجام رساندن این اثر یاری رساندند، سپاس‌گزاری نمایم، به ویژه مسئول محترم مؤسسه شیعه شناسی، حجۀ الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر محمود تقی‌زاده داوری، که پیشنهاد موضوع و نظارت علمی بر کار را برعهده داشت؛ از جناب حجۀ الاسلام آقای احمد بهشتی مهر مدیر محترم پژوهش مؤسسه شیعه‌شناسی و همکارانشان که هماهنگی‌های اداری این تحقیق را عهده‌دار بود؛ همچنین استاد حجۀ الاسلا م و المسلمین آقای محمّد جمعه اسدی (کویته) که همکاری‌های خویش را در پاکستان از من دریغ نداشت؛ برادر و هم‌دوره تحصیلم، مولانا علی

##PAGE=21##

بخش سجّادی بنبرو مقیم سکّر؛ و حجۀ الاسلام و المسلمین آقای احمد علی شاهد، مسئول مدرسه «جامعۀ الامام المهدی علیه السلام» در بکّر، که هرکدام با فراهم نمودن تسهیلات و راهنمایی های سودمند در شهرهای نام برده، امکان آشنایی مرا با مردم فراهم کردند . نیز بر خود لازم می دانم از تمام مسئولان مدارس علمیه ای که در دوران سفر در شهرهای پیشاور، پاراچنار، کراچی، ملتان، لاهور، اسلام آباد، لیّه، بکّر و جنگ از مهمان نوازی، تشویقات، صحبت ها و معلومات آنان بهره برده‌ام، صمیمانه تقدیر و تشکر نمایم. از اینکه نتوانستم از آنان و یا مدارسشان شخصا نام ببرم پوزش می‌طلبم. شایسته است در اینجا، از زحمات برادران طلبه فاضل خویش در قم، آقایان علی رضا نق وی از لاهور، دکتر عون نقوی (فرزند علّامه ساجد علی نقوی)، کاظم سلیم از بلتستان [۹] و سید سلیمان نقوی از کراچی، که هر یک مطالعه بخشی از این نوشتار را تقبّل نمودند و با پیشنهادات و اصلاحات خود بر غنای آن افزوده اند، سپاس‌گزاری نمایم. و الله المستعان

محمّد اکرم عارفی

قم، پاییز ۱۳۸۵

##PAGE=23##

فصل اول کلیات

##PAGE=25##

موقعیت جغرافیایی

پاکستان با وسعت ۰۹۶/ ۷۹۶ کیلومتر مربع یکی از کشورهای آسیای جنوبی است که بین ۳۰/ ۲۳ و ۴۵/ ۳۶ درجه عرض شمالی و ۶۱ و ۵/ ۷۵ درجه طول شرقی واقع شده است . این کشور دارای موقعیت ژئوپولیتیکی (جغرافیایی-

---

[۹] NATSITLAB.(1)

سیاسی) خاصی در آسیاست. همجواری آن با سه قدرت بزرگ آسیایی و جهانی مانند چین، هند و روسیه [۱۰] بر اهمیت ژئوپولیتیکی آن افزوده است.

پاکستان در مسیر راه ارتباطی کشورهای افغانستان و آسیای میانه به دریای آزاد و نیز هندوچین به سوی ایران و قفقاز قرار گرفته است . این کشور از شمال، با جمهوری خلق چین (۵۹۲ کیلومتر) و از شمال غرب با افغانستان (۲۲۴۰ کیلومتر) و از غرب با ایران (۸۳۲ کیلومتر) و از شرق با هند (۱۶۰۰ کیلومتر) مرز مشترک دارد.

پاکستان از لحاظ طبیعی، به پنج ناحیه تقسیم می‌شود:

۱. ناحیه کوهستانی شمالی و شمال شرقی که سلسله کوه‌های هیمالیا، سوالک،[۱۱]

##PAGE=26##

پیرپنجال و قراقرم[۱۲] در آن قرار گرفته است. ارتفاع بعضی قلّه‌های هیمالیا در خاک پاکستان به ۸/۰۰۰ متر می‌رسد که یکی از مهم‌ترین مراکز سیاحتی و کوه‌نوردی جهان به شمار می‌رود. هر ساله هزاران کوهنورد و سیّاح از ارتفاعات K ۲ و نانگا پربت[۱۳] دیدار می‌کنند.

۲. ناحیه کوهستانی شمال غربی و غربی که در امتداد مرز با افغانستان واقع شده و از ایالت سرحد شمالی به طرف بلوچستان کشیده شده است . مهم‌ترین کوه‌های این ناحیه کوه هندوکش در مناطق چترال، [۱۴] دیره و سوات، کوه سلیم ان در کویته و بلوچستان، کوه سفید از رود کابل تا رود کرم، کوه کیرتار در مرز ایالت های سند و بلوچستان و کوه های وزیرستان بین رود کرم و رود گومل[۱۵] در مناطق قبایل آزاد است.

۳. سطح مرتفع «پوتوهار»[۱۶] در شمال پنجاب، کوهستان نمک میان رود جهلم در شرق و رود سند در غرب و بلوچستان.

۴. جلگه «سند» که از شمال به جنوب کشیده شده و دو ایالت پنجاب و سند را دربر می گیرد. جلگه رود سند دارای پنج رود بزرگ ستلج،[۱۷] راوی، چناب،[۱۸] جهلم و سند است و مهم‌ترین مناطق کشاورزی پاکستان در آن قرار دارد.

۵. ناحیه کویرمانند کویر «تل» و «چولستان» در پنجاب، کویر «نارا»[۱۹] و «ترپارکر»[۲۰] در سند و کویر «چاغی» و «خاران» در بلوچستان، از خشک‌ترین و گرم‌ترین نواحی پاکستان به شمار می‌روند.

---

[۱۰] (1). فاصله پاکستان با جمهوری‌های تحت نفوذ فدراسیون روسیه در آسیای میانه از واخان، تنها20 کیلومتر است.

[۱۱] (2)..kalawaS

[۱۲] (1)..marukaruK

[۱۳] (2)..tabraP agnaN

[۱۴] (3)..lartahC

[۱۵] (4)..lamoG

[۱۶] (5)..rahotoP

[۱۷] (6)..jaltaS

[۱۸] (7)..banahC

##PAGE=27##

جمعیت

پاکستان از لحاظ جمعیت، هفتمین کشور جهان و دومین کشور اسلامی پس از اندونزی است . براساس سرشماری سال ۱۹۹۸ م/ ۱۳۷۷ ش، جمعیت آن ۰۰۰/ ۵۸۰/ ۱۳۰ نفر بوده که در سال ۲۰۰۴ م/ ۱۳۸۳ ش به ۱۵۷ میلیون نفر افزایش یافته است . پنجاب با ۲۹۰/ ۶۲۱/ ۷۳ نفر (۶/ ۵۵ درصد) پرجمعیت‌ترین ایالت این کشور و سند با ۰۰۰/ ۴۳۹/ ۳۰ نفر (۲۶ درصد) در رتبه دوم، ایالت سرحد با ۹۱۲/ ۷۳۵/ ۱۷ نفر (۴/ ۱۳ درصد) در رتبه سوم و بلوچستان با ۸۸۵/ ۵۶۵/ ۶ نفر (۵ درصد) در رتبه آخر قرار دارد.[۲۱] پرجمعیت‌ترین شهر پاکستان شهر بندری «کراچی» است که طبق سرشماری سال ۱۹۹۸ م/ ۱۳۷۷ ش جمعیت آن ۲۶۵/ ۲۶۹/ ۹ نفر بوده و اکنون بر ۱۲ میلیون تن بالغ گردیده است.

نرخ رشد جمعیت در چند دهه اخیر، سیر نزولی داشته است . در سرشماری سال ۱۹۸۱ م، ۱/ ۳ درصد ذکر شده، در سرشماری سال ۱۹۹۸ م، ۶/ ۲ درصد و در سال ۲۰۰۴ م طبق بررسی‌های دولتی، به ۲/ ۲ درصد کاهش یافته است.[۲۲]

میزان مرگ‌ومیر ۷۲ در ۱۰۰۰ کودک و سطح امید به زندگی نیز به ۶۳ سال رسیده است.[۲۳]

گروه‌ای قومی و زبانی

در پاکستان، گروه‌های قومی و زبانی متفاوتی وجود دارد. بزرگ‌ترین گروه قومی را پنجابی با ۲/ ۴۸ درصد کل جمعیت کشور تشکیل می‌دهد. پس از آن پتان/ پشتون با ۱/ ۱۳ درصد، سندی ۸/ ۱۱ درصد، بلوچ ۳ درصد و مهاجر

##PAGE=28##

۶/ ۷ درصد قرار دارند.[۲۴] علاوه بر این گروه‌های بزرگ، اقوام دیگری نیز وجود دارند که هرکدام زبان و فرهنگ خاص خود را دارد، مانند بلتی، [۲۵] گلگتی، هزاره، مغول، کشمیری، پارسیان و سید . برخی منابع تعداد جمعیت گروه های زبانی این کشور را، که به نوعی نشان‌دهنده گروه‌های قومی نیز هست، چنین ذکر کرده‌اند: پنجابی ۴۸ درصد، سندی ۱۳ درصد، سرائیکی (نوعی گویش از زبان پنجابی) ۱۰ درصد، پشتو ۱۴ درصد، اردو (رسمی) ۷ درصد، بلوچی ۵ درصد، هندکو، براهوئی، انگلیسی، بروشکی (زبان مناطق شمال) و غیر آنها ۳ درصد.[۲۶]

تقسیمات کشوری

---

[۱۹] araN..(8)

[۲۰] rekrapreT..(9)

[۲۱] (1). نذیر احمد خالد، کتابستان ورلداتلس، ص24، 28، 33 و 37.

[۲۲] (2). همان، ص18.

[۲۳] natsikaP koob tcaF dlroW ehT .AIC .WWW..(3)

[۲۴] (1). دانشنامه جهان اسلام، ج5، ص446.

[۲۵] itlaB..(2)

[۲۶] (3). ویلیام گودوین، پاکستان، ص120-121.

پاکستان از چهار ایالت «پنجاب» با مرکزیت لاهور ، «سند» با مرکزیت کراچی، «سرحد» با مرکزیت پیشاور و «بلوچستان» با مرکزیت کویته و پایتخت فدرال که «اسلام‌آباد» باشد و یک ریاست مستقل به نام «کشمیر» (۲۹۷/ ۱۲ کیلومتر مربع) تشکیل شده است. پایتخت کشور اداره دو منطقه دیگر را نیز در دست دارد: یکی مناطق شمالی (بلتستان و گلگت[۲۷])؛ دوم قبایل آزاد که در اصطلاح محلی، «فاتا»[۲۸] نامیده می‌شود. چهار ایالت نام برده دارای بخش ها و نواحی متعددی به شرح ذیل هستند:

۱. پنجاب: ۸ بخش[۲۹] و ۳۴ ناحیه (شهرستان)[۳۰]؛ ۲. سند: ۵ بخش و ۲۱ ناحیه؛ ۳. سرحد: ۷ بخش و ۲۴ ناحیه؛ ۴. بلوچستان: ۶ بخش و ۲۲ ناحیه.

##PAGE=29##

پاکستان پیش از اسلام

پاکستان در حوزه یکی از تمدن‌های بزرگ جهانی (تمدن هند) قرار گرفته است.

جلگه سند و شمال شبه قاره هند زادگاه یکی از کهن ترین تمدن‌های جهان به نام «موئنجودارو»[۳۱] شناخته شده است. سرجان مارشال درباره بقایای کشف شده چند شه ر باستانی در «کوت دیجی» و «موئنجودارو» در سند و شمال هند می‌گوید:

«این کشفیات وجود یک زندگی شهری بسیار تکامل یافته‌ای را در هزاره چهارم و سوم ق م در سند (شمالی‌ترین ایالت پریذیدنسی بمبئی[۳۲]) و پنجاب ثابت می‌کند.

در بسیاری از خانه ها، وجود چاه حمام و نیز یک شبکه دقیق فاضلاب، وضع اجتماعی شهرنشینانی را نشان می دهد که دست‌کم با آنچه در سومر [۳۳] یافت شده، برابری می کند و از آنهایی که در همین زمان در سرزمین بابل و مصر رواج داشت، برتر است.»[۳۴]

الله بخش راجپوت، یکی از کارشناسان برجسته سابق فرهنگ و تمدن پاکستان، درباره تمدن «موئنجودارو» واقع در بخش «لارکانه سند» و «هاراپا»[۳۵] واقع در ساهیوال [۳۶] پنجاب می گوید: «اما اکتشافات و حفریات عمده در دو ناحیه موئنجودارو و هاراپا به عمل آمد و در نتیجه آن حفریات، معلوم شد که تمدن درّه سند از بعضی جهات مقارن با تمدن

---

[۲۷] tigliG..(4)
[۲۸] ataF..(5)
[۲۹] snoisiviD..(6)
[۳۰] stcirtsiD..(7)
[۳۱] oradojneoM..(1)
[۳۲] iabmaB ycnediserP..(2)
[۳۳] remoS..(3)
[۳۴] (4). ویل دورانت، تاریخ تمدّن، ج 1، ص 457.
[۳۵] aparaH..(5)
[۳۶] laweehaS..(6)

بین النهرین بوده و قریب به ۱۵۰ الی ۲۳۰۰ سال قبل از میلاد وجود داشته است. در این نواحی، شهرهایی کشف شد که دارای برج و بارو و استحکامات خشتی و منازل و اماکن و ابنیه آجری بوده و ساختمان ها در دو طرف کوچه های عریض و برطبق نقشه صحیح دیده می‌شد.»[۳۷] همچنین

##PAGE=30##

ایشان تمدنی را که در «کوت دیجی» ۲۵ مایلی شرق موئنجودارو کشف شده نیز بسیار حایز اهمیت دانسته است.

تمدن سند به دوران شکوه اقوام «دراویدی»، که ساکنان اصلی این سرزمین بودند، برمی گردد. دراویدی‌ها مردمانی تیره‌رنگ، دارای بینی پهن و قد کوتاه بودند که امروز در بنگلادش، دکن و بر خی شهرهای دیگر هند هنوز هم وجود دارند. آنها مردمانی متمدن و دریانوردان و بازرگانانی ماهر بودند که تا سومر و بابل در دریا سفر می کردند. آیین رسمی آنها «مارپرستی» بود، اما «توتم‌پرستی» نیز در میان آنان بسیار رواج داشت . قریب هزار سال بعد از دراویدی ها، آریایی‌ها، که مردمان جنگجو و کوچ نشین بودند، از استپ های «اوراسی» وارد مرزهای شمالی هند گردیدند و تا جنوبی‌ترین نقاط آن به پیش‌روی خود ادامه دادند. گفته می‌شود که نخستین مکان ثابت آنها حوزه سند بوده است.[۳۸]

در حدود قرن پنجم پیش از میلاد، دو مذهب معروف «بودیسم» و «جین» به وسیله بودا[۳۹] و مهاویرا[۴۰] در این سرزمین بنیان‌گذاری شد. بودا و مهاویرا در خانواده های اشرافی بزرگ شده بودند و توانستند به سرعت، در میان تمام طبقات و کاست‌های جامعه هندی نفوذ کنند . این دو پیشوای مذهبی راهبان خود را از میان تمام کاست ها انتخاب می کردند.[۴۱] همین امر انگیزه گرایش کاست‌های گوناگون به این دو مذهب را تقویت می‌کرد.

در سال‌های ۳۲۵– ۳۲۷ ق م، اسکندر مقدونی به حوزه سند هجوم برد و حکومت های محلّی را تابع خود ساخت . اما حضور وی چندان به درازا نکشید و

##PAGE=31##

قریب سال ۳۲۲ ق م چاندراگوپتا موریا [۴۲] سپاه اسکندر را از سند بیرون راند و خود بنیان سلسله «گوپتاها» را پایه‌گذاری کرد. او با تصرف امپراتوری «ماگادها» در حوزه «جمنا– گنگ»، کنار رود کابل و دره هیرمند، قلمرو خویش را توسعه داد.

در قرن اول ق م، «کوشانی‌ها»، که طایفه‌ای از آسیای میانه بودند، کابل را تصرف نموده، آن را پایتخت خود قرار دادند. آنها از آنجا بر سراسر شمال غربی هند و بیشتر آسیای میانه مسلّط شدند. کوشانی‌ها بناهای عالی در پیشاور و تیکسلا[۴۳] ساختند و آیین بودا را ترویج و علم و هنر را گسترش دادند.[۴۴]

---

[۳۷] (7). الله بخش راجپوت، فرهنگ پاکستان در ادوار قبل از مسیح، ص20.

[۳۸] (1). آرنولد توین بی، تاریخ تمدّن، ص172.

[۳۹] (2)..ahdduB

[۴۰] (3)..arivahaM

[۴۱] (4). آرنولد توین بی، تاریخ تمدّن، ص271.

[۴۲] (1)..ayruaM atpuG ardnahC

[۴۳] (2)..alxiT

به گفته آرنولد توین بی، «حوزه سند- نه حوزه جمنا- گنگ- از قرن دوم ق م به بعد تا سقوط امپراتوری کوشان در قرن سوم میلادی، مرکز هند شمالی به شمار می‌رفت.»[۴۵]

ساکنان حوزه سند و جنوب هند قرن ها پیش از ظهور اسلام، با سواحل جنوبی دریای عمان، اعراب و بلاد ساحل خلیج‌فارس روابط بازرگانی داشتند. بازرگانان عرب ادویه، عطریات، پارچه، میوه و اشیای دیگر از هند به عراق، سوریه و مصر وارد می‌کردند و در مقابل، کالاهای تولیدی خود را به هند صادر می‌نمودند.[۴۶]

در قرن هفتم میلادی، که اسلام در شبه جزیره عربستان ظهور کرد، این روابط بازرگانی نقش قابل توجهی در آشناسازی ساکنان ساحلی شبه‌قاره با اسلام ایفا نمود . تعدادی از بازرگانان عرب در شهرهای ساحلی هند و سند، سکونت اختیار کردند و مساجد و عبادتگاه‌هایی برای خود بنا نهادند و تعدادی از اهالی بومی هند نیز به آیین اسلام گرویدند.[۴۷]

##PAGE=32##

ورود اسلام به پاکستان

براساس شواهد موجود، اولین جرقه‌های اسلام به وسیله بازرگانان عرب در شهرهای ساحلی هند زده شد . تعدادی از مردم «دیبل» در زمان پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و اله نسبت به اسلام اطلاعاتی به دست آورده بودند و حتی در برخی منابع تاریخی، از آمدن هیأتی از سند به حضور پیامبر در مدینه و اعزام یک گروه تبلیغی پنج نفره از سوی پیامبر به سند نام برده شده است.[۴۸]

در زمان خلیفه دوم، اسلام از مسیر خشکی به مرزهای هند نزدیک شد.

کرمان و سجستان اولین شهرهای مجاور هند بودند که در سال های ۲۳ و ۲۴ ه به تصرف مسلمانان درآمدند . سیستان (سجستان) به یکی از مراکز مهم مرزی استقرار نیروهای اسلامی تبدیل شد. ابن اثیر می‌نویسد: سپاه اسلام در سال ۲۳ به سرزمین «مکران» وارد شد[۴۹] و در سال‌های ۲۴ و ۲۵ عبد اللّه بن عامر، حاکم سجستان، به فرمان عثمان، خلیفه سوم، به طرف کابل دست به پیشروی زد و عبد اللّه بن سمره، فرمانده عبد اللّه بن عام ر در داخل بلوچستان پاکستان، تا حوالی مابین زرنج و کش پیشروی نمود.[۵۰]

به نظر می رسد تا نیمه های نخست سده اول هجری، اسلام تنها به پیشروی محدودی در بلوچستان و سند موفق شده باشد؛ چنان‌که در زمان خلافت حضرت علی علیه السّلام (۳۸ و ۳۹ ه) دسته‌ای از سپاهیان اسلام به فرمان‌دهی حارث

---

[۴۴] (3). ویل دورانت، تاریخ تمدّن، ج1، ص516.
[۴۵] (4). آرنولد توین بی، تاریخ تمدّن، ص384.
[۴۶] (5). شیخ محمّد رفیق و دیگران، تاریخ پاکستان و هند، ص20.
[۴۷] (6). همان، ص23.
[۴۸] (1). میرزا امام علی بیگ، سند اور اهلبیت، ص25.
[۴۹] (2). ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج3، ص45/ محمّد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج4، ص181.
[۵۰] (3). همان، ص86 و 128.

بن مرّه عبدی تا «قیقان»،[۵۱] که یکی از بلاد سند بود، موفق به پیشروی شد و با فتح مناطقی، غنایم زیادی نیز به دست آورد.[۵۲] حارث به سال ۴۲ ه در سرزمین قیقان

##PAGE=33##

واقع در سند کشته شد . پس از او به سال ۴۴ ه در زمان حکومت معاویه، مهلّب بن ابی صفره برای حکومت «مکران» تعیین گردید.[۵۳] به گفته نویسنده تاریخ فرشته، مهلّب بن ابی صفره اولین کسی بود که در سال ۲۸ ه قدم به سرحد هندوستان نهاد و در سال ۴۴ ه «از حوالی مرو به کابل و زابل آمد و به هندوستان درآمده، با کفّار غزا کرد و ده دوازده هزار جواری و غلمان اسیر ساخت و در آن مدت، بعضی از مردم هند جسته جسته به وحدانیت الله و نبوّت رسالت پناه اقرار نموده و مسلمان شدند.»[۵۴]

در زمان معاویه، مکران تحت فرمان سنان بن سلمه به پایگاه مسلمانان تبدیل شد، اما گسترش چشمگیر اسلام در سند و پنجاب تا زمان حجّاج بن یوسف ثقفی، و الی ولید بن عبد الملک بر عراق، به تأخیر افتاد . حجّاج در سال ۸۹ یا ۹۳ ه محمّد بن قاسم را برای آزادی زنان مسلمانی که توسط گشتی های حاکم «دیبل» در آب‌های ساحلی دیبل (تتّه/ تهتّه)[۵۵] به اسارت درآمده بودند، همراه شش هزار نفر به طرف سند فرستاد. محمّد بن قاسم شهر بندری دیبل (تتّه) را تصرف کرد و چهار هزار تن را در آنجا سکونت داد. او با سپاه ورزیده خود، پیشروی به طرف مقرّ حاکم سند، راجه داهر،[۵۶] را ادامه داد و با عبور از «مهران»، داهر را طی جنگی به قتل رساند و سپس به برهمن‌آباد (حیدرآباد کنونی) وارد شد و با تصرف آن شهر، رو به جانب پنجاب نهاد و ملتان را نیز تصرف کرد.

ظاهرا پیشروی اسلام به شبه‌قاره در همین‌جا متوقف شد و تا آخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم ه، که غزنویان روی کار آمدند، تحوّل عمده‌ای به چشم نمی‌خورد. از قرن پنجم به بعد، غزنویان، غوریان، سلاطین دهلی و حکمرانان

##PAGE=34##

مغول- به ترتیب- هند را تحت سیطره خود درآوردند و حکومت های خود را در آن سرزمین پهناور تشکیل دادند . سلطان محمود غزنوی در سال ۳۹۲ ه اولین تهاجم خود بر هند را، که سرآغاز تهاجم‌های متوالی بعدی گردید، آغاز کرد. ابن اثیر انگیزه محمود از این تهاجم را جهاد و کفّاره کشتار مسلمانان در خراسان و آسیای میانه دانسته است.[۵۷]

محمود در سال ۱۰۰۱ م/ ۳۹۲ ه جیبال، پادشاه برهمنی کابلستان، را با مرکزش «ویهند»[۵۸] در ساحل سند شکست داد، و «پیشاور» را مرکز نظامی قرار داد. در سال ۱۰۰۵ م/ ۳۹۶ ه از راه گومل و دیره‌جات به ملتان رفت و حکومت ملتان

---

[۵۱] naqeeQ..(4)

[۵۲] (5). همان، ص381/ احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ص613.

[۵۳] (1). احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ص187.

[۵۴] (2). محمّد قاسم فرشته، تاریخ فرشته، ج 1، ص 16.

[۵۵] hattaT..(3)

[۵۶] rihaD..(4)

[۵۷] (1). ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج9، ص169.

[۵۸] dnahiW..(2)

را، که مذهب اسماعیلی داشت، منقرض نمود . در سال ۱۰۰۷ م به پنجاب حمله کرد و در سال ۱۰۱۴ م تانیسر[۵۹] و در ۱۰۱۵ م کشمیر و در ۱۰۱۷ م قنوج[۶۰] را فتح کرد.[۶۱]

سلطان محمود به شدت مذهبی (پیرو مذهب شافعی) بود. او در گسترش اسلام، ترویج زبان و ادبیات فارسی در هند و پاکستان و نیز تقویت مدارس دینی و علما و مبارزه با علوم عقلی، نقش برجسته ای ایفا کرد.[۶۲] تعصّب مذهبی محمود از او شخصیتی خشن و بی‌رحم در مقابل مذاهب دیگر ساخته بود. او در دوران تصرف ملتان، جمعیت زیادی از اسماعیلیان را از دم تیغ گذراند و نسبت به شیعیان نیز بسیار سختگیر بود و گفته می شود که او بزرگ‌ترین ضربه را به رشد شیعه در پنجاب و سند وارد کرد.

پس از انقراض سلسله غزنوی به دست سلجوقیان و غوریان، علاء الدین

##PAGE=35##

غوری، مؤسس سلسله غوری ها، بر قلمرو غزنویان مسلّط شد . شهاب الدین محمّد غوری در سال ۱۱۷۸ م ملتان و در سال ۱۱۷۹ م پیشاور و در سال ۱۱۸۱ م لاهور و در سال ۱۱۸۶ پنجاب را فتح نمود.[۶۳] قطب الدین ایبک، حاکم غور،[۶۴] بعدها دهلی را فتح کرد و آن را پایتخت خود قرار داد . تمدن و فرهنگ دوره غوری دنباله تمدن و فرهنگ دوره غزنوی است، با این تفاوت که تعصّب مذهبی در دوران غوریان به مراتب، کمتر از دوران غزنویان بود . از این‌رو، دربار شاهان غوری محل تجمّع دانشمندان مذاهب مختلف قرار گرفت.

پس از وفات محمد غوری، قطب الدین ایبک (۱۲۰۶– ۱۲۱۰ م) اداره امور هند را در دست گرفت . او «دهلی» را دار الحکومه خود قرار داده و از آنجا تقر یبا بر تمام شبه قاره هند حکم می راند.[۶۵] پس از قطب الدین، شمس الدین التمش (۱۲۱۱– ۱۲۳۶ م) و سپس خاندان خلجی (۱۲۹۰– ۱۳۲۰ م)، که گفته می شود اصالتا ترک نژاد بودند و در سرزمین افغانستان زندگی می‌کردند، سلطنت دهلی را در اختیار گرفتند.

در عصر سلاطین دهلی، دانش و فن از رشد چشم گیری برخوردار گردید؛ به ویژه سقوط بغداد و هجرت تعدادی از عالمان و اندیشمندان اسلامی به دهلی، بر رشد و رونق علم در دهلی بیش از پیش افزود .[۶۶] شهزاده محمّد، فرزند بلبن،[۶۷] علاقه شدیدی به علما و پیشوایان صوفیه داشت . او شخصا از شیخ عثمان ترمذی و شیخ سعدی برای حضور در دهلی، دعوت به عمل آورد . امیر خسرو یکی دیگر از ستاره های درخشان علم و ادب در این دوره بود که سرپرستی کتابخانه‌های

---

[۵۹] resinaT..(3)

[۶۰] hcoonaQ..(4)

[۶۱] (5). غلام محمّد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ص106.

[۶۲] (6). همان، ص107.

[۶۳] (1). همان، ص132.

[۶۴] rouhG..(2)

[۶۵] (3). محمّد علی چراغ، تاریخ پاکستان، ص119-120.

[۶۶] (4). شیخ محمّد رفیق و دیگران، تاریخ پاکستان و هند، ص349.

[۶۷] nablaB..(5)

##PAGE=36##

«سلطان جلال الدین خلجی» را به عهده داشت.[۶۸]

از مدارس معروف تأسیس شده این دوران، می توان به مدرسه «جالندر»، که به وسیله شمس الدین التمش ساخته شد، اشاره نمود.

عصر مغول‌ها (۱۵۲۶– ۱۸۵۷ م)، که با سلطنت ظهیر الدین محمّد بابر (۹۳۴– ۹۳۷ ه/ ۱۵۲۷– ۱۵۳۰ م) آغاز شد، یکی از درخشان‌ترین دوران تاریخ شبه‌قاره به شمار می‌رود. سلاطین مغولی هند امپراتوری عظیم خود را در سراسر هند مستقر کردند و تمام حکمرانان محلی را به تدریج، فرمانبردار خود ساختند . از این‌رو، حکومت مغولی هند بزرگ ترین و قدرت‌مندترین حکومت در تاریخ هند شناخته می شود. همچنین این سلطنت از این نظر نیز حایز اهمیت است که آخرین سلسله حکومت مسلمانان در هند است؛ زیرا با فروپاشی آن در سال ۱۸۵۷ م، هند رسما تحت مستعمره بریتانیا درآمد و نظام سیاسی مسلمانان هند به نظام انگلیسی و سپس هندی تغییر شکل داد.

سلاطین مغولی غالبا علم‌دوست و ادب پرور بودند. در میان آنان، همایون (۱۵۳۰– ۱۵۵۶ م/ ۹۳۷– ۹۶۴ ه) و اکبر شاه بیش از همه در این وادی می درخشند. در دوران مغول ها، قریب یکصد هزار مدرسه در قلمرو حکومت آنان وجود داشت.[۶۹]

جهانگیر شاه مغول در دوران حکومت خود، قانونی در زمینه توسعه علم و فرهنگ اسلامی وضع کرد که متن آن چنین بود: «در تمام قلمرو حکومت، اگر ثروتمند و یا تاجر خارجی بدون وارث بمیرد، تمام املاک و ثروت او به دولت

##PAGE=37##

منتقل شده و درآمد آن برای مدارس و خانقاه‌ها مصرف گردد.»[۷۰]

با سقوط سلسله مغولی (۱۸۵۷ م) و روی‌کار آمدن حکومت دست نشانده انگلستان در هند، زوال سیاسی و فرهنگی مسلمانان در شبه‌قاره آغاز شد.

در دوران سلطه استعمار بریتانیا، جنبش های آزادی‌خواهانه اسلامی تحت رهبری مولوی احمد الله، مولوی احمد شاه فیض‌آبادی، نانا صاحب، مولوی عظیم الله و افراد دیگر تحت عنوان «مجاهدین» و حیدر علی و فرزند نامدار او تیپو سلطان آغاز شد که به تدریج، همه آنها سرکوب گردید . اما مبارزه فکری و فرهنگی روحانیان و رو شن‌فکران مسلمان مانند علّامه اقبال همچنان ادامه یافت. مبارزات فکری مسلمانان پس از یک دوره نسبتا طولانی، سرانجام به ثمر نشست و در سال ۱۹۴۷ م به خروج انگلیسی ها و استقلال پاکستان منجر گردید . بدین‌سان، اقتدار سیاسی و فرهنگی مسلمانان از نو در این سرزمین احیا گردید. اما گرایش دولت در این کشور، «سکولاریستی» و به تعبیر دیگر، مبتنی بر «جدایی دین از سیاست » است که در آن، تنها به جنبه های فردی و معنوی دین توجه می شود. از این‌رو، «جمهوری اسلامی پاکستان» علی رغم تمایلات اولیه تعداد زیادی از بنیان گذاران آن مبنی بر اسلام یت نظام، هنوز نتوانسته است هویّت

---

[۶۸] (1). همان، ص349.

[۶۹] (2). همان، ص693.

[۷۰] (1). همان، ص695.

اسلامی خود را به صورت شایسته باز یابد . به احتمال زیاد، قائد اعظم محمّد علی جناح نیز به ایجاد یک نظام و کشور اسلامی تمایل داشت . او در سخنرانی تاریخی خود، در جمع سران حزب «مسلم لیگ » در سال ۱۹۴۵ گفت: «ما کشوری می‌خواهیم تا بتوانیم در آن براساس دستورات شریعت محمّدی زندگی کنیم.»[۷۱]

##PAGE=38##

تاریخ تشیّع در پاکستان

مبدأ تاریخ ورود تشیّع در هند و پاکستان به دوران خلافت حضرت علی علیه السّلام برمی گردد. در زمان خلافت آن حضرت، حارث بن مرّه عبدی از طرف حضرت مأمور فتح «قیقان» و برخی بلاد دیگر در سند گردید. همچنین در سال ۳۶ ه پس از واقعه جمل، حسکهٔ بن عتاب حبطی و عمران بن فیض (از خوارج) به سیستان وارد شدند و آنجا را تصرف کردند. آنگاه حضرت علی علیه السّلام با اعزام عبد الرحمان بن جرو الطائی دوباره سیستان را از وجود خوارج پاک‌سازی نمود.[۷۲] در همین ایام، تعدادی از پیروان حضرت علی علیه السّلام در سند وجود داشتند که نویسنده کتاب شیعه در هند در این باره می‌نویسد: «بخشی از مردم جت [۷۳] [زط] در منطقه سند [قیقان] ارادتی عمیق نسبت به حضرت علی علیه السّلام داشتند، تا آنجا که بعضی از آنان با انتساب الوهیت به حضرت علی علیه السّلام موجب برانگیخته شدن خشم آن حضرت شدند.»[۷۴]

حضرت علی علیه السّلام تعدادی از این مردم را به نگهبانی بیت المال بصره گماشت.

در همین زمان، کم‌وبیش در غور نیز پیروان مذهب شیعه وجود داشتند . شنسب، رئیس قبیله «شنسب» و حاکم غور، که فاتح شمال هند نیز بود، پس از آگاهی از مقام و شخصیت حضرت علی علیه السّلام به وسیله بازرگانان، عازم کوفه گردید و به دیدار آن حضرت نایل آمد . ابو عمر منهاج الدین (معروف به قاضی منهاج سراج جوزجانی) مؤلّف کتاب طبقات ناصری می‌گوید:

ایشان [سلاطین شنسبانی] را «شنسبانیان» خوانند به نسبت پدری که بعد از نقل فرزندان ضحّاک در بلاد غور بزرگ شد و شهم و قوی رسید

##PAGE=39##

و نام گرفت. و غالب ظن آن است که در عهد خلافت امیر المؤمنین علی- رضی الله- بر دست علی- کرّم الله وجهه- ایمان آورد و از وی عهدی و لوایی بستند . و هرکه از آن خاندان به تخت نشستی، آن عهد و لوای علی بدو دادندی، و محبت ائمّه و اهل بیت مصطفی صلّی اللّه علیه و اله در اعتقاد ایشان راسخ بود.[۷۵]

---

[۷۱] (2). اشتیاق حسین قریشی، جد و جهد پاکستان.

[۷۲] (1). ابن اثیر، الکامل فی تاریخ، ج3، ص264.

[۷۳] (2)..taJ

[۷۴] (3). سید عبّاس اطهر رضوی، شیعه در هند، ج1، ص229.

[۷۵] (1). قاضی منهاج سراج جوزجانی، طبقات ناصری، ج1، ص319-320.

مورّخ مشهور هندی، محمّد قاسم فرشته، نیز ماجرای سفر شنسب به کوفه و دیدارش با حضرت علی علیه السّلام را نقل کرده است.

سلاطین دودمان شنسبانی چهار گروه بودند که چهار مرکزیت داشتند : فیروز کوه، بامیان، غزنی و هندوستان . در دوران شنسب، «شعار اسلام تا نهایت بلاد هندوستان، که به دریای چین متصل است، ظاهر گشت.»[۷۶]

دوست‌داران اهل بیت علیهم السّلام در سند ارتباط خود با ائمّه اطهار علیهم السّلام و سایر بزرگان شیعه در مدینه و عراق را در عصر حکومت اموی ها و عبّاسی ها نیز حفظ کردند . جمعی از سندی ها به‌عنوان خدمت‌کار در محضر ائمّه معصوم علیهم السّلام خدمت می‌کردند؛ مانند حوریه سندیه همسر امام سجّاد علیه السّلام- که زید شهید از او به دنیا آمد- غلام زید شهید، غلام سندی در منزل امام صادق علیه السّلام و فتح بن عبد اللّه سندی (ابو نصر) غلام آل حسن بن حکم که بعدا آزاد شد و یکی از فقها و متکلّمان معروف گردید . عده‌ای نیز به قصد زیارت ائمّه اطهار علیهم السّلام از سند به مدینه می‌آمدند؛ مانند عالم نصرانی که از سند به محضر امام رضا علیه السّلام رسید و در مجلس مباحثه حضرت با جاثلیق اسلام آورد.[۷۷] و نیز ابو اسماعیل سندی که از سند به خدمت امام رضا علیه السّلام، آمد . همچنین هیأتی که از طرف پادشاه سند و بعدا

##PAGE=40##

خود شاه با هدایای زیاد به زیارت امام کاظم علیه السّلام آمدند و اسلام آوردند.[۷۸]

همچنین تعدادی از رجال سندی مانند ابراهیم سندی، ابان سندی، خلّاد سندی، فرج سندی، سندی بن ربیع، صباح بن نصر سندی و ابو معشر سندی در حلقه شاگردان علمی امام صادق علیه السّلام و دیگر ائمّه اطهار علیهم السّلام قرار داشتند که بعضی از آنها به مراتب عالی فقه، حدیث و کلام نیز دست یافتند.

عده‌ای از پیروان زید شهید سندی بودند و فردی به نام زیاد هندی سندی در سال ۱۲۱ ه در رکاب زید بن زین العابدین علیه السّلام جنگید و کشته شد . در دوران بنی امیّه تعدادی از شیعیان از اذیت و آزار خلفای اموی به سند، غور و خراسان پناه آوردند.

در سال‌های ۱۴۰ و ۱۴۱ ه، منصور، خلیفه دوم عبّاسی، عمرو بن حفص معروف به «هزار مرد» را به‌عنوان فرماندار سند تعیین کرد. عمرو بن حفص یکی از شیعیان حضرت علی علیه السّلام بود . او از قیام محمّد و ابراهیم، پسران عبد اللّه بن حسن علیه السّلام، علیه منصور عبّاسی در سال ۱۴۵ ه حمایت به عمل آورد و به عبد اللّه اشتر، پسر محمّد بن عبد اللّه، پناه داد و زمینه اقامت و سکونت او را در سند فراهم کرد . عبد اللّه اشتر ده سال تمام در سند به تبلیغ شیعه پرداخت و قریب ۴۰۰ تن از دانایان زیدیه گرد او جمع شدند.[۷۹] عبد اللّه در زمان هشام بن عمرو تغلبی، که به جای عمرو بن حفص به‌عنوان حاکم سند تعیین شده بود، کشته شد و طرف داران او در نقاط گوناگون سند پراکنده شدند . در قرن سوم، ابو عبد

---

[۷۶] (2). همان، ص323.

[۷۷] (3). محمّد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج49، ص77.

[۷۸] (1). میرزا امام علی بیگ، سند اور اهلبیت، ص45- 46 به نقل از: محمّد باقر مجلسی، بحار الانوار.

[۷۹] (2). ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج5، ص595- 596.

اللّه جعفر بن محمّد، از فرزندان نسل چهارم حضرت علی علیه السّلام، وارد ملتان شد و به تبلیغ شیعه اسماعیلی پرداخت.[۸۰]

##PAGE=41##

در بلوچستان، همسایه غربی سند، نیز شیعه سابقه ای طولانی دارد. سیستان و بلوچستان اولین نواحی بودند که سربازان اسلام در زمان عمر و در زمان حضرت علی علیه السّلام بدان جا وارد شدند . در دوران اموی ها، که شیعیان، به ویژه علویان، در جزیرهٔ العرب تحت فشار قرار گرفتند، تعدادی از آنها به طرف هند و از جمله بلوچستان پناه آوردند . بیشتر تاریخ‌دانان پاکستانی و غربی معتقدند : تعدادی از بلوچ ها، که طرفدار اهل بیت علیهم السّلام بودند، پس از شهادت امام حسین علیه السّلام، از اطراف کربلا به سمت ح لب کوچ کردند و سپس از راه کردستان و دامنه کوه های البرز به سیستان، مکران و کچئی[۸۱] مهاجرت نمودند.[۸۲] جغرافی‌دانان قرن چهارم مانند شمس الدین محمّد مقدّسی در کتاب احسن التقاسیم فی معرفهٔ الاقالیم و ابو اسحاق ابراهیم اصطخری در کتاب ممالک و مسالک، بلوچ های ساکن کرمان را شیعه دانسته اند اصطخری می‌گوید: «و غالب بر اهل رودبار و قوهستان[۸۳] ابی غانم و بلوص [بلوچ] و منوگان مذهب شیعه است.»[۸۴]

به نظر می رسد تحلیل میر نصیر خان احمد زئی، نویسنده کتاب تاریخ بلوچ و بلوچستان، راجع به اقوام بلوچ و مذهب آنها، قابل‌قبول‌تر از آثار مستشرقان باشد. میر نصیر خان احمد زئی سابقه تاریخی و نژادی مردم بلوچ را از مسئله مذهب آنها جدا دانسته و گفته است : بلوچ‌ها احتمالا با کردها هم نژاد هستند و دست کم ۸۵۳ سال قبل از میلاد به بلوچستان آمده‌اند و یا از اقوام آسیای میانه و ایرانی هستند که قریب ۳۸۰۰ سال قبل از میلاد به این ناحیه هجرت کرده اند.[۸۵] اما اکراد بلوچ، که در نواحی توران، مکران و سیستان زندگی می‌کردند، در زمان

##PAGE=42##

خلیفه دوم، با اسلام آشنا شدند و در زمان حضرت علی علیه السّلام جزو قلمرو خلافت آن حضرت قرار گرفتند . به همین دلیل، وفاداری خود را نسبت به حضرت علی علیه السّلام در دوران مخالفت آن حضرت با معاویه حفظ کردند.[۸۶]

معاویه با آگاهی از وفاداری این مردم نسبت به حضرت علی علیه السّلام، سعی می کرد با دل جویی از آنها، رضایت و سکوتشان را فراهم نماید .[۸۷] پس از فوت معاویه و روی کار آمدن یزید و به شهادت رساندن امام حسین علیه السّلام، مردم حجاز، عراق و ایران از یزید نفرت پیدا کردند . قبایل اکراد بلوچ به طرف داری از مظلومیت حضرت امام حسین علیه السّلام، عزاداری برپا کردند و در این عزاداری، ۱۱۶ قبیله بلوچ شرکت کودند.[۸۸] این واقعیت از طرف تاریخ‌پژوهان

---

[۸۰] (3). سید عبّاس اطهر رضوی، شیعه در هند، ص234- 235.

[۸۱] (1)..iahcaK

[۸۲] (2). بهادر لاله هتورام، تاریخ بلوچستان، ص8 و 13/ ایدوارد. ای. الیور، پتان اور بلوچ، ص49- 52.

[۸۳] (3)..natsehoK

[۸۴] (4). ابراهیم اصطخری، ممالك و مسالك، ص167.

[۸۵] (5). میر نصیر خان احمد زئی، تاریخ بلوچ و بلوچستان، ص10- 13.

[۸۶] (1). همان، ج 3، ص 20.

[۸۷] (2). همان، ص 55.

[۸۸] (3). همان، ص 74- 75.

شبه‌قاره و حتی غیر آنها پذیرفته شده که مذهب اولیه مردمان بلوچ شیعه دوازده امامی بوده که آثار آن در فرهنگ، تاریخ و سنّت‌های این مردم، امروز نیز به خوبی مشهود است.

بلوچ‌ها در گذشته، نه تنها پاس داران تشیّع در نواحی ایالت بلوچستان امروزی بوده‌اند، بلکه مبلّغان و مروّجان شیعه در سند و پنجاب نیز بوده اند. محمّد قاسم فرشته معتقد است : میر شهداد بلوچ، پسر چاکر خان، بنیانگذار و مروّج شیعه در ملتان به شمار می‌رود.[۸۹] در ایّام حکومت حسین لنکاه [۹۰] (شیعه مذهب) (م ۹۰۴ یا ۹۰۸ ه) بر ملتان، ملک سهراب بلوچ همراه قوم خود، «روهیله»،[۹۱] و سرداران قبیله سهیلیه «جام بایزید» و «جام ابراهیم»- به ترتیب- از کچئی و مکران و سند به ملتان مهاجرت کردند و از طرف حسین لنکاه در نواحی قلعه «کوت کرور» تا «دنکوت» (دهنکوت) و «سنیت پور»[۹۲] مستقر شدند.[۹۳] به همین دلیل، امروز

##PAGE=43##

[۹۴]

##PAGE=43##

اکثریت قاطع بلوچ‌های سند و پنجاب شیعه هستند.

در سال ۸۸۰ ه، که سلطان محمّد شاه گجراتی پنجاب را فتح کرد و وارد سرزمین «شور» شد، نیروهای او گزارش دادند:

در عقب ولایت شور، مملکتی است سند نام که تعلّق به پادشاه سند دارد و چهار ه زار خانه دار از قبیله بلوچ در آنجا متوطن‌اند و چهار هزار مرد از میان آن الوس [۹۵] بیرون می آیند و در تیراندازی مو می شکافند و بلوچان همه رافضی مذهب‌اند و جبان نیز به تبعیّت آنها مذهب رافضیان پیش گرفتند.[۹۶]

اما در سده های اخیر، نفوذ شیعه در میان قبایل بلوچ به شد ت رو به کاهش نهاده که عامل عمده آن سیطره سلاطین سنّی‌مذهب و نبود فعالیت های کافی روحانیت شیعه در این مناطق بوده است . تداوم این شرایط در بیابان های خشک و سوزان بلوچستان سرانجام، به ضعف و انقراض شیعه منتهی شد، به گونه‌ای که امروز تنها در حواشی شاه راه «کویته- سند» می‌توان جمعیت پراکنده شیعه را مشاهده کرد . اما از سوی دیگر، نفوذ و حضور شیعیان در مرکز بلوچستان طی قرن بیستم میلادی رو به افزایش گذاشت . در پی جنگ های خونین مذهبی در سال های ۱۸۹۱ و ۱۸۹۲ میلادی در افغانستان، که طی آن عبد الرحمان، پادشاه آن کشور، حملات سنگین خود را بر هزارجات افغانستان متمرکز کرد و

---

[۸۹] (4). محمّد قاسم فرشته، تاریخ فرشته، ج2، ص90.

[۹۰] (5).haknaL..

[۹۱] (6).halehoR

[۹۲] (7).rooptenaS..

[۹۳] (8). همان(نسخه اردو)، ج 2، ص918.

[۹۴] عارفی، محمد اکرم، شیعیان پاکستان، 1جلد، شیعه شناسي - قم، چاپ: اول،1385 هـ.ش.

[۹۵] (9). الوس یعنی مردم.

[۹۶] (10). همان(نسخه فارسی)، ج 2، ص199.

قسمت زیادی از سرزمین‌های هزاره‌های شیعه را در قندهار، ارزگان و مرکز افغانستان تصاحب نمود، تعداد زیادی از این مردم به بلوچستان پاکستان، آسیای میانه و ایران مهاجرت کردند . از آن تاریخ به بعد، هجرت هزاره ها به شهر «کویته» ادامه

##PAGE=44##

یافته است و امروز بخش قابل توجه جمعیت این شهر را تشکیل می دهند. کویته مرکز ایالت بلوچستان به مهم ترین مرکز تجمّع شیعیان بلوچستان در قرن بیستم تدبیل شده است . پس از حضور شیعیان هزاره در آنجا، شیعیان سایر مناطق پاکستان نیز به تدریج ، به این شهر روی آورده اند که امروز در مجموع، قریب یک چهارم جمعیت این شهر را تشکیل می‌دهند.

شیعیان اسماعیلی از قرن سوم ه به سرزمین پاکستان راه یافتند . ملتان، شهر مهم پنجاب، اولین شهری بود که توجه اسماعیلی‌ها را به خود جلب کرد. در سال ۲۷۰ ه/ ۸۸۳ م، هیثم، داعی اسماعیلی، از طرف منصور الیمان، داعی یمنی، به سند فرستاده شد و همزمان با آن، هیأت تبلیغی اسماعیلیه در ملتان نیز به ترویج افکار و عقاید خود مشغول بود .[۹۷] ظاهرا در سال ۲۸۷ ه/ ۹۰۰ م عبد اللّه قرمطی ملتان را تصرف کرده و در سال ۳۷۳ ه/ ۹۸۳- ۹۸۴ م اسماعیلی‌های ملتان به کمک عزیز، خلیفه فاطمی مصر، بر ملتان مسلّط گردیده و خطبه به نام خلیفه فاطمی می خوانده است.[۹۸] اما در سال‌های ۳۹۶- ۳۹۸ ه، سلطان محمود غزنوی ابو الفتوح داود قرمطی، حاکم اسماعیلی مذهب ملتان، را سرنگون کرد و ملتان را به تصرف خود درآورد.

حمله سلطان محمود هر چند توانست حکومت اسماعیلی را از میان بردارد و جمع کثیری از افراد این فرقه را به قتل برساند، اما نتوانست به نفوذ این فرقه کاملا خاتمه بخشد . اینان کم‌وبیش حضور خود را در ملتان حفظ کردند و در سال ۹۴۶ ه با انتقال مقرّ داعی مطلق یوسف بن سلیمان از یمن به هند، این فعالیت ها گسترش یافت و مناطق شمالی پاکستان (گلگت و بلتستان) را نیز فراگرفت.

##PAGE=45##

شیعیان هند از قرن پنجم ه . حضور خود را در صحنه سیاسی تثبیت کردند و به ایجاد حکومت های مستقل محلّی دست یافتند. دو خانواده «سومره» و «سمّا»، که اصالتا از نژاد عرب بودند، از قرن پنجم تا نیمه اول قرن دهم ه . به ترتیب- بر سند حکومت کردند . از نظر- دست‌کم- تعدادی از مورّخان هندی- پاکستانی، سومره‌ها دارای مذهب شیعه بودند . این خانواده در اواخر عمر سلطنت غزنویان، با استفاده از ضعف و آشفتگی سلاطین غزنی، در ناحیه سند اعلان استقلال کرد و حکومت مستقل تشکیل داد. حکومت خانواده سومره از سال ۴۴۵ تا ۸۳۱ ه.

ادامه پیدا کرد. پس از آن قبیله سمّا تا سال ۹۲۳ ه، عنان حکومت سند را در دست داشت.[۹۹]

---

[۹۷] (1). سید عبّاس اطهر رضوی، شیعه در هند، ج1، ص236.

[۹۸] (2). همان، ص236- 237.

[۹۹] (1). میرزا امام علی بیگ، سند اور اهلبیت، ص90- 95.

در دوران حکومت این دو خانواده، تبلیغ تشیّع در سند رونق یافت و مدارس دینی در شهرهای سهون، تتّه، دربیله و نصرپور تأسیس گردید و تعدادی از علمای برجسته از ایران به این نواحی هجرت کردند .[۱۰۰] به‌طور کلی، قرن دهم و یازدهم دوران اقتدار سیاسی و فرهنگی شیعه در شبه قاره به شمار می آید. پادشاهان بهمنی (۷۴۸- ۹۳۳ ه/ ۱۳۴۷- ۱۵۳۶ م)، که مرکز آنها در «دکن» قرار داشت، اولین شاهانی بودند که در خارج از جلگه سند به رشد اجتماعی و سیاسی شیعیان کمک نمودند . هرچند خود شاهان بهمنی پیرو مذهب اهل تسنّن بودند، اما اعتدال آنان در مواجهه با مسائل مذهبی و یا حتی گرایش آنان به شیعه و جذب قابل توجه نیروهای شیعه مذهب از اقوام ترک، ایرانی و مغول در ارتش خود، زمینه‌های مساعدی برای رشد سیاسی شیعیان فراهم کرد.[۱۰۱] برخی از شاهان بهمنی مانند شهاب الدین احمد اول (۸۲۴ ه/ ۱۴۲۱ م)، احمد

##PAGE=46##

شاه ولی بهمنی [۱۰۲] و علاء الدین حسین گرایش های شیعی داشتند . در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم ه، حکومت بهمنی‌ها از هم فروپاشید و سرزمین تحت سلطه آنان میان سه سلسله «عادل شاهی»، «نظام شاهی» و «قطب شاهی»، که همه شیعه‌مذهب بودند و شیعه را دین رسمی دولت‌های خود اعلام کرده بودند، تقسیم شد.

سلسله‌های «عادل شاهان بیجاپور »، «نظام شاهان احمد نگر » و «قطب شاهان گلکنده » در مجموع، نقش کلیدی در گسترش شیعه به عهده داشتند . بنیانگذار سلسله عادل شاهی، یوسف عادل شاه رومی، از درباریان محمود کاوان، [۱۰۳] و محمّد شاه بهمنی بود که پس از درگذشت محمّد شاه بهمنی، بر سپاه خود افزوده و در سال ۸۹۵ یا ۸۹۶ ه. در ایالت بیجاپور، که یکی از ایالات پادشاهی بهمنی بود، استقلال خود را اعلام کرد . او اولین خطبه را به نام دوازده امام علیهم السّلام در نماز جمعه شهر ایراد کرد.[۱۰۴]

احمد نظام شاه در سال ۸۹۶ ه/ ۱۴۹۰ م در ایالت «احمدنگر»،[۱۰۵] حکومت مستقلی تشکیل داد. بازماندگان او تا سال ۱۰۴۳ ه، که مغول ها بر آنجا مسلّط شدند، بر این ناحیه حکومت می کردند. در زمان حکومت برهان نظام شاه، فرزند احمد نظام شاه، شاه طاهر، که شیعه مذهب بود، موقعیت ممتازی در دربار به دست آورد . او توانست با استفاده از نفو ذ خویش، شاه و خانواده‌اش را به پیروی از مذهب شیعه معتقد سازد، به گونه‌ای که پس از آن شیعه به عنوان مذهب رسمی اعلام شد. شاه طاهر تعداد زیادی از

##PAGE=47##

---

[۱۰۰] (2). همان، ص99-100.

[۱۰۱] (3). عزیز احمد، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ص28.

[۱۰۲] (1). وی در833 ه/1429 م به تشیّع گروید.

[۱۰۳] (2)..navaK

[۱۰۴] (3). همان، ص28/ محمّد قاسم فرشته، تاریخ فرشته، ج2، ص88/ جان نورمن هالیستر، تشیّع در هند، ص125-131.

[۱۰۵] (4)..ragaN damhA

علما همچون خواجه معین صاعدی، ملّا محمّد نیشابوری، علی گل استرآبادی، ملّا رستم جرجانی، ایّوب ابو البرکات، ملّا عزیز اللّه گیلانی، حسن انجو، ملّا مازندرانی و برخی دیگر را از عراق، ایران، روم و گجرات به «احمدنگر» دعوت کرد.[۱۰۶]

در گلکنده،[۱۰۷] سلطان قلی همدانی، که یکی از فرماندهان و درباریان محمود شاه بهمنی بود، با تصرف تلنگانه، گلکنده و اطراف آن در سال ۹۱۷ ه، حکومت مستقلی تشکیل داد و به نام دوازده امام علیهم السّلام خطبه خواند.[۱۰۸] عادل شاهان، نظام شاهان و قطب شاهان روابط بسیار دوستانه‌ای با شاهان صفوی در ایران داشتند.[۱۰۹]

مقارن همین ایّام، خانواده «ارغون» و «ترخان»، که هردو شیعه مذهب بودند- به نوبت- بر سند حکومت می‌کردند. شاه بیگ ارغون مؤسس این سلسله با شکست دادن جام فیروز، آخرین حاکم خانواده سمّا، در سال ۹۲۶ ه بر سند مسلّط گردید. در دوران میرزا شاه حسن بیگ، فرزند شاه بیگ، (۹۶۲ ه) سند به دو بخش تقسیم شد . بخش علیا با مرکزیت «بکّر» (بهکّر) که سلطان محمود حاکم آن گردید و بخش سفلا با مرکزیت «تتّه» که میرزا عیسی خان ترخان اداره آن را در دست گرفت. این دو نفر، تشیّع را در قلمرو خود ترویج می‌کردند.[۱۱۰]

##PAGE=48##

شیعه در عصر مغول‌ها

حکومت مغول ها در هند و پاکستان با ظهیر الدین محمّد بابر (۹۳۴- ۹۳۷ ه/ ۱۵۲۷- ۱۵۳۰ م)، حاکم آواره «فرغانه»،[۱۱۱] آغاز می‌شود. بابر پس از آنکه توسط ازبک ها از فرغانه رانده شد، در سال ۹۱۰ ه/ ۱۵۰۴ م در پی یک لشکرکشی موفقیت آمیز، کابل، غزنی و بدخشان را فتح کرد . او در اوایل سلطنت خود، به خاطر بهبودی روابط با شاه اسماعیل صفوی و جلب حمایت او در حمله به سمرقند، تاج «دوازده ترک» را، که نشانه تشیّع بود، بر سر نهاد و به سربازانش نیز لباس و تاج قزلباش پوشاند.[۱۱۲]

بابر در سال ۹۳۲- ۹۳۳ ه/ ۱۵۲۶ م در جنگ «پانی‌پت»،[۱۱۳] نواحی شمال غربی هند را تصرف کرد و به تدریج، قلمرو خود را تا سند، لاهور، مناطق مرکزی و شرقی هند (بنگال) گسترش داد. با توسعه سلطه مغول ها، حکومت‌های عادل شاهی بیجاپور، نظام شاهی احمد نگر و قطب شاهی گلکنده نیز از میان برچیده شد . در دوران سلطنت اکبر شاه، سند نیز از تحت فرمان‌روایی ترخانی خارج گردید (۹۹۹ ه). سلاطین مغول غالبا سیاست معتدلانه‌ای را در امور مذهبی در پیش گرفته بو دند. همچنین علاقه مندی آنان به زبان و ادبیات فارسی سبب گردید تا علما، شعرا و ادبای فارسی زبان و

---

[۱۰۶] (1). همان، ص315.

[۱۰۷] (2).. hadnakluG

[۱۰۸] (3). جان نورمن هالیستر، تشیّع در هند، ص136/ عزیز احمد، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ص28.

[۱۰۹] (4).« برهان نظام شاه از شاه اسماعیل صفوی برای دیدار از احمدنگر دعوت به عمل آورد. شاه اسماعیل، آقا سلیمان تهرانی مشهور به" مهتر جمال" را به‌عنوان نماینده خود به دربار نظام شاه فرستاد. همچنین شاه اسماعیل صفوی یك هیأت رسمی به دربار اسماعیل عادل شاه در بیجاپور فرستاد و اسماعیل عادل شاه از هیأت ایرانی، با نهایت تعظیم و گرمی استقبال نمود.»(محمّد قاسم فرشته، تاریخ فرشته، ج2، ص127 و318.)

[۱۱۰] (5). میرزا امام علی بیگ، سند اور اهلبیت، ص103-104.

[۱۱۱] (1).. anahgruF

[۱۱۲] (2). جان نورمن هالیستر، تشیع در هند، ص143.

[۱۱۳] (3).. taP inaP

شیعه‌مذهب در دربار آنان از جایگاه ارزنده‌ای برخوردار گردند. در عصر ظهیر الدین بابر، برگزاری مراسم عزاداری محرّم در پیشاور شروع شد و در عصر همایون، فرزند بابر، ت عداد شیعیان مقیم پیشاور افزایش یافت .[۱۱۴] همایون در اوایل سلطنت خود، از شیر شاه افغان شکست

##PAGE=49##

خورد (۶۴۸ ه/ ۱۵۴۰ م) و به ایران پناهنده شد . فرستادگان و زیردستان شاه طهماسب صفوی از هرات تا قزوین به گرمی از او استقبال نمود. همایون و شاه طهماسب در اردبیل با همدیگر دیدار کردند و شاه ایران در قبال تعهد همایون به تشیّع، به او وعده کمک داد که ظاهرا مورد توافق دو طرف قرار گرفت . شاه طهماسب ده هزار سرباز همراه شاه‌زاده مراد و بداغ خان قاجار، که از امرای بزرگ بود، همراه همایون گسیل داشت تا تاج و تخت خود را دوباره تصاحب نماید.[۱۱۵]

دکتر شیخ محمّد اکرام درباره آثار این روابط می گوید: «وقتی همایون از سفر ایران به هندوستان برگشت، تعداد زیادی سرباز، امیر و عالم ایرانی همراهش بودند و از همان زمان، روابط نزدیک ایران و هندوستان آغاز شد و به همین دلیل، تأثیر ایرانی بر تمدن اسلامی هند، بیش از تأثیر ترکی و عربی نمایان گشت.[۱۱۶]

در دربار همایون و اکبر، دانشمندان و امرای شیعی زیادی وجود داشتند که در رأس همه، شخصیت پرنفوذ بیرم خان جلب توجه می کند. بیرم خان دارای منصب وزارت و نیابت سلطنت دربار همایون بود . او پس از مرگ همایون، مسئولیت اداره کشور و تربیت اکبر شاه را، که هنوز خردسال بود، به عهده داشت.

پس از سال ۱۵۷۶ م، که شاه اسماعیل دوم در ایران به مذهب سنّی گرایش پیدا کرد، جمعی از علما و بزرگان شیعه ایرانی به هند مهاجرت کردند .[۱۱۷] مهم‌ترین آنان شیخ گدایی، شیخ الاسلام ملّا محمّد یزدی قاضی القضا ت جونپور،[۱۱۸] قاضی نور اللّه شوشتری قاضی القضات اکبر در لاهور، شیخ مبارک فیضی، معلم ویژه شاه زادگان دربار (م ۱۵۹۵ م)، و ابو الفضل طبیب دربار و مؤلّف اکبرنامه و آیین اکبری (م ۱۶۰۲ م) بودند. دکتر افشار یزدی به نقل از منتخب التواریخ می‌نویسد:

##PAGE=50##

در دربار اکبرشاه، ۳۸ عارف، ۶۹ دانشمند، ۱۵ حکیم و ۱۶۷ شاعر وجود داشتند که بیشتر آنها ایرانیان مهاجر بودند.[۱۱۹]

به اعتقاد مستشرقان غربی، بیشتر امرای اورنگ زیب نیز شیعه بودند .[۱۲۰] اما خود اورنگ زیب دارای تعصّبات شدید مذهبی بود. او تا حد تنفّر، در مخالفت با تشیّع تعصّب می‌ورزید. تصرف قلمروهای شیعی گلکنده و بیجاپور و جذب آنها در امپراتوری مغول، هرچند رسما یک جهاد معرفی نشد، اما شکی نیست که از جانب او، عملی مستحسن تلقّی

---

[۱۱۴] (4). مختار علی نیّر آخوندزاده، عزاداری در استان سرحد، ص4.

[۱۱۵] (1). محمّد قاسم فرشته، تاریخ فرشته، ج 1، ص237(فارسی)/ ج 1، ص665- 666(اردو).

[۱۱۶] (2). شیخ محمّد اکرام، رود کوثر، ص33.

[۱۱۷] (3). همان، ص34.

[۱۱۸] (4)..roopnoJ

[۱۱۹] (1). فرهنگ ارشاد، مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند، ص204.

[۱۲۰] (2). شیخ محمّد اکرام، رود کوثر، ص616.

گردید.[۱۲۱] اما شاه عالم، فرزند ارشد او، گرایش شیعی داشت و به ائمّه دوازده گانه علیهم السّلام اظهار عقیده می کرد، به‌گونه‌ای که اورنگ زیب ناگزیر شد او را برای مدتی زندانی نماید.[۱۲۲]

در ترویج و گسترش آیین شیعه در شبه قاره هند، دانشمندان و عالمان غیربومی، که از ایران، عراق، هرات و ترکیه به آنجا هجرت کردند، نقش اساسی داشتند. در میان این علما، تعداد زیادی فقیه و محدّث به چشم می‌خورند؛ مانند:

قاضی نور الله شوشتری، (شهادت: ۱۰۱۹ ه)، علّامه شاه فتح الله شیرازی در دربار اکبر، سید رفیع الدین شیرازی محدّث و متکلّم دوران بابرشاه (م ۹۵۴ ه) که در «آگره»[۱۲۳] ساکن بود، سید علی خان شیرازی محدّث و فقیه در دربار اورنگ زیب (م ۱۱۱۹ ه)،[۱۲۴] شاه قطب الدین هروی شیخ الاسلام بکّر در حکومت سلطان محمود کوکتاش، میر سید صفایی شیخ الاسلام بکّر (وفات ۹۹۱ ه) و سید شکر الله شیرازی در تتّه.

##PAGE=51##

در عصر سلطنت مغول ها (تیموریان)، سند همچنان در اختیار حاکمان محلّی شیعه مذهب باقی ماند. پس از انقراض و زوال سیاسی خانواده سمّا، حکومت سند به دست خانواده «کلوار» (کلهوار)، که گفته می شود از اولاد عرب عبّاسی بودند، افتاد. در سال ۱۷۱۹ م/ ۱۱۳۱ ه نور محمّد کلوار، که متعلّق به یک خانواده مذهبی و درویش مسلک بود، از لباس درویشی خارج گردید و حکومت سلسله «کلوار» را در سند پایه گذاری کرد. غلام شاه کلوار در سال ۱۱۸۲ ه شهر «نیرون کوت»[۱۲۵] را تعمیر و آن را پایتخت خود قرار داد و نام آن را به «حیدرآباد» تغییر داد. او همچنین دو مسجد در مرکز شهر تعمیر نمود که تا امروز در حیدرآباد وجود دارند.[۱۲۶]

در عصر حکومت کلوار، شعر و ادب فارسی رونق یافته و سادات و علما مورد توجه قرار گرفتند . عزاداری ایّام محرّم باشکوه برگزار می‌شد و نور محمّد کلوار حسینیه مشهور «جلوه‌گاه امامین» را در سال ۱۱۴۰ ه، در تتّه بنا کرد که مراسم عزاداری در آن برگزار می‌شد.[۱۲۷]

تالپورها (۱۱۹۷– ۱۲۵۹ ه)

«تالپورها» اصالتا از اولاد امیر حمزه هستند که در قرن پنجم ه . از کرمان و مکران به بلوچستان هجرت نمود و تعدادی از آنان بعدا به سند نقل مکان کردند.[۱۲۸] میر فتح علی خان تالپور، نوه میر بهرام خان، از متنفّذان دربار غلام شاه کلوار در سال ۱۱۹۷ ه. علیه خانواده کلوار قیام کرد و سند را در اختیار خود گرفت. در عصر

##PAGE=52##

---

[۱۲۱] (3). عزیز احمد، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ص29.
[۱۲۲] (4). جان نورمن هالیستر، تشیّع در هند، ص152.
[۱۲۳] argA..(5)
[۱۲۴] (6). فرهنگ ارشاد، مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند، ص238.
[۱۲۵] toknoriaN..(1)
[۱۲۶] (2). میرزا امام علی بیگ، سند اور اهلبیت، ص123-124.
[۱۲۷] (3). همان، ص122.
[۱۲۸] (4). آغا محمّد ناصر، بلوچستان مین پیروان علی[پیروان علی در بلوچستان]، ص122.

تالپورها، ایالت سند به سه قسمت «حیدرآباد»، «میرپور خاص» و «خیرپور» تقسیم شد و در هر سه ناحیه، خانواده تالپورها حکومت را در دست داشت.

حکومت‌های محلی تالپورها بخشی از قلمرو امپراتوری مغول های هند به شمار می آمدند. اما در عرصه روابط خارجی، تا حدّ زیادی از استقلال عمل برخوردار بودند . آنها روابط حسنه ای با شاهان قاجاریه ایران برقرار کردند . در زمان میر غلام علی خان تالپور (۱۲۰۷– ۱۲۲۷ ه)، سید اسماعیل، فرستاده مخصوص فتحعلی شاه قاجار، از سند دیدار کرد و با استقبال گرم میر غلام علی خان مواجه شد.[۱۲۹] در زمان میر کرم علی خان تالپور، جانشین میرغلام علی خان، سید ثابت علی شاه از طرف میرکرم علی خان به نجف و ایران فرستاده شد . او هدایای زیادی برای علمای نجف و شاه ایران به همراه برد و فتحعلی شاه نیز هدایایی به او عطا کرد که در میان آنها، تخته سن‌گی وجود داشت که گفته می شود: حضرت علی علیه السّلام بر روی آن نماز می گزارد. این تخته سنگ پس از انتقال به حیدرآباد سند، به وسیله میر نصیر خان تالپور به محلی که به «قدمگاه مولا علی علیه السّلام » شهرت یافته است، نصب گردید و امروز به مهم ترین زیارتگاه شیعیان در شهر حیدرآباد تبدیل شده است.[۱۳۰]

خانواده تالپورها در ترویج فرهنگ تشیّع، به ویژه عزاداری، سهم مهمی در سند داشتند . گفته می شود: اولین نمونک (ماکت) حرم امام حسین علیه السّلام در حیدر آباد در زمان فتح علی خان تالپور ساخته شد .[۱۳۱] زبان علمی و اداری تالپورها

##PAGE=53##

فارسی بود. علمای ایرانی در آموزش شاه‌زادگان نقش بسزایی داشتند؛ مانند:

مولانا سید زین العابدین مازندرانی معلم میر کرم علی خان و میر مراد علی خان، آقا میر حسن شیرازی استاد و معلم خصوصی میر نصیر خان و سید محمّد مجتهد معلم میر حسن علی خان.

حکومت تالپورها تا نیمه قرن نوزدهم میلادی ادامه داشت و در سال ۱۸۴۳ م در پی هجوم انگلیسی ها بر سند، از هم فروپاشید، اما در «خیرپور میرس»، تا خروج انگلیسی ها و تجزیه هند به دو کشور هند و پاکستان، تالپورها همچنان حاکمان محلّی آنجا بودند. آخرین حاکم خیرپور، میر علی مراد خان هنوز هم در قید حیات است . او دوران آخر عمر را در انگلستان سپری می کند. بستگان و فرزندان او در کراچی و شهرستان «کوت دیجی» به سر می برند و قلاع شاهانه آنان همچنان بر بلندای تپه‌های شهرستان کوت دیجی در مرکز این شهر، بازگوکننده تاریخ اقتدار آنهاست.

تاریخ شیعه در شمال پاکستان

---

[۱۲۹] (1). میرزا امام علی بیگ، سند اور اهلبیت، ص138.

[۱۳۰] (2). نویسنده در آخر زمستان1382 ش/2004 م از« قدمگاه مولا علی» بازدید نموده و از نزدیك شاهد حضور زائران و همچنین فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی« انجمن امامیه سند»، که تولیت قدمگاه را برعهده دارد، بوده است. این محل اکنون در حال تعمیر و نوسازی است و قرار است دو تالار بزرگ مردانه و زنانه در جوار آن ساخته شود

[۱۳۱] (3). میرزا امام علی بیگ، سند اور اهلبیت، ص134.

ورود شیعه به مناطق شمالی پاکستان مانند کشمیر، بلتستان و گلگت دیرتر از سایر جاهای این کشور صورت گرفته است. ظاهرا در اوایل قرن هشتم ه / چهاردهم م اسلام و تشیّع به این مناطق کوهستانی و صعب العبور پاکستان راه باز کرده است.

در اوایل این قرن، شخصی به نام سید عبد الرحمان یا شرف الدین مشهور به «بلبل شاه» از منطقه ترکستان وارد کشمیر گردید و به تبلیغ اسلام شیعی در این ناحیه پرداخت. باتوجه به کتیبه‌های مرقد بلبل شاه و کتاب مودّة القربی میر همدانی، آن دو نفر بدون‌شک و تردید، شیعه بوده‌اند. اما اگر به کارنامه تبلیغی

##PAGE=54##

آنان نگاه شود، چنین به نظر می رسد که آنها مذهب امامیه را تبلیغ نکرده اند. اما درباره میر شمس الدین عراقی همه مورّخان اتفاق‌نظر دارند که ایشان قبل از همه، مذهب شیعه را تبلیغ کرده است.[۱۳۲]

بلبل شاه در زمان حکومت رنچن شاه (حک ۷۲۵ ه) وارد کشمیر شد و با تبلیغ او، رنچن شاه نیز اسلام آورد .[۱۳۳] پس از اسلام آوردن رنچن شاه، حاکم کشمیر، راه برای گسترش اسلام در کشمیر و لداخ [۱۳۴] هموار گردید. پس از گذشت مدتی از وفات بلبل شاه، مبلّغان مذهبی دیگری مانند سید علی همدانی، سید محمّد نوربخش و میر شمس الدین عراقی برای تبلیغ اسلام (شیعه) به کشمیر و بلتستان وارد شدند. این سه شخصیت بزرگ، که همه دارای گرایش‌های صوفیانه بودند، به سرعت اعتماد مردم و شاهان کشمیر را به خود جلب کردند . کاچو سکندر خان سکندر با استناد به منابع متعدد تاریخی، می‌گوید: سید علی همدانی، سید محمّد نوربخش و میر شمس الدین عراقی شیعه بودند و هر سه نفر یک مذهب را تبلیغ می‌کردند. سید محمّد نوربخش فعالیت خود را به‌عنوان خلیفه امیر سید علی همدانی شروع کرد و میر شمس الدین عراقی نیز پس از کسب عنوان و مقام خلافت نزد شاه قاسم نوربخش در ایران، به دستور او عازم کشمیر گردید.[۱۳۵]

به‌هرحال- همان‌گونه که مشهور است- میر سید علی همدانی همراه هفتصد تن از یاران، شاگردان، دانشمندان و بستگان خود در سال ۷۷۴ یا ۷۸۱ ه. به مقصد کشمیر حرکت کرد.[۱۳۶] وی بین سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۳ م

##PAGE=55##

سه بار به کشمیر مسافرت کرد . پیش از ورود اسلا م به این مناطق، دین رسمی ساکنان آنجا بت پرستی بود. سید علی همدانی همراه یاران خود در سال ۷۸۳ ه/ ۱۳۸۱ م از مسیر کشمیر وارد بلتستان شد و آیین بت پرستی مردم را به اسلام تغییر داد. روش تبلیغی سید علی همدانی چنین بود که وارد یکایک روستاها می گردید و عقاید خود را برای مردم آن‌جا بیان می‌کرد.

---

[۱۳۲] (1). کاچو سکندر خان سکندر، قدیم لداخ؛ تاریخ و تمدن، ص544- 545.

[۱۳۳] (2). همان، ص543/ خواجه محمّد اعظم، واقعات کشمیر، ص53.

[۱۳۴] (3)..hkadaL

[۱۳۵] (4). همان، ص551 و 553.

[۱۳۶] (5). همان، ص547/ محمّد یوسف حسین‌آبادی، تاریخ بلتستان، ص24.

او در مدت کوتاهی، توانست خپلو، کردونک، یارقند، شگر، [۱۳۷] سکردو، برالدو[۱۳۸] و بسیاری از روستاهای دیگر را فتح کند و شیعه را به اهالی آنجا معرفی نماید. سید برای حفظ دستاوردهای سفر تبلیغی خود، در هر شهر و روستایی، مسجد و خانقاهی می‌ساخت و آن را مرکز انجام اعمال مذهبی مردم قرار می‌داد.[۱۳۹]

پس از سید علی همدانی، خواهرزاده و شاگرد او، سید محمّد نوربخش، راه او را پی گرفت و به موفقیت های عظیمی دست یافت. تأثیر سید محمّد نوربخش در میان مردم به اندازه‌ای بود که او را به‌عنوان مؤسس فرقه جدیدی مطرح کردند که به «نوربخشیه» معروف شده است. پس از محمّد نوربخش، میر شمس الدین عراقی بین سال های ۱۴۹۹ و ۱۵۰۵ م در عصر راجه مقپون بوخا از کشمیر به اسکردو [۱۴۰] وارد شد و به تبلیغ تشیّع پرداخت. منطقه بلستان و پوریگ[۱۴۱] از ابتدا مرکز اصلی حضور پیروان نوربخشی بوده است.

در اوایل قرن هفدهم، برادران سید علی و سید ناصر طوسی ترکستانی از مسیر سلتور گلشیر، [۱۴۲] که اکنون به نام «سیاچن»[۱۴۳] معروف است، وارد

##PAGE=56##

بلتستان گردیدند و به تبلیغ اسلام پرداختند . در طول قرن هفدهم م، مبلّغان ایرانی و ترکستانی پیاپی در این منطقه در رفت‌وآمد بودند.

حضور مستمر آنان در مناطق مزبور، زمینه را برای گسترش انحصاری تشیّع در «مناطق شمالی» فراهم کرد و همه ساکنان آن مناطق به تشیّع گرویدند.

شواهد حاکی از آن است که تا نیمه دوم قرن نوزدهم م امور تبلیغی و مذهبی مردم مناطق شمالی توسط روحانیان غیرمحلّی انجام می گرفت. اما از این تاریخ به بعد، روحانیان برجسته محلّی نیز تخصص های لازم فقهی را فراگرفتند و در عرصه ا جتماعی و دینی ایفای نقش کردند . اولین نسل علمای بومی سید علی اکبر از روندو، [۱۴۴] شیخ جواد ناصر الاسلام از سکردو، سید عبّاس از چهوترون[۱۴۵] و شیخ غلام حسین و شیخ عبد اللّه از کواردو بودند .[۱۴۶] این عالمان دینی عمدتا تحصیلات خود را در عراق و ایران به پایان رسانده بودند.

در قرن بیستم میلادی، تشیّع تمام بلتستان و اکثریت گلگت را فراگرفت.

---

[۱۳۷] (1).. ragihS
[۱۳۸] (2).. odlarB
[۱۳۹] (3). محمّد یوسف حسین‌آبادی، تاریخ بلتستان، ص24.
[۱۴۰] (4).. udrakS
[۱۴۱] (5).. geeroP
[۱۴۲] (6).. rotlaS rahsluG
[۱۴۳] (7).. neehcayiS
[۱۴۴] (1).. udnoR
[۱۴۵] (2).. noorthohC
[۱۴۶] (3). همان، ص26.

در این قرن، فرهنگ و سنن شیعی به کمک رهبران مذهبی، که در نجف و سپس در قم تحصیل کرده بودند، در همه شئون زندگی مردم ریشه دوانیده بود و ادبیات شیعی بومی در قالب مدّاحی، نوحه و مرثیه‌خوانی رشد نمود.

گسترش مدارس دینی و مراکز فرهنگی در دهه های آخر قرن بیستم، به گونه‌ای بود که تمام روستاهای دوردست این ناحیه را پوشش داد و امروز صدها روحانی برجسته در این خطّه، سرگرم تبلیغ، تدریس و آموزش امور مذهبی مردم هستند.

##PAGE=57##

ادیان

در پاکستان، ادیان و مذاهب گوناگونی وجود دارد که اغلب به دور از تنش در فضای نسبتا آرام در کنار همدیگر زندگی می‌کنند. براساس سرشماری سال ۱۹۸۱ م، پیروان ادیان مختلف در این کشور بدین شرح اعلام شده‌اند:[۱۴۷]

۱. مسلمان ۶۵۲/ ۹۶ درصد؛

۲. مسیحی ۵۵۵/ ۱ درصد؛

۳. هندو ۵۱۵/ ۱ درصد؛

۴. سیک ۰۰۳/ ۰ درصد؛

۵. پارسی (زرتشتی) ۰۰۸/ ۰ درصد؛

۶. احمدی ۱۲۴/ ۰ درصد؛

۷. بودایی ۰۰۳/ ۰ درصد؛

۸. دیگر ۱۲۰/ ۰ درصد.

مسیحی

جمعیت مسیحی پاکستان- چنان‌که ذکر شد- از ۵/ ۱ درصد افزایش نمی‌یابد.

آنها در تمام ایالات چهارگانه و شهرهای مهم پاکستان پراکنده‌اند، در شهرها و روستاها، دارای معابد و کلیسا هستند و در انجام مراسم مذهبی خود، از آزادی کامل برخوردارند . مسیحیان از لحاظ اجتماعی و اقتصادی، از جمله گروه ها و طبقات پایین جامعه به شمار می روند. بخش اعظم آنان در خدمات شهرداری مشغول به کارند و این شغل ثابت و ارثی آنان در پاکستان شناخته می شود.

---

[۱۴۷] (1). سید قاسم محمود، انسائیکلوپید یا پاکستانیکا، ص44.

##PAGE=58##

هندو

دومین اقلّیت بزرگ دینی در پاکستان، هندو است که تعداد آنان ۵/ ۱ درصد اعلام شده است. جمعیت هندو تا پیش از سال ۱۹۴۷ م در پاکستان زیاد بود، اما در جریان مبارزات استقلال طلبانه این کشور، به دلیل خشونت ها و درگیری‌های فرقه‌ای، بیشترشان به هند مهاجرت کردند؛ چنان که قریب ۵/ ۶ میلیون مسلمان نیز از هند به پاکستان مهاجرت نمودند . هندوها غالبا در ایالت سند و بلوچستان به سر می برند و جمعیت روستایی آنان عمدتا روی زمین های مسلمانان کار می‌کنند. اما هندوهای مستقر در شهرهای کلان مانند کرا چی و لاهور، به معامله و تجارت مشغولند و از لحاظ اقتصادی، در وضعیت بهتری قرار دارند . هندوهای روستانشین ایالت سند معمولا فاقد زمین کشاورزی هستند . اما در بلوچستان، تعداد زیادی از آنان از زمین‌داران به شمار می‌روند و در اقتصاد و تجارت نیز جایگاه خوبی دارند.

پارسی

پارسیان اصالتا ایرانی اند که قبل و بعد از سلطه اعراب مسلمان بر ایران، از کشور خود مهاجرت کرده و به هند رفته‌اند.[۱۴۸] جمعیت کل پارسی های جهان دویست هزار نفر تخمین زده می شود که از آن میان ۵۰ درصد در بمبئی، سورت[۱۴۹] و اطراف آن زندگی می کنند.[۱۵۰] پارسی‌های مقیم پاکستان غالبا در کراچی و لاهور اقامت دارند . آنها دارای یک دخمه (محل قرار دادن اموات) در کراچی و یک قبرستان مستقل در جوار «اقبال پارک» در لاهور هستند. وضعیت اقتصادی این

##PAGE=59##

گروه بهتر از تمام اقلّیت های دینی در پاکستان است . بیشتر آنها به شغل تجارت و تولید مشغولند و گفته می شود: اولین کارخانه فولاد در هند را نیز یک نفر پارسی به نام جمشیدپور ایجاد کرده است . تالار تیوسوفیکل[۱۵۱] مدرسه فارسی بی وی سی در خیابان جمشید و جهان‌گیر نیز از یادگاری‌های آن‌ها هستند.

قادیانی

فرقه «قادیانی/ احمدی» به پیروان میرزا غلام احمد قادیانی اطلاق می شود که در سال ۱۸۳۵ م در دهی به‌نام «قادیان» از توابع شهرستان «گورداس‌پور»[۱۵۲] در ایالت پنجاب به دنیا آمد. این فرقه در ۲۳ مارس ۱۸۸۹ در منزل صوفی احمد خان در «لدیانه»[۱۵۳] به وسیله میرزا غلام احمد بنیان‌گذاری شد.[۱۵۴] بانی این فرقه رسما در سال ۱۸۸۹ م ادعای مهدویت

---

[۱۴۸] (1). همان، ص330/ فرهنگ ارشاد، مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند، ص183-193.

[۱۴۹] (2).taroS.

[۱۵۰] (3). سید قاسم محمود، انسائیکلوپیدیا پاکستانیکا، ص330.

[۱۵۱] (1).llah lakiF ouhaT.

[۱۵۲] (2).roopsadruG.

[۱۵۳] (3).anaydaL.

[۱۵۴] (4). همان، ص177 و 695.

و مسیح بودن سرداد . میرزا غلام احمد عقاید خود را در کتابی تحت عنوان براهین احمدیه بیان داشته و مسئله مهدی بودن و مسیح موعود بودن خود را در آن مطرح کرده است.

قادیانی‌ها معتقد به هجرت حضرت مسیح علیه السّلام به کشمیر هستند . غلام احمد پس از ادعای مهدویت و مسیح بودن، مدّعی نزول وحی بر خود نیز گردید که این امر واکنش سختی را از سوی جامعه مسلمانان هند در پی داشت و همه علما او را مرتد و خارج از دین اعلام کردند؛ زیرا او معتقد به عدم خاتمیت پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و اله بود . قادیانی‌ها در نهضت ا ستقلال پاکستان نیز سهم گرفتند و پس از تشکیل پاکستان، پایگاه مرکزی خود را از «قادیان» به «ربوه»[155] از توابع شهرستان «جنگ»

##PAGE=60##

(ایالت پنجاب) منتقل نمودند . روحانیان مسلمان پاکستان برای مقابله با این دین نوظهور، «نهضت ختم نبوّت » را به‌وجود آوردند و در سال ۱۹۷۴ م موفق شدند قانون غیرمسلمان بودن این فرقه را در مجلس ملّی پاکستان به تصویب رسانند.

مذاهب اسلامی

مسلمانان پاکستان به دو گروه مذهبی بزرگ سنّی حنفی و شیعه تقسیم می‌شوند.

اما سنّیان و شیعیان این کشور تابع مذهب و فرقه واحدی نیستند، بلکه هرکدام به شاخه های فرعی‌تری تقسیم‌بندی شده است.

الف. فرقه‌های اهل سنّت

اهل سنّت پاکستان، که ۸۰ درصد جمعیت مسلمانان این کشور را تشکیل می‌دهند، وابسته به مذهب ابو حنیفه هستند. این مذهب از قدیم، در شبه قاره و افغانستان دارای اکثریت قاطع بوده است . اما در قرون اخیر، شعبه هایی در میان حنفی‌های این کشور به‌وجود آمده که به‌تدریج، به فرقه‌ها و مکتب‌های فکری جداگانه‌ای تبدیل شده‌اند:

۱. دیوبندی: این فرقه منسوب به پیروان بنیان گذاران و فارغ التحصیلان «دار العلوم دیوبند » است. «دار العلوم دیوبند » نام مدرسه‌ای است واقع در روستای باستا نی «دیوبند» از توابع ایالت «اتارپرادش»[156] هند. این مدرسه در سال ۱۸۶۷ م/ ۱۲۸۳ ق با هدایت مولانا محمّد قاسم نانوتوی و همکاری مولوی فضل الرحمان، مولوی ذو الفقار علی، ملّا محمّد محمود و حاجی عابد حسین به شکل ابتدایی در

##PAGE=61##

---

[155] awbaR..(5)

[156] hsidraP rehtuA..(1)

مسجد «چته»[۱۵۷] تأسیس شد و سپس مولانا محمّد قاسم نانوتوی آن را توسعه داد و به دار العلوم تبدیل کرد .[۱۵۸] ساختمان جدید دار العلوم در سال ۱۸۷۶ م/ ۱۲۹۲ ق به‌دست مولانا احمد علی محدّث سهارنپوری پایه گذاری شد. اهداف این مدرسه عبارت بود از:

۱- آزادی ضمیر و اعتلای کلمه حق؛

۲- تلاش برای شمول مسلمانان در یک حزب (تشکیلات) ملّی جمهوری؛

۳- پاس‌داری و ترویج مسلک شاه ولی الله دهلوی؛

۴- زدودن استبداد و خودمحوری از جامعه مسلمانان؛

۵- احیای علوم دینی؛

۶- تربیت صحیح عالمان علوم عقلی؛

۷- تربیت عالمان دینی برمبنای مهارت‌های دینی و نیازهای علوم جدید.[۱۵۹]

برجسته‌ترین اندیشمندان مکتب «دیوبندی» عبارتند از: مولانا محمّد قاسم نانوتوی، رشید احمد گنگوی،[۱۶۰] مولانا اشرف علی تانوی (۱۸۶۳- ۱۹۴۳ م)؛ مولانا محمود الحسن (۱۸۵۱- ۱۹۲۰ م) علّامه شبیر احمد عثمانی (۱۸۸۵- ۱۹۴۹ م)، مفتی محمّد شفیع (۱۸۹۷- ۱۹۷۶ م/ ۱۳۱۴- ۱۳۹۶ ه)، مولانا عبید الله سندی (۱۸۷۲- ۱۹۴۴ م) مولانا انور شاه محدّث (۱۸۷۵- ۱۹۳۳ م/ ۱۲۹۲- ۱۳۵۲ ه)، مولانا احمد حسن محدّث امروهوی،[۱۶۱] عبد العلی محدّث دهلوی، مولانا صدّیق احمد مفتی، حافظ محمّد احمد و ده ها شخصیت دیگر. «دار العلوم دیوبند» بزرگ‌ترین مدرسه دینی در شبه قاره هند بود که در سال ۱۳۶۶ ه، ۱۴۴۲ نفر

##PAGE=62##

طلبه از هند و چندین کشور دیگر در آن درس می‌خواندند. برنامه درسی مدرسه در دو مقطع ابتدایی و عالی، که مجموعا ۱۴ سال را دربر می‌گرفت، ارائه می‌گردید. در این مدرسه، ۲۲ علم، که مشتمل بر ۱۰۶ کتاب بود، برای طلاب تدریس می‌شد.[۱۶۲]

مرکز اصلی «دیوبند» در هند قرار دارد، اما پس از سال ۱۹۴۷ م، که پاکستان از هند جدا شد، پیروان این مکتب مدارس متعددی در شهرهای پاکستان تأسیس کردند؛ مانند جامعه «اشرفیه» لاهور، جامعه «مدینه» لاهور، مدرسه «عربیه خیر

---

[۱۵۷] (1).. hatahC

[۱۵۸] (2). شیخ محمّد اکرام، موج کوثر، ص200 و 206/ سید محبوب رضوی، تاریخ دیوبند، ص75.

[۱۵۹] (3). سید قاسم محمود، انسائیکلوپیدیا پاکستانیکا، ج2، ص881.

[۱۶۰] (4).. yvagnaG

[۱۶۱] (5).. ihormI

[۱۶۲] (1). سید محبوب رضوی، تاریخ دیوبند، ص89- 90 و 104- 109.

المدارس» ملتان، «دار العلوم تندو الله یار خان »، «دار العلوم کهده » کراچی، جامعه «بنوری تاون »[۱۶۳] کراچی و «دار العلوم حقّانیه اکوره ختک» پیشاور.

در دائرۀ المعارف اسلامی اردو، ویژگی‌های اعتقادی مکتب دیوبندی چنین ذکر شده است: دیوبندی از میان مذاهب فقهی، مقلّد امام ابو حنیفه است . علاوه بر انضباط عملی شدید به قرآن و سنّت، با تصوّف نیز رابطه عمیق دارد . بیشتر علمای دیوبند از لحاظ گرایش معنوی، در حلقه ارادتمندان حاجی امداد الله هستند که با هر چهار سلسله نقشبندی، چشتی، قادری و سهروردی مرتبط بود.

آنان در عقاید و علم کلام، مقلّد امام ابو الحسن اشعری هستند.[۱۶۴]

پیش‌گامان اصلی تفکر دیوبندی‌ها ابن تیمیه (۶۶۱– ۷۲۸ ه) و شاه ولی الله دهلوی (۱۷۰۳– ۱۷۶۲ م) هستند. کلام ابن تیمیه توسط عبد العزیز اردبیلی، که یکی از مریدان ابن تیمیه بود، به هند وارد شد.[۱۶۵]

##PAGE=63##

۲. بریلوی: مکتب یا فرقه «بریلوی» در اوایل قرن بیس تم م در شهر «بانس بریلی »[۱۶۶] از توابع ایالت اتارپرادش (اترپردیش) به وسیله احمد رضا خان بریلوی پایه‌گذاری شد. مولانا احمد رضا خان اداره مدرسه جامعه «منظر الاسلام» را در بانس بریلی به‌عهده داشت. دومین مرکز مهم این مکتب در «مرادآباد» قرار داشت که در سال ۱۹۱۰ م شیخ محمّد نعیم الدین مرادآبادی با تأسیس مدرسه «دار العلوم نعیمیه» آن را راه‌اندازی نمود.

مکتب «بریلوی»، که شاخه دیگری از حنفی های شبه قاره است، در واکنش به نهضت فکری– اصلاحی مکتب «دیوبندی» به وجود آمد. دیوبندی‌ها با الهام از اندیشه اصلاحی شاه ولی اللّه، بعضی از آداب و رسوم دینی جامعه را به نقد گرفتند و تعریف سخت گیرانه‌ای از توحید ارائه دادند که براساس آن، تنها خداوند قادر بر امور غیب بود و معتقدند : پیامبر و اولیا، به‌ویژه پس از مرگ، تفاوتی با انسان های دیگر ندارند. همچنین آنان در مورد تقلید از گذشتگان و مسئله شفاعت و توسّل به اولیا و مشایخ، نظریات کاملا نقّادانه و انکارجویانه ای در پیش گرفتند که با باورهای مذهبی مسلمانان هند همخوانی ندارد. مکتب احمد رضا خان بریلوی در واقع، واکنشی است در برابر «دیوبندی» و دفاعی بود از باورها و سنّت های مذهبی جامعه که از طرف د یوبندی‌ها مورد حمله قرار گرفته بود . از نظر این مکتب، آزاداندیشی و طرز تفکر علمی و عقلی مردود است . از این رو، به شدت با مکتب «دیوبندی» و همچنین مدرسه «علیگر»، که از اندیشه‌های آزاد و علمگرای دینی تبلیغ می کرد، مخالفت می ورزد.[۱۶۷] از دیدگاه این مکتب، «وهّابی»، «نجدی» و «دیوبندی» همه در یک ردیف قرار می‌گیرند.

##PAGE=64##

---

[۱۶۳] (2).. nwoT irunaB

[۱۶۴] (3). سید قاسم محمود، انسائیکلوپیدیا پاکستانیکا، ج2، ص687-688.

[۱۶۵] (4). عزیز احمد، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ص10.

[۱۶۶] (1).. yliarb ecnaB

[۱۶۷] (2). سید قاسم محمود، اسلامی انسائیکلوپیدیا، ج1، ص331.

بریلوی‌ها اعتقاد خاصی نسبت به مقام پیامبر و اولیا دارند . از نظر آنان، انبیا آیینه خداوند و معصوم از هر نوع خطا و آلودگی هستند. پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و اله مظهر نور خدا و متفاوت از انسان های دیگر است. او سایه ندارد و بر همه چیز، عالم است، حتی بر لوح محفوظ، و تشبیه او به سایر انسان ها توهین و کفر است.[۱۶۸] پیامبر پس از فوت خود نیز دارای معجزه است و می تواند ما را یاری رساند و در همه جا حاضر است . همچنین اولیا نیز بر صدور کرامات و معجزات قادرند، چه در زندگی و چه پس از فوت . اولیا با نور الهی می بینند و بهره ای از دانش پیامبری دارند و در همه‌جا حاضرند و قادر بر برآوردن حاجات مردم هستند. بنابراین، می‌توان از آنان کمک و یاری طلبید.

فرقه «بریلوی» با هرگونه نوآوری و بدعتی مخالفت نمی ورزد، بلکه آن را به دو نوع حسنه و سیئه تقسیم می کند که از موارد حسنه آن، احترام به مشایخ و بزرگان دین، بوسیدن دست و پای آنان، تعمیر قبور، ضریح سازی بر مزارها، تبرّک جستن به لباس و موی اولیا و مانند آن است . پیروان این مکتب در پاکستان احتمالا اکثریت دارند . مهم‌ترین مدارس مذهبی، که از این فکر حمایت می کنند، مدرسه جامعه «نظامیه رضویه»، جامعه «نعیمیه» و «دار العلوم انجمن حزب الاحناف» در لاهور و «دار العلوم امجدیه» و جامعه «تبلیغیه» در کراچی و مدرسه «انوار العلوم» در ملتان است.

۳. اهل حدیث: این فرقه به‌صورت روشن و شفّاف در قرن سیزدهم ه / نوزدهم م در شبه قاره هند مطرح شد. بنیانگذار و مبلّغ نخست این مکتب در هند، مولانا سید نذیر حسین محدّث دهلوی بود که در سال ۱۳۲۰ ه/ ۱۹۰۲ م به ترویج آن پرداخت.[۱۶۹] «اهل حدیث» از نظر اعتقادی، مخالف تقلید از فقهای سلف هستند و

##PAGE=65##

رجوع مستقیم به حدیث و قرآ ن را وظیفه خود در هر عصر می دانند. همچنین آنان تفسیر سخت گیرانه‌ای از توحید ارائه داده‌اند و با هر نوع آداب و رسومی که تصور می شود اصل «توحید» را به‌نحوی خدشه‌دار سازد- مانند توسّل به انبیا و اولیا پس از مرگ آنان- مخالفند.

آنها علم غیب را فقط از آن خداوند می‌دانند، مخالف تأثیرگذاری پیامبر پس از مرگش هستند و برگزاری مراسم جشن میلاد، زیارت مقابر و مانند آن را بدعت می دانند.[۱۷۰] عقاید اهل حدیث با وهّابیت بسیار نزدیک است . به همین دلیل، رابطه این گروه با علمای عربستان بسیار عمیق بوده است.

شیخ محمّد اکرام، نویسنده کتاب موج کوثر می‌نویسد گروه «اهل حدیث» پس از جنگ آزادی (۱۸۷۵ م) در سه مسئله، از حلقه‌های مذهبی دیگر متمایز گردید:

۱- گسترش احادیث که به‌خاطر آن چندین مدرسه تأسیس نمودند.

۲- مخالفت با مسیحیان، آریایی‌گرایان (آریه سماجیون)، مرزائی‌ها و شیعیان که در ردّ آنان صدها کتاب و رساله تألیف نموده و در صدها محل به مناظره پرداخته‌اند.

---

[۱۶۸] (1). همان، ص331.

[۱۶۹] (2). همان، ص263.

[۱۷۰] (1). همان، ص263.

۳- مخالفت با شرک و بدعت.[۱۷۱]

اهل حدیث دارای مدارس دینی زیادی در پاکستان هستند که مهم ترین آنها جامعه «سلفیه» در فیصل آباد، جامعه «محمّدیه» در اوکاره،[۱۷۲] جامعه «محمّدیه» در گوجرانواله، «تقویت الاسلام» در لاهور و «دار العلوم تعلیم الاسلام» در مامو کانجن[۱۷۳] است. از رهبران و اندیشمندان آنها، می‌توان مولانا محمّد اسماعیل

##PAGE=66##

سلفی، مولانا محمّد عطاء اللّه حنیف، مولانا محمّد علی قصوری، مولانا محیی امین قصوری، مولانا محمّد حنیف ندوی، مولوی عبد العزیز، احسان الهی ظهیر و مولانا معین الدین لکنوی را نام برد .[۱۷۴] پروفسور مولانا ساجد میر یکی از برجسته‌ترین رهبران دیگر این فرقه است که امروز رهبری حزب «جمعیت اهل حدیث» را نیز به‌عهده دارد.

ب. مذاهب شیعی

شیعیان پاکستان به چند فرقه مذهبی تقسیم می‌شوند که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱. اثناعشری: فرقه اصلی شیعه، که نماینده رسمی این مذهب در پاکستان شناخته می‌شود، فرقه «اثناعشری» است که در اصطلاح محلی، به آن «جعفری» می‌گویند. شیعیان «اثناعشری» قریب ۲۰ درصد جمعیت پاکستان را تشکیل داده و در تمام قلمرو این کشور پراکنده‌اند. این فرقه پس از رحلت پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و اله، در حمایت از خلافت و ولایت حضرت علی علیه السّلام به وجود آمد و باتوجه به اینکه مکتب فقهی آن در عصر امام جعفر صادق علیه السّلام شکل گرفت و به پختگی رسید، آن را «مذهب جعفری» نامیده‌اند. در پاکستان، مذهب «جعفری» به‌عنوان یک مذهب اسلامی به‌رسمیت شناخته شده و نمایندگان روحانی آن در تمام مجامع مذهبی فرق اسلامی این کشور، حضور دارند . عقاید آن آزادانه تبلیغ می شود و مطابق آن روز «عاشورا» تعطیل رسمی است و مراسم ماه محرّم در رسانه های ملّی به خوبی انعکاس می‌یابد. (توضیحات بیشتر در این‌باره در فصول دیگر این کتاب خواهد آمد.)

##PAGE=67##

۲. اسماعیلی: این فرقه به پیروان اسماعیل، فرزند بزرگ امام جعفر صادق علیه السّلام، منسوب است که در دوران حیات امام صادق علیه السّلام چشم از جهان فرو بست. در واقع، عقیده «اسماعیلیه» از نهضت ابو الخطّاب ریشه گرفته است. او از اصحاب امام باقر علیه السّلام و امام صادق علیه السّلام و نیز معلم و راهنمای اسماعیل بود که در ۱۳۸ ه علیه دستگاه خلافت عبّاسی خروج کرد.[۱۷۵]

اسماعیلی‌ها نخستین دولت مستقل خود را در مصر (۲۹۷- ۵۶۷ ه. ق) تشکیل دادند و از آنجا برنامه‌های تبلیغی خود را در سراسر بلاد اسلامی سامان می‌دادند.

---

[۱۷۱] (2). شیخ محمّد اکرام، موج کوثر، ص65.

[۱۷۲] (3).. arakO

[۱۷۳] (4).. najnaK umaM

[۱۷۴] (1). سید قاسم محمود، انسائیکلوپیدیا پاکستانیکا، ص426.

[۱۷۵] (1). دائرة المعارف تشیّع، ج2، ص173.

داعیان و مبلّغان «اسماعیلی» در نیمه دوم قرن سوم ه. وارد سند و ملتان شدند.

عبد اللّه قرمطی در ۲۸۷ ق/ ۹۰۰ م ملتان را گرفت.[۱۷۶] حکومت اسماعیلی تا زمان فتح ملتان به دست سلطان محمود غزنوی در ۴۰۱ ه. پابرجا بود. ابو الفتح داود آخرین حاکم اسماعیلی بود که با حمله محمّد غزنوی، از قدرت ساقط گردید. پس از مصر، یمن به مهم ترین پایگاه اسماعیلیه تبدیل گردید که فعالیت های مذهبی در شبه قاره نیز از همان جا رهبری می شد. در سال ۲۷۰ ق/ ۸۸۳ م، ابن جوثب منصو ر الیمان، داعی یمنی، هیثم را به سند فرستاد .[۱۷۷] هرچند اسماعیلیان ملتان از ابتدا از سوی خلفای فاطمی حمایت می شدند، اما محققان بر این اعتقادند که اولین داعی اسماعیلی فاطمی، که از مصر به هند آمد، عبد اللّه نام داشت که در سال ۴۶۰ ه. به امر المستنصر بالله در بندر «کامبای» در جنوب هند فرود آمد و «گجرات» را به‌عنوان مرکز فعالیت‌های خود انتخاب کرد.[۱۷۸]

پس از فوت المستنصر بالله، خلیفه فاطمی مصر، میان فرزندان او بر سر امر جانشینی اختلافی بروز کرد که برخی از مستعلی بالله، یکی از پسران المستنصر،

##PAGE=68##

پیروی کردند و به «مستعلیه» شهرت یافتند و برخی از المصطفی لدین الله نزار پسر دیگر او پیروی نمودند که به «نزاریه» شهرت یافتند. در هند، به مستعلیه «بهره» می‌گویند و به نزاریه «خوجه» و «آقاخانی».

۳. بهره:[۱۷۹] کلمه «بهره» در اصل، گجراتی و به معنای تجارت کردن است و به پیروان «مستعلیه» بدان خاطر «بهره» یا «بوهره» گفته شده است که نخستین پیروان این گروه را بازرگانان تشکیل می دادند. بهره‌ها به‌مرور زمان، دست خوش تحوّلات شغلی و اعتقادی زیادی گردیدند . تعدادی از آنان به شغل کشاورزی روی آوردند . از لحاظ اعتقادی نیز جمع کثیری از آنان در دوران تیمور لنگ تا ظهیر الدین بابر (۹۳۲ ق) و مظفّر شاه (۸۱۰– ۸۱۳ ه) به مذهب اهل تسنّن پیوستند.[۱۸۰] بهره‌های پاکستان، که هنوز اعتقاد مذهبی خود را حفظ کرده اند، غالبا در شهر کراچی و حیدرآباد زندگی می‌کنند و عمدتا به معاملات بازرگانی مشغولند.

اولین انشعاب در میان بهره‌های مستعلیه پس از مرگ داود بن عجب شاه، بیست و ششمین داعی مطلق، در سال ۹۹۷ م رخ داد. دو نفر به نام‌های داود برهان الدین و سلیمان بن حسن ادعای جانشینی داود بن عجب شاه کردند که پیروان آنان به‌نام «داودی» و «سلیمانی» یاد می‌شوند. بهره‌های هند و پاکستان غالبا داودی‌اند.

---

[۱۷۶] (2). جان نورمن هالیستر، تشیّع در هند، ص379.

[۱۷۷] (3). سید عبّاس اطهر رضوی، شیعه در هند، ج1، ص236.

[۱۷۸] (4). دائرة المعارف تشیّع، ج3، ص527.

[۱۷۹] (1).. arhuB

[۱۸۰] (2). همان، ص527.

جمعیت کل بهره‌های جهان قریب ۰۰۰/ ۵۰۰ تن برآورد شده که چهار پنجم آنها در هند زندگی می‌کنند.[۱۸۱] عقاید بهره‌ها بسیار نزدیک به شیعه دوازده امامی است و عمده ترین کتاب فقهی آنان کتاب دعائم الاسلام قاضی نعمان است . آنها به زکات عشریه، خمس، نماز، روزه، جهاد و سایر احکام اسلامی معتقدند و به

##PAGE=69##

زیارت قبر پیامبر و ائمّه شش گانه علیهم السّلام در عراق می روند. تعدادی از آنها هر ساله به مشهد و قم نیز مشرّف می‌شوند. اما عقاید و آداب و رسوم خود را مکتوم می‌دارند. بهره‌ها لباس خاصی می‌پوشند و زنانشان در رعایت حجاب، از دیگر مسلمانان محتاطترند.

۴. خوجه: خوجه‌ها در اصل، مربوط به شاخه «نزاری اسماعیلی» اند. تاریخ دقیق ورود نزاری ها به شبه قاره به‌خوبی روشن نیست. احتمالا اولین داعی نزاری پیر نور الدین / نور شاه (نورست گرو) بوده که از «الموت» ایران به گجرات آمده است. پیر شمس الدین دومین مبلّغ نزاری در هند بود که در سال ۹۰۱ ه. وارد کشمیر گردید.[۱۸۲] نواده شمس الدین پیر صدر الدین برجسته ترین رهبر این گروه است که به پیروان خود لقب «خوجه» داد و سازمان اجتماعی نزاریان یا خوجه‌های هند را بنیان نهاد.[۱۸۳]

آموزه‌های اعتقادی خوجه ها آمیخته‌ای از عقاید شیعه، سنّی، اسماعیلیه و هندو است که در گنان ها گردآوری شده.[۱۸۴] خوجه‌ها معمولا عقاید خود را مخفی نگه می دارند و کتب مذهبی شان برای دیگران قابل دست رسی نیست. یکی از مهم‌ترین کتاب‌های مذهبی آنها ده اوتار است. اما در اوایل قرن نوزدهم میلادی، بخش قابل توجهی از خوجه‌ها به تشیّع گرویدند. خوجه‌های شیعه همانند خوجه های اسماعیلی به دلیل ماهیت شغلشان از گجرات هند به کشورهای زیادی منتشر شدند.

خوجه‌ها غالبا به کار تجارت و تولید اشتغال دارند و در کراچی و شهرهای دیگر سند مانند حیدرآباد و سکّر زندگی می‌کنند. آنها از لحاظ اجتماعی، دارای سازمان اجتماعی مستحکمی هستند و برنامه‌های خدماتی و رفاهی گسترده‌ای

##PAGE=70##

برای افراد خود دارند. همچنین آنها از لحاظ مالی، ثروتمندترین گروه اجتماعی محسوب می‌شوند.

خوجه‌های پاکستان از اسماعیلی به شیعه دوازده امامی تغییر عقیده دادند که اینها نیز سازمان اجتماعی خود را به پیروی از سایر خوجه‌ها، کماکان حفظ کرده و رازداری در آداب و سنن و روابط اجتماعی خود را نگه داشته اند. زمانی که آغا خان اول در سال ۱۸۴۳ م از ایران به هند آمد، خوجه ها و بعضی شاخه های دیگر اسماعیلی نزاری مانند «شمسی» و «ست پنتهی» را از نو سازمان‌دهی کرد و تحت پوشش خود درآورد. او در سال ۱۸۶۴ م به تمام پیروان خود دستور داد امور مذهبی مانند عقد، تجهیز و تکفین میّت، وضو و نماز را زیر نظر افراد اسماعیلی انجام دهند و از مراجعه به روحانیان

---

[۱۸۱] (3). دانشنامه جهان اسلام، ج4، ص813.

[۱۸۲] (1). جان نورمن هالیستر، تشیّع در هند، ص396. امروز مزار شمس الدین در ملتان یکی از زیارتگاه‌های معروف است.

[۱۸۳] (2). همان، ص701.

[۱۸۴] (3). همان.

سنّی و اثناعشری و رفتن به مساجد آنان خودداری کنند.[۱۸۵] اما امروز خوجه های پاکستان، که قریب ۴۰/۰۰۰ تن از آنها در کراچی زندگی می‌کنند، پیرو شیعه اثناعشری هستند.

خوجه‌های کراچی به دو گروه تقسیم می شوند: گروه‌های محلّی و بومی که سازمانی به نام «جماعت خوجه پیرهای اثناعشری کراچی» دارند و گووه آفریقایی که از هند به زنگبار، تانزانیا و کنیا رفته بودند، اما سپس عده ای از آنها به کراچی بازگشتند. این گروه انجمنی به‌نام «انجمن محفل مرتضی» دارند.

خوجه‌ها به شدت درونگرا هستند و روابط اجتماعی و اقتصادی آنها بیشتر به درون خودشان محدود می شود. تمام خوجه های جهان دارای یک سازمان جهانی تحت عنوان «فدراسیون جهانی جماعت های مسلمان شیعه اثناعشری خوجه» هستند. دفتر مرکزی این فدراسیون در لندن قرار داد و رئیس کنونی آن فردی به نام دوست محمّد هوجانی است.

##PAGE=71##

۵. آغاخانی: «آغاخانی» نام بخش عمده‌ای از اسماعیلیان نزاری جهان است که از زمان فتحعلی شاه قاجار این لقب به رهبران این مذهب داده شد. آغا خان اول (۱۸۰۰– ۱۸۸۱ م)، که نام اصلی او حسن علی شاه بود، از طرف فتحعلی شاه قاجار به‌سمت حاکم کرمان منصوب شد، اما به‌دلیل شورش علیه محمّد شاه قاجار و شکست از سوی نیروهای قاجار، از ایران به هندوستان نقل مکان کرد و در سال ۱۸۴۱ م وارد سند شد و سپس در بمبئی مقیم گردید. آغا خان از حمایت انگلیسی‌ها در هند برخوردار بود. پس از فوت آغا خان اول (۱۸۸۱ م) فرزند او، آغا علی شاه، به نام آغا خان دوم، به پیشوایی اسماعیلیه نزاری برگزیده شد.

سومین رهبر خانواده آغاخانی، سلطان محمّد شاه (۱۸۷۷– ۱۹۵۷)، فرزند آغا خان دوم، بود که به سر آغا خان مشهور گردید. او از برجسته ترین شخصیت‌های مسلمان هند محسوب می شد که هم نزد دولت انگلیسی هند و هم نزد جامعه مسلمان این کشور از محبوبیت زیادی برخوردار بود.[۱۸۶]

آغا خان چهارم شاه‌زاده کریم آغا خان، نوه آغا خان سوم، در سال ۱۹۵۷ م به عنوان چهل و نهمین امام فرقه اسماعیلی انتخاب شد. او از مادر انگلیسی‌نژاد متولّد شده است و هم‌اکنون نیز در انگلستان به‌سر می‌برد و چون تمام اسماعیلی‌های جهان را در آسیا، آفریقا و اروپا رهبری می‌کند، آغاخانی‌های پاکستان نیز امامت او را پذیرفته‌اند. پیروان این فرقه غالبا در کراچی، حیدرآباد، ملتان، گلگت و هنزه (۹۵ درصد) به سر می‌برند. آغا خان در دهه‌های اخیر، سرمایه‌گذاری زیادی در مناطق شمالی پاکستان و کراچی انجام داده است که از آن میان، می توان به تأسیس بیمارستان و دانشگاه پزشکی منحصر به فرد «آغا

##PAGE=72##

خان» در کراچی اشاره کرد. فعالیت‌های عمرانی و رفاهی زیادی از سوی «بنیاد آغا خان» انجام می گیرد. «بنیاد آغا خان» تاکنون ده ها طرح بهداشتی– درمانی، آموزشی، اقتصادی، جهان گردی و خدماتی را در مناطق نام برده به بهره‌برداری رسانده است. این بنیاد در تبلیغات مذهبی نیز دست دارد.

---

[۱۸۵] (1). شیخ محمّد اکرام، آب کوثر، ص350 و352.

[۱۸۶] (1). سید قاسم محمود، اسلامی انسائیکلوپیدیا پاکستانیکا، ج1، ص34/ همو، انسائیکلوپیدیا پاکستانیکا، ص108.

۶. نوربخشیه: این فرقه، منسوب به سید محمّد نوربخش است که در سال ۸۵۰ ه/ ۱۴۴۶ م به‌عنوان جانشین سید علی همدانی، از بنیان گذاران شیعه در شمال پاکستان، وارد بلتستان گردید . او یکی از علمای برجسته صوفی مسلک زمان خود بود و در بلتستان به‌عنوان بزرگ‌ترین پیشوای مذهبی شناخته می‌شد.

پس از سید محمّد نوربخش، میر شمس الدین عراقی بزرگ ترین پیشوای مذهبی این فرقه است که مراحل تعلیم و سیروسلوک در تصوّف را در ایران، به ویژه نزد شاه قاسم نوربخش، به‌اتمام رساند و به‌عنوان «خلیفه نوربخش» از جانب شاه قاسم نوربخش به کشمیر اعزام شد (ح ۹۰۲ ه).[۱۸۷] میر شمس الدین عراقی در حدود سال ۹۰۳ ه، از کشمیر به بلتستان آمد و پنج سال تمام به تبلیغ پرداخت . فرقه «نوربخشیه» در واقع، از افکار و اندیشه های همین سه نفر (سید علی همدانی، محمّد نوربخش و میر شمس الدین عراقی) تغذیه می‌کند.

فرقه «نوربخشیه» در اصل، شاخه تصوّف شیعه دوازده امامی است. کاچو سکندر خان می گوید: فرقه شیعه امامیه اثنی عشریه و فرقه امامیه صوفیه معروف به «نوربخشیه» در واقع، دو نام برای یک فرقه است؛ زیرا عقاید شیعه دوازده امامی با عقاید «نوربخشیه» یکی است و هردو به توحید، عدل، نبوّت، امامت، معاد، دوازده امام و ظهور حضرت مهدی علیه السّلام اعتقاد دارند و همانند شیعیان در ماه

##PAGE=73##

محرّم و صفر، عزاداری می‌کنند.[۱۸۸]

نوربخشی‌ها به سه گروه عمده تقسیم می‌شوند:

گروه اول «نوربخشیه امامیه» که پیروان نوربخشیه سنّتی و قدیم هستند که با شیعه دوازده امامی تفاوت چندانی ندارند، جز اینکه مسلک درویشی در پیش گرفته اند. مرکز ثقل این گروه در «خپلو»[۱۸۹] به‌ویژه «کریس»[۱۹۰] قرار دارد. مهم‌ترین رهبران و پیروان مذهبی آن سید عون علی عون المؤمن ین و سید محمّد علی شاه هستند . «نوربخشیه امامیه» در سال ۱۹۹۰ م مدرسه‌ای به‌نام جامعه «اسلامیه صوفیه امامیه نوربخشیه» تحت نظارت و کمک «انجمن فلاح و بهبود نوربخشی بلتستانیان کراچی» در محمودآباد کراچی تأسیس کرد که امروز بیش از ۴۰ طلبه در آن درس می خوانند.[۱۹۱] این گروه مجله تبیان را در موضوع عقاید و معارف اسلامی از کراچی منتشر می‌کنند.

گروه دوم «نوربخشیه صوفیه» است که از نوربخشی به اهل سنّت تغییر روش داده اند. این گروه از سال ۱۹۸۰ م به‌بعد، به‌شدت تحت تأثیر فعّالان مذهب وهّابیت قرار گرفته اند، زیرا نوربخشی‌ها در گذشته، فاقد مدارس دینی بودند و طلبه ها و علمای آنها برای تحصیل، به مدارس اهل سنّت روی می آوردند که به تدریج، جذب مذهب آنها شدند. رهبران مهم این

---

[۱۸۷] (1). کاچو سکندر خان سکندر، قدیم لداخ؛ تاریخ و تمدن، ص552-553.

[۱۸۸] (1). همان، ص562-563.

[۱۸۹] (2).ulapahK.

[۱۹۰] (3).sirK.

[۱۹۱] (4). مجله تبیان، ش11(آوریل تا ژوئن2000)، ص 9 و 31.

دسته سید نواز موسوی در گلاب پور شگر، مولانا عبد السلام در منطقه تعلی [۱۹۲] و مولوی عبد الواحد در غواری [۱۹۳] هستند. این گروه دارای نشریه‌ای به‌نام نوای صوفیه است که از اسلام‌آباد منتشر می‌شود.

##PAGE=74##

گروه سوم «نوربخشیه همدانی» به رهبری ابو منظور حسین شاه و سید مختار موسوی است. نوربخشی‌ها، صوفی مسلک و پیرپرست هستند و سیروسلوک نزد آنها اهمیت زیادی دارد . نوربخشی‌ها معمولا از مجتهد زنده تقلید نمی کنند، اگرچه تحت شرایط خاصی آن را جایز می دانند. آنها در گذشته، فقط از اولین پیشوای خود، سید محمّد نوربخش، تقلید می‌کردند و به کتاب فقه احوط او عمل می نمودند. اکنون تعداد قابل توجهی از آنان از مجتهدان زنده نیز تقلید می کنند و علمای طرفدار تقلید مانند آغا سید عبّاس (۱۸۶۳– ۱۹۲۸ م) و دیگران نقش مهمی در ایجاد تغییرات اعتقادی این گروه داشته‌اند.[۱۹۴]

۷. ذکری: این فرقه به‌وسیله سید محمّد جونپوری (۸۴۷– ۹۱۰ ه/ ۱۴۴۳– ۱۵۰۵ م) در «جونپور» پایه‌گذاری شد. سید محمّد جونپوری در سن چهل سالگی از جونپور هند عازم مکّه گردیده و در آنجا ادعای مهدویت کرد . او پس از بازگشت از سفر مکّه به گجرات رفت و این ادعا را تکرار نمود، اما علمای سنّی و شیعه به آن ترتیب اثر ندادند، درحالی‌که تعدادی از توده های مردم تحت تأثیر گفتار او قرار گرفتند .[۱۹۵] جریان «مهدویت» در عصر برهان نظام شاه و اسماعیل شاه در قرن دهم ه. در سلطنت‌نشین «احمدنگر» بسیار فعّال گردیده بود.

سید محمّد جونپوری از گجرات و جالور [۱۹۶] به طرف سند رهسپار گردید و یک سال و نیم در تتّه پایتخت سند ماند و سپس به خاطر مخالفت علما و محکوم شدن به مرگ، از آنجا خارج گردید .[۱۹۷] او اواخر عمر خود را در مکران و سواحل بلوچستان سپری کرد و توانست در این منطقه، هواداران زیادی پیدا کند. سرانجام

##PAGE=75##

وی در «فراه»[۱۹۸] افغانستان وفات کرد. پیروان مهدویت در عصر حاکمان گچکی، از قدرت زیادی برخوردار گردیدند . حاکمان «بلیدی» در مکران، که حکومت آنان با ابو سعید بلیدی در ۱۶۲۳ آغاز شد و تا سال ۱۷۳۳ ادامه پیدا کرد، در ترویج مهدویت و فرقه «ذکری» نقش بزرگی ایفا کردند.[۱۹۹]

ذکری‌های پاکستان امروز در ایالت بلوچستان در نواحی کیچ مکران،[۲۰۰] لسبیله، گوادر،[۲۰۱] تربت و پنج گور زندگی می‌کنند. آنها معتقدند: قرآن از د و حصّه تشکیل شده است : حصّه اول را «شریعت» گویند که پیامبر اسلام آن را بیان

---

[۱۹۲] (5).. ilaaT

[۱۹۳] (6).. irawuhG

[۱۹۴] (1). محمّد یوسف حسین‌آبادی، تاریخ بلتستان، ص27.

[۱۹۵] (2). سید قاسم محمود، اسلامی انسائیکلوپیدیا، ج 1، ص676.

[۱۹۶] (3).. rolaJ

[۱۹۷] (4). شاه محمّد مری، بلوچ قوم قدیم عهد سی عصر حاضر تك، ص369– 397.

[۱۹۸] (1).. haraF

[۱۹۹] (2). همان، ص397.

[۲۰۰] (3).. narkaM hciK

[۲۰۱] (4).. redawaG

فرموده است و حصّه دوم را «ولایت» گویند که اسرار آن مخفی است .[۲۰۲] ذکری‌ها پنج یا شش بار در روز به «ذکر» می‌پردازند و در دوران ذکر، گرد هم می‌نشینند به تلاوت قرآن و تسبیح مشغول می‌شوند.[۲۰۳]

مهم‌ترین مراسم عبادی ذکری‌ها زیارت «کوه مراد» در منطقه تربت است.

«کوه مراد» از نظر آنان، جلوه‌گاه نور حضرت مهدی علیه السّلام است . ذکری‌ها سالی دو بار در تاریخ‌های ۱۵ شعبان و ۲۷ رمضان از سراسر بلوچستان به زیارت این کوه می آیند و معتقدند: مهدی نور است. افراد غیرتحصیل کرده آنان حتی «مهدی» را رسول و پیامبر می‌پندارند.

مهم‌ترین ذکر و ورد ذکری ها این جمله است: «لا اله الّا الله الملک الحق المبین / نور پاک نور مهدی رسول اللّه / الصادق الوعد الامین.»[۲۰۴] دکتر شاه محمّد مری معتقد است: ذکری‌ها مهدی را «صاحب تأویل» می‌دانند و آنها مانند فرقه های

##PAGE=76##

[۲۰۵]

##PAGE=76##

دیگر اسلامی، نماز، روزه، حج، و زکات را واجب می دانند و به شدت به پیر- مریدی اعتقاد دارند و ملّاها از جایگاه برجسته‌ای نزد آنها برخوردارند.

دو نوع عبادت دیگر نیز در مذهب آنها وجود دارد: «ذکر» و «چوگان». «ذکر» به دو نوع جلی و خفی تقسیم می‌شود، و «چوگان» نوعی رقص درویشانه است که در ایام خاص، مانند چهاردهم ماه، ده شب اول ذی حجه و روز دوم عید قربان و بعضی مناسبت‌های دیگر اجرا می‌شود.[۲۰۶]

روابط میان مذاهب

پیروان ادیان و مذاهب گوناگون پاکستان معمولا روابط اجتماعی حسنه‌ای باهم دارند و بجز مواردی محدود، تنش های خاصی در میان آنان مشاهده نمی‌شود.

البته لازم است روابط فکری از روابط اجتماعی آنان تفکیک شود. در عرصه فکری و اعتقادی، همیشه نوعی تنش، تضاد و برخورد میان اندیشمندان مذاهب وجود داشته است . برای نمونه، می‌توان به منازعات فکری دیوبندی‌ها با بریلوی‌ها و همچنین شیعه و سنّی اشاره کرد . تاریخ رویارویی فکری دیوبندی ها و اهل حدیث با بریلوی ها به دوران آغاز پیدایش

---

[۲۰۲] (5). سید قاسم محمود، انسائیکلوپیدیا پاکستانیکا، ص502.

[۲۰۳] (6). همان.

[۲۰۴] (7). مصاحبه با یکی از روحانیان بلوچ که سال‌هاست در میان ذکری‌ها به فعالیت فرهنگی مشغول است.

[۲۰۵] عارف، محمد اکرم، شیعیان پاکستان، 1جلد، شیعه شناسي - قم، چاپ: اول،1385 هـ.ش.

[۲۰۶] (1). شاه محمّد مری، بلوچ قوم قدیم عهد سی عصر حاضر تك، ص398-399.

این نحله های مذهبی برمی گردد که تاکنون صدها عنوان کتاب و رساله از دو طرف بر ردّ و ابطال عقاید همدیگر نوشته‌اند.[۲۰۷] اما این مجادلات نسبتا سخت و شدید فکری، که گاهی منجر به تکفیر همدیگر نیز گردیده، در عرصه اجتماعی تأثیرات جدّی نداشته و نتوانسته است مانع پیوند اجتماعی پیروان این دو مکتب در کشور گردد . هرچند مرزبندی‌های اعتقادی، مراکز آموزشی (مدارس) و عبادی (مساجد) آنها را از هم تفکیک کرده و

##PAGE=77##

در بسیاری موارد، عامل جدایی انجام مراسم مذهبی گردیده، اما باوجود این، هر گروه توانسته است با شکیبایی خود، حضور انسانی، فرهنگی و مذهبی گروه دیگر را در کنار خویش تحمّل نماید . رهبران مذاهب اسلامی پاکستان در مقاطع مهم و حسّاس تاریخی، بر اختلافات فکری خود غالب آمده و به اتخاذ تصمیمات مشترک و مهم و ایجاد نهادهای فراگیر مذهبی کارآمدی دست زده اند که این امر در مهار تنش های فرقه‌ای و یا پیش گیری از آن نقش مثبتی داشته است . یکی از موارد برجسته تعامل سازنده مذاهب اسلامی، همکاری روحانیان آنها در سال ۱۹۵۱ م بود که طی آن ۳۱ تن از رهبران طراز اول تمام مذاهب اسلامی پاکستان در کراچی گرد هم آمدند و منشور دینی معروف به «۲۲ نکات» را برای ترسیم خطمشی اسلامی دولت به دولت‌مداران ارائه دادند.

همچنین پیشوایان مذاهب و مکاتب فکری مسلمان این کشور در ایجاد مراکز، مجمع ها و ائتلاف های سیاسی- مذهبی فراگیر تا حدّ زیادی موفق بوده‌اند؛ مانند:

«نهضت ختم نبوّت » «تحریک ختم نبوت » در سال ۱۹۵۳ م برای مبارزه با قادیانی ها، «نهضت نظام مصطفی » در سال ۱۹۷۷ م برای مبارزه با افکار و سیاست های سوسیالیستی ذو الفقار علی بوتو، «علما بورد » (هیأت علما) برای حل تنش‌های فکری میان شیعه و سنّی؛ «شورای ایدیولوژی اسلامی » (از طرف دولت)، «ملّی یک جهتی کونسل » (شورای همگرایی ملّی) در سال ۱۹۹۵ به منظور جلوگیری از درگیری های فرقه ای و رقابت با حزب «مردم»، و در نهایت، «متحده مجلس عمل» در ۲۷ ژوئ ۲۰۰۱ م با اهداف سیاسی و انتخاباتی.

همان‌گونه که ذکر شد، تنش های مذهبی و فرقه ای نیز در این کشور به اشکال گوناگون ظهور یافته است؛ از جمله : تنش میان مذاهب اسلامی از یک سو و فرقه نوساخته قادیانی از سوی دیگر که بر اثر آن رهبران فرق اسلامی این کشور در

##PAGE=78##

سال ۱۹۵۳ م جنبشی تحت عنوان «جنبش ختم نبوّت» «تحریک ختم نبوّت» برای مبارزه با قادیانی‌ها به‌راه انداختند که به یک جنبش فراگیر تبدیل گردید و بیشتر شهرها را فراگرفت، تا جایی که دولت ناگزیر شد در پنجاب حکومت نظامی اعلان نماید. در جریان این شورش مذهبی، قریب دو هزار نفر کشته شدند .[۲۰۸] اما خواست اصلی هواداران جنبش، که غیراسلامی قرار دادن فرقه «قادیانی» بود، از سوی دولت وقت پذیرفته نشد . در سال ۱۹۷۴ م در زمان ذو الفقار علی بوتو، این جنبش دوباره آغاز شد و این بار پیش از آنکه اوضاع از کنترل خارج گردد، دولت به خواست هواداران جنبش تن داد و قانون غیرمسلمان بودن فرقه قادیانی (احمدی) را در مجلس ملّی این کشور به‌تصویب رساند.

---

[۲۰۷] (2). در این میان، می‌توان به کتاب 7 جلدی مطالعه بریلویت اثر دکتر خالد محمّد مراجعه کرد.

[۲۰۸] (1). سید قاسم محمود، انسائیکلوپیدیا پاکستانیکا، ص177.

تنش مذهبی دوم میان بعضی از مذاهب اهل سنّت و شیعیان اثناعشری است که از سال ۱۹۸۴ م به‌بعد، به‌شدت ماهیت خشونت‌آمیز به‌خود گرفته است.

زمینه‌ساز اصلی این تنش سیاست‌های مهارگرایانه دولت ضیاء الحق نسبت به بیداری روبه‌رشد شیعیان و تبلیغات افراطی گروه «اهل حدیث» و «دیوبندی» علیه مذهب شیعه بود.

در ششم ژوئن ۱۹۶۳ م در جریان حمله افراطیان سنّی به مراسم راه پیمایی و عزاداری شیعیان در روز عاشورا در «تهیری» از توابع شهرستان خیرپور، ۱۱۸ نفر کشته شدند که این خونین ترین حادثه برخورد شیعه و سنّی پس از ایجاد پاکستان به شمار می‌رود.[۲۰۹]

روابط میان شیعه و افراطیان «دیوبندی» و «اهل حدیث» طی دو دهه و نیم اخیر، به دلیل تحوّلات منطقه‌ای، که طی آن در ایران حکومت شیعی روی کار

##PAGE=79##

آمد و در افغانستان، مسلمانان جهاد علیه نیروهای شوروی (سابق) را آغاز کردند و آمریکا و عربستان با استفاده از این شرایط، تحت عنوان «مبارزه با نفوذ کمونیسم و انقلاب اسلامی ایران » وارد پاکستان گردید، رو به تیرگی نهاده و به تدریج، به‌یک رویارویی تمام عیار تبدیل گردیده است.

پیش از تأسیس «انجمن سپاه صحابه» در بیستم ذی حجه ۱۴۰۵ ه/ ششم سپتامبر ۱۹۸۴ م، تنش میان شیعه و سنّی عمدتا به تنش فکری و اعتقادی محدود می شد و اگر حوادثی هم اتفاق می افتاد، در نوع خود بسیار محدود بود. اما پس از تأسیس «انجمن سپاه صحابه» به دست مولانا حق نواز جنگوی در شهر «جنگ»، رویارویی افراطیون «دیوبندی» و «اهل حدیث» با شیعیان حالت سازمان یافته و هدفمند به خود گرفت. «سپاه صحابه» در واقع، برای مبارزه با شیعه و نفوذ انقلاب اسلامی ایران در پاکستان بنیان گذاری شده است. برخی نهادهای دولتی و محافل خارجی، به‌ویژه کشورهای عربی، نیز از این سیاست حمایت به‌عمل آورده‌اند.

مولانا محمّد الیاس بالاکوتی اهداف انجمن «سپاه صحابه» را چنین برمی‌شمارد:

۱- قرار دادن شیعه به‌عنوان یک اقلّیت غیرمسلمان؛

۲- مبارزه با فرقه‌های مذهبی مخالف؛

۳- احیای نظام خلافت راشده؛

۴- سنّی‌سازی دولت پاکستان که در آن رژیم حقوقی براساس فقه حنفی تنظیم گردیده و رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس مجلس ملّی، رئیس مجلس سنا، رئیس قوّه قضائیه و فرماندهان نیروی زمینی، هوایی و دریایی تنها از میان سنّیان برگزیده شده باشند.

---

[۲۰۹] (2). استناد به جزوه‌ای در همین‌باره که از سوی« شهید فاوندیشن پاکستان» منتشر شده است.

##PAGE=80##

۵- گرامیداشت ایّام ولادت و درگذشت خلفای راشدین و معاویه در سطح دولتی؛

۶- جلوگیری از راه‌اندازی راه‌پیمایی و دسته‌های عزاداری شیعیان در ایّام محرّم و مناسبت‌های دیگر؛

۷- قطع دخالت و حمایت مذهبی خارجی؛

۸- تعیین سازی مرگ برای گستاخی به مقام انبیا و صحابه کرام؛

۹. نام‌گذاری نشان‌های ملّی به‌نام اصحاب و بزرگان امّت و بیرون آوردن آن از انحصار نام حضرت علی.[۲۱۰]

«سپاه صحابه» بدین منظور، «لشکر جنگوی» را در سال‌های ۱۹۹۵- ۱۹۹۶ برای حمله مسلّحانه به شیعیان ایجاد کرد. این گروه از آن زمان تاکنون، چندین هزار مسلمان شیعه را در سراسر پاکستان کشته و زخمی کرده است.

باتوجه به اهدافی که برای این انجمن برشمرده شد، ظهور تنش‌های فرقه‌ای پدیده‌ای حتمی است و به‌همین دلیل، پاکستان در دو دهه اخیر، شاهد طولانی ترین و ناگوارترین حوادث خشونت بار مذهبی در خود بوده است . بر اساس آمارهای موجود، تاکنون قریب دو هزار تن از شیعیان در خشونت های فرقه‌ای به‌دست افراد «سپاه صحابه» و «لشکر جنگوی» کشته شده‌اند.[۲۱۱] تنها در فاصله ماه ژوئن ۲۰۰۳ تا مارس ۲۰۰۴ م در سه حادثه تروریستی فرقه‌ای در شهر کویته، ۱۰۱ نفر کشته و ۲۵۷ نفر مجروح شدند.[۲۱۲]

خشونت‌های مذهبی از سوی افراد وابسته به «لشکر جنگوی » و «سپاه صحابه » هم‌اکنون نیز ادامه دارد که این امر بی‌اعتمادی و سوءظن‌های شدیدی را میان

##PAGE=81##

پیروان دو مذهب شیعه و سنّی به وجود آورده و اضطراب و نگرانی را در سطح کل کشور و برای تمام شهروندان ایجاد کرده است.

تنش دیگر بین بریلوی ها و دیوبندی های تندرو، که به «وهّابیت» معروف شده، صورت گرفته است . از سال ۱۹۹۰ م، پس از تأسیس «سنّی تحریک» به رهبری مولانا سلیم قادری، که گرایش بریلوی داشت، تنش بین آنها و وهّابی‌ها شدت گرفت. مولانا سلیم قادری آزادسازی مساجد اهل سنّت را از سلطه نفوذ وهّابی‌ها هدف اصلی خود قرار داده بود. این دو گروه مذهبی بارها در شهرهای کراچی، فیصل آباد و چندین شهر دیگر باهم به درگیری مسلّحانه پرداختند و تعدادی از دو طرف نیز کشته شدند. سرانجام، در می ۲۰۰۱ م/ اردیبهشت ۱۳۸۰، سلیم قادری به‌دست افراد «سپاه صحابه» به قتل رسید.[۲۱۳]

---

[۲۱۰] (1). مولانا محمّد الیاس، امیر عزیمت حضرت مولانا حق نواز جنگوی شهید، ص139- 146.

[۲۱۱] (2). به نقل از: جزوه‌های بنیاد شهید پاکستان(شهید فاوندیشن پاکستان-کراچی).

[۲۱۲] (3). فهیم عبّاس، کربلاء معلا سی کربلاء کویته تك، ص41- 73.

[۲۱۳] (1). روزنامه اطلاعات، 31 اردیبهشت1380.

مذاهب اسلامی در پاکستان شاهد چنین فراز و نشیب هایی در روابط خود بوده اند. بخشی از این روابط، به ویژه روابط تنش‌زا و خشونت‌آمیز، بر اثر عوامل خارجی و دولت شکل می‌گیرد و یا تشدید می‌گردد. زمانی که اوضاع سیاسی منطقه و جهان رو به آرامی می گذارد و یا دولت با تهدیدی از داخل مواج ه نیست، تنش های مذهبی نیز به پایان و یا به حداقل خود می‌رسد.

تاریخ سیاسی

جمهوری اسلامی پاکستان در پی تلاش مستمر مسلمانان هند به رهبری قائد اعظم محمّد علی جناح در سال ۱۹۴۷ م/ ۱۳۲۶ ش از هند جدا شد و به صورت یک کشور مستقل درآمد . ریشه‌های اصلی جدایی پاکستان ا ز هند به تحوّلات سیاسی- اجتماعی هند در جریان قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم

##PAGE=82##

برمی‌گردد. پس از آنکه دولت استعماری بریتانیا تحت پوشش «کمپانی هند شرقی» در نیمه اول قرن نوزدهم، سلطه خود را بر شبه قاره گسترش داد و قیام آزادی خواهانه ۱۸۵۷ م مسلمانان را سرکوب کرد، سیاست آن دولت نسبت به مسلمانان، که هشت قرن تمام بر هند حکومت کرده بودند دست خوش تحوّل جدّی شد . دولت انگلیسی هند با اعمال تبعیضات ناروا نسبت به مسلمانان، آنان را از دخالت در شئون سیاسی و اداری مهم محروم کرد . دولت انگلستان ثبات سلطه خود بر هند را در سرکوبی مسلمانان می‌دید و بدین دلیل، با اتّکا بر اکثریت هندو، تمامی موقعیت‌های مهم سیاسی، نظامی و اقتصادی را به هندوها واگذار کرد.

در دوران سلطه استعماری بریتانیا بر هند، تمایلات قومی و ملّی در جامعه هندوها افزایش یافت و اختلافات زبانی و مذهبی رو به تشدید نهاد. ملّی‌گرایان هندو با ایجاد گروه های افراطی مانند «جنبش سنگتن»، که شعار اخراج مسلمانان را از هند سر می دادند و جامعه «آریایی» در سال ۱۸۷۵ م که از هندو کردن مسلمانان سخن می راندند و «کنگره ملّی هندی» در سال ۱۸۸۵ م به گرایش‌های میهن‌پرستانه و برتری‌خواهانه سیاسی و فرهنگی خود شدت بخشیدند و اقلّیت مسلمانان را بیش از پیش تحت فشار قرار دادند.

جامعه مسلمانان هند برای دفاع از حقوق اجتماعی، مذهبی و سیاسی خود، حزب «مسلم لیگ» را در سال ۱۹۰۶ م تأسیس کرد و نظریه تشکیل دو دولت و دو ملت را مطرح نمود. این نظریه اولین بار از سوی مرحوم علّامه اقبال در سال ۱۹۳۰ م در سخنرانی معروف او در شهر اللّه آباد ارائه شد و مورد استقبال جامعه مسلمانان، به ویژه حزب «مسلم لیگ»، قرار گرفت. این حزب در ۲۳ مارس ۱۹۴۰ م در سی و هفتمین نشست سالانه خود در لاهور، پیشنهاد مولوی

##PAGE=83##

فضل الحق مبنی بر تشکیل یک کشور مستقل را در ایالاتی، که اکثریت آن مسلمان نشین بود، به تصویب رساند. این مصوّبه به‌دلیل اهمیت تاریخی آن، به «قطع‌نامه پاکستان» موسوم شده است.

جریان مبارزه استقلال خواهانه مسلمانان هند در سال های ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶ م به اوج خود رسید . در این سال، حزب «مسلم لیگ » با شعار تشکیل کشور جدید پاکستان، وارد مبارزه انتخاباتی شد و توانست اکثریت قاطع کرسی های

مجالس ایالتی و ملّی را در نواحی مسلمان نشین به‌خود اختصاص دهد. پیروزی حزب «مسلم لیگ» در این انتخابات، چشم‌انداز رسیدن به استقلال را افزایش داد و اراده رهبری جامعه مسلمان هند را در ادامه مبارزه تا ایجاد یک دولت مستقل اسلامی، راسخ‌تر نمود.

دولت بریتانیا باتوجه به رشد فزاینده مبارزه خواهی مسلمانان و افزایش تنش های قومی و مذهبی میان هندوها و مسلمانان، سرانجام راه رهایی از بحران را در پذیرش پیشنهاد م سلمانان دانست و تقسیم هند به دو کشور «پاکستان» و «هندوستان» را در تاریخ سوم ژوئن ۱۹۴۷ م در مجلس انگلستان به تصویب رساند. بدین‌سان، پاکستان در روز چهاردهم اوت ۱۹۴۷ م رسما در جرگه کشورهای مستقل قرار گرفت.

پاکستان پس از استقلال، از دو بخش شرقی (بنگلادش) و غربی (پاکستان کنونی) تشکیل شده بود. اما در سال ۱۹۷۱ م بخش شرقی آن از بخش غربی جدا گردید و پاکستان تنها به پاکستان غربی محدود گردید.

یک روز پس از تشکیل پاکستان، اولین دولت مستقل این کشور، که در آن محمّد علی جناح به عنوان فرماندار کل و لیاقت علی خان به‌عنوان نخست‌وزیر تعیین شده بودند، معرفی گردیدند. پاکستان از آغاز تاکنون، سه بار با هند بر سر

##PAGE=84##

کشمیر و بنگلادش وارد جنگ شده است: بار اول در سال ۱۹۴۸ م در جبهه کشمیر؛ بار دوم در سال ۱۹۶۵ م در کشمیر و پنجاب؛ و بار سوم در ۱۹۷۱ م در بنگلادش. این دو کشور در سا ل ۱۹۹۸ م نیز در منطقه «کارگیل»[۲۱۴] کشمیر در آستانه یک جنگ تمام عیار قرار گرفتند که با میانجیگری آمریکا و سازمان ملل از آن پیش‌گیری شد.

اولین قانون اساسی پاکستان در سال ۱۹۵۶ م تدوین گردید. در این قانون اساسی، رژیم سیاسی کشور «جمهوری اسلامی» معرفی شد و مقام ریاست جمهوری جای مقام فرمانداری کل را گرفت و اسکندر میرزا به عنوان اولین رئیس جمهور در تاریخ این کشور تعیین گردید.[۲۱۵] آخرین قانون اساسی پاکستان در ۱۲ آوریل سال ۱۹۷۳ در زمان حکومت ذو الفقار علی بوتو، پدر خانم بی‌نظیر بوتو، به‌تصویب رسید که تا امروز به‌آن عمل می‌شود. در این قانون اساسی، یک بار در سال ۱۹۸۵ م و بار دوم در ۳۱ دسامبر ۲۰۰۳ م اصلاحاتی به‌عمل آمده است.

پاکستان از لحاظ سیاسی، همواره دچار بی ثباتی و مواجهه با کودتاهای نظامی بوده است. «ارتش» قدرت‌مندترین نهاد سیاسی در این کشور است که در بیشتر و یا تمام مسائل مهم کشور، اعمال نظر می‌کند. هرگاه اختلاف بین دولت و ارتش افزایش یابد و یا دولت نتواند بر بی ثباتی سیاسی غلبه کند ارتش به بهانه اعاده نظم و ثبات، دست به کودتا می زند. اولین کودتای نظامی در ۱۷ اکتبر ۱۹۵۸ م به وسیله ژنرال محمّد ایّوب خان، فرمانده کل ارتش ، صورت گرفت و تا سال ۱۹۶۹ م حکومت نظامی او ادامه پیدا کرد. کودتای دوم در ادامه کودتای اول، به‌وسیله

##PAGE=85##

ژنرال یحیی خان انجام گرفت که تا دسامبر ۱۹۷۱ حکومت نظامی او ادامه یافت.

---

[۲۱۴] (1).. ligraK

[۲۱۵] (2). شاهد مختار، پاکستان مین فوجی حکومتین[حکومت‌های نظامی در پاکستان]، ص 28.

کودتای سوم در پنجم ژوئیه ۱۹۷۷ به‌وسیله ژنرال ضیاء الحق انجام شد که تا سا ل ۱۹۸۸ قدرت را در دست داشت . کودتای چهارم هم در ۱۲ اکتبر ۱۹۹۹ م به وسیله ژنرال پرویز مشرّف، رئیس جمهور کنونی، انجام گرفت که موجب سرنگونی دولت نخست وزیر محمّد نواز شریف گردید.

ژنرال پرویز مشرّف پس از به دست گرفتن قدرت، خود را «رئیس اجرایی»[۲۱۶] نامید و در ۱۲ می ۲۰۰۰ م دادگاه عالی کشور کودتای او را تأیید کرد و برای سه سال از زمان کودتا، مقام ریاست اجرایی او را تثبیت نمود. پرویز مشرّف در ۲۰ ژوئن ۲۰۰۱ م خود را رئیس جمهور کشور اعلام کرد و جانشین رفیق تارر رئیس جمهور قبلی، شد . او با برگزاری همه‌پرسی در ۳۰ آوریل ۲۰۰۲ م، مقام ریاست جمهوری خود را برای پنج سال دیگر نیز تمدید نمود.

تلاش برای اسلامی کردن کشور

بنیان‌گذاران پاکستان در آغاز دوران مبارزات استقلال طلبانه، ایجاد یک کشور مستقل اسلامی را، که در آن شریعت اسلامی برتری خود را بر قوانین دیگر حفظ کند، مورد توجه قرار داده بودند. روحانیان برجسته‌ای مانند مولوی شبیر احمد عثمانی، سید سلیمان ندوی، مولانا اشرف علی تانوی، مولانا عبد الحامد بدایونی، مولانا محمّد علی جوهر، مولانا جمال میان، و پیر جماعت علی شاه، باتوجه به همین امر، سهم فعّالی در پیروزی نهضت پاکستان به عهده گرفتند. اینان پس از تشکیل پاکستان، بر تلاش خود در جهت اسلامی کردن قوانین کشور افزودند . در ۱۲ مارس ۱۹۴۹ مجلس قانون‌گذاری ده ماده اساسی را به‌تصویب رساند که به

##PAGE=86##

دلیل اهمیت آن، به «قرارداد مقاصد» شهرت یافته است. براساس قرارداد مزبور، مقرّر گردید جمهوریت، برابری، عدالت اجتماعی و تساهل برمبنای نصوص اسلامی، که در آن زمینه های تحقق زندگی فردی و اجتماعی براساس قرآن و سنّت فراهم گردیده باشد، به‌اجرا گذاشته شود.[۲۱۷]

در ادامه این تلاش ها، در روزهای ۲۱ تا ۲۴ ژانویه ۱۹۵۱ م، ۳۱ تن از برجسته ترین علمای مذهبی فرقه های اسلامی پاکستان در همایش چهار روزه ای در کراچی، ۲۲ ماده مهم درباره شیوه اسلامی کردن کشور به اتفاق آراء به تصویب رساندند که به «۲۲ نکات» مشهور شده است . در سال ۱۹۵۹ م «انستیتو تحقیقات مرکزی اسلامی » به ریاست دکتر اشتیاق حسین قریشی تأسیس شد تا دولت را در ارائه مشو رت‌های اسلامی در خصوص مسائل دینی، سیاسی و حقوقی یاری رساند. این مرکز امروز تحت عنوان «شورای تفکر اسلامی» (اسلامی نظریاتی کونسل) فعالیت می‌کند.

اما کوشش های به عمل آمده از سوی جریان های اسلامی، مورد استقبال سیاست مداران عمدتا سکولار واقع نشد و نتوانست جایگاه خود را در نظام حقوقی کشور احراز نماید. با این وجود، بی‌رغبتی دولت‌مداران در اسلامی کردن کشور، احزاب اسلامی را به عقب‌نشینی و یا ناامیدی دچار نکرد، بلکه این احزاب در سال ۱۹۷۷ م با استمداد از قدرت مردمی، جنبشی تحت عنوان جنبش «نظام مصطفی » برای مقابله با سیا ست‌های سوسیالیستی بوتو به راه انداختند که منجر به سقوط دولت بوتو و روی‌کار آمدن ضیاء الحق، که به‌شدت مذهبی بود، گردید.

---

[۲۱۶] evitucexE feihC..(1)

[۲۱۷] (1). صفدر محمود، پاکستان؛ تاریخ و سیاست، ص44- 45.

ضیاء الحق (حک ۱۹۷۷– ۱۹۸۸ م) با همکاری برخی احزاب اسلامی، به ویژه «جماعت اسلامی»، گام‌هایی در جهت اصلاحات برخی قوانین کشور براساس

##PAGE=87##

احکام اسلامی برداشت؛ مانند وضع قانون پرداخت زکات، تعزیرات اسلامی، تأسیس دادگاه فدرال اسلامی، تشکیل شورای مشورتی ریاست جمهوری از میان علما، و تقویت مدارس دینی . اما با کشته شدن او در یک حادثه هوایی مشکوک در سال ۱۹۸۸ م، این تلاش‌ها ناتمام ماند.

پس از ضیاء الحق، در دوران خانم بوتو و نواز شریف نیز تلاش های زیادی برای تصویب لایحه «شریعت» در مجلس صورت گرفت، اما به‌خاطر یک‌جانبه بودن آن و عدم ملاحظه دیدگاه های بعضی مذاهب مانند «اهل حدیث»، «بریلوی» و شیعه، مورد اعتراض و مخالفت قرار گرفت و به نتیجه نرسید. در دوران حکومت پرویز مشرّف، که جامعه جهانی تحت‌تأثیر جوّسازی‌های هدفمند آمریکا، مبارزه با اسلام گرایی را هدف عمده قرار داده است، زمینه ای برای اصلاحات اسلامی در کشور به نظر نمی‌رسد، هرچند احزاب اسلامی آن کشور (متحده مجلس عمل) بیش از هر زمان دیگر، در تاریخ سیاسی پاکستان در مجلس دارای قدرت هستند و ۶۰ کرسی مجلس فدرال را در اختیار دارند . اما تاکنون فشارهای داخلی و خارجی، مانع هر نوع اصلاحات اسلامی جدّی در عرصه قانون‌گذاری شده است.

##PAGE=89##

فصل دوم جمعیت شیعه

##PAGE=91##

در این فصل، مسائل مربوط به جمعیت شیعیان پاک ستان مورد بررسی قرار می گیرد. اگرچه در زمینه تعداد جمعیت، چگونگی توزیع جمعیت، سواد و پدیده مهاجرت نمی توان به آمارهای مشخصی دست یافت– چرا که تاکنون آمارگیری دقیقی از پیروان مذاهب اسلامی و تحوّلات جمعیتی و اجتماعی آن در این کشور به عمل نیامده و یا انتشار نی‌افته است– اما باتوجه به توزیع جغرافیایی جمعیت و آمارها و داده های اطلاعاتی مربوط به کل جمعیت پاکستان، می توان به شاخص‌های آماری تقریبی جمعیت شیعه در این کشور دست یافت.

تعداد جمعیت شیعه

در سرشماری های رسمی دولتی، که هر ده سال یک بار انجام می گیرد و منتشر م ی‌گردد، مسلمانان بدون ملاحظات مذهبی‌شان، به‌عنوان یک مجموعه واحد در مقابل ادیان دیگر، در رده بندی آماری قرار می گیرند. در این آمارها، هیچ اشاره‌ای به پیروان هریک از مذاهب اسلامی به صورت جداگانه و تعداد جمعیت آنها صورت نمی گیرد. حتی در پرسش‌نامه‌ها و برگ های تشخیص هویّت، که در شعبات اداری مانند «اداره ثبت احوال » ارائه می شود نیز جایگاهی برای شناسایی مذاهب اسلامی پیش‌بینی نگردیده و در آنها صرفا به دین، زبان، ملّیت و مسائل

##PAGE=92##

دیگر پرداخته شده است. بنابراین، به‌دست آوردن آماری دقیق از تعداد طرف داران هر مذهب در این کشور، امری دشوار می‌نماید.

اما آمارهای تقریبی ارائه شده از سوی محافل خارجی و پژوهشگران داخلی، می تواند تا حدّی به روشن شدن موضوع کمک کند و دست‌کم تصویری اجمالی از ترکیب پیروان مذاهب اسلامی در این کشور به دست دهد. هرچند منابع نام‌برده آمارهای متفاوتی در این زمینه ارائه داده اند، ولی باوجود این، می توانند ما را در گمانه زنی‌های نزدیک به واقع تا حدّ زیادی یاری رسانند.

در دائرة المعارف تشیّع؛ آمارهای متعددی از درصد جمعیت شیعه پاکستان به نقل از منابع گوناگون نقل گردیده است؛ مانند: ۵/ ۲ درصد، ۹ درصد، ۱۰ درصد، ۱۵ درصد و سرانجام ۲۵ درصد.[۲۱۸] در دانشنامه جهان اسلام، اعداد بین ۱۵ درصد تا ۲۰ درصد ذکر شده است.[۲۱۹] برخی منابع خارجی دیگر نیز آماری در این باره ارائه داده‌اند که با ارزیابی همه آنها، می‌توان به نتایجی دست یافت . در پایگاه اینترنتی مربوط به سازمان AIC آمار پیروان ادیان و مذاهب موجود در پاکستان بدین شرح اعلام شده است: مسلمان ۹۷ درصد (سنّی ۷۷ درصد، شیعه ۲۰ درصد)، مسیحی، هندو و غیر آنها ۳ درصد.[۲۲۰]

نویسنده کتاب برآورد استراتژیک پاکستان نیز با استناد به منابع داخلی پاکستان (پایگاه اینترنتی) می‌نویسد: طبق آمار سال ۱۹۹۹، این کشور دارای ۹۷ درصد مسلمان (۷۷ درصد سنّی و ۲۰ درصد شیعه) و ۳ درصد هندو، مسیحی و مذاهب دیگر بوده است.[۲۲۱]

ارزیابی خود رهبران شیعه پاکستان نیز همین تعداد را نشان می‌دهد. یکی از

##PAGE=93##

رهبران و فعّالان «تحریک جعفریه»، که همیشه بالاترین عنوان‌ها را در این حزب داشته و بیشتر مناطق شیعه نشین را از نزدیک بررسی کرده، معتقد است : در سال ۱۹۹۹ جمعیت شیعه «۳ کرور» یعنی ۳۰ میلیون بوده است . اما سرشماری سال ۱۹۹۸، که میزان جمعیت کل کشور را ۱۳۰ میلیون نفر اعلام نموده است، این رقم میزان ۲۳ درصد را نشان می‌دهد.[۲۲۲]

باتوجه به‌این آمارها، می توان این گمانه را تقویت کرد که جمعیت شیعه قریب ۲۰ درصد کل جمعیت است . در واقع، پراکندگی جمعیت شیعه، اشتراک بعضی از سنّیان با شیعیان در برگزاری مراسم ایّام محرّم و ناآگاه بودن برخی از طرف‌داران هردو مذهب از آموزه ها و شعائر دینی‌شان، پیچیدگی زیادی در تفکیک شفّاف پیروان دو مذهب ایجاد نموده است.

توزیع جغرافیایی جمعیت شیعه

---

[۲۱۸] (1). دائرة المعارف تشیّع، ج3، ص604.

[۲۱۹] (2). دانشنامه جهان اسلام، ج5، ص446.

[۲۲۰] (3).

lmtoh. snoigiler/ sdleif/ koobtcaf/ snoitacilbup/ aic/ vog. icdo. www .

[۲۲۱] (4). غزاله نظیف کار و حسین نوروزی، برآورد استراتژیك پاکستان، ص48.

[۲۲۲] (1). مصاحبه30 مارس2004 با سید وزارت حسین نقوی از بنیان‌گذاران و دبیر کل اول« تحریك جعفریه».

چنان‌که در فصل اول ذکر شد، پاکستان از لحاظ اداری، به هشت ناحیه تقسیم گردیده است : ۱. ایالت بلوچستان؛ ۲. ایالت سند؛ ۳. ایالت پنجاب؛ ۴. ایالت سرحد؛ ۵. دار الحکومت فد رال اسلام‌آباد؛ ۶. مناطق شمالی (فانا)؛ ۷. مناطق قبایلی (فاتا)؛ ۸. کشمیر.

در تمام این مناطق هشت‌گانه، شیعیان در کنار پیروان سایر مذاهب حضور انسانی دارند. در واقع، نقشه جغرافیای انسانی شیعیان به گونه‌ای است که نمی توان برخی مناطق خاص را در محل سکونت آنان معر فی کرد و از مناطق دیگر چشم‌پوشی نمود. هرچند در برخی مناطق مانند مناطق شمالی، شیعیان بسیار

##PAGE=94##

متمرکز بوده و اکثریت را تشکیل می دهند، اما در سایر شهرها و روستاها، بجز موارد محدودی مانند پاراچنار و تیرا (مناطق قبایل)، بعضی مناطق هنگو و کوهات (سرحد)، کوت دیجی (سند)، گنداوه[۲۲۳] (بلوچستان) ترکیب جمعیت بسیار پیچیده و متنوّع است.

شاید یکی از راه های مناسب برای مطالعه جغرافیای انسانی شیعیان این باشد که مهم ترین- اگر تصور شود- شهرها و روستاهای شیعه‌نشین در هر ایالت به ترتیب، مورد توجه قرار گیرد و به آمار هرچند تقریبی و احتمالی آنها اشاره شود.

اما انجام چنین کاری به‌صورت کامل نیز بسیار دشوار است بنابراین از «مهم‌ترین» ها به مقدار ممکن‌ها اکتفا خواهد شد.

۱. بلوچستان

بلوچستان با مساحت ۳۴۷ هزار کیلومتر مربع، بزرگ ترین ایالت پاکستان است که قریب ۴۴ درصد خاک این کشور را تشکیل می‌دهد؛ اما از لحاظ جمعیت، کم‌جمعیت‌ترین ایالت است که تنها ۰۰۰/ ۵۶۰/ ۶ نفر را در خود جای داده است.

بیشتر جمعیت این ایالت روستایی‌اند (۱۱/ ۷۶ درصد) و فقط ۸۹/ ۲۳ درصد آن در شهرها زندگی می‌کنند.

شیعیان این ایالت عمدتا در دو منطقه سکونت دارند : کویته و شهرستان‌ها و روستاهای جنوب شرق کویته که شاه راه کویته- سند از آن عبور می‌کند. در مناطق غربی این ایالت، که با ایران هم مرز است و شمال آن، که با افغانستان هم مرز است و نیز شمال شرق آن- به ترتیب- اقوام «بلوچ» و «پشتون» سنّی مذهب زندگی می‌کنند.

##PAGE=95##

الف. کویته: آمار دقیقی از میزان جمعیت شیعه در شهر کویته وجود ندارد، اما بسیاری از آگاهان محلّی بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار را گمانه مناسبی می پندارند که یک چهارم کل جمعیت را تشکیل می دهد.[۲۲۴] از ویژگی بسیار مهم شیعیان شهر کویته، تمرکز جغرافیایی آن است . بیش از ۹۰ درصد آن در دو محلّه «علمدار رود» و «بروری[۲۲۵]- کرانی» زندگی

---

[۲۲۳] hawadnaG..(1)

[۲۲۴] (1). در مصاحبه با روحانیان و شخصیت‌های محلّی در سال‌های1382-1383.

[۲۲۵] iroroB..(2)

می‌کنند که چنین تمرکزی در نوع خود در پاکستان کم نظیر است. سایران در مرکز شهر (مکانیکی رود)، سریاب[۲۲۶] و طوغی رود ساکن هستند.

شیعیان کویته از اقوام گوناگونی تشکیل شده که هرکدام دارای زبان و فرهنگ بخصوصی است. بزرگ‌ترین گروه قومی را «هزاره‌ها» تشکیل می‌دهند که به زبان فارسی دری تکلّم می کنند. جمعیت هزاره‌ها در یک قرن اخیر، پیوسته در حال افزایش بوده است. گروه‌های قومی دیگر عبارتند از : قندهاری (پارسی یا قزلباش فارسی زبان)، پنجابی، گلگتی، بلتی، هندوستانی (اردو زبان)، بنگش[۲۲۷] و توری (پشتو زبان).[۲۲۸] تمامی شیعیان شهر کویته دوازده امامی هستند.

همان‌گونه که اشاره شد، شیعیان داخل بلوچستان (خارج از شهر کویته) عمدتا در ناحیه جنوب شرق این ایالت سکونت دارند و تعدادی نیز در دهه های اخیر، به شمال و شمال شرق این ایالت، که مناط ق پشتون است، مهاجرت کرده و در ادارات و یا بازار (کسب و تجارت) مشغول به‌کار شده‌اند. مناطق شیعه‌نشین نواحی جنوب شرق به شرح ذیل است:

##PAGE=96##

ب. نصیرآباد: یکی از نواحی شش گانه اداری بلوچستان است که از چهار شهرستان و نه بخش تشکیل گردیده است . بیشترین جمعیت شیعه بلوچ در شهرستان و روستاهای نصیرآباد به سر می‌برند. شهرستان‌های این ناحیه، که شیعیان در آنها سکونت دارند عبارت است از:

۱. جعفرآباد: براساس ارزیابی‌های به‌عمل آمده، شهرستان جعفرآباد و توابع آن بیشترین تعداد شیعه جنوب بلوچستان را در خود جای داده است . این شهرستان از دو بخش تشکیل گردیده است : «استا محمّد» و «دیره اللّه یار». مرکز بخش «اوستا محمّد» دارای ۰۰۰/ ۵۵ نفر جمعیت است که احتمالا ۰۰۰/ ۶ نفر آن را شیعیان تشکیل می دهند. در میان ۵۳ روستای شیعه‌نشین این بخش، بین ۴۰ تا ۱۰۰ درصد آن را شیعیان تشکیل می دهند.[۲۲۹] در «دیره اللّه یار» و «گنداخه» نیز تعدادی شیعه وجود دارند . در جعفرآباد، هرساله بیش از دو هزار نفر در دسته های عزاداری روز عاشورا شرکت می‌کنند. در روستاهای اطراف آن، مانند روستاهای غلام محمّد جمالی، روداد خان سیّال، سید نثار شاه، محمّد نواز جمالی، ولی محمّد جمالی، سید عنایت شاه و منظور شاه نیز- به ترتیب- ۲۰، ۱۰، ۱۰، ۲۰، ۲۵، ۵ و یک خانواده شیعه زندگی می‌کنند.[۲۳۰] در شهر «دیره الله یار » و روستاهای تابع آن مانند رو جهان جمالی و صحبت پور، دست‌کم شانزده روستا شناسایی شده‌اند که در هریک از آنها بین ۸ تا ۵۰۰ نفر شیعه به‌سر می‌برند.[۲۳۱]

۲. نصیرآباد: این شهرستان دارای دو بخش به نام های «دیره مراد جمالی» و «تمبو»[۲۳۲] است. در هردو بخش نصیرآباد، کم‌وبیش تعدادی شیعه وجود دارد. در

---

[۲۲۶] (3).. bayraS

[۲۲۷] (4).. hsugnaB

[۲۲۸] (5). آغا محمّد ناصر، بلوچستان مین پیروان علی[پیروان علی در بلوچستان]، ص173- 174.

[۲۲۹] (1). گزارش‌ها و یادداشت‌های مولانا عارف حسین واحدی،1996.

[۲۳۰] (2). گزارش هیأت تبلیغات اسلامی بلوچستان، مارس2005.

[۲۳۱] (3). یادداشت‌های مولانا عارف واحدی.

[۲۳۲] (4).. ubmaT

##PAGE=97##

شهر دیره مراد جمالی، قریب ۲ تا ۳ هزار نفر شیعه سکونت دارند که در محلّه‌های وات‌نمبر[۲۳۳] ۵، ۶ و ۷ زندگی می‌کنند. اقوام شیعه این شهر عمدتا چلگری، گولا، لوهار و عمرانی هستند که به زبان های بلوچی، سرائیکی و سندی صحبت می‌کنند. در روستاهای اطراف این شهر، مانند روستای افضل لوئر، جمعه خان عمرانی، اعتبار خان عمرانی و داود خان عمرانی نیز خانواده‌های شیعه به‌طور پراکنده زندگی می‌کنند.[۲۳۴]

در بخش «تمبو» نیز جمعیت قابل توجهی از شیعه دیده می شود که عمدتا در روستاها زندگی می کنند. در بررسی‌های به‌عمل آمده از ۳۵ روستای شیعه‌نشین بخش تمبو- به استثنای ۵ مورد که بین ۲۵ درصد تا ۸۰ درصد جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دادند- جمعیت ۳۰ مورد بقیه، ۱۰۰ درصد از شیعیان است.[۲۳۵]

۳. جل مگسی: جمعیت شهر جل مگسی (جهل مگسی) براساس برخی برآوردها، ۰۰۰/ ۱۵ نفر ذکر شده که از آن میان، تنها تعداد اندکی شیعه هستند.[۲۳۶] در برخی روستاهای آن، مانند ننگرانی،[۲۳۷] سرگانی[۲۳۸] و راهی گرانگ بین ۶۰ تا ۱۰۰ درصد شیعه هستند. یکی از بخش های جل مگسی، شهر «گنداوه» است که قریب ۷۰ درصد آن را شیعیان تشکیل می‌دهند. پیشینه شیعه در این شهر، بنا به بعضی منابع، به قرن اول هجری و به دوران هجرت بلوچ های «رند» و «لاشار» از حلب بدین جا برمی‌گردد. اما قریب ۵۰۰ سال قبل، سادات نقوی و حسینی مذهب شیعه را در این منطقه مستحکم نمودند و آن را توسعه دادند. پس از آن جمعی از مهاجران شیرازی (قریب ۳۰۰ سال قبل) به این ناحیه مهاجرت کردند و به

##PAGE=98##

ترویج شیعه پرداختند.[۲۳۹] ساکنان گنداوه به‌زبان «سندی» سخن می‌گویند و مردم آن از اقوام «آرائین»،[۲۴۰] «دهکر»[۲۴۱] و «کلوار» هستند. از آثار تاریخی این شهرستان مسجد «اقصی» است که تاریخ موجود بر روی یکی از کاشی‌های آن سال ۱۱۹۷ ه. را نشان می دهد که بیانگر ساخت آن در آخر قرن دوازدهم است . در برخی روستاهای اطراف گنداوه مانند کهاری، کوئتره و کت بچل نیز کم‌وبیش شیعیانی زندگی می کنند. از دیگر شهرستان‌های جل مگسی «نوشهره» است که در آنجا نیز کم‌وبیش شیعیان سکونت دارند.

۴. بولان: جمعیت شیعه در «بولان» نسبت به مناطق سابق الذکر کمتر است . آنها در «دادر»[۲۴۲] (قریب ۲۵ خانوار) مچ (مچه)،[۲۴۳] لهری،[۲۴۴] باگ (بهاگ)[۲۴۵] و بالاناری[۲۴۶] به‌طور پراکنده سکونت دارند و جمعیتشان اندک و فاقد مراکز تعلیمات

---

[۲۳۳] (1). rebmaN ttaW.

[۲۳۴] (2). همان.

[۲۳۵] (3). همان.

[۲۳۶] (4). گزارش هیأت تبلیغات اسلامی بلوچستان، مارس2005.

[۲۳۷] (5). inaragnan.

[۲۳۸] (6). inagraS.

[۲۳۹] (1). در مصاحبه با شخصیت‌های علمی و فرهنگی محلّی.

[۲۴۰] (2). iharA.

[۲۴۱] (3). rekahD.

[۲۴۲] (4). redahD.

[۲۴۳] (5). hcaM.

دینی قابل توجه است . اما در سال های اخیر، مدرسه «جامعه قائم آل محمّد » در باگ و جامعه «المهدی» در دادر تأسیس شده است که در صورت تقویت، می تواند نقش خوبی در رشد آگاهی های مذهبی مردم محل ایفا نماید . تعداد خانوار شیعه در باگ، قریب ۵۰ خانوار[۲۴۷] و در مچ، قریب ۱۵۰۰ نفر (از ۰۰۰/ ۶۰ نفر) می‌رسد.

ج. سبّی:[۲۴۸] دومین ناحیه اداری بلوچستان ناحیه «سبّی» است که در تقسیمات اداری کشوری، به آن «دویژن» (ناحیه) گفته می‌شود. سبّی از چهار شهرستان (ضلع) و نه بخش (تحصیل) تشکیل شده است. تعداد محدودی شیعه در شهر

##PAGE=99##

سبّی (قریب ۱۵ تا ۲۰ خانوار)، هرنایی[۲۴۹] و دیره‌بگتی[۲۵۰] سکونت دارند که به اقوامی مانند «هوت» و «بگتی»، که شاخه‌هایی از قوم بلوچ هستند، و «هزاره» که غیر بلوچ است، تعلّق دارند. تعداد شیعیان در هرنایی، قریب ۷۰ نفر و در سبی، قریب ۱۰۰ نفر تخمین زده شده است.

د. ژوب:[۲۵۱] ناحیه «ژوب» از پنج شهرستان و هفت بخش تشکیل شده است و مردم آن به زبان «پشتو» سخن می‌گویند. در شهرستان‌ها و بخش‌های این ناحیه، کم و بیش خانواده های شیعه، که عموما از مناطق دیگر پاکستان به عنوان کارمند ادارات دولتی و نیروهای ارتش و پلیس به‌آنجا انتقال یافته‌اند، سکونت دارند.

تعداد این افراد با رفتن تعدادی ا ز مردم هزاره کویته به آنجا رو به افزایش نهاده و هم اکنون به ساکنان دایمی آنجا تبدیل شده‌اند. مهم‌ترین شهرستان‌های ژوب از لحاظ پذیرش جمعیت شیعه، عبارت است از:

۱. شهر ژوب: جمعیت شیعه در این شهر، از چند صد نفر تجاوز نمی‌کنند. آنها دارای یک باب امام بارگاه (حسینیه) به نام «امام بارگاه حسینی» در محل خود می‌باشند که در ایّام محرّم در آن عزاداری می‌کنند.

۲. سنجاوی: در این شهرستان نیز قریب ۲۰۰ نفر شیعه، که غالبا هزاره هستند، زندگی می کنند و فاقد امام بارگاه می‌باشند.

۳. لورالائی: در این شهرستان، اقوام گوناگون شیعه به‌سر می‌برند، اما اکثریت آنها را هزاره ها تشکیل می‌دهند که دارای یک باب حسینیه در محلّه «هزاره» بوده و سال تأسیس آن ۱۹۵۰/ ۱۹۵۵ م ذکر شده است. احتمالا کل جمعیت شیعیان این شهر بیش از ۰۰۰/ ۱ نفر باشد.

##PAGE=100##

---

[۲۴۴] irhaL..(6)

[۲۴۵] gahB..(7)

[۲۴۶] iranalaB..(8)

[۲۴۷] (9). گزارش هیأت تبلیغات اسلامی بلوچستان، مارس2005 م.

[۲۴۸] ibbiS..(10)

[۲۴۹] ianraH..(1)

[۲۵۰] itguB ariD..(2)

[۲۵۱] bohZ..(3)

۴. دکی:[۲۵۲] در دکی جمعیت شیعیان از چند صد نفر فراتر نمی‌رود. آنان دارای یک باب حسینیه (امام بارگاه) در محلّه هزاره هستند؛ اما از لحاظ مذهبی تحت فشار گروه‌های وهّابی مسلک قرار دارند.

۵. مسلم باغ: در مسلم باغ نیز تعدادی خانوار شیعه هزاره زندگی می‌کنند که تعدادشان اندک است.

۲. سند

ایالت سند با مساحت ۹۱۴/ ۱۴۰ کیلومتر مربع در جنوب پاکستان واقع شده است . این ایالت به‌دلیل داشتن راه ارتباطی با دریای آزاد و بهره مندی از مهم ترین بندر آبی کشور، که در کراچی قرار دارد و همچنین همجواری با هند از سمت شرق، از موقعیت استراتژیکی خاصی برخوردار است . سند از نظر جمعیت، دومین ایالت پس از پنجاب به شمار می‌رود که جمعیت آن مطابق سرشماری سال ۱۹۹۸، سی و چهار میلیون و سیصد و نه هزار (۰۰۰/ ۳۰۹/ ۳۴) نفر ذکر شده است. این ایالت از لحاظ تقسیمات اداری، به پنج ناحیه، ۲۱ شهرستان، ۸۸ بخش و ۸۷۵/ ۵ روستا تقسیم شده است.[۲۵۳]

سند از دیرباز، یکی از مناطق مهم شیعه‌نشین هند به‌شمار آمده است.

خانواده‌های «سومره/ سومرا» (۴۰۱- ۷۵۲ ه)، «سمّا» (۷۵۲- ۹۲۳ ه)، «کلوار» (۱۱۲۳- ۱۱۹۹ ه) و «تالپور» (۱۱۹۹- ۱۲۵۸ ه)، که همه گرایش شیعی داشتند- به ترتیب- بر این سرزمین حکم‌رانی کرده‌اند. امروز نیز جمعیت شیعه در این ایالت قابل‌توجه است. به نظر می‌رسد دو عامل تاریخی- اجتماعی نقش زیادی

##PAGE=101##

در رشد جمعیت شیعه در سند داشته است : یکی هجرت مستمر بلوچ هایی که همه و یا بیشترشان دارای گرایش شیعی بوده‌اند و در سده های گذشته از بلوچستان و حتی ایران به این منطقه آمده اند. دوم هجرت میلیون‌ها مسلمان هندی بین سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۵۰ از هند به‌خاطر درگیری‌های فرقه‌ای در دوران تقسیم هند که اغلب آنها در سند مستقر شدند و تعداد قابل توجهی از آنان شیعه مذهب بودند. وجود این دو عامل اجتماعی به اضافه فعالیت‌های فکری و فرهنگی نسبتا گسترده‌ای که از سوی حاکمان محلّی سلسله های شیعی در گذشته انجام گرفته، به افزایش طرف داران شیعه کمک کرده است.

شهرهای مهم سند عبارتند از : کراچی، حیدرآباد، دادو، بدین،[۲۵۴] تتّه (تهته) خیرپور، سکّر، شکارپور، جیکب آباد، سهون، لارکانه، نوّاب شاه، نوشهر و فیروز، دگری،[۲۵۵] میرپور خاص، سانگر،[۲۵۶] عمر کوت و ترپارکر.

الف. کراچی: این شهر قریب ۱۲ میلیون نفر جمعیت دارد که گفته می شود بین یک تا یک و نیم میلیون آن را شیعیان تشکیل می‌دهند.[۲۵۷] محلّه‌های مهم شیعه‌نشین کراچی عبارتند از: انچولی[۲۵۸] (اردوزبان)، رضویه سوسایتی فاز اول و دوم

---

[۲۵۲] (1). ikoD.

[۲۵۳] (2). خالد نذیر احمد، کتابستان ورلداتلس، ص32.

[۲۵۴] (1). needaB.

[۲۵۵] (2). irgoD.

[۲۵۶] (3). ragnaS.

[۲۵۷] (4). مصاحبه با کارآگاهان محلّی، مارس2004.

(اردو زبان)، جعفر طیّار سوسایتی (اردوزبان)، محمّدی دیره (اردوزبان)، سولجر بازار [۲۵۹] (گجراتی‌زبان)، عبّاس تاون (اردوزبان)، دیفنس [۲۶۰] (اردوزبان)، کارادر [۲۶۱] (گجراتی)،SHCEP سوسایتی (گجراتی و اردو)، ملیر، [۲۶۲] ناظم‌آباد،BA سینا لاینز (بلتی‌زبان)، صدر (بلتی‌زبان)، پهلوان گوت (پشتوزبان)، حسین گوت (فارسی‌زبان هزاره)،

##PAGE=102##

منگاپیر [۲۶۳] (فارسی زبان هزاره)، شاه فیصل کالونی (اردوزبان)، و کلفتن. [۲۶۴] علاوه بر محلّه های مذکور، تقریبا در تمام نقاط شهر، خانواده‌های شیعه به‌طور پراکنده و محدود وجود دارند. یکی از راه‌هایی که گستره جمعیت شیعه در این شهر را بازتاب می بخشد تعداد حسینیه ها و مساجدی است که براساس آمارگیری اولیه، ۱۵۲ حسینیه و مسجد مربوط به شیعیان در کراچی شناسایی شده و به‌ثبت رسیده است. [۲۶۵]

ب. حیدرآباد: ناحیه حیدرآباد از ۴ شهرستان و ۲۵ بخش تشکیل شده است که در تمام آنها، کم وبیش شیعیان وجود دارند. جمعیت خود شهر حیدرآباد و حومه آن در سرشماری ۱۹۹۸ م، ۰۰۰/ ۱۵۱/ ۱ نفر ذکر شده است. در این شهر، تعداد قابل توجهی شیعه وجود دارد که از ساکنان بومی و اردوزبان های مهاجر ترکیب یافته اند. تعداد جمعیت شیعه در حیدرآباد به‌خوبی روشن نیست؛ زیرا جمع زیادی از سنّی ها نیز همانند شیعیان در روز عاشورا، عزاداری و سوگواری می‌نمایند و به حضرت علی و امام حسین علیهما السّلام ارادت می ورزند و در اصطلاح محلی، به آنها «مولائی» می‌گویند. این امر تفکیک شیعه را از سنّی با مشکل روبه‌رو کرده است. دکتر میرزا امام علی افسر، که رساله دکترای خود را درباره عزاداری و ادبیات سندی نوشته، معتقد است : ۷۰ درصد ساکنان حیدرآباد در عزاداری ایّام محرّم شرکت می‌کنند. [۲۶۶]

مناطق مهم شیعه‌نشین شهر حیدرآباد عبارت است از : لطیف‌آباد شماره ۴ (سندی و مهاجر)، لطیف‌آباد شماره ۵ (مهاجر، اردوزبان)، لطیف‌آباد شماره ۸ (مهاجر، اردوزبان)، لطیف‌آباد شماره ۹ (سندی، اردوزبان)، لطیف‌آباد شماره

##PAGE=103##

۱۰ (اردوزبان)، لطیف‌آباد شماره ۱۱ و ۱۲ (اردوزبان)، قدمگاه مولا علی (اردو زبان و سندی زبان)، حسین‌آباد (هزاره، فارسی‌زبان و سندی زبان)، محلّه امام باره دادن شاه، قاسم آباد (سندی)، بتایی‌نگر [۲۶۷] (سندی‌زبان) الله داد، چند محفل حسینی (اردوزبان) حسین‌آباد تند و تورو (اردوزبان و سندی زبان)، تندو آغا [۲۶۸] (سندی‌زبان)، و تندو جهانیه

---

[۲۵۸] ilohcnA..(5)

[۲۵۹] razaB rejloS..(6)

[۲۶۰] ecnafeD..(7)

[۲۶۱] redaraK..(8)

[۲۶۲] reelaM..(9)

[۲۶۳] reepagnaM..(1)

[۲۶۴] netfiliK..(2)

[۲۶۵] (3). شاهد نقوی، عزاداری، ص409-415.

[۲۶۶] (4). مصاحبه اختصاصی با ایشان در تاریخ25 اسفند1382 در« میرزا محله» حیدرآباد.

[۲۶۷] ragaN iatiB..(1)

[۲۶۸] ahgA odnoT..(2)

(سندی‌زبان). در سه محلّه دیگر، سنّی های مولائی سکونت دارند که همانند شیعیان، در ایّام محرّم سوگواری می کنند؛ مانند محلّه‌های تند و میر محمود، تندو ولی محمّد و قاسم‌آباد که همه اینها از ساکنان بومی سند می‌باشند.

در اطراف حیدرآباد نیز جمعیت قابل توجهی از شیعه به سر می‌برد که برخی آگاهان و روحانیان محلّی تعداد آنها را یک چهارم کل جمعیت برآورد کرده اند.[۲۶۹] مهم‌ترین نواحی و دهستان های شیعه‌نشین اطراف شهر حیدرآباد عبارت است از : تندو اللّه یار (سرائیکی‌زبان)، تندو فضل که شیعیان ۴/ ۳ جمعیت آن را تشکیل می دهند (سرائیکی‌زبان)، وانکی وسی[۲۷۰] (سرائیکی‌زبان) که شیعیان ۹۰ درصد جمعیت آن را تشکیل می دهند، جام شورو[۲۷۱] (بلوچ و زبان‌های دیگر)، کوتری،[۲۷۲] هوسری،[۲۷۳] مررانی، تندوجام، و چکی[۲۷۴].

ج. تتّه و شهرهای اطراف : در شهرستان‌های دیگر حیدرآباد نیز کم وبیش شیعه زندگی می کنند که میزان جمعیت آنها در ایّام محرّم تا حدّی آشکار می شود؛ از جمله : تتّه (تهته) که تا زمان نور محمّد کلوار (حک: ۱۱۲۳– ۱۱۶۷ ه) پایتخت سند و مقرّ حاکمان شیعه مذهب به‌شمار می‌آمد. بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین

##PAGE=104##

قبرستان پاکستان به‌نام «مکلی»،[۲۷۵] که بزرگان شیعی زیادی در آن مدفونند و همچنین عمده ترین زیارتگاه شیعیان به‌نام جلوه‌گاه امامین، که در عصر حکومت نوّاب سیف الله تتّه (۱۱۳۸– ۱۱۴۳ ه) تعمیر و ساخته شده است، نیز در همین شهر قرار دارد. همچنین در شهرهای اطراف میرپور ساکرو، دادو، خیرپور ناتن شاه، کوتری، سهون شریف، بدین، متیاری،[۲۷۶] هاله،[۲۷۷] بت شاه (بهت شاه)،[۲۷۸] و تندو م حمّد خان نیز شیعیان به طور پراکنده حضور دارند . در برخی از روستاهای شهرستان «بت شاه»، مانند روستای وصی مراد شاه، لنجوانی، و میرجت،[۲۷۹] همه و یا اکثریت قاطع جمعیت را شیعیان تشکیل می‌دهند. شیعیان این شهرستان از اقوام سادات، شیخ و خاص خیلی (سندی) کوسه (بلوچ)، چوه‌ان (سندی)، رند (بلوچ) و جت (سندی) می‌باشند.

د. سکّر و روهری[۲۸۰]: «سکّر» یا «سکهر» و «روهری» دو شهر نزدیک و در کنار هم در دو طرف رودخانه سند قرار گرفته‌اند. روهری از نظر تاریخی، سابقه بیشتری دارد و همچنین قدیمی ترین افراد شیعی نیز در روهری می زیسته‌اند. امروز بیشتر جمعیت شهر روهری را شیعیان تشکیل می دهند که بر منازل اکثر آنان «علم» (پرچم سیاه) که نماد شیعه بودن است، نصب شده است.

---

[۲۶۹] (3). مصاحبه با مولانا غلام رضا سرپوال، حیدرآباد، 27 اسفند1382.

[۲۷۰] (4).. isaW iknaW

[۲۷۱] (5).. orohsmaJ

[۲۷۲] (6).. irtoK

[۲۷۳] (7).. irasoH

[۲۷۴] (8).. ikahC

[۲۷۵] (1).. ilkuM

[۲۷۶] (2).. iraytiM

[۲۷۷] (3).. alaH

[۲۷۸] (4).. hahS taB

[۲۷۹] (5).. tajreM

[۲۸۰] (6).. irhoR

در سکّر نیز جمعیت قابل توجهی از شیعیان ساکن هستند . قدیمی‌ترین خانواده‌های شیعی در سکّر دو خانواده سادات معصومی (اولاد میر معصوم بکّری) و موسوی (اولاد میر عبد الاول) می‌باشند. پدر میر معصوم بکّری، سید صناعی، در نیمه دوم قرن یازدهم ه، در زمان حکومت شاه محمود اصفهانی از قندهار به بکّر

##PAGE=105##

هجرت کرد.[۲۸۱] سید عبد الاول، جدّ خانواده سادات موسوی، از نیشابور ایران در عصر شاه بیگ ارغون (۴۰۷ سال قبل) به سکّر آمده است.[۲۸۲] از آن زمان به‌بعد، جمعیت شیعه در سکّر و روهری رو به افزایش گذاشته است.

قدیمی‌ترین محلّه شیعه نشین شهر سکّر، محلّه سکّر قدیم (پرانا سکر) است که تاریخ آن به قرن ششم ه . برمی‌گردد و شیعیان آن سندی و اردوزبان هستند.

محلّه‌های دیگر شیعه نشین عبارت‌اند از: نیوپند (سندی‌زبان و بلوچ)، خیابان ملتی / ملتی رود (سندی‌زبان)، شکارپور پاتک (سندی‌زبان)، واری تر (پنجابی و سندی)، بچل شاه میانی، باغ حیات علی شاه، شمس آباد، غریب‌آباد (پنجابی، سندی و اردوزبان)، و بیراج کالونی (سرائیکی‌زبان و سندی‌زبان). در محلّه «نیم کی چاری »[۲۸۳] نیز اسماعیلی‌ها زندگی می‌کنند.

نواحی شیعه‌نشین روهری عبارت است از: شهر روهری، بخصوص محلّه «کوت میر یعقوب علی شاه » و اطراف روهری مانند: پتنی کوچک (چهوتی پتنی)، پتنی بزرگ، دارا واهن، علی داهن، کندرا، دودان کو، فقیرآباد، ئونگ بهتی، دبر، دادلو، سنگر ربکار/ سنگرار (سادات رضوی)، بت نور شاه (بلوچ سروهی)[۲۸۴]، روشن‌آباد، باگرجی، نصیرآباد، تندو علی‌آباد، واه بررا[۲۸۵].

در بسیاری از شهرستان ها و دهستان های تابع سکّر، کم‌وبیش و به طور پراکنده شیعیان زندگی می کنند که بعضی از آنها به‌شرح ذیل است:

۱. خیرپور: این شهرستان در قرن ۱۹ و ۲۰ م/ ۱۳ و ۱۴ ه. مرکز حکومت تالپورهای شیعه مذهب بود که فرمان روایی آنها تا دهه ۵۰ قرن بیستم م بر این

##PAGE=106##

منطقه ادامه داشت. در زمان تالپورها، بیش از ۹۰ درصد جمعیت خیرپور شیعه بود، [۲۸۶] اما به‌تدریج، این ترکیب به هم خورد و اکنون تنها ۵۰ درصد جمعیت شهر را شیعیان تشکیل می دهند.[۲۸۷] شیعیان غالبا در محلّه های علی مراد (قوم

---

[۲۸۱] (1). شاهد نقوی، عزاداری، ص380-381.

[۲۸۲] (2). مصاحبه با سید طاهر حسین موسوی، رئیس انجمن حیدری سکّر،20 مارس2004 م.

[۲۸۳] (3).irahC iK meeN..

[۲۸۴] (4).ihoraS hcolaB..

[۲۸۵] (5).arraB haW..

[۲۸۶] (1). همان.

[۲۸۷] (2). مصاحبه با مولانا غلام بشیر حیدری معاون سرپرست جامعه سلطان المدارس خیرپور، خیرپور،21 مارس2004 م.

سادات)، نیاگوته[۲۸۸]، لقمان (سندی و مهاجر)، بورگری (سندی و مهاجر) و پنج هتی[۲۸۹] (سندی و مهاجر) مستقر هستند و از اقوام، سادات (اردوزبان)، جاگیرانی (بلوچ)، رید (سرائیکی‌زبان)، ابرو، و شیخ (سندی‌زبان) می‌باشند.

۲. کوت دیجی: یکی از شهرستان های خیرپور و نیز دار الحکومه سابق تالپورها «کوت دیجی» بوده است. قلعه نظامی آن، که در سال ۱۸۳۰ م به‌وسیله تالپورها بنا شده است، یکی از مهم ترین جاهای تاریخی سند به شمار می‌رود. تعداد جمعیت شیعه در این شهرستان، قریب ۰۰۰/ ۲۰ نفر است که در مجموع، ۹۰ درصد جمعیت آنجا را تشکیل می دهد. زبان آنها سندی است و به اقوام خاص خیلی، جمانی، میر جد و بلوچ تعلق دارند .[۲۹۰] از د یگر دهستان های مهم شیعه‌نشین توابع خیرپور، دهستان «فتح علی جنجوعه[۲۹۱]» است که گفته می‌شود ۱۲۰۰ خانوار در آن زندگی می‌کنند که همه شیعه هستند. ساکنان این روستا از قوم جنجوعه می‌باشند و به‌زبان سندی حرف می‌زنند.

۳. نوشهر و فیروز: در شهرستان نوشهر و فیروز و بخش‌های تابع آن، مانند مورو،[۲۹۲] باریا[۲۹۳] و کندار[۲۹۴] نیز تعدادی شیعه زندگی می‌کنند.

##PAGE=107##

۴. نوّاب شاه: در شهرستان نوّاب شاه و حوالی آن مانند سکرند [۲۹۵] و دولت‌پور به‌طور پراکنده، برخی خانواده های شیعه به‌چشم می‌خورند که در ایّام محرّم به عزاداری می‌پردازند و دسته‌های عزاداری آنها در سطح شهر مشهود است.

۵. صالح پت و پنون عاقل: کم‌وبیش.

ه لارکانه: یکی از نواحی یا بخش های ایالت سند، «لارکانه» است که شهرستان های جیکب آباد و شکارپور نیز در آن واقع شده‌اند.

۱. جیکب‌آباد: در شهر جیکب‌آباد، قریب ۵ هزار شیعه سکونت دارند.

شیعیان غالبا در محلّه های شیخ محلّه (۱۰۰ درصد شیعه)، فیملی لائن [۲۹۶] (۵۰- ۶۰ خانوار)، علمدار رود (ایرپورت رود)، لاشاری محلّه (۱۰ تا ۱۵ خانوار)، غریب آباد، شیرین محلّه، دنگر محلّه و غلام ماچی به سر می برند. آنها به زبان‌های سندی، بلوچی و سرائیکی سخن می گویند و از اقوام سادات، سومر، براهوئی و بلوچ تشکیل شده اند. شیعیان دست‌کم ۷ حسینیه، ۴ مسجد و یک مدرسه علمیه به‌نام «مدرسه ابی طالب» در خیابان «ممل»[۲۹۷] (شاه‌راه کربلا) دارند.

---

[۲۸۸] atogayiN..(3)

[۲۸۹] itaH jnaP..(4)

[۲۹۰] (5). مصاحبه با استاد گل محمّد جمانی، کارشناس ارشد رشته« اقتصاد و الهیّات»، کوت دیجی، 21 مارس2004 م.

[۲۹۱] haojnaJ..(6)

[۲۹۲] oroM..(7)

[۲۹۳] ayraB..(8)

[۲۹۴] radnaK..(9)

[۲۹۵] dnarkaS..(1)

[۲۹۶] eniL ylimaF..(2)

[۲۹۷] lamaM..(3)

خانواده‌های اصیل و قدیمی شیعه در این شهر عبارتند از : شیخ، بروری، سید نذر عبّاس بخاری، سید شیر شاه بخاری، لال شاه بخاری و مولانا مشتاق احمد حکمتی . سایران بعدا به تشیّع گرویده اند.[۲۹۸] در دیگر شهرهای جیکب آباد، بخصوص «کندکوت»[۲۹۹] نیز کم‌وبیش شیعه وجود دارد. در این شهر، یک مدرسه دینی نیز تأسیس شده است.

۲. شکارپور: جمعیت شیعه در این شهرستان، احتمالا قابل‌توجه باشد.

##PAGE=108##

برخی افراد محلّی جمعیت شیعیان را ۲۰ درصد ذکر می‌کنند. علاوه بر شهر شکار پور و اطراف آن، در شهرستان های گری یسین،[۳۰۰] خان‌پور، لکی غلام شاه[۳۰۱] و چک[۳۰۲] (قریب ۰۰۰/ ۴ نفر شیعه) نیز تعداد قابل توجهی شیعه به سر می‌برد. شیعیان شکارپور و توابع آن بیشتر به اقوام شیخ، ستار، سومره، مهر، جتویی و منگی تعلّق دارند.

۳. دگری: در کل شهرستان دگری با توابع آن، بیش از یکصد حسینیه وجود دارد[۳۰۳] که این بیانگر جمعیت چشمگیر شیعه در این شهرستان است . در خود شهر «دگری»، محلّه های «شیدی»،[۳۰۴] «غریب‌آباد» و «میرواه رود»[۳۰۵] از محلّه‌های مهم شیعه‌نشین به‌شمار می‌آیند.

و. میرپور خاص: میرپور خاص یکی دیگر از نواحی یا بخش های پنج گانه ایالت سند است که در بیشتر شهره ا و شهرستان‌های آن کم‌وبیش شیعه سکونت دارد. در خود شهرستان میرپور خاص، در عاشورای سال ۱۴۲۵ ق، ۷۷ دسته عزاداری و ۲۶ دسته تعزیه (سنّی‌های عزادار) در راهپیمایی عمومی و مرکزی روز عاشورا شرکت کردند[۳۰۶] که این امر از حضور انبوه شیعیان در این شهرستان حکایت می کند. برخی از محلّه های شیعه‌نشین این شهر و حومه آن عبارت است از: سیتلائت تاون،[۳۰۷] بان سنگ آباد، خیابان واکلات،[۳۰۸] پاک کالونی،[۳۰۹] حمید پوره کالونی، کارپاره،[۳۱۰] پیرآباد، غریب‌آباد، کد پلات،[۳۱۱]

##PAGE=109##

نائی پاره[۳۱۲] و روستاهای جاسن‌شاه، محمودآباد، ایّوب نگر، عزیزآباد و شهدادپور.

---

[۲۹۸] (4). مصاحبه با مولانا مشتاق حسین عکّاس، 8 آوریل 2004 م، جیکب‌آباد.

[۲۹۹] (5). tokdnaK

[۳۰۰] (1). neesaY iraG

[۳۰۱] (2). hahS malohG ikaL

[۳۰۲] (3). kahC

[۳۰۳] (4). روزنامه جنگ، کراچی، سه‌شنبه 2 مارس 2004 م، ص 9.

[۳۰۴] (5). idiahS

[۳۰۵] (6). duoR hawriM

[۳۰۶] (7). همان، پنجشنبه، 4 مارس 2004، ص 9.

[۳۰۷] (8). nwoT etilletaS

[۳۰۸] (9). talkaW

[۳۰۹] (10). inoluC kaP

[۳۱۰] (11). arapraK

[۳۱۱] (12). talP daK

[۳۱۲] (1). araP iaN

محلّه‌های شیعه نشین شهدادپور عبارت است از : سرهاری،[۳۱۳] شاپور چاکر، لندو شریف، مقصوده رند، گپ چانی، [۳۱۴] جتیاگوت، شیر لغاری،[۳۱۵] نچایوبانوجو سولنگی‌آباد،[۳۱۶] و بیش از یکصد روستا و قلعه دیگر که در این شهرستان وجود دارد.[۳۱۷]

درباره حضور شیعیان در جاهای گوناگون میرپور خاص و راه‌پیمایی دسته‌های عزادار آن نواحی، در گزارش دوم مارس ۲۰۰۴ م/ دهم محرّم الحرام ۱۴۲۵ ق روزنامه جنگ چنین آمده است : «در میرپور خاص، جدو، [۳۱۸] دگری، تندوجان محمّد، نوکوت،[۳۱۹] میرواه گورچانی، کوت غلام محمّد، سامارو، [۳۲۰] عمر کوت، کنری، [۳۲۱] شادی پلی، دورونارو، چور، کوت میرس، مکن سمون، [۳۲۲] واگریجی،[۳۲۳] ۱۰ بل موری، سندری [۳۲۴] و دیگر مناطق، تعداد زیادی دسته های علم، ذو الجناح، عزاداری و تعزیه بیرون خواهند شد.»[۳۲۵]

بنابراین، می‌توان گفت: تقریبا در تمام شهرها و شهرستان های ایالت سند شیعیان به صورت پراکنده حضور دارند، هرچند این حضور متمرکز و چندان چشمگیر نیست.

##PAGE=110##

۳. پنجاب

ایالت پنجاب در شرق پاکستان واقع شده که از شمال شرق، با کشمیر هم مرز است و از شرق و جنوب شرق، با هندوستان و از جنوب، با سند و از غرب، با بلوچستان و سرحد و از شمال، با سرحد و اسلام آباد متصل است. پنجاب با ۲۰۵ /۳۴۴ کیلومتر مربع مساحت، ۲۹۰/ ۶۲۱/ ۷۳ نفر جمعیت دارد. از این‌رو، می‌توان گفت: بیشترین جمعیت شیعه پاکستان نیز در پنجاب واقع شده است.

پنجاب از حیث اداری، به ۸ دویژن (ناحیه)، ۳۴ ضلع (شهرستان)، ۱۱۸ تحصیل (بخش)، ۱۰۷ سب دویژن[۳۲۶] و ۸۷۳/ ۲۵ روستا تقسیم شده است. جمعیت شیعه در تمام شهرها، شهرستان ها، بخش‌ها و حتی دهستان های این ایالت پراکنده است.[۳۲۷]

---

[۳۱۳] irahraS..(2)

[۳۱۴] inahC paG..(3)

[۳۱۵] yrahgaL..(4)

[۳۱۶] dabA ignaloS oJ onaB oyahcaN..(5)

[۳۱۷] (6). همان.

[۳۱۸] udaJ..(7)

[۳۱۹] tokoN..(8)

[۳۲۰] oramaS..(9)

[۳۲۱] irnaK..(10)

[۳۲۲] nomaS nakaM..(11)

[۳۲۳] ijergaW..(12)

[۳۲۴] irdniS..(13)

[۳۲۵] (14). همان.

[۳۲۶] (1). خرده ناحیه.

تمام پنجاب به‌نحوی جزء قلمرو جغرافیای انسانی شیعه قرار می گیرد، اما با توجه به اینکه شیعیان در تمام نقاط پنجاب در اقلّیت قرار دارند، بنابراین، پراکنده‌تر از سند به‌نظر می‌رسد. بررسی تفصیلی همه مناطق شیعه‌نشین این ایالت فراتر از ظرفیت این کتاب است. از این‌رو، به‌ناچار فقط به مهم‌ترین آنها بسنده می‌نماییم:

الف. لاهور: در سرشماری سال ۱۹۹۸ م، جمعیت لاهور پنج میلیون و شصت و سه هزار (۵/۰۶۳/۰۰۰) نفر ذکر شده که اکنون بر ۶ میلیون بالغ می‌گردد. از ۶ میلیون جمعیت این شهر، قریب یک میلیون آن را شیعیان تشکیل می‌دهند.[۳۲۸]

شیعیان عمدتا در محلّه‌های موچی گیت[۳۲۹] (موچی دروازه)، امامیه کالونی،

##PAGE=111##

جعفریه کالونی، توکر نیاز بیگ، کرین تاون، [۳۳۰] تاون شیپ،[۳۳۱] اسلام پوره (کرشن نگر)، غازی‌آباد، مادل ٹاون، [۳۳۲] جوهر تاون،[۳۳۳] واشنگ لاین،[۳۳۴] و چونگی امرسدو [۳۳۵] زندگی می‌کنند. اکثریت قاطع اینها پنجابی زبان هستند و تعدادی نیز اردوزبان (در اسلام پوره و واشنگ لاین) می‌باشند. نواحی جعفریه کالونی، مادل تاون و جوهر تاون از نواحی اعیان‌نشین شهر به‌شمار می‌روند.

لاهور پایتخت فرهنگی و مذهبی شیعیان پاکستان است و امروز در تمام نقاط این شهر، حضور فیزیکی و فرهنگی شیعیان به‌نحوی مشهود است. در آمارگیری که شاهد نقوی، نویسنده کتاب عزاداری در هند و پاکستان، از حسینیه ها و مساجد لاهور به عمل آورده، ۳۱۲ باب حسینیه را با نام و محل آنها ذکر نموده است که این می تواند حجم گسترده شیعیان را در لاهور به خوبی نشان دهد .[۳۳۶] مدرسه معروف «جامعة المنتظر»، که مرکز مهم علمی، دینی و فرهنگی شیعیان پنجاب بلکه تمام پاکستان به‌حساب می‌آید، در ناحیه «مادل تاون» همین شهر واقع شده است.

ب. ملتان: جمعیت شهر ملتان (در سرشماری ۱۹۹۸ م) یک میلیون و صد و هشتاد و دو هزار (۱/۱۸۲/۰۰۰) نفر ذکر شده که نسبت شیعیان اثناعشری و اسماعیلی در آن، براساس ارزیابی بعضی افراد محلّی، قریب ۴۰ درصد بیان گردیده است. اما به‌نظر می‌رسد آمار ۴۰ درصد تا حدّی مبالغه‌آمیز باشد.

مهم‌ترین محلّه شیعه‌نشین ملتان، «شیعه میانی» است که جمعیت شیعه آن بین ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر برآورد شده است[۳۳۷] و تمام آنان به‌زبان «سرائیکی» صحبت

---

[۳۲۷] (2). نذیر احمد خالد، کتابستان ورلداتلس، ص37.

[۳۲۸] (3). این آمار از اعداد ذکر شده در برخی منابع و همچنین نظر کارشناسان محلّی بدست آمده است.

[۳۲۹] (4).. etaG ihcuM

[۳۳۰] (1).. nwoT niraK

[۳۳۱] (2).. peehS nwoT

[۳۳۲] (3).. nwoT ledoM

[۳۳۳] (4).. nwoT rehoJ

[۳۳٤] (5).. eniL gnihsaW

[۳۳۵] (6).. odisormA ignohC

[۳۳٦] (7). شاهد نقوی، عزاداری، ص348-360.

[۳۳۷] (8). برخی شخصیت‌های محلّی آن را تا25 هزار نیز ذکر کرده‌اند.

##PAGE=112##

می‌کنند. محلّه‌های دیگر شیعه‌نشین عبارت است از: شاه یوسف گردیزی، ایمن‌آباد، حسین‌آباد، ممتازآباد (اردوزبان)، گل گشت (اردوزبان)، ناصرآباد (سرائیکی‌زبان)، جهک (سرائیکی‌زبان)، جوادیه (سرائیکی‌زبان)، احمد پارک (سرائیکی‌زبان)، دایره بستی[۳۳۸] (سرائیکی‌زبان)، و حویلی مرید شاه (اردوزبان).

شیعیان اسماعیلی آغاخانی نیز در دو محلّه «پاک گیت»[۳۳۹] و «صدر کینت» زندگی می‌کنند. در اطراف شهر ملتان، مانند مظفّرآباد، شیر شاه و قاسم بیله نیز شیعیان سکونت دارند . شیعیان ملتان از اقوام صدیقی (اولاد محمّد بن ابی بکر)، بهتی، بلوچ، سادات و مهاجر هستند.

ج. راولپندی و اسلام‌آباد: محقق و پژوهشگر مسائل فرهنگی و آموزشی شیعیان پاکستان، حجۀ الاسلام و المسلمین سی‌د محمّد ثقلین کاظمی، که مطالعات ویژه ای در خصوص مراکز و فعالیت های مذهبی شیعیان راولپندی و اسلام آباد انجام داده، بر این اعتقاد است که جمعیت شیعه در راولپندی به صد هزار، و در اسلام آباد به پنجاه هزار نفر می رسد.[۳۴۰] بنابراین، نسبت شیعیان در راولپندی از کل جمعیت شهر ۱۵/ ۱ و در اسلام‌آباد ۱۰/ ۱ است.

شیعیان شهر راولپندی بیشتر در محلّه های شاه چن چراغ،[۳۴۱] محلّه قدیمی امام بارگاه، سیتلائت تاون، چتیان هتیان،[۳۴۲] مغول‌آباد، دوک سیده،[۳۴۳] گوال مندی،[۳۴۴] ایمن‌آباد، پیرو دهایی، دوک رته،[۳۴۵] و دوک سیدان[۳۴۶] زندگی می‌کنند. آقای کاظمی ۶۵ مسجد و حسینیه را در شهر راولپندی نام برده که متعلّق به شیعیان است و

##PAGE=113##

[۳۴۷]

##PAGE=113##

برنامه‌های مذهبی در آنها اجرا می‌شود.[۳۴۸]

---

[۳۳۸] itsaB ariaD..(1)

[۳۳۹] etaG kaP..(2)

[۳۴۰] (3). مصاحبه با حجة الاسلام و المسلمین مولانا محمد ثقلین کاظمی در اسلام‌آباد، 21 آبان1383.

[۳۴۱] hgarahC nahC hahS..(4)

[۳۴۲] nayitaH nayitahC..(5)

[۳۴۳] hadeyskoD..(6)

[۳۴۴] idnamlawaG..(7)

[۳۴۵] atarkoD..(8)

[۳۴۶] nadeyskoD..(9)

[۳۴۷] عارق، محمد اکرم، شیعیان پاکستان، 1جلد، شیعه شناسي – قم، چاپ: اول،1385 هـ.ش.

[۳۴۸] (1). سید محمّد ثقلین کاظمی، امامیه دایریکتری2001 م، ص305-350.

در اسلام‌آباد، نواحی مارگیلا تاون [۳۴۹] و اربن اریا [۳۵۰] (ناحیه شهری)، نواحی تمرکز شیعیان محسوب می شود. در اطراف اسلام‌آباد و راولپندی، در روستاهای شهرستان های گوجر خان [۳۵۱] (اکثریت)، تیکسلا (بیشتر روستاها)، کهوتا [۳۵۲] (بعضی روستاها)، مری (اندکی) و کوتلی ستیان (اندکی) نیز افراد شیعه از قدیم وجود داشته‌اند. براساس توضیحات آقای کاظمی، در توابع بخش گوجر خان، ۱۱۰ روستای شیعه‌نشین وجود دارد که ۹۵ روستای آن دارای مسجد یا حسینیه است . در مناطق روستایی راولپندی، ۱۰۲ روستای شیعه‌نشین است که ۸۸ مسجد و حسینیه در آنجا ساخته شده و در توابع بخش تیکسلا، ۳۷ روستای شیعه‌نشین وجود دارد که ۳۴ تای آن دارای حسینیه و مسجد است. اما در بخش‌های کهوتا، مری و کوتلی ستیان- به ترتیب- تنها ۲۱، ۱۵ و ۸ روستا شیعه‌نشین می‌باشند.

د. منطقه کچئی: بیشترین تمرکز شیعه در استان پنجاب در ساحل شرقی رود سند قرار گرفته که در اصطلاح محلّی، به آن «کچئی» (کچهی) می‌گویند. منطقه کچئی شامل شهرستان های لیّه، کرور، [۳۵۳] بکّر، و جنگ می شود. ساکنان این مناطق به زبان «سرائیکی» سخن می‌گویند و به‌همین دلیل، گفته‌اند: بیشترین جمعیت شیعه در مناطق سرائیکی‌زبان واقع شده است.

۱. بکّر: در شهرستان بکّر، قریب ۴۰ درصد جمعیت را شیعیان تشکیل می‌دهند.

آنها عمدتا در محلّه‌های سادات (اردوزبان و غالبا سادات بخاری و نقوی)، حسین‌آباد، و جعفریه زندگی می‌کنند و تعداد قابل توجهی نیز در سایر نقاط شهر

##PAGE=114##

پراکنده‌اند.[۳۵۴] شیعیان از نظر قومی، متعلّق به اقوام بلوچ، اعوان، بدوال، رانا راجپوت و سادات هستند.

۲. لیّه: در شهرستان لیّه نیز جمعیت ز یادی شیعه زندگی می‌کنند که تعداد آنها ۳۳ درصد گفته می‌شود.[۳۵۵] آنها بیشتر در محلّه‌های عیدگاه، بستی جعفریه، تی بی کربلا، هاوسنگ کالونی،[۳۵۶] تی دی ای کالونی، پنج مرحله سقیم، مرکز شهر (اردو زبان)، و محلّه قادریه ساکن هستند و از لحاظ بافت قومی، به اقوام سادات، بلوچ ، پنجابی، بتی (ملک) و موچی تعلّق دارند و به‌زبان «سرائیکی» سخن می‌گویند.

در مناطق اطراف لیّه (روستاها) نیز تعداد زیادی شیعه زندگی می کند، به‌ویژه در جانب غرب جاده ای که از لیّه به بکّر کشیده شده، غالبا شیعه هستند . این مناطق عبارت است از : جمن شاه، لدیانه، چ وک اعظم، کوتله حاجی شاه (۱۰۰ درصد شیعه)، مجاهدآباد، پکی میرانی، بستی شادو خان (بلوچ، ۸۰ درصد شیعه)، نوشهره (قوم سامتیه)، شاه‌پور دورته

---

[۳۴۹] nwot aligraM..(2)

[۳۵۰] aerA nabrU..(3)

[۳۵۱] nahK rejuG..(4)

[۳۵۲] atohK..(5)

[۳۵۳] roraK..(6)

[۳۵۴] (1). مصاحبه با وکیل سید وزارت حسین نقوی از رهبران سابق« تحریك جعفریه»، بکّر، قصر زینب، 30 مارس2004 م.

[۳۵۵] (2). مصاحبه با سید ابو ذر حسین نقوی، مسئول مدرسه« جامعة القائم»، لیّه، 26 مارس2004 م.

[۳۵۶] ynoloC nisuoH..(3)

(۱۰۰ درصد شیعه)، حیدرشاه واله، کچیله،[۳۵۷] دوگر[۳۵۸] (۱۰۰ درصد شیعه)، سادات نگر (۱۰۰ درصد شیعه)، بستی سهو والا[۳۵۹] (۱۰۰ درصد شیعه) راجن شاه سرگانی (بلوچ، ۱۰۰ درصد شیعه)، سیوره[۳۶۰] و تله عنایت خان.

۳. جنگ: در شهرستان «جنگ» و روستاهای تابع آن، حضور شیعه بسیار چشمگیر است . گرچه در داخل شهر، بیشتر ساکنان آن غیرشیعه‌اند، اما به‌نظر می‌رسد در اطراف شهر، شیعیان دارای اکثریت هستند.

##PAGE=115##

شهر جنگ به سه ناحیه تقسیم می شود: صدر جنگ، سیتلائت تاون،[۳۶۱] و جنگ سیتی. در ناحیه «جنگ سیتی»، که نام دیگر آن «محلّه حیدری» و قدیمی‌ترین محلّه شیعیان نیز هست، اکثریت با شیعه است و در دو ناحیه دیگر، با آنکه تعداد زیادی شیعه زندگی می کنند، اما اکثریت با غیرشیعه ا ست. در خارج از شهر جنگ، جمعیت شیعه در تمام مناطق تا شعاع‌های بسیار دور، که شهرستان های دیگر را نیز شامل می شود، پراکنده‌اند. در سمت شمال، در امتداد جاده منتهی به سرگودا، مناطق جند برواله، شادینا، مندی شادینه، رتّه متّه و اده شیخن (در ۳۵ کیلومتری شهر جنگ) عمدتا شیعه نشین هستند. در طرف شمال شرق در امتداد جاده چینوت،[۳۶۲] مناطق بلوشاه بل، بهوانه[۳۶۳] و رضانگر، و در طرف جنوب در امتداد جاده منتهی به ملتان، مناطق حویلی بهادر شاه،[۳۶۴] قایم بهروانه و شورکوت، و در سمت غرب در امتداد جاده لیّه مناطق اتهاره هزاروی،[۳۶۵] کوت بهادر، و حسوبلیل همه شیعه‌نشین هستند. همچنین در جانب شمال در کنار جاده منتهی به خوشاب، مناطق فتح شاه، حسنین آباد، غازی‌آباد، مچی وال،[۳۶۶] کوت شاکر و مادی شاه سخیرا[۳۶۷] جمعیت زیادی شیعه در خود دارند.

سرگودا و شهرستان های تابع آن، که در وسط سه رودخانه بزرگ پنجاب، یعنی «چناب»، «جهلم» و «سند» واقع شده است، پنجاب نیز یکی دیگر از مناطق مهم شیعه نشین به شمار می آید. شیعیان بیشتر در نزدیکی رودخانه ها زندگی می‌کنند. علّامه سید افتخار حسین نقوی، ساکن میانوالی و دبیر کل سابق «حرکت جعفریه» در خصوص حضور شیعیان در کناره‌های رود سند می‌گوید:

##PAGE=116##

---

[۳۵۷] haleehcaK..(4)
[۳۵۸] ragod..(5)
[۳۵۹] itsaB alaW ohaS..(6)
[۳۶۰] arwyS..(7)
[۳۶۱] nwoT etilletaS..(1)
[۳۶۲] tunihC..(2)
[۳۶۳] anohaB..(3)
[۳۶۴] hahS rudahaB iliwaH..(4)
[۳۶۵] ywrazah arahtA..(5)
[۳۶۶] laW ihcaM..(6)
[۳۶۷] areehkaS hahS idaM..(7)

از بکّر، اگر مسافرت هایی به‌طرف میانوالی داشته باشید، ملاحظه می کنید که هرچه در امتداد رودخانه می روید و هرچه دهات را می بینید، زمین‌ها را می بینید، متعلّق به شیعه است . از رودخانه‌ها که دورتر می روید، آنجا- مثلا- شیعه یا اصلا نیست یا کمتر است.[۳۶۸]

همچنین او درباره تعداد و قومیت شیعیان میانوالی می گوید:

در میانوالی دست کم ۰۰۰/ ۲۰۰ شیعه وجود دارد . از این ۰۰۰/ ۲۰۰ نفر ۰۰۰/ ۱۳۰ تا ۰۰۰/ ۱۵۰ نفر سادات هستند.[۳۶۹]

مناطق عمده شیعه نشین شهرستان میانوالی عبارت است از : شهر ماری، ماری اندس،[۳۷۰] پکی شاه مردان، گلن خیل،[۳۷۱] دیره امید علی شاه، داود خیل، کمر مثانی،[۳۷۲] کالاباغ، اسکندرآباد، چکراله،[۳۷۳] دو آبه، پیلان و کوت بیلیان.

این مناطق از لحاظ قومی، به اقوام سادات، اعوان، دهبه، پتان و برخی دیگر تعلّق دارد.[۳۷۴]

در تمام شهرها و شهرستان های پنجاب شیعیان حضور دارند؛ و حضور آنها در سطح روستاها بیش از شهرهاست . فیصل‌آباد، گوجرانواله، بهاولپور،[۳۷۵] و دیره غازی خان از دیگر شهرهای بزرگ پنجاب هستند که هرکدام جمعیتی از شیعیان را در خود جمع کرده است. جمعیت شیعه در پنجاب بیش از هر جای دیگر (غیر از بلوچستان) گسترده و پراکنده است.

##PAGE=117##

۴. سرحد و مناطق قبایلی

ایالت سرحد، که نام کامل آن «ایالت مرزی شمال غربی» است، در شمال غرب پاکستان واقع شده. این ایالت از غرب با افغانستان، از شرق با کشمیر و پنجاب، از شمال با گلگت و افغانستان، و از جنوب با پنجاب و بلوچستان هم‌مرز است.

سرحد دارای ۵۲۱/ ۷۴ کیلومتر مربع مساحت و ۹۱۲/ ۷۳۵/ ۱۷ جمعیت است (بدون مناطق آزاد قبایل). مردم آن عمدتا «پشتو» زبان بوده و از لحاظ دینی و مذهبی، یک پارچه تر از سایر ایالات پاکستان هستند؛ اقلّیت های دینی در این ایالت به‌ندرت مشاهده می‌شود و از اقلّیت‌های مذهبی نیز شیعیان اثناعشری عمده‌ترین گروه مذهبی پس از حنفی ها به‌شمار می‌روند.

---

[۳۶۸] (1). مصاحبه با علّامه سید افتخار حسین نقوی، قم، شعبان1426 ق.

[۳۶۹] (2). همان.

[۳۷۰] (3).. sednA iraM

[۳۷۱] (4).. lehK naluG

[۳۷۲] (5).. inasaM ramaK

[۳۷۳] (6).. halarkahC

[۳۷۴] (7). مصاحبه کتبی با حامد رضا فاضل، ساکن شهر ماری از توابع میانوالی، قم، رمضان1425 ق.

[۳۷۵] (8).. rooplawahB

شیعیان این ایالت غالبا از مردمان بومی هستند که سابقه مذهبی شان به قرن ها قبل برمی گردد. در «پیشاور»، مرکز این ایالت، حداقل از زمان ظهیر الدین بابر (۱۵۲۵– ۱۵۳۰ م)، اولین حاکم مغولی هند، شیعیان وجود داشته و آزادانه مراسم مذهبی خود را برپا می‌داشته‌اند.[۳۷۶]

شیعیان سرحد عمدتا در مناطق خاصی متمرکزند و مانند دو ایالت سند و پنجاب، در سراسر ایالت پراکنده نیستند . آنها بیشتر در پیشاور و شهرستان های کوهات، هنگو و دیره اسماعیل خان به سر می برند؛ تعداد کمی نیز در ا یبت‌آباد،[۳۷۷] هری‌پور، بنو،[۳۷۸] مانسهره و بعضی جاهای دیگر این ایالت زندگی می‌کنند.

الف. پیشاور: جمعیت شیعه در شهر پیشاور، بسیار محدود است .[۳۷۹] آنها در محلّه های گنج آسیا، مروی ها، خداداد (بازار قصّه‌خوانی)، محمّد داد، مسکری

##PAGE=118##

گودام[۳۸۰] (هندکوزبان‌ها)، پیشاور صدر، حیات آباد، و شهید کالونی زندگی می‌کنند.

قدیمی‌ترین خانواده‌های شیعی پیشاور، «قزل‌باش» ها و سپس «هندکوزبان» ها هستند. ترکیب قومی شیعیان بدین گونه است: قزلباش فارسی زبان (محلّه مروی ها)، کشمیری هندکوزبان (محلّه محمّد داد آسیا و مسکری گودام)، پنجابی، و پشتون/ پتان (حیات‌آباد، شهید کالونی) که غالبا پاراچناری و بنگش هستند و در دهه های اخیر، به این شهر نقل مکان نموده‌اند. تا یک دهه قبل، ۱۳ مسجد و ۵۵ حسینیه از شیعیان در این شهر وجود داشت.[۳۸۱]

ب. کوهات: بیشترین جمعیت شیعه ایالت سرحد در سه شهرستان دیره اسماعیل خان، کوهات و هنگو واقع شده است . شیعیان کوهات در روستاهای کچئی (قریب ۰۰۰/ ۱۴ نفر)، مرائی[۳۸۲] بالا و پایین، استرزئی[۳۸۳] بالا و پایین، شیرکوت، چکرکوت،[۳۸۴] میتا خان، علی زئی و خادی زئی، زندگی می‌کنند. قومیت این مردم «بنگش» است.

ج. هنگو: هنگو یکی از پرجمعیت‌ترین بخش‌های شیعه‌نشین ایالت سرحد است.

در واقع، دهستان‌های بین کوهات تا هنگو غالبا (۹۰ درصد) شیعه‌اند.[۳۸۵] مهم‌ترین روستاها و دهستان‌های شیعه‌نشین این شهرستان عبارت است از : بابر میله،[۳۸۶] ابراهیم زئی، سیدآباد، رئیسان، جوزاره، [۳۸۷] لودی خیل،[۳۸۸] شاهوخیل. برخی رهبران

---

[۳۷۶] (1). مختار علی نیّر آخوندزاده، عزاداری در استان سرحد، ص4.

[۳۷۷] (2)..dabA tabI

[۳۷۸] (3)..unaB

[۳۷۹] (4). بعضی بزرگان محل تعداد شیعیان این شهر را ده هزار نفر برآورد کرده‌اند.

[۳۸۰] (1)..madoG iraksaM

[۳۸۱] (2). مختار علی نیّر آخوندزاده، عزاداری در استان سرحد، از صفحه70 به‌بعد.

[۳۸۲] (3)..iaraM

[۳۸۳] (4)..iaz rotsU

[۳۸۴] (5)..taocrekihC

[۳۸۵] (6). مصاحبه با مولانا حمید حسین امامی، امام جمعه کچئی و پیش‌نماز مسجد جماران در کوهات، 28 آبان1382.

##PAGE=119##

محلّی تعداد جمعیت شیعه هنگو را ۴۰ درصد جمعیت کل هنگو می داند.[۳۸۹] اقوام شیعی این ناحیه، سادات، بنگش و اورکزئی‌اند.

د. دیره اسماعیل خان:

این شهرستان در جنوب شرق ایالت سرحد واقع شده که از غرب، با دریای سند و پنجاب هم مرز است. در شهر دیره اسماعیل خان و مناطق اطراف آن، تعداد قابل توجهی شیعه زندگی می‌کند. شهر «دیره» به دو بخش قدیم و جدید تقسیم می‌شود. بخش قدیم شهر از چهار خیابان و بازار اصلی به نام‌های مسلم بازار، کمشنری بازار،[۳۹۰] کلان بازار و پونده بازار بازار تشکیل شده که مرکز و نقطه اتصال آنها «چوگلّه» است. در طرف شمال شهر قدیمی، مهاجران سرائیکی زبان و اردوزبان زندگی می‌کنند که به گروه مذهبی اهل سنّت تعلّق دارند . در طرف شرق، شمال شرق و غرب نیز برادران اهل سنّت به‌سر می‌برند.

در جنوب شرق، قریب نیمی از جمعیت شیعه و نیم دیگر اهل سنّت هستند که بر اساس این محاسبه اجمالی، یک هشتم از بخش شهر قدیمی را شیعیان تشکیل می دهند. در نواحی جدید شهر، ناحیه های چاه سیدان منوّر (سادات زیدی)، کوتله سیدان (سادات کاظمی)، و نون[۳۹۱] (سادات کاظمی) همه شیعه‌مذهب هستند.

در اطراف شهر دیره اسماعیل خان و نواحی روستایی آن، مناطق شیعه‌نشین به شرح ذیل است:

کوتلی امام حسین علیه السّلام بیشترشان شیعه هستند و قبرستان که مرکز تجمّع دسته های عزاداری روز عاشورا نیز در آن واقع شده است. در سمت شمال، روستاهای بلوت شریف واقع در دامنه کوه‌های «هندوکش» و یکی از مراکز

##PAGE=120##

استخراج اورانیوم پاکستان (۱۰۰ درصد)، کچورا[۳۹۲] (۱۰۰ درصد)، کاتگر[۳۹۳] (۱۰۰ درصد)، کچئی (۱۰۰ درصد)، و جارا (قریب ۸۰ درصد) شیعه‌نشین هستند.

تعدادی روستای دیگر نیز در سمت شمال «دیره» وجود دارد که کم‌وبیش شیعیان در آنها سکونت دارند.

---

[۳۸۶] alyaM rebaB..(7)

[۳۸۷] arazoJ..(8)

[۳۸۸] lehK ihdoL..(9)

[۳۸۹] (1). مصاحبه با مولانا خورشید انور جوادی، مسئول مدرسه« الجامعة العسکریه» شهر هنگو و از فعّالان اجتماعی و سیاسی منطقه.

[۳۹۰] razaB iranhsimaK..(2)

[۳۹۱] noN..(3)

[۳۹۲] arohcaK..(1)

[۳۹۳] ragtaK..(2)

در سمت جنوب دیره اسماعیل خان، روستاهای شاه حسین- مقبره سید شا ه حسین شیرازی- (۱۰۰ درصد)، حاجی مورا (قریب ۴۰ درصد)، فتح (قریب ۳۵ درصد)، نوّاب (قریب ۶۰ درصد) شیعه دارند. در سمت غرب، که منطقه پشتون‌نشین است، در شهر «تانگ» و «کلاچی» نیز تعداد محدودی شیعه زندگی می‌کنند.

زبان مردم «دیره» سرائیکی است، اما در طرف غرب آن زبان «پشتو» به کار می‌رود. وابستگی‌های قومی شیعیان عبارت است از: تیشه خیل (قدیمی‌ترین قبیله شیعه که اصالتا از افغانستان به این ناحیه هجرت کرده است)، اعوان، خسوری و سادات شیرازی (نقوی، کاظمی، زیدی و جعفری).

در شهرستان‌های دیگر سرحد، تعداد شیعیان بسیار محدود است و در هر شهرستان، کمتر از صد خانوار تخمین زده شده است. این شهرها عبارتند از:

ایبت‌آباد (قریب ۱۵۰۰ نفر)، مانسهره[۳۹۴] (محله‌های پیران، محمودآباد، غازی کوت و امام بارگاه)، بنو، بالاکوت،[۳۹۵] و اوگی[۳۹۶].

ه. مناطق قبایلی: «مناطق قبایلی» به یک باریکه جغرافیایی در جانب غرب ایالت سرحد گفته می شود که در امتداد مرز با افغانستان واقع شده است. این مناطق از هفت نمایندگی (ایجنسی) تشکیل شده و تحت نظر پایتخت اداره

##PAGE=121##

می‌شود و جزو تقسیمات اداری ایالت سرحد محسوب نمی گردد. در دو منطقه از این هفت منطقه قبایلی، که «کرم ایجنسی»[۳۹۷] و «اورگزئی ایجنسی » باشند، تعداد زیادی شیعه از قبایل گوناگون پشتون زندگی می کنند. مرکز کرم ایجنسی «پاراچنار» است و مرکز سکونت شیعیان در اورکزئی ایجنسی[۳۹۸] «تیرا» نام دارد.

۱. پاراچنار: شهر پاراچنار، که در آخرین نقطه های ایالت سرحد و در چند کیلومتری مرز با افغانستان واقع شده است، مرکز اصلی فرهنگی- سیاسی شیعیان مناطق قبایلی، کوهات و هنگو به شمار می‌آید. مرکزیت و اهمیت این شهر نه از آن جهت است که زادگاه شهید عارف حسین حسینی، رهبر پیشین «تحریک جعفریه»، در آن قرار دارد، بلکه از آن روست که تنها شهر ایالت سرحد اس ت که اکثریت قاطع جمعیت آن را شیعیان تشکیل می دهند. پاراچنار با تمام شهرها و روستاهای خود، در واقع، یک شهر و منطقه شیعی است . قبایل شیعه مذهب توری، خوشی، هزاره و بنگش با صمیمیت در کنار هم زندگی می‌کنند. دو قبیله توری و هزاره صددرصد شیعه اند، اما قبایل خوشی و بنگش، سنّی نیز دارند، بلکه اکثریت عمده قوم خوشی را سنّی‌ها تشکیل می‌دهند.

شیعیان پاراچنار به دو گروه «میان مرید» و «دریواندی» تقسیم می‌شوند.

---

[۳۹۴] arhesnaM..(3)

[۳۹۵] tokalaB..(4)

[۳۹۶] iagO..(5)

[۳۹۷] ycnegA maruK..(1)

[۳۹۸] ycenegA iazkarO..(2)

میان مریدها درویش‌منش و پیرو «پیر» و «مرشد» بوده و در احکام و امور مذهبی، به جای تقلید از مراجع تقلید، از پیر خود تبعیت می‌کنند. اما دریواندی‌ها پیرمریدی را قبول ندارند و پیرو مراجع تقلید و علمای دینی خود هستند.

روستاهای شیعه نشین پاراچنار و قبایل ساکن در آنها عبارتند از : پیوار[۳۹۹] (زادگاه شهید عارف حسین، قبیله توری)، شلوزان[۴۰۰] (بنگش)، لقمان خیل (بنگش)، ملانه[۴۰۱]

##PAGE=122##

(توری)، زیران (بنگش)، کرمان (توری)، بورکی[۴۰۲] (توری)، خرلچئی[۴۰۳] (توری و بنگش)، شنگک[۴۰۴] (توری)، علی زئی، غونده خیل (توری)، نستی کوت (توری)، صدره (توری)، مالی خیل (توری)، دال (توری)، شبلان[۴۰۵] (توری)، اگره (توری)، سلطان (توری)، جالندر (توری)، بالش خیل (توری)، تانگه بیلیامین (توری)، علی زئی (توری)، کچکینه[۴۰۶] (توری) کراخیل (توری) و احمد زئی.

۲. اورکزئی ایجنسی: در منطقه اورکزئی ایجنسی، بخشی به نام «تیرا» وجود دارد که جمعیت زیادی از شیعیان در آنجا به‌سر می‌برند. اندخیل،[۴۰۷] سلیمان خیل، سره میله،[۴۰۸] آبی شل،[۴۰۹] کریز،[۴۱۰] کلایه،[۴۱۱] سترسام،[۴۱۲] جابر غواخی و خمال مهوره[۴۱۳].

اینها به قبایل مختلفی تعلق دارند که از آن جمله سه قبیله «بر محمد خیل»،[۴۱۴] «منی خیل» و «سه پای» عموما در این ناحیه، شیعه هستند و تعدادی از جمعیت قبیله «علی خیل» نیز شیعه هستند که معمولا در تقیّه زندگی می‌کنند.

۵. مناطق شمالی

مناطق شمالی در منتها الیه شمال شرقی پاکستان واقع شده و از شمال با افغانستان، شمال شرق با کشور چین، از غرب با ایالت سرحد، و از جنوب و شرق با کشمیر تحت سلطه هند و آزاد هم مرز است. این منطقه دارای ۳۳۲/ ۷۰ کیلومتر مربع مساحت و ۳۴۷/ ۸۷۰ نفر جمعیت است.[۴۱۵]

---

[۳۹۹] raweeP..(3)
[۴۰۰] nazualahS..(4)
[۴۰۱] analaM..(5)
[۴۰۲] ikroB..(1)
[۴۰۳] iahcalrahK..(2)
[۴۰۴] kagnihS..(3)
[۴۰۵] nalbuhS..(4)
[۴۰۶] anikhcaK..(5)
[۴۰۷] lehkdnA..(6)
[۴۰۸] alimarS..(7)
[۴۰۹] lahS eebA..(8)
[۴۱۰] ziruK..(9)
[۴۱۱] ayalaK..(10)
[۴۱۲] masratS..(11)
[۴۱۳] arohaM lamahK..(12)
[۴۱۴] lehK dammahoM raB..(13)

##PAGE=123##

مناطق شمالی کوهستانی و صعب العبور بوده و بلندترین کوه‌های پاکستان و جهان مانند کوه «هیمالیا» و «قراقرم» که دو قلّه۲ –K و تانگاپربت آن به‌ترتیب به ۸۶۱۱ و ۸۱۲۶ متر می‌رسد در همین ناحیه واقع شده است. این منطقه در گذشته، به دو ناحیه بزرگ «بلتستان» و «گلگت» تقسیم می‌شد:

الف. بلتستان: این ناحیه با مساحت ۲۰۵/ ۲۶ کیلومتر مربع، مطابق سرشماری ۱۹۹۸ دارای ۵۷۵/ ۳۰۷ نفر جمعیت است.[۴۱۶] بلتستان از شش وادی تشکیل شده است : سکردو، روندو، خپلو (شیوک)،[۴۱۷] شگر، کرمنگ (کهرمنگ)، و شنگوشگر (گلتری).

ب. گلگت:[۴۱۸] در شمالی‌ترین نقطه پاکستان و هم مرز با چین و افغانستان، ناحیه گلگت است . این منطقه مانند بلتستان، کوهستانی است و از ۱۴۵۴ متر تا ۴۷۳۳ متر از سطح دریا ارتفاع دارد.[۴۱۹] گلگت از پنج وادی تشکیل شده است: مرکز گلگت، حراموش،[۴۲۰] بگروت،[۴۲۱] هنزه، ونگر[۴۲۲]. اقوام و قبایل مهم آن عبارتند از : یشکن،[۴۲۳] شینا، روندو، کیمن دوم، راجه، و سید. دو قوم «یشکن» و «شینا» بزرگ‌ترین اقوام گلگت محسوب می شوند. قوم یشکن در نواحی پونیال، [۴۲۴] نگر، و هنزه تقریبا به‌طور عموم و در داریل، [۴۲۵] تانگیر،[۴۲۶] چلاس،[۴۲۷] و استور[۴۲۸] اکثریت را تشکیل می دهند. قوم شینا نیز از چلاس غور تانگر و در وادی سند، پایین تر از سزین[۴۲۹] واقع شده است. افراد متعلّق به قوم روندو در پونیال، نگر یاسین، چترال، و گلگت پراکنده‌اند، و اقوام

##PAGE=124##

«کمین» و «دیم» در داریل از اکثریت برخوردارند، اگرچه در سایر جاها نیز پراکنده‌اند.[۴۳۰]

براساس تقسیمات اداری جدید، تمام مناطق شمالی به پنج شهرستان تقسیم گردیده است : غزر،[۴۳۱] دیامر،[۴۳۲] گلگت، سکردو،[۴۳۳] و گانگچه.[۴۳۴] در این پنج منطقه، چهار گروه مذهبی وجود دارند که ت عداد هر گروه از یک منطقه به منطقه

---

[۴۱۵] (14). نذیر احمد خالد، کتابستان ورلداتلس، ص44– 45.

[۴۱۶] (1). محمّد یوسف حسین‌زاده، تاریخ بلتستان، ص4.

[۴۱۷] (2).koyihS.

[۴۱۸] (3).tigliG.

[۴۱۹] (4). نذیر احمد خالد، کتابستان ورلد اتلس، ص46.

[۴۲۰] (5).hsumaraH.

[۴۲۱] (6).toorgaB.

[۴۲۲] (7).ragaN.

[۴۲۳] (8).nakhsaY.

[۴۲۴] (9).laynOP.

[۴۲۵] (10).leraD.

[۴۲۶] (11).rignaT.

[۴۲۷] (12).salahC.

[۴۲۸] (13).rotsA.

[۴۲۹] (14).neezaS.

[۴۳۰] (1). پیار علی گلگتی، گلگتی ثقافت کاایك تحقیقی جایزه [یك بررسی علمی از فرهنگ گلگتی]، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کراچی، مرکز مطالعات پاکستان دانشگاه کراچی.

دیگر تفاوت می‌کند. در نقشه جامع و تفصیلی، که از وضعیت جغرافیایی، گروه های نژادی، قومی، زبانی، مذهبی، وضعیت کشاورزی و صنعتی مناطق شمالی در سال ۲۰۰۴ م با همکاری دانشگاه «پنجاب» تهیه و به چاپ رسیده،[۴۳۵] بافت مذهبی مناطق شمالی به شرح ذیل آورده شده است:

غزر: شیعه اسماعیلی ۸۷ درصد، اهل سنّت و جماعت (سنّی) ۱۳ درصد؛

دیامر: اهل سنّت و جماعت (سنّی) ۹۰ درصد و شیعه اثناعشری ۱۰ درصد؛

گلگت: شیعه اثناعشری ۵۴ درصد، شیعه اسماعیلی ۲۷ درصد و اهل سنّت و جماعت ۱۹ درصد؛

سکردو: شیعه اثناعشری ۸۷ درصد، نوربخشی ۱۰ درصد و اهل سنّت و جماعت ۳ درصد؛

گانگچه: نوربخشی ۸۷ درصد، اهل سنّت و جماعت ۸ درصد و شیعه اثناعشری ۵ درصد.

##PAGE=125##

در این آمار، تناسب چهار گروه مذهبی در کل مناطق شمالی چنین ذکر شده است: شیعه اثناعشری ۳۹ درصد، اهل سنّت و جماعت ۲۷ درصد، شیعه اسماعیلی ۱۸ درصد و نوربخشی ۱۶ درصد. تعبیر «اهل سنّت و جماعت » در پاکستان، بر «اهل حدیث » اطلاق می‌شود. گروه «نوربخشی»- همان‌گونه که در بخش اول توضیح داده شد- به دو گروه امامیه و صوفیه تقسیم می‌شود که اوّلی گرایش به شیعه و دومی گرایش به اهل حدیث دارد.

نمودار (۱): ترکیب جمعیتی مذاهب در مناطق شمالی پاکستان

[تصویر] مناطق شمالی متمرکزترین مناطق شیعه نشین در کل پاکستان به شمار می آید. در بعضی مناطق آن، مانند «روندو»، «کلتری»[۴۳۶] و تا حدّی «کرمنگ» (۹۸ درصد کرمنگ را شیعیان تشکیل می دهد) در بلتستان و «نگر» در گلگت، صددرصد شیعه‌نشین هستند. در اسکردو، مرکز بلتستان نیز اکثریت قاطع (بین ۸۰ درصد تا ۸۵ درصد) جمعیت را شیعیان تشکیل می دهند، اما در سال های اخیر، جمعیت سنّی آن، که از گلگت، دیامر و هم چنین سرحد به این شهر آمده‌اند، رو به افزایش گذاشته است.

##PAGE=126##

۶. آزاد کشمیر

---

[۴۳۱] rezihG..(2)

[۴۳۲] ramaiD..(3)

[۴۳۳] udraks..(4)

[۴۳۴] hahcagnahG..(5)

[۴۳۵] (6). این نقشه که در نوع خود، اولین نقشه جامع از مناطق شمالی پاکستان است، توسط پروفسور منظوم علی از جلال آباد گلگت تهیه شده و با کمک بخش جغرافیاشناسی دانشگاه پنجاب بهچاپ رسیده است.(2004).

[۴۳۶] irtlaK..(1)

کشمیر آزاد در ناحیه شمال پاکستان واقع شده و دارای ۱۳۲۹۷ کیلومتر مربع مساحت است. جمعیت این منطقه براساس ارزیابی سال ۲۰۰۱ حدود سه میلیون نفر برآورد گردیده که بیش از ۹۰ درصد آنها در روستا زندگی می‌کنند.

کشمیر از نظر اداری یک ریاست مستقل را تشکیل می دهد. مرکز آن «مظفرآباد» و شهرستان‌های آن عبارت است از : باغ، پونچ (راولاکوت)، پلندری، کوتلی، بمبر و میرپور.

کشمیر مانند مناطق شمالی، دارای آب و هوای سرد در زمستان و معتدل در تابستان، سرسبز و کوهستانی است . مردم آن اغلب به زبان «هندکو» صحبت می‌کنند. اکثریت جمعیت آن را اهل سنّت تشکیل می‌دهد. شیعیان به‌طور پراکنده در تمام یا اکثر نقاط آن حضور دارند اما بیشترین جمعیت آنها در مظفرآباد و اطراف آن مستقر هستند . پس از مظفرآباد شهرستان‌های کوتلی، پونج (پونچه)، باغ و میرپور قرار دارند که در همه آنها کم‌وبیش شیعه وجود دارد.

شیعیان کشمیر از لحاظ فرهنگی، کم تحرک‌تر و با مشکلات بیشتری روبه رو هستند. اولین مدرسه دینی در سال ۱۹۸۳ به‌کمک جمعی از سادات منطقه و حمایت مرحوم حجة الاسلام سید صفدر حسین نجفی در «سهنسه» از توابع کوتلی تهداب‌گذاری شد.[۴۳۷] شهید عارف حسین حسینی در دوران رهبری شیعیان پاکستان (۱۹۸۴– ۱۹۸۸) توجه بیشتری به این منطقه معطوف نمود و سبب تأسیس مدرسه دینی دیگری در سال ۱۹۸۹ در شهرستان کوتلی گردید. شیعیان کشمیر به‌خاطر پراکندگی جغرافیایی و دور افتادن از مرکز پاکستان و برخی عوامل دیگر تا دو دهه اخیر فاقد مراکز آموزش دینی مستقل، عالمان تحصیل کرده

##PAGE=127##

مذهبی بومی بود اما اکنون که پنج باب مدرسه علمیه پسرانه و دخترانه در آن تأسیس گردیده و حداقل ۹ تن از طلاب بومی در حوزه علمیه قم و حدود ۳۰ نفر در مدارس خود آن جا تحصیل می‌کنند، امید می‌رود که تغییرات محسوسی در عرصه فرهنگی و مذهبی آن‌جا به‌وجود آید.[۴۳۸]

شیعیان کشمیر عمدتا به اقوام چوهدری (گجر)، سادات، سدهن و اعوان، تعلق دارند و عده کمی نیز به اقوام دیگر مانند عباسی، مغول و غیره تعلق دارند . حضور شیعیان در دولت و سیاست باتوجه به میزان جمعیت شان نسبتا قابل‌قبول است سید غلام رضا نقوی عضو «شورای کشمیر » و مفتی سید کفایت حسین عضو «شورای مشورتی اسلامی » (اسلامی نظریاتی کونسل) و سید محمود حسین بخاری از فعالان سیاسی عضو حرکت (نهضت) جعفریه هستند.

رشد جمعیت

نمودار رشد جمعیت در کل پاکستان، نشان دهنده نمودار رشد جمعیت در جامعه شیعیان این کشور نیز هست. چنان‌که در صفحات پیشین ذکر شد، توزیع جغرافیایی جمعیت شیعه به گونه‌ای است که نمی توان از لحاظ نرخ رشد جمعیت، رشد جداگانه‌ای برای آن در نظر گرفت. بنابراین، مسائل جمعیتی کشور برای همه گروه‌های مذهبی یکسان است.

---

[۴۳۷] (1). محمد ثقلین کاظمی، امامیه دینی مدارس پاکستان، ص528.

[۴۳۸] (1). همان، ص528-530 و مصاحبه با طلاب کشمیر در قم18/ 1384/2.

نرخ رشد جمعیت در پاکستان در سال ۲۰۰۲ م قریب ۲/ ۲ درصد بوده و در سال ۲۰۰۵ م به ۳/ ۲ درصد افزایش یافته است.[۴۳۹] نرخ رشد جمعیت در ایالات گوناگون بسیار نزدیک به‌هم و در سطح برابر پیش می‌رود؛ تنها در ایالت

##PAGE=128##

بلوچستان و مناطق شمالی، اندکی بیش از سایر جاهاست؛ مثلا، در ایالات دیگر بین ۶/ ۲ درصد تا ۸/ ۲ درصد در سال ذکر شده، درحالی‌که در بلوچستان ۴۷/ ۲ درصد و در مناطق شمالی ۷۴/ ۲ درصد بیان گردیده است.

در بعضی ایالات پاکستان، مانند سند، پس از سال ۱۹۴۷ (تأسیس پاکستان) جمعیت شیعه به صورت فوق العاده ای افزایش پیدا کرد، و این به دلیل مهاجرت زیاد مهاجران هندی به این ایالت بود که تعداد قابل توجهی از آنان را شیعیان تشکیل می دادند. بیشتر مهاجران شیعه مذهب در کراچی، حیدرآباد، سکّر، خیرپور، ملتان و سایر شهرهای مهم پنجاب مستقر شده‌اند. حضور مهاجران در پاکستان، نه تنها بر رشد کمّی شیعیان، به ویژه در سطح شهرها، افزو ده، بلکه بر رشد کیفی آنان نیز افزوده است؛ زیرا با استقرار بیشتر آنان در شهرهای بزرگ، فعالیت های فرهنگی، سیاسی و فکری شیعیان نیز رونق چشم گیری یافته است. از سوی دیگر، این امر در معادله جمعیت شهری و روستایی نیز بسیار تأثیرگذار بوده است.

جدول (۱): مقایسه نرخ رشد جمعیت و نسبت جمعیت شهری و روستایی

[تصویر]

##PAGE=129##

سواد

پاکستان از لحاظ سطح سواد، از جمله کشورهایی است که با مشکلات زیادی روبه روست. اما در دهه‌های اخیر، توانسته است به موفقیت های خوبی در این زمینه دست یابد . براساس سرشماری سال ۱۹۸۱، نرخ سواد در آن کشور ۲/ ۲۶ درصد بوده که در سال ۲۰۰۴ به ۴۵ درصد افزایش یافته و در ۲۰۰۵ به ۴۸ درصد رسیده است.[۴۴۰] برخی آمارها آن را تا ۵۳ درصد نیز ذکر کرده‌اند.[۴۴۱]

میزان افراد باسواد و بی سواد از نظر جنسیت، بسیار متفاوت است . در میان مردان ۷/ ۶۱ درصد افراد قادر به خواندن و نوشتن هستند، درحالی‌که این امر در میان زنان، تنها به ۲/ ۳۵ درصد می‌رسد.

ایالت‌های گوناگون پاکستان از لحاظ رشد برنامه‌های سوادآموزی و تعلیم و تربیت در سطح برابری قرار ندارند. بیشترین جمعیت باسواد در ایالت سند هستند که آمار آن به ۵/ ۳۱ درصد می‌رسد. پس از آن، پنجاب با ۵/ ۲۷ درصد، سرحد با ۷/ ۱۶ درصد و بلوچستان با ۳/ ۱۰ درصد به‌ترتیب، در ردیف‌های بعد قرار دارند.

---

[۴۳۹] (2). نذیر احمد خالد، کتابستان ورلداتلس، ص koob tcaF dlroW ehT/18 نرخ رشد جمعیت پاکستان در سال2005 را 2/3 درصد ذکر کرده است.

[۴۴۰] (1). koob tcuf dlrow :aic .www //:ptth.

[۴۴۱] (2).

stcuf cisab) natsikap fo tnemrevoG. www//: ptth).

میزان افراد تحصیل کرده نیز در ایالت های چهارگانه متفاوت است . سند با داشتن بیشترین درصد افراد تحصیل کرده در صدر جدول و بلوچستان با داشتن کمترین درصد، در ذیل جدول جای دارد.

این آمار هرچند مربوط به کل جمعیت پاکستان است، اما می تواند بازتابی از وضعیت تحصیلی شیعیان نیز باشد . تنها چیزی‌که می‌توان راجع به وضعیت آموزشی شیعیان گفت این است که در بسیاری از مناطق شیعه نشین در یک دهه اخیر، سرمایه‌گذاری‌های بیشتری در امر آموزش و سوادآموزی انجام گرفته که

##PAGE=130##

این امر ممکن است به رشد آمار باسوادان در آن مناطق کمک جدّی نموده باشد؛ چنان‌که طبق ارزیابی مؤسسه «آموزش برای همه» در مناطق شمال و کشمیر، ۹۵ درصد افراد زیر ۲۰ سال در سال ۲۰۰۴ قادر به خواندن و نوشتن بوده‌اند.

همچنین در یک دهه اخیر، برنامه های آموزشی برای مقطع ابتدایی و متوسطه بسیار گسترش یافته و تمام روستاها را فراگرفته است. بنابراین، می توان چنین ارزیابی کرد که تحصیل در مقطع ابتدایی در میان نسل جدید، تقریبا همگانی گردیده است و در سطح جمعیت شهری، این آمار می‌تواند قریب ۹۰ درصد کودکان را شامل گردد.

مهاجرت

پاکستان یک کشور مهاجرپذیر بوده و تاریخ آن مملو از حوادث ناشی از ورود اقوام و نژادهای غیربومی مانند عرب، افغان، ترک، ایرانی، مغول، و در نیم قرن اخیر، هندی، بنگالی و موج دیگری از اتباع افغانی و ایرانی بوده است . مهاجرت را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد: مهاجرت درون‌کشوری و مهاجرت برون‌کشوری.

پاکستان با هردو نوع مهاجرت مواجه بوده است.

در عرصه مهاجرت برون کشوری، پاکستان عمدتا مهاجرپذیر بوده، اگرچه قدری نیز مهاجرساز بوده است . طی قرن بیستم، به‌ویژه نیمه دوم آن، جمعیت زیادی از سه کشور افغانستان، هند و بنگال به این سرزمین سرازیر شده‌اند.

مهاجران هندی و بنگالی- به ترتیب- پس از سال ۱۹۴۷ (استقلال پاکستان) و ۱۹۷۱ (تجزیه بنگال از پاکستان) وارد پاکستان شدند. مهاجران هندی، که تعداد آنان به ۵/ ۶ میلیون نفر می رسید، بیشتر در پنجاب، ریا ست بهاولپور، کراچی، حیدرآباد و ریاست خیرپور مستقر شدند.[۴۴۲]

##PAGE=131##

گروهی از مهاجران افغانی از آخرین سال های قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در پی استبداد و نسل کشی امیر عبد الرحمان در افغانستان مرکزی و جنوبی (۱۸۹۰- ۱۸۹۳) از سرزمین آبا و اجدادی خود آواره گردیدند و به پاکستان نقل مکان کردند. این عده، که به مردم هزاره تعلّق داشتند، بیشتر در کویته، مرکز ایالت بلوچستان، و در ایالت سرحد

[۴۴۲] (1). سید قاسم محمود، انسائیکلوپیدیا پاکستانیکا، ص41/ سید حسن ریاضی، پاکستان ناگزیرها، ص547.

(پاراچنار) و تعدادی نیز در مناطق شمالی مستقر شدند . پاکستان نوع دیگری از مهاجران را نیز در خود جای داده است که آنها را باید مهاجر ان اجتماعی و اقتصادی نامید . این مهاجران در دو ایالت همجوار پشتوزبان پاکستان رحل اقامت افکنده‌اند. پس از کودتای ۱۹۷۹ م/ ۱۳۵۷ ه. ش کمونیست‌ها در افغانستان و سپس اشغال نظامی این کشور به دست ارتش اتحاد شوروی سابق، بیش از سه میلیون افغانی از این کشور به پاکستان مهاجرت کردند که در جمع آنها، تعداد زیادی شیعه از هزاره‌جات، کابل، قندهار و شمال افغانستان نیز وجود داشت . این مهاجران هنوز هم در پاکستان زندگی می‌کنند و به احتمال زیاد، تعدادی از آنان برای همیشه در این کشور ماندگار خواهند شد.

اما مهاجرت‌های برون‌مرزی خود پاکستانی‌ها، بیشتر به کشورهای اروپایی، آمریکایی، عربی و آفریقایی صورت گرفته است. امروزه جمعیت قابل توجهی از اتباع پاکستانی در انگلستان (به‌ویژه لندن)، آمریکا، عربستان و شیخ نشین‌های امارات به‌سر می‌برند. اینها عمدتا مهاجران اقتصادی و اجتماعی هستند.

نسبت جم‌عیت خارج شده از این کشور به آنچه در آن وارد گردیده، بسیار کمتر است . بنابراین، رشد حاصل از جابه‌جایی جمعیت همچنان بر پیکر این کشور سنگینی می‌کند.

درباره ترکیب مذهبی مهاجران، که ارتباطی مستقیم با موضوع این تحقیق

##PAGE=132##

دارد، می‌توان گفت: از سه دسته مه‌اجران برون مرزی وارد شده به پاکستان، دو دسته دارای عقاید شیعه و سنّی بوده اند و دسته سوم به‌نظر می‌رسد صرفا متعلّق به مذهب اهل سنّت بوده باشد . مهاجرانی که پس از سال‌های ۱۸۹۰ از افغانستان به بلوچستان (کویته) و پاراچنار در ایالت سرحد آمدند و به اقوام هزاره و قزلباش تعلّق داشتند، عموما شیعه بودند . این مردم اکنون در شهر کویته جمعیت قابل توجهی را تشکیل داده و از فعّال ترین گروه‌های مذهبی و اجتماعی به شمار می‌روند. اما افراد و خانواده هایی که از قبایل پشتون در طول قرن بیستم، به ویژه در دوران اشغال افغانستان توسط شوروی سابق (۱۹۷۹– ۱۹۸۸)، به پاکستان آمده‌اند، دارای مذهب حنفی هستند . دومین دسته از مهاجران شیعی مربوط به مهاجران هندی (اردوزبان) سال‌های ۱۹۴۷ و بعد از آن است . چنان‌که اشاره گردید، بخش قابل توجهی از این مهاجران را شیعیان تشکیل می دهند. دسته سوم مهاجران، که ساکنان بنگال هستند، از جنبه گرایش مذهبی، در گروه مهاجران غیرشیعی قرار می‌گیرند.

اما نوع دیگری از مهاجرت، که از آن به «مهاجرت درون‌کشوری/ سرزمینی» یاد می‌شود، نمونه‌های آن در درون جامعه شیعه پاکستان زیاد مشاهده می‌شود.

این بخش از مهاجرت معمولا از نوع مهاجرت روستایی به شهری است. رشد سرسام‌آور جمعیت روستایی، افزایش نرخ بیکاری در این کشور، به ویژه در روستاها، و ادامه روند نوسازی از جمله عوامل اصلی مهاجرت جمعیت روستایی به شهرها شناخته می‌شود. اما در سال‌های اخیر، عوامل سیاسی و امنیتی نیز در رشد این پدیده نقش داشته است. در اینجا، به چند مورد از آنها اشاره می‌گردد:

پیشاور: شیعیان قدیمی شهر پیشاور تنها قزلباش های فارسی‌زبان بودند که بعدا کشمیری ها نیز به آنها پیوستند (ق ۱۹ م).[۴۴۳] تا پیش از پنجاه سال قبل، شیعه پشتو

##PAGE=133##

زبان در این شهر یا اصلا وجود نداشت یا اگر وجود داشت به‌صورت کارگر و کارمند بود و خانواده های آنان در هنگو، کوهات و مناطق قبایلی به سر می‌برد. اما از ۴۰ تا ۴۵ سال قبل به بعد، تعدادی از شیعیان پاراچنار و بنگش به پیشاور منتقل شده اند.[۴۴۴] اولین مجلس عزاداری آنان به زبان پشتو در سال ۱۹۷۶ م به همّت محمّد رفیق خان بنگش و آخوندزاده مختار علی در حسینیه «آخوندآباد» برگزار شد و در همان سال، اتحادیه ای به نام «تنظیم المؤمنین » به سرپرستی شیخ علی مدد از سوی پشتوزبان‌ها تأسیس گردید.[۴۴۵]

در دهه ۱۹۸۰ م، که شهید عارف حسین حسینی به عنوان رهبر شیعیان و رئیس «حرکت اجرای فقه جعفریه » دفتر خود را به شهر پیشاور در محلّه «مدینه کالونی»[۴۴۶] منتقل کرد، اهمیت پیشاور برای شیعیان، به‌ویژه پشتوزبانان، بیشتر گردید و روند مهاجرت از پاراچنار، هنگو و سایر مناطق اطراف به این شهر بیشتر شد.

کراچی: یکی از مهاجرپذیرترین شهرهای پاکستان، شهر بزرگ کراچی است که از تمام گروه های قومی، زبانی و مذهبی به آنجا هجرت کرده‌اند. بزرگ‌ترین گروه مهاجران شیعه در کراچی، مهاجران هندی هستند که بخش قابل توجه از آنها را شیعیان تشکیل می دهند. علاوه بر آنها، از سایر نقاط پاکستان نیز شیعیان به آنجا هجرت کرده اند که مهم‌ترین آنان عبارتند از: شیعیان مناطق شمالی (بلتی و گلگت) که در محلّه های BA سینا لاینز، صدر، کوه ملّی، و سلمان فارسی کالونی سکونت گزیده‌اند. گروه دوم هزاره‌های فارسی‌زبان هستند که از کویته به آنجا رفته و در مناطق منگاپیر (قریب ۷۵۰ خانوار)، حسین گوت (قریب ۳۵۰ خانوار) و کوه ملّی (قریب ۲۵۰ خانوار) مستقر شده‌اند.[۴۴۷] گروه سوم شیعیان پشتوزبان

##PAGE=134##

هستند که از قبایل «توری» و «بنگش» بوده و در پهلوان گوت، حسین گوت و برخی جاهای دیگر به صورت پراکنده زندگی می‌کنند. همچنین تعدادی از شیعیان داخل سند و پنجاب نیز به این شهر هجرت کرده و در نقاط گوناگون آن پراکنده‌اند.

لاهور: این شهر مهم‌ترین شهر مهاجرپذیر در ایالت پنجاب محسوب می شود.

شیعیان از تمام نقاط پنجاب، کم وبیش به این شهر آمده و امروز تعداد شیعیان غیربومی لاهور به شدت افزایش پیدا کرده است. تعدادی از این مهاجران بر اثر فقدان امنیت، که در دو دهه اخیر از سوی تروریست های فرقه‌ای به‌وجود آمده، از روستاها و شهرهای خود آواره شده و به این شهر روی آورده اند. در این‌باره، به نظر می رسد شیعیان شهرستان جنگ

---

[۴۴۳] (1). مختار علی نیّر آخوندزاده، عزاداری در استان سرحد، ص95-100.

[۴۴۴] (1). همان، ص40.

[۴۴۵] (2). همان.

[۴۴۶] (3). inoolaK aneedaM..

[۴۴۷] (4). مصاحبه با حجة الاسلام عارفی، روحانی محل، در حسین گوت، کراچی، مارس2004 م.

بیش از دیگر جاها از درگیری های فرقه‌ای متأثر گردیده و به لاهور و سایر جاها هجرت کرده اند.[۴۴۸] در شهرک‌ها و محلّه‌های نوساز این شهر، هجوم افراد غیر بومی کاملا محسوس است و تقریبا در بیشتر محلّه های نوساز، تعدادی خانوارهای شیعه غیربومی را نیز می‌توان دید.

سایر شهرها: در سایر شهرها نیز به‌تناسب جاذبه‌های شغلی و امکانات رفاهی آنها، روند مهاجرت از روستا به شهر ادامه دارد. اسلام‌آباد یکی از این شهرهاست که تعداد زیادی جمعیت شیعی به‌خود جذب کرده است. کویته، حیدرآباد، ملتان، و فیصل‌آباد نیز شاهد حضور روزافزون جمعیت روستایی شیعه در خویش هستند و به طور کلی، روند شهرنشینی در میان شیعیان از رونق خاصی برخوردار است.

##PAGE=135##

فصل سوم مذهب و سازمان‌های مذهبی

##PAGE=137##

درآمد

در جامعه اسلامی پاکستان، «مذهب» نقش مهمی در تشکیل باورها، عقاید و شکل دهی رفتار مردم دارد . باوجود آنکه پاکستان قبل و بعد از استقلال، تحت نفوذ و حتی سلطه همه جانبه فرهنگی غرب قرار داشته، اما گرایش های دینی همچنان در این جامعه عمیق و گسترده باقی مانده است و «مذهب» روح اصلی فرهنگ، ارزش‌ها و هویّت این جامعه را تشکیل می‌دهد.

در واقع، پیش از آنکه اسلام در قرن اول ه . به این سرزمین راه یابد، افکار مذهبی در پوشش آیین «بودیسم» و «هندوئیسم» به تمدن و فرهنگ شبه قاره رنگ معنویت بخشیده و فلسفه درونگرای «اوپانیشادها» و «جینیزم» تمام عرصه‌های فکری و رفتاری ساکنان این مرزوبوم را به تسخیر درآورده بود.

تمدن و فرهنگ شبه قاره هند از آغاز تاکنون، تمدن و فرهنگی دینی بوده، اما با نفوذ اسلام در بخش های غربی، شمالی، جنوبی و شرقی آن، ماهیت دینی و معنوی آن پربارتر گردیده است. از اینجا می‌توان به این امر مهم آگاهی یافت که چرا «تصوّف» توانست به‌عنوان گرایش غالب و پرکشش در این منطقه، مورد توجه بیشتر قرار گیرد و بیشتر عرصه ها را به‌راحتی فتح نماید.

مکتب «تصوّف» به دلیل آنکه بیش از دیگر مکاتب اسلامی با فرهنگ معنوی

##PAGE=138##

و دینی هندوها تشابه داشت، توانست زمینه گسترش خود (اسلام صوفیانه) را در هند و پاکستان تقویت نماید . در واقع، تأکید تصوّف بر رشد جنبه های معنوی و اخلاقی، پرورش روحی، آخرت گرایی و رهبانیت و ریاضت، نوع خاصی از مدنیت دینی را رقم زد که تأثیرات آن بسیار عمیق تر از گرایش‌های مبتنی بر خردگرایی فلسفی و شریعت گرایی فقهی بود.

---

[۴۴۸] (1). مصاحبه با مولانا مشتاق حسین جعفری، رئیس« نهضت پاسداری حقوق شیعه پاکستان» در لاهور.

گرایش مذهبی در جامعه شیعی پاکستان نیز عمدتا گرایش صوفیانه است، مناطق شمالی پاکستان (بلتستان و گلگت)، سند، درون بلوچستان و قسمت های زیادی از پنجاب و ایالت سرحد عمدتا به وسیله مبلّغان صوفی مسلک خانواده‌های سادات موسوی، نقوی و رضوی به آیین تشیّع گرویدند . سنّت‌های برجا مانده از مکتب تصوّف مانند پیر- مریدی، درون‌گرایی، شریعت گریزی و فردگرایی هنوز هم در فرهنگ دینی شیعیان پاکستان نفوذ دارد . گروه‌های «موالی»، «درویشان» و «ملنگ‌ها» به‌عنوان مظاهر این فرهنگ، در بارگاه‌های امامزاده‌ها و اطراف قبور بزرگان حلقه های خود را تشکیل می‌دهند، گرچه اینان امروز فاقد معنویت و صفای نسل‌های گذشته خود هستند.

تا پیش از استقلال پاکستان (۱۹۴۷ م)، جامعه شیعیان این کشور تحت تأثیر مکتب «لکنؤ» (لکهنو)[۴۴۹] در شمال هند قرار داشت، که بوخی آموزه های آن همسویی زیادی با گرایش تصوّف نشان می داد. اما پس از استقلال پاکستان و گرایش روحانیت آن کشور به سوی حوزه علمیه نجف و سپس قم و مشهد، گرایش های صوفیانه به تدریج، کم‌رنگ‌تر گردیده و ابعاد عملی مناسک دینی و نیز اجتماعی و سیاسی آن مورد توجه بیشتر ی قرار گرفته است. در پی این امر، تحوّل افقی در گستره آموزه‌ها و ارزش‌های دینی شیعیان

##PAGE=139##

ایجاد شد و دین و مذهب در عرصه گسترده تری وارد زندگی مردم گردید و از عرصه فردی و معنوی صرف، به عرصه اجتماعی، سیاسی و مبارزاتی نیز گسترش یافت.

نوگرایی مبتنی بر اندیشه و فرهنگ غربی هرچند در سطح شهرها گسترش چشم گیری یافته و در بخشی از لایه های اجتماعی (طبقات تحصیل کرده و مرفّه) تأثیرات عمیق‌تر و شدیدتری برجای نهاده است، اما باوجود این، نتوانسته علایق و روابط معنوی پایدار مردم را با مذهب بگسلد . ارزش‌های مذهبی به عنوان ارزش های برتر در میان اکثریت جامعه پاکستان از قدرت و احترام زیادی برخوردار است . سازمان‌ها، احزاب و انجمن های دینی در میان طبقات، اقشار و گروه‌های جنسی گوناگون، دارای طرف داران قابل توجهی بوده و نسل جوان دانشگاهی نیز از گرایش های مذهبی بیگانه نیست. سازمان های دانشجویی مذهبی مانند سازمان «دانشجویان امامیه» (I. S. O)، سازمان «دانشجویان اصغریه» (اصغریه استودنس آرگنایزیشن)[۴۵۰] در سند، و سازمان «امامیه» (I. O) (ویژه فارغ التحصیلان دانشگاهی، نشان دهنده حضور افکار و علایق مذهبی در میان تحصیل‌کردگان و روشن‌فکران دانشگاهی است.

در این فصل، به باورها و عقاید مذهبی، رابطه مردم با مذهب، میزان تأثیرپذیری جامعه از آموزه های مذهبی و همچنین سازمان‌ها و انجمن های دینی و مذه بی، که به طور همه جانبه و یا محدود به فعالیت های دینی مشغولند، پرداخته شده و جایگاه مذهب در زندگی شیعیان این کشور مورد بررسی قرار گرفته است.

##PAGE=140##

باورهای مذهبی

---

[۴۴۹] (1) .oankaL

[۴۵۰] (1) .noitazinagrO stnedutS airahgsA

اگر «باور» را به معنای «پذیرش هر گزاره خاص به منزله حقیقت »[۴۵۱] در نظر بگیریم، گستره باورها وسیع‌تر شده، باورهای مذهبی تنها بخشی از آنها را تشکیل خواهد داد . باورهای مذهبی به آن بخش از «گزاره‌های پذیرفته شده‌ای» اطلاق می‌گردد که ریشه در آموزه‌های دینی و الهی دارد و یا گمان می‌رود که در آنها ریشه داشته باشد.

مطالعه باورهای مذهبی یک جامعه و یا یک گروه، مطالعه فرهنگ دینی، دین‌پذیری و نوع شناخت و تلقّی جامعه و گروه از آموزه‌های دینی است. هر جامعه دینی دارای باورهای دینی است، اما این لزوما به معنای پذیرش و یا اعتقاد به تمامی آموزه‌های دینی و یا پذیرش تمام حالات آن نخواهد بود . باورها به دلیل همگانی و تو ده‌ای بودنشان، به سرعت دست‌خوش تغییر و تحوّل گردیده، با پندارهای عامیانه درهم می آمیزند. به همین دلیل، باورهای دینی همیشه در معرض نفوذ بدعت ها، خرافات و تحریف ها قرار می گیرد. از این رو، بررسی فرهنگ و باورهای مذهبی یک جامعه یا گروه، شاخص مهمی در دین‌شناسی توده‌ای به‌شمار می‌رود.

گسترش باورهای مذهبی در ابعاد گوناگون زندگی، نشانه حضور فراگیر مذهب در سامان دهی نظام فکری و رفتاری است. این تلازم را در حیات فکری و عملی شیعیان پاکستان به خوبی مشاهده می‌کنیم. جامعه شیعیان پاکستان از لحاظ اعتقادی و ارزش گرایی دینی، یکی از مؤمن ترین جوامع مذهبی به شمار می‌رود، به‌گونه‌ای که تحوّلات فرهنگی کشور و مهاجرت‌های خارجی، به‌ویژه در اروپا و آمریکا، کمتر توانسته است باورهای مذهبی

##PAGE=141##

آنان را متزلزل سازد. اما در عین حال، باید به این مسئله نیز اشاره کرد که جلوه های بیرونی و عملی باورهای دینی، که در اعمال عبادی و تکالیف شرعی بروز می نماید، به‌صورت همه جانبه در جامعه مسلمانان و شیعیان این کشور مشاهده نمی‌شود، به‌ویژه این کاستی در سطح روستاها فراگیرتر است.

پرداختن به تمامی باورهای مذهبی شیعیان این کشور باتوجه به تنوّع فرهنگی و قومی شیعیان در آنجا، نیازمند مطالعات بسیار پیچیده و گسترده‌ای است. از این‌رو، تنها به مهم‌ترین آنها بسنده می‌گردد.

باورهای کلامی و اعتقادی

اندیشه کلامی شیعیان پاکستان عمدتا متأثّر از مکتب «لکنو» است که برمبنای آن، پس از توحید و نبوّت، مسئله «امامت» مهم ترین جایگاه را در نظام باورهای اعتقادی و کلامی شیعیان داراست . امروز دو گرایش کلامی متفاوت را می‌توان در جامعه شیعیان پاکستان مشاهده کرد:

گرایش موسوم به «شیخیه» یا «موالیه» که منسوب به شیخ احمد احسائی (م ۱۸۲۴ م) و سید کاظم رشتی است . میرزا حسین عظیم‌آبادی (م ۱۲۶۰ ق/ ۱۸۴۴ م) اولین مبلّغ این تفکر در هند به شمار می‌رود که در لکنو و اله آباد به تبلیغ پرداخت و سپس بعضی تحصیل کردگان مکتب «لکنو» مانند مولانا محمّد بشیر انصاری (م ۱۹۸۳ م)، مولانا سید محمّد عارف نقوی (م ۱۹۸۸ م)، مولانا سید نجم الحسن کراروی (م ۱۹۸۲)، مولانا سید ضمیر الحسن رضوی (م ۱۹۹۳ م) و میرزا یوسف حسین، آن را در

---

[۴۵۱] (1). باقر ساروخانی، دائرة المعارف علوم اجتماعی، ص63.

##PAGE=142##

پاکستان ترویج کردند.[۴۵۲] امروز رهبری فکری این گروه در دست میرزا حسن حایری احقاقی و میرزا عبد الرسول احقاقی مقیم کویت قرار دارد و بیشترین تبلیغات آن به‌وسیله «دار التبلیغ جعفریه» در اسلام‌آباد انجام می‌گیرد.

دوم گرایش موسوم به «شیعیت خالص» یا «موحّدین» که از سوی مکتب «نجف» و فارغ التحصیلان آن، مانند علّامه محمّد یارشاه نجفی، مولانا اختر عبّاس نجفی، مولانا حسین بخش نجفی جارا، علّامه سید صفدر حسین نجفی در لاهور (م ۱۹۸۹ م)، آیهٔ اللّه مح مّد حسین نجفی دکو سرگودا، شیخ محسن علی نجفی اسلام آباد، حمایت می شود. البته بعضی تحصیل‌کردگان غیرنجف مانند علّامه سید گلاب علی شاه نقوی در ملتان و حافظ سیف الله نیز حامی سرسخت این تفکر بودند.

گرایش اول باتوجه به زمینه های مردمی، عوام‌پسند بودن و پیشینه طولا نی مبلّغان و حامیان آن در شبه قاره، از مقبولیت بیشتری در میان توده ها برخوردار است، درحالی که گرایش دوم، که در جامعه پاکستان یک گرایش اصلاح گرایانه تلقّی می‌شود، تنها در میان نخبگان حوزوی و روشن فکران دانشگاهی توانسته است از حمایت و پذیرش اکثریت برخوردار گردد.

برای آشنایی با عقاید کلامی دو گروه یاد شده و همچنین تفاوت های موجود میان آنها، بجاست ترجمه متن بخشی از مقاله یکی از نویسندگان وابسته به گرایش اول را، که یک مطالعه تطبیقی از دو گرایش مزبور به عمل آورده است، در اینجا نقل نماییم:

##PAGE=143##

الف. عقاید موالی‌ها[۴۵۳]

۱- نوع چهارده معصوم علیهم السّلام از نوع سایر بشر جداست.

۲- چهارده معصوم علیهم السّلام به‌طور حقیقی نورند.

۳- چهارده معصوم علیهم السّلام فاعل حقیقی معجزه‌اند.

۴- چهارده معصوم علیهم السّلام دارای منصب ولایت تکوینی و تشریعی هستند.

۵- ولایت علی علیه السّلام در زمان حاضر نیز واجب است.

۶- پرچم علی علیه السّلام کاملا سیاه‌رنگ است.[۴۵۴]

---

[۴۵۲] (1). سید حسین عارف نقوی،« تاریخ تصادم فکری شیعه و شیخی در پاکستان»، ماه‌نامه دقایق الاسلام، ژانویه2004، ص35- 37.

[۴۵۳] (1). سید ذو الفقار حسین بخاری،« نگاهی به عقاید حقه صحیح شیعه و عقاید فاسد مقصّرین »، ماه‌نامه لسان الصدق، اسلام‌آباد، ج 6، ش 2، آوریل2000، ص 11- 13.

[۴۵۴] (2). همان، به‌نقل از: مقدّس اردبیلی، انوار امامت، ص22.

۷- علم چهارده معصوم علیهم السّلام، احاطی و حضوری است.

۸- اعتقاد به عالم الغیب و حاضر و ناظر بودن چهارده معصوم علیهم السّلام، عقیده شیعه است.

۹- یاری طلبیدن از چهارده معصو م علیهم السّلام در امور تکوینی (خلق، رزق، شفا، موت، حیات و مانند آن) واجب است.

۱۰- خواندن «ناد علی»[۴۵۵] و گفتن «یا علی مدد» در مقام حقیقت، جایز است.

۱۱- کلمه قایلان جداگانه بودن نوع چهارده معصوم علیهم السّلام چنین است: «لا اله الّا اللّه، محمّد رسول اللّه، علیّ ولی اللّه.»

۱۲- شهادت ثالثه جزو کلمه است.

۱۳- شهادت ثالثه جزو اذان است.

۱۴- اذان دارای بیست جمله است.

##PAGE=144##

۱۵- خواندن شهادت ثالثه در تشهّد جایز است.[۴۵۶]

۱۶- صدقه بر سادات حرام است، حتی بر کودکان گرسنه کربلا در بازار کوفه.

۱۷- «تشیّع» مذهب است و همین دین اسلام است.

۱۸- هدف قیام عاشورا بقا و پاس‌داری دین اسلام بود.

۱۹- عزاداری اجر رسالت و افضل عبادات است.

۲۰- مقام نبوّت و امامت اکتسابی نیست که هر مسلمان از راه عبادت، به‌آن منصب فایز گردد.

ب. عقاید غیرموالی‌ها (شیعه معمولی)

۱- نوع چهارده معصوم علیهم السّلام با نوع سایر افراد بشر یکی است.

۲- چهارده معصوم علیهم السّلام از باب مجاز، نورند.

---

[۴۵۵] (3).« نادعلی»(صغیر) عبارت است از این دعا:« ناد علیّا مظهر العجایب، تجده عونا لك فی النّوائب، کلّ همّ و غمّ سینجلی، بولایتك یا علیّ یا علیّ یا علیّ»

[۴۵۶] (1). همان، به‌نقل از: یعسوب الدین رستگار جویباری، توضیح المسائل، ج3، ج 1، ص314.

۳- چهارده معصوم علیهم السّلام از باب مجاز، فاعل معجزه‌اند.

۴- چهارده معصوم علیهم السّلام تنها دارای منصب ولایت تشریعیه‌اند.

۵- امروز «ولایت فقیه» واجب است. (شعار مرگ بر ضد ولایت فقیه)

۶- پرچم پیروان «ولایت فقیه» قرمز و سیاه است.[۴۵۷]

۷- علم چهارده معصوم علیهم السّلام ارادی و کسبی است.

۸- عالم به غیب و حاضر و ناظر دانستن چهارده معصوم علیهم السّلام عقیده‌ای باطل است.

۹- یاری جستن از چهارده معصوم علیهم السّلام در امور تکوینی، شرک و بدعت است.

۱۰- خواندن «ناد علی» و «یا علی مدد» گفتن در مقام وسیله، جایز است.

۱۱- کلمه قایلان به وحدت نوع چهارده معصوم چنین است: «لا اله الّا اللّه، محمّد

##PAGE=145##
رسول اللّه.»

۱۲- شهادت ثالثه جزو کلمه نیست.

۱۳- شهادت ثالثه جزو اذان نیست.

۱۴- اذان هجده جمله است.

۱۵- خواندن شهادت ثالثه در تشهّد مبطل نماز است.

۱۶- در مدارس (این عده) از صدقه، به سادات غذا داده می‌شود (تحت عنوان ساختگی «هدیه»)

۱۷- شیعه یک جنبش سیاسی است.[۴۵۸]

۱۸- واقعه کربلا یک مبارزه سیاسی بود که هدف آن ایجاد خلافت و حکومت و برقراری جمهوریت بود.

[نسبت دادن این برداشت و اعتقاد به غیرموالی ها فاقد اعتبار و مدرک است، بلکه صحیح آن است که شیعیان غیرموالی هدف قیام عاشورا را پاس‌داری از دین رسول اللّه، امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح در دین و سرنگونی نظام ستمگر

---

[۴۵۷] (2). همان، به‌نقل از: ریاض القدس، چ لاهور، ج 1، ص417-418.

[۴۵۸] (1). نسبت دادن این عقیده به شیعیان غیرموالی نادرست به‌نظر می‌رسد؛ زیرا شیعیان پاکستان همانند سایر شیعیان جهان،« شیعه» را مکتب واقعی و اصیل اسلام دانسته، آن را همان دین نازل شده بر پیامبر می‌دانند، نه صرفا یك جنبش سیاسی.

و فاسد اموی می دانند که در این باره، می توان به نوشته های آیهٔ اللّه محمّد حسین نجفی، سید علی شرف الدین موسوی (مثالی عزاداری، اصول عزاداری) ماه‌نامه المنتظر و آثار علمای دیگر پاکستان مراجعه نمود. البته چیزی‌که در اندیشه این گروه مهم بوده و سعی نموده آن را به توده ها و موالی‌ها تفهیم نماید، تکیه بر ابعاد سیاسی و اجتماعی نهضت عاشورا در کنار ابعاد عبادی و دینی آن است تا آن را از حالت عبادی محض، که فاقد پیام و پویایی باشد، درآورد و به آن پویایی و تحرّک بخشد.]

##PAGE=146##

۱۹- عزاداری یک رسم است که گاهی واجب و گاهی مستحب خواهد بود.

۲۰- نبوّت و امامت مقام اکتسابی است که هر مسلمان با گذر از مقام عبودیت، می تواند به مقام رسالت فایز گردد.[۴۵۹]

در این فهرست، بخش اعظم عقاید گروه های فکری شیعیان منعکس شده و در تکمیل آن، می توان به موارد دیگری نیز، که در نظام فکری شیعیان پاکستان دارای اهمیت است، اشاره نمود:

۱. شفاعت: اعتقاد به شفاعت پیامبر، ائمّه اطهار، اولیا و امام زادگان علیهم السّلام در میان شیعیان پاکستان بسیار رایج است. شیعیان معتقدند، محبت اهل بیت علیهم السّلام و قبولی ولایت حضرت علی علیه السّلام بهشت را برای آنان تضمین می‌کند؛ زیرا حضرت امام علی علیه السّلام کلید بهشت و دوزخ را در اختیار دارد و صاحب حوض کوثر و میزان سنجش اعمال امّت در آخرت است.[۴۶۰]

۲. قضا و قدر: غیب‌باوری و اعتقاد به علل ماورای طبیعی در وقوع حوادث و تحوّلات زندگی، و رده بندی اجتماعی، اقتصادی و شخصیتی افراد بسیار فراگیر است . بیشتر مردم تفاو ت‌های اقتصادی، اجتماعی، صحّت و بیماری را به مقدّرات الهی نسبت داده، کمتر به شکایت و شکوه می پردازند.[۴۶۱] چنین باوری در میان مردم، وجود نظام طبقاتی، پیر- مردی و ملوک الطوایفی را توجیه دینی می‌نماید.

۳. توسّل: توسّل به اسامی مقدّسه چهارده معصوم علیهم السّلام، ا رواح طیّبه آنان، امکنه و اشیای مقدّس (قرآن، ادعیه، علم، نمونک‌های قبور ائمّه اطهار علیهم السّلام، و تصاویر منتسب به پیامبر و ائمّه هدی علیهم السّلام) در زندگی روزانه، به‌ویژه هنگام مواجه شدن

##PAGE=147##

با مشکلات و مصایب، از پدیده های شایع در جامعه شیعیا ن است. بسیاری از افراد برای برآورده شدن حاجات، شفای بیماران و رسیدن به امیال و آرزوهایشان، به یکی از ائمّه معصوم علیهم السّلام یا مکان‌های مقدّس توسّل می‌جویند.

---

[۴۵۹] (1). سید ذو الفقار حسین بخاری، « نگاهی به عقاید حقه صحیح شیعه و عقاید فاسده مقصرین »، ماه‌نامه لسان الصدق، جلد ششم، ش 2،(آوریل2000)، ص 11-13.

[۴۶۰] (2). این عقیده در میان مردم از چنان قوّتی برخوردار است که بسیاری عوام صرف اظهار محبت را برای رستگاری اخروی کافی می‌پندارند.

[۴۶۱] (3). محمّد حسین نجفی دهکو، اصلاح الرسوم، ص294- 295 و 272.

مراسم توسّل به شیوه های گوناگون مانند تشرّف بر سر مزار اولیا و بزرگان دین، برگزاری آیین های دعا، به‌ویژه دعای توسّل و حدیث «کساء» برگزاری مجلس روضه خوانی، مجلس معجزه خوانی حضرت زهرا و حضرت زینب علیهما السّلام و در نهایت، ایجاد ارتباط روحی و ذهنی در ساعت‌ها و لحظه‌های خلوت، انجام می‌پذیرد. اعتقاد راسخ همگان بر این است که در هنگام مواجهه با دشواری ها و مشکلات، باید از ارواح قدسی معصومان و اهل بیت علیهم السّلام کمک طلبید، به‌ویژه توسّل به‌نام و یاد حضرت علی علیه السّلام به‌عنوان حلّال مشکلات رایج‌ترین عقیده در میان شیعیان است. بیشتر مردم پس از توسّل‌ها، برآورده شدن حاجات و رفع معضلات خود را به‌همین نوع توسّل‌ها نسبت می‌دهند.

۴. اعجاز و کرامت: اعتقاد به معجزه و کرامت جزو باورهای عمومی مسلمانان پاکستان، اعم از شیعه و سنّی است . حتی هندوها و پیروان ادیان دیگر نیز در این کشور به معجزه و کرامت اعتقاد دارند . به اعتقاد مردم، دو نوع منبع می توان برای اعجاز برشمرد: منابع محسوس مانند سادات، زیارتگاه‌ها و قبور مشایخ و بزرگان صوفیه؛ منابع غیرمحسوس مانند صفای روح و دل، اخلاص، ارتباطات معنوی و الطاف الهی. از کرامات و اعجازی که بعضا به بزرگان نسبت داده می‌شود عبارت است از : انحراف بخشی از آب رود «مولا» در شهرستان جل مگسی به‌طرف «گنداوه» به کرامت سید ایّوب شاه بخاری،[۴۶۲] شکافته شدن زمین بر روی بی‌بی

##PAGE=148##

پاکدامنان در لاهور،[۴۶۳] سوار شدن پیر شیخ شهین پادشاه، اهل سکّر در سفرها بر ابر،[۴۶۴] آمدن عبّاس علمدار علیه السّلام به یاری سید ثاقب علی شاه (مدفون در سهون) در منازعه او با شاه اسماعیل تالپور حاکم سند،[۴۶۵] شکست دیو توسط سید عنایت حسین شاه در مبارزه بر سر آب در روستای «تریهر»[۴۶۶] از توابع شهرستان لهری.

در مجموع، اعتقاد به کرامت و امور غیرعادی در میان شیعیان و غیرشیعیان پاکستان، چنان گسترده است که پیروان هر گروه برای رهبران و پیشوایا ن مذهبی خود، بخصوص اگر از سادات باشند، انواعی از کرامات برمی شمارند. برخی روحانیان با تمسّک به این امور، بر اعتبار و شخصیت مذهبی خود می افزایند. در موارد زیادی، از جمله در رسانه های عمومی، مشاهده شده که مردم به اشیا، اشکال و رخدادهای اتفاقی به ظاهر غیرمعمولی نسبت معجزه و کرامت داده اند و در موارد متعددی، افراد شیّاد و سودجو با تمسّک به‌این امور، به درآمدهای فراوانی نیز دست یافته‌اند.[۴۶۷]

باورهای مبتنی بر دوستی اهل بیت علیهم السّلام

محبت و گرایش به اهل بیت پیامبر و معصومان علیهم السّلام در میان شیعیان پاکستان بسیار شدید است. به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهم آن، اختلاط پیچیده جمعیت شیعیان با سنّیان و گرم بودن صحنه مناظرات اعتقادی است که غالبا بر محور خلافت و امامت دور می‌زند. اهل بیت‌گرایی در این کشور، گاهی با نوعی

---

[۴۶۲] (1). مصاحبه اختصاصی با یکی از بزرگان گنداوه، اکبر علی شیرازی.

[۴۶۳] (1). ماهنامه لسان الصدق، ج6، ش2،(آوریل2000)، ص14 و 15/ دائرة المعارف تشیّع، ج3، ص548.

[۴۶۴] (2). مصاحبه با غلام سرور سومرو، از شخصیت‌های اجتماعی و فرهنگی سکّر.

[۴۶۵] (3). مصاحبه با یکی از مسئولان« انجمن امامیه سند» در شهر حیدرآباد.

[۴۶۶] (4)..reherT

[۴۶۷] (5). کوثر علی کوثر، تاریخ و ثقافت هزاره، ص65- 67.

##PAGE=149##

افراط و غلو همراه می گردد، به گونه‌ای که جنبه های نظری و عاطفی آن جنبه های عملی را تحت الشعاع قرار داده، موجب تضعیف ابعاد عملی تکالیف اسلامی می گردد. در گذشته، این بینش از سوی رهبران مذهبی صوفی مسلک و مشایخ و اولیا به‌شدت تقویت می‌شد.

اهل بیت‌گرایی در عرصه عمل، نمودهای گوناگونی پیدا می‌کند؛ مانند: گفتن ذکر «یا علی مدد» به جای «سلام» در سند و اطراف سند [۴۶۸] و به‌کار بردن آن پس از جمله «السلام علیکم» در اول نامه ها،[۴۶۹] یا نگاشتن آن بر سر در منازل، مغازه‌ها و برخی جاهای دیگر، شبیه سازی ابنیه و ضریح مزارهای ائمّه اطهار علیهم السّلام و قرار دادن آنها د ر مساجد، حسینیه‌ها و حتی منازل به منظور زیارت و متبرّک شدن به آنها، تصویرسازی و نقاشی خیالی از خانواده پیامبر، به ویژه شخصیت‌های مؤثر در حادثه کربلا، و زیارت این تصاویر، مقدّس دانستن اشیا و علایم منسوب به معصومان علیهم السّلام مانند موی منسوب به حضرت پیامبر در روهری (شمال سند)، قدمگاه مولا علی علیه السّلام در شهر حیدرآباد، نشان پنجه در کوه مردار در کویته، تقدیس ذو الجناح (اسب‌هایی که به یادبود اسب امام حسین علیه السّلام نام‌گذاری و به‌طور ویژه نگه‌داری می‌شود)، گهواره حضرت علی اصغر علیه السّلام، تخت حنای حض رت قاسم علیه السّلام، و علم و پنجه منسوب به حضرت عبّاس علیه السّلام که از قداست و احترام فوق العاده ای در سراسر پاکستان به‌ویژه در سند برخوردار است.

خواندن زیارت‌نامه و سلام نامه حضرت پیامبر صلّی اللّه علیه و اله، امام حسین علیه السّلام، امام رضا علیه السّ لام و حضرت مهدی (عج) پس از نمازهای جماعت و مجالس روضه‌خوانی

##PAGE=150##

نیز از این جمله است . در برخی جاها، خانواده ها به پیروی از زمان اسارت حضرت امام سجّاد علیه السّلام و به زنجیر کشیده شدن آن حضرت، حلقه‌ای از نقره یا فلزات دیگری به‌عنوان دست‌بند به‌دست فرزندانشان می‌اندازند و بدین طریق، فرزندان خود را به عمل و سیره امام متبرّک می‌نمایند.

از دیگر باورهای مبتنی بر دوستی اهل بیت، که در زندگی شیعیان آنجا نفوذ یافته، انواع و اقسام نذورات به نام حضرت فاطمه علیها السّلام، بی‌بی زینب علیها السّلام، حضرت امام حسین علیه السّلام و حضرت عبّاس است (که توضیحات آن بعدا خواهند آمد.)

از دیگر آثار اعتقادی محبت شدید به اهل بیت علیهم السّلام، تکریم فوق العاده سادات در جامعه است . سادات در بیشتر مناطق، به‌عنوان پیر و مرشد تلقّی شده، در مسائل مهم اجتماعی و مذهبی، بر دیگران مقدّ م داشته می شوند. اگر سیدی روی تخت یا صندلی نشسته باشد، دیگران سعی می کنند یک درجه پایین تر از او، مثلا بر روی زمین بنشینند . مردم در بسیاری جاها، دست سادات را می بوسند و نیز غالبا معتقدند : ازدواج غیرسادات با دختران علویه جایز نیست و آن را عملی شنیع و بعضی حرام می شمارند.[۴۷۰] اما شیعیان کویته، مناطق شمالی، پیشاور و بعضی شهرهای بزرگ و طبقه

---

[۴۶۸] (1). سید علی شرف الدین موسوی، اصول عزاداری/ محمّد حسین نجفی دهکو، اصلاح الرسوم، ص398.

[۴۶۹] (2). ماهنامه لسان الصدق، ج ششم، ش2،(آوریل2000)، ص 10. این رسم حتی در میان علمای سند نیز رایج است.

[۴۷۰] (1). ماهنامه دقایق الاسلام، فووریه2004، ص 30.

روشن‌فکر شهری چنین ازدواج‌هایی را کاملا مجاز می‌دانند و روابط خویشاوندی میان سادات و غیرسادات آنها مشاهده می‌شود.

احترام سادات در سند و پنجاب بیش از هر جای دیگر معمول است . دست‌کم در برخی مناطق سند، دیوارهای منازل سادات بلندتر از منازل دیگران ساخته شده، دختران و زنان آنان کمتر اجازه می یابند در بیرون ظاهر شوند و مردم نیز کمتر به طرف خانم‌های سادات خیره می‌شوند. در واقع، اعتقاد عمومی بر این است که سادات از نور آفریده شده و افضل از این مردم هستند. این باور از سوی بعضی

##PAGE=151##

سادات روحانی نیز به شدت تبلیغ و ترویج می گردد. بیشتر اقشار سنتی، مذهبی و طبقه پایین جامعه معتقدند : بسیاری خصوصیات معنوی اهل بیت و ائمّه اطهار علیهم السّلام به سادات امروزی منتقل شده است. به همین دلیل، نوعی قداست، کرامت و برتری را به طور ارثی برای سادات قایلند . اما طبقه روشن فکر جامعه (اعم از مذهبی و غیرمذهبی) به اصل برابری انسان، براساس اصل قرآنی اعتقاد دارند . مردم انتقال بسیاری- اگرنه همه- ویژگی‌های ائمّه اطهار علیهم السّلام به سادات امروزی را باور دارند.

باورهای مذهبی مربوط به خانواده

فرهنگ و رسوم حاکم بر نظام خانواده عمدتا متأثّر از فرهنگ مذهبی است که در مقاطع گوناگون زندگی خانوادگی، دوشادوش سایر آداب و رسوم بومی جریان پیدا می کند. از زمانی که اولین هسته خانواده شکل می گیرد و پیوند مرد با زن آغاز می شود، آداب و رسوم مذهبی نیز با آن همراه می گردد. اقدام برای خواستگاری معمولا با استناد به تفأّل و استخاره قرآن آغاز می‌شود و مراسم آن با دعای روحانی محل به پایان می‌رسد. در مراسم عقد، خواندن حدیث «کساء» پیش از اجرای صیغه عقد در برخی ایالات (سند و قسمت‌هایی از پنجاب) مرسوم است و پس از آن، روحانی حاضر در مجلس عقد، برای استحکام دوستی و آرزوی نیکی و خوش بختی عروس و داماد، دعا می کند که دیگران «آمین» می‌گویند. در روز عروسی، دست کم در مناطق شمالی کشور، داماد را با ذکر صلوات در هنگام خروج از منزل، بدرقه می‌کنند.[۴۷۱] در هنگام «رخصت»، داماد و عروس را از زیر قرآن

##PAGE=152##

عبور می‌دهند.[۴۷۲] همچنین سعی می گردد مراسم عروسی، عقد و خواستگاری در روزهای مبارک و ساعات نیک، که در تقویم نجومی آمده است، برگزار شود . در مراسم «آینه مصف» (مراسمی که در شب عروسی و زفاف، داماد و عروس چهره یکدیگر را در آینه نگاه می‌کنند)، داماد و عروس آیاتی از قرآن کریم و یا سوره اخلاص را قرائت می‌کنند.[۴۷۳]

---

[۴۷۱] (1). محمّد نذیر، بلتستان ادب و ثقافت، ص228.

[۴۷۲] (1). شاهد حسین رزّاقی، پاکستانی مسلمانون کی رسوم و رواج، ص97.

[۴۷۳] (2). همان.

پس از تشکیل خانواده و تولّد نوزاد، اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ نوزاد خوانده می‌شود. آنگاه رسم «دهن شیرین کردن» نوزاد فرامی رسد که معمولا این کار با آب قند شیرین انجام می شود و در برخی جاها، اندکی از تربت کربلا نیز به نوزاد داده می‌شود تا به‌نام و آثار شهید کربلا متبرّک شود.

در نام‌گذاری، از نام‌های اسلامی استفاده می‌شود. باتوجه به ترکیبی بودن نام‌ها در پاکستان، اکثریت قاطع نام‌های ترکیبی شیعیان مشتمل بر نام یکی از معصومان علیهم السّلام است؛ مانند : محمّد رضا، ساجد رضا، غلام رضا، عابد رضا، کامران رضا، غلام حیدر، ذاکر حسین، وجیه الحسین، شبیه الحسین، منوّر حسین، وجاهت حسین، قمر عبّاس، شوکت عبّاس، توقیر عبّاس، نصرت عبّاس و مانند آن . در میان اسامی زنان نیز نام های اسلامی مانند زینب، فاطمه، لیلا، زهرا، کوثر، سکینه، خدیجه، طاهره و مانند آن چشمگیرتر است.

برخی خانواده‌ها نسخه‌ای از قرآن کوچک به‌عنوان تبرّک در قسمت بالای سر نوزاد می‌گذارند و آن را سبب دفع خطرات و ارواح ضرررسان می‌دانند.

غالبا در روز هفتم یا چهلم تولّد نوزاد، مراسم «عقیقه» و «موتراشی» انجام می‌شود و در دوران نوزادی و کودکی، مراسم «ختنه» صورت می‌گیرد. در چهار

##PAGE=153##

سال و چهارماهگی، رسم «بسم اللّه‌خوانی» در برخی مناطق رایج است که در آن، طی مراسمی خاص و معمولا توسط یک روحانی «بسم اللّه الرحمن الرحیم» و «الف- ب- ج- د» به‌عنوان آغاز فصل تعلیم و آموزش، به کودک آموخته می‌شود.[۴۷۴]

بسیاری از آداب معاشرت در جمع خانواده و بیرون از آن برگرفته از آموزه های دینی است؛ چنان که در میان خانواده، اعضای کوچک‌تر به بزرگ‌تر سلام می‌کنند. بزرگ‌ترها از احترام و منزلت خاصی در میان اعضای خانواده برخوردارند، و تا آخر عمر، به‌صورت مشترک با فرزندان خود به‌سر می‌برند.

روابط مرد و زن در محدوده اقارب و بستگان نزدیک و محارم معمولا به شیوه مستقیم، و در غیر آن، به شیوه غیرمستقیم است. تفکیک مردان از زنان در مهمانی ها، رفت‌وآمدها و نشست ها کاملا رعایت می شود. محل مهمانان مرد از مهمانان زن جداست و زنان در روستاها کمتر در انظار مردان ظاهر می‌شوند.

همچنین «حجاب» به‌عنوان یک سنّت دینی و بومی غالبا مورد توجه است و از سوی خانواده‌ها رعایت می‌شود.

در بسیاری از مناطق پاکستان، در مهمانی ها «دعای سفره» (پس از غذا) رایج است و این دعا گاهی با خواندن سوره حمد و توحید، که ثواب آن به ارواح اموات مؤمنان و اموات صاحب منزل هدیه می شود، به‌پایان می‌رسد.[۴۷۵]

---

[۴۷۴] (1). همان، ص38، 62، 67/ شهین دخت کامران مقدّم، نگاهی به پاکستان، ص16.

[۴۷۵] (2). نگارنده از نزدیك شاهد رسم دعای بعد از غذا در سند، بلوچستان، سرحد و میان بلوچها در خارج از بلتستان بوده است.

اما وضعیت در شهرها قدری تفاوت می کند. دست‌کم بخشی از خانواده‌ها در شهرها تحت تأثیر فرهنگ غربی قرار گرفته و حجاب و بعضی ارزش های اسلامی دیگر را جزو رسوم قدیمی و کهنه و مخال ف شئونات زندگی و تمدن جدید می‌دانند.

##PAGE=154##

باورهای مذهبی مربوط به مرگ

باتوجه به‌این اعتقاد اسلامی که مرگ سرآغاز مرحله جدیدی از زندگی در جهان دیگر است و روح آدمی فناپذیر نیست، یک مسلمان مؤمن همیشه ارتباط ذهنی خود با بستگان از دست رفته‌اش را به‌نحوی حفظ می‌کند. این ارتباط معمولا در هر جامعه ای به شکلی تجلّی پیدا می کند. در جامعه شیعیان پاکستان، مانند بیشتر جوامع اسلامی، این ارتباط بیشتر به‌صورت انجام اعمال و آیین‌های دینی خاص برای مردگان ظهور می‌کند. از لحظه‌های آغاز سفر مرگ، بستگان محتضر برای تسهیل در امر جان دادن او، به خواندن قرآن و ادعیه در کنار بسترش می پردازند و کلمه «توحید» و استغفار و توبه بر زبان او جاری می‌کنند.[۴۷۶]

پس از بیرون رفتن روح از بدن میّت، آداب تدفین، تکفین، نماز جنازه و تشییع براساس دستورات اسلامی انجام می شود. شیعیان پاکستان عقیده دارند:

دفن میت در جوار صالحان سبب شفاعت از میّت می گردد. به همین دلیل، گاهی پیش از دفن، جنازه را به طواف قبور و مزار اولیا می‌برند و گاهی در جوار امام‌زاده یا بزرگی به‌خاک می‌سپارند.[۴۷۷] حتی برخی افراد به بازماندگان خود وصیت می‌کنند تا جسدشان را به کربلا یا مشهد مقدّس در ایران منتقل کنند.[۴۷۸]

از جمله آیین های مربوط به مرگ، برگزاری مراسم «فاتحه‌خوانی» و «قل خوانی» است. این مراسم دست‌کم سه روز به‌طور رسمی دایر می گردد. در مراسم فاتحه‌خوانی، آشنایان و اهل محل و روستا برای عرض تسلیت، خواندن فاتحه و قرآن حضور به‌هم می‌رسانند و در روز سوم رسم «قل‌خوانی» انجام می‌پذیرد که

##PAGE=155##

در آن طلاب و روحانیان به- ترتیب- به خواندن قرآن با صدای بلند به صورت ترتیل و تجوید (نه صوت و لحن) می‌پردازند. در ایّام فاتحه، خیرات و اطعام، که در اصطلاح محلّی به‌آن «نذر» و «نیاز» گفته می‌شود، نیز صورت می گیرد.

مراسم فاتحه در هفتم، چهلم، سالگرد و برخی شب های جمعه نیز برگزار می شود. صاحبان عزا در روز «قل‌خوانی»، جامه‌ها و پارچه‌ها و ظروف مملو از میوه و خوردنی ها را در جلوی روحانی مجلس می‌نهند تا با خواندن آیات و ادعیه، آن را متبرّک نماید و سپس در میان حاضران، اهل منزل و مردم تقسیم کند.[۴۷۹] همچنین تقسیم نذورات بر سر مزار میّت

---

[۴۷۶] (1). شاهد حسین رزّاقی، پاکستانی مسلمانون کی رسوم و رواج، ص173.

[۴۷۷] (2). همان، ص174/ محمّد حسین نجفی دهکو، اصلاح الرسوم، ص258.

[۴۷۸] (3). این رسم و عقیده در میان حاکمان شیعه مذهب شبه قاره مانند تالپورها و دیگران سابقه ای طولانی دارد و در این اواخر، جنازه فرماندار شیعه مذه ب ایالت بلوچستان(مرحوم ژنرال موسی خان) نیز بر اساس وصیّت او، به مشهد رضوی منتقل شد.

[۴۷۹] (1). محمّد حسین نجفی دهکو، اصلاح الرسوم، ص277.

و زیارت قبور اموات از دیگر برنامه‌های مردم است. براساس آموزه‌های دینی، باور عمومی بر این است که روح میّت از ثواب نذر و نیاز بهره‌مند می‌شود و از بازماندگان خویش راضی می‌گردد. حتی برخی معتقدند: ارواح مردگان در صورت فراموشی بازماندگان، ممکن است آسیب‌هایی به‌آنها وارد کنند. به همین دلیل، می‌کوشند با تقدیم هدایا و نذوراتی به نام آنها و رفتن بر سر مزارشان، آنان را از خود راضی نگه دارند. یکی از سنّت‌های پسندیده دیگر، قرائت فاتحه برای اموات در هنگام عبور از جوار قبرستان‌هاست.

در میان بعضی اقوام و مناطق، ایّام و زمان های خاصی برای یادبود اموات وجود دارد؛ مانند «شب برات» (شب پانزدهم شعبان) در پنجاب [۴۸۰] و آخرین شب‌های متصل به عید فطر و قربان در نزد هزاره های کویته که به «عید مرده» معروف است.[۴۸۱] در این شب‌ها، غذاهایی پخته می‌شود و به‌عنوان نذر در میان اهل محل تقسیم می گردد و یا همان گونه که در میان هزاره‌های کویته مرسوم است، اهل محل و بستگان را به خانه‌ها دعوت می‌کنند و از آنان پذیرایی می‌نمایند. شیعیان کویته، پنجاب، سند، سرحد و کشمیر در صبح روز عید فطر و

##PAGE=156##

قربان و عصرهای جمعه نیز بر سر مزار اهل قبور می روند.[۴۸۲] تجلیل از مردگان و نثار فاتحه برای شادی ارواح آنان، گاهی از طریق درخواست شفاهی از خطیب و ذاکر (روضه‌خوان) در اول و آخر مجالس عزاداری نیز انجام می گیرد. چنین درخواست‌هایی چنان شا یع است که به صورت یک فرهنگ درآمده و نمونه آن در کشورهای دیگر کمتر دیده می‌شود. در بسیاری موارد، سخنران و خطیب پیش از آغاز خطابه، به عنوان تجلیل و تشویق از افراد خیّر، برای شادی ارواح اموات آنان، طلب قرائت فاتحه می کند که گاهی این عمل به خاطر تعدّد و کثرت ا فراد خیّر و یا ملتمس فاتحه به‌درازا می‌کشد.

توهّم‌پرستی و خرافات

توهّم‌پرستی و خرافات در میان تمام جوامع دینی کم وبیش وجود دارد. جامعه پاکستان، اعم از مسلمانان شیعه و سنّی و حتی غیرمسلمانان آن از این امر مستثنا نیست . در میان شیعیان، اعتقاد به شگون و نیک‌وبد تصور کردن برخی چیزها وجود دارد؛ مانند شگون بد زدن به غذاهایی که در جشن خواستگاری و نامزدی با چاقو و کارد بریده شده باشد .[۴۸۳] بدشگون دانستن صدای کلاغ هنگام عزیمت به مسافرت، عیادت از مریض در چهارشنبه، عقد خواندن بین عید فطر و قربان،[۴۸۴] و ورود زنان جنین سقط کرده بر زن تازه وضع حمل کرده.[۴۸۵]

در برخی جاها رسم است که کارد زیر سر نوزاد می گذارند تا او را از خطرات محفوظ دارند و یا در هنگام ختنه، مادر کودک قطعه‌ای از آسیاب دستی را روی سر خود گرفته، می‌ایستد و یکی از بستگان روی آن آب می‌ریزد یا قرآن روی

---

[۴۸۰] (2). همان، ص265 و 278.

[۴۸۱] (3). کوثر علی کوثر، تاریخ و ثقافت هزاره، ص105.

[۴۸۲] (1). همان، ص66 و 105 و نیز سخنان اهل محلی از پنجاب.

[۴۸۳] (2). شاهد حسین رزاقی، پاکستانی مسلمانون کی رسوم و رواج، ص100.

[۴۸۴] (3). محمّد حسین نجفی دهکو، اصلاح الرسوم، ص64- 65. این حساب در بین شیعیان کویته بسیار جدّی گرفته می‌شود.

[۴۸۵] (4). همان، ص242- 243.

##PAGE=157##

سر می‌گیرد و یا پدر بچه داخل ظرف آب ایستاده، قرآن بر سر می گیرد. این اعمال را برای محفوظ ماندن بچه از نظر بد یا حادثه انجام می دهند.[۴۸۶] اعتقاد به نجوم، جادو، طالع بینی، پیش‌گویی‌های منجّمان و بخت و سرنوشت در میان تمام فرقه‌های مذهبی پاکستان شایع است . در شهرها، مراکز طالع‌بینی، فال‌گیری، تعویذنویسی و جادو باطل کنی فراوان دیده می‌شود و تبلیغات آن در رسانه‌ها کاملا آزاد است.

بیماری «تشنّج» در میان مردم، به‌ویژه عوام، به بیماری «جن‌زدگی» معروف است. بستگان بیمار پیش از اینکه در چنین مواردی به پزشک مراجعه کنند، به فال‌گیران، جن بیرون‌کنندگان و تعویذنویسان مراجعه می‌نمایند.[۴۸۷]

اعتقاد به «زیارت‌های جعلی» یکی دیگر از باورهای عمومی مردم است و زنان نسبت به مردان، اعتقاد بیشتری به‌این امر دارند. در بسیاری از جاها مزارهای ساختگی از اشیای مختلف مانند یک قطعه سنگ نقش‌دار، یک قبر مرده، یک تصویر منسوب به‌یکی از معصومان یا بزرگان دیگر و مانند آن درست شده و افراد دین‌دار ساده‌لوح به‌زیارت و تکریم و تقدیس آنها مراجعه می‌کنند.

یکی از خرافاتی که در میان خانواده‌های سادات بعضی مناطق سند رسوخ کرده، رسم ازدواج با قرآن است. اعتقاد به‌عدم جواز ازدواج های برون قومی و قبیله ای موجب می گردد برخی دختران از دست یابی به شوهر محروم بمانند . در این صورت، آنان طی یک تشریفات نمادین، قرآن را به عنوان همسر برگزیده، زندگی مجرّدی را پیشه خود می سازند. در این صورت، اگر بعدا دختر خواستگاری نیز بیابد حق جدا شدن از قرآن و ازدواج کردن ندارد.[۴۸۸]

##PAGE=158##

مناسک و آیین‌های مذهبی

آیین‌های مذهبی مرسوم در میان شیعیان پاکستان به چند بخش قابل دسته بندی است : آیین‌های شادمانه، آیین های غمگینانه، آیین‌های نیایش و آیین‌های نذری.

الف. آیین‌های شادمانه

آیین‌های شادمانه مذهبی آیین‌هایی است که تحت عنوان «اعیاد مذهبی» یاد می‌شود. شیعیان پاکستانی نسبت به‌این اعیاد اهتمام ویژه‌ای دارند:

۱. عید فطر و عید قربان: این دو عید بزرگ‌ترین اعیاد مذهبی تمام مسلمانان پاکستان از جمله شیعیان به‌شمار می‌آید. در این دو عید، دست‌کم سه روز تعطیل رسمی اعلام می گردد. مردم با پوشیدن لباس های نو، حنا بستن دستان، خرید انواع شیرینی و تنقّلات، برگزاری «میله» (نمایش)، ایجاد بازارچه های مخصوص و تزیین منازل و محلّه ها به استقبال آنها می‌روند.

---

[۴۸۶] (1). شاهد حسین رزاقی، پاکستانی مسلمانون‌کی رسوم و رواج، ص43 و 49.

[۴۸۷] (2). حسین یوسف‌آبادی، تاریخ بلتستان، ص350/ کوثر علی کوثر، تاریخ و ثقافت هزاره، ص112-113.

[۴۸۸] (3). محمّد حسین نجفی دهکو، اصلاح الرسوم، ص209.

کوچک‌ترها برای عید مبارکی نزد بزرگ‌ترها می‌روند و از آنان عیدی دریافت می‌کنند. بستگان، اقارب و اهل محلّه و ده به‌دیدار هم می‌شتابند و در ظهر و شب، با غذاهای رنگارنگ از همدیگر پذیرایی می کنند. همچنین در عید فطر و قربان، اعطای زکات فطره از واجبات و انجام عمل قربانی از سنّت های اکید به شمار می آید. از برنامه‌های تفریحی دیگر، در عید، «تخم‌مرغ جنگی» است که تخم‌مرغ‌های آب‌پز شده را به همدیگر می زنند و تخم‌مرغ هرکه شکست، بازنده اعلام می‌شود.

۲. عید غدیر: روز هجدهم ذی حجه به مناسبت تعیین ولایت حضرت علی علیه السّلام به دست پیامبر صلّی اللّه علیه و اله در «غدیر خم»، مهم‌ترین روز در مکتب شیعه محسوب می‌شود که شیعیان پاکستان نیز آن را به گرمی پاس می‌دارند. در این روز، در تمام شهرها

##PAGE=159##

و شهرک‌ها، مراسم جشن، سخنرانی، شعر و قوّالی برگزار می شود و مساجد، مدارس و حسینیه ها چراغانی می‌گردد. در برخی جاها، به یادبود منبری که در «غدیر خم» ساخته شد و حضرت پیامبر برای ایراد خطبه و اعلام خبر مهم جانشینی امام علی علیه السّلام بر روی آن قرار گرفت، منبر و سایه‌بانی ساخته می‌شود.[۴۸۹]

۳. جشن ولادات: ولادت‌های چهارده معصوم علیهم السّلام، به ویژه ولادت پیامبر گرامی صلّی اللّه علیه و اله، حضرت امام علی علیه السّلام و حضرت مهدی علیه السّلام به صورت بسیار باشکوه برگزار می شود. در این مراسم و جشن ها، علاوه بر گرامیداشت یادبود با برگزاری سخنرانی، شعرخوانی و مدّاحی، برخی نذورات و مراسم اجتماعی و فرهنگی دیگر مانند برگزاری مراسم عقد و عروسی، افتتاح مسا جد، مدارس یا مراکز فرهنگی و تجلیل از برخی گذشتگان و شخصیت‌ها نیز انجام می‌گیرد.

۴. عید شجاع: در روز نهم ربیع الاول به مناسبت مرگ عمر سعد یا فرد دیگری احتمالا به همین نام، مراسم خوشی برپا می‌شود و برخی تفریحات جزئی و محلّی در آن به‌نمایش درمی‌آید.[۴۹۰]

۵. عید شب برات: مسلمانان پاکستان (شیعه و سنّی) در شب پانزدهم ماه شعبان، که از نظر فضیلت به منزله «شب قدر» شمرده می شود، جشن و شادی برپا می کنند. در این شب، بعضی نذر حلوا تقسیم می کنند. جوانان و نوجوانان به آتش‌بازی و ترقه بازی می‌پردازند. در بعضی جاها مردم در هنگا م سحر، «عریضه» و نامه‌های خود را، که حاجات و خواسته‌هایشان بر آن نوشته شده، در رودها و جوی‌ها می‌اندازند.[۴۹۱]

##PAGE=160##

۶. عید نوروز: عید نوروز هرچند یک عید اسلامی و مذهبی شمرده نمی شود، اما به خاطر ذکر آن در برخی روایات و کتب مذهبی، رنگ و لعاب دینی به خود گرفته است. این عید در جامعه پاکستان و میان شیعیان، رونق زیادی ندارد و

---

[۴۸۹] (1). سید محمّد جعفر الزمان، مصباح شیعیت، ص465.

[۴۹۰] (2). همان، ص465-466.

[۴۹۱] (3). محمّد حسین نجفی دهکو، اصلاح الرسوم، ص 327-328/ کوثر علی کوثر، تاریخ و ثقافت هزاره، ص 101-102/ ماه‌نامه المنتظر، دسامبر 1997، ج 37، ش 12، ص 12.

فراگیر نیست، اما در برخی مناطق شیعه‌نشین مانند مناطق شمالی، کویته[۴۹۲] و ایالت سرحد برگزار می‌شود. شیعیان مناطق مذکور در روز اول ماه بهار (نوروز) لباس‌های نو بر تن می‌کنند و شادمانی و خوشی در آن روز را منشأ شادی در طول سال می پندارند. عید نوروز در مناطق شمالی با برگزاری نمایش و مسابقات «پولو»، تیراندازی، تخم مرغ جنگی و بازی‌های دیگر، و نیز رفتن به منزل بستگان برای مبارک بادی و حنا بستن دستان از رونق بیشتری برخوردار است .[۴۹۳] در کویته، رسم «سیزده بدر» نیز در گذشته وجود داشت که به دلیل مبارزه برخی سازمان های محلّی «تنظیم نسل نو هزاره» با آن اکنون متروک شده است. در پاراچنار و هنگو، نوروز تعطیل محلّی است و مردم به‌زیارت اهل قبور می‌روند و لباس نو می‌پوشند.[۴۹۴]

۷. عرس: «عرس»، که عبارت از جشن یادبود مشایخ و بزرگان صوفیه (اولیا) است، در واقع، مراسم ویژه سنّی‌ها به‌شمار می‌رود، اما به‌خاطر برخی اشتراکات و تشابهات فرهنگی میان سنّیان و شیعیان، این رسم به تدریج، به برخی مناطق شیعه نیز سرایت کرده است . در بسیاری موارد، این مراسم از طرف اداره اوقاف و امور مذهبی پ اکستان برگزار می شود. به همین دلیل، شیعه و سنّی مشترکا در آن شرکت می جویند. در میان شیعیان، دست‌کم عرس‌های قطب علی شاه در حیدر آباد، شاه عبد اللطیف بتایی (بتایی) در بت شاه از شهرستان متیاری (۱۴ صفر)، شاه جیونه[۴۹۵] بخاری در جنگ (۱۰ می)، شاه شمس سبزواری در ملتان، عبد اللّه

##PAGE=161##

۴۹۶

##PAGE=161##

غازی در کراچی (۲۰ و ۲۱ ذی حجه)، سید عبد اللطیف بری امام در راولپندی، عثمان مروندی معروف به «لعل شهباز قلندر» در شهر سهون شریف (۱۵ شعبان) برگزار می‌شود. «عرس» ها معمولا با برنامه رقص، طبل و موسیقی همراه است و مردان و زنان به‌صورت مختلط در آنها شرکت می جویند و در آنها آداب اسلامی هرگز رعایت نمی شود.[۴۹۷] اما بعضی از شیعیان در سال‌های اخیر سعی کرده‌اند مراسم عرس را با انجام مداحی و روضه‌خوانی مذهبی‌تر نمایند.

۸. جشن مباهله: این جشن به تجلیل از پیروزی پیامبر و چهار تن از اعضای خانواده آن حضرت در مبارزه با مسیحیان نجران برگزار می‌شود و با برگزاری مجالس و پخش شیرینی به‌پایان می‌رسد.

---

[۴۹۲] (1). کوثر علی کوثر، تاریخ و ثقافت هزاره، ص100-101.

[۴۹۳] (2). محمّد یوسف حسین‌آبادی، تاریخ بلتستان، ص346.

[۴۹۴] (3). مصاحبه با افراد محل.

[۴۹۵] (4).. hanooyiJ hahS

[۴۹۶] عارفی، محمد اکرم، شیعیان پاکستان، 1جلد، شیعه شناسي – قم، چاپ: اول،1385 هـ.ش.

[۴۹۷] (1). نگارنده در عرس بهاء الدین زکریّا ملتانی در پنجم و ششم ماه صفر در ملتان حضور داشت و از نزدیك، شاهد برنامه‌های آن بود. همچنین در برنامه پنجشنبه عصر شاه جیونه در جنگ نیز حضور داشت. همچنین برنامه‌های رقص محلّی زائران را از نزدیك مشاهده کرده است.

جشن‌های مذهبی در سطح مردان و زنان هردو برگزار می شود و معمولا زنان محافل و مراسم جداگانه‌ای برپا می‌کنند که اداره و اجرای آن در دست خود آنهاست.

ب. آیین‌های غمگینانه

آئین‌های عزاداری غیر از مراسم فاتحه، که برای اموات گرفته می شود، معمولا متعلّق به شهادت ائمّه اطهار علیهم السّلام و حوادث مرتبط با چهارده معصوم و خانواده آنان است. مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱. عزاداری ایّام محرّم : عزاداری ایّام محرّم مهم ترین و بزرگ ترین مراسم مذهبی شیعیان پاکستان محسوب می شود. شیعیان به‌طور عموم، نهایت تجلیل از محرّم را به‌عمل می‌آورند و با شور و اشتیاق فوق العاده‌ای آن را برگزار می‌کنند.

##PAGE=162##

عزاداری محرّم در میان شیعیان پاکستان، از چهار رکن اصلی تشکیل گردیده است : سوزخوانی، سلام، خطابه و سینه‌زنی.[۴۹۸]

فرهنگ عزاداری در ایالات چهارگانه، مناطق شمالی و کشمیر باهم تفاوت‌هایی دارد. در کویته، مرکز ایالت بلوچستان، از ۲۷ ذی حجه مراسم عزاداری شروع می گردد و در سیزدهم محرّم به پایان می‌رسد. در اینجا، «سوز خوانی» و «سلام» مرسوم نیست. در مجالس، تنها به سخنرانی و روضه، که به وسیله روحانیان ایراد می شود، و سپس «سینه‌زنی» و نوحه بسنده می‌شود و در پایان، با دعای روحانی و خواندن فاتحه و زیارت‌نامه کوتاه مراسم خاتمه می‌یابد.

از رسوم رایج عزاداری در این شهر، رسم علم بیرون کردن (علم بدر کردن) است.

در این برنامه، افراد و خانواده هایی که نذر دارند، یک پایه علم از «امام باره» (حسینیه) محل، به منزل خود می آورند و چند روز بعد، هیأت سینه زنی آن امام باره، که معمولا از نوجوانان و جوانان تشکیل می شود، سینه‌زنان و نوحه‌کنان به خانه او مراجعه می‌کنند و علم را دوباره به امام باره باز می گردانند. صاحب‌خانه‌ای که علم از آن بیرون برده می شود، با شیر برنج، بریانی[۴۹۹] و یا شیر چای از هیأت سینه‌زن پذیرایی می‌کند.

در ایالت سرحد، مراسم عزا با قرائت فاتحه ای نثار ارواح شهدای کربلا آغاز می شود و پس ا ز آن، نوحه خوانی و سینه‌زنی انجام می گیرد که در اصطلاح محلی، به آن نوحه «گفتار» گفته می‌شود. آنگاه مرثیه‌خوانی شروع می شود و سپس خطیب روی منبر می رود به ایراد سخن و ذکر مصیبت می پردازد و در پایان نیز دعا می کند.[۵۰۰] در پنجاب و سند، «سوزخوانی» (اشعار حزین که پیش از مرثیه در

##PAGE=163##

---

[۴۹۸] (1). هفته‌نامه توحید، کراچی، ش 5،(27 محرّم- 4 صفر 1425 ق)، ص 2.

[۴۹۹] (2). نوعی غذا که از برنج و گوشت مخلوط شده تهیه می‌شود.

[۵۰۰] (3). مختار علی نیّر آخوندزاده، عزاداری در استان سرحد، ص39.

مصایب امام حسین علیه السّلام خوانده می شود)، «سلام» (اشعاری که متضمّن فضایل ائمّه اطهار علیهم السّلام است) مرثیه، خطابه که به وسیله علما و یا ذاکران و روضه خوانان حرفه ای، که غیر روحانی اند، ایراد می شود و پس از آن سینه‌زنی، دعا و زیارت‌نامه ارکان اصلی برنامه عزاداری را تشکیل می‌دهد.

شیعیان در مناطق شمالی، مجلس را با ذکر سه صلوات آغاز می‌کنند، سپس بر یزید لعن می‌فرستند، آنگاه مرثیه‌خوان به‌پا ایستاده، یک یا دو مرثیه می‌خواند.

پس از اتمام مرثیه، خطیب روی منبر رفته، به سخنرانی و رو ضه می پردازد و در پایان، نوحه خوانی و سینه زنی انجام می‌گیرد.[۵۰۱]

شیعیان بلتستان براساس یک اعتقاد کاملا استثنایی، دوبار در سال مراسم عزاداری محرّم برگزار می کنند: یکی در ماه محرّم و دیگری در ماه «اسد» که دومین ماه تابستان است (از ۲۱ ژوئیه تا اول اوت)؛ زیرا این مردم معتقدند:

محرّم در دومین ماه تابستان اتفاق افتاده است.[۵۰۲] (بعضی علمای پنجاب می‌گویند:

این رسم در سطح محدودتر در پنجاب نیز وجود دارد .) جایگاه خاص عزاداری ایّام عاشورا در فرهنگ دینی شیعیان پاکستان زمینه شکل‌گیری رسوم فراوانی را فراهم کرده است که در جوامع دیگر شیعه کمتر شبیه آن مشاهده می‌شود.

شیعیان این کشور تقریبا تمامی حوادث کربلا را نمادینه کرده، در دهه محرّم به نمایش درمی آورند. مهم‌ترین رسوم عزاداری در اینجا به‌شرح ذیل است:

الف. دسته بیرون شدن: «علم‌کشی» یا «جلوس» یکی از برنامه‌های اصلی ایّام محرّم محسوب می شود. روز پنجم و هفتم محرّم مخصوص جلوس علم حضرت عبّاس علیه السّلام است. اما دسته‌های عزاداری تقریبا در تمام ایّام و شب‌های پس از پنجم محرّم، از امام باره‌ای به‌سمت امام باره دیگر حرکت می‌کنند.

##PAGE=164##

ب. ذو الجناح: اسبی سفیدرنگ (بشتر) یا سرخ‌رنگی را به‌عنوان «ذو الجناح» به خوبی می آرایند و غلاف شمشیر، سپر، تاج و عمامه ای بر دو پهلو و روی زین آن نصب می کنند و آن را همراه «دسته» و «جلوس» می‌گردانند. مردم آن را احترام و زیارت می‌کنند و دستمال، پارچه و پول نقد بر آن می اندازند. «ذو الجناح» حتی در میان سنّی‌ها نیز از احترام برخوردار است . «خانم‌های اهل تسنّن برای تأمین حاجاتشان پول و زیورآلات و از این قبیل، نذر ذو الجناح می‌کنند.»[۵۰۳] در شهرهای بزرگ، که ذو الجناح‌های مخصوصی را به‌نام نگه‌داری می‌کنند، «ذو الجناح» تا زنده است کسی حق سوار شدن بر آن را ندارد و پس از مرگ، آن را با احترام در اصطبل و یا محل مناسب دیگر دفن می‌کند.

---

[۵۰۱] (1). شاهد نقوی، عزاداری، ص474-475.

[۵۰۲] (2). مصاحبه با تعداد زیادی از علما، طلاب و مبلّغان بلتستان در پاکستان و قم

[۵۰۳] (1). قاسم صافی، سفرنامه پاکستان، ص75.

ج. مراسم حنا: این مراسم به یادبود دامادی حضرت قاسم فرزند امام حسن علیه السّلام در هفتم محرّم برگزار می شود. در این مراسم، ظرفی از حنا، که اطراف آن به خوبی تزیین شده است، در داخل س ینی یا «تام جهام» قرار داده می‌شود. سپس با گروهی از نوجوانان، که بر شتران، اسبان و ماشین‌ها سوار شده‌اند، در کوچه و خیابان به گردش درمی‌آیند.[۵۰۴]

د. گهواره: عزاداران گهواره منسوب به حضرت علی اصغر علیه السّلام را در شب ششم محرّم بیرون می برند و در اطراف آن نوحه‌خوانی، سینه‌زنی و عزاداری می‌کنند.

ه. تابوت: تابوت، یادواره تشییع جنازه شهداست . و این مراسم بیشتر در ایّام شهادت حضرت علی علیه السّلام، امام حسن علیه السّلام و امام موسی کاظم علیه السّلام برگزار می‌شود.

و. تعزیه: نمونک ضریح و حرم امام حسین علیه السّلام ر ا «تعزیه» گویند. شیعیان نمونه‌های کوچک و بزرگی به شکل ضریح و حرم حضرت امام حسین علیه السّلام با هنرنمایی خاصی می سازند و در روز و شب عاشورا و سایر ایّام محرّم در میان «جلوس» و دسته حمل می‌کنند این مراسم به‌عنوان اظهار ارادت بیشتر به مقام

##PAGE=165##

امام حسین علیه السّلام و احترام به بارگاه او انجام می گیرد. بعضی تعزیه‌ها به‌اندازه‌ای بزرگ است که تنها با چرخ های ارابه‌دار قابل حرکت است. برادران اهل سنّت نیز در روز عاشورا، با حمل نمونک های بزرگ حرم پیامبر صلّی اللّه علیه و اله و سایر مکان‌های مقدّس، در راه‌پیمایی روز عاشورا شرکت می‌کنند.[۵۰۵]

ز. سبیل: ایستگاه‌های خیریه ای که در ایّام محرّم ایجاد می شود و به عزاداران خدمات رسانی می‌کند «سبیل» خوانده می‌شود. قسمت اصلی و عمده خدمات سبیل ها، تقسیم انواع شربت، غذاهای آماده، میوه و آب میوه، شیر و شیرچای، آب سرد و سایر خوردنی ها و نوشیدنی های مناسب برای مردم، به ویژه عزاداران، است. تعداد سبیل‌ها در روز عاشورا، به‌چند برابر افزایش می یابد، به‌گونه‌ای که تمام شرکت‌کنندگان در مراسم راه پیمایی‌های عظیم روز عاشورا به اندازه کافی از این خدمات رایگان بهره‌مند می‌گردند.[۵۰۶]

۲. شهادت ائمّه اطهار علیهم السّلام : ایام شهادت ائمّه هدی علیهم السّلام از سوی شیعیان پاکستان به گرمی تجلیل می‌شود. در این میان، شهادت حضرت علی علیه السّلام از اهمیت خاصی برخوردار است . در روزها و شب‌های شهادت حضرت علی علیه السّلام، مجالس عزاداری و سینه زنی در امام باره ها و مدارس علمیه دایر می گردد. عزاداران در شب شهادت آن حضرت (۲۱ رمضان)، «جلوس تابوت» بیرون می‌برند و تا صبح از حسینیه‌ای به حسینیه‌ای دیگر می‌روند و به عزاداری و سینه‌زنی می‌پردازند.

۳. یوم انهدام جنّة البقیع: روز هشتم شوال به مناسبت سالروز انهدام قبور ائمّه بقیع علیهم السّلام به دست خاندان حاکم آل سعود در سال ۱۳۴۴ ق، یک روز غم‌انگیز برای شیعیان پاکستان به شمار می‌رود. شیعیان این کشور با برگزاری مراسم و تحریر مقالات در نشریات خود، اعمال آل سعود را محکوم نموده، بر مظلومیت ائمّه بقیع علیهم السّلام سوگواری می‌کنند.

---

[۵۰۴] (2). شاهد نقوی، عزاداری، ص343-344.

[۵۰۵] (1). همان و نیز مشاهدات شخصی.

[۵۰۶] (2). همان و نیز مشاهدات شخصی.

##PAGE=166##

ج. آیین‌های نیایش

برخی مراسم و مناسک مذهبی، جنبه عبادی دارد که به عنوان نیایش، برای کسب تقرّب به درگاه الهی و پاکی روح انجام می‌پذیرد. آیین‌های نیایشی در جامعه مذهبی شیعیان مورد توجه زیادی قرار گرفته است که مهم ترین آنها را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

۱. نماز عیدین: نماز عید فطر و قربان به‌صورتی باشکوه در پاکستان برگزار می‌شود. شیعیان همانند پیروان دیگر مذاهب اسلامی، دارای مصلّاهای مخصوص برای برگزاری این مراسم هستند . مردم پس از پایان نماز، با همدیگر به «عید مبارکی» می‌پردازند و غالبا زکات فطره شان را نیز در همان موقع، به صندوق هایی که در اطراف محل برگزاری نماز مستقر گردیده، می‌پردازند.

انجمن‌های تبلیغی و رفاهی با استفاده از تجمّع مردم، جزوات و برگه های تبلیغی خود را در بین آنان توزیع می کنند و فروشندگان کتب مذهبی با گستردن بساط در جلو یا محوطه عیدگاه ها و محل های برگزاری نماز، قضا را مذهبی تر و فرهنگی‌تر می‌سازند.

۲. نماز جمعه: برپایی نماز جمعه از سنّت های دیرینه شیعیان پاکستان به شمار می‌رود،[۵۰۷] اما گسترش و عمومیت آن به دو سه دهه اخیر برمی گردد. در گذشته، خطبه های نماز جمعه بیشتر به زبان عربی و به صورت سنّتی ایراد می گردید، اما امروز علاوه‌بر گسترش نماز جمعه در تمام شهرهای شیعه‌نشین و قصبات بزرگ، سبک ارائه خطبه‌ها نیز کاملا تغییر کرده و در آنها به‌مسائل عبادی، اجتماعی و سیاسی روز به‌زبان ملّی یا محلّی پرداخته می‌شود.

۳. احیای شب قدر : شیعیان پاکستان مانند سایر مسلمانان و شیعیان جهان، شب های ۱۹، ۲۱ و ۲۳ و بعضا ۲۷ ماه رمضان را به‌نیّت شب «قدر» احیا

##PAGE=167##

می‌گیرند و به‌عبادت و برنامه‌های دینی دیگر سپری می‌کنند. در برخی موارد، به ویژه شب بیست و یکم، غذای سحری نیز در محل احیا به عزاداران اطعام می‌شود.

۴. اعتکاف: شیعیان پاکستان اعتکاف‌های وارد شده در کتب مذهبی را مورد توجه قرار می دهند: یکی در ایّام «بیض» که سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماه رجب است؛ و دیگری دهه آخر ماه رمضان . این اعتکاف‌ها نسبتا با استقبال روبه رو می‌شود. در ایّام اعتکاف، مردان و زنان متدیّن در مکان های جداگانه به اعتکاف می نشینند و از برنامه های تبلیغی و آموزشی، که از طرف روحانیان اجرا می‌شود، بهره می‌جویند.[۵۰۸]

۵. دعای کمیل، ندبه و حدیث کساء: برپایی مراسم دسته‌جمعی دعا در فرهنگ دینی شیعیان، جایگاه خاصی دارد. در این میان، خواندن حدیث «کساء» دارای سابقه‌ای طولانی است و در واقع، سنّت اصلی مراسم دعاخوانی شیعیان شبه قاره،

---

[۵۰۷] (1). امامیه دایریکتری 2001 م، ص 238 و 281.

[۵۰۸] (1). نگارنده یك مورد از این اعتکاف را در رمضان 1425 ق در جامعه« المنتظر» لاهور مشاهده کرد که تقریبا استقبال خوبی از آن شده بود.

همین حدیث «کساء» است. دعای کمیل، ندبه و توسّل بیشتر در دهه‌های اخیر و به‌تبع از ایران، رواج یافته است . دعای کمیل و ندبه– به ترتیب– در شب‌ها و صبح‌های جمعه خوانده می‌شود، در حالی‌که دعای توسّل و حدیث «کساء» در هر زمانی ممکن است خوانده شود.

۶. لاکهو و ختم : «لاکه» به‌معنای عدد صد هزار است، و اشاره است به انجام برنامه دسته جمعی ا ستغفار یا صلوات به‌تعداد خاصی که برای انجام عملی و برآورده شدن حاجتی انجام می شود. نام معروف دیگر آن «ختم» است که گاهی دوازده هزار بار آیه أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ[۵۰۹] را یک گروه ده یا ۱۲ نفره باهم ختم می‌کنند و گاهی ختم «صلوات» به تعداد دوازده هزار یا کمتر و بیشتر می‌گیرند و یا ختم سوره‌ها و ذکرهای دیگر.

##PAGE=168##

۷. نماز جماعت: یکی از سنّت های پسندیده شیعیان پاکستان اهتمام به نماز جماعت است . این سنّت در شهرها به طور گسترده، عملی شده و کمتر مسجد و حسینیه (امامباره) ای را می توان یافت که نماز جماعت در آن برگزار نشود . در بعضی موارد، به ویژه روستاهای بزرگ، که روحانی وجود ندارد، معلمان مدارس، امامت جماعت را برعهده دارند، اما باوجود آن، در بسیاری از دهستان ها و قصبات به خاطر عدم وجود روحانی (عالم) این سنّت به تعطیلی گراییده و در شهرها نیز استقبال مردم از شرکت در نماز جماعت نسبت به برادران اهل سنّت کمتر است . شیعیان پس از پایان نماز جماعت، اندکی در داخل مسجد توقّف می کنند و باهم مصافحه می نمایند و صلوات می فرستند و در بعضی جاها مانند پنجاب و پیشاور (حداقل) در پایان کار، در حال‌ی‌که شکل دایره و یا نیم دایره تشکیل داده اند، به‌دعای مختصر امام «آمین» می‌گویند و پس از خواندن فاتحه (حمد و توحید)، متفرّق می شوند. در بعضی موارد و محل ها، امام جماعت حدیث کوتاهی را هم با توضیحی مختصر برای نمازگزاران بیان می‌کند. گاهی هم دعای فرج حضرت ولی عصر (عج) را همه باهم زمزمه می‌کنند، به‌ویژه در مدارس علمیه.

و. آیین‌های نذری

مناسک و آیین های مذهبی اشکال و درجات گوناگونی دارد . باورمندان یک مذهب باتوجه به ارتباطات درونی با نمادهای مذهبی و همچنین اهمیت و جایگاه یک باور نزد آنان و نیز اهمیت یک خواسته و نیازی که خواهان برآورده شدن آن در پرتو توسّل هستند، کنش های متفاوتی از خود نشان می دهند. برخی از این کنش ها جلوه اقتصادی دارند و این نشانگر گرایش عمیق فرد به‌اعتقادات دینی است و میزان ایثار او را در مسیر باورهای مذهبی به‌نمایش می‌گذارد.

##PAGE=169##

ایثار و اعتقاد عمیق به یک باور دینی بیانگر آن است که فرد برای راضی نگه داشتن موجود یا موجودات مورد تقدیس خود در مذهب، از آمادگی و ظرفیت های زیادی برخوردار است . بنابراین، انجام اعمال نمادین، سطح وفاداری افراد به کیش موردنظرشان را نشان می دهد. در جوامع مذهبی، نمونه‌های بی شماری از این رفتارها را می توان مشاهده کرد و هرگاه ریشه‌های فرهنگی و اعتقادی مذهب در جامعه‌ای عمیق‌تر باشد، کنش‌های ایثارگرایانه نیز افزایش می‌یابد.

---

[۵۰۹] (2). نمل: 62.

در جامعه پاکستان، پیروان اهل بیت علیهم السّلام نماد برجسته کنشگران ایثارگر مذهب اند. آنان گرایش های عمیق مذهبی خویش را نه تنها در شکل آیین های عبادی و مراسم شادمانه و غمگینانه دینی ابراز می دارند، بلکه در سطحی گسترده، به صورت هزینه کردن بخش قابل توجهی از درآمدهای اقتصادی نیز به کار می‌اندازند. انجام نهادینه این عمل دینی به صورت دادن هدایا و نذورات مذهبی جامه عمل می پوشد. از این رو، می توان گفت: برگزاری آیین‌های نذری، بخشی از مناسک مذهبی شیعیان این کشور را تشکیل می دهد. شاید بررسی تمام آیین‌های نذری در این نوشتار نگنجد، اما یادآوری مهم‌ترین آنها جزو اهداف این پژوهش است.

۱. کوندا:[۵۱۰] واژه «کوندا» یک واژه هندی است به معنای «شیرینی نذری».[۵۱۱] شیعیان پاکستان نذری به همین نام در ۲۲ رجب به‌نام حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام تدارک می‌بینند. غذای این نذر (کوندا) با تشریفات خاصی درست شده و باید در درون منزل صرف شود، بدون اینکه حق خروج از آن وجود داشته باشد.

نذرکننده به‌یمن برآورده شدن حاجتش، داستان افسانه‌ای مرد هیزم‌شکن را، که

##PAGE=170##

به گنجی دست یافته بود، برای مهمانان می‌خواند و آنگاه از مهمانان پذیرایی می‌کند.[۵۱۲]

۲. نذر بی‌بی پاکدامنان: این نذر به‌نام حضرت فاطمه علیها السّلام تدارک دیده می‌شود.

در این مراسم، معجزاتی از حضرت فاطمه علیها السّلام برای حاضران بیان می شود و برای برآورده شدن حاجت، به روح مقدّس آن حضرت توسّل جسته می شود. نذر «بی‌بی پاکدامنان» مخصوص خانم‌هاست و مردان اجازه خوردن از آن را ندارند.[۵۱۳]

۳. حاضری پاک: این نذر به‌نام حضرت ابو الفضل علیه السّلام بدون اینکه زمان خاصی داشته باشد، تهیه می شود. شرط اصلی آن این است که از مواد پاک و حلال در ظرف و مکان پاک تهیه شود و غذای تهیه شده معمولا «حلوای سوجی» است.

پیش از خوردن نذر، مختصری عزاداری می کنند و سپس همه عزاداران به اتاقی که نذر در آن تهیه گردیده است، دعوت می‌شوند تا در همان محل، از نذر استفاده کنند؛ زیرا نذر قابل خروج از منزل نیست.[۵۱۴] اعتقاد همگان بر این است که این نذورات نباید زیر دست و پا قرار گیرد و یا باقی‌مانده‌های آن در مکانی آلوده ریخته شود.

۴. نیاز محرّم: در ایّام محرّم، نذرهای زیادی به نام امام حسین علیه السّلام تدارک دیده و به مردم و یا هیأت های عزاداری داده می‌شود. این نذری‌ها یا در مراسم «علم کشی» (بیرون کردن علم) یا به‌صورت مستقل و یا در روز عاشورا

---

[۵۱۰] (1).. adnoQ

[۵۱۱] (2). اردو فیروز اللغات، ص1046.

[۵۱۲] (1). محمّد حسین نجفی دهکو، اصلاح الرسوم، ص283-284.

[۵۱۳] (2). همان، ص285.

[۵۱۴] (3). محمّد جعفر الزمان، مصباح شیعیت، ص465-466.

و بیرون شدن «جلوس» (راه‌پیمایی) توزیع می‌شود. در کویته، نذر عاشورا در تمام امام باره ها تهیه می شود و پس از بازگشت دسته‌های عزاداری از راه پیمایی، در میان مردم و عزاداران تقسیم می شود. در سند و پنجاب، این نذر در میان عزاداران و مردم

##PAGE=171##

محل در ظهر عاشورا و یا ممکن است ساعتی دیگر توزیع شود و مقدار آن در حدّی است که بتواند ده ها هزار نفر شرکت‌کننده را در مراسم بزرگ راه‌پیمایی عاشورا کفایت کند.

۵. چهارشنبه سوری: این نذر بیشتر در میان هزاره های کویته مرسوم بوده و زمان آن آخرین چهارشنبه ماه صفر است . درباره فلسفه این نذر در میان خود مردم نیز دیدگاه واحدی وجود ندارد . برخی آن را نذر حضرت فاطمه علیها السّلام، برخی نذر حضرت زینب علیها السّلام و برخی نیز نذر حضرت پیامبر صلّی اللّه علیه و اله می دانند. در این نذر، بیشتر حلوای سوجی و «دلده» (نوعی غذای بومی که از بلغور گندم درست می شود) تهیه می‌گردد و پس از آن بیشتر برنج، «بریانی» (برنج مخلوط با گوشت) و آب گوشت تهیه می‌شود.[۵۱۵]

۶. نذر حاجت: در بسیاری جاها، فرد یا خانواده ای برای برآورده شدن حاجت و آرزوی خود نذری به عهده می‌گیرد و این نذر را یا پیش از برآورده شدن حاجت و یا پس از آن (بستگی به‌نیّت نذرکننده) تهیه نموده و به‌مردم می‌دهد.

نهادهای مذهبی

افکار، باورها و فعالیت‌های مذهبی معمولا به‌وسیله نهادهای مذهبی ترویج و نهادینه می‌شود. این نهادها، که از تنوّع لازم برخوردارند و هریک ایده ها و آموزه های بخصوصی را ترویج می کنند، دارای ریشه های تاریخی، اجتماعی و مذهبی عمیقی در این کشور هستند . نهادهای مذهبی سامان دهی و جهت دهی باورهای مذهبی را در اختیار دارند و در میان اقشار گوناگون مردم، باتوجه به‌نوع فعالیت و مخاطب خود، به‌قدر لازم نفوذ دارند.

نهادها و مراکز مذهبی که متناسب با نوع فرهنگ دینی غالب بر این

##PAGE=172##

کشور (فرهنگ اسلام طریقتگرا و تصوّفگرا) شکل گرفته و رشد کرده، از مهم ترین شاخص‌های تمایز تشیّع پاکستان از تشیّع دیگر کشورهاست. دست‌کم از قرن ششم ه، زمانی که سید محمّد عثمان، معروف به «لعل شهباز قلندر» (م ۶۵۰ ق)، از مرند آذربایجان یا به‌قولی هرات به سند و ملتان آمد و همزمان با او، شمس الدین سبزواری و سید ع لی همدانی نیز– به ترتیب– از سبزوار و همدان ایران در قرن هفتم و هشتم ه . به پنجاب، کشمیر و مناطق شمالی پاکستان امروز هجرت کردند، تفکر طریقتی و مشایخی در میان شیعیان این سرزمین رخنه کرد . در عصر حاکمان مغولی، با هجوم بابر شاه در ۱۵۲۶ م به دهلی و شکست ابراهیم لودی در «پانی پت»، این تفکر رسمیت یافت و تا مسلّط شدن انگلیسی‌ها در ۱۸۵۸ م ادامه پیدا کرد و باوجود حاکمیت حاکمان شیعه مذهب سلسله «کلوار» (۱۱۳۱ تا ۱۱۹۷ ق) و «تالپورها» (۱۱۹۷–

---

[۵۱۵] (1). کوثر علی کوثر، تاریخ و ثقافت هزاره، ص102.

۱۲۵۹ ق) بر سند و وجود عالمان بزرگی همچون قاضی نور اللّه شوشتری (م ۱۰۱۹ ق)، مولانا سیف اللّه تهتوی[۵۱۶] (م ۱۱۴۲ ق/ ۱۷۳۰ م)، سلطان العلماء سید محمّد صاحب (م ۱۸۶۷ م)، شیخ عبد العلی هروی (م ۱۳۲۰ ق)، مولانا دلدار علی مجتهد عصر (۱۱۶۶– ۱۲۳۵ ق)، و مولانا ابراهیم لاهوری فقیه و محدّث برجسته (قرن یازدهم ه)، به دلیل نیرومندی گرایش‌های صوفیگری، که اولین حاکمان «کلوار»، میان یار محمّد و میان نور محمّد، نیز از آن جمله بودند، همچنین شخصیت بسیار نیرومند شاه عبد اللطیف بتایی (۱۱۰۱– ۱۱۶۵ ق) در مرکز حکومت «کلوار»، اوضاع به نفع جریان اهل طریقت و تضعیف جایگاه اهل شریعت پیش رفته است.

در جریان این تعامل و تضارب فکر ی– فرهنگی، نهادها و مراکز مذهبی چهارگانه ای به تدریج شکل گرفت : نهاد «روحانیت» با مرکزیت مدارس علمیه،

##PAGE=173##

نهاد «ذاکری» با مرکزیت امام بارگاه ها و حسینیه ها، نهاد «موالی و ملنگ ها» با مرکزیت زیارتگاه ها و خانقاه ها و در نهایت، نهاد «پیر– مریدی» با مرکزیت اشراف سادات و مقابر و «دربار» (آستانه) های آنان. در ذیل، به‌بررسی این نهادها می‌پردازیم:

۱. روحانیت

نهاد «روحانیت» در گذر چند قرن اخیر، روند روبه رشدی داشته است و به نظر می‌رسد سرآغاز رشد جهشی آن به دوران حکومت شیعی «اوده»[۵۱۷] (۱۷۲۲– ۱۸۵۶ م)، به‌ویژه تأسیس مدارس علمیه «لکنو» در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی باز می‌گردد.

دومین نقطه عطف تحوّل نهاد روحانیت به دوران پس از سال ۱۹۴۷ م، که پاکستان شکل گرفت، برمی گردد. این سیر صعودی از آغاز دهه ۱۹۸۰ با روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی در ایران و هجو م موج نسل جوان شیعه به آموزش‌های دینی در مدارس ایران و داخل پاکستان به نقطه اوج خود رسید. (با توجه به‌اهمیت این نهاد و مراکز مربوط به‌آن، این نهاد را به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.)

۲. ذاکری

«ذاکر» به کسی گفته می‌شود که مصایب و حوادث نهضت امام حسین علیه السّلام را در قالب «سوز» و «رباعی»، نوحه و یا خطابه برای مردم بیان می کند. احتمالا در گذشته، تفکیکی میان «ذاکر»، «خطیب» و «عالم» به صورت ملموس وجود داشته است، اما امروز واژه «ذاکر» به کسانی گفته می‌شود که فاقد تحصیلات حوزوی و یا

##PAGE=174##

دارای تحصیلات حوزوی اندک است و در ایّام عزاداری به ویژه محرّم به سوز خوانی، سلام، سخنرانی و ذکر فضایل و مصایب می‌پردازد. ویژگی فکری این گروه، عوام‌زدگی، سطحی‌نگری و بدبینی نسبت به علماست.[۵۱۸]

---

[۵۱۶] yvattahT..(1)

[۵۱۷] hadoO..(1)

هرچند «ذاکران» از سازمان دهی قوی برخوردار نیستند، اما فعّال ترین گروه مذه بی را تشکیل می دهند؛ زیرا غالب حسینیه‌ها در اختیار آنان است و آنان در میان توده عوام، از محبوبیت فوق العاده ای برخوردارند. سید علی شرف الدین درباره ویژگی‌های ذاکران می‌گوید:

در میان سخنوران مجالس عزاداری در جامعه ما، به طور شاذ و نادر افرادی یابیده می شوند که قدم در مدارس دینی گذاشته و یا در نزد کدام عالم دینی به شاگردی زانو زده باشند . اکثر حضرات براساس استعداد طبیعی و ذاتی و در اثر تمرین و ریاضت‌های مداوم خود، توانایی سخن گفتن در مجالس را کسب کرده اند. به همین دلیل است که این حضرات نسبت به‌ظرافت‌های طبع شر یعت، اصول عقاید، تفسیر قرآن، فرامین و سیره معصومین ناآگاهند . سرمایه معلومات آنان تنها چند جلد کتاب نوشته شده و یا ترجمه شده به زبان اردو و یا سخنرانی های چاپ شده منبری های معروف می‌باشند.[۵۱۹]

در واقع، جایگاه ذاکران در جامعه به جایگاه «عزاداری» در فرهنگ دینی شیعیان برمی‌گردد. باتوجه به‌اهمیت فوق العاده «عزاداری»، که به مثابه بنیادی ترین عنصر هویّت ساز شیعیان پاکستان و مؤثرترین و همگانی ترین رسانه دین گستری است، ذاکران به مهم‌ترین سامان‌دهندگان افکار و باورهای مذهبی تبدیل گردیده و محبوبیت زیادی در میان مردم کسب کرده‌اند.

##PAGE=175##

پایگاه مستحکم مردمی ذاکران و استقبال گسترده ای که از آنان به عمل می آید، نوعی ایده خودبزرگ بینی در امر دین‌شناسی را به‌آنان القا کرده است، به‌گونه‌ای که مستقل از جریان روحانیت و تفکر اجتهادی تحت زعامت مراجع تقلید، مشی می‌نمایند. این امر هم‌اکنون به یک منازعه آرام، اما همگانی میان علما و ذاکران تبدیل شده است . در حوزه‌های تحت نفوذ ذاکران، مسئله تقلید و پیروی از علما به شدت مورد کم‌توجهی و بلکه مخالفت قرار می گیرد.[۵۲۰] در ۲۸ ژانویه ۲۰۰۴ م همایشی با شرکت ۳۷ تن از علمای بزرگ پنجاب و سرحد در م درسه «سلطان المدارس سرگودا» برگزار شد که هدف آن چاره اندیشی در اصلاح برنامه های تبلیغی ایّام محرّم و «جلوگیری از دخالت بعض اهل منبر در دین » بود.[۵۲۱]

اکثریت قاطع ذاکران (نه خطبا و علما) از اطلاعات مذهبی سطحی برخوردارند و محور سخنرانی های آنان هیچ گاه از محدوده ذکر فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السّلام و مسائل اختلافی شیعه و سنّی فراتر نمی رود. آنان با استفاده از هنر سخنوری و اصول روان‌شناسی، به‌خوبی قادرند احساسات مردم را تحریک و به طرف خود جلب نمایند. این نوع ذاکران و خطبا در گذشته، اکثریت مجالس و منابر را در اخ تیار داشتند، اما در سال های اخیر، این روند به نفع علما تغییر کرده است و اکنون بیش از نیمی از منابر در اختیار علما قرار دارد.

---

[۵۱۸] (1). ماهنامه دقایق الاسلام، مارس2004، ص 28- 29.

[۵۱۹] (2). سید علی شرف الدین موسوی، مثالی عزاداری کیسی منائین، ص68.

[۵۲۰] (1). این نتیجه از مطالعات میدانی در سال1383 در سند و پنجاب به‌دست آمده و علمای بومی نیز آن را تأیید کرده‌اند.

[۵۲۱] (2). ماهنامه دقایق الاسلام، مارس2004، ص 30- 32.

در یک بررسی مشاهده‌ای از ۳۳ مجلس سخنرانی، که در ماه محرّم سال ۱۴۲۵ ق از شهرهای کراچی، حیدرآباد، ملتان و بکّر به‌عمل آمد، نسبت حضور علما و ذاکران در مجالس عزاداری به‌این شرح بوده است:

##PAGE=176##

جدول (۲): نسبت حضور علما و ذاکران در مجالس عزاداری

[تصویر] در این جدول، میزان حضور علما (روحانیان) در منابر بیش از ذاکران نشان داده شده است، اما در مجموع، می‌توان گفت: نهاد ذاکری دست‌کم در ایالت پنجاب و سند، تقریبا دوشادوش نهاد روحانیت پیش رفته است . همچنین در این جدول، نوعی تشابه میان موضوعات سخنرانی علما و ذاکرا ن مشاهده می شود و آن تمرکز بر فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السّلام بوده، که این امر نشان دهنده غلبه فرهنگ و بینش نهاد ذاکری بر سخنرانان است . حجۀ الاسلام مولانا غلام حسین نجفی، نویسنده و استاد حوزه علمیه جامعه «المنتظر» نیز معتقد است : در پنجاب، نفوذ ذاکران و ملنگ‌ها بیشتر از روحانیان است.[۵۲۲]

در پرسش‌نامه‌ای که از چند ناحیه پنجاب و سند در این خصوص تهیه گردید، نتایج ذیل به‌دست آمد:

##PAGE=177##

جدول (۳): میزان توجه به روحانیان و ذاکران در مناطق پنجاب و سند

[تصویر] جمع کل: ۳۳/ محل: ۲۴/ عالم: ۱۷/ ذاکر: ۱۶

##PAGE=178##

توضیح: در بعضی مناطق، از عالم و ذاکر هردو دعوت می شود، و در بعضی مناطق، تنها از یکی از آنان دعوت به عمل می‌آید.

تعدادی از ذاکران معروف:

۱. حافظ تصدّق حسین، لاهور؛

۲. علی ناصر تلهارا،[۵۲۳] گجرانواله[۵۲۴]؛

۳. غلام عبّاس نوتکی، بکّر؛

۴. ناصر توتکی، بکّر؛

---

[۵۲۲] (1). مصاحبه شخصی در تاریخ 5 آذر1382، جامعه« المنتظر»، لاهور، حجة الاسلام غلام حسین نجفی در یکم آوریل2005،/ 21 صفر1426 ق، نزدیك مدرسه خواهران واقع در شهر لاهور به‌دست افراد سپاه صحابه/ لشکر جنگوی بشهادت رسید.

[۵۲۳] (1)..arahlahT

[۵۲۴] (2)..alawnarjuG

۵. سید مزمّل حسین، بکّر؛

۶. سید صابر حسین، بکّر؛

۷. ضرغام عبّاس، جنگ؛

۸. ممتاز چشتی، جنگ؛

۹. سید عارف شاه، جنگ؛

۱۰. علّامه نذر حسین سولنگی؛

۱۱. سید ریاض حسین نقوی، میانوالی؛

۱۲. سید خادم حسین نقوی، میانوالی؛

۱۳. سید ریاض حسین، رتوال[۵۲۵] گجرات؛

۱۴. شجر حسین شجر، رتوال گجرات؛

۱۵. محمّد عبّاس قمی، لاهور؛

۱۶. علی حسین قمی، بکّر؛

۱۷. علّامه ناصر عبّاس؛ ملتان.

##PAGE=179##

۳. تصوّف

پیشینه تصوّف در جامعه شیعیان پاکستان به قرن ششم ه. برمی‌گردد. اولین افراد از صوفیه، که توانستند جایگاهی در میان شیعیان باز کنند و آنان را تحت تأثیر قرار دهند، لعل شهباز قلندر (سید محمّد عثمان، از بنیان‌گذاران طریقه «قلندری» م ۶۵۰ ق)،[۵۲۶] شمس الدین سبزواری / تبریزی (۶۴۵– ۶۵۰ ق) و سید محمّد نوربخش از بزرگان سلسله «کبرویه» و «نوربخشیه» در بلتستان و کشمیر، و شمس الدین عراقی (م ۹۳۲ ق) بودند. در قرن ۱۲ ه، صوفی و شاعر فارسی گوی توانای سندی شاه عبد اللطیف بتایی (۱۱۰۱– ۱۱۶۵ ق) بر رونق تصوّف شیعی بیش از پیش افزود.

---

[۵۲۵] lawtaR..(3)

[۵۲۶] (1). کتاب اسلامی انسائیکلوپیدیا، لعل شهباز را متولّد مروند (هرات افغانستان) ذکر کرده (ص 1300)، اما دکتر میمن عبد المجید سندی در کتاب پاکستان مین صوفیانه تحریکین، او را متولد مرند آذربایجان دانسته است. (ص 326)

طریقه‌های صوفیه هرکدام آموزه خاص خود را دارد . طریقه «قلندری» بیشتر اهل زهد، گوشه نشینی و مستی است و تراشیدن موی سر، ریش و سبیل از دیگر سنّت های آن محسوب می شود.[۵۲۷] شاه عبد اللطیف بتایی، شاعر و عارف نامدار سندی، که منتسب به طریقه «قادری» است، بر خودسازی، وحدت وجود و وحدت انسان ها می اندیشید و از اختلافات مذهبی سخت متنفّر بود. او می‌گفت:

تیری در کمان نهاده و مرا نشانه مگیر که در من تو خودت نشسته‌ای؛ رشود که تیرت به‌خودت اصابت کند.[۵۲۸]

شناخت صحیح گرایش مذهبی صوفیان امری دشوار به نظر می‌رسد. در واقع، پیران طریقت (مشایخ) و صوفیان پاکستان پیش از آنکه شیعه یا سنّی باشند، یک صوفی دارای مکتب خاص خود هستند . علی حسین رضوی، مؤلّف کتاب تاریخ شیعیان علی می‌نویسد:

##PAGE=180##

این صوفیان از لحاظ مسلک، نه سنّی بودند و نه شیعه، بلکه آشنا به رمز نور وحدانیت و جمال اسد اللهیت بودند . اگر بخواهیم این صوفیان را دسته‌بندی کنیم در دو گروه قابل تقسیم می باشند: اول آنانی که قایل به سلسله خلافت بودند، اما در مقابل عظمت علی علیه السّلام و آل پیامبر، در برابر کسی دیگر سر فرود نمی آوردند؛ دوم آنانی که بر عقیده تشیّع اعتقاد داشتند، اما اختلافات درونی دو مذهب را در مقابل غیرمسلمانان یادآور نمی شدند. آنها فقط توحید و نبوّت و مسائل مربوط به‌نبوّت را بیان می‌کردند و در میان خود مسلمانان نیز به‌مسائل اختلافی نپرداخته و عموما فقط از طریقه خود، صحبت کرده و از سیره محمّد و آل محمّد تجاوز نمی‌کردند.[۵۲۹]

اتخاذ منش غیرفرقه گرایانه صوفیان، توجه پیروان دیگر مذاهب را به خود معطوف نموده و باعث شده است تا شیعیان نسبت به‌برخی از آنان گرایش پیدا کنند . این گرایش در پی دو عامل بیشتر تقویت می شد: یکی سادات بودن بزرگان صوفیه که سلسله نسبشان را به امام صادق علیه السّلام و حضرت امام حسین علیه السّلام و سرانجام، امام علی علیه السّلام می‌رساندند. دوم اظهار علاقه و محبت خاص نسبت به حضرت علی علیه السّلام؛ چنان که شمس الدین سبزواری گفته است:[۵۳۰]

در صورت، پیوند جهان بود، علی بود — تا نقش زمین بود و زمان بود، علی بود

هم اول و هم آخر و هم ظاهر و هم باطن — هم عابد و هم معبد و معبود علی بود

مست ولای حیدرم، دم همه دم علی، علی — هردو جهان رو بسرم، دم همه دم علی، علی.

---

[۵۲۷] (2). میمن عبد المجید سندی، پاکستان مین صوفیانه تحریکین، ص321-326.

[۵۲۸] (3). همان، ص196.

[۵۲۹] (1). علی حسین رضوی، تاریخ شیعیان علی، ص641-642.

[۵۳۰] (2). شاهد نقوی، عزاداری، ص33.

##PAGE=181##

شهباز قلندر، عارف و صوفی دیگر، می‌گوید:

از می حبّ شاه سرمستم	بنده مرتضی علی هستم
من به‌غیر از علی ندانستم	علی اللّه از ازل گفتم
حیدریم، قلندرم، مستم	بنده مرتضی علی هستم.

تفکر صوفیگری در اندیشه کلامی شیعه، جایگاهی ندارد و علمای بزرگ شیعه همواره آن را نفی کرده‌اند. احتمالا به‌همین دلیل، در میان شیعیان پاکستان نیز نتوانسته است به میزانی که نزد اهل سنّت، به ویژه بریلوی‌های آن کشور محبوبیت پیدا کرده، جا باز نماید . اما باوجود این، گرایش صوفیگری از نظر شیعیان این کشور، کاملا به دور نمانده است. گروه‌های مدعی این گرایش به‌نام «ملنگ»، «موالی» و «درویش» در بیشتر مناطق شیعه‌نشین به‌چشم می‌خورند.

این گروه‌ها، که بقعه‌ها و «دربار» امامزادگان و بزرگان را محل تجمّع و رفت‌وآمد خود قرار داده‌اند، با ظاهری ژولیده به ذکر «علی علی» و «اللّه هو» پرداخته، ضمن اعتیاد به «چرس»، «بنگ» و تریاک، به‌تکالیف و اعمال دینی بی‌اعتنایند.

حجۀ الاسلام سناتور سید جواد هادی می‌گوید:

صوفی‌گرایی در ایالت سرحد وجود دارد . آنان فقط به گفتن «یا علی مدد » و انجام مراسم عزاداری بسنده نموده و به‌عبادات بها نمی‌دهند؛ دست‌بند می‌بندند و در اثنای عزاداری، به‌وجد آمده و حرکات خاصی از خود بروز می‌دهند.[۵۳۱]

مراکزی که در کنترل درویشان، موالی و ملنگ ها قرار دارد بارگاه امام‌زاده‌ها، آستانه و بقعه بزرگان و برخی خانقاه هایی است که به صورت چهار دیواری تعمیر شده و علمی در وسط آن نصب کرده اند. عده‌ای برای زیارت به این مکان‌ها و مراکز مراجعه می‌کنند. اما در سال‌های اخیر، تعدادی از این مراکز از تحت کنترل

##PAGE=182##

موالی و ملنگ ها خارج شده، به تصرف روحانیان جوانی درآمده است که اندیشه های اصلاحی دارند . تعدادی از این مکان‌ها هم به‌مدرسه علمیه تبدیل شده است؛ مانند مدرسه «ولی عصر علیه السّلام» (تأسیس ۱۹۹۸) در محلّه «نیم کی چاری» شهر سکّر (درگاه مهر شاه)، مدرسه «جوادیه» (امام بارگاه انجمن در بتول) در «لکی غلام شاه » شهرستان شکارپور، مدرسه «دار الحکمه» (درگاه قبلی کمال شاه) در «ببرلو» شهرستان خیرپور میرس، مسجد «امام صادق علیه السّلام» (امام بارگاه علمدار) در «دیره مراد جمالی» (بلوچستان) و مدرسه «دار القرآن و المعارف الاسلامیه » (تأسیس ۱۴۲۳ ق) در «لیّه».

---

[۵۳۱] (1). مصاحبه خصوصی، شهر پیشاور،23 آبان1382.

۴. پیر– مریدی

یکی از نهادهای مذهبی نسبتا مستحکم و ریشه دار در میان شیعیان پاکستان، نهاد «پیر– مریدی» است. هرچند مرحله کامل و علمی‌تر پیر– مریدی، همان تصوّف و طریقت‌گرایی است، اما باتوجه به پایگاه نژادی و قومی خاص آن (پیر)، که برخاسته از میان سادات است و همچنین کم مایه و سطحی بودن آن، به ویژه در میان شیعیان امروز، هرگز شایسته نیست نام «تصوّف» بر آن نهاده شود، بلکه صرفا شیوه ابتدایی جریان رهبر و پیرو در جامعه سنّتی با فرهنگ دینی است . این نهاد متأثر از نهاد تصوّف و مقرّرات آن و تا حدّ زیادی برگرفته از آموزه‌های آن است.

مفاهیم و اصول بنیادی این نهاد «بیعت»، «اطاعت»، «ارادت» و «قناعت» است.[۵۳۲] پیر یا مرشد یادگار پیامبر و نایب امام زمان علیه السّلام تلقّی شده، بیعت با او بیعت با امام زمان علیه السّلام پنداشته می شود.[۵۳۳] در بینش پیر– مریدی، رابطه

##PAGE=183##

«مرشد» با «ارادتمند» (مرید) رابطه‌ای صرفا هدایت‌گرایانه نیست، بلکه رابطه وحدت و یگانگی است که در آن «مرید» یا «ارادتمند» در برابر تضمین شفاعت دنیوی و اخروی، که از ناحیه مرشد دریافت می‌کند،[۵۳۴] تمام اختیارات و حتی نیّت و اراده خود را در اختیار مرشد قرار می دهد.[۵۳۵] در واقع، انگیزه و تلاش نهایی مرید به جانب مرشد (پیر) متمرکز شده، مرشد در جایگاه معبود مرید قرار می‌گیرد.

«پیر» در این نظام، که در جایگاه پیشوایی مذهبی قرار دارد، دستورات دینی صادر می کند و جریان اجتماعی و اعتقادی پیروان خود را جهت می بخشد. از این‌رو، فرهنگ مذهبی و اجتماعی ویژه ای شکل می‌گیرد که زمینه‌ساز شریعت‌گریزی، تقلیدزدایی، روحانیت ستیزی و کاهش روحیه جمع گرایی، رشد فردگرایی و مسئولیت گریزی می گردد. نمونه برجسته چنین باوری را در مورد پیر سید طالب حسین شاه نقوی نجفی، مقیم روستای «جمن شاه» در چند کیلومتری لیّه می‌توان مشاهده کرد. سید طالب حسین شاه نقوی، روحانی ۸۵ ساله، با ایجاد دربار بزرگی به نام «دری پاک»[۵۳۶] بیش از ۲۰۰ مرد و زن را به‌طور شبانه‌روزی برای اظهار ارادت و مریدی به «دری پاک» کشانده و نظام اداره مستقل اقتصادی خودکفا را، که به‌تصور او به‌دور از ناپاکی و حرمت است، در آنجا به‌وجود آورده.

پیر سید طالب حسین شاه و فرزندان مرحومش سید جعفر الزمان و محمّد باقر الزمان مدعی ارتباط مستقیم با امام زمان علیه السّلام بودند و به امید تعجیل در ظهور آن امام، دست از بسیاری کارها کشیده و به دعا کردن برای ظهور حضرت مهدی (عج) مشغول شده‌اند. مشتاقان و مریدان او از شهرهای گوناگون برای شنیدن موعظه هایش، که به خاطر بیماری (سکته) اش با حالت نشسته و خوابیده

##PAGE=184##

---

[۵۳۲] (1). سید محمّد جعفر زمان نقوی، اسرار العبدیات یعنی عملی روحانیات، ص330–344.

[۵۳۳] (2). همان، ص339 و 345.

[۵۳۴] (1). همان، ص337.

[۵۳۵] (2). همان، ص351–352.

[۵۳۶] (3). kaP irraD..

ایراد می گردد، به محل او در «دری پاک» می‌آیند و هر شب نیم تا یک ساعت دور تخت خواب (چارپایی) او حلقه می‌زنند.[۵۳۷]

نظام «پیر- مریدی» کم‌وبیش در تمام مناطق شیعه نشین- غیر از شهرهای بزرگ که نسبت به این امر اعتقاد چندانی ندارند- وجود دارد.

در ایالت سرحد، گروهی «میان مرید» نامیده می‌شوند و به‌شدت به‌این نظام معتقدند. سید انور شاه میان از قبیله «توری» در منطقه تیرا و پاراچنار یکی از پیران بانفوذ آنجا به شمار می‌رود. افراد دیگری هم مانند سید خیار سید میان و سید محمود معلم نیز هستند که در مراتب پایین تری قرار دارند. در سند، پنجاب و بلوچستان نیز می توان گونه‌هایی از این نظام را مشاهده کرد؛ مانند سید طالب حسین شاه در لیّه،[۵۳۸] پیر سید باوا صدا حسین در لاهور، پیر سید علمدار شاه در حسن ابدال شهرستان اتک[۵۳۹]. هرچند نظام «پیر- مریدی» در دهه‌های اخیر، نوعی سیر نزولی پیموده و زمینه های اولیه خود را، به ویژه در شهرهای بزرگ، تا حدّی از دست داده است، اما باوجود این، شبکه های آن را دست کم در سطح شهرستان‌های کوچک و متوسط و روستاها (تقریبا به‌طور غالب) می‌توان مشاهده کرد.

در نظرخواهی، که از ایالات چهارگانه به‌عمل آمد، در هر چهار ایالت، نسبت به وجود نظام «پیر- مریدی» نتیجه مثبت دریافت شد. حداقل مناطق ذیل به عنوان محل فعالیت آن نام برده شده اند: ۱- پاراچنار (پیر سید محمود در روستای زیدان)؛ ۲- تیرا (پیر سید انورشاه)؛ ۳- بنگش؛ ۴- میرپور خاص؛ ۵- سکّر؛ ۶- ملتان؛ ۷- لیّه (سید طالب حسین شاه)؛ ۸- بکّر؛ ۹- جنگ؛ ۱۰- لاهور

##PAGE=185##

(سید باوا صدا حسین)، ۱۱- جیکب‌آباد (سید صادق علی شاه سجّاده نشین درگاه فتح پور)؛ ۱۲- باگ (بلوچستان)؛ ۱۳- اطراف راولپندی؛ ۱۴- داخل بلوچستان؛ ۱۵- بلتستان و گلگت در میان نوربخشی ها؛ ۱۶- دیره اسماعیل خان (پیر بلوت شریف)؛ ۱۷- اتک (پیر سید علمدار شاه در حسن ابدال)؛ ۱۸- میانوالی (پیر سید علمدار شاه).

در گذشته، این نهاد از قدرت و گستره زیادی برخوردار بوده، اما در دهه های اخیر، به‌دلیل رشد سطح آگاهی‌های دینی، کم‌رنگ شدن فرهنگ و ارزش‌های سنّتی، نیرومند شدن نهاد روحانیت، ظهور اندیشه های دینی اصلاحی در منطقه و فعّال شدن ابعاد اجتماعی و سیاسی دین و در نهایت، تغییرات اجتماعی در اثر ظهور طبقات اقتصادی، اداری و فکری جدید، که نقش‌هایی به‌مراتب بهتر و قوی‌تر از نقش رهبران مذهبی سنّتی (مانند پیران) تصاحب کرده‌اند، نظام «پیر- مریدی» رو به‌ضعف و انحلال نهاده است. شواهد حاکی از آن است که رشد و تقویت نهاد روحانیت، به‌ویژه روحانیان نسل جدید، که غالبا دارای تفکر نوگرا هستند، یکی از عوامل مهم تضعیف نهاد «پیر- مریدی» بوده است.

مهم‌ترین اعتقادات و برنامه های پیران عبارت است از : تمرکز بر عزاداری، مخالفت با نظام تقلید و مرجعیت، مخالفت با علما و روحانیت به‌عنوان نهاد رقیب، دعانویسی و تعویذدهی، دریافت اعانه و کمک سالانه از مریدان، انجام برخی امور

---

[۵۳۷] (1). نگارنده برای آگاهی از جزئیات برنامه« پیر دری پاك» علاوه بر جمع‌آوری اطلاعات از روحانیان محل، یك شب را شخصا در آنجا به سر برد و به سخنان پیر گوش داد و نظام زندگی در دری پاك را از نزدیك بررسی کرد.

[۵۳۸] (2). سید طالب حسین شاه سال گذشته فوت کرد.

[۵۳۹] (3).kcottA.

مذهبی مریدان، گاهی نیز مصالحه و میانجیگری میان افرادی که باهم اختلاف و نزاع پیدا می‌کنند، و وعده شفاعت دادن به مریدان در قیامت.[۵۴۰]

چنان‌که اشاره شد، زیارتگاه ها و آستانه امام زادگان مراکز اصلی پیران، صوفیان، ملنگ ها و درویشان به شمار می‌آید. بنابراین، اشاره به‌این مراکز می‌تواند میزان حضور و فعالیت دو گروه «صوفیه» و «پیر- مریدی» را نشان دهد.

##PAGE=186##

جدول (۴): زیارتگاه‌های مهم شیعیان

[تصویر]

##PAGE=187##

[تصویر]

##PAGE=188##

[تصویر]

##PAGE=189##

[تصویر] ۴۵ زیارتگاهی که در اینجا برشمرده شد، به چهار گروه تقسیم می‌شود:

اول. امامزاده: در این جدول، تنها یک مورد را دربر می‌گیرد و آن زیارتگاه عبد اللّه شاه غازی در کراچی است؛ عبد اللّه شاه معروف به «اشتر»، فرزند محمّد نفس زکیّه.

دوم. بزرگان سادات و اولیا: که ۷۱ درصد (۳۲ مورد) را شامل می‌گردد و این نشان‌دهنده جایگاه برجسته مذهبی اولیا، پیران و سادات در اعتقادات مذهبی شیعیان پاکستان است. بیشتر این ۷۱ درصد زیارتگاه دارای متولّی (سجّاده‌نشین و مخدوم) ارثی پیرمنشانه هستند که به‌نحوی رهبری و پیشوایی امور مذهبی پیروان خود را در دست دارند.

##PAGE=190##

سوم. اشیای منتسب به معصومان علیهم السّلام : این دسته از زیارتگاه‌ها هیچ‌گونه پشتوانه تاریخی و دینی معتبر ندارند، بلکه صرفا به خاطر اعتقادات و باورهای عامیانه، که برخی اشیا و اجسام به ظاهر غیرمعمولی را به خاطر عدم شناخت علل آن به معصومان علیهم السّلام نسبت داده اند، شکل گرفته‌اند؛ مانند قدمگاه‌های مولا علی علیه السّلام در حیدرآباد، نوشهر و فیروز، و کویته . وجود این نوع باورها نشان دهنده اختلاط آموزه های دینی با باورها و پندارهای اجتماعی و عدم دست‌رسی جامعه مذهبی به اطلاعات سالم و کافی دینی است. ۱۱ درصد از زیارتگاه‌ها از این نوع هستند.

چهارم. نمونک‌ها و ضریح های شبیه‌سازی شده: «علم»، که نما دی از پرچم پیامبر صلّی اللّه علیه و اله و حضرت علی علیه السّلام و امام حسین علیه السّلام و حضرت عبّاس علیه السّلام شناخته می شود، در تمام مساجد، حسینیه ها و

---

[۵۴۰] (1). نتیجه مصاحبه‌ها و مشاهدات مستقیم از محل.

مکان‌های مقدّس شیعیان به عنوان یک شی ء مقدّس و محترم مطرح و مورد تقدیس قرار می گیرد. اما در کنار آن ، نمونک‌ها و شبیه های حرم و مقابر ائمّه اطهار علیهم السّلام، به ویژه امام حسین، حضرت زینب و حضرت عبّاس علیهم السّلام نیز برای زیارت کردن و متبرّک شدن ساخته می شود که تعداد این نوع زیارتگاه‌ها فراوان است. اما آنچه در سطح عموم، شهرت و اعتبار رسمی کسب نموده، مجموعا ۵/ ۱۵ درصد (۷ زیارتگاه عمده) از جدول (۵) را شامل می‌شود. این نوع زیارتگاه ها معمولا در ایران، عراق و افغانستان وجود ندارد و یا به ندرت مشاهده می شود، اما در پاکستان می‌توان نمونه‌های متعددی از آن را مشاهده کرد که این امر حکایت از اعتقاد و باور شدید شیعیان این کشور به اهل بیت علیهم السّلام دارد، به گونه‌ای که امور و اشیای منتسب به آنان را همانند اصل آن مورد تکریم و تقدیس قرار می دهند. گاهی، توجه به‌این امور و مکان‌های مصنوعی، چنان

##PAGE=191##

زیاد و شدید است که اعتراضات رسمی برخی علمای بزرگ آن کشور را نیز برانگیخته‌اند.[۵۴۱]

مقام «پیری» عمدتا یک مقام ارثی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می گردد، بدون اینکه صلاحیت های مذهبی، علمی و اخلاقی بازماندگان در احراز این مقام نقشی داشته باشد . پیران معمولا فاقد ویژگی های معنوی یک پیر واقعی هستند، اما نفوذ و نقش اج تماعی و مذهبی آنان به دلیل جایگاه و نقش مذهبی، سیاسی و اقتصادی برجسته شان، همچنان در جامعه پابرجاست؛ مانند سید فیصل صالح حیات وزیر کشور سابق در دهستان شاه جیونه در ۱۵ کیلومتری شهر جنگ که گاهی خرقه درویشی به تن می کند و به عنوان «سجّاده‌نشین درگاه» در بقعه و آستانه «شاه جیونه» فرش می‌گستراند. سید عبّاس اکبر پیر و کدخدای روستای «شیر شاه» در حومه شهر مولتان نیز، که سجّاده نشین بارگاه «شیر شاه» شناخته می‌شود، خود مشغول فعالیت های سیاسی و اقتصادی است و دو نماینده مرد و زن را در زیارتگاه «شیر شاه» و منزلش منصوب کوده تا به دم کردن، تعویذ دادن و فال گرفتن برای اهالی روستا مشغول باشند.

در واقع، تمامی زیارتگاه ها و دربارها (آستانه) یک «سجّاده‌نشین» یا «گدی‌نشین» رسمی دارد که طی تشریفاتی به این مقام منصوب شده، متولّی آستانه و پیر محل شناخته می‌شود. بنابراین، در هر نقطه‌ای که آستانه و زیارتگاه شناخته‌شده‌ای از خانواده سادات و بزرگان وجود دارد، «سجّاده‌نشینی» و «پیری» نیز همراه آن رایج است.

##PAGE=192##

سازمان‌ها، انجمن‌ها و مؤسسات

انجمن‌ها، مؤسسات و سازمان های اسلامی شیعی سابقه ای نسبتا طولانی در این کشور داشته، برخی از آنها از تجربه و کارایی بالایی در عرصه آموزش، تبلیغ و خدمات برخوردارند. این سازمان‌ها باتوجه به قلمرو فعالیت، نوع فعالیت و تک منظوره یا چند منظوره بودن اهداف و برنامه هایشان، به‌چند گروه دسته‌بندی می‌شوند. از نظر قلمرو فعالیت، می توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد:

۱- سازمان‌ها و مؤسسات ملّی؛ مانند سازمان «دانشجویان امامیه»، سازمان «امامیه» و سازمان «تنظیم المکاتب»؛

---

[۵۴۱] (1). ر. ك. محمّد حسین نجفی دهکو، اصلاح الرسوم.

۲- سازمان‌ها، انجمن‌ها و مؤسسات ایالتی؛ مانند سازمان «دانشجویان اصغریه»؛

۳- سازمان‌ها، انجمن‌ها و مؤسسات محلّی که تعداد آنها زیاد است.

از لحاظ نوع فعالیت نیز می‌توان آنها را به گروه‌های ذیل تقسیم کرد:

۱- تبلیغی؛ ۲- آموزشی؛ ۳- رفاهی و خدماتی؛ ۴- هماهنگ‌کننده انجمن‌های کوچک‌تر.

همچنین از لحاظ اهداف و برنامه های کاری، که در جهت هدف واحد یا اهداف متعدد سازمان دهی گردیده‌اند، می‌توان آنها را به گروه‌های تک‌منظوره، دو منظوره و چند منظوره دسته‌بندی نمود.

باتوجه به شاخص‌های نام‌برده، شیوه‌های بررسی آنها نیز تفاوت خواهد کرد.

اما در اینجا، صرفا به شاخص و عنصر «قلمرو» به‌عنوان عنصر ممیّز در این سازمان ها و مؤسسات توجه نموده، آنها را براساس همین معیار، رده‌بندی و بررسی خواهیم نمود.

همان‌گونه که اشاره شد، براساس معیار قلمرو و گستره جغرافیایی فعالیت سازمان ها و انجمن‌های دینی، سه گروه کاملا متفاوت را می‌توان در اینجا شناسایی نمود: ملّی، ایالتی و محلّی.

##PAGE=193##

الف. سازمان‌ها و انجمن‌های ملّی

منظور از «ملّی بودن» یک سازمان، انجمن و یا مؤسسه این است که حوزه فعالیت آن از سطح یک ایالت (صوبه) فراتر رود و چندین ایالت و یا سراسر کشور را فراگیرد . این فعالیت می‌تواند فرهنگی، تبلیغی، آموزشی و یا رفاهی باشد . نوع فعالیت و یا تک منظوره و چندمنظوره بودن آن نمی تواند تغییری جدّی در این رده بندی ایجاد نماید . در عین حال، آن دسته از مؤسسات یا انجمن‌هایی که صرفا یا عمدتا فعالیت آموزشی یا رفاهی و یا هردو را داشته باشند، با در نظر داشتن تناسب موضوع، در فصل‌های مربوط به آموزش و اقتصاد مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

شکل‌گیری سازمان ها و انجمن های دینی- فرهنگی یا دینی- اجتماعی- سیاسی در سطح ملّی، بیان کننده این نکته مهم است که روابط مذهبی بر عوامل جغرافیایی و قومی، که دو عامل سرنوشت ساز در عرصه اجتماعی و سیاسی این کشور به شمار می‌رود، غالب آمده و «مذهب» به مثابه حلقه مشترک قومیت ها و زبان های گوناگون، جایگاه خود را در میان شیعیان باز نموده است . همچنین وجود این نوع سازمان ها نشان‌دهنده تمایلات سازمان یافته جمعی در سطح کلان در زمینه دین گستری و توسعه فرهنگی و اقتصادی در میان لایه های گوناگون جامعه است که این می تواند پیام امیدوارکننده‌ای برای شیعیان داشته باشد.

۱. سازمان دانشجویان امامیه پاکستان (امامیه استودنس آرگنایزیشن پاکستان /I. S. O): فراگیرترین تشکّل دینی دانشجویی شیعه است که با انگیزه های دینی در سال ۱۹۶۲ در لاهور تأسیس گردید . این سازمان دانشجویی تا سال ۱۹۷۲ م تحت عنوان «شیعه استودنس اسیوسی ایشن »[۵۴۲] فعالیت می‌کرد، اما بین سال‌های

##PAGE=194##

۱۹۷۰ و ۱۹۷۲ دچار اختلافات و انشعابات درونی گردید و سرانجام، در اجلاس ۲۲ می ۱۹۷۲، که به ابتکار شاخه دانشجویی دانشکده «مهندسی» لاهور در همان دانشکده برگزار شد، از نو بازسازی گردید و تمامی ش اخه های انشعابی از نو درهم ادغام شدند. در این نشست، نام «امامیه استودنس آرگنایزیشن» برای این سازمان برگزیده شد.[۵۴۳]

فعالیتI. S. O در دهه اول، محدود به سطح لاهور بود، اما از ۱۱ می ۱۹۷۴ در همایشی که در لاهور برگزار شد، نمایندگی‌های آن در شهرهای دیگر نیز تأسیس گردید و تغییراتی در اساس‌نامه آن به‌وجود آمد.[۵۴۴]

الف. اهداف: اهداف سازمان براساس آنچه در اساس نامه آن ذکر شده، عبارت است از : آشنا کردن دانشجویان با معارف قرآن، سیره پیامبر و اهل بیت علیهم السّلام، رشد استعداد علمی، اخلاقی، دینی و روحانی دانشجویان و افزایش تم ایلات وحدت و یک سویی در میان آنان، ترویج و گسترش امر به معروف و نهی از منکر در میان دانشجویان، تأسیس دار المطالعه و کتاب خانه در سطح یونت (واحد)، دفاع از حقوق و منافع دانشجویان در نهادهای آموزشی، ایجاد تسهیلات آموزشی برای دانشجویان فعّال سازمان، گسترش روابط با افراد و گروه های اسلامی که در تأمین اهداف سازمان (تنظیم) نقش مثبت ایفا نمایند، و ایجاد تیم امدادی (اسکاوت تیم) امامیه.[۵۴۵]

ب. ساختار: تشکیلات سازمان از یک هیأت مرکزی که دبیر (صدر) در رأس آن قرار گرفته و سه مجلس «نظارت»، «عامله» و «عمومی»- به ترتیب- با وظایف و اختیارات «نظارت»، «برنامه‌ریزی» و «تصمیم‌گیری» و نیز «اختیارات

##PAGE=195##

ویژه» مانند انتخاب دبیر کل و ترمیم اساس نامه، تشکیل گردیده است .[۵۴۶] مجلس «نظارت» از روحانیان و برخی نیروهای فعال دیگر تشکیل شده است و مهم ترین رکن در اسلامی کردن سازمان محسوب می‌شود. تعدادی از روحانیان بزرگ پاکستان مانند حجج اسلام سید علی موسوی از لاهور، مولانا غلام شبیر بخاری از لاهور، مظهر حسین کاظمی از جنگ، حسین عبّاس گردیزی از راولپندی، حیدر علی جوادی از حیدرآباد، شیخ محمّد جمعه اسدی و شیخ یعقوب علی توسّلی از کویته عضو این مجلس هستند.[۵۴۷]

---

[۵۴۲] (1). noitaicossA stnedutS aihS..

[۵۴۳] (1). امامیه استودنس آرگنایزیشن، دستور و پالیسیان[دستور و سیاست‌ها]، ص 8.

[۵۴۴] (2). همان. ص 9.

[۵۴۵] (3). همان، ص 11- 12.

[۵۴۶] (1). همان، ص 15- 17.

[۵۴۷] (2). مصاحبه با ملك آفتاب حیدر، از مسئولان دفتر مرکزیI. S. O در لاهور، 2 آذر1382.

عالی‌ترین بخش سازمان «مجلس عامله» (شورای اجرایی) است که حق تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در تمام موارد، بجز انتخاب دبیر کل و ترمیم اساس‌نامه را دارد. این مجلس اکنون دارای ۱۹ عضو است که می‌تواند باتوجه به سازوکاری که برای آن پیش‌بینی شده است، کم یا زیاد گردد.

ج. افکار:I. S. O از سازمان های روشن فکری و اصلاح طلب دینی به شمار می آید که معتقد به «وحدت دین و سیاست» است و از روی کار آمدن حکومت اسلامی تحت رهبری روحانیت در کشور حمایت می کند. تا پیش از برجسته شدن اندیشه حکومت دینی نوین (قبل از سال ۱۹۷۹) در اندیشه روحانیان اصلاح‌طلب شیعه،I. S. O گرایش غیرسیاسی داشت، اما از آن به بعد، از ایجاد نظام اسلامی و اصلاحات گسترده سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برمبنای اندیشه دینی حمایت به عمل آورده‌اند. دستگاه رهبری و نیروهای دیگر سازمان عمدتا از اندیشه های نوگرایانه دینی روحانیان کشورهای اسلامی مانند شهید سید محمّد باقر صدر، امام خمینی رحمه اللّه، مرتضی مطهّری، دکتر

##PAGE=196##

علی شریعتی و دکتر سروش متأثر بوده و تعداد زیادی از آثار این اندیشمندان توسط این سازمان به اردو ترجمه شده است. در داخل پاکستان، بیش از هرکس، از الگوی فکری شهید عارف حسین حسینی و دکتر محمّد علی نقوی پیروی می‌کنند.

O. S. I

در سال های اخیر، فعّال ترین گروه مذهبی شیعیان بوده است، به ویژه پس از آنکه فعالیت «تحریک جعفریه» در ۱۲ ژانویه ۲۰۰۲ م از سوی دولت ممنوع اعلام گردید، این سازمان به تنها نیروی مؤثر تبدیل شد. اکنون (۲۰۰۴) در سه ایالت پنجاب، سند و سرحد، مناطق شمالی و کشمیر دارای ۱۸ دویژن (علاقه) و ۱۲۰۰ یونت (واحد تشکیلاتی در دانشکده‌ها و دبیرستان‌ها) است.[۵۴۸] مجموع اعضای آن بین ۱۲ تا ۱۳ هزار نفر برآورد شده‌اند.[۵۴۹]

عمده‌ترین فعالیت های سازمان عبارت است از : برگزاری همایش‌های علمی و دینی در مناسبت های اسلامی در دانشگاه‌ها؛ برگزاری اردوهای تربیتی؛ جهت دهی برنامه های مطالعاتی و درسی دانشجویان؛ برگزاری مراسم ۱۵ شعبان، ۱۳ رجب، ۱۷ ربیع الاول، ۱۶ می (به خاطر اشغال فلسطین و تشکیل اسرائیل- روز مرگ بر آمریکا)، سالروز شهادت عارف حسین حسینی رهبر پیشین شیعیان پاکستان، سالروز شهادت دکتر محمّد علی نقوی دبیر کل و بنیانگذار I. S. O ؛ و راه‌پیمایی روز قدس.[۵۵۰]

سازمان «دانشجویان امامیه» دارای ماه‌نامه‌ای به‌نام العارف است که از سال ۱۹۸۴ م منتشر می‌شود. نام قبلی آن راه عمل بود، اما پس از شهادت عارف حسین حسینی در سال ۱۹۸۸ م نام آن تغییر یافت.

##PAGE=197##

---

[۵۴۸] (1). همان.

[۵۴۹] (2). همان.

[۵۵۰] (3). همان.

د. شعبه خواهران: تقریبا دوشادوش واحدهای بخش برادران، شاخه دانشجویی خواهران سازمان نیز فعالیت می کند. بخش خواهران از تشکیلات کاملا مستقلی برخوردار بوده و دارای مجلس «عامله» و مجلس «شورا» و دپو جداگانه است.

تنها نهاد مشترک این دو شاخه، نهاد «مجلس نظارت» است که متشکّل از روحانیان بلندپایه بوده و بر شاخه خواهران و برادران هردو نظارت دارد.

ه. امامینز پاکستان: سازمان «دانشجویان امامیه پاکستان» در ابتکاری جدید در ۱۱ اوت ۲۰۰۲، نشستی از اعضای سابق خود، که اکنون به خاطر فارغ التحصیل شدن، عضویت خود را در سازمان از دست داده اند، در سالن اجتماعات «همدرد»[۵۵۱] لاهور برگزار کرد و در آن شالوده سازمان تازه ای را به نام «امامیه‌های پاکستان» (امامینز پاکستان) بنیان‌گذاری نمود. نمایندگان این سازمان در روزهای ۲۷- ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۲ در جامعه «المنتظر» لاهور، چارچوب عمومی تشکیلات را ریختند و ساختار آن را به تصویب رساندند. این سازمان به‌منظور تقویتI. S. O و کمک فکری و مالی به‌آن و مشارکت در امور اجتماعی و رفاهی جامعه، تأسیس گردیده است . حوزه فعالیت این گروه تمام پاکستان خواهد بود.[۵۵۲]

۲. سازمان «امامیه پاکستان» (امامیه آرگنایزیشن/I. O):[۵۵۳] سازمان «امامیه پاکستان» که نام مخفّف آن«I. O» است، در سال ۱۹۷۴ م در لاهور پایه گذاری شد. اولین اساس نامه رسمی آن در سال ۱۹۷۷ تدوین و اولین گردهمایی سراسری آن در ۲۱ مارس ۱۹۸۱ م برگزار گردید.[۵۵۴]I. O همانندI. S. O یک تشکیلات دینی سراسری تقریبا صنفی است که شعبه‌های آن در تمام شهرهای

##PAGE=198##

بزرگ دایر است.[۵۵۵] این سازمان از لحاظ نوع و کیفیت نیروهای انسانی، مرحله عالی تر و پایدارتر سازمان «دانشجویان امامیه» محسوب می شود؛ زیرا اعضای آن عمدتا از میان فارغ التحصیلان سازمان «دانشجویان امامیه» و برخی افراد دیگر گزینش شده اند. بنابراین، دو گروه نام برده از نظر فکری و خطمشی سیاسی، کاملا نزدیک به یکدیگر و در عرصه‌های اجتماعی، تبلیغاتی و دینی کاملا همسو و هماهنگ عمل می‌کنند.

اهداف اساسی سازمان «امامیه پاکستان» براساس آنچه در اساس نامه آن ذکر شده، عبارت است از : ایجاد تسهیلات مناسب برای ارتقای فکری و عملی دانشجویان، ترویج و تحکیم اخوّت میان اعضای گروه، به وجود آوردن هماهنگی میان آموزش دنیوی و دینی در مراکز آموزشی جدید، تقویت و ایجاد مرکزیت به منظور بهبودی سطح اقتصادی، آموزشی

---

[۵۵۱] (1). dradmaH.

[۵۵۲] (2). جزوه‌های متعلّق به« امامینز پاکستان»، از طرف اداره آن سازمان در« المصطفی هاوس»، لاهور.

[۵۵۳] (3). noitazinagrO aimamI.

[۵۵۴] (4). امامیه آرگنایزیشن، دستور امامیه آرگنایزیشن پاکستان، ص 2.

[۵۵۵] (1). همان، ص 3.

و اجتماعی ملت اسلامی و در نهایت، آشناسازی جهان بشریت با آموزه های حق‌مدار دینی و تلاش برای تشکیل جامعه اسلامی.[۵۵۶]

دفتر مرکزی سازمان در لاهور قرار دارد که تحت اداره یک مسئول کل، که «چیرمین»[۵۵۷] نامیده می‌شود، فعالیت می‌کند.

«چیرمین» هردو سال یک بار انتخاب می گردد. فعالیت‌های«I. O» عمدتا مرتبط با مسائل دانشجویی و دانش آموزی است و با راه اندازی برنامه های مطالعاتی، کلاس های آموزشی دینی، برگزاری همایش های علمی و مذهبی، تکثیر و توزیع نوارهای مذهبی، تهیه کتب درسی برای نیازمندان، ارائه خدمات بهداشتی و برگ زاری نمازهای جماعت و دعای کمیل، به‌تربیت جوانان و دانشگاهیان

##PAGE=199##

مشغول است.[۵۵۸] همچنین این گروه فصل نامه‌ای به نام العصر و انتشاراتی به نام «امامیه پبلیکی شنز» دارد که به انعکاس دیدگاه آن و چاپ کتب و جزوات اسلامی می‌پردازد.

انتشارات «امامیه پبلیکی شنز» یکی از انتشارات موفق شیعیان به‌شمار می‌رود.

« O. I »

دارای شعبه خواهران نیز هست که در تمام شهرهای بزرگ نمایندگی دارد . هردو بخش سازمان تحت نظارت «مجلس نظارت»، که از روحانیان روشن فکر و اصلاح طلب تشکیل شده و از اندیشه حکومت اسلامی و ولایت فقیه حمایت می‌نمایند، فعالیت می‌کند. سازمان از نظر اعتقادی و فعالیت های عملی، تحت نظر نماینده ولیّ فقیه قرار دارد [۵۵۹] که این مهم‌ترین عامل منسجم‌کننده گروه‌های« «I. O ،I. S. O»» و «تحریک جعفریه» (سابق) به شمار می‌رود.

سازمان«I. O» باتوجه به گرایش نوگرایانه خود، از جریان نوگرایی دینی حمایت به عمل آورده، علما را به دو گروه «ربّانی» و «غیرربّانی» تقسیم می‌کند که تنها حمایت و اطاعت از دسته اول را بر خویشتن لازم می داند.[۵۶۰] این گروه درباره مسئولیت سازمانی خود در عصر حاضر، چنین می‌گوید:

مسئولیت ما آشنایی با اهداف بعثت انبیا، آراستگی با آموزه‌های پیامبر اسلام و ائمّه اطهار علیهم السّلام و گسترش آن، و در عصر غیبت، براساس فرمان حضرت صاحب الامر علیه السّلام عمل کردن و در پرتو ارشاد مراجع عظام، مسیر خود را مشخص کردن است. بدین منظور، لازم است که فریضه انجام امر به معروف و نهی از منکر جه‌ت مرتبط کردن خود با اهداف الهی و هدایت نمودن جامعه به‌سمت فکر و عمل اسلامی به‌اجرا گذارده شود.[۵۶۱]

---

[۵۵۶] (2). همان، ص 7.

[۵۵۷] (3)..namriahC

[۵۵۸] (1). امامیه آرگنایزیشن پاکستان، جزوه تنظیم ضرورت و لایحه عمل، ص5.

[۵۵۹] (2). امامیه استودنس آرگنایزیشن، دستور امامیه آرگنایزیشن پاکستان، ص11.

[۵۶۰] (3). امامیه آرگنایزیشن، همارا بنیادی موقف[دیدگاه اساسی ما]، ص 8- 9.

[۵۶۱] (4). همان، ص22.

« O. I »

در سال‌های بعد، اندکی دچار کم‌تحرّکی گردیده، اما باوجود این، شعبات آن در شهرهای لاهور، ملتان، راولپندی، کراچی، فیصل‌آباد و سکردو، فعّال است؛ ولی در کویته و پیشاور، عملا به‌حالت تعطیل درآمده است.[۵۶۲]

۳. وفاق المدارس شیعه پاکستان: پس از استقلال پاکستان (۱۹۴۷) و آغاز فعالیت‌های دینی و آموزشی جدید، روحانیان این کشور، که در گذشته برای تحصیل عمدتا به لکنو یا دهلی می رفتند، درصدد راه اندازی و تأسیس م راکز علمی حوزوی جدید در این کشور برآمدند. از دهه ۱۹۵۰ به‌بعد، روند تأسیس مدارس به‌سرعت رو به افزایش نهاد و مذهب و آموزش دینی و فقهی جایگاه خود را در دولت تثبیت کرد . گسترش سریع حوزه‌های علمیه، مسئولان مدارس را به ایجاد تعامل فکری و علمی با همدیگر واداشته و زمینه را برای ایجاد یک سازمان فراگیر حوزوی فراهم نمود.

در سال ۱۹۵۸ م به ابتکار مدرسه جامعه «المنتظر»، اولین گردهمایی استادان و مسئولان مدارس شیعه برگزار شد که در آن، مسائل مربوط به یکدست کردن برنامه درسی مدارس دینی، تعطیلات مدارس و شیوه امتحانات آنها به بحث گذارده شد و به نتایج خوبی دست یافتند .[۵۶۳] این گردهمایی در سال ۱۹۶۲ در مدرسه جامعه «امامیه» لاهور و در ۱۷ نوامبر ۱۹۷۶ م در مدرسه «جعفریه» کراچی ادامه یافت و سرانجام، در همایش بزرگ مسئولان و استادان مدارس عمده شیعه پاکستان در جامعه «المنتظر» لاهور در ۲۹ و ۳۰ مارس

##PAGE=201##

۱۹۷۹ م، سازمان «وفاق المدارس شیعه پاکستان » رسما اعلام موجودیت کرد .[۵۶۴] در اجلاس آوریل ۱۹۸۱ م جامعه «رضویه چیچه وطنی »، حجۀ الاسلام مرحوم سید صفدر حسین نجفی، مسئول مدرسه جامعه «المنتظر»، برای پنج سال به عنوان «صدر» (مسئول و رئیس) «وفاق» برگزیده شد که این مقام تا آخر عمر معظّم له (۱۹۸۹) برای ایشان باقی بود. پس از ایشان، حجۀ الاسلام سید حافظ ریاض حسین نقوی، مسئول کنونی جامعه «المنتظر»، ریاست این تشکیلات را به عهده گرفت. و حجۀ الاسلام سید محمّد عبّاس نقوی به‌عنوان دبیر آن تعیین گردید.

سازمان «وفاق المدارس» در چند دهه اول، نتوانست حوزه فعالیت خود را از دایره پنجاب و برخی شهرهای سند فراتر برد، اما در دو دهه اخیر، باتوجه به فعّال تر شدن مدارس علمیه و اهمیت یافتن مدارک تحصیلی قابل قبول دولت و گسترش هماهنگی های آن با حوزه های علمیه شیعی در ایران و همچن ین به عهده گرفتن برخی نقش های نیمه‌سیاسی و میانجیگرانه در روابط میان سازمان‌های شیعی دیگر، حوزه نفوذ آن در سراسر پاکستان گسترش یافته است.

---

[۵۶۲] (1). مصاحبه با مسئولان دفتر مرکزی«I. O » در لاهور.

[۵۶۳] (2). سازمان وفاق المدارس شیعه پاکستان، دستورالعمل وفاق المدارس شیعه پاکستان، ص اول

[۵۶۴] (1). همان، ص 2/ ماه‌نامه المنتظر، ج36، شماره 9، سپتامبر 1997، ص 27.

«وفاق المدارس» امروز توانسته است با برگزاری امتحانات سالانه از طلّاب سراسر پاکستان، گواهی نامه علمی «سلطان الافاضل» برای قبول شدگان صادر نماید . این سازمان نوعی نظام آموزشی یکسان (نصاب تعلیمی واحد) برای بیشتر مدارس به‌وجود آورده و در سطح مدارس علمیه ایالت پنجاب، از نفوذ خاصی برخوردار است.

۴. تنظیم المکاتب: برخلاف سایر سازمان ها و مؤسساتی که در سطح جوانان و بزرگ سالان فعالیت می کنند، «تنظیم المکاتب» سازمانی است که برای آموزش

##PAGE=202##

دینی و اعتقادی کودکان و نوجوانان تأسیس شده است . این سازمان در ۱۷ ربیع الاول ۱۴۰۱ ق/ ۲۴ جولای ۱۹۸۱ م تأسیس شده و تا امروز توانسته است فعالیت‌های گسترده‌ای در سراسر پاکستان انجام دهد.

اهداف این سازمان عبارت است از: برنامه‌ریزی آموزش دینی ابتدایی در سطح کل کشور، ایجاد کلاس های دینی پسرانه و دخترانه، ایجاد مراکز تعلیمات دینی فشرده برای افراد باسواد، چاپ جزوات اسلامی برای رشد آگاهی مذهبی، ایجاد مدارس شبانه برای افراد نابالغ، زمینه سازی برای مباحث مذهبی و اجتماعات دینی و ایجاد آموزشگاه برای معلمان مرد و زن.[۵۶۵]

«تنظیم المکاتب » در سال ۲۰۰۱ دارای ۱۰۲۵ مدرسه و مرکز آموزشی با تعداد قریب ۳۵۰۰۰ دانش‌آموز و ۱۰۰۰ مدرّس در شهرهای کراچی، حیدر آباد، نوّاب شاه، سانگر، تتّه، میرپور خاص، تهر مارکر، خیرپور، دادو، سکوّ، شکار پور، لارکانه، جیکب‌آباد، رحیم یار خان، بهاول پور، بهاولنگر،[۵۶۶] مظفّرگر، لیّه، جنگ، میانوالی، بکّر، دیره غازی خان، سرگودا، راجن پور، دیره اسماعیل خان، خوشاب، راولپندی، آزاد کشمیر، بلتستان، گلگت، کویته و مانند آن بود که این تعداد در فروردین ۱۳۸۳ ش/ مارس ۲۰۰۴ م به ۱۲۰۰ باب مدرسه و ۴۵۰۰۰ دانش‌آموز افزایش یافت.[۵۶۷]

توزیع این مدارس در مناطق گوناگون پاکستان به‌شرح ذیل است:

۱- پنجاب، ۵۰۰ مدرسه؛

۲- سند، ۳۵۰ مدرسه؛

##PAGE=203##

۳- کراچی، ۵۰ مدرسه؛

۴- سرحد و کشمیر آزاد، ۸۶ مدرسه؛

۵- بلوچستان، ۱۴ مدرسه؛

---

[۵۶۵] (1). گزارش رسمی تنظیم المکاتب تحت عنوان« تنظیم المکاتب کی انیس ساله خدمات کاایك مختصر جایزه» از طرف اداره تنظیم المکاتب کراچی.

[۵۶۶] (2). raganlawahaB.

[۵۶۷] (3). مصاحبه با مسئول دفتر مرکزی تنظیم المکاتب در کراچی،20 اسفند1382.

۶- مناطق شمالی، ۲۰۰ مدرسه؛

تمام مدارس تحت پوشش این مرکز از نظام درسی واحدی، که مشتمل بر تجوید و ۶ کتاب دینی برای سطوح و مقاطع گوناگون طراحی گردیده است، استفاده می کنند. همچنین این مرکز از منابع مالی مردمی، که حاصل وجوهات شرعی است، تغذیه می‌کند.[۵۶۸]

۵. جابر بن حیّان ترست[۵۶۹]: در سال ۱۹۹۴ م توسط حجۀ الاسلام و المسلمین شیخ محسن علی نجفی، یکی از علمای بزرگ بلتستان، مقیم اسلام‌آباد تأسیس شد.

این مؤسسه (ترست) با اهداف آموزشی و تربیتی در قالب ایجاد مدارس جدید، دانشکده ها و آموزشگاه‌ها وارد عمل شد و تا سال ۲۰۰۲ توانست ۳۸ مدرسه غیرانتفاعی ابتدایی به‌نام «اسوه پبلک اسول» و ۲۵ باب مسجد در مناطق محروم و روستایی پاکستان بسازد. (باتوجه به‌فعالیت آموزشی این مؤسسه، توضیح آن در فصل چهارم ذکر خواهد شد.)

۶. صندوق رفاه جعفریه «جعفریه ویلفیئرفند »:[۵۷۰] یک نهاد خیریه مذهبی است که در سال ۱۹۸۸، با ا لهام از نظام اقتصادی اسلام، که بر دو منبع مالی مهم «خمس» و «زکات» مبتنی است، از سوی روحانیان شیعه ایجاد گردیده است . اهداف صندوق عبارت است از : ترویج نظریه «ولایت فقیه»؛ تلاش برای رشد آموزشی، تبلیغی و اقتصادی توده مردم براساس قانون جمهوری اسلامی پاکستان؛ ترغیب

##PAGE=204##

مردم به پرداخت وجوهات شرعی، بخصوص خمس و زکات؛ جمع آوری وجوهات شرعی و تقسیم عادلانه آن به عنوان نظام مالیات الهی؛ کمک مالی به مساجد، حسینیه‌ها و مدارس به‌منظور ترویج و اشاعه اسلام؛ اجرای برنامه وام‌دهی برای رشد آموزشی دانشجویان و خودکفایی افراد بدون شغل؛ و کمک به مساکین، فقرا و ایتام.[۵۷۱]

این صندوق تحت سرپرستی نمایندگان فقیه قرار داشته، اداره آن را یک نفر «سرپرست» به عهده دارد . ادارات تحت اشراف «سرپرست» عبارتند از: «شورای عالی» (سپریم کونسل) که از ۸ نفر روحانی سرشناس و فعّال شیعه از سراسر پاکستان تشکیل شده است؛ «کمیته امنا» مرکّب از ۳ نفر که بر امور مالی نظارت می‌کنند؛ و «کمیته اعضای بنیان‌گذاران» مرکّب از ۶ عضو.[۵۷۲]

سرپرست کنونی صندوق حجۀ الاسلام محمّد حسین، مسئول مدرسه «المعصومین» سدهوپوره[۵۷۳] فیصل‌آباد، است و اعضای شورای عالی آن عبارتند از:

---

[۵۶۸] (1). همان.

[۵۶۹] (2).tsurT : فعالیت مشترك چند شركت.

[۵۷۰] (3)..dnuF erafleW airafaJ

[۵۷۱] (1). جعفریه ویلفیئر فند، اسلامی نظام مالیات، ص69.

[۵۷۲] (2). همان، ص58- 59.

[۵۷۳] (3)..aruP ohdaS

حجج اسلام شیخ محمّد حسین سدهوپوره فیصل آباد، سید اسد رضا بخاری راولپندی، آغا سید علی موسوی لاهور، سید عابد حسین حسینی پاراچنار، محمّد جمعه اسدی کویته و محمّد رضا نجفی دادو سند.[۵۷۴]

«صندوق رفاه جعفریه» هرچند یک صندوق فراگیر کشوری در نظر گرفته شده، اما باتوجه به نوپا بودن آن، تاکنون تنها در ۸ شهر پنجاب موفق به ایجاد شعبه گردیده است . این شهرها عبارتند از : فیصل‌آباد، سرگودا، راولپندی، گوجرانواله، لاهور، ملتان، بهاولپور و دیره غازی خان.

##PAGE=205##

فعالیت‌های عمده صندوق شامل کمک به فقرا، مساکین، ایتام و بیوه زنان، ازدوا ج فرزندان خانواده های بی بضاعت، هزینه‌های جزئی مداوا و آموزش است.

افزایش جمعیت نیازمندان موجب گردیده است که سقف مساعدت ها بسیار پایین بیاید . بنا به‌اظهار مسئول دفتر شعبه لاهور، این مساعدت‌ها از ۳۰۰ روپیه شروع و حداکثر به ۰۰۰/ ۳ روپیه (در مورد ازدواج) منتهی می‌شود.[۵۷۵]

مجموع درآمد صندوق در سال مالی ۲۰۰۱– ۲۰۰۲ (از اول جولای ۲۰۰۱ تا سی‌ام ژوئن ۲۰۰۲) ۳۰۵/ ۲۰۲/ ۳ روپیه پاکستانی بوده که میان ۲۱۱ نفر از خانواده سادات و ۲۳۰ نفر از خانواده غیرسادات تقسیم شده است .[۵۷۶] دفتر این صندوق اکنون در لاهور قرار دارد.

ب. سازمان‌ها و انجمن‌های ایالتی

۱. سازمان دانشجویان اصغریه پاکستان (اصغریه استودنس آرگنایزیشن): مهم‌ترین و فعّال‌ترین تشکّل دانشجویی شیعه در ایالت سند است که با انگیزه دینی و ترویج آموزه‌های اسلامی در میان دانشجویان در سال ۱۹۶۸ پایه‌گذاری شد.

این سازمان جهت آب یاری [دینی] افراد جامعه، اجرای عملی معرفت و نظام الهی تأسیس شد و این اولین سازمان دانشجویی شیعه در پاکستان است که حرکت خود را در سال ۱۹۶۸ م از مراکز آموزشی معروف، مانند دانشگاه سند، دانشگاه «مهران» و دانشکده پزشکی «لیاقت» آغاز نمود.[۵۷۷]

##PAGE=206##

نام اولیه این گر وه «انجمن اصغریه» بود، اما در گردهمایی سراسری دانشجویان شیعه سند در تاریخ ۶ می ۱۹۷۶ در «قدمگاه مولا علی علیه السّلام » شهر حیدرآباد، نام آن به «اصغریه استودنس آرگنایزیشن » تغییر یافت.[۵۷۸] سازمان «دانشجویان اصغریه» از آغاز تاکنون، مراحل گوناگون تغییرات ساختاری و آیینی را سپری کرده که مهم‌ترین آن، توسعه مرکزیت آن از «جام شورو» (حیدرآباد) به تمام سند و ایجاد شورای سرپرستی متشکّل از ۱۲ عضو است که اکثریت آن

---

[۵۷۴] (4). همان، ص58.

[۵۷۵] (1). مصاحبه با رئیس دفتر مرکزی« جعفریه ویلفیئر فند» در لاهور.

[۵۷۶] (2). جعفریه ویلفیئر فند، اسلامی نظام مالیات، ص62- 66.

[۵۷۷] (3). اصغریه استودنس، آیین اصغریه استودنس، ص« ب».

[۵۷۸] (1). همان، ص« ب».

از روحانیان فعّال و نوگرا هستند (سال ۱۹۸۵– ۱۹۸۶). همچنین این گروه در دهه ۸۰ و ۹۰ از تغییرات انقلابی در ایران به‌شدت متأثر شد و شاهد تحوّل فکری، اعتقادی و عملی مهمی در خود بود.[۵۷۹]

اهداف و اصول فکری و کاری سازمان عبارت است از : آگاه نمودن دانشجویان با نظام زندگی اسلامی، تلاش برای رهایی نوجوانان از نظام ها و فرهنگ های غیرانسانی و ستمگرانه، اتحاد دانشجویان شیعه دوازده اما می و ارائه آموزش‌های اعتقادی، اخلاق و احکام به آنان، آشنا ساختن جامعه با فرهنگ و اندیشه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اسلام، پاس‌داری و گسترش میراث تمدنی دینی، سیاسی، اقتصادی و آموزشی تشیّع، حفاظت از حقوق شیعیان، به ویژه دانشجویان شیعه در نظام آموزشی دینی کشور، ایجاد گروه‌های «امر به‌معروف و نهی از منکر »، تأسیس کتاب‌خانه‌ها و گسترش اهداف عزاداری امام حسین علیه السّلام در جامعه و کمک معنوی و مادی به دانشجویان شیعه.[۵۸۰]

ساختار تشکیلاتی سازمان «دانشجویان اصغریه» بیشتر شورایی است که در رأس بیشتر بخش‌ها، رئیس عمومی سازمان قرار دارد. مهم‌ترین شوراهای آن

##PAGE=207##

عبارت است از: «شورای سرپرست» (سرپرست کونسل) متشکّل از علما و بزرگان علمی– فرهنگی، «شورای کاری یا اجرایی» (ورکنگ کونسل) متشکّل از هیأت‌های مرکز، مناطق و بخش ها، «شورای عمومی مرکزی» متشکّل از اعضای مسئول مرکز، منطقه، بخش و رئیس واحدها (هسته‌ها).

سازمان در تمام شهرستان‌های سند و برخی شهرهای پنجاب و بلوچستان دارای شاخه است؛ مانند خیرپور (۳۲ هسته)، لارکانه (۲۲ هسته)، سکّر (۱۴ هسته)، صالح پت (۱۱ هسته)، حیدرآباد (۷ هسته)، میرپور خاص (۸ هسته)، بدین (۴ هسته)، هاله (۱۰ هسته)، دادو (۱۶ هسته)، نوّاب شاه (۱۴ هسته)، نوشهر و فیروز (۱۸ هسته)، شکارپور (۸ هسته)، جیکب‌آباد (۱۰ هسته)، بهاولپور پنجاب (۶ هسته)، رحیم یار خان پنجاب (۸ هسته) و شهرستان‌های بلوچستان مانند دادر،[۵۸۱] کویته، سیف‌آباد، اوستا محمّد، گنداخه و غلام محمّد جمالی (مجموعا ۱۱ هسته).[۵۸۲] بنابر توضیحات دبیر کل سازمان، آقای فضل حسین، مجموع هسته‌ها و شاخه‌های سازمان به ۲۵۰ واحد می‌رسد.

همچنین سازمان در عرصه تأسیس مدارس جدید نیز سرمایه گذاری کرده و ۱۳ باب مدرسه ابتدایی (دبستان)، متوسطه (راهنمایی) و عالی (دبیرستان) تحت اداره خود دارد که تعداد دانش‌آموزان این مدارس بالغ بر ۸۰۰/ ۱ نفر است.[۵۸۳] در فهرست فعالیت‌های سازمان، به‌تعدادی کلاس‌های قرآنی برمی‌خوریم که تحت عنوان «پروژه حسین مشن» فعّال گردیده است؛ مجموع آنها به ۴۰ کلاس آموزش قرآن در روستاهای سند می‌رسد.[۵۸۴] در عرصه انتشارات و تبلیغات نیز

##PAGE=208##

---

[۵۷۹] (2). همان، ص« ج».

[۵۸۰] (3). همان، ص 1– 2.

[۵۸۱] (1). redaD.

[۵۸۲] (2). مصاحبه با دبیر کل سازمان آقای فضل حسین اصغری در25 اسفند1382، جام شورو حیدرآباد.

[۵۸۳] (3). همان.

[۵۸۴] (4). اکنون قریب250 نفر عضو این طرح هستند و وجوهات خود را به سازمان پرداخت می‌کنند.

قریب ۶۰ عنوان کتاب تألیفی و یا ترجمه به چاپ رسانده، اما مهم ترین نشریه تبلیغاتی آن ماه نامه المعصوم است که به‌زبان سندی منتشر می‌گردد.

سازمان «دانشجویان اصغریه» و سازمان «اصغریه» مجموع فعالیت‌های خود را تحت هفت پروژه (پروجیکت) تعریف و سازمان‌دهی نموده است:

۱- پروژه آموزشی که در بخش ایجاد مدارس کلاسی کار می‌کند.

۲- پروژه معرفی مکتب اهل بیت علیهم السّلام که به شبهات دینی پاسخ داده، مذهب اهل بیت علیهم السّلام را معرفی می‌کند.

۳- پروژه رسالت حسینی که وظیفه ایجاد مراکز آموزش قرآن و احکام را در روستاهای سند برعهده دارد.

۴- پروژه انتشارات «اصغریه» که کار انتشاراتی انجام می‌دهد.

۵- پروژه خمس و زکات که منابع مالی سازمان را تأمین می‌کند.[۵۸۵]

۶- پروژه «المعصوم» که کار انتشار فصل‌نامه المعصوم را به‌عهده دارد.

۷- پروژه «سفیران حسین» که برنامه اعزام مبلّغ را در دست دارد.[۵۸۶]

اکنون دبیر کل این سازمان آقای دکتر جواد و دفتر مرکزی آن در جام شورو حیدرآباد واقع است.

۲. سازمان شیعه سند (سند شیعه آرگنایزیشن):[۵۸۷] پس از حادثه حمله سنّی های افراطی به مسجدی در روستای «کورا»[۵۸۸] از توابع خیرپور در سال ۱۹۶۳ که طی آن تعداد ز یادی کشته شدند، به همّت سید امام علی شاه کاظمی، اهل گمبت،[۵۸۹]

##PAGE=209##

در سال ۱۹۶۴ این سازمان پایه‌گذاری شد.[۵۹۰] اهداف این سازمان، تلاش برای معرفی اسلام در عرصه های گوناگون، مبارزه با مخالفان اسلام، وحدت ملت شیعه در سند حول مرکزیت واحد، مبارزه برای دفاع از ح قوق شیعه در عرصه تبلیغ و اطلاع‌رسانی، به‌ویژه عزاداری، و انجام خدمات رفاهی برای ملت شیعه، ذکر شده است.[۵۹۱]

---

[۵۸۵] (1). همان.

[۵۸۶] (2). مصاحبه با مسئول پیشین مجله المعصوم، اکتبر- نوامبر 2001، ص 40.

[۵۸۷] (3)..noitazinagrO aihS hdniS

[۵۸۸] (4)..arooK

[۵۸۹] (5)..tabmuG

[۵۹۰] (1). درگفت‌وگو با غلام سرور سومرو، مسئول سازمان شیعه سند شعبه سکّر،22 مارس2004 سکّر.

[۵۹۱] (2)..www .aihshdnis .k 8 moc

سازمان «شیعه سند» از نظر فکری، در زمره گروه های اصلاح‌طلب شیعی قرار دارد که طرفدار وحدت دین و سیاست، دموکراسی اسلامی (مردم‌سالاری دینی) و جنبش‌های آزادی‌بخش اسلامی در فلسطین، کشمیر، فیلیپین و جاهای دیگر است.[۵۹۲] اما در عرصه عمل، به‌نظر می‌رسد فعالیت‌های محدودی داشته است. هرچند مسئولان سازمان مدعی حضور در ۱۷ شهرک و شهرستان سند و دارای ۳۰۲ هسته و شاخه (یونت) هستند.[۵۹۳] اما این حضور فیزیکی نتوانسته است تحرّک لازم فکری و اجتماعی را به‌همراه داشته باشد. در زمان اولین رئیس آن، مرحوم سید علی شاه کاظمی، سازمان از تحرّک و جنبش خوبی برخوردار بود و توانست دست کم در دعاوی حقوقی متعلّق به مساجد شیعیان در «شکارپور پاتک» سکّر و روستای «کهی»[۵۹۴] در شهرستان شکارپور موفقیت‌های شایانی کسب کند.

اما پس از درگذشت رئیس قبلی در اوایل دهه ۹۰ م و روی کار آمدن فرزند وی آقای سید سرکار حسین کاظمی، سازمان از تحرّک لازم بازمانده است.[۵۹۵] مسئولان محلّی سازمان معتقدند: پیوستن آقای سید حسین کاظمی به «مسلم

##PAGE=210##

لیگ» فعالیت‌های او را در «سازمان» تحت الشعاع قرار داده است.

سازمان در دوران شکوفایی خود (دهه ۸۰ م) دست‌کم ۹ عنوان کتاب در موضوعات مذهبی به‌زبان اردو و سندی به‌چاپ رساند که در عرصه تألیف، فعّال ترین نیروی آن غلام رضا سندی به شمار می‌آید که فرد شماره ۲ در سازمان نیز هست. ساختار تشکیلات از یک رئیس و هیأت وی، دو کمیته به نام های «کمیته مرکزی» و «کمیته حقوقی»، دو شورابه نام‌های «شورای سرپرست» متشکّل از ۷ روحانی و «شورای مشورتی»[۵۹۶] تشکیل شده است.[۵۹۷] دفتر این سازمان اکنون در «گمبت» از توابع خیرپور قرار دارد.

۳. مرکز تبلیغات اسلامی (بلوچستان): با تلاش جمعی از طلّاب و روحانیان جوان بلوچستان، که در سال های اخیر از حوزه علمیه قم برگشته اند، در ۱۴ اوت ۱۹۹۵ تأسیس گردید. این مرکز، که اولین نهاد دینی بومی ایالتی محسوب می‌شود، با اهداف اطلاع رسانی مذهبی و تعلیم آموزش های دینی در درون بلوچستان و میان شیعیان مرد م بلوچ آغاز به‌کار کرد. عمده‌ترین فعالیت‌های آن اعزام مبلّغ به مناطق شیعه نشین داخل بلوچستان، توزیع کتب و جزوه های مذهبی، ایجاد کلاس های قرآنی و احکام، برگزاری اردوهای پنج روزه از نوجوانان مناطق گوناگون بلوچستان در شهر کویته و فعّال‌سازی برخی مدارس علمیه بوده است.[۵۹۸] این مرکز ارتباط خود با مناطق نصیرآباد، جیکب آباد، سبّی، دادر، تریهر، گنداوه، گنداخه، اوستا محمّد، جعفرآباد، جل مگسی و مکران را حفظ کرده است . اما «مرکز» به دلیل مشکلات مالی و کمبود نیروهای انسانی، به‌ویژه فکری، با دشواری‌های

##PAGE=211##

---

[۵۹۲] (3). dibI.

[۵۹۳] (4). dibI.

[۵۹۴] (5). ihK.

[۵۹۵] (6). مصاحبه با غلام سرور سومرو، مسئول سازمان شیعه سند در سکّهر.

[۵۹۶] (1). licnuoc yrosivdA.

[۵۹۷] (2). پایگاه سازمان شیعه سند.

[۵۹۸] (3). مقصود علی دومکی، سالانه رپورت مرکز تبلیغات اسلامی،2003.

##PAGE=211##

زیادی روبه روست، بخصوص در مناطق روستایی و فاقد امکانات بلوچستان، که مردم با چنین فعالیت هایی مأنوس نیستند، این مشکلات دوچندان می گردد. در عین حال، طرح مرکز فرهنگی «مدینۀ العلم» در محلّه «مرتضی کالونی» شهر جیکب‌آباد سند (هم‌مرز با ایالت بلوچستان) در دست انجام است تا بتوان آن را به مرکز منطقه‌ای فعالیت آموزشی و تبلیغی در شهرستان‌های نصیرآباد و جیکب‌آباد تبدیل نمود.

حجۀ الاسلام مقصود علی دومکی، مسئول مرکز، نسبت به آینده بسیار خوش بین است و از استقبال مردم در زمینه های فرهنگی اظهار رضایت می کند، اما در عین حال، معتقد است : هر نوع موفقیتی مبتنی بر مساعدت های مالی مردم و همکاری فکری و عملی علما و نخبگان مذهبی است.[۶۰۰] دفتر مرکزی «مرکز» در علمدار رود کویته قرار دارد.

۴. تنظیم نصرت اسلامی بلتستان : تشکّلی کاملا حوزوی است که از طلّاب بلتی زبان شاغل به تحصیل د ر مدارس پاکستان تشکیل شده است. دفتر مرکزی این تنظیم در جامعه «المنتظر» لاهور قرار دارد و شاخه های آن تقریبا در تمام مدارسی که طلاب بلتی زبان حضور دارند، حتی قم و مشهد، تأسیس گردیده است . «تنظیم نصرت» در مناطق شمالی حضور پررنگی دارد.

اهداف تنظیم براساس مصوّبات رسمی، چنین اعلام شده است :

۱- نشر و اشاعه دین اسلام؛

۲- برگزاری مراسم در مناسبت‌های دینی؛

۳- کمک به خانواده‌های بی‌بضاعت برای ورود فرزندان آنها به‌مدارس علمیه؛

۴- اقامه عزاداری؛

##PAGE=212##

۵- اعزام مبلّغ به مناطقی که در آنجا روحانی وجود ندارد؛

۶- ایجاد اتحاد و هماهنگی میان علما، طلاب و مؤمنان برای مقابله با دشمنان؛

۷- تلاش برای توسعه روابط با انجمن‌های دینی دیگر؛

---

[۵۹۹] عارفی، محمد اکرم، شیعیان پاکستان، 1جلد، شیعه شناسي - قم، چاپ: اول،1385 هـ.ش.

[۶۰۰] (1). مصاحبه با حجة الاسلام آقای مقصود علی دومکی در کویته.

۸- تربیت و خودسازی طلّاب.[۶۰۱]

فعالیت اصلی «تنظیم» تشویق محصّلان حوزوی به آموزش دینی، ایجاد هماهنگی میان طلّاب مناطق شمالی، تبلیغ در سطح روستاها، برگزاری همایش‌ها و مراسم دینی دسته‌جمعی به‌منظور تقویت روح جمعی و همسویی طلّاب و علماست، اما گاهی به فعالیت های سیاسی مانند برگزاری تجمّعات برای کسب حقوق سیاسی مردم «مناطق شمالی» و درخواست ایالت شدن آن منطقه و ابراز مخالفت با فرقه‌گرایی و سلطه‌جویی آمریکا در جهان اسلام نیز می‌پردازد.[۶۰۲]

تشکیلات تنظیم از یک هیأت (کابینه)، که «صدر» (رئیس) در رأس آن قرار گرفته، «مجلس اداره» که از علما (نه طلاب) تشکیل شده و ده ها «یونت» (شاخه، واحد، هسته) دیگر که در مدارس دینی شیعه وجود دارند، تشکیل گردیده است.

۵. محمّدیه ترست: در سال ۱۹۵۰ به‌وسیله حجۀ الاسلام مرحوم شیخ حسن پرکوته (مهدی‌آبادی) تأسیس شد. پس از درگذشت ایشان، در سال ۱۹۸۵ ریاست مؤسسه به شیخ غلام حسین مقدّس (مقیم کویت) منتقل شد. مؤسسه دارای یک دفتر مرکزی در کراچی و یک دفتر منطقه‌ای در مهدی‌آباد است.

هدف و برنامه اصلی «محمّدیه ترست» گسترش سواد، آشنایی مردم- به ویژه نوجوانان- با معارف اسلامی، ایجاد مراکز آموزشی دینی برای تربیت نیروهای فکری متخصص، ساخت مسجد و حسینیه، و ارائه خدمات و کمک های

##PAGE=213##

مالی به نیازمندان است. فعالیت‌های آن تا سال ۲۰۰۳ به‌شرح ذیل ذکر شده است:

۱- تأسیس مدرسه دینی، ۲۵ باب (بلتستان و کراچی)؛

۲- تأسیس مسجد، قریب، ۴۵ باب (گلگت، بلتستان و پنجاب)؛

۳- ساخت حسینیه، ۲۵ باب (مناطق شمالی و پنجاب)؛

۴- ساخت مراکز آموزش قرآن و احکام ۱۵۴ باب؛ تعداد شاگردان و دانش آموزان کلاس‌های قرآن و احکام قریب ۱۲ هزار پسر و دختر است.

۵- تأسیس مدرسه‌ای به‌نام «دار علی بن ابی طالب علیه السّلام»؛

---

[۶۰۱] (1). مادنامه النصرة، ش 51- 52،(ژانویه- ژوئن2001)، ص آخر.

[۶۰۲] (2). همان، ش26- 27،(می1993)، ص60.

۶- ساخت «یتیم‌خانه» که بیش از ۶/۰۰۰ نفر از افراد بی‌سرپرست را تحت پوشش دارد و ماهیانه ۴۰۰ تا ۶۰۰ روپیه به‌آنان کمک می‌شود.[۶۰۳]

۶. بنیاد معرفی فاوندیشن:[۶۰۴] یکی از مؤسسات فعّال در مناطق شمالی است که فعالیت اصلی آن در زمینه مدارس جدید و تحصیلات دانشگاهی و امور بهداشتی متمرکز شده است . دفتر مرکزی «بنیاد» (فاوندیشن) در کراچی قرار دارد، اما شعبه‌های آن در اسلام آباد، لاهور و اسکردو نیز دایر گردیده است . این مؤسسه ا ز طرف افراد خیّر شیعه در کویت حمایت می‌شود و مسئول آن در پاکستان، آقای افضل علی شگری، افسر بازنشسته پلیس، مقیم اسلام‌آباد است.

«بنیاد معرفی فاوندیشن » تاکنون توانسته است ۲۰۰ واحد مدرسه، ۳۰ درمانگاه (بلتستان) و چهار خوابگاه دانشجویی (کراچی) با تعداد ۶۰ دانشجو در محلّه‌های «گلشن اقبال»، «گلستان جوهر» و «جوهر کمپلکس»[۶۰۵] ایجاد یا اجاره کند.

هزینه خوابگاه‌های دانشجویی به‌طور صددرصد از طرف «بنیاد» تأمین می‌شود.

##PAGE=214##

همچنین «بنیاد» مرکزی در لاهور با همکاری ۴۰۰ تن از پزشکان پنجاب تحت عنوان «پاکستان میدیکل کیر»[۶۰۶] تأسیس کرده است که اعضای آن هر سال، چهار بار در گروه ۱۰ نفری به بلتستان می روند و به مداوای بیماران می‌پردازند و افرادی را که نیاز به بستری شدن داشته باشند به لاهور منتقل می‌کنند.[۶۰۷]

ج. سازمان‌ها و انجمن‌های محلّی

سازمان‌ها و انجمن های مذهبی محلّی ساز مان‌هایی هستند که در سطوحی پایین تر از ایالت مانند ناحیه، منطقه (متشکّل از چند شهرستان و کوچک تر از ایالت)، شهرستان، بخش و یا یک شهر خاص فعالیت می کنند. این‌گونه سازمان ها، انجمن‌ها و مؤسسات، که در بیشتر شهرها و شهرستان‌ها وجود دارند، از لحاظ نوع فعالیت، به‌سه گروه تقسیم می شوند:

اول. انجمن‌هایی که عمدتا از حقوق و منافع مذهبی شیعیان محلی دفاع می کنند و باتوجه به اینکه مهم ترین حقوق مذهبی- اجتماعی شیعیان در برگزاری مراسم عزاداری تبلور یافته، هدف عمده این سازمان ها و انجمن ها حراست از برنامه‌های عزاداری ایام محرّم، مدیریت راه پیمایی (جلوس) روز عاشورا و اربعین و برچیدن موانع در این زمینه است؛ مانند: «شیعه کانفرانس»[۶۰۸] در کویته، «امامیه جرگه» در پیشاور، «انجمن امامیه سند» در حیدرآباد، «انجمن حیدری» در سکّر، «شیعه رابطه کونسل » در خیرپور، «انجمن حسینیه » در پاراچنار، «امامیه کونسل» در هنگو، «مرکزی تنظیم عزا» در کراچی، و «تحریک تحفّظ حقوق جعفریه

---

[۶۰۳] (1). منبع: پروفسور غلام مهدی از مسئولان« محمّدیه ترست» در کراچی و کتاب حسنات جاریه گزارش توضیحی و تصویری جامعه« اهل بیت» اسلام‌آباد و فعالیت‌های اسلامی و رفاهی مؤسسات در مناطق شمالی.

[۶۰۴] (2). noitadnuoF ifarraoM daynuB

[۶۰۵] (3). xilpmoC rehoJ

[۶۰۶] (1). riaC lacideM natsikaP

[۶۰۷] (2). مصاحبه با پروفسور غلام مهدی، مسئول دانشکده علوم اسلامی دانشگاه کراچی و مسئولان دفتر بنیاد معرفی در کراچی، 16 اسفند 1382 ش/ 7 مارس 2004 م.

[۶۰۸] (3). ecnerefnoC aihS

##PAGE=215##

پاکستان» در لاهور.

دوم. انجمن‌ها و سازمان‌های عمدتا آموزشی که انگیزه‌شان برگزاری مراسم دینی، تشکیل کلاس های قرآنی، ایجاد مراکز آموزش معارف و احکام (دینیات سینترز) و چاپ و نشر کتاب و نشریه است؛ مانند «امامیه مشن ترست » در لاهور، «مرکز علم و عمل » در کراچی، «محفل مرتضی » در کراچی، و «امام خمینی کمپلکس »[۶۰۹] در ماری اندس از توابع میانوالی.

سوم. سازمان‌ها و انجمن هایی که عمدتا فعالیت های رفاهی دارند . این سازمان‌ها و مؤسسات با هدف مبارزه با فقر تشکیل شده و فعالیت‌هایشان در عرصه‌های خدمات‌رسانی، مساعدت‌های مالی و آموزش فن و حرفه با هدف شغل یابی متمرکز است؛ مانند: «شهید فاوندیش» (بنیاد شهید) در کراچی، «تنظیم غلامان آل عمران » در لاهور، و «شهدا ویلفیئر» در کویته.

سازمان‌ها و انجمن های محلّی در انسجام و سازمان دهی فعالیت‌های جمعی در عرصه های فرهنگی، آموزشی، تبلیغاتی، مذهبی، اجتماعی و گاهی سیاسی نقش مؤثری ایفا می کنند؛ به‌ویژه در مناطقی که سازمان‌های ملّی یا ایالتی حضور فعّال ندارند، این سازمان ها و انجمن ها وظیفه فعالیت های دینی و رفاهی را نیز به عهده گرفته‌اند. باتوجه به‌نابسامانی وضع آموزشی، فرهنگی و اقتصادی جامعه، وجود سازمان‌ها و مؤسسات حمایتی آثار مثبتی در زندگی شیعیان دارد.

تعداد انبوه این‌گونه انجمن‌ها مانع از آن می گردد تا هرکدام را جداگانه توضیح داده و مورد بررسی قرار دهیم . از این‌رو، تنها به‌فهرست اجمالی آنها براساس تقسیم‌بندی ایالت‌ها بسنده می‌نماییم:

##PAGE=216##

جدول (۵): انجمن‌های محلّی پنجاب

[تصویر]

##PAGE=217##

جدول (۶): انجمن‌های محلّی سند

[تصویر]

##PAGE=218##

جدول (۷): انجمن‌های محلّی سرحد

[تصویر]

---

[۶۰۹] xelpmoC iniemohK mamI..(1)

##PAGE=219##

جدول (۸): انجمن‌های محلّی بلوچستان

[تصویر]

##PAGE=220##

روحانیت

نهاد «روحانیت» یکی از قدیمی ترین، پایدارترین و نیرومندترین نهادهای مذهبی و اجتماعی در این کشور به شمار می‌رود. بررسی پیشینه تاریخی این نهاد مورد نظر ما نیست، اما شواهد حاکی از آن است که سابقه تاریخی روحانیت به‌دوران آغاز ورود تشیّع به شبه قاره یا مقارن آن برمی گردد. ورود و گسترش شیعه در شبه قاره هند (برّ صغیر)، به‌استثنای اولین مرحله نفوذ آن، که با آمدن سپاهیان حضرت علی علیه السّلام به فرمان دهی حارث بن مرّه عبدی در ناحیه سند و یا آل شنسب و سپس عبد اللّه اشتر در زمان منصور خلیفه عبّاسی صورت گرفت، در مقاطع دیگر، عمدتا با مهاجرت سادات نقوی، کاظمی، رضوی و آمدن عالمان صوفی مسلک ایرانی به این سرزمین انجام گرفته است . در میان سادات مهاجر، روحانیانی دیده می‌شوند که مهارت‌های علمی لازم را داشته‌اند. بنابراین، علما بیشترین نقش را در ترویج تشیّع ایفا کرده‌اند که از عراق، ایران و ماوراء النهر به طور فصلی یا طولانی مدت به‌این سرزمین می‌آمدند.

اما رشد سازمان یافته نهاد روحانیت در دوران معاصر، با تأسیس مدارس علمیه لکنو («مدرسهٔ الواعظین»، «سلطان المدارس» و «مدرسه ناظمیه») در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم م آغاز شد . فارغ التحصیلان لکنو همچون علّامه سید محمّد باقر (۱۸۸۱– ۱۹۶۶) مولانا حکیم سید آفتاب حسین رضوی (۱۸۹۴– ۱۹۶۵)، مفتی سید عنایت علی نقوی (۱۹۰۴– ۲۰۰۵)، مولانا سید ظفر حسن نقوی امروهوی مقیم کراچی (ت ۱۸۹۰)، مولانا کریم‌بخش مقیم راولپندی (۱۹۱۹– ۱۹۷۹)، مولانا سید محبوب علی شاه مقیم خوشاب (۱۹۰۱– ۱۹۵۴ م)، مولانا محمّد اعجاز حسن (۱۲۹۸– ۱۳۵۰ ق)، سید نجم الحسن کراروی مولانا محمّد یار (ت ۱۹۰۱) و ده‌ها عالم دیگر هریک به ایجاد مدارس و مراکز دینی و

##PAGE=221##

ایجاد ارتباط با همدیگر دست زدند.

هرچند فعالیت های اینان فاقد تمرکز و سازمان دهی منسجم بود، اما باوجود آن، در برخی موارد و در سطح حلقات و شبکه‌های کوچک تر، از نوعی نظم و سازمان دهی غیررسمی برخوردار بود و این زمانی بود که مدارس بزرگی مانند «مدرسهٔ الواعظین» لکنو– درگذشته– و مدرسه جامعه «المنتظر»، «دانشگاه جعفریه» در واگریجی سند و جامعه «اهل بیت» (اسلام‌آباد) و مانند آن– در زمان حاضر– با مدیریت و امکانات بخصوص توانستند نوعی هماهنگی در سطح یک ایالت یا بخشی از آن به‌وجود آورند.

مدارس لکنو، به ویژه مدرسه «ناظمیه» با تدوین برنامه ۱۵ ساله جامع علوم اسلامی و «مدرسهٔ الواعظین» با ایجاد دوره‌های آموزشی سه ساله در فن خطابه، جدل، مناظره و کلام، زبده ترین خطبا و سخنرانان را آموزش دادند و برای

تبلیغ و مناظره به‌سراسر هند گسیل داشتند.[۶۱۰] بدین روی، می‌توان گفت: مکتب «لکنو» نقش مهمی در گسترش تشیّع در پنجاب، سند و سرحد ایفا کرده است . حضور گسترده روحانیان تحصیل کرده لکنو مانند مولانا محمّد اعجاز حسن (۱۲۹۸– ۱۳۵۰ ق) و یا افرادی که از این مکتب متأثر بودند؛ مانند مولوی اسماعیل دیوبندی (۱۹۰۱– ۱۹۷۶)، سید نجم الحسن کراروی در سرحد (۱۹۱۸– ۱۹۸۲)، علّامه حافظ کفایت حسین در پنجاب (۱۸۹۸– ۱۹۶۸) و علّامه سید جلیل اختر در پیشاور و پاراچنار، مولانا محمّد بشیر انصاری در تیکسلا (۱۹۰۱– ۱۹۸۳)، مولانا سید محمّد عارف نقوی در سند و پنجاب (م ۱۹۸۸)، علّامه مفتی جعفر حسین در پنجاب (۱۹۱۶– ۱۹۸۳)، مولانا میرزا یوسف حسین در پنجاب (۱۹۰۱– ۱۹۸۸)، علّامه علی نقی نقوی و علّامه سید محمّد دهلوی

##PAGE=222##

در کراچی (۱۳۱۷– ۱۳۹۲ ق)، ابن حسن جارچوی[۶۱۱] (۱۹۰۴– ۱۹۷۳)، مولانا سید حشمت علی در پنجاب (۱۸۵۸– ۱۹۳۵) و تعدادی دیگر از علما، فرهنگ و بینش مخصوص مکتب «لکنو» را، که عمدتا بر کلام، مناظره، فضیلت‌گویی، سنّی‌ستیزی و درون‌گرایی مبتنی بود، در مناطق سند، پنجاب و سرحد ترویج کردند.

پس از استقلال پاکستان (۱۹۴۷) تحوّل شگرفی در نهاد روحانیت به وجود آمد. این تحوّل در دو عرصه فکری و ساختاری اتفاق افتاد. در عرصه فکری، چرخشی از «لکنو» به «نجف» مشاهده می‌شود. مکتب فکری «نجف»، که در بستر فرهنگی و اعتقادی خالص شیعه شکل گرفته بود، بر خط مشی کلی توسعه فقه و اصول، که تجلّیگر مجادله دو گرایش درون مذهبی (اخباری و اصولی) بود، شکل گرفت. در این مکتب، کاوش‌های عمیق اصولی با گرایش فلسفی، که بتواند از اصل «اجتهاد» و جایگاه فقاهت و «مرجعیت» در قبال گرایش «اخباری» و نفی مرجعیت دفاع کند، مورد توجه قرار داشت. این گرایش علمی ابزار استدلالی خاص خود را اقتضا می نمود که زبان شناسی و ادبیات عرب و سپس استدلالات اصولی در پرتو قواعد اصولی و فقهی بود . بدین‌سان، دانش حوزوی به‌سوی هرچه تخصصی تر شدن پیش رفت و مخاطبان آن نیز از توده مردم (عوام الناس) به نخبگان (اهل علم) تغییر کرد. در این مکتب استدلالات علمی و اصولی، که بر برهان مبتنی بود، بر روش‌های ایجاب، اسکات و تهییج احساسات عوام، که خطابه، مناظره، جدل و فضایل متکفل آن بودند، برتری داشت.

نسل جدید و در واقع، پاکستانی روحانیت (نه مشترک با هند) با اولویت‌های علمی متناسب با «مکتب نجف» رشد نمود و در درون جامعه، آهنگ

##PAGE=223##

«اصلاح‌طلبی» پیشه نمود و فرهنگ و دانش دینی پیشین را محتاطانه به نقد کشید. به نظر می‌رسد شفّاف شدن مرز میان «عالم» و «ذاکر» ریشه در همین دو نوع گرایش دارد؛ چه آنکه در مکتب «لکنو» میان این دو نهاد و گروه دینی، دوگانگی محسوسی دیده نمی شد. «ذاکر» بازمانده و تداوم‌بخش فرهنگ «لکنو» است، اما «عالم» راهگشا و دعوتگر فرهنگ نجف. بنابراین، روحانیت امروز پاکستان وارث این دو طرز تفکر است. پیشگامان مکتب نجف عبارتند از: مولانا سید محمّد باقر نقوی، مولانا سید محمّد یار شاه نجفی (م ۱۹۹۰)، مولانا اختر عبّاس نجفی (م ۱۹۹۹)، مولانا حسین

---

[۶۱۰] (1). حسن الامین، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعه، ج20، ص124.

[۶۱۱] (1)..ywohcraJ

بخش نجفی (م ۱۹۹۰)، مولانا سید صفدر حسین نجفی (م ۱۹۸۹)، آیهٔ اللّه محمّد حسین نجفی دهکو، آیهٔ ال لّه حافظ ریاض حسین نجفی، مولانا شیخ محسن علی نجفی، شیخ غلام محمّد نجفی (بلتستان)، شیخ یعقوب علی توسّلی (کویته) و برخی دیگر.

از اوایل دهه ۸۰ م، زمانی که انقلاب اسلامی ایران به رهبری روحانیت در آن کشور به پیروزی رسید، جامعه روحانیت پاکستان شاهد ظهور نسل سوم با گرایش‌های مکتب «قم» بود. نسل سوم اکنون اندک اندک به‌بار می‌نشیند. این نسل نه عمدتا تک تاز عرصه «مناظره» و «فضایل» است و نه صرفا کاوشگر ژرف اندیش عرصه فقه، اصول و اجتهاد، بلکه کارشناس «زمانی و مکانی دانش اسلامی » است که فقه و دانش اسلامی را با ابزار علوم جدید به‌بررسی نشسته و کار ویژه «اصول و فقه» را بیش از آنکه در بازگشایی شبهات غامض اهل فن و شبه جست وجو کند، در تغییر زندگی عملی در عرصه اجتماع، سیاست، فرهنگ و اقتصاد جست‌وجو می‌کنند.

بنابراین، دست‌کم می توان از سه گرایش در جامعه روحانیت پاکستان سخن به میان آورد: گرایش اول دارای پایگاه مردمی قوی؛ گرایش دوم دارای قدرت

##PAGE=224##

سازمانی و علمی قوی؛ و گرایش سوم دارای پشتوانه روشن‌فکری و دانشگاهی قوی است.

اما تحوّل ساختاری جامعه روحانیت، که در دوران پس از تأسیس پاکستان رخ داد، تحوّل از عدم تمرکز به سوی تمرکز بوده است. در مقطع قبل از ۱۹۴۷، وسعت جغرافیایی هند مانع از شکل‌گیری سازمان‌های فراگیر روحانیت می گردید، اما پس از آن تلاش‌هایی در جهت ایجاد مرکزیت واحد به‌عمل آمده که دستاوردهای زیادی به‌همراه داشته است.

اولین حرکت سازمان‌یافته علما در پایان دهه اول تشکیل پاکستان آغاز شد.

در سال ۱۹۵۸ گردهمایی بزرگی از علمای شهرهای متعدد در لاهور برگزار گردید و شالوده سازمان «وفاق المدارس شیعه پاکستان» در آن ریخته شد .[۶۱۲] این سازمان در سال ۱۹۶۲ تحت عنوان «مجلس نظارت مدارس شیعه » اظهار موجودیت کرد و در سال ۱۹۷۹ رسما نام «وفاق المدارس شیعه پاکستان » را برای خود برگزید .[۶۱۳] سازمان توانست استادان و مسئولان مدارس شیعه را در داخل یک تشکیلات مذهبی سازمان‌دهی کند.

دومین حرکت فراگیر روحانیت از هفتم نوامبر ۱۹۷۸ از جامعه «امامیه» لاهور آغاز شد که سبب شکل گیری «وفاق علمای شیعه پاکستان » گردید.[۶۱۴] این گروه با اهداف ایجاد رابطه میان روحانیان، حفظ حقوق روحانیان، ایجاد برنامه آموزشی، سامان دهی امور مساجد، حفظ عزاداری، تبلیغ دین، آموزش دینی دانشجویان در دانشگاه ها، اجرای قوانین اسلامی و اتحاد میان مسلمانان و مذاهب به‌وجود آمد.[۶۱۵]

---

[۶۱۲] (1). سازمان وفاق المدارس شیعه پاکستان، دستورالعمل وفاق المدارس شیعه پاکستان، مقدّمه، ص1- 2.

[۶۱۳] (2). همان.

[۶۱۴] (3). همان، ص 4.

[۶۱۵] (4). همان، از طرف دفتر مرکزی، ص 6- 7.

دو گروه مزبور، که ویژه روحانیان به‌شمار می‌آیند، اساس سازمانی نظام

##PAGE=225##

روحانیت را تشکیل می دهند. این دو سازمان در برخی مقاطع، کارنامه ارزنده ای در همسویی روحانیت در جهت حرکت‌های وسیع علمی نیز به یادگار گذاشته است؛ چنان‌که نمونه‌های آن را می توان در شکل‌گیری و استحکام «تحریک نفاذ فقه جعفریه » در دهه ۱۹۸۰ و زمینه سازی برای تفاهم و یک پارچگی مجدّد احزاب و گروه های مذهبی شیعه در ۲۰۰۴ مشاهده نمود.[۶۱۶] این دو سازمان در سطح پنجاب، که پرجمعیت ترین ایالت شیعه‌نشین و دارای موقعیت فرهنگی و سیاسی استراتژیک است، از نفوذ خاصی برخوردار است. جامعه «المنتظر» پایگاه اصلی سازمان‌های روحانیت به شمار می‌رود. هرچند رئیس کنونی «وفاق علمای شیعه » حجۀ الاسلام جناب آقای سید فیّاض حسین نقوی، مسئول مدرسه «جامعه علمیه دیفنس» در کراچی، حضور دارد، اما مرکز سنّتی قدرت این گروه در شهر لاهور است.

پس از دو ساز مان نام برده، «تحریک جعفریه » نیز می تواند یکی از سازمان های مهم روحانیت تلقّی شود . هرچند «تحریک جعفریه» از لحاظ حقوقی به همه اقشار و گروه های اجتماعی تعلّق دارد، اما بیشترین اعضای آن را، به ویژه در سطوح بالا و میانه، روحانیان تشکیل می‌دهند.

جمعیت روحانیان شیعه (غیر از طلّاب مدارس دینی داخل پاکستان و علمایی که در خارج از پاکستان سکونت دارند) با در نظر داشتن جمعیت ۲۰ درصدی شیعه پاکستان نسبت به کل جمعیت این کشور، که جمعا ۲۸ میلیون از ۱۴۰ میلیون جمعیت این کشور را در آخرین سال قرن بیستم تشکیل می دادند، بسیار ناچیز تلقّی می‌شود. میزان جمعیت روحانیان در آمار خود شیعیان، قریب ۲/۰۰۰

##PAGE=226##

نفر ثبت شده است که بیشترین تعداد آن با ۱/۱۸۷ نفر در پنجاب و کمترین آن با ۳۳ نفر در بلوچستان زندگی می‌کنند.[۶۱۷] اما این آمار در چند سال دیگر، به چند برابر افزایش خواهد یافت . استقبال فراوان طلّاب جدید در دو دهه اخیر از مدارس علمیه، می تواند توازن مثبتی میان رشد جمعیت و روحانیت به وجود آورد. براساس برخی آمارها، اکنون ۲۷/۵۵۹ نفر طلبه و دانش‌آموز علوم اسلامی در مدارس و مراکز دینی داخل پاکستان[۶۱۸] و قریب ۱/۸۰۰ نفر در حوزه علمیه قم[۶۱۹] مشغول تحصیل هستند.

جدول توزیع جغرافیایی روحانیت شیعه در سال های اخیر، براساس اسامی گردآوری شده توسط محقق گرانمایه، آقای سید محمّد ثقلین کاظمی، در کتاب امامیه دایریکتری ۲۰۰۱ بدین شرح است:

جدول (۹) توزیع جغرافیایی روحانیان در ایالت‌های پاکستان

---

[۶۱۶] (1). لازم به‌یادآوری است که در سال‌های1987-1988 نشانه‌هایی از اختلاف فکری و سیاسی میان« وفاق» و« تحریك» به چشم می‌خورد که اندکی از گرمی روابط این دو جریان اصلی روحانیت و تشیّع می‌کاست.

[۶۱۷] (1). این آمار از فهرست کتاب امامیه دایریکتری2001 م، تألیف آقای سید محمّد ثقلین کاظمی، گرفته شده است.

[۶۱۸] (2). جعفر سطوتی، شیعیان پاکستان، ص90.

[۶۱۹] (3). آمار مرکز جهانی علوم اسلامی در قم.

[تصویر]

زمینه‌های فعالیت روحانیت

فعالیت روحانیان این کشور همانند روحانیان سایر کشورهای اسلامی، عمدتا در پنج زمینه متمرکز گردیده است : آموزشی، تبلیغی، فرهنگی- پژوهشی، اجتماعی و سیاسی.

##PAGE=227##

۱. آموزشی: این فعالیت‌ها معمولا به‌آموزش‌های دینی داخل مدارس علمیه و دینیات سنترها مربوط می گردد (که بررسی آن را به‌فصل بعد واگذار می‌نماییم.)

۲. تبلیغی: فعالیت‌های تبلیغی (روحانیان) به دو بخش تقسیم می گردد: الف. فصلی؛ ب. غیرفصلی. فعالیت‌های تبلیغی فصلی عمدتا در دو فصل یا دوره زمانی سال انجام می گیرد: ماه محرّم و ماه رمضان المبارک. محرّم- همان‌گونه که در فرهنگ جهان تشیّع تعریف شده است- مهم‌ترین فصل تبلیغی به شمار می‌رود. تقریبا در تمام مناطق شیعه نشین، بجز موارد در حال تقیّه، که تعداد آنها محدود است و یا عدم دست رسی به «عالم» و یا «ذاکر»، مراسم عزاداری در ماه محرّم برگزار می‌شود. همچنین این برنامه در سطح نسبتا کمتری در ماه رمضان، به ویژه شب‌های قدر و شهادت حضرت امام علی علیه السّلام، نیز به‌اجرا گذاشته می‌شود.

روحانیان به‌صورت انفرادی و یا برنامه ریزی شده، در این دو مناسبت مذهبی به مناطق مختلف شهری و روستایی اعزام می‌شوند. مدارس و حوزه‌های علمیه در مجموع، نقشی فعّال در برنامه‌های تبلیغی دارند. اما برخی مدارس این نقش را به صورت گسترده‌تر و منظم‌تر ایفا می‌کنند؛ مانند مدرسه جامعه «المنتظر» لاهور تحت سرپرستی سید حافظ ریاض حسین نقوی و مدرسه جامعه «امام خمینی» در ماری اندس میانوالی تحت سرپرستی حجة الاسلام سید افتخار حسین نقوی که برنامه‌های اعزام مبلّغ منظّم ۱۰ روزه را در هر چهار ماه یک بار با تعداد ۱۰۰ نفر روحانی برعهده دارد.[۶۲۰] همچنین «جامعه علمیه سلطان المدارس اسلامیه » (سرگودا) تحت سرپرستی مولانا محمّد حسین نجفی دکو، که علاوه بر برنامه‌های اعزام مبلّغ، همایش سالانه از علمای پنجاب برگزار می کند که یکی از موضوعات اصلی همایش تبادل نظر درباره شیوه تبلیغ و بررسی ابعاد آن و هماهنگی در امر

##PAGE=۲۲۸##

تبلیغ است. «مرکز تحقیقات و تبلیغات اسلامی » جام‌شور و حیدرآباد تحت سرپرستی مولانا حیدر علی جوادی، مدرسه «مخزن العلوم جعفریه » ملتان تحت سرپرستی مولانا محمّد تقی نقوی، جامعه «علمیه کراچی » تحت سرپرستی حجة الاسلام سید فیّاض حسین نقوی و «جامعه الزهراء» پاراچنار تحت سرپرستی مولانا سید عابد حسین حسینی و جامعه امام صادق کویته تحت سرپرستی حجة الاسلام محمد جمعه اسدی نیز از جلمه این مدارس و مراکز است.

---

[۶۲۰] (1). مصاحبه با حجة الاسلام کاظم حسین حسینی، مسئول مدرسه« امام العصر علیه السّلام» شیخن، در جنگ(یکی از مدارس تحت پوشش جامعه« امام خمینی») 13 فروردین1383.

وضعیت فعالیت های تبلیغی در شهر و روستا کاملا متفاوت است . در سطح شهرها، باتوجه به تمرکز روحانیت و فعّال بودن مساجد و نماز جماعت، میزان فعالیت تبلیغی چشمگیر است، اما وضعیت در روستاها فرق می کند. جدول ذیل وضعیت تبلیغی و فعالیت مذهبی را در تعدادی از روستاها نمایش می دهد:

جدول (۱۰): وضعیت تبلیغی روحانیت در برخی روستاهای پاکستان

[تصویر]

##PAGE=۲۲۹##

این جدول نشان می‌دهد که علایق مذهبی، که «مسجد» نماد آن تلقّی می‌شود، در غیرایالت بلوچستان، بالای ۹۰ درصد، اما برنامه‌های مذهبی و تبلیغی کمتر از میزان نیاز و علایق مردم است . مراسم عزاداری، که علما و ذاکران هردو در اداره آن نقش ایفا می کنند دست‌کم در ۷۵ درصد روستاها برگزار می گردد، در حالی که وضعیت تبلیغ عمومی تنها قریب ۴۰ درصد روستاها را دربر می گیرد. اما شرایط مذهبی و تبلیغی بلوچستان حالت کاملا استثنایی به خود گرفته است. از ۹۱ قصبه و روستای دو شهرستان اوستا محمّد و تمبو، تنها ۵۰ روستا دارای مسجد و حسینیه، و ۱۷ روستا دارای مراسم عزاداری است، در حالی که در هردو شهرستان، در گذشته، حتی یک نفر روحانی هم وجود نداشت. این شرایط در ایالت مزبور در سال‌های اخیر اندکی رو به بهبودی نهاده است.

مدارس علمیه «جامعهٔ اهل البیت و القرآن » در اوستا محمّد و «فیضیه» در صحبت‌پور با همکاری طلّاب بلوچستان، که در ایران مشغول تحصیل هستند، برنامه های تبلیغی فصلی را به اجرا نهاده و ارتباط خود را با برخی روستاها برقرار کرده‌اند.

اما مسئله مهمی که در امر تبلیغ می‌تواند جلب توجه نماید، نوع آموزه‌هایی است که در تبلیغات به‌مردم ارائه می‌شود. این آموزه‌ها عمدتا و اکثرا فاقد بار علمی، فقهی و تربیتی بوده، مبتنی بر «فضایل‌گویی» و «منازعات اعتقادی بین شیعه و سنّی» است. بنابراین، اندک فرصت تبلیغی پیش آمده نیز نتوانسته است اثرات دینی و تربیتی خود را در میان جامعه به‌دنبال داشته باشد. تمرکز بر بیان فضایل اهل بیت علیهم السّلام، به ویژه حضرت علی علیه السّلام، و نادیده انگاشتن موضوعات فقهی (احکام)، اخلاقی، تربیتی، اعتقادی (اصول دین) اجتماعی و سیاسی اسلام یک گرایش غالب در میان علماست. از مطالعه چند نمونه آثار حاوی منابر و مجالس

##PAGE=۲۳۰##

علما مانند توضیح عزا، نوشته علّامه حسین بخش دهلوی، عرفان المجالس تألیف علّامه سید صفدر حسین نجفی و نسیم المجالس تألیف علّامه سید نسیم عبّاس رضوی روشن می گردد که اثر اول، که مشتمل بر ۷۶ مجلس است، بجز چند مجلس، عموما به موضوع فضایل پرداخته است؛ اثر دوم، که مشتمل بر ۲۰ مجلس است، از مجلس اول تا پنجم، موضوعات اعتقادی و خداشناسی را به‌بحث گذاشته و ۱۵ مجلس دیگر تماما به فضایل ائمّه اطهار علیهم السّلام پرداخته؛ و اثر سوم نیز اکثریت قاطع مجالس آن، موضوع «فضایل» را محور بحث خود قرار داده است.

حجۀ الاسلام سید ارشاد حسین، خطیب نامدار خیرپور، می گوید: موضوع ۱۰۰ درصد منبرهای خود او را فضایل تشکیل می‌دهد. او عوامل رویکرد منبری‌ها به «فضایل» را چنین ذکر می‌کند:

۱- عاری بودن بیشتر خطبا و ذاکران از عمل و لذا نمی‌تواند مستمعان خود را به عمل دعوت کنند؛

۲- انگیزه‌های مالی و کسب موقعیت و نفوذ در میان عوام؛

۳- پایین بودن سطح معلومات دینی خطیب؛

۴- و در نهایت، عدم استقبال علمای بزرگ از خطابه و منبر.[۶۲۱]

نوع دیگر فعالیت و عمل تبلیغی، تبلیغات غیرفصلی است که در مناسبت های دینی مانند ولادت ها و شهادت ها یا مناسبت‌های غیردینی مانند گردهمایی ها، فاتحه‌خوانی‌ها، جمعه‌خوانی‌ها و مانند آن انجام می گیرد. این‌گونه تبلیغات در طول سال، حجم قابل توجهی از تبلیغات علما را تشکیل می دهد، اما محتوای آن با تبلیغات فصلی تفاوت چندانی ندارد. تنها تفاوتی که از لحاظ محتوا و روش،

##PAGE=۲۳۱##

می‌توان میان تبلیغات شفاهی برشمرد، تفاوت به‌لحاظ مناطق جغرافیایی است؛ به این معنا که در مناطق شمالی و کویته (مرکز بلوچستان) «فضایل» به‌عنوان یک موضوع مستقل، به ندرت مورد توجه سخنرانان قرار می گیرد، بلکه آنچه محتوای اصلی خطابه و منبر را در این دو ناحیه تشکیل می دهد «معارف اسلامی» مانند عقاید، اخلاق، تاریخ و مسائل تربیتی و اجتماعی اسلام است که این بیان کننده تأثیرناپذیری این دو منطقه جغرافیایی از فرهنگ مذهبی «لکنو» است. در واقع، این دو منطقه دورافتاده از مرکزیت پاکستان دارای فرهنگ و ارزش های مذهبی بخصوصی است که تناسبی با پنجاب، سرحد و سند ندارد و بیشتر با ایران و افغانستان (نه هند) احساس بیگانگی می‌کند.

۳. فرهنگی- پژوهشی: فعالیت‌های فرهنگی بخش عمده دیگری از فعالیت روحانیان شیعه را تشکیل می دهد. هرچند امکانات فرهنگی و منابع مالی مربوط به این فعالیت‌ها بسیار محدود است و بیشتر علما و مسئولان مدارس علمیه از این بابت شکوه دارند، اما روند این نوع فعالیت‌ها در مجموع، مثبت تلقّی می‌شود.

عمده‌ترین فعالیت های فرهنگی، فعالیت های مطبوعاتی و رسانه ای است که علما در این عرصه، به انتشار ده‌ها نشریه (هفته‌نامه، دو هفته نامه، ماه‌نامه و فصل نامه) موفق شده‌اند. در واقع، اکثریت قاطع نشریات دینی به کمک روحانیان و یا مستقیما از سوی علما و حوزه‌ها و مدارس علمیه منتشر می‌گردد؛ مانند:

۱- ماه‌نامه المنتظر، مدرسه علمیه جامعه «المنتظر»، لاهور؛

۲- ماه‌نامه دقایق الاسلام، مدرسه علمیه «سلطان المدارس»، سرگودا؛

---

[۶۲۱] (1). مصاحبه با حجة الاسلام سید ارشاد حسین قمی در مدرسه« سلطان المدارس» خیرپور، 21 مارس،2004 م.

۳- ماهنامه لسان صدق، «دار التبلیغ جعفریه»، اسلام‌آباد؛

۴- ماهنامه پیام زینب، «جامعهٔ السیدهٔ خدیجهٔ الکبری»، میانوالی؛

۵- ماهنامه المبلّغ، «دار العلوم محمّدیه»، سرگودا؛

##PAGE=۲۳۲##

۶- ماهنامه النصرهٔ، «تنظیم نصرت اسلامی»، لاهور؛

۷- ماهنامه مجتبی (کودکان)؛

۸- ماهنامه اصلاح، «ارگان نشراتی تنظیم المکاتب»، کراچی؛

۹- ماهنامه تحریک؛ این ماه نامه از سوی «تحریک جعفریه» منتشر می گردید، اما اکنون چاپ و انتشار آن متوقف شده است.

۱۰- ماهنامه صدای معصوم، لاهور؛

۱۱- فصل‌نامه صدای ثقلین، لاهور.

در زمینه پژوهش، تألیف و ترجمه نیز فعا لیت‌های نسبتا خوبی انجام گرفته و در بیشتر موضوعات علوم اسلامی، مانند تفسیر، تاریخ، عقاید، احکام و مناسک دینی، تراجم و رجال، فقه و اصول آثار متعددی از سوی علما تألیف و یا ترجمه گردیده است.[۶۲۲] اما به‌نظر می‌رسد ارزش علمی آثار موردنظر بجز موارد اندک، در سطح متو سط و یا پایین‌تر از متوسط قرار دارد. به همین دلیل، آثار علمای شیعه نتوانسته است جایگاه خود را در مراکز علمی کشور باز نماید و این در حالی است که برخی علمای پیشین از لحاظ کیفیت آثار علمی، به ویژه تاریخ، کلام، تفسیر و فقه جلوتر از علمای معاصر قرار داشتند.

مهم‌ترین شخصیت‌های روحانی، که در این عرصه قلم زده‌اند، عبارتند از:

۱- مفتی جعفر حسین (۱۹۱۶- ۱۹۸۳) صاحب آثار ترجمه و حواشی نهج البلاغه، ترجمه و حواشی صحیفه کامله، سیرت امیر المؤمنین علیه السّلام؛

۲- حجهٔ الاسلام سید صفدر حسین نجفی (لاهور) صاحب آثار حقوق و اسلام ، دین حق از دیدگاه عقل، حدود و تعزیرات، مناسک حج، ترجمه تفسیر قرآن مجید، ترجمه منتهی الآمال، ترجمه الارشاد مفید، و چندین کتاب دیگر؛

##PAGE=۲۳۳##

---

[۶۲۲] (1). برای آشنایی بیشتر با تألیفات علمای پاکستان، ر. ك. سید حسین عارف نقوی، بر صغیر کی امامیه مصنفین.

۳- آیۀ اللّه محمّد حسین نجفی دکو (سرگودا) صاحب آثار: اصلاح محافل و مجالس، احسن الفواید فی شرح العقاید، اصول الشریعه فی عقائد الشیعه، تنزیه الامامیه، قوانین الشریعه فی فقه الجعفریه، اصلاح الرسوم، ترجمه وسائل الشیعه، تفسیر قرآن و تعداد فراوانی کتب دیگر؛

۴- حجۀ الاسلام شیخ محسن علی نجفی، صاحب آثار متعددی در تفسیر قرآن، عقاید و سایر موضوعات دینی.

۵- سید علی شرف الدین م وسوی، صاحب آثار : قرآن اور مستشرقین، انتخاب مصایب ترجیحات، ترمیمات، تفسیر عاشورا، اصول عزاداری، مثالی عزاداری و آثاری دیگر؛

۶- محمّد ثقلین کاظمی، تذکره علمای امامیه، امامیه دایریکتری ۲۰۰۱ م، و امامیه دینی مدارس پاکستان؛

۷- سید حسین عارف نقوی (اسلام‌آباد)؛

۸- ملک آفتاب حیدر جوادی (راولپندی)؛

۹- مولانا غلام حسین نجفی، مقیم لاهور که بیشترین آثارش در دفاع از شیعه در برابر تهاجمات مخالفان نوشته شده است.

۱۰- علّامه محمّد علی فاضل راجن‌پور، دارای بیش از ۱۱ اثر؛

۱۱- مولانا میرزا یوسف حسین، دارای دست‌کم ۱۶ اثر در موضوعات دینی و اعتقادی؛

۱۲- مولانا سید ظفر حسن نقوی، دارای ده ها اثر تألیفی و ترجمه که از جمله آنها ترجمه و تفسیر قرآن (۵ ج)، ترجمه اصول کافی (۲ ج)، ترجمه فروع کافی (۲ ج) و تحفۀ الاخبار است.

۱۳- مولانا سید قایم رضا نسیم (امروهوی؛ ۱۹۰۸- ۱۹۸۸ م) دارای بیش از ۵۰ اثر؛

##PAGE=۲۳۴##

۱۴- مولانا محمّد حسنین سابقی نجفی (مولتان)، دارای بیش از ۱۳ اثر؛

۱۵- مولانا محمّد اعجاز حسن (۱۲۹۸- ۱۳۵۰ ق)، دارای بیش از ۴۰ اثر؛

۱۶- مولانا سید افتخار حسین نقوی، دارای بیش از ۷ تألیف و ۹ ترجمه؛

۱۷- مولانا حسین بخش نجفی جارا دارای دست کم ۱۲ اثر که از جمله آنها می توان تفسیر انوار النجف (۱۴ ج) را نام برد.

۱۸- مولانا سید رضی جعفر نقوی (کراچی)، دارای بیش از ۲۰ اثر؛

۱۹- حجۀ الاسلام شیخ یعقوب علی توسّلی (کویته) که تعداد زیادی آثار مطبوع و غیرمطبوع دارد.

و تعداد دیگری از علما که برشمردن اسامی تمام آنان موجب طولانی شدن این بحث می‌گردد.

۴. اجتماعی: فعالیت‌های اجتماعی بخش مهم دیگری از فعالیت های روحانیان را تشکیل می دهد. نقش اجتماعی روحانیان در مناطق و فرهنگ های گوناگون، متفاوت است . این نقش در مناطق شمالی، برجسته تر از سایر مناطق پاکستان است. در بلتستان و گلگت، روحانیان نیرومندترین گروه اجتماعی به شمار می‌رود و در تمام تصمیم گیری‌ها، امور اجتماعی و مراسم شادمانه و غمگینانه به نحوی حضور دارند. یکی از نقش های اجتماعی مهم آنان حل دعاوی و منازعات مردم است. قریب ۵۰ سال قبل، مرحوم شیخ غلام محمّد غروی اقد ام به تأسیس «دادگاه محکمه شرعی» در سکردو نمود که تا امروز به فعالیت خود ادامه داده و شیخ محمّد حسن جعفری (امام جمعه اسکردو)، شیخ احمد فصیحی و شیخ محمّد صادق نجفی از مسئولان و گردانندگان کنونی این دادگاه به‌شمار می‌روند.[۶۲۳]

فعالیت‌های اجتماعی عمده روحانیان انجام امور دینی شیعیان در دایره احوالات شخصیه مانند عقد نکاح و ثبت آن در دفترهای ویژه است که از سوی

##PAGE=۲۳۵##

دولت نیز به رسمیت شناخته شده، همچنین ترتیب امور اموات، جمع آوری و توزیع وجوهات شرعی (خمس و زکات)، ایجاد مؤسسات و مراکز خیریه برای خدمات رسانی به نیازمندان، کمک به فقرا و اقشار آسیب پذیر جامعه، ایجاد حسینیه، برگزاری مراسم عمومی در مناسبت های مذهبی و سازمان دهی نیروهای اجتماع برای انجام فعالیت های اجتماعی و اسلامی و مانند آن است.

تقریبا تمام یا بیشتر روحانیان فعالیت هایی از این نوع انجام می دهند، اما برخی از آنان به خاطر کسب موقعیت بهتر، برخورداری از پایگاه اجتماعی گسترده تر و جذب وجوهات شرعی بیشتر، فعالیت های چشم‌گیرتری دارند که با فعالیت مؤسسات نیز قابل مقایسه است.

در اینجا، برای آشنایی با نوع فعالیت‌های آنان، به‌مواردی از آنها اشاره می‌گردد:

۱- حجج الاسلام و المسلمین سید صفدر حسین نجفی و سید حافظ ریاض حسین نقوی، به ترتیب از مسئولان سابق و کنونی مدرسه علمیه جامعه «المنتظر» از نظر فعالیت های اجتماعی، جایگاه برجسته ای در پنجاب یافته اند. آنان ضمن تأسیس یا کمک به ساختن ۲۲ مدرسه دینی در پاکستان و خارج از پاکستان، با تعداد ۱۰۵۰ طلبه، در کمک به مساجد، خانواده‌های فقیر، تشکیل گردهمایی های ملّی از علما و بزرگان و احزاب شیعی، و رسیدگی به امور دینی مردم نیز نقش پیش‌تازی داشته‌اند.[۶۲۴] آقای سید حافظ ریاض حسین همیشه به عنوان یک فرد میانه‌رو به فعالیت روحانیان پنجاب نظم و انسجام بخشیده، در شرایط مقتضی، میان سازمان های شیعی میانجیگری نموده و از طرف شیعیان در محافل رسمی نماینده بوده است.

---

[۶۲۳] (1). گزارش هیأت اعزامی« مجمع جهانی اهل بیت» در 26 مرداد 1381 به‌مناطق شمالی.

[۶۲۴] (1). ماه‌نامه المنتظر، سپتامبر 1997 م، ص 23- 28/ جزوه مدرسه« جامعه المنتظر»،2003.

۲- حجۀ الاسلام شیخ محسن علی نجفی اسلام‌آباد از لحاظ گستردگی فعالیت

##PAGE=۲۳۶##

اجتماعی در سراسر پاکستان و راه‌اندازی مؤسسات خیریه، یک فرد استثنایی به شمار می‌رود. او تاکنون توانسته است با برنامه‌ریزی‌های خود، نیروهای زیادی را برای انجام فعالیت های خیریه بسیج نماید. کارهایی که تاکنون به‌کمک مستقیم و یا تحت نظر و مدیریت او انجام گرفته، بدین شرح است:

الف- ایجاد ۱۵ مدرسه دینی برای پسران و دختران در شهرهای گوناگون پاکستان؛

ب- ایجاد ۳۷ باب مدرسه جدید خصوصی به‌نام «اسوه پبلک اسکول»؛

ج- ساخت و یا مشارکت در ساخت ۳۰ مسجد و حسینیه در سراسر پاکستان؛

د- ایجاد بیمارستان خیریه «عبد اللّه» در اسکردو؛

ه- کمک‌های مالی به‌خانواده‌های بی‌سرپرست و فقیر به‌تعداد چند هزار نفر؛

و- حفر ۲۱ حلقه چاه در مناطق شمالی، پنجاب و سرحد که آب آشامیدنی ۰۰۰/ ۴۰ نفر را تأمین می‌کند.[۶۲۵]

۳- حجۀ الاسلام محمّد جمعه اسدی کویته ضمن رسیدگی به امور روزمرّه مراجعان در دفتر کار خود در مدرسه «امام صادق علیه السّلام»، یک رشته برنامه‌های پلپدار همگانی را نیز به انجام رسانده که به‌شرح ذیل است:

الف- دادن کمک مالی ماهیانه (ماهوار) برای قریب پانصد نفر بی‌سرپرست؛

ب- تأمین کامل ۱۵ خانواده بی‌سرپرست با شمول اجاره منزل و هزینه‌های آب، برق، گاز و پزشکی؛

ج- ساخت و تعمیر ۹ باب مسجد در شهر کویته و داخل بلوچستان (دیره مراد جمالی، لهری، باری شاخ، تمبو، نوشهره، و صحبت‌پور)؛

د- ساخت یک بیمارستان بزرگ و مجهّز با یک کتابخانه عمومی به کمک افراد خیّر در محلّه بروری هزاره تاون در کویته؛

##PAGE=۲۳۷##

ه- سرپرستی «شهدا ویلفیئر» که برای کمک و همکاری با خانواده‌های شهدا و مجروحان فعالیت می‌کند.

و- عضویت در انجمن‌های محلّی و مشارکت در خدمات اجتماعی و محلّی.[۶۲۶]

---

[۶۲۵] (1). جامعه اهل بیت، حسنات جاریه، ص8- 9.

۴- حجۀ الاسلام شیخ یعقوب علی توسّلی کویته به عنوان امام جمعه شهر کویته، یکی از چهره های فعّال اجتماعی آنجا به‌شمار می‌رود. او ضمن برقراری ارتباطات وسیع با مردم از طریق دفتر امام جمعه و انجام امور دینی و شرعی آنان، مجموعه مدارس زنانه را تحت عنوان مدرسه «فاطمه زهرا» در سیدآباد، نصیرآباد و بروری (علی‌آباد) تأسیس نموده که مجموعا قریب ۳۰۰ طلبه و دانش آموز دینی دختر را در دو مقطع آموزش های عمومی و تخصصی تحت پوشش گرفته‌اند. همچنین ایشان با فعّال سازی بخش رفاهی دفتر امام جمعه، قریب ۸۰۰ خانوار نیازمند را از ماه ژوئیه ۲۰۰۳ به‌بعد، ماهانه به مبلغ ۱۰۰۰ روپیه مساعدت مالی می کند. از سوی دیگر، با جمع آوری وجوهات شرعی و توزیع آن، برگزاری جلسات تربیتی در میان جوانان، و حضور مستمر و فعّال در نشست های قومی، محلّی و عمومی مربوط به‌سرنوشت شیعیان، از خود چهره‌ای فعال به‌تصویر کشیده است.[۶۲۷]

۵- حجۀ الاسلام سید افتخار حسین نقوی میانوالی با ایجاد مجتمع «امام خمینی» در ماری اندس، خدمات گوناگونی مانند آموزش، کمک به خانواده‌های فقیر، کمک برای هزینه های ازدواج، اعزام هیأت های تبلیغی در ماه رمضان و محرّم، تأسیس درمانگاه خیریه «امام مهدی علیه السّلام » در پکی شاه مردان و حفر چاه آب برای روستاییان، به مردم ارائه می‌دهد. خدمات این مجتمع هرساله در حال

##PAGE=۲۳۸##

افزایش است. این مجتمع ۳۶۰ یتیم در میانوا لی و ۲۰۰/ ۱ یتیم دیگر در پاراچنار، اورکزئی ایجنسی، هنگو و دیره اسماعیل خان را در سال ۲۰۰۵ تحت پوشش داشت.[۶۲۸]

۵. سیاسی: فعالیت سیاسی هرچند حجم اندکی از فعالیت روحانیان شیعه را تشکیل می دهد، اما باتوجه به اهمیت آن، می‌تواند در رأس بسیاری از فعالیت‌های دیگر آنها قرار گیرد. فعالیت سیاسی روحانیان شیعه در گذشته، بیشتر به صورت مستقل، آزاد و غیرسازمان یافته انجام می گرفت، اما در دهه های اخیر، این فعالیت از حالت پراکندگی و مقطعی خارج شده و حالت سازمان یافته و باثبات به خود گرفته است. در سال‌های اخیر، به دلیل محدودیت‌های اعمال شده از سوی دولت و انجام تجدیدنظر از سوی خود رهبران سیاسی روحانیت، نوعی بازگشت به گذشته از نو شروع شده است و احتمال دارد که این فعالیت‌ها عملا کاهش پیدا کرده، صرفا حالت نمادین پیدا نماید.

تحوّلات سیاسی جامعه شیعیان را به سه مقطع می‌توان تقسیم کرد:

۱- مقطع فعالیت‌های غیرسازمان یافته و با اهداف محدود؛

۲- مقطع فعالیت‌های سازمان یافته و با اهداف جامع و بزرگ؛

۳- مقطع تجدیدنظر طلبی و بازگشت به‌دوران صبر و انتظار.

---

[۶۲۶] (1). مصاحبه با حجة الاسلام اسدی در کویته14 آبان1382/ استفاده از گزارش سالانه مدرسه« امام صادق علیه السّلام».

[۶۲۷] (2). مصاحبه با حجة الاسلام و المسلمین توسّلی در کویته،26 فروردین1383.

[۶۲۸] (1). مجله الظهور، العدد 4، ذی قعده1435 ق، ص 4- 10/ مصاحبه با حجة الاسلام سید افتخار حسین نقوی، قم، شعبان1426 ق.

بررسی این مقاطع و شاخص‌های آن در فصل مربوط به‌امور سیاسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

##PAGE=۲۳۹##

فصل چهارم آموزش و پژوهش

##PAGE=۲۴۱##

تاریخچه آموزش و پژوهش در پاکستان

پیش از تأسیس پاکستان (۱۹۴۷) مراکز اصلی آموزش علوم شیعی در دهلی، رامپور، امروهه، [۶۲۹] تتّه (سند) و لکنو قرار داشتند. مساجد، حسینیه ها و منازل استادان پایگاه اصلی تدریس علوم اسلامی به شمار می آمد و مدارس به سبک کنونی آن در آن روزگار کمتر وجود داشت . در عصر حکومت سلاطین شیعی اوده (۱۷۲۲– ۱۸۵۶ م)، لکنو به مهم ترین مرکز علمی شیعیان شبه قارّه تبدیل شد.

دائرة المعارف اسلامی شیعه ذیل کلمه «لکنو» می‌نویسد:

با تأسیس حکومت «أود» و خاموش شدن شعله علم و آگاهی در دهلی، ولایت اوده به مرکز علما و فرهنگیان و گهواره علوم و فنون اسلامی تبدیل شد.[۶۳۰]

در دوران آصف الدوله (۱۱۶۱– ۱۲۱۲)، ده‌ها مدرسه و کتابخانه عمومی در مناطق گوناگون حاکم نشین اوده تأسیس گردید و دانشمندان و متفکران از سراسر هند و جهان اسلام به‌این منطقه روی آوردند.[۶۳۱]

بزرگ‌ترین عالمی که در این مقطع از تاریخ شیعیان هند، آغازگر دگرگونی و انقلاب علمی و فکری مهمی گردید، مولانا سید دلدار علی (۱۱۶۶– ۱۲۳۵ ق) بود

##PAGE=۲۴۲##

که به‌دعوت حسن رضا خان، وزیر حکومت اوده، از نصیرآباد به لکنو آمد و اولین نماز جماعت و جمعه شیعه را– به ترتیب– در ۱۳ و ۲۷ رجب ۱۲۰۰ ق در آنجا اقامه کرد .[۶۳۲] مولانا دلدار علی از شاگردان محمّد باقر بهبهانی و سید مهدی طباطبائی بحر العلوم در نجف بود و از این بزرگان اجازه اجتهاد دریافت کرده بود.

او اولین مجتهد شبه قاره هند بود که برای احراز مقام اجتهاد، به‌عراق رفت.[۶۳۳]

---

[۶۲۹] (1). ahormI..

[۶۳۰] (2). حسن الامین، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعه، ج6، ص114.

[۶۳۱] (3). همان.

[۶۳۲] (1). همان، ص425.

[۶۳۳] (2). سید مرتضی حسین، مطلع انوار، ص250.

پس از فراگیر شدن سلطه انگلیسی ها بر هند و فروپاشی حکومت شیعی «اوده» (۱۸۵۶)، افکار و علوم جدید غربی در هند رواج یافت و روحانیان برای مقابله با آن و همچنین دفاع از دانش و مکتب تشیّع، مدارس «سلطان المدارس» را به تلاش مولانا سید ابو الحسن ابو در سال ۱۸۹۴ و مدرسه «ناظمیه» و مدرسه «مشارع الشرایع» را به‌تشویق ایشان و میرزا محمّد عبّاس علی خان در سال ۱۳۰۸ ق و «مدرسهٔ الواعظین» را به‌سرپرستی نجم العلماء در سال ۱۳۳۸ ق/ ۱۹۱۹ م در لکنو تأسیس کردند.[۶۳۴] این سه مدرسه نقش محوری در آموزش و پژوهش علوم اسلامی در هند ایفا کردند.

پیش از سلطه کامل انگلیسی ها بر هند، نظام آموزشی این کشور ریشه در معارف و علوم اسلامی داشت و دولت مردان همان علومی را فرامی گرفتند که روحانیان در مدارس دینی می آموختند. نظام درسی رایج دولتی در دوران اول سلطه کمپانی «هند شرقی»، به‌نام «درس نظامی» خوانده می‌شد که ملّا نظام الدین سهالوی آن را بنیان نهاده بود و این برنامه تا سال ۱۸۵۷ تدریس می‌شد، ولی سپس از رونق افتاد و به مدارس دیوبند و مانند آن محدود شد .[۶۳۵] سید مرتضی حسین در این‌باره می‌گوید:

##PAGE=۲۴۳##

در شبه قاره هند، قبل از ورود انگلی‌سی ها، وزرا و امرای حکمران مسلمان، طرفدار اسلام بودند و عموما قانون رسمی آنان شریعت بود.

منصب قاضی و شیخ الاسلام جزو مناصب مهم کشور محسوب می‌شد.

زبان رسمی فارسی و زبان علمی عربی بود و علوم غربی بیگانه تلقّی می شدند. هویّت شخصی و آزادی ملّی قویا احساس می‌شد. بنابراین، وقایع مهمی که در آن روزها جریان داشت با امروز فرق می کرد. در آن زمان، همراه با درس، فن کتابت و خوش نویسی و خواندن قرآن مجید نیز تدریس می شد. کسانی که در دروس خویش توفیق می یافتند به تجوید و قرائت هم توجه می‌کردند. عقاید و احکام شریعت و اخلاق نیز تعلیم داده می‌شد. برای کارهای روزانه، ریاضی، ادبیات، مکاتبات، و برای پیشرفت و قدرت نمایی، فنون سپاهیگری و نیز علوم صرف و نحو، منطق، فلسفه، هیئت و نجوم، طب، تصوّف، ادب فارسی و عربی، معانی و بیان، عروض و قافیه، تاریخ و رجال، تفسیر و حدیث، درایت و اجتهاد تدریس می‌شد.[۶۳۶]

در مدارس علمیه لکنو، علوم نقلی و عقلی تا سطح اجتهاد تدریس می‌شد.

فقهای نامداری همچون محمّد تقی ممتاز العلماء (۱۲۳۴– ۱۲۸۹ ق/ ۱۸۱۹– ۱۸۷۲ م) و ابو الحسن ملاذ العلماء (۱۲۶۸– ۱۳۰۹ ق/ ۱۸۵۱– ۱۸۹۱ م) به سبک نجف درس خارج می دادند.[۶۳۷] همچنین در این دوره، فقهای معروف دیگری مانند میر حامد حسین هندی صاحب عبقات الانوار (۱۲۴۶– ۱۳۰۶ ق/ ۱۸۳۰– ۱۸۸۸ م)، سلطان العلماء سید محمّد رضوان مآب (م ۱۲۸۴)، حسن بن دلدار علی (۱۲۰۵– ۱۲۶۰ ق/ ۱۷۹۱– ۱۸۴۴ م)، سید العلماء حسین بن دلدار

---

[۶۳۴] (3). همان، ص59 و 679.

[۶۳۵] (4). حافظ ریاض حسین نقوی، مقدّمه‌ای بر کتاب امامیه دینی مدارس پاکستان، ص32.

[۶۳۶] (1). همان، ص29.

[۶۳۷] (2). همان، ص60 و 155.

علی (۱۲۱۱– ۱۲۷۳ ق/ ۱۷۹۶– ۱۸۵۶ م)، سید علی حایری (۱۲۸۸– ۱۳۶۰ ق) صاحب تفسیر لوامع التنزیل، و نجم الملّه مفتی محمّد عبّاس (۱۲۲۴– ۱۳۰۶ ق/ ۱۸۰۹– ۱۸۸۹ م) حضور داشتند که هرکدام در علوم فقه، تفسیر، کلام، فلسفه، جدل و مناظره صاحب‌نظر بودند.

وضعیت پژوهش نیز در این دوره مطلوب به‌نظر می‌رسید. عبقات الانوار میر حامد حسین هندی در کلام و عقاید، شهرت فرا ملّی کسب کرد. در تفسیر، تفسیر لوامع التنزیل (سید علی حایری)، تفسیر روایج القرآن (مفتی محمّد عبّاس) و تفاسیر سوره‌های متعدد قرآن توسط سید العلماء حسین بن دلدار علی (۱۷۹۶– ۱۸۵۶ م) جایگاه خود را در میان تفاسیر قرآن به‌دست آوردند. در علوم دیگر نیز آثار بیست و شش گانه مولانا دلدار علی، آثار فرزندان مولانا دلدار علی، غایة المقصود (۴ جلد در عقاید) علی حایری با قریب یکصد عنوان کتاب و رساله دیگر او، قریب ۱۲۵ جلد آثار علمی و ادبی مفتی عبّاس و حدیقة الاسلام (سه جلد) محمّد حسین محقق هندی (۱۲۷۶– ۱۳۳۷ ق/ ۱۸۵۹– ۱۹۱۸ م) با ۱۴ اثر دیگر او، بیان‌کننده رشد تحقیق در آن دوره است.

وضعیت نسبتا مناسب آموزش و پژوهش تامدتی در لکنو ادامه یافت، اما در نیمه دوم قرن بیستم از شهرت و پیش تازی بازماند و این زمانی بود که پاکستان از هند استقلال پیدا کرد و جمعیت زیادی از شیعیان هند به پاکستان مهاجرت کردند و حکومت انگلیسی‌ها و سپس هندوهای هند عرصه را بر مسلمانان از جمله شیعیان تنگ کردند.

در قسمت پاکستان، مدارس و مراکز آموزشی عمده‌ای وجود نداشت.

پس از اینکه شیعیان پاکستان رسیدن به لکنو را دشوار دا نستند و ضرورت تأسیس مدارس مستقل در این ناحیه را به‌شدت احساس

کردند، از دهه ۴۰ و ۵۰ به تأسیس و ساختن مدارس دینی همّت گماشتند.

بنابر مقدّمه دستورالعمل وفاق المدارس شیعه پاکستان، اولین مدرسه‌ای که در پاکستان تأسیس شده، مدرسه «باب العلوم» ملتان در سال ۱۹۳۳ بوده است.[۶۳۸] برخی منابع معتبر پاکستان، علّامه سید محمّد باقر نقوی (۱۲۹۴– ۱۳۸۶ ق/ ۱۸۸۱– ۱۹۶۶ م) را بنیانگذار مدارس دینی در پاکستان، به ویژه پنجاب، ذکر کرده اند.[۶۳۹] علّامه محمّد باقر نقوی در ۱۹۱۴ یا ۱۹۱۶ مدرسه‌ای را در «چکراله» بنیاد نهاد.[۶۴۰] همچنین نقش علّامه عبد العلی هروی (۱۲۷۸– ۱۳۴۱ ق/ ۱۸۶۱–

---

[۶۳۸] (1). سازمان وفاق المدارس شیعه پاکستان، دستورالعمل وفاق المدارس شیعه پاکستان، ص اول

[۶۳۹] (2). ماهنامه المنتظر، سپتامبر1997 م، ص23/ ماهنامه دقایق الاسلام، ژانویه،2004 م، ص32.

[۶۴۰] (3). ماهنامه دقایق الاسلام، ص32/ سید محمّد ثقلین کاظمی، امامیه دینی مدارس پاکستان، ص36.

۱۹۲۲ م) و مولانا سید حشمت علی (۱۲۷۵– ۱۳۵۳ ق) در پایه‌گذاری آموزش‌های علوم اسلامی در پاکستان، به ویژه پنجاب، حایز اهمیت است.[۶۴۱]

مولانا میرزا یوسف حسین در مقدّمه ای بر کتاب مطلع انوار سید مرتضی صدر الافاضل، پیشینه تأسیس مدارس دینی در پاکستان را چنین بیان می‌کنند:

بعد از تقسیم هندوستان، مردم پاکستان از حضور در مدارس هندوستان محروم شدند . بنابراین، علمای پاکستان برای ساختن مدارس، به‌کوشش پرداختند و ابتدا جامعه «محمّدیه» سرگودا و جامعه «امامیه» لاهور را ساختند. سپس مدارس «مخزن العلوم جعفریه» ملتان و «باب النجف» جارا (دیره اسماعیل خان) و جامعه «امامیه»، «مدرسهٔ الواعظین» کراچی و «سلطان المدارس» خیرپور و «مشارع العلوم» حیدرآباد و همین‌طور جامعه «المنتظر» لاهور و مدرسه «جعفریه»

##PAGE=۲۴۶##

خوشاب و «محمّدیه دیووال»[۶۴۲] و «فیض النجف پبی بلوک»[۶۴۳] دیره غازی خان و مدرسه «باقریه کوتله جام» بلوک میانوالی ...»[۶۴۴]

حجهٔ الاسلام محمّد ثقلین کاظمی، که جامع ترین تحقیق را درباره مدارس شیعه پاکستان انجام داده است، به نقل از یادداشت‌های مولانا حافظ سید محمّد سبطین نقوی نقل می‌کند: پس از راه‌اندازی مدارس اولیه در چکراله و چک شماره ۳۸ از توابع خانیوال توسط سید گل محمّد شاه و سید محمّد باقر نقوی در دهه دوم قرن بیستم، مدارس «باب العلوم» ملتان (۱۹۲۵)، مدرسه «محمّدیه سرگودا» (۱۹۳۴) و مدرسه «مخزن العلوم جعفریه» ملتان (۱۹۴۹ م) و «دار العلوم محمّدیه» سرگودا (۱۹۵۱ م) و جامعه «امامیه» لاهور (۱۹۵۱ م)– به ترتیب– اولین مدارسی بودند که در پاکستان تأسیس شدند.[۶۴۵]

متون آموزشی مدارس پاکستان در دهه های اول، برگرفته از مدارس لکنو بود، اما این نظام به تدریج، با تأثیرپذیری از نظام آموزشی نجف و قم دست‌خوش تحوّل گردید و اصلاحاتی در آن به‌وجود آمد. مدارس دینی در پاکستان در آخرین دهه‌های قرن گذشته (بیستم) به شدت رو به افزایش و گسترش نهاد و از لحاظ کیفی نیز به رشد چشم‌گیری دست یافت، اما این روند هنوز به‌مرحله مطلوب نرسیده است و انتظار می‌رود در سال‌های آینده، به‌نقطه دلخواه نزدیک گردد.

پژوهش و تحقیق نیز هنوز جایگاه واقعی خود را باز نیافته است؛ با آنکه تعدادی از بزرگان در این عرصه گام‌های خوبی برداشته‌اند، اما در مجموع، هنوز در آغاز حرکت خود قرار دارد.

##PAGE=۲۴۷##

---

[۶۴۱] (4). سید مرتضی حسین، مطلع انوار، ص347/ ماه‌نامه المنتظر، سپتامبر1997 م، ص 23.

[۶۴۲] (1).. lawoiD aidammahuM

[۶۴۳] (2).. kcolB ibaP fajanna ziaF

[۶۴۴] (3). سید مرتضی حسین، مطلع انوار، ص11– 12.

[۶۴۵] (4). سید محمّد ثقلین کاظمی، امامیه دینی مدارس پاکستان، ص36– 41.

مراکز آموزشی

آموزش‌های متداول در میان شیعیان به دو نوع تقسیم می‌گردد: آموزش‌های دینی و آموزش‌های علوم جدید.

آموزش‌های علوم اسلامی به‌شیوه‌های متعدد، در سطوح گوناگون و از سوی مراکز آموزشی گوناگونی انجام می گیرد. اگر «آموزش دینی» را به‌معنای عام و ارائه هر نوع معلومات اسلامی در نظر بگیریم، دامنه آن بسیار گسترش پیدا خو اهد کرد که این مفهوم موردنظر ما نیست، بلکه منظور از «آموزش دینی» آموزش روشمند و مبتنی بر دوره‌های از قبل تعریف شده در چارچوب یک نظام آموزشی شفّاف است که اهداف دینی و یا علمی ویژه ای را دنبال می‌نماید. آموزش- به این معنا- در دو سطح انجام می‌گیرد: ۱- سطح ابتدایی و عمومی؛ ۲- سطح عالی و تخصصی.

آموزش‌های سطح ابتدایی و عمومی برای کودکان، نوجوانان و جوانانی که در مدارس دولتی مشغول تحصیل هستند، برنامه‌ریزی شده و «دینیات سینترز»[۶۴۶] متکفّل این امر هستند . اما آموزش های تخصصی برای تربیت کارشناسان و اندیشمندان دینی طرّاحی شده که مدارس علمیه (حوزه‌های علمیه) و دانشگاه‌ها عهده‌دار اجرای آن هستند . بنابراین، به اعتبار مراکز و متولّیان امر آموزش، سه گونه مراکز آموزشی را می توان نام برد : ۱- دینیات سینترز یا قرآن سینترز، (مراکز آموزش دینی و قرآن)، ۲- مدارس و حوزه‌های علمیه، ۳- دانشکده‌های علوم اسلامی دولتی.

«آموزش‌های علوم جدید» آموزش‌هایی هستند که همانند سایر

##PAGE=۲۴۸##

کشورهای جهان، در مدارس دولتی، دانشکده ها و دانشگاه‌ها ارائه می‌شوند و دولت متولّی اصلی امور آن به‌شمار می‌رود. در پاکستان، بنا به‌دلایلی، از جمله محدودیت امکانا ت دولتی، پایین بودن کیفیت آموزش و پرورش در مدارس دولتی و افزایش نرخ بیکاری، به ویژه در میان دانش آموختگان، بخش های خصوصی به طور گسترده وارد این نوع فعالیت ها گردیده و افراد، انجمن‌ها و سازمان‌های دینی شیعی به‌صورت فعّال در این عرصه سرمایه‌گذاری کرده‌اند. بررسی این نوع نظام آموزشی را به بخش مربوط به «نظام آموزشی جدید» موکول نموده، در اینجا، به بررسی مراکز نظام آموزشی دینی می‌پردازیم:

چنان‌که اشاره گردید، سه نوع مرکز آموزشی دینی در جامعه شیعیان پاکستان فعالیت دارد : «مدارس علمیه»، «دینیات سینترز» و «شعبه اسلامیات» دانشگاه‌ها.

الف. مدارس دینی

تا پیش از تشکیل پاکستان، تعداد مدارس دینی شیعه در بخش پاکستان کنونی بسیار محدود بود و ظاهرا از شش باب فراتر نمی‌رفت. چهار باب آن در پنجاب و دو باب دیگر در سند ساخته شده بود .[۶۴۷] اما پس از استقلال پاکستان و قطع

---

[۶۴۶] sertnes htayiniD..(1)

[۶۴۷] (1). براساس شناسنامه مدارسی که توسط سید محمّد ثقلین کاظمی تهیه شده، همین شش مورد ثبت گردیده است.

شدن ارتباطات شیعیان این کشور با لکنو، دهلی و امروهه، روند مدرسه سازی در پاکستان آغاز گردید. این جریان در دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ از رشد کمتری برخوردار بود، اما پس از آنکه

##PAGE=۲۴۹##

دانش‌آموختگان این مدارس تحصیلات خود را تکمیل کردند و تعدادی هم که برای تکمیل تحصیلات به نجف رفته بودند از نجف برگشتند، روند مدرسه سازی شتاب بیشتری پیدا کرد و در سال های ۱۹۷۵- ۱۹۸۴ به رشد چهارصد درصدی رسید.

این رشد در دهه های بعدی نیز به صورت تصاعدی ادامه پیدا کرد . در دهه ۱۹۸۵- ۱۹۹۴ تعداد مدارس دینی از ۱۲۷ باب به ۲۸۱ باب رسید که بیش از ۲۰۰ درصد رشد را نشان می دهد و در دهه ۱۹۹۵- ۲۰۰۴ نیز با ایجاد ۱۰۴ باب مدرسه جدید دیگر، تعداد آنها از ۲۸۱ مدرسه به ۳۸۵ مدرسه رسید. (۵۰ درصد رشد)

سیر رشد مدارس دینی شیعه براساس شناسنامه ۳۸۵ مدرسه نام‌برده در کتاب آقای کاظمی به‌شرح ذیل است:

جدول (۱۱): رشد سالانه مدارس دینی شیعه از ۱۹۱۰ تا ۲۰۰۴ م

[تصویر]

##PAGE=۲۵۰##

جدول (۱۲): رشد سالانه مدارس در ایالات و مناطق گوناگون از ۱۹۱۰ تا ۲۰۰۴ م

[تصویر]

##PAGE=۲۵۱##

در جدول به خوبی مشاهده می شود که مدارس دینی در دو دهه اخیر به اوج رشد خود رسیده اند. پنجاب با ۱۹۷ باب مدرسه در جایگاه اول قرار دارد و مناطق شمالی و سند- به ترتیب- در رتبه دوم و سوم.

بلوچستان از میان چهار ایالت، کمترین رشد را داشته است و تقریبا در ردیف سه منطقه فرعی مانند اسلام آباد، مناطق قبایلی و کشمیر جای می‌گیرد.

به نظر می‌رسد چند عامل در رشد روزافزون مدارس در دهه‌های اخیر، به‌طور خاص مؤثر بوده است:

۱- افزایش تعداد روحانیان در مناطق گوناگون، به ویژه مناطق محروم که در گذشته فاقد مدرسه بودند . این روحانیان پس از اتمام تحصیلات خود، در مدارس داخل پاکستان (عمدتا پنجاب و کراچی) و یا مدارس ایران (مانند قم و مشهد) به شهرها و قصبات خود بازگشتند و اقدام به تأسیس مدارس کردند؛

۲- توجه بیشتر مردم، به ویژه جوانان، در سالیان اخیر به آموزش علوم دینی و داوطلب شدن افراد خیّر به ایجاد مدارس دینی؛

۳- شکل‌گیری سازمان‌ها و مؤسسات دینی خیریه و جذب منابع مالی مهم از منابع شرعی در داخل و خارج از کشور برای انجام فعالیت‌های سازمان‌یافته دینی؛

۴- تحوّلات سیاسی منطقه در پی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و آغاز جهاد در افغانستان و مطرح شدن دین به‌عنوان مکتب رهایی‌بخش در برابر استعمار و استبداد و روی آوردن جوانان به‌آن.

##PAGE=۲۵۲##

نمودار (۲): نمودار رشد مدارس دینی شیعیان در یک قرن اخیر

[تصویر] همزمان و یا اندکی پس از آغاز مرحله اوج رشد مدارس دینی مردانه، تحوّل مهم دیگری در تاریخ مدارس دینی شیعیان این کشور رخ داد و آن ایجاد شبکه های وسیعی از مدارس دینی دخترانه بود که پس از تأسیس «جامعهٔ الزهراء» در شهر قم، در پاکستان رونق پیدا کرد. مدارس دینی دخترانه به‌سبک تخصصی و عالی آن از اوایل دهه ۱۹۹۰ م در این کشور آغاز به‌کار کردند و در فاصله ۱۵ سال (تا ۲۰۰۵) تعداد آنها به ۸۴ مدرسه در سراسر پاکستان رسید.

آماری که از تعداد کل مدارس مردانه در جمع بندی نه‌ایی کتاب امامیه دینی مدارس پاکستان در صفحه اول پس از مقدّمات کتاب ارائه گردیده، با آنچه به‌طور تفصیلی در متن کتاب آورده شده است، قدری تفاوت دارد. این تفاوت ممکن است ناشی از اشتباه در شمارش و یا تردید در اطلاق عنوان «مدرسه» نسبت به برخی مراکز باشد که به نام «مدرسه» ذکر شده‌اند. اگر نوعی دوگانگی در آمار نقل شده در صفحات قبلی با صفحات بعدی مشاهده می شود، دلیل آن در همین امر نهفته است.

##PAGE=۲۵۳##

جدول (۱۳): تعداد مدارس دینی شیعه (برادران و خواهران) در پاکستان

[تصویر] فهرست تفصیلی مناطق و مدارس دینی موجود در آنها براساس شهرستان بدین شرح است:[۶۴۸]

جدول (۱۴): تعداد مدارس دینی شیعیان در مناطق پنجاب

[تصویر]

##PAGE=۲۵۴##

[تصویر]

---

[۶۴۸] (1). منبع این آمار کتاب امامیه دینی مدارس پاکستان، نوشته سید محمّد ثقلین کاظمی است.

##PAGE=۲۵۵##

جدول (۱۵): تعداد مدارس دینی شیعیان در سند

[تصویر] جدول (۱۶): تعداد مدارس دینی شیعیان در سرحد

[تصویر]

##PAGE=۲۵۶##

جدول (۱۷): تعداد مدارس دینی شیعیان در مناطق قبایلی

[تصویر] جدول (۱۸): تعداد مدارس دینی شیعیان در بلوچستان

[تصویر] جدول (۱۹): تعداد مدارس دینی شیعیان در مناطق شمالی

[تصویر] جدول (۲۰): تعداد مدارس دینی شیعیان در مناطق آزاد جامو و کشمیر

[تصویر]

##PAGE=۲۵۷##

در این آمار، بلتستان با ۳۷ باب مدرسه در ردیف اول، و کراچی با ۲۸ باب در ردیف دوم، جنگ با ۲۵ باب در ردیف سوم و لاهور با ۲۴ باب در ردیف چهارم قرار گرفته است و شهرستان‌های بهاولنگر، پاکپتن،[۶۴۹] حافظآباد، نارووال[۶۵۰] در پنجاب و بدین و میرپور خاص در سند، ایبت آباد، پیشاور و مانسهره در ایالت سرحد، و بولان در بلوچستان و دیامر در مناطق شمالی هرکدام تنها با یک باب مدرسه دینی، در ردیف کمترین مناطق دارای مدرسه دینی هستند.

روشن است که تمام این مدارس دینی در سطح برابر قرار ندارند؛ برخی دارای سابقه بیشتر، برنامه های جامع‌تر، ظرفیت بیشتر و خدمات شایان‌تری هستند که از جایگاه خاصی برخوردار شده‌اند. مهم‌ترین آنها به‌شرح ذیل است:

۱- جامعه «المنتظر» لاهور با مساحت ۲۱ کنال، ۱۴ کلاس درس، دو تالار مطالعه، ۶۳ اتاق برای سکونت طلّاب، مسجد، کتاب‌خانه، مهمان‌خانه، ۱۳ واحد مسکونی برای استادان و خدمه، ۱۴ باب مغازه و بخش اداری و دفاتر، و تعداد ۲۲۵ نفر طلبه شاغل به‌تحصیل؛[۶۵۱]

۲- جامعه «اهل بیت» اسلام‌آباد با مساحت ۵۰۰/ ۲ متر مربع در سه طبقه، دارای ۳۸ اتاق خوابگاهی و ۱۰ اتاق اداری، نمازخانه، کتاب‌خانه و واحدهای مسکونی برای استادان، با تعداد ۸۰ نفر طلبه؛[۶۵۲]

---

[۶۴۹] (1). natapkaP.

[۶۵۰] (2). laworaN.

[۶۵۱] (3). محمد ثقلین کاظمی، امامیه دینی مدارس پاکستان، ص237-238.

۳- «جامعۀ الکوثر» اسلام‌آباد؛ ساختمان این مدرسه یا دانشگاه به چهار بخش تقسیم شده که دو بخش آن در حال تکمیل و دو بخش دیگر در دست ساخت است. در نظر است که این مدرسه به بزرگ‌ترین دانشگاه علوم اسلامی شیعیان پاکستان تبدیل شود و دست‌کم در هفت رشته علمی طلبه تربیت کند.

##PAGE=۲۵۸##

۴- جامعه «امام خمینی» ماری اندس میانوالی دارای برنامه‌های متنوّع و خدمات چند جانبه؛

۵- جامعه «علمیه سلطان المدارس» سرگودا با مدیریت علّامه شیخ محمّد حسین نجفی از معروف‌ترین علمای پاکستان؛

۶- جامعه عربیه «مخزن العلوم جعفریه» ملتان؛ از قدیمی‌ترین مدارس پاکستان است که اکنون قریب ۹۰ طلبه در آن به‌تحصیل علم مشغولند.

۷- مدرسه «جعفریه» پاراچنار دارای ۱۲۵ طلبه و قریب ۱۴۵ اتاق، ۶ تالار و ۵ مدرس؛[۶۵۳]

۸- جامعه «شهید عارف حسین حسینی» پیشاور دارای ساختمان بزرگ سه طبقه با ۶۰ نفر طلبه که در نظر است دروس دانشگاهی نیز در آن تدریس گردد.

۹- جامعه «امام صادق علیه السّلام» کویته؛ ۱۵۰ طلبه در دو سطح عمومی و تخصصی تحت آموزش برنامه های خود دارد.[۶۵۴]

۱۰- مدرسه جامعه «علمیه» کراچی؛ با ۶۰ طلبه و فضای بزرگ که در یکی از بهترین مناطق شهر واقع شده است.

۱۱- مدرسه «امام حسین علیه السّلام فاوندیشن»؛ با ۱۰۵ طلبه و ۳۶ اتاق؛

۱۲- دانشگاه «جعفریه» واگریجی میرپور خاص؛ از قدیمی‌ترین مدارس ایالت سند با تعداد ۱۵۰ طلبه و ۳۶ اتاق؛

۱۳- «مرکز تحقیقات و تبلیغات اسلامی» جام شورو (سند) با ۸۰ اتاق؛

۱۴- «دار العلوم محمّدیه» سرگودا که قریب ۱۴۰ نفر را تحت آموزش دارد و اولین مدرسه مهمی است که پس از استقلال پاکستان تأسیس شد.

##PAGE=۲۵۹##

---

[۶۵۲] (4). جامعه اهل بیت، حسنات جاریه، ص8.

[۶۵۳] (1). همان، ص370.

[۶۵۴] (2). سید محمّد ثقلین کاظمی، امامیه دینی مدارس پاکستان، ص25.

مدارس دینی معمولا از لحاظ مدیریت و برنامه ریزی هرکدام مستقل عمل می‌کنند. آنها تنها در اهداف کلان و برنامه های سنّتی درسی و تبلیغی با یکدیگر همسو هستند و همین عامل م حور اشتراک عمل آنها قرار گرفته است . اما در این میان، می‌توان به مدارسی برخورد که شبکه‌ای از مدارس کوچک‌تر تأسیس کرده و یا تحت پوشش گرفته‌اند؛ مانند:

۱- مدرسه جامعه «المنتظر» به مسئولیت قبلی مرحوم صفدر حسین نجفی و فعلی حجۀ الاسلام حافظ ریاض حسین نقوی که مدارس ذیل را تحت پوشش دارد:

الف. پنجاب: ۱- جامعه «امام حسین علیه السّلام» خانقاه دوگران شیخو پوره؛ ۲- جامعه «فاطمیه» ریناله خورد اوکاره؛ ۳- جامعه «هاشمیه» جهلم؛ ۴- جامعه «سلمان فارسی» اتک؛ ۵- جامعه «مهدویه» توبه تیک سنگ؛ ۶- جامعه «آل محمّد» جن پور رحیم یار خان؛ ۷- جامعه «علویه نعیم الواعظین» ساهیوال؛ ۸- جامعه «رضویه عزیز المدارس» چیچه وطنی؛ ۹- جامعه «امام سجّاد علیه السّلام» جنگ؛ ۱۰- جامعه «آیۀ اللّه خوئی» شورکوت؛ ۱۱- «مدرسه المنتظر» قلعه ستار شاه شیخو پوره؛ ۱۲- مدرسه «جعفریه» جند، اتک؛ ۱۳- جامعه «تعلیم الاسلام» سلانوالی سرگودا؛ ۱۴- «مدرسۀ الزهراء» مادل تاون لاهور؛ ۱۵- مدرسه «حجۀ القائم» لاهور.

ب. سند: ۱۶- جامعه «علمیه» دیفنس کراچی؛ ۱۷- جامعه «رضویه» صالح پت؛ ۱۸- «جامعۀ الرضا علیه السّلام » روهری سکّر.

ج. بلوچستان: ۱۹- «مدرسه فیضیه» صحبت‌پور.

د. بلتستان: ۲۰- «مدرسه ولی عصر» اسکردو.

ه. کشمیر آزاد: ۲۱- مدرسه جامعه «نقویه» سهنسه کوتلی.

و. ایران: ۲۲- مؤسسۀ «الامام المنتظر» قم.

##PAGE=۲۶۰##

آمریکا: ۲۳- «مدرسه ولی عصر».

انگلستان: ۲۴- جامعه «المنتظر» منچستر.[۶۵۵]

این مدارس با آنکه با مرکز خود (جامعه «المنتظر») مرتبط هستند، اما از نظر مالی، تقریبا مستقل عمل می‌کنند.

۲- جامعه «اهل بیت» اسلام‌آباد تحت سرپرستی حجۀ الاسلام محسن علی نجفی، ۱۱ مدرسه علمیه راه‌اندازی نموده و تحت اداره خود گرفته است : ۱- «کلیۀ اهل البیت» چینوت ضلع جنگ؛ ۲- مدرسه «مظهر الایمان» ددیال چکوال[۶۵۶]؛

---

[۶۵۵] (1). ماه‌نامه المنتظر، سپتامبر1997 م، ص 24- 26/ محمد ثقلین کاظمی، امامیه دینی مدارس پاکستان، ص253- 256.

[۶۵۶] (2)..lawkahC

۳- جامعه «علوم اسلامی » فیصل‌آباد؛ ۴- مدرسه «مدینهٔ العلم» صوبو دیرو[۶۵۷] خیرپور؛ ۵- مدرسه «المهدی» کراچی؛ ۶- «مرکز اهل بیت » مانسهره سرحد؛ ۷- مدرسه «شمس العلوم » قایم بهروانه جنگ؛ ۸- مدرسه «مدینهٔ العلم » (خواهران) خیرپور؛ ۹- مدرسه «خدیجهٔ الکبری» اسکردو (خواهران)؛ ۱۰- مؤسسه «اهل بیت علیهم السّلام» قم، ایران؛ ۱۱- دانشگاه «بتول» چینوت.[۶۵۸]

۳- مدرسه جامعه «امام خمینی» میانوالی به‌سرپرستی حجهٔ الاسلام سید افتخار حسین نقوی که ۴ مدرسه دینی دیگر را تأسیس کرده و تحت پوشش قرار داده است : ۱. مدرسه «خدیجهٔ الکبری » میانوالی؛ ۲. جامعه «امام العصر» شیخن جنگ؛ ۳. مدرسه «امام رضا علیه السّلام» ظاهر پیر، لیه؛ ۴. «اسلامک سنتر» میانوالی؛

۴- «محمّدیه ترست » که با تأسیس مدرسه «اسلامیه محمّدیه » در سال ۱۹۵۵ توسط حجهٔ الاسلام شیخ حسن در «مهدی‌آباد» بلتستان شروع به‌کار نمود و پس از نیم قرن تلاش، توانست دست‌کم ۲۳ باب مدرسه دینی به‌شرح

##PAGE=۲۶۱##

ذیل تأسیس نماید : ۱- «الجامعهٔ النجیبیه » مهدی‌آباد؛ ۲- «جامعهٔ الحسین علیه السّلام » مهدی‌آباد؛ ۳- جامعه «دار الایتام هاشمیه» مهدی‌آباد؛ ۴- جامعه «مغامسیه» غواری؛ ۵- جامعه «البهمنیه» خپلو؛ ۶- مدرسه «جوهریه» سینو[۶۵۹]؛ ۷- جامعه «فخرانیه» دوغنی؛ ۸- جامعه «مصطفویه» کرئیس؛ ۹- جامعه «امام جعفر صادق علیه السّلام » گول؛ ۱۰- جامعه «البهبهانیه» شگر؛ ۱۱- «جامعهٔ البهمنیه » الچوری؛ ۱۲- جامعه «سرادیه» گلاب‌پور؛ ۱۳- جامعه «منصوریه» اسکردو؛ ۱۴- جامعه «قبازردیه» اسکردو؛ ۱۵- جامعه «البهبهانیه» تهوارتهل؛ ۱۶- جامعه «جعفریه بهمنیه » گلگت؛ ۱۷- جامعه «امام حسن علیه السّلام » کهاریان؛ ۱۸- جامعه «حسنین علیهما السّلام » کراچی؛ ۱۹- جامعه «ثقلین» کرفق؛ ۲۰- جامعه «زینبیه» کورو[۶۶۰]؛ ۲۱- جامعه «مبارکه» وزیرپور؛ ۲۲- جامعه «نوربخشیه» گلاب‌پور؛ ۲۳- جامعه «اسلامیه محمدی».

این مدارس هرچند از استقلال کافی در مدیریت داخلی خود برخوردارند، اما سیاست های کلی آنها عمدتا هماهنگ و همسو است. این همسویی زمانی بیشتر احساس می شود که مسئله «تقلید» و «مرجعیت» یا حمایت از یک حرکت اجتماعی و سیاسی و یا یک گرایش فکری خاص در کشور مطرح گردد.

در مجموع، نقش مدارس دینی در فرهنگ سازی، توسعه و تعمیق تعلیمات مذهبی و سامان دهی حرکت‌های اجتماعی با رویکرد دینی، بسیار اساسی بوده است . در مناطقی که این مدارس فعالیت دارند، سطح آگاهی دینی مردم، رابطه آنان با روحانیت و اهتمام به مناسک و شعائر دینی زیاد است ، در حالی که وضع مناطق فاقد مدارس علمیه، از لحاظ فرهنگ دینی، بعضا رقّت‌بار است که نمونه‌های آن را در سطح قصبات و روستاها به‌خوبی می‌توان مشاهده نمود.

---

[۶۵۷] (3).. oriD oboS

[۶۵۸] (4). مصاحبه با حجة الاسلام ابو الحسن حکیمی، معاون حجة الاسلام محسن علی نجفی و استاد در مدرسه جامعه« اهل بیت» و محمد ثقلین کاظمی، امامیه دائریکتری 2001، ص232.

[۶۵۹] (1).. oniS

[۶۶۰] (2).. oroK

##PAGE=۲۶۲##

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، دولت پاکستان تلاش کرد تا به‌بهانه مبارزه با تروریسم و جلوگیری از رشد فرقه‌گرایی و بنیادگرایی، مدارس دینی را تحت نظارت وزارت «اوقاف و امور مذهبی » و «آموزش و پرورش » درآورد، اما این تلاش‌ها به دلیل واکنش های سخت روحانیون و سازمان های اسلامی سنّی و شیعی کشور تاکنون ناکام مانده است . مسئولان مدارس دینی پاکستان برای مقابله با تصمیمات دولت در زمینه تغییر برنامه های درسی مدارس دینی، ائتلاف موسوم به «اتحاد تنظیمات مدارس دینی پاکستان » را به‌وجود آوردند که تاکنون مانع از اجرای سیاست های دولت در مورد مدارس شده‌اند.

ب. دینیات سینترز (مراکز آموزش قرآن و احکام)

پس از آنکه نظام آموزشی جدید به عنوان نظام آموزشی مسلّط در سراسر کشور تثبیت گردید و نهاد آموزشی سنتّی، که بر مبنای آموزش های دینی بنیاد یافته بود، به تعطیلی گرایید، نگرانی در مورد تأثیرات یک جانبه آموزه های غیردینی مدارس جدید بر دانش آموزان و خانواده‌ها گسترش یافت. نهادهای دینی برای چاره‌جویی، جایگاهی برای آموزش های دینی در نظام آموزشی رسمی در نظر گرفتند، اما این امر هرگز نتوانست انتظارات موردنظر را برآورده نماید . روحانیان و انجمن‌های مذهبی باتوجه به دغدغه های مذهبی جامعه، با ایجاد نظام آموزشی موازی، که بر ابعاد پرورشی دینی متمرکز یافته باشد، نظام «دینیات سینترز» را پایه‌گذاری نمودند.

«دینیات سینترز» در واقع، پاسخی بود به خلأ موجود در نظام آموزشی جدید که اساسا بر آموزش های علوم تجربی بنا گردید. این مراکز از سوی بخش‌های خصوصی راه‌اندازی شده است و بودجه خود را از کمک‌های خیریه، وجوهات

##PAGE=۲۶۳##

شرعی و در برخی موارد، از اولیای دانش آموزان تأمین می کند. اما دشواری های موجود در مسیر تأمین اعتبار لازم، سبب گردیده است این مراکز نتوانند تمام یا بیشتر شهرها و روستاها را تحت پوشش درآورند و این در حالی است که استقبال از این مراکز نیز در همه‌جا یکسان نبوده و برخی عوامل فنی نیز مانع از گسترش همه جانبه آن گردیده است. در عین حال، علی رغم مشکلات موجود، این مراکز فعالیت خود را در سطح روستاها و شهرها آغاز کرده و به کودکان، نوجوانان و جوانان، قرآن، احکام، و در دوره های ابتدایی، عقاید می آموزند. در گذشته، این نوع مراکز مسئولیت امور آموزشی، سوادآموزی و تربیت علمی افراد را در سطح بالاتر نیز به عهده داشتند، اما امروز بجز در قصبات و روستاهای دورافتاده، که مدارس جدید به خوبی در آنجا فعّال نگردیده، مسئله سوادآموزی از اهداف اصلی آنها محسوب نمی شود، بلکه هدف اصلی آنها تعلیم و تربیت دینی کودکان و نوجوانان و آشنا نمودن آنان به‌قرآن، احکام و عقاید شیعی است.

اهمیت یافتن مسئله آموزش های دینی برای کودکان و نوجوانان موجب گردیده است تا سازمان ها و مراکز فرهنگی و مذهبی به‌صورت سازمان‌یافته و روشمند به انجام این امر مهم اقدام نموده و با آن به عنوان مهم‌ترین وظیفه دینی برخورد نمایند. زمانی که «تحریک جعفریه » به‌عنوان فراگیرترین سازمان و حزب سیاسی شیعیان فعّال بود (پیش از ژانویه ۲۰۰۲)، این حزب در کنار سایر فعالیت های خود، به تأسیس و تشویق «مراکز آموزش‌های دینی» نیز مبادرت ورزید.

در گزارش دو ساله فعالیت شاخه تبلیغات «تحریک جعفریه» در سال ۱۹۹۸ در ایالات سند و سرحد، از ایجاد «دینیات سینترز» سخن به‌میان آمده و اقدامات آن سازمان در تأسیس این مراکز به‌شرح ذیل گزارش شده است:[۶۶۱]

##PAGE=۲۶۴##

جدول (۲۱): مراکز آموزش دینی در ایالت سند

[تصویر] جدول (۲۲): مراکز آموزش دینی در ایالت سرحد

[تصویر] امروز مؤسسات و مراکز فرهنگی و آموزشی زیادی در عرصه آموزش های دینی کودکان و نوجوانان در چارچوب دینیات سینترز فعالیت می‌کنند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- تنظیم المکاتب: این سازمان بزرگ ترین سازمانی است که به طور ویژه در زمینه فعّال سازی و تأسیس «دینیات سینترز» ها فعالیت می‌کند. مراکزی که «تنظیم» در سراسر پاکستان ایجاد نموده بالغ بر ۱/۲۰۰ واحد با تعداد ۴۵/۰۰۰ دانش‌آموز است (تفصیل آن قبلا ذکر گردید.)[۶۶۲]

##PAGE=۲۶۵##

۲- محمّدیه ترست: این مؤسسه، که توسط شیخ حسن مهدی‌آبادی در اوایل دهه ۱۹۵۰ بنیان‌گذاری شده بود، در دوران شیخ غلام حسین، سرپرست کنونی آن، گسترش بسیار پیدا کرد . منابع مالی مؤسسه از وجوهات شرعی و مساعدت های موقوفات آیة اللّه خوئی در لندن تأمین می گردد. این مؤسسه فعالیت های گوناگونی دارد که یکی از آنها ایجاد دینیات سینترز است. تا سال ۲۰۰۲، قریب ۱۴۵ مرکز آموزش قرآن و دینیات ایجاد کرده بود . براساس آمار چند سال پیش «محمّدیه ترست»، توزیع جغرافیایی این مراکز در مناطق شمالی به این شرح بود:[۶۶۳] مهدی‌آباد ۱۶ واحد، کرمنگ ۳۷ واحد، خپلو ۱۵ واحد، کریس ۴ واحد، اسکردو ۲۲ واحد، شگر ۲۲ واحد، روندو ۵ واحد، گلگت ۲ واحد، استور ۱ واحد، گرونگ[۶۶۴] ۱ واحد. (جمع کل: ۱۲۵ واحد)

۳- سازمان دانشجویان اصغریه: این سازمان، که عمدتا در سند فعالیت دارد، دارای قریب ۴۰ مرکز قرآنی و دینی در روستاهای سند است که در هر کلاس، بین ۲۰ تا ۳۰ دانش‌آموز قرآنی تحت آموزش قرار دارد که مجموعا بین ۸۰۰ تا ۱/۲۰۰ نفر را دربر می‌گیرد.[۶۶۵]

۴- مولانا غلام رضا سریوال در حیدرآباد: آقای سریوال، که تحصیلات دینی خود را تا لمعه (مدرک اعتماد العلماء) در مدرسه «مشارع العلوم» حیدرآباد به‌پایان رسانده، یکی از علمای فعّال در برگزاری کلاس های قرآنی و دینیات است. او

---

[۶۶۱] (1). مجله تحریك، ص40- 44.

[۶۶۲] (1). ر. ك. فصل سوم« سازمان تنظیم المکاتب»، ص196-198.

[۶۶۳] (1). فهرست تفصیلی تهیه‌شده از سوی« محمّدیه ترست» که نسخه‌ای از آن را پروفسور غلام مهدی، یکی از اعضای فعّال و مهم آن در کراچی، به نویسنده داد.

[۶۶۴] (2). ganorG.

[۶۶۵] (3). مصاحبه با فضل حسین اصغری، دبیر کل(جنرل سکرتری)« اصغریه استودنس آرگنایزیشن»، در جام شورو حیدرآباد، 25 اسفند1382.

با حمایت مالی «نجفی لایبریری»[666] در کراچی (متعلّق به شیعیان خوجه)، تعداد ۲۵ مدرسه آموزش قرآن و دینیات به‌شرح ذیل، در حیدرآباد و روستاهای اطراف

##PAGE=۲۶۶##

آن دایر نموده است:[667] شهر حیدرآباد ۲ مرکز، تندو اللّه یار ۴ مرکز، تندو فضل ۱۱ مرکز، پتافی گوت[668] ۲ مرکز، چکی ۶ مرکز.

امروز «دینیات سینترز» کم‌وبیش در تمام شهرها و شهرستان‌ها وجود دارد.

در بسیاری جاها، روحانیان محل و یا معلمان متدیّن اقدام به گشایش این مراکز در حسینیه ها و منازل شخصی خود نموده‌اند. در کویته، این سنّت چشمگیرتر از دیگر جاها به نظر می‌رسد. امام‌باره‌های محلّه‌ها پایگاه اصلی این آموزش ها شناخته می‌شود. در این مورد، می‌توان به فعالیت‌های حجۀ الاسلام شیخ بهادر حسین موحّدی اشاره نمود که با همکاری بعضی افراد خیّر، دو مرکز مهم آموزش قرآن و دینیات به نام‌های مدرسه «فاطمیه» در مؤمن‌آباد و «مرکز تعلیمی قرآن کریم و معارف اسلامی» در کرانی با تعداد ۱۵۰ دانش‌آموز دختر و پسر و ۸ معلم مرد و زن ایجاد نموده که مشغول آموزش دوره‌های ویژه قرآنی، احکام، عقاید و زبان فارسی به دانش‌آموزان هستند.[669]

به نظر می‌رسد باوجود تلاش های انجام گرفته در زمینه ایجاد دینیات سینترز، تعداد این مراکز نسبت به نیاز واقعی جامعه شیعیان بسیار ناچیز است، به ویژه کمبود این مراکز در سطح روستاها شدیدتر بوده و آنچه کم وبیش از سوی افراد یا مؤسسات خاص راه‌اندازی شده، هرگز پاسخگوی نیازهای کنونی نیست.

به همین دلیل، در گزارش رسمی شاخه تبلیغات «تحریک» در سال ۱۹۹۸ از سند، آمده است: شهرستان‌های سند نیاز شدیدی به تبلیغ دارد و در برخی شهرستان ها، مانند میرپور خاص، مردم حتی نماز، شیوه غسل و اسامی ائمّه اطهار علیهم السّلام را نمی‌دانند.[670]

##PAGE=۲۶۷##

ج. دانشگاه‌ها

دانشگاه یکی دیگر از مراکز آموزشی دینی به شمار می‌رود. هرچند نظام آموزشی دانشکده های الهیّات (شعبه اسلامیات) اصولا براساس مکتب حنفی و کلام اشعری تدوین گردیده است، اما باوجود این، فقه، اصول، حدیث، تفسیر و کلام شیعه نیز برای دانشجویان شیعه تدریس می‌گردد.[671] از سال ۱۹۶۵، که سید محمّد دهلوی مجلس «اعلای علمای شیعه» را در

---

[666] irarbiL ifajaN..(4)

[667] (1). مصاحبه با غلام رضا سرپوال، حیدرآباد24 اسفند1382.

[668] tooG ifataP..(2)

[669] (3). مصاحبه با حجة الاسلام موحّدی و راشدی، کویته، آوریل2004 م.

[670] (4). مادنامه تحریك، آوریل1998 م، ص 41.

[671] (1). گفت‌وگو با دکتر زاهد علی زاهدی، استاد شعبه« علوم اسلامی» دانشگاه کراچی، 16 اسفند1382.

کراچی بنیان‌گذاری کرد، مبارزه برای گنجاندن آموزه های مکتب «جعفری» در نظام آموزشی دانشگاه ها شروع شد. این مبارزات پس از ۵ سال به‌ثمر نشست.[۶۷۲] بنابراین، می‌توان گفت:

دانشکده‌های الهیّات و علوم اسلامی دانشگاه ها همچنان‌که جایگاهی برای آموزش عقاید، افکار و تاریخ و تفسیر و حدیث اهل سنّت به شمار می‌رود، مرکزی برای آموزش دانش های شیعی نیز محسوب می شود. دانشجویان رشته مزبور می‌توانند در این مراکز، با فقه، تفسیر، اصول، حدیث و کلام شیعه آشنایی پیدا کنند.

نظام آموزشی

تعریف یک نظام آموزشی همگانی و فراگیر مستقل برای خصوص شیعیان بسیار دشوار به نظر می رسد؛ زیرا شیعیان به‌عنوان بخشی از جمعیت کشور، تابع نظام آموزشی رسمی دولتی هستند که از سوی وزارت آموزش و پرورش کشور در سراسر پاکستان به‌گونه‌ای یکسان به‌اجرا گذاشته می‌شود. اما در سطوح کوچک تر و در جنب نظام آموزشی رسمی، به‌ویژه در عرصه آموزش‌های دینی، می‌توان یک نظام آموزشی کاملا جداگانه برای شیعیان تعریف کرد. هرچند این نظام

##PAGE=۲۶۸##

آموزشی دربرگیرنده تمام جمعیت شیعیان نیست، اما بدون تردید، دربر گیرنده تمام مراکز آموزش‌های مذهبی آنان خواهد بود.

باتوجه به دو نوع نظام آموزشی متداول در کشورهای اسلامی، در اینجا نیز می توان از دو نوع نظام آموزشی سخن به‌عمل آورد: نظام آموزشی دینی و نظام آموزشی جدید . این دو نظام آموزشی از دو نوع ساختار علم ی، نظام ارزشی و فرهنگی برخوردارند.

۱. نظام آموزش دینی

باتوجه به گونه شناسی مراکز آموزشی دینی، که به سه نوع تقسیم گردید، می توان- با قدری اغماض- سه نوع نظام آموزشی دینی ذکر کرد:

۱- نظام آموزشی مدارس دینی؛

۲- نظام آموزشی دینیات سینترز؛

۳- نظام آموزشی دانشکده‌های علوم اسلامی در دانشگاه‌ها.

نظام آموزشی نوع دوم و سوم به دلیل اختصار و سادگی اوّلی و محدود بودن دومی، بررسی زیادی نمی طلبد. مواد درسی دینیات سینترز از قرآن، احکام، جزوات و کتاب های ویژه تعلیمات دینی، که برای همین منظور تدوین گردیده، تشکیل شده و نظام آموزشی دانشکده‌ها به‌تناسب رشته و گرایش آنها، مشتمل بر فقه، اصول، حدیث، تفسیر، تاریخ و کلام است

---

[۶۷۲] (2). سید حسین عارف نقوی، تذکره علمای امامیه پاکستان، ص555-556.

که از کتاب های معتبر اندیشمندان و علمای شیعی گزینش می شود. برخی استادان شیعی دانشگاه کراچی از منابع علمی علمای ایران مانند تفسیر نمونه، آشنایی با علوم اسلا می شهید مطهّری، آثار آیهٔ اللّه مکارم شیرازی، جعفر سبحانی و علّامه محمّد حسین طباطبائی استفاده می‌کنند.[۶۷۳]

##PAGE=۲۶۹##

بنابراین، تنها موردی که باید مورد بررسی قرار گرفته، و تبیین گردد مسئله آموزش در نظام مدارس دینی است . اهمیت این نظام آموزشی بیشتر از آنجا نا شی می‌گردد که اولا، نظام مدارس دینی فراگیرترین نظام آموزشی غیردولتی در کشور محسوب می شود. ثانیا، فرهنگ دینی، باورها و هنجارهای جامعه شیعی عمدتا از آموزه های همین مدارس نشأت می‌گیرد. ثالثا، نظام اجتماعی و سیاسی شیعیان نیز اغلب در تعامل با شخصیت های تحصیل‌کرده همین مدارس سامان می‌یابد. بنابراین، مدارس دینی صرفا نهاد آموزشی نیست، بلکه فرهنگی، اجتماعی، تربیتی و حتی به نحوی سیاسی نیز هست.

الف. نظام آموزش مدارس دینی: ظاهرا برنامه آموزشی مدارس علمیه شیعیان پاکستان تا پیش از ۱۹۵۸ (زمان حکومت ایّوب خان) از یکپارچگی لازم برخوردار نبود. در این سال، اولین گردهمایی سراسری مدارس شیعه پاکستان در لاهور برگزار شد و در آن، برنامه درسی، امتحانات و تعطیلات مدارس هماهنگ گردید .[۶۷۴] هرچند موضوعات و رشته هایی که در مدارس تدریس می شد- مانند صرف، نحو، منطق، معانی و بیان (بسیار کم)، اصول و فقه و کم وبیش عقاید و کلام- کاملا یکسان بود، اما متونی که مورد استفاده استادان و طلّاب مناطق گوناگون قرار می‌گرفت باهم تفاوت داشت. پیش از تحوّلات سال‌های اخیر، در مناطق گوناگون پاکستان، از متون درسی متفاوتی استفاده می‌کردند؛ چنان‌که در صرف و نحو، کتاب جامع المقدّمات و شرح الالفیه ابن مالک اصلی ترین متن درسی در بلوچستان شناخته می شد، در حالی که در پنجاب و سند، از صرف میر، صرف بهائی، علم الصیغه، پنج گنج و شافیه، و در نحو، از شرح مأۀ عامل، هدایه، نحو میر و

##PAGE=۲۷۰##

کافیه جامی بیشتر استفاده می گردید. در اصول و فقه نیز در پنجاب، کتاب معالم، تبصره، «شرائع» و لمعه بیشتر تدریس می‌شد، در صورتی که در مناطق شمالی و بلوچستان، کتاب معالم الاصول، اصول فقه مظفّر و شرح لمعه متون اصلی آموزشی به شمار می‌آمد.

در سند و پنجاب، عمدتا از شیوه آموزشی لکنو پیروی می شد، اما در مناطق شمالی و بلوچستان، از شیوه آموزشی نجف و ایران تبعیت می‌گردید. مرحوم مفتی جعفر حسین (م ۱۹۸۳) می‌گفت:

---

[۶۷۳] (1). دکتر زاهد علی زاهدی، استاد دانشکده« اسلامیات» دانشگاه کراچی. نگارنده آثار نام برده را در- قفسه‌های دفترش در دانشگاه دیده و شاهد راهنمایی‌های او به دانشجویانش بوده است.

[۶۷۴] (1). سازمان وفاق المدارس شیعه پاکستان، دستورالعمل وفاق المدارس شیعه پاکستان، مقدّمه، ص1 و 2.

من به جای نظام درسی قم و نجف، نظام درسی لکنو را ترویج می کنم؛ چرا که نظام درسی قم و نجف با شرایط ما سازگاری ندارد.[۶۷۵]

از سال ۱۹۵۸ تلاش برای تنظیم و تعریف یک نظام آموزشی یکدست آغاز شد و سرانجام، در اجلاس سران و استادان مدارس علمیه در ۱۷ نوامبر ۱۹۷۶ در مدرسه «جعفریه» کراچی، نظام درسی مدرسه جامعه «المنتظر» لاهور به عنوان نظام درسی رسمی و سراسری مدارس پاکستان به تصویب رسید.[۶۷۶] در ماه ژانویه ۱۹۷۹ حکومت پاکستان «کمیته ملّی برای مدارس دینی» را از میان نمایندگان مدارس دینی تمام مذاهب تشکیل داد و این کمیته با نمایندگی حجۀ الاسلام سید صفدر حسین نجفی و مولانا شبیه الحسنین محمّدی از شیعیان، سرانجام نظام درسی واحدی برای مدارس دینی پاکستان و از جمله شیعیان به وزارت «تعلیم» معرفی نمود که از طرف این وزارت نیز به رسمیت شناخته شد.[۶۷۷] از این زمان به‌بعد، تقریبا بیشتر مدارس دینی، به‌ویژه در پنجاب و سند، از نظام آموزشی تقریبا واحدی پیروی می‌کنند.

##PAGE=۲۷۱##

اما بعضی بزرگان روحانیت از وضعیت نظام درسی مزبور چندان راضی نیستند و آن را با شرایط و نیازهای روز نامتناسب و از لحاظ آموزش دینی غیرجامع می دانند. حجۀ الاسلام سید علی شرف الدین موسوی، نویسنده و پژوهشگر علوم اسلامی، مهم‌ترین نواقص این نظام درسی را چنین برمی‌شمارد:

۱- فقدان برنامه مناسب آموزش عقاید؛

۲- عدم اهتمام به علوم قرآنی و تفسیر؛

۳- دور ماندن از آموزه‌های جنبی علوم اسلامی که نیاز زمان است؛ مانند اقتصاد اسلامی و سیاست اسلامی؛

۴- فقدان برنامه‌ریزی در فراگیری زبان عربی و فارسی؛

۵- فقدان برنامه آموزش مبلّغ و خطیب.[۶۷۸]

از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰، پس از آنکه روابط منطقه‌ای روحانیت و مدارس دینی شیعیان توسعه یافت و ایده همسان سازی و بازنگری در نظام آموزشی مدارس تشیّع در سطح منطقه، به ویژه ایران، تقویت گردید، مدارس دینی پاکستان نیز بازنگری در برنامه های درسی خود را آغاز کردند . این اصلاحات بیشتر از آن رو مورد توجه قرار گرفت که طلّاب و دانش‌آموختگان مدارس داخل پاکستان در ادامه تحصیلات عالی خود در حوزه علمیه قم و مشهد، با مشکلات کمتری مواجه شوند. بخش بین‌الملل نهادهای آموزشی حوزه علمیه قم مانند «مرکز جهانی علوم اسلامی»، «سازمان حوزه‌ها و

---

[۶۷۵] (1). ماهنامه تحریك، اوت1997 م، ص45.

[۶۷۶] (2). سازمان وفاق المدارس شیعه پاکستان، دستورالعمل وفاق المدارس شیعه پاکستان، مقدّمه، ص2.

[۶۷۷] (3). همان، ص2- 3.

[۶۷۸] (1). سید علی شرف الدین موسوی، هماری ثقافت اور سیاست کیا هی اور کیا هونی چاهیی، ص126- 129.

مدارس علمیه خارج از کشور » و «نمایندگی رهبری در امور پاکستان » در به‌ثمر نشستن این اصلاحات و همسوسازی نظام درسی مدارس دو کشور، مساعدت‌های زیادی انجام دادند.

##PAGE=۲۷۲##

دولت پرویز مشرّف نیز از سپتامبر ۲۰۰۱ به‌بعد سعی کرده است تغییراتی در برنامه های آموزشی مدارس دینی به وجود آورد. دولت برای این امر، سازمان «هیأت آموزش مدارس دینی پاکستان» را تحت نظارت «شورای ایدئولوژی اسلامی» ایجاد کرده است. این هیأت اضافه کردن دروس جدید مانند ریاضی، تاریخ، اردو، علوم تجربی و اقتصاد را در برنامه مدارس دینی پیشنهاد داده، اما مسئولان مدارس دینی شیعه و سنّی این پیشنهادات دولت را رد کرده و گفته اند:

برنامه‌های قدیمی درسی خود را ادامه خواهند داد.

در مدارس دینی شیعه، دو نوع نظام درسی تدریس می‌شود:

نظام درسی نوع اول: این نظام درسی (نصاب تعلیمی)، که به‌نظر می‌رسد جامع‌ترین و گسترده‌ترین نظام درسی رایج در مدارس کنونی باشد، از شش مرحله تشکیل شده و دوره کامل «سطح» را پوشش می‌دهد. مواد درسی آن به این شرح است:

مرحله اول:

الف. حصّه اول (مواد لازمی): ۱- صرف میر؛ ۲- العوامل فی النحو ملّا محسن، شرح مأة عامل؛ ۳- «احکام» از تقلید تا آخر صلات؛ ۴- تجوید.

ب. حصّه اول (مواد امتیازی): ۱- عقاید به‌زبان اردو، حصّه ۱ و ۲ (آیة اللّه مکارم شیرازی)؛ ۲- حفظ قرآن از سوره «و الفجر» تا «الناس».

ج. حصّه دوم (مواد لازمی): ۱- هدایه و صمدیه یا هدایه و صرف ساده، یا صمدیه و صرف ساده؛ ۲- احکام از بحث صوم تا بحث خمس.

د. حصّه دوم (مواد امتیازی): ۱- عقاید اردو حصّه ۳، ۴ و ۵ (آیة اللّه مکارم شیرازی)؛ ۲- حفظ قرآن از سوره «نبأ» تا آخر «غاشیه».

مرحله دوم:

##PAGE=۲۷۳##

الف. حصّه اول (مواد لازمی): ۱- شرح سیوطی بر الفیه ابن مالک یا شرح ابن عقیل از اول تا باب «الاضافه»؛ ۲- المنطق یا تلخیص المنطق یا حاشیه از اول تا بحث «قضایا»؛ ۳- احکام از «خمس» تا «نکاح».

ب. حصّه اول (مواد امتیازی): ۱- عقائد الامامیه (مظفّر)؛ ۲- لغات قرآن کریم و تجزیه و ترکیب از سوره «الفجر» تا «الناس»؛ ۳- تاریخ اسلام، تألیف گروه نگارش (جلد اول)؛ ۴- تجوید.

ج. حصّه دوم (مواد لازمی): ۱- شرح سیوطی یا شرح ابن عقیل از باب «الاضافه» تا باب «الصرف»؛ ۲- المنطق یا تلخیص المنطق یا حاشیه از بحث «قضایا» تا «صناعات خمس»؛ ۳- احکام از باب «نکاح» تا آخر «ارث».

د. حصّه دوم (مواد امتیازی): ۱- عقاید: توحید مفضّل یا اصول دین (مؤسسه در راه حق)؛ ۲- لغات قرآن کریم، تجزیه و ترکیب از سوره «نبأ» تا آخر «غاشیه»؛ ۳- تاریخ اسلام، تألیف گروه نگارش (جلد دوم به‌زبان اردو).

مرحله سوم:

الف. حصّه اول (مواد لازمی): ۱- مغنی الادیب (جلد اول و دوم) ۲ سال؛

۲- مختصر المعانی (معانی، بیان و بدیع)، ۳ سال؛ ۳- معالم الاصول از ابتدا تا بحث «اجماع» و از «اجماع» تا آخر، یا اصول استنباط هرسال یک جلد، یا الموجز فی الاصول، یا تبصره علّامه؛ ۴- شرائع الاسلام.

ب. حصّه دوم (مواد امتیازی): ۱- عقاید: شرح باب حادی عشر یا دوره عقاید آیهٔ اللّه محمّد تقی مصباح، هرسال یک جلد و نیم؛ ۲- تفسیر جوامع الجامع، هر سال ۱۲۰ صفحه؛ ۳- تاریخ اسلام (الارشاد شیخ مفید) هرسال ۱۲۰ صفحه.

مرحله چهارم:

الف. «مواد لازمی»:

##PAGE=۲۷۴##

فقه: ۱- شرح لمعه کتاب «الطهارة» و «الصلاة»؛ ۲- کتاب «الزکاة» تا کتاب «المتاجر»؛ ۳- کتاب «المتاجر» تا پایان کتاب «المساقاة»؛ ۴- کتاب «الاجارة» تا کتاب «الطلاق»؛ ۵- کتاب «الطلاق» تا کتاب «المیراث»؛ ۶- کتاب «المیراث» تا آخر «دیات».

اصول فقه: ۱- اصول فقه از اول تا «ملازمات عقلیه»؛ ۲- از «ملازمات عقلیه» تا «مباحث حجت»؛ ۳- از «مباحث حجت»؛ تا «تعادل و تراجیح»؛ ۴- از «تعادل و تراجیح» تا آخر کتاب.

ب. «مواد امتیازی»: ۱- عقاید: الهیّات آیهٔ اللّه سبحانی هر سال یک جلد، یا شرح تجرید یا براهین العقاید (آیهٔ اللّه تجلیل)؛ ۲- تفسیر جوامع الجامع هرسال ۱۲۰ صفحه؛ ۳- تاریخ اسلام (الارشاد مفید) هرسال ۱۲۰ صفحه.

مرحله پنجم و ششم:

الف. «مواد لازمی»:

اصول: ۱- رسائل، «قطع و ظن»؛ ۲- «برائت و اشتغال»؛ ۳- «استصحاب» و «تعادل و تراجیح».

فقه: ۱- المکاسب، «المکاسب المحرّمه»؛ ۲- «بیع» تا بحث «ولایت فقیه»؛ ۳- بحث «ولایت فقیه» تا «خیارات»؛ ۴- «خیارات» تا «شروط»؛ ۵- «شرط» تا پایان کتاب؛ ۶- کفایهٔ، جلد اول؛ ۷- کفایهٔ جلد دوم.

ب. «مواد امتیازی »: ۱- باقی مانده دروس امتیازی مرحله قبل؛ ۲- درایهٔ الحدیث، آیهٔ اللّه سبحانی؛ ۳- معالم المدرستین ۳ جلد (هرسال یک جلد).

نظام درسی نوع دوم: این نظام درسی مصوّب سازمان «وفاق المدارس شیعه پاکستان» است که معیار امتحانات رسمی در رده‌بندی دریافت شهادت‌نامه علمی قرار گرفته است. این برنامه باتوجه به وضعیت مدارس دینی در دهه ۷۰ و

##PAGE=۲۷۵##

۸۰ میلادی، که سطح دروس پایین بود، تنظیم گردیده است . از این‌رو، سطح عالی، که رسائل، مکاسب و کفایه باشد، در ارزیابی علمی این نظام تعریف نشده است. این نظام در چهار مرحله تنظیم شده که برای هر مرحله، مدرک علمی رسمی نیز در نظر گرفته شده است. جداول برنامه درسی آن به‌قرار ذیل است:

الف. الشهادهٔ الثانویهٔ العامّهٔ فی العلوم العربیهٔ و الاسلامیه- دیپلم با مجموع نمرات ۵۵۰

جدول (۲۳): سرفصل‌های دروس الشهادهٔ الثانوی ۀ العامّه [تصویر] ب. الشهادهٔ الثانویهٔ الخاصّهٔ فی العلوم العربیهٔ و الاسلامیه- فوق دیپلم) F. A)

جدول (۲۴): سرفصل‌های دروس الشهادهٔ الثانویهٔ الخاصه) F. A)

[تصویر]

##PAGE=۲۷۶##

ج. الشهادهٔ العالیهٔ فی العلوم العربیهٔ و الاسلامیهٔ- معادل کارشناسی) B. A (مجموع نمرات ۷۵۰

جدول (۲۵): سرفصل‌های دروس الشهادهٔ العالیهٔ) B. A)

[تصویر] د. الشهادهٔ العالیهٔ فی العلوم العربیهٔ و الاسلامیه- کارشناسی ارشد) M. A (مجموع نمرات ۷۵۰

جدول (۲۶): سرفص‌های دروس الشهادهٔ العالیه) M. A)

[تصویر]

##PAGE=۲۷۷##

نظام درسی نوع اول با دو م اشتراکات فراوانی دارد و مکمّل یکدیگر شمرده می شوند. در این دو نظام درسی، سعی شده است تا موازنه بین موضوعات مهم علوم اسلامی، مانند نحو، احکام، عقاید، علوم قرآنی و تفسیر، اصول فقه، فقه و تاریخ، تا حدّی حفظ گردد؛ اما به علوم حدیث، معانی و بیان، اخلاق و فلسفه توجه کمتری شده است.

به‌طور کلی، سطح آموزش مدارس دینی در سال های اخیر، پیوسته در حال رشد بوده است . در گذشته، بیشتر طلّاب پیش از آنکه سطح را تمام کنند، مدرسه را ترک می‌کردند. اما امروزه در تعداد قابل توجهی از مدارس تا رسائل، مکاسب و کفایه تدریس می‌شود. در تاریخ شیعیان پاکستان، برای اولین بار تدریس دروس خارج نیز در جامعه «المنتظر» لاهور آغاز شده و حجة الاسلام حافظ ریاض حسین نجفی از سال ۱۹۹۷ م به‌این طرف برای تعدادی از طلاب این مدرسه «درس خارج» تدریس می‌کند.[۶۷۹]

مدارج و دانش‌نامه‌های علمی حوزوی: همان‌گونه که مراتب علمی روحانیان در سایر کشورهای شیعه‌نشین، به‌ویژه عراق و ایران، به عنوان مراکز اصلی آموزش روحانیت به خوبی از هم متمایز و شفّاف نیست، در پاکستان نیز عنوان یا سند علمی خاصی که نشان دهنده درجات علمی متفاوت علما باشد، وجود ندارد . اما در عین حال، در سال ۱۹۸۲ وزارت «تعلیم» (وزارت آموزش و پرورش) پاکستان طی توافقی با «وفاق المدارس شیعه پاکستان »، امتیاز صدور مدرک و شهادت‌نامه «سلطان الافاضل» را، که معادل کارشناسی ارشد است، به «وفاق المدارس» واگذار نمود. از سال ۱۹۸۴ به‌بعد، هرسال امتحان «سلطان الافاضل» در جامعه

##PAGE=۲۷۸##

«المنتظر» لاهور برگزار و این سند به طلاب اعطا می شود.[۶۸۰] «سلطان الافاضل» عالی‌ترین سند و گواهی نامه علمی مدارس دینی در این کشور به‌شمار می‌رود.

هرچند از نظر حقوقی چهار نوع مدرک رسمی برای نظام درسی مدارس تعریف شده است، اما عملا مدارک پایین تر از «سلطان الافاضل» به خاطر عدم اهمیت آن، صادر نمی‌گردد. این مدارک و مدارج علمی چهارگانه به‌شرح ذیل است:

۱- الشهادة الثانویة العامّة فی العلوم العربیة و الاسلامیة- معادل دیپلم (کلاس دهم)؛

۲- الشهادة الثانویة الخاصّة فی العلوم العربیة و الاسلامیة- معادل فوق دیپلم) A .F (؛

۳- الشهادة العالیة فی العلوم العربیة و الاسلامیة- معادل کارشناسی) A .B (؛

۴- الشهادة العالیة فی العلوم العربیة و الاسلامیة- معادل کارشناسی ارشد) A .M (.

نام دیگر «الشهادة العالیه فی العلوم العربیة و الاسلامیة »، «سلطان الافاضل» است. در پاکستان، معمولا به‌کسانی که از حوزه نجف فارغ التحصیل شده باشند «فاضل نجف» و به‌کسانی که از قم فارغ التحصیل شده باشند «فاضل قم» گفته

---

[۶۷۹] (1). از زمانی که علّامه حافظ ریاض حسین نقوی نجفی کار تدریس« درس خارج» را آغاز کرده است، همکاران ایشان او را با نام« آیة اللّه» می‌خوانند.

[۶۸۰] (1). سید محمّد ثقلین کاظمی، امامیه دینی مدارس پاکستان، ص248.

می‌شود. در واقع، عنوان «فاضل» نشان‌دهنده عالی‌ترین درجه علمی قبل از دکتری) P. H. D (است. همچنین به‌کسانی که از دانشگاه در رشته عربی و اسلامی (پیش از دکتری) فارغ التحصیل می‌شوند مدرک «فاضل عربی» داده می‌شود.

در ادبیات مذهبی و اجتماعی، برخی عناوین و القاب برای علما به کار می رود که به نحوی بیان‌کننده مراتب علمی روحانیان نیز هست. هرچند مرزهای این

##PAGE=۲۷۹##

رتبه‌بندی هرگز روشن نیست- مانند: «ملّا» که معمولا برای روحانیان رده پایین به کار می رود و «مولانا» که بیشتر به روحانیان رده‌بالا اطلاق می‌شود و «علّامه» که برای دانشمندان و علمای بزرگ به‌کار می‌رود- اما چنان‌که اشاره شد، در کاربرد این القاب هرگز دقت لازم صورت نمی پذیرد. از این‌رو، «علاّمه »، که صفتی برای عالمان بزرگ و دانشمندان است، برای روحانیان عادی، ذاکران و خطبا نیز استعمال می‌گردد.

دو واژه دیگر نیز در مورد روحانیان کاربرد دارد : «شیخ» و «قبله». واژه «شیخ» معمولا بار علمی دارد و در مناطق شمالی به روحانیان عالی رتبه اطلاق می شود، درحالی‌که در کویته به تمام کسانی که در نجف و قم درس خوانده باشند، «شیخ» گفته می‌شود و عنوان «شیخ» رایج‌ترین عنوان در کویته است . اما در پنجاب و سند، این عنوان چندان کاربرد ندارد و به‌جای آن، «مولانا» یا «مولوی» (که نزد سنّی‌ها متداول است) بیشتر به‌کار می‌رود.

واژه «قبله» یا «قبله صاحب» از واژه‌های احترام‌آمیزی است که در پنجاب کاربرد بسیار زیادی دارد . این واژه تقریبا معادل کلمات «حجۀ الاسلام» و «حاجی آقا» در ایران است.

۲. نظام آموزش جدید

«آموزش جدید» اصطلاحی است که به آموزش های رایج در مدارس دولتی و دانشگاه ها اطلاق می‌شود. آموزش در این‌گونه مدارس و دانشگاه‌ها، به‌مراحل و مقاطع گوناگونی تقسیم شده است. مراکزی که عهده‌دار امور آموزش‌های جدید هستند، به‌ترتیب مراتب و مدارج علمی به سه دوره تقسیم می‌شوند:

##PAGE=۲۸۰##

الف. اسکول[۶۸۱] (مدرسه)؛

ب. کالج[۶۸۲] (دانشکده)؛

ج. یونیورسیتی[۶۸۳] (دانشگاه).

---

[۶۸۱] (1). loohcS

[۶۸۲] (2). egelloC

[۶۸۳] (3). ytisrevinU

آموزش در هریک از مراکز سه گانه، به‌مراحل متعددی تقسیم می شود که در مجموع، فهرستی طولانی به شکل ذیل را تشکیل می‌دهد:

الف. اسکول (مدرسه): نظام درسی و آموزشی اسکول‌ها (مدارس) به سه مقطع تقسیم گردیده است:

۱- پرایمری[۶۸۴] (دبستان) که از کلاس اول تا پنجم را شامل می‌شود.

۲- میدل[۶۸۵] (راهنمایی) که کلاس ششم، هفتم و هشتم را دربر می گیرد.

۳- های[۶۸۶] (دبیرستان) که شامل کلاس نهم و دهم می‌گردد.

ب. کالج (دانشکده): این مقطع به دو دوره تقسیم می‌شود: ۱-F. A [۶۸۷] و ۲-B. A [۶۸۸].

A. F

به کلاس‌های یازدهم و دوازدهم اطلاق می‌شود که به‌آن «انتر میدیت»[۶۸۹] (درجه میانی) گفته می‌شود. وB. A یاB. C [۶۹۰] به فارغ التحصیلان مقطع کارشناسی اطلاق می‌شود که دوره آن دو سال است.

ج. یونیورستی (دانشگاه): مراحل تحصیلات دانشگاهی در مجموع، به چهار مرحله تقسیم شده است:

۱- کارشناسی که همانB. A وB. S. C باشد.

##PAGE=۲۸۱##

[۶۹۱]

##PAGE=۲۸۱##

۲- کارشناسی ارشد که به آنM. A [۶۹۲] در رشته علوم انسانی و M. S. C [۶۹۳] در رشته تجربی و M. L در رشته حقوق گفته می‌شود و مدت دوره آن ۲ سال است. (کلاس پانزدهم و شانزدهم)

---

[۶۸۴] yramirP..(4)

[۶۸۵] ladeM..(5)

[۶۸۶] hgiH..(6)

[۶۸۷] strA tsriF..(7)

[۶۸۸] strA fo rolehcaB(8). در رشته علوم انسانی

[۶۸۹] etaideM retnI..(9)

[۶۹۰] ecnicS fo rolehcaB(10). در رشته علوم تجربی

[۶۹۱] عارفی، محمد اکرم، شیعیان پاکستان، 1جلد، شیعه شناسي - قم، چاپ: اول،1385 هـ.ش.

۳-M. hP که به‌مقطع پیش دکتری اطلاق می‌شود که دوره آن دو سال است.

۴- دکتری hP. D که عالی‌ترین مقطع تحصیلی دانشگاهی به‌شمار می‌آید.

این نظام درسی- همان‌گونه که ذکر شد و در سایر کشورها نیز متداول است- نظام درسی مراکز آموزشی دولتی است. اما بخش‌های خصوصی (پرائیویت) نیز در این زمینه به سرمایه‌گذاری‌های گسترده دست زده‌اند. رویکرد بخش خصوصی به امر آموزش ممکن است به دلایل اقتصادی، فرهنگی و یا چیز دیگری باشد؛ اما به طور حتم، می توان گفت: رویکرد سازمان‌ها و مؤسسات مذهبی شیعه به این امر در کنار هر عامل دیگر، انگیزه مذهبی نیز دارد.

«جابر بن حیّان ترست »، که بیشترین فعالیت را در این عرصه داشته، انگیزه اصلی اش در ایجاد مدارس جدید را «گسترش سواد و تعلیم در مناطق محروم » ذکر کرده است.[۶۹۴] اما سازمان «دانشجویان اصغریه» تا حدّی مفصّل تر به انگیزه‌های کاری خود پرداخته و اهداف ذیل را برای تاسیس مدارس جدید ذکر کرده است:

۱- ایجاد فضای اسلامی در مراکز آموزشی؛

۲- ترویج نظام آموزشی بهتر؛

۳- انتظام معقول تعلیم و تربیت؛

۴- ایجاد امکانات و تسهیلات مطابق با نیازهای جدید در مدارس؛

##PAGE=۲۸۲##

۵- تربیت فکری استادان تا بتوانند شاگردان بهتری به جامعه تحویل دهند.[۶۹۵]

تحوّل سریع در نظام های آموزشی و ایجاد شکاف روزافزون میان مدارس دینی و مدارس جدید، نیروهای مذهبی را به‌اندیشه ترمیم این شکاف و حفظ نفوذ و جایگاه ف کری و فرهنگی خود در میان طبقه تحصیل کرده، بوروکرات ها و تکنوکرات‌ها واداشت. روحانیان روشن‌فکر و نیروهای مذهبی رویکرد به مدارس جدید را مؤثرترین راه برای ریشه کنی بی‌سوادی، ناآگاهی دینی و همچنین پویاسازی فرهنگ دینی، تربیت نیروهای انسانی صالح و نفوذ به درون ساختار نظام اداری و سیاسی کشور می‌دانند. در سال‌های اخیر، فعالیت‌های وسیعی برای ایجاد مدارس جدید آغاز شده است تا ضمن انجام آموزش علوم جدید، با آموزش و تربیت دینی نیز مجهّز گردند . این الگو قبلا از سوی حزب «جماعت اسلامی» پاکستان پیاده شده و در تربیت نیروهای علمی با گرایش‌های مذهبی در دولت بسیار موفق بوده است.

---

[۶۹۲] (1). strA fo retsaM.

[۶۹۳] (2). ecnicS fo retsaM.

[۶۹۴] (3). جابر بن حیّان ترست، جزوه اسوه پبلك اسكول

[۶۹۵] (1). اصغریه استودنس آرگنایزیشن، آیین اصغریه ایجوکیشن پروجیکت، ص اول

توجه به آموزش جدید به عنوان روشی در امروزی کردن آموزه های دینی و تبیین و ارائه معارف اسلامی در چارچوب نظریات و روش های جدید و پویاسازی فرهنگ و اندیشه اسلامی، بسیار حایز اهمیت است . از این‌رو، برخی مدارس دینی مانند «جامعهٔ النجف» سکردو، «جامعهٔ بقیهٔ اللّه» اسلام‌آباد که بیش از ۲۰ نفر از طلّاب این مدرسه در حال گذراندن دوره دکتری هستند، مدرسه «شهید عارف حسین حسینی» در پیشاور، مدرسه «جعفریه» در پاراچنار، و جامعه «عسکریه» در شهر هنگو (سرحد) به آموزش‌های جدید و کلاسی نیز روی آورده‌اند.

در اسلام‌آباد، جامعهٔ «الکوثر» در مساحت بسیار بزرگ و با امکانات کاملا جدید، با هدف تلفیق مدارس دینی با مدارس جدید راه‌اندازی شده است. در

##PAGE=۲۸۳##

جزوه‌ای که از سوی «جامعهٔ الکوثر» به چاپ رسیده، اهداف آن چنین ذکر شده است:

۱- «جامعهٔ الکوثر» به تقسیم غیراسلامی و غیرفطری علم به «دینی» و «غیردینی» پایان خواهد داد.

۲- این مرکز علمی شخصیت‌هایی را تربیت خواهد کرد که برای تحقیق در اصول اسلامی و پرده برداشتن از خیانت های علمی مستشرقان، از منابع علمی مشرق و مغرب به‌صورت یکسان استفاده ببرند.

۳- «جامعهٔ الکوثر» نقطه اتصال این جنبش آموزشی است که پیوندی میان مدارس دینی تحت عنوان «مدارس اهل بیت علیهم السّلام» و آموزش رایج تحت عنوان مدارس غیرانتفاعی «اسوه» (اسوه پبلک اسکولز) برقرار کرده و ان شاء اللّه برای صدها طلبه مدارس دینی و هزاران دانش آموز مدارس غیرانتفاعی «اسوه»، که خواهان امتزاج علوم قدیم و جدید هستند، فرصت طلایی فراهم خواهد کرد.

۴- «جامعهٔ الکوثر» برای به حد مطلوب رساندن آموزش، در روش آموزش و برنامه آموزش، تغییرات مثبتی ایجاد خواهد کرد.

۵- «جامعهٔ الکوثر» برای رسیدن به‌این اهداف بزرگ، از استادان زبده داخلی و خارجی بهره خواهد گرفت.[۶۹۶]

«جامعهٔ الکوثر»، که چند سال است برنامه های خود را آغاز کرده و برخی رشته ها (مانند فقه و اصول، زبان، فلسفه و کلام) را فعّال کرده است، در نظر دارد دست کم در ۹ رشته فعالیت آموزشی و علمی داشته باشد :[۶۹۷] ۱- اجتهاد؛ ۲- تفسیر و علوم قرآن؛ ۳- حدیث؛ ۴- تبلیغ و دعوت؛ ۵- عقاید، کلام و فلسفه؛ ۶- تاریخ و

##PAGE=۲۸۴##

سیره؛ ۷- حقوق و قضا؛ ۸- زبان و ادبیات؛ ۹- تحقیق و تألیف.

---

[۶۹۶] (1). جامعة الکوثر، جزوه جامعة الکوثر.

[۶۹۷] (2). همان/ مصاحبه با فرزند حجة الاسلام شیخ محسن علی نجفی، نایب مسئول و استاد« جامعة الکوثر».

شیخ محمد اسحاق نجفی فرزند حجۀ الاسلام شیخ محسن علی نجفی، که به جای پدر، مسئولیت امور «جامعۀ الکوثر» را به‌عهده دارد، می‌گوید: برنامه درسی جامعه براساس برنامه مؤسسه «آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه اللّه » در قم تنظیم شده است.

تأسیس مدارس غیرانتفاعی با حفظ شئونات اسلامی، اکنون در سراسر پاکستان رایج گردیده، اما برخی مؤسسات و سازمان‌های دینی گام‌های بلندتری در این زمینه برداشته‌اند؛ مانند:

۱- جابر بن حیّان ترست: تاکنون ۳۷ واحد مدرسه (در سطح دبستان و راهنمایی) در مناطق روستایی محروم پاکستان تحت نام «اسوه پبلک اسکول»[۶۹۸] با نظام آموزشی زبان انگلیسی (انگلش میدیم) به شرح ذیل ایجاد نموده است:[۶۹۹]

۱- اسوه پبلک اسکول (شاه اللّه دته، اسلام‌آباد)؛

۲- اسوه پبلک اسکول (اسکردو)؛

۳- اسوه پبلک اسکول (اسکردو «دخترانه»)؛

۴- اسوه پبلک اسکول (کرمنگ، بلتستان)؛

۵- اسوه پبلک اسکول (خپلو، بلتستان)؛

۶- اسوه پبلک اسکول (شگر، بلتستان)؛

۷- اسوه پبلک اسکول (منتهوکا،[۷۰۰] بلتستان)؛

۸- اسوه پبلک اسکول (طولتی،[۷۰۱] بلتستان)؛

##PAGE=۲۸۵##

۹- اسوه پبلک اسکول (یلتر،[۷۰۲] بلتستان)؛

۱۰- اسوه پبلک اسکول (کریس، بلتستان)؛

۱۱- اسوه پبلک اسکول (تهوار، بلتستان)؛

---

[۶۹۸] (1). loohcS cilbuP awsU.

[۶۹۹] (2). جابر بن حیّان ترست، جزوه اسوه پبلك اسکول/ سید محمّد ثقلین کاظمی، امامیه دایریکتری2001 م، ص233.

[۷۰۰] (3). akohtnaM.

[۷۰۱] (4). italoT.

[۷۰۲] (1). retlaY.

۱۲- اسوه پبلک اسکول (غواری، بلتستان)؛

۱۳- اسوه پبلک اسکول (گنیش،[۷۰۳] هنزه گلگت)؛

۱۴- اسوه پبلک اسکول (نگر، گلگت)؛

۱۵- اسوه پبلک اسکول (هوپر،[۷۰۴] گلگت)؛

۱۶- اسوه پبلک اسکول (بهیکر،[۷۰۵] گلگت)؛

۱۷- اسوه پبلک اسکول (پلیت سیدان، کوتلی آزاد کشمیر)؛

۱۸- اسوه پبلک اسکول (جبری،[۷۰۶] کوتلی آزاد کشمیر)؛

۱۹- اسوه پبلک اسکول (جامره،[۷۰۷] چکوال)؛

۲۰- اسوه پبلک اسکول (پاراچنار)؛

۲۱- اسوه پبلک اسکول (لقمان خیل، پاراچنار)؛

۲۲- اسوه پبلک اسکول (شلوزان، پاراچنار)؛

۲۳- اسوه پبلک اسکول (کرمان، پاراچنار)؛

۲۴- اسوه پبلک اسکول (کنج علی زئی، پاراچنار)؛

۲۵- اسوه پبلک اسکول (شبلان، پاراچنار)؛

۲۶- اسوه پبلک اسکول (زیران، پاراچنار)؛

۲۷- اسوه پبلک اسکول (لال‌مائی،[۷۰۸] پاراچنار)؛

##PAGE=۲۸۶##

---

[۷۰۳] hsinaG..(2)

[۷۰۴] repoH..(3)

[۷۰۵] rekihB..(4)

[۷۰۶] irbaJ..(5)

[۷۰۷] armaJ..(6)

[۷۰۸] iamlaL..(7)

۲۸- اسوه پبلک اسکول (بفتی،[۷۰۹] پاراچنار)؛

۲۹- اسوه پبلک اسکول (پیوار، پاراچنار)؛

۳۰- اسوه پبلک اسکول (احمد زئی، پاراچنار)؛

۳۱- اسوه پبلک اسکول (شهر هنگو)؛

۳۲- اسوه پبلک اسکول (مرائی، هنگو)؛

۳۳- اسوه پبلک اسکول (کچهی، هنگو)؛

۳۴- اسوه پبلک اسکول (لودهی خیل،[۷۱۰] هنگو)؛

۳۵- اسوه پبلک اسکول (علی زئی، هنگو)؛

۳۶- اسوه پبلک اسکول (چکرکوت، هنگو)؛

۳۷- اسوه پبلک اسکول (صوبو دیرو، خیرپور سند).

براساس فهرست مذکور، ۱۱ مدرسه در بلتستان، ۴ مدرسه در گلگت، ۱۱ مدرسه در مناطق قبایلی، ۷ مدرسه در هنگو (سرحد) یک مدرسه در پنجاب، یک مدرسه در اطراف اسلام آباد، ۲ مدرسه در آزاد کشمیر و ۱ مدرسه در ایالت سند تأسیس شده است.

مدارس نام‌برده در سال ۲۰۰۲ دارای ۵۰۰/ ۵ دانش‌آموز بودند که گفته می شود هرسال هزار نفر بر تعداد آنها افزوده می‌شود.[۷۱۱] طبق این محاسبه، در سال ۲۰۰۵ تعداد دانش‌آموزان به ۵۰۰/ ۸ تن رسیده است.

۲- بنیاد معرفی فاوندیشن: بنیاد معرفی نیز یکی از مؤسسات فعّال شیعی است که در زمینه آموزش و بهداشت فعالیت می‌کند. این بنیاد قریب ۲۰۰ مدرسه در مناطق شمالی، کراچی و لاهور تأسیس کرده است.[۷۱۲]

##PAGE=۲۸۷##

۳- سازمان دانشجویان ا صغریه: این سازمان، که در سطح سند فعالیت می کند، ۱۲ یا ۱۳ مدرسه در مناطق محروم و روستایی سند تحت عنوان «اهل بیت پبلک اسکول» تأسیس نموده که ۸ باب آن در مقطع دبستان، یک باب راهنمایی و ۳ باب دبیرستان است و قریب ۸۰۰/ ۱ دانش‌آموز در آنها مشغول تحصیل هستند.[۷۱۳]

---

[۷۰۹] (1). itfaB.

[۷۱۰] (2). lehK ihdoL.

[۷۱۱] (3). جابر بن حیّان ترست، جزوه اسوه پبلك اسكول.

[۷۱۲] (4). مصاحبه با استاد غلام مهدی، استاد دانشکده« علوم اسلامی» دانشگاه کراچی 16 اسفند1382.

۴- جعفریه ترست: مؤسسه «جعفریه»، که در سال ۱۹۹۰ به‌وسیله حجۀ الاسلام سید ساجد علی نقوی، رهبر «تحریک جعفریه» تأسیس شد، فعالیت‌هایی در زمینه فرهنگی، آموزشی و رفاهی در پیش گرفت و در جهت توسعه امر آموزش، «پاکستان ایجوکیشن کونسل »[۷۱۴] (شورای آموزشی پاکستان) را در سال ۱۹۹۶ پایه‌گذاری نمود. این شورا ۲۱ باب مدرسه را، که بیشتر تحت عنوان «المصطفی پبلک اسکول»[۷۱۵] نامیده می‌شدند، در مناطق ذیل تحت پوشش گرفت:[۷۱۶]

۱- اندس مادل اسکول[۷۱۷] (میانوالی، پنجاب)؛

۲- جناح پبلک اسکول[۷۱۸] (اتک، پنجاب)؛

۳- المصطفی پبلک اسکول (فیصل‌آباد، پنجاب)؛

۴- المصطفی مادل اسکول[۷۱۹] (چینوت، پنجاب)؛

۵- المصطفی مادل اسکول (ملتان، پنجاب)؛

۶- المصطفی گرلز اسکول[۷۲۰] (گون،[۷۲۱] بلتستان)؛

۷- المصطفی هائر سیکندری اسکول[۷۲۲] (سکردو، بلتستان)؛

##PAGE=۲۸۸##

۸- الزهرا مادل اسکول[۷۲۳] (غواری، بلتستان)؛

۹- الزهرا مادل اسکول (کندس کرمنی،[۷۲۴] بلتستان)؛

۱۰- الزهرا مادل اسکول (کونیس،[۷۲۵] بلتستان)؛

---

[۷۱۳] (1). در مصاحبه‌ای که با مسئولان سازمان داشتم، از 12 مدرسه نام می‌بردند، اما در گزارش سالانه سازمان در مجله المعصوم(اکتبر و نوامبر 2001) از 13 مدرسه نام برده شده است.

[۷۱۴] (2). licnuoC noitacudE natsikaP

[۷۱۵] (3). loohcS cilbaP afatsuM -lA

[۷۱۶] (4). پاکستان ایجوکشنل کونسل ایك نظر مین، ص2- 3.

[۷۱۷] (5). loohcS ledoM sudnI

[۷۱۸] (6). loohcS cilbuP hanniJ

[۷۱۹] (7). loohcS ledoM afatsuM -lA

[۷۲۰] (8). loohcS slriG afatsuM -lA

[۷۲۱] (9). nooG

[۷۲۲] (10). loohcS yradnoceS rihgiH afatsuM -lA

[۷۲۳] (1). loohcS ledoM arhaZ -lA

[۷۲۴] (2). inamraK sadnuK

[۷۲۵] (3). seenoK

۱۱- المصطفی پبلک اسکول (کندس، بلتستان)؛

۱۲- المصطفی پبلک اسکول (بغاردو،[۷۲۶] بلتستان)؛

۱۳- المصطفی پبلک اسکول (قمراه، بلتستان)؛

۱۴- المصطفی پبلک اسکول (مهدی‌آباد، بلتستان)؛

۱۵- الزهرا مادل اسکول (بغاردو، بلتستان)؛

۱۶- المصطفی پبلک اسکول (سینو، بلتستان)؛

۱۷- المصطفی پبلک اسکول (کورو، بلتستان)؛

۱۸- المصطفی پبلک اسکول (طورمک،[۷۲۷] بلتستان)؛

۱۹- المصطفی پبلک اسکول (شوت،[۷۲۸] بلتستان)؛

۲۰- العصر پبلک اسکول[۷۲۹] (قاسم‌آباد، گلگت)؛

۲۱- تیکنیکل اسکول[۷۳۰] (بکّر، پنجاب).

بدین‌سان، آموزش جدید اهمیت خاص خود را نزد افراد و مؤسسات مذهبی احراز کرده است . مؤسسات و سازمان‌ها و یا افراد حقیقی با وارد کردن آموزش های اخلاقی، اعتقادی و عبادی در نظام آموزشی این مدارس (پبلک اسکول‌ها)، امیدوارند ضمن کمک به توسعه و ارتقای دانش، به‌تربیت دینی نسل تحصیل‌کرده جدید نیز کمک نمایند.

##PAGE=۲۸۹##

فصل پنجم نظام اجتماعی

##PAGE=۲۹۱##

درآمد

---

[۷۲۶] odrahgaB..(4)

[۷۲۷] kamroT..(5)

[۷۲۸] tohS..(6)

[۷۲۹] loohcS cilbuP rsA -lA..(7)

[۷۳۰] loohcS lacinhceT..(8)

پاکستان از لحاظ ساختار قومی، جمعیتی، فرهنگی و زبانی، از جمله جوامع چند قومی و چند فرهنگی به شمار می‌رود. این کشور تا پیش از سال ۱۹۴۷، بخشی از سرزمین هند بود که به «سرزمین کثرت ادیان، اقوام و فرهنگ ها» شهرت دارد. پاکستان نیز این تنوّع نژادی، قومی، زبانی و فرهنگی را از هند به ارث برده است.

جامعه پاکستان عمدتا یک جامعه سنّتی است. گرچه این کشور بیش از یک قرن است که سمت و سوی مدرنیزه شدن را در پیش گرفته و نهادهای مدنی تا حدود زیادی در آن فعّال شده و در عرصه های صنعت، ارتباطات، حمل ونقل و مطبوعات نیز به موفقیت هایی دست یافته، اما باوجود این، ساختار اجتماعی کشور همچنان سنّتی باقی مانده و نظام فئودالی، سرداری و قبایلی از قدرت و نفوذ فوق العاده‌ای در آن برخوردار است.

ریشه‌های آداب و سنن نظام قبایلی، فئودالی و مذهبی در میان گروه های اجتماعی این کشور بسیار عمیق و گسترده است، به‌گونه‌ای که نه تنها بیشتر جمعیت روستایی، بلکه جمعیت شهری را نیز تحت تأثیر خود دارد . جامعه پاکستان الگویی از آشتی میان سنّت و تجدّد به‌شمار می‌آید که در آن حتی

##PAGE=۲۹۲##

طبقات مرفّه و تحصیل‌کرده شهری، نقش های اجتماعی خود را عمدتا در قالب ساختار و ارزش های سنّتی ایفا می‌کنند. ساختار طبقاتی و کاستی که بر پایه های فرهنگ دینی پیش از اسلام در این ناحیه استوار یافته بود، تاکنون در برابر تحوّلات نوین، کم‌وبیش مقاومت نشان داده است.

در دوران انگلیسی‌ها، ساختار قبایلی و فئودالی به شدت تقویت گردید و با حمایت های سیاسی و اقتصادی، از قدرت و استحکام بیشتری برخوردار شد.

انگلیسی‌ها به دلیل بهره برداری از عدم انسجام اجتماعی و استفاده از اشرافیت قومی و نظامی، برای مهار توده ها، نمی‌خواستند نظام سنّتی هند از هم فروبپاشد. به همین دلیل، به‌جای تلاش در جهت تغییر و نابودی آن، سعی کردند آن را به عنوان بستر و اهرم نفوذ خود حفظ کنند . آنها سران قبایل، فئودال ها و برخی چهره ها و خانواده های مذهبی (مانند سادات) را وارد دستگاه سیاست و قدرت نمودند و بدین صورت، نظام سیاسی را براساس ساختار اجتماعی پایه گذاری کردند.

در جامعه سنّتی، قومیت ها، زبان ها و فرهنگ ها هریک در محیط گروه، تقریبا نفوذناپذیر باقی مانده و به دلیل محدودیت‌های ناشی از ساختار و فرهنگ نظام سنّتی، تعامل میان این گروه ها بسیار محدود است و فرصت اندکی برای یکسان‌سازی و یا تعامل به‌وجود می‌آید. این گروه‌ها معمولا در برابر عوامل تغییرساز برون گروهی، واکنش‌های شدیدی نشان می‌دهند. در این فصل، کوشش شده است تا گروه های قومی، ساختار اجتماعی و روابط میان گروه های قومی و فرهنگی شیعیان مورد بحث قرار گیرد و ویژگی های آنها بررسی شود. ساختار اجتماعی شیعیان متفاوت از ساختار کل جامعه پاکستان نیست.

##PAGE=۲۹۳##

گروه‌های قومی شیعه

در بررسی مسئله ترکیب قومی و زبانی شیعیان، نمی توان از یک ترکیب قومی جدا از بافت قومی و جمعیتی کل این کشور بحث به میان آورد. توزیع جمعیت قومی و زبانی شیعیان در سراسر پاکستان، به گونه‌ای است که تمام گروه های قومی این کشور را دربر می گیرد. تنها به‌موارد محدودی (مانند هزاره‌های کویته و قزلباش های لاهور و پیشاور و مانند آن) می‌توان برخورد که هویّت های قومی از هویّت مذهبی در پیوند ی جدانشدنی قرار دارد و هویّت قومی بازتابی از هویّت مذهبی (شیعی) نیز تصور می‌شود. در سایر موارد، گستره قومی شیعیان همان گستره خود اقوام ساکن در پاکستان است؛ بدین معنا که در میان تمام گروه های قومی این کشور، فرقه های مذهبی گوناگون از جمله «شیعه» وجود دارند. مهم‌ترین این گروه ها عبارتند از: ۱. بلوچ؛ ۲. پشتون (پتان)؛ ۳. پنجابی؛ ۴. سندی؛ ۵. مهاجر؛ ۶. بلتی؛ ۷. گلگتی؛ ۸. هزاره؛ ۹. سادات؛ ۱۰. کشمیری.

۱. بلوچ

براساس بعضی اسناد تاریخی، مردم بلوچ در قرن اول ه با مذهب شیعه آشنا شده اند. قوم بلوچ به پنج قبیله بزرگ تقسیم می‌شود: رند، لاشاری، کورائی، جتویی، و هوت. هر قبیله بزرگ نیز از قبایل کوچک تر دیگری تشکیل شده است که این قبایل در واقع، هویّت اصلی مردم بلوچ را تشکیل می دهد.[۷۳۱] بلوچ‌های شیعه ایالت بلوچستان بیشتر به اقوام چلگری، جمالی، لاشاری، لغاری، کوسه، بلیدی، مغیری، گولا، و دومکی تعلّق دارند.[۷۳۲]

##PAGE=۲۹۴##

قبیله «چلگری» در مناطق دیره مراد جمالی، دیره اللّه یار، باگ و بالان شاخ زندگی می کنند. قبیله «لاشاری» در نصیرآباد (چتر)، صحبت‌پور و برخی مناطق دیگر به سر می‌برند. بلوچ‌های شیعه مذهب قبیله «جمالی» در باگ (روستای چلگری) و روستاهای اطراف گنداخه در شهرستان جعفرآباد زندگی می کنند و تعدادی از شیعیان متعلّق به قبیله «کوسه» نیز در روستاهای صحبت‌پور و چتر (شهرستان نصیرآباد) سکونت دارند. «سادات» یکی دیگر از گروه‌های قومی بلوچ به شمار می‌رود که در تریهر، چتّر و روستاهای اطراف گند اخه مانند قلعه سید نثار شاه، قلعه سید عنایت شاه، قلعه سید منظور شاه و قلعه صالح محمّد پندرانی در نزدیکی باری شاخ، گنداوه و درگاه فتح پور حضور دارند . شیعیان قبیله «گولا» عمدتا در باری شاخ، که مجموعه ای از روستاهای متعلّق به این قبیله است، به سر می‌برند و ظاهرا جمعیت قابل توجهی را نیز تشکیل می‌دهند.

شیعیان قبیله «بلیدی» و «مغیری» در دادر و قلعه افضل لوئر در نزدیکی دیره مراد جمالی زندگی می‌کنند. شیعیان وابسته به‌قبایل «دومکی» (دومبکی) در جیکب‌آباد و «لغاری» در محبت شاخ و آراهی دهکر و «کلوار» در گنداوه و «عمرانی» در چند روستای مربوط به دیره مراد جمالی زندگی می‌کنند.

---

[۷۳۱] (1). بهادر لاله هتورام، تاریخ بلوچستان، ص59.

[۷۳۲] (2). گزارش اختصاصی سازمان تبلیغی اسلامی بلوچستان،23- 30 مارس2005.

بلوچ‌ها صرفا به ایالت بلوچستان محدود نمی گردد، بلکه در ایالت های سند و پنجاب نیز تعداد زیادی از آنها سکونت دارد. نتیجه مطالعات میدانی به‌خوبی نشان می‌دهد که جمعیت بلوچ های شیعه‌مذهب ساکن در سند و پنج اب بسیار بیش از هم مذهبان آنها در بلوچستان است . در حیدرآباد و اطراف آن (وانکی وسی و نواحی آن) بیشتر بلوچ های لغاری، لاشاری، مری، کوسه، جروار، [۷۳۳] رند، و چلگری به سر می برند و در سکّر، بلوچ شنبانی، و سومرو، در روهری، بلوچ سروهی و

##PAGE=۲۹۵##

تالپور، در خیرپور، بلوچ جاگیرانی و تالپور، در شکارپور، لارکانه، میسر و مورو، بلوچ جتویی و جعفری و در جیکب‌آباد، قبیله بیجارانی و دومکی زندگی می‌کنند.[۷۳۴]

آغا محمّد ناصر نوشته است که قبایل بلوچ ساکن در سند اکثرا شیعه‌اند. در شهرهای خیرپور، حیدرآباد، نوّاب شاه، دادو، سکّر، گهوتکی،[۷۳۵] شکارپور، گری یسین، کندهکوت، کشمور، و جیکب آباد در میان قبایل مهمی مانند عمرانی، جعفری، مثوانی، دومکی، بجارانی، جکرانی، کوسه، جمالی، رند و تالپور، تعداد زیادی شیعه وجود دارد.[۷۳۶]

در پنجاب نیز در شهرستان های ملتان، لیّه، کرور، بکّر، جنگ، میانوالی، خا نیوال، مظفّرگر، رحیم یار خان و دو طرف دریای سند، دیره اسماعیل خان، دیره غازی خان، تونسه شریف، خان پور، سرگودا، و روستاهای اطراف آنها قبایل گوناگون بلوچ مانند سومرو، مگسی، لغاری، کوسه، کورائی، جتویی، جمالی، دشتی، و بزدار[۷۳۷] به سر می‌برند.

۲. پشتون (پتان)

قوم پشتون (پتان) اغلب در دو ایالت سرحد و بلوچستان و مناطق قبایل آزاد (فاتا) زندگی می‌کنند؛ اما در دهه‌های اخیر، تعدادی از آنها به شهرهای دیگر پاکستان، به ویژه کراچی، هجرت کرده و در آنجا اکثرا به کار تجارت، حمل ونقل درون‌شهری و میان‌شهری و ساختمان‌سازی مشغول شده‌اند.[۷۳۸] ساختار قومی و فرهنگی پشتون ها شباهت‌های زیادی با ساختار قومی و فرهنگی بلوچ‌ها دارد. اما

##PAGE=۲۹۶##

تنوّع مذهبی و اعتقادی، که در سطح قبایل بلوچ به طور گسترده به‌چشم می‌خورد، در میان قبایل پشتون دیده نمی شود؛ چنان‌که قبایل پشتون ساکن بلوچستان مانند اچکزئی، کاکر،[۷۳۹] و کانسی [۷۴۰] تماما حنفی‌مذهب هستند و در میان آنان

---

[۷۳۳] rawraJ..(1)

[۷۳۴] (1). مشاهدات شخصی و مصاحبه با روحانیان و شخصیت‌های محلّی.

[۷۳۵] iktohG..(2)

[۷۳۶] (3). آغا محمّد ناصر، بلوچستان مین پیروان علی، ص121.

[۷۳۷] radzuB..(4)

[۷۳۸] (5). سید قاسم محمود، انسائیکلوپیدیا پاکستانیکا، ص568.

[۷۳۹] rakaK..(1)

[۷۴۰] isnaK..(2)

شیعه دیده نمی شود. اقلّیت شیعه مذهب پشتون عموما به پشتون های قبایل آزاد (فاتا) و ایالت سرحد تعلّق دارد که در دهه‌های اخیر، دسته‌هایی از آنان به سایر نقاط پاکستان نیز هجرت کرده‌اند.

قبایل مهم شیعه‌مذهب پشتون بنگش، توری (طوری)، منی خیل و بر محمّد خیل هستند . قبیله بنگش در مناطق کوهات، هنگو و پاراچنار زندگی می‌کنند.

توری‌ها عمدتا در شهرستان پاراچنار متمرکزاند و منی خیل و بر محمّد خیل در تیرا مستقر هستند . در تیرا، قبیله علی خیل نیز شیعه دارد که سادات آن مذهب خود را اظهار می کنند، اما عده‌ای دیگر در تقیّه به سر می‌برند. از خیل خوشی نیز تعدادی پیرو مذهب شیعه هستند . از میان این قبایل و خیل ها، توری، منی خیل و بر محمّد خیل ظاهرا صددرصد شیعه هستند.[۷۴۱]

۳. پنجابی

واژه «پنجابی» در واقع، به گروه قومی خاصی، که س لسله نسب آن به فرد و یا خانواده خاصی منتهی شود، اطلاق نمی‌گردد، بلکه به‌تمام کسانی که در ناحیه پنجاب زندگی می‌کنند، اطلاق می‌گردد. بنابراین، برخلاف قوم بلوچ و پتان، در اینجا نمی‌توان بر همبستگی‌های خونی و نسبی گروه‌های قومی چندان تکیه نمود.

گروه‌های قومی ساکن در پنجاب از لحاظ تبارشناسی و وابستگی های خونی، به

##PAGE=۲۹۷##

دو گروه بزرگ تقسیم می‌شوند:

گروه اول متشکّل از زیرگروه های قومی گوناگونی است که هویّت و تشخّص قومی یا قبیله ای آنها را حرفه های آنان تشکیل می دهد. هرچند در موارد متعددی حرفه ها حالت ارثی به‌خود گرفته و مجموعه های هم حرفه دارای همبستگی‌های خونی و نسبی نیز هستند، اما مبنای واقعی گروه بندی‌های این مجموعه‌ها بر روابط خونی استوار نگردیده، بلکه بر یگانگی شغل و حرفه آنها استوار شده است؛ مانند:

۱. نائی[۷۴۲] (آرایشگر)؛ ۲. کمهار[۷۴۳] (سفالگر)؛ ۳. لوهار[۷۴۴] (آهنگر)؛ ۴. موچی (کفّاش)؛ ۵. ترکان/ ترکهان (نجّار)؛ ۶. «یاولی» یا «جولاها» (بافنده)؛ ۸. میراثی (مطرب و نوازنده)؛ ۹. قصّابی؛ ۱۰. کامی (خدمتکاران برنامه‌های عمومی).

گروه دوم گروهی است که مبنای وحدت، همبستگی و وابستگی زیرمجموعه های آنها اشتراک در آبا و اجداد واحد است؛ مانند: اعوان (قریشی)، چته (چهته)، گورمانی، دولتانه، سیال، توانه،[۷۴۵] کوکر،[۷۴۶] جنجوعه، گکر، کتر،[۷۴۷] جت،[۷۴۸] کهرل، پرل،[۷۴۹] سیرا، بدوال، رانا، آرین، و مغول.

---

[۷۴۱] (3). مصاحبه با حجة الاسلام شیدا حسین جعفری از تیرا، قم، 29 مرداد 1384 ش، 20 اوت 2005 م.

[۷۴۲] (1). yeaN.

[۷۴۳] (2). rahmuK.

[۷۴۴] (3). rahoL.

شیعیان پنجاب به‌این هردو دسته بزرگ تعلّقات گروهی و قومی دارند و تقریبا می توان گفت: در میان تمام اقوام و قبایل ساکن در پنجاب، که مجموعا «پنجابی» نامیده می‌شوند، شیعه نیز به‌نحوی وجود دارد.

پنجابی‌ها پرنفوذترین قوم پاکستان هستند. آنها علاوه بر سرزمین آبایی خود، که پنجاب است، در تمام شهرهای پاکستان، کم یا بیش حضور دارند که این می‌تواند به‌معنای حضور نسبی شیعیان پنجابی در کل این کشور نیز تلقّی گردد.

##PAGE=۲۹۸##

۴. سندی

سندی یکی از اقوام چهارگانه بزرگ پاکستان است . «سندی» به کسانی گفته می شود که به زبان سندی سخن می گویند. این زبان دارای چهار گویش رسمی است : سرائیکی، تریلی، لاری و چولی .[۷۵۰] در سند، تعداد زیادی بلوچ نیز زندگی می‌کنند که برخی آمارهای غیررسمی تعداد آنها را تا ۴۰ درصد نیز تخمین زده است.[۷۵۱] اما برخی قبایل بلوچی الاصل مانند تالپورها، سمّا و حتی سومرو امروز خود را بیشتر سندی می دانند تا بلوچ . اقوام بزرگ سندی بعضا عبارتند از : جت، میمن، تهیم،[۷۵۲] ابرو، سیال، میرانی، ملاح، کوری، عبّاسی، شیخ، چوهان، جتویی، شر، جنجوعه، سیتهار، منگی، مهر، خاص خیلی، و بمبرا[۷۵۳].

سندی‌ها مردمی ملایم، صبور و بسیار تنوّع پذیرند و از نظر اقتصادی و اجتماعی، نسبت به پنجابی ها و پشتون ها از تحرّک کمتری برخوردارند و به‌همین دلیل، شرایط اجتماعی و اقتصادی آنها در نیم قرن اخیر، کمتر تغییر یافته است.

۵. مهاجر

«مهاجر» به کسی گفته می شود که در ماجرای استقلال پاکستان یا پس از آن، از هند به پاکستان هجرت کرده و در کراچی، حیدرآباد، سکّر، میرپور خاص، نوّاب شاه، و مناطق پنجاب و ریاست قدیم بهاولپور مستقر شده است . مهاجران ساکن پنجاب بیشتر به زبان پنجابی، میواتی، هریانوی و کشمیری صحبت می کنند، در حالی‌که مهاجران ساکن سند عمدتا اردوزبان و گجراتی‌زبان هستند. در پنجاب، جمعیت مهاجران نسبت به کل جمعیت این ایالت ۲۵ درصد است و در میان

##PAGE=۲۹۹##

---

[۷۴۵] anawoT..(4)
[۷۴۶] rakoK..(5)
[۷۴۷] rahtaK..(6)
[۷۴۸] ttaJ..(7)
[۷۴۹] laraP..(8)
[۷۵۰] (1). سید قاسم محمود، انسائیکلوپیدیا پاکستانیکا، ص569.
[۷۵۱] (2). مصاحبه با حجة الاسلام مقصود علی دومکی از جیکب‌آباد سند، کویته، 14 آوریل2004.
[۷۵۲] mihahT..(3)
[۷۵۳] arabmuB..(4)

آنها، تعداد زیادی شیعه و جود دارد. در میان مهاجران اردوزبان، قوم «خوجه» کاملا شیعه است و «بهره» اسماعیلی مذهب و «میمن» پیرو اهل سنّت هستند.

«خوجه» ها در سراسر پاکستان از نوعی انسجام و همبستگی خاصی برخوردارند و با یکدیگر همکاری شدیدی دارند.

۶. بلتی

قوم بلتی، که در بلتستان زندگی می‌کند، از نظر نژادی، ۹۱ درصد به تاتارها یعنی نژاد مغول تعلّق دارد و قریب ۷ درصد نیز به‌نژاد آریایی.[۷۵۴] اما برخی مورّخان، بلتی‌ها را از نژاد تبّتی دانسته و از این رو، در سابق به «بلتستان»، «تبّت خورد» گفته می‌شد.[۷۵۵] یک اقلّیت ۷ تا ۱۰ درصدی نیز از قوم «درد»،[۷۵۶] که از نظر نژادی آریایی بوده و امروز عمدتا در گلگت به‌سر می‌برد، در مناطق روندو، سکّردو و کرمنگ [۷۵۷] زندگی می‌کند. مناطق اقوام «درد» را در زبان محلّی «بروقپه» یا «بروکپا»[۷۵۸] یعنی «کوه‌پایه‌نشینان» می‌گویند[۷۵۹] و زبان آنها «شنا» نام دارد که جدا از زبان بلتی است . در ردیف‌های بعدی- به ترتیب- اقوام «مون»،[۷۶۰] در سکردو، شگر، خپلو، گنگچه، [۷۶۱] و «هور»[۷۶۲] در مناطق مذکور و «کشمیری» در سکردو و شگر قرار دارند.

پروفسور نذیر احمد خالد توزیع نژادی اقوام مناطق شمالی (بلتستان و گلگت)

##PAGE=۳۰۰##

را چنین بیان کرده است: از نظر نژادی، «بروشو» در گلگت و غزر، «مغول» در اسکردو و گانچی[۷۶۳] و «شینا» در دیامیر دارای اکثریت هستند و علاوه بر اینها، نژادهای یاشکن، هور، بروکپا، واخی و کشمیری نیز در این مناطق سکونت دارند.[۷۶۴] به‌هرحال، در بلتستان، که ساکنان آن را «بلتی» می‌نامند، اکثریت جمعیت را شیعه تشکیل می دهد و پس از شیعه، نوربخشیه قرار دارد. تعداد اندکی نیز اهل سنّت در آنجا وجود دارد.

۷. گلگتی

---

[۷۵۴] (1). محمّد یوسف حسین‌آبادی، تاریخ بلتستان، ص18.

[۷۵۵] (2). محمّد نذیر، بلتستان؛ ادب و فرهنگ، ص24.

[۷۵۶] (3). draD..

[۷۵۷] (4). gnimrahK..

[۷۵۸] (5). apkoroB..

[۷۵۹] (6). محمّد یوسف حسین‌آبادی، تاریخ بلتستان، ص19.

[۷۶۰] (7). noM..

[۷۶۱] (8). ahcgnaG..

[۷۶۲] (9). roH..

[۷۶۳] (1). ihcnaG..

[۷۶۴] (2). نذیر احمد خالد، کتابستان ورلداتلس، ص45.

مردم گلگت غالبا از نژاد آریایی هستند [۷۶۵] و از نظر قومی، به چهار قوم بزرگ بروشو، [۷۶۶] یشکن، شینا، و کیمن دوم تقسیم می‌شوند. در میان گلگتی‌ها، و بلکه تمام مناطق شمال قومی به نام «راجه»[۷۶۷] نیز وجود دارد که متعلّق به خانواده حاکمان سابق بوده و تا پیش از ۱۹۴۷ به‌نحوی بر این منطقه حکومت می‌کرد. گلگتی‌ها به زبان «شینا» تکلّم می‌کنند. از نظر فرهنگی، همانند بلتی ها دارای فرهنگ خاص خود بوده و آداب و رسوم آنها به فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی ها نزدیک‌تر است؛ زیرا اسلام شیعی در این منطقه به وسیله مبلّغان ایرانی و ترک های ماوراء النهر، که در گذشته جزو قلمرو ایران بزرگ به‌شمار می‌آمد، ترویج گردید.

گلگتی‌ها همچون بلتی‌ها در نیم قرن اخیر، به تدریج از سرزمین اصلی خود به سوی شهرهای دیگر پاکستان نیز هجرت کرده و تعدادی از روحانیان آن در

##PAGE=۳۰۱##

مدارس معروف پاکستان مانند جامعه «المنتظر»، مدرسه «جعفریه» پاراچنار، مدرسه «امام صادق علیه السّلام » کویته، دانشگاه «امام خمینی» کراچی و «جامعهٔ الکوثر» اسلام‌آباد مشغول تدریس هستند.

۸. هزاره

قوم «هزاره» از نژاد زرد و احتمالا ترک- مغول است. مسکن اصلی این قوم در مناطق مرکزی افغانستان بوده و در دو دهه اخیر قرن نوزدهم، تحت فشار عبد الرحمان، یکی از پادشاهان سابق افغانستان (۱۸۸۰- ۱۹۰۱)، که برای تسلط بر سرزمین این مردم، دست به لشکرکشی و نسل کشی وحشتناکی زد، از سرزمین آبایی خود، به پاکستان، ایران و آسیای میانه هجرت کرده اند. زبان این مردم «فارسی دری » است که به لهجه خاص محلی، که «هزارگی» (آزرگی) نامیده می‌شود، صحبت می‌کند و مذهب آنها عموما شیعه دوازده امامی است. هزاره‌های مقیم کویته بیش از یک قرن است که در این شهر زندگی می کنند و تعدادی از آنها در شهرهای اطراف کویته، مانند لورالائی، دکی، ژوب، مسلم باغ و مچ به سر می‌برند که در دهه های اخیر، از کویته به آنجا رفته‌اند و تعدادی نیز د ر کراچی (حسین گوت و منگاپیر)، حیدرآباد (محلّه حسین‌آباد) و پاراچنار زندگی می‌کنند.

هزاره‌ها بزرگ ترین قوم شیعه مذهب ایالت بلوچستان را تشکیل می دهند و جمعیت آنها اکنون در شهر کویته بیش از ۲۰۰ /۰۰۰ نفر برآورد می‌شود.

---

[۷۶۵] (3). دانشگاه پنجاب، گلگت، اردو دائرة المعارف اسلامیه، ج17، ص557.

[۷۶۶] (4).ohsurB.

[۷۶۷] (5). راجه‌ها در سراسر شمال وجود دارند؛ زیرا در هر منطقه تا قبل از 1971، تحت یك راجه بوده اگرچه راجه ها قدرت را از دست داده اما اکنون نیز از جایگاه خوبی در سراسر شمال خصوصا بلتستان برخوردارند.

هزاره‌ها دارای فرهنگ خاص خود هستند که ترک یبی از فرهنگ افغانستانی و پاکستانی است . این فرهنگ مشترکات زیادی نیز با فرهنگ پشتون ها دارد و از این رو، هزاره ها از نظر آداب و رسوم، از هر قوم دیگر پاکستان نسبت به پشتون‌ها نزدیک‌تر به‌نظر می‌رسند.[۷۶۸]

##PAGE=۳۰۲##

۹. سادات

«سادات»، که در ادبیات شیعیان به او لاد حضرت پیامبر صلّی اللّه علیه و اله از نسل حضرت فاطمه علیها السّلام، اطلاق می‌شود، یکی از گروه های قومی شیعه را در پاکستان تشکیل می دهند. سادات پاکستان عمدتا از فرزندان حضرت امام علی نقی علیه السّلام، امام سجّاد علیه السّلام، امام رضا علیه السّلام، امام حسین علیه السّلام و امام کاظم علیه السّلام هستند که– به ترتیب– نقوی، زیدی، رضوی، حسینی و موسوی نامیده می شوند. به نظر می‌رسد تعداد سادات نقوی بیش از دیگر سادات باشد و اینها بیشتر در پنجاب سکونت دارند . سادات زیدی بیشتر در میان اردوزبان های کراچی دیده می‌شوند. سادات حسینی بیشتر در کرم ایجنسی و سادات موسوی بیشتر در بلتستان زندگی می‌کنند. تعداد سادات رضوی بسیار کم است و در نقاط گوناگون پراکنده اند، اما مرکز اصلی آنها در کشمیر و هند قرار دارد . سادات از لحاظ زبان، فرهنگ و حتی مذهب، تحت تأثیر گروه های قومی پیرامون خود قرار گرفته و از نظر اجتماعی، جزو اقوام گوناگون به‌شمار می‌روند، اما باوجود این، اکثریت آنها پیروان مذهب اهل بیت علیهم السّلام هستند.

نظام اجتماعی

جامعه پاکستان عمدتا جامعه فئودالی، قبایلی و مبتنی بر نظام سرداری و خان خانی است . هرچند این کشور با برخورداری از ۵/ ۳۲ درصد جمعیت شهری و تأثیرپذیری از فرهنگ جدید غربی، به نظر می‌رسد بافت‌های سنّتی نظام اجتماعی آن از هم گسسته و به ساختار جدیدی که بر وفاداری های فراقومی و فرازبانی مبتنی است، دست یافته باشد، اما واقعیت این است که باوجود ظهور

##PAGE=۳۰۳##

برخی تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جامعه سنّتی این کشور، نظام اصلی جامعه، به ویژه در جامعه روستایی این کشور، که ۵/ ۶۷ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهد، همچنان دست نخورده باقی مانده و به طبقات فرودست و فرادست اقتصادی و اجتماعی تقسیم گردیده است. فئودالان و سرداران نقش اصلی را در حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند.

نظام فئودالی هرچند پیشینه‌ای طولانی در شبه قاره هند دارد، اما تا پیش از دوران مغول‌ها، به‌خاطر وجود نظام «کاست» در جامعه هند، از اهمیت چندانی برخوردار نبود؛ زیرا اقتدار واقعی در دست طبقه و کاست «برهمن» قرار داشت.

اما در زمان مغول‌ها، که نظام کاستی متزلزل گردید و در مناطق مسلمان نشین از هم فروپاشید، حاکمان مغول برای حفظ اقتدار و تحکیم پایه های قدرت خویش در جامعه، به درباریان، به ویژه فرماندهان نظامی، اقطاع و املاک بزرگی واگذار

---

[۷۶۸] (1). برای اطلاعات بیشتر ر. ك. کوثر علی کوثر، تاریخ و ثقافت هزاره/ آغا محمّد ناصر، بلوچستان مین پیروان علی.

کردند و بدین‌سان، در سایه نظام ارتشی، یک نظام مقتدر فئودالی و سرداری نیز به وجود آمد .[۷۶۹] پس از زوال حکومت مغول‌ها (۱۸۵۷) و مسلّط شدن بریتانیای کبیر بر شبه قاره هند، انگلیسی ها نظام فئودالی را بیش از پیش گسترش دادند . در دائرۀ المعارف پاکستانیکا آمده است : انگلیسی‌ها نیز بیش از مغول ها، تیول‌داری را حمایت کردند، بلکه آنها رسما به تیول‌داری و فئودالی جنبه قانونی دادند و نظام تیول داری را بیش از پیش استوار کردند و به آنها اقطاع و زمین‌های وسیع واگذار نمودند و آنها را در حمایت خود گرفتند . و در مقابل، از تیول دارانی که با آنها همکاری نمی کردند و سعی می‌نمودند مزاحمت ایجاد کنند، تیول‌ها را می‌گرفتند و آنها را به تحمّل زندگی مشقّت‌باری وادار می‌کردند.[۷۷۰]

##PAGE=۳۰۴##

جامعه بلوچ و پشتون پیش از سلطه مغول ها و انگلیسی‌ها مبتنی بر نظام سرداری و خانی بوده اند. این دو گروه قومی از ابتدا تا امروز شکل زندگی ایلی و قبیله ای را در پیشینه تاریخی خود داشته و نهاد سرداری (میان بلوچ‌ها) و خانی یا ملکی (میان پشتون‌ها) تنها نهاد مؤثر اجتماعی آنها به شمار می‌آمده که اداره امور دفاعی، امنیتی و قضائی قبیله را در دست داشته است.

انگلیسی‌ها این نهاد سنّتی را با دستگاه قد رت مرتبط ساختند . اما در پنجاب و سند، در واقع، همین مغول ها و سپس انگلیسی‌ها بودند که با اعطای اقطاع و تیول (جاگیر) به فرماندهان نظامی و متنفّذان محلّی و قبایلی، نظام فئودالی را به‌وجود آوردند.

جامعه پاکستان باتوجه به‌وجود اقوام و فرهنگ های گوناگون موجود در آن، از نظام اجتماعی واحدی برخوردار نیست . در اینجا، می‌توان از سه نوع نظام اجتماعی بحث به‌میان آورد: نظام قبایلی، نظام فئودالی و نظام انجمنی.

۱. نظام قبایلی

منظور از «نظام قبایلی » نظامی است که بنیان های اصلی آن (جامعه یا گروه قومی و همخون) برمبنای اصل بزرگ‌سالاری و پیرسالاری شکل گرفته و گروه های کوچک تر همخون در یک رابطه سلسله مراتبی اجتماعی تحت فرمان بزرگ‌ترین فرد گروه و یا شریف ترین خانواده متعلّق به گروه قرار گرفته و در نهایت، همه گروه ها و سران آنها تحت فرمان یک یا چند تن، که «سردار» یا «خان» لقب یافته‌اند، قرار می‌گیرند.

در پاکستان، جامعه بلوچ و پتان از چنین نظامی برخوردار است. قوم بلوچ، که

##PAGE=۳۰۵##

در ابتدا به پنج قبیله بزرگ رند، لاشاری، کورائی، جتویی و هوت تقسیم می گردد،[۷۷۱] در اصل، منسوب به پنج فرزند میر جلال خان است که به همراه چهل قبیله دیگر، در قرن اول ه . از حلب به کرمان و بعد از کرمان، به بلوچستان وارد

---

[۷۶۹] (1). سید قاسم محمود، انسائیکلوپیدیا پاکستانیکا، ص412.

[۷۷۰] (2). همان.

[۷۷۱] (1). بهادر لاله هتورام، تاریخ بلوچستان، ص13 و 16.

شدند.[۷۷۲] هر یک از این قبایل بزرگ به قبایل متعدد کوچک تر تقسیم می‌شود؛ چنان‌که قبیله «رند»، که بزرگ‌ترین قبیله است، به ۶۷ قبیله کوچک تقسیم شده و قبیله «لاشاری» به ۳۹ قبیله کوچک تر و دو قبیله «کورائی» و «جتویی»، هرکدام به چهار قبیله و «هوت» نیز دارای پنج شاخه است .[۷۷۳] یکی از اقوام مهم دیگر بلوچستان «براهوئی» است که برخی مورّخان آن را بلوچ خوانده‌اند و برخی دیگر غیربلوچ؛ اما امروز براهوئی‌ها جزو جامعه بلوچ به‌شمار می‌روند.

در درون این قبایل، یک طبقه‌بندی اجتماعی نیز وجود دارد که بعضی نویسندگان آن را چنین توصیف کرده‌اند:

جامعه بلوچ‌ها دارای قشرهای مختلف است؛ چهار طبقه اجتماعی دارد که در اصل، موروثی و حرفه ای است: حاکمزات، بلوچ، شهری و غلام.

تأویل ساده این واژه‌ها به‌ترتیب عبارت است از: اشراف، چادرنشینان، کشاورزان و بردگان.[۷۷۴]

رابرت این پیهرسن در سال های ۱۹۵۴ و ۱۹۵۵ با اقامت در میان بلوچ های «مری»، که یکی از بزرگ ترین قبایل بلوچ ساکن در اطراف کویته و دره بولان [۷۷۵] است، تحقیقی درباره فرهنگ و نظام اجتماعی این قبیله انجام داده و طبقات اجتماعی موجود در میان بلوچ‌های مری را چنین بیان کرده است:

##PAGE=۳۰۶##

بدین ترتیب، نظام اجتماعی قبایل مری بر سه سطح استوار می‌باشد:

سطح متوسط مردم که اکثریت جمعیت را تشکیل می دهند؛ سطح طبقه بالا که شامل حکّام و امرای صاحب مقام و شأن می‌گردد؛ و سطح طبقه پست که شامل غلام و امثال آن می‌گردد.[۷۷۶]

افراد متعلّق به طبقه متوسط در صورت انجام خدمات مؤثر سیاسی، جنگی و مانند آن می توانند به‌گروه اشراف راه یابند؛ چنان‌که بعضی بزرگ‌سالان نیز از چنین امتیازی بهره‌مند هستند. افراد طبقه پایین یا پست شامل دو گروه می‌گردند:

یکی گروه‌های اقلّیت قومی خارج از قبیله اصلی (مثلا، مری)؛ مانند تعدادی از پتان (پشتون) ها در قبیله مری، جت و هندو؛ دوم گروه هایی که ظاهرا دارای شغل های حقیر و پست هستند؛ مانند «لوری» ها که کو لی‌هایی هستند که در سراسر بلوچستان پراکنده اند، «دوم» (یا دومب) که به‌کار نوازندگی مشغولند، و «مید» ها که گروه کوچک ماهی گیری هستند که در سواحل مکران زندگی می کنند.[۷۷۷] بر اساس این طبقه‌بندی ایلی، زن متعلّق به طبقه بالاتر نمی‌تواند با مردی پایین‌تر از طبقه خود ازدواج کند، اما عکس آن ممکن است.

---

[۷۷۲] (2). همان.

[۷۷۳] (3). سید قاسم محمود، انسائیکلوپیدیا پاکستانیکا، ص298/ بهادر لاله هتورام، تاریخ بلوچستان، ص59- 60.

[۷۷۴] (4). دانشنامه جهان اسلام، ج4، ص125.

[۷۷۵] (5)..naaluB arraD

[۷۷۶] (1). رابرت این پیهرسن، مری بلوچ کلچر(فرهنگ بلوچ مری)، ص76.

[۷۷۷] (2). همان، ص71- 73/ دانشنامه جهان اسلام، ج4، ص127.

چیزی‌که در نظام اجتماعی بلوچ ها بسیار مهم و اساسی به نظر می‌رسد دسته‌بندی‌های ایلی و طایفه ای است. هر بلوچ اصالت و هویّت خود را به قبیله و ایل خود می داند و قبیله تنها عنصر شناخت افراد بلوچ تلقّی می شود. در رأس هر قبیله، یک سردار قرار گرفته است که نظم اجتماعی قبیله را در دست دارد.

ساختار درونی قبیله از بزرگ به کوچک عبارت است از : «قبیله»، بعد «پاره» (حلقه)، سپس «پهلی» (تکر) و بعد از آن به گروه‌های کوچک‌تر «خاندان» یا

##PAGE=۳۰۷##

«خیل» تقسیم می‌گردد که به گروه زیرمجموعه آن «وارث» گفته می‌شود.[۷۷۸] در رأس تمام این گروه ها یا حلقه‌ها، یک سردار کوچک قرار گرفته است که این سرداران اقتدار و مشروعیت خود را از سردار بزرگ اخذ می‌کنند.

پیهرسن درباره سلسله مراتب نظام سرداری در درون قبیله «مری» چنین نوشته است:

«سردار»، عالی‌ترین مقام قبیله است. تحت امر سردار، گروه سرداران رده پایین کار می‌کنند. این درجه پایین ها را یا «ودیره»[۷۷۹] می‌گویند یا «مقدّم». بعد از اینها مقامات پایین‌تری شروع می‌شوند که مسئولین آنها را «معتبر» می‌گویند. در آخر در هر ده یا اردوگاه، یک ناظر به‌نام «ملک واجه» یا سردار محلّی قرار دارد.[۷۸۰]

دکتر شاه محمّد مری، که از روشن‌فکران چپ بلوچ به‌شمار می‌رود، می‌گوید:

بلوچ‌ها احترام فوق العاده ای برای سردار خود قایلند و این احترام ناشی از مقام سیاسی و اجتماعی، جاه و جلال و اقتدار سردار نیست، بلکه این یک احترام روحانی است . تمام بلوچ‌ها، حتی آنان که تحصیلات دکترا دارند و یا از غرب برگشته‌اند، نیز سردار خود را «ولی اللّه» می‌پندارند. سردار در نزد قبایل، برگزیده خدا تلقّی می شود و بلوچ به پیر بودن و کرامت داشتن سردار خود ایمان دارد.[۷۸۱]

سردار معمولا قدرت خود را به کمک «ودیره» ها[۷۸۲] اعمال می‌کند. «ودیره» ها هرچند دارای مقام موروثی هستند، اما به‌عنوان نمایندگان سردار، در بخش های کوچک تر عمل می کنند. ودیره‌ها دستورالعمل های خود را از طریق «مقدّم» اعمال

##PAGE=۳۰۸##

---

[۷۷۸] (1). رابرت این پیهرسن، مری بلوچ کلچر(فرهنگ بلوچ مری)، ص 49- 50.

[۷۷۹] (2)..aredaV

[۷۸۰] (3). همان، ص 45.

[۷۸۱] (4). شاه محمّد مری، بلوچ قوم عهد قدیم سی عصر حاضر تك، ص242.

[۷۸۲] (5). ودیره یعنی زمین‌دار بزرگ و کدخدا.

می‌کنند و اینها نیز «معتبر» را تحت فرمان خود دارند . باوجود آنکه دولت پاکستان در نیم قرن اخیر، به ویژه در زمان ایّوب خان (۱۹۵۸– ۱۹۶۹ م) و ذو الفقار علی بوتو (۱۹۷۱– ۱۹۷۷ م) کوشیده است نظام سرداری را از میان بردارد و یا نقش آن را کاهش دهد، اما در عمل، توفیق چندانی نداشته است.

سرداران و دیره‌ها امروز هم به‌نوعی اداره مستقل اجتماعی و حقوقی خود را با توانایی زیاد حفظ کرده و کارایی آنها در میان مردم بیشتر از ادارات دولتی است.

دولت‌های محلّی و نمایندگی های آن در محل ناگزیرند خود را با شرایط و مقرّرات اعمال شده از سوی سردار وفق دهند. در واقع، نمایندگی‌های دولت در محل قادر نیستند اقداماتی بدون در نظر داشتن رضایت سردار انجام دهند. نفوذ و سلطه «سردار» بر ادارات دولتی، استقلال، کارایی و بی‌طرفی مقامات دولتی و نهادهای مربوط به‌آن را از بین برده است.

نظام قبایلی از نظر رژیم حقوقی، که مبتنی بر آداب و رسوم و هنجارهای قبیله‌ای است، تاحدودی خودکفا به‌نظر می‌رسد. در میان پشتون ها، قانون نانوشته ای به نام «پشتونوالی» وجود دارد که مبنای رفتار حقوقی و اجتماعی آنها شناخته می‌شود. بلوچ‌ها نیز قواعد و مقرّرات اجتماعی و قضائی خاصی دارند که سرداران بلوچ برمبنای آنها به داوری در میان مردم می‌پردازند.

جامعه پتان (پشتون) نیز از لحاظ ساختاری تشابه زیادی با جامعه بلوچ دارد.

مسائل تبارشناسی، وابستگی‌های ایلی و همبستگی خونی اساس جامعه پشتون را تشکیل می دهد. پشتون‌ها برای تبار و حسب و نسب، اهمیت ویژه‌ای قایلند.

نویسنده کتاب تاریخ پشتون[۷۸۳] درباره قبایل و طوایف قوم افغان می‌نویسد: قوم

##PAGE=۳۰۹##

افغان در حدود سال ۲۱۲ ه. به پنج طبقه بزرگ تقسیم شد : سربنی، پتنی، غورغشتی، متی و کرانی . هریک از این پنج قبیله (طبقه) بزرگ به ده‌ها «خیل» تقسیم می‌شود: قبیله/ طبقه «سربنی» دارای ۱۰۵ خیل، قبیله «پتنی» و «متی» با هم دارای ۷۷ خیل، قبیله غورغشتی دارای ۹۵ خیل و قبیله کرانی دارای ۱۲۵ خیل است.[۷۸۴]

مهم‌ترین قبایل پتان، که در دو ایالت سرحد و بلوچستان زندگی می‌کنند، ترین، غلزائی، بنگش، اورکزئی، آفریدی، یوسف زئی و مهمند [۷۸۵] هستند. هر قبیله بزرگ معمولا به قبایل کوچک تر، که به آن «خیل» یا «زئی» گفته می شود، تقسیم می‌گردد. در جامعه پشتون، بزرگان قبیله و خانواده های خان، ارباب و ملک در درون قبیله، نقش اساسی به عهده دارند. اما پیوند این قبایل براساس یک نظم سلسله مراتبی، که از خان بزرگ شروع گردیده و به خوانین کوچک تر خاتمه یافته

---

[۷۸۳] (1). نام اصلی این کتاب تاریخ خورشید جهان است که به فارسی نوشته شده و نام ترجمه آن را تاریخ پشتون گذاشتاند.

[۷۸۴] (1). همان، ص407– 408، ص195/ بهادر لاله هتورام، تاریخ بلوچستان، ص835. در این کتاب، آمار« خیل» ها اندکی متفاوت ذکر شده است.

[۷۸۵] (2).. dnamhoM

باشد، تعریف نشده است. به گفته ایدوارد ای. آلیور «هر قبیله پتان در جای خود، یک جمهوری است.»[۷۸۶] به همین دلیل، تنش‌ها و درگیری های خونین در میان قبایل پتان همیشه ادامه داشته است . اما پیوندهای درون قبیله ای، بسیار شدید و مستحکم است. شخصیت و هویّت فردی تابع شخصیت قبیله است و فرد پیش از اینکه خود را به‌نام خود یا شغل و محل معرفی کند، به‌نام قبیله خود معرفی می‌کند و در بسیاری موارد، به‌ویژه در جرایم، واحدهای قبیله‌ای پاسخگو هستند.

در عین حال، روابط، وفاداری ها و همبستگی های میان قبایل (چند قبیله با همدیگر) چندان استوار نیست . از این رو، ساختار اجتماعی پتان‌ها یک ساختار

##PAGE=۳۱۰##

غیرمتمرکز و تا حدّی از هم گسیخته است.

محقق انگلیسی، هتورام، با مقایسه جامعه بلوچ و پتان در این‌باره نوشته است:

آداب و رسوم بلوچ‌ها با پتان‌ها تفاوت زیادی دارند. بلوچ در تمام حوزه ایلی خود (تمن–namuT (یک سردار بزرگ برمی‌گزینند که آن را به جای پیر و مرشد قبول دارند؛ اما پتان به آن بها نمی دهند و نه یک سردار بزرگ برمی گزینند، بلکه هر شاخ و یا زئی کوچک کوچک، دارای رئیس (ملک) جداگانه‌ای است که او را نیز باقی افراد قبیله به طور کامل قبول ندارد. گفتار مشهور است که «پتان ایستاده خان است»؛ یعنی در هر خانه‌ای یک خان وجود دارد.[۷۸۷]

در عین حال، پشتون ها از نوعی احساس همبستگی در سطح کلان، که مبتنی بر «ننگ» و «عصبیّت پشتونی » است برخوردارند و این تنها زنجیره ارتباط حلقه های قبایلی در مسائل کلان، به ویژه هنگام مواجهه با تهدیدات و خطرات، محسوب می‌شود.

قبایلی جرگه (شورای قبایل): یکی از نهادهای سنّتی و پایدار اجتماعی در جامعه بلوچ و پشتون «قبایلی جرگه » (شورای قبایل) است. «جرگه» یا شورای قبایل بالاترین نهاد سنّتی تصمیم گیری در مسائل امنیتی، حقوقی، کیفری، سیاسی و مانند آن محسوب می شود. در جامعه بلوچ، که تمام اختیارات و قدرت در دست سردار و نوّاب متمرکز است، برگزاری جلسه شورای قبایل نیز به‌دستور او انجام می‌گیرد.

این شورا در همه مسائل، حق تصمیم گیری دارد. از تعیین و مراسم عمّامه گذاری سردار گرفته تا حلّ دعاوی و رسیدگی به احوالات شخصی افراد. در میان پشتون‌ها، این جلسه با شرکت «ملک» ها و بزرگان (مشران) قبایل تشکیل

##PAGE=۳۱۱##

می‌شود. از هر قبیله یا خیل یا خاندان، سران آن (ملک‌ها) در آن شرکت می‌کنند.

---

[۷۸۶] (3). ایدوارد. ای. آلیور، پتان اور بلوچ، ص299.

[۷۸۷] (1). بهادر لاله هتورام، تاریخ بلوچستان، ص866.

شورای قبایل اختیارات نامحدودی دارد. اما بیشترین کارش رسیدگی به شکایات و حل دعاوی مهم است که معمولا بین افراد دو قبیله یا خیل یا خاندان اتفاق افتاده است . دو موضوع در جامعه قبایلی از اهمیت و حسّاسیت فوق العاده برخوردار است: قتل و تجاوز به عنف. پرونده این دو حادثه یا جرم معمولا به شورای قبایل برده می شود. شورا (جرگه) غالبا شدیدترین مجازات را، که قتل باشد، برای مجرم در نظر می گیرد. اما این حکم قابل تغییر نیز هست؛ مثلا، در میان بلوچ‌ها (به‌ویژه مری‌ها)، مجازات قاتل پرداخت غرامت نقدی است و در میان قبایل (خیل) پشتون و تیرا (در منطقه آزاد قبایلی)، علاوه بر ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار روپیه جریمه، خانه و دارایی قاتل نیز به‌آتش کشیده می‌شود و خود او نیز از میان قبیله تبعید می‌شود.[۷۸۸] در مورد تجاوز به‌عنف نیز حکم قتل و یا پرداخت جریمه نقدی صادر می شود. برخی قبایل بلوچ از پذیرفتن مجدّد زن متهم به تجاوز به عنف، در میان قبیله و خانواده خود امتناع می ورزند و آن را به‌قبیله ثالثی به‌فروش می‌رسانند.[۷۸۹] بلوچ‌های شکارپور در سند، کشتن مرد و زن بدکار را ترجیح می دهند و در صورت متواری شدن مرد، خانواده او را حدود دویست هزار روپیه «جریمه» می‌کنند.

در منطقه «کرم ایجنسی» یک رژیم حقوقی قبایلی جداگانه ای وجود دارد که از زمان انگلیسی‌ها تاکنون از سوی دولت محلّی به رسمیت پذیرفته شده است و مسائل حقوقی براساس آن حل و فصل می شود. این رژیم حقوقی را «توریزونه»[۷۹۰]

##PAGE=۳۱۲##

و در زبان محلی «نرخ» می‌گویند.[۷۹۱]

در میان بلوچ ها، علی رغم وجود برخی قوانین مکتوب در مسائل مالیاتی، جرایم کیفری و «ارث»، آنچه در داوری ها نقش اصلی ایفا می کند اراده خود سردار و نوّاب است . سردار و نوّاب، حاکم خودمختار بر مردم و واسطه بین مردم و حکومت است. سیاست در اختیار سردار است و در مسائل حقوقی در مرحله اول، باید نزد سردار طرح شکایت شود . تنها در صورت صلاحدید او، می توان موضوع را در محاکم دولتی مطرح کرد . سردار از حق مجازات مجرمان، تعقیب خطاکاران، وضع مقرّرات و اعلان جنگ و صلح در قبیله برخوردار است . خدابخش جتویی، استاد دانشکده و مدرسه علمیه سکّر در بیان ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی نظام سرداری، موارد ذیل را بیان می‌کند:

– سردار دارای گارد مسلّح است.

– حکم سردار برای افراد قبیله لازم الاجرا است.

– حکم سردار سریع و فوری است، درحالی‌که حکم دولت بسیار طولانی است.

– سردار و افراد خاص او از مصونیت قانونی برخوردارند.

---

[۷۸۸] (1). مصاحبه با حجة الاسلام شیدا حسین جعفری از تیرا، 29 مرداد 1384.

[۷۸۹] (2). مصاحبه با استادان مدرسه« فیضیه» صحبت‌پور، بلوچستان، 7 مارس 2004.

[۷۹۰] (3)..anozeeroT

[۷۹۱] (1). مصاحبه با حاجی عون علی بورکی در پاراچنار، 27 آبان 1382.

– اگر سردار روی صندلی نشسته باشد، دیگران باید پایین‌تر از او بنشینند.

– مردم دست و پای سردار را می‌بوسند و بر آن خم می‌شوند.

– کسی جرئت ندارد در محل خاص سردار بنشیند.

– سردار قوم بجارانی از کاسب‌ها مالیات دریافت می‌کند.

– سردار تنها از هم سطح خود و از میان خانواده خود همسر انتخاب می کند و به بیرون از خانواده سرداری، دختر به همسر نمی‌دهد.[۷۹۲]

##PAGE=۳۱۳##

از بزرگ‌ترین سرداران بلوچ در بلوچستان، که از تمام ویژگی های مزبور برخوردار بوده و گاهی به رویارویی مسلّحانه با دولت نیز برمی خیزد، نوّاب اکبر خان بگتی از دیره بگتی، نوّاب خیربخش مری در کولو (کهولو) ایجنسی،[۷۹۳] سردار عطاء اللّه مینگل[۷۹۴] در جالاوان،[۷۹۵] و سردار بهادر خان بنگلزئی در مستونگ هستند.[۷۹۶]

این سرداران بزرگ همه از اهل سنّت هستند و از شیعیان، سرداری در رتبه آنان وجود ندارد . اما در سطوح پایین تر، می‌توان افرادی را در میان شیعیان نیز ذکر کرد؛ مانند سردار علی شاه از صحبت پور، و دیره بشیر احمد خان چلگری از توابع باگ در بلوچستان، سردار خادم حسین از مورو (سند)، و مهران خان بجارانی از کرم‌پور بیجارانی در جیکب‌آباد.

هزاره‌ها: به نظر می‌رسد براساس یک تعریف عام تر از نظام قبایلی، می توان نظام جامعه هزاره ها را نیز به نحوی در این نظام شامل دانست. هزاره‌های کویته و اطراف آن گروهی کاملا شهری هستند، اما باوجود این، حلقه های طایفه‌ای در میان آنها کاملا محسوس است و این حلقه ها در روابط اجتماعی، به ویژه در دوران مبارزات انتخاباتی، کاملا برجسته و فعّال می‌گردد. هرچند در این جامعه قومی، نظام سرداری، خانی و ملکی، که از ویژگی‌های جوامع روستایی است، چندان به چشم نمی خورد، اما در عین حال، خانواده «سردار»، که از قوم «اوقی» و متعلّق به خانواده مرحوم یزدان خان جاغوری[۷۹۷] (م ۱۹۶۰ م) است، به‌طور تشریفاتی نام و اعتبار خود را در جامعه هزاره حفظ کرده و نقش سخن گویی هزاره‌ها را نزد

##PAGE=۳۱۴##

---

[۷۹۲] (2). مصاحبه خصوصی با خدابخش جتوبی، سکّر، مارس2004 م.

[۷۹۳] (1).. ycnegA oloK

[۷۹۴] (2).. lagneM

[۷۹۵] (3).. nalawaJ

[۷۹۶] (4). اکبر خان بگتی در طی سال 2006 میلادی بر سر میزان باج‌خواهی از منافع استخراج گاز از منطقه او، با دولت وارد جنگ گردید و چندین ماه در کوه ها متواری بود. سرانجام در سپتامبر همان سال در مخفیگاه خود توسط دولت کشته شد.

[۷۹۷] (5).. yrohgaJ

دولت و قومیت‌های بلوچ، پشتون و مانند آن ایفا می‌کند.

ساختار جامعه هزاره از عناصر قومی و طایفه‌ای متعددی تشکیل شده است.

مهم‌ترین طوائف آن، که در اصطلاح هزاره‌ها، «قوم» نامیده می‌شود، عبارت است از: قلندر، اوقی، مسکه،[۷۹۸] بابه، بهسود، فولادی، دیزنگی، ارزگانی، پشی، درویش و هیچه. هر قوم یا طایفه یک رئیس کل دارد که «سرچنده» نامیده می‌شود.

«سرچنده» ریاست صندوق قومی را، که نماد همبستگی و همکاری اجتماعی آن تلقّی می شود، به‌عهده دارد. این صندوق ماهانه از هر خانواده قوم، حق عضویت دریافت می‌کند. ذخیره این صندوق قومی، که «چنده» نامیده می‌شود، در امور قومی و طایفه ای مانند مرگ ومیر، جشن و حوادث دیگر به مصرف می رسد. هر فرد طایفه عضو طبیعی «چنده»[۷۹۹] محسوب می‌شود و انکار آن به‌معنای از دست دادن حمایت قومی و منزوی شدن در میان طایفه است.

نقش «سرچنده» ها در درون قوم یا طایفه بسیار مهم است . آنها وظیفه دارند از قوم خود در میان اقوام دیگر نمایندگی کرده، از حیثیت، شرف و منافع افراد طایفه خود دفاع نمایند . در سال ۲۰۰۲، «هزاره قومی جرگه » (شورای قومی هزاره)، که یک نهاد سنّتی قومی به شمار می‌رود، با عضویت سرچنده‌های ۲۲ طایفه تحت سرپرستی حاجی عبد القیوم چنگیزی رسما اعلام موجودیت کرد که این امر گرایش قومی را در میان هزاره ها شفّاف تر می سازد. «هزاره قومی جرگه»، حفظ حقوق هزاره ها، حفظ امنیت، رفع تهدیدات و حل اختلافات درونی هزاره ها را از جمله اهداف مهم خود می‌داند. این حقوق شامل حقوق مذهبی مانند برقراری عزاداری ایّام محرّم نیز می‌شود.[۸۰۰]

##PAGE=۳۱۵##

۲. نظام فئودالی (جاگیرداری)

نظام فئودالی (جاگیرداری) ویژگی و ممیزه اصلی نظام اجتماعی پاکستان دانسته می شود. هرچند پایگاه اقتصادی و اجتماعی فئودالان در روستاها قر ار دارد، اما به خاطر سلطه آنها بر سیاست و مدیریت کشور، می توان گفت: جامعه شهری نیز از اعمال نفوذ آنها به شدت متأثر است. از چهار ایالت پاکستان، سند و پنجاب بیش از بقیه، با این نظام در ارتباط قرار گرفته است و این به خاطر موقعیت ویژه کشاورزی در پنجاب و سند است که نظام فئودالی توانسته در آنجا بیش از سایر جاها رشد نماید.

نظام فئودالی در تاریخ قدیم هند و پاکستان سابقه ندارد . در طول دو هزار سال تاریخ این منطقه، زمین در اختیار دولت قرار داشته است. اولین بار مغول ها نظام مالکیت دولتی را تغییر دادند . در دوران اکبر شا ه (۱۵۵۶– ۱۶۰۵ م/ ۹۶۳– ۱۰۱۴ ق) مقامات نظامی را «منصبدار» می‌گفتند. هر منصبدار گروهی بین ده و بیست نفر تا ده هزار نفر را تحت فرماندهی خود داشت. براساس دستور حکومتی، منصب داران در موقع جنگ وظیفه داشتند نیروی تحت فرمان خود را در دفاع از حکومت آماده کنند . حاکمان مغول برای تأمین هزینه های نظامیان، اقطاع بزرگی را به طور موقّت در اختیار

---

[۷۹۸] aksaM..(1)

[۷۹۹] hednahC..(2)

[۸۰۰] (3). مصاحبه با حجة الاسلام و المسلمین اسدی یکی از اعضای هزاره قومی جرگه، کویته،14 آبان1382.

منصب‌داران قرار دادند، اما پس از سقوط پادشاهی مغول در سال ۱۸۵۷ م به‌دست انگلیسی‌ها، این زمین‌ها تحت مالکیت افراد نام برده باقی ماند.[۸۰۱]

زمانی که انگلیسی ها بر هند سلطه پیدا کردند، به طرف‌داران و افسران خود، که در «جنگ آزادی » ۱۸۵۷ م با آنها همکاری کرده بودند، تیول های بزرگی واگذار کردند و بدین سان، نظام «جاگیرداری» به‌طور رسمی در این منطقه گسترش یافت و مستحکم گردید.[۸۰۲]

##PAGE=۳۱۶##

پس از استقلال پاکستان (۱۹۴۷) دولت برنامه اصلاحات ارضی را به‌منظور خاتمه بخشیدن به نظام فئودالی جزو برنامه‌های خود قرار داد، اما در عمل، نتوانست موفقیتی به دست آورد. اکنون جامعه، به اقلیّت زمیندار بزرگ و اکثریت بی‌زمین یا کم‌زمین تقسیم شده است. زمین‌داران بزرگ، که هرکدام مالک هزاران جریب هستند، افراد بی زمین و کم‌زمین را به عنوان کشاورز کارگر و یا اجاره دار به خدمت گرفته، محصول را به گونه توافقی باهم تقسیم می کنند. تأثیرات اجتماعی این رابطه اقتصادی چنین بوده که جاگیردار و فئودال به دلیل سلطه اقتصادی بر روستا، از لحاظ سیاسی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی نیز بر روستاییا ن تسلّط پیدا کرده‌اند. عنایت الهی ملک این وضعیت را در سند چنین تشریح می‌کند:

کاشت‌کار سندی (هاری) اگرچه اصطلاحا «انسان» گفته می شود، اما آنها مجبورند مانند حیوانات و چارپایان زندگی کنند. آنها از حقوق انسانی برخوردار نیستند . اکثریت کاشت‌کاران همانند رعیّت آ ن عده زمین‌دارانی هستند که هیچ نوع حقوق اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی نداشته باشند . آنها هر لحظه نگران اخراج از روی زمین، متهم شدن به سرقت و ربوده شدن زنانشان می‌باشند.[۸۰۳]

در دائرۀ المعارف پاکستانیکا، ذیل واژه «سند» آورده است:

طبقه برتر، که بر جامعه نیم قبایلی مسلّط هستند، مانع خدمات رسانی درست دولت به توده می گردند. تنها بیست و بیست و پنج خانواده هستند که از راه زد و بندها، نامزد شدن‌ها و انتخابات، همیشه بر مردم حکومت کرده‌اند.[۸۰۴]

حکومت ایالتی سند در سوم مارس ۱۹۴۷، کمیته‌ای به‌منظور بهبود وضعیت

##PAGE=۳۱۷##

---

[۸۰۱] (1). محمّد فاروق خان، اکیسوین صدای اور پاکستان(پاکستان و قرن بیست و یکم)، ص116.

[۸۰۲] (2). همان، ص117.

[۸۰۳] (1). عنایت الهی ملك، پاکستان مین انتظامیه‌کازوال(انحطاط دستگاه اجرایی در پاکستان) ص92.

[۸۰۴] (2). سید قاسم محمود، انسائیکلوپیدیا پاکستانیکا، ص568.

کشاورزان تشکیل داد و مرحوم ایم . مسعود، که عضو این کمیته بود، در گزارشی که در آوریل ۱۹۴۹ منتشر کرد، آورده بود: تعداد کشاورزان سند (در سال ۱۹۴۷) دو میلیون نفر است، درحالی‌که تعداد زمین‌داران تنها به هفت هزار می‌رسد و یک گروه کوچک مرفّه زندگی اکثریت جامعه را در قبضه قدرت خود دارد.[۸۰۵]

شرایط پنجاب و سند از این نظر تفاوت زیادی باهم ندارد، هرچند شکاف های طبقاتی در سند اندکی بیش از پنجاب به‌چشم می‌خورد. در مناطق جنوبی پنجاب، مانند ملتان، و بهاولپور و شرق پنجاب (گوجرانواله)، ساختار فئودالی بسیار برجسته است . اما در مناطق شمال پنجاب، مانند راولپندی و اسلام آباد و همچنین لاهور در شرق، به دلیل توسعه اجتماعی و فرهنگی، نظام جاگیرداری کم‌رنگ‌تر به نظر می‌رسد.

نظام طبقاتی نوع دوم در مناطق سند و پنجاب : علاوه بر طبقه بندی ناشی از نظام جاگیرداری، که ریشه اقتصادی دارد، نوعی نظام طبقا تی دیگری نیز در اینجا می توان دید که دارای منشأ اجتماعی و فرهنگی است . به نظر می‌رسد این نظام طبقاتی اخیر بازمانده و یا رنگ پذیرفته از نظام «کاستی» در جامعه هندوها باشد و احتمالا به همین دلیل، ایالت سند، که محل سکونت جمعیت بیشتر هندو در دوران قبل از ۱۹۴۷ بوده، بیش از جاهای دیگر از این طبقه‌بندی، متأثر شده است. در این طبقه‌بندی، جامعه به سه طبقه و گروه قومی منزلتی تقسیم می‌شود:

الف. سادات؛ ب. قبایل برتر؛ ج. قبایل پایین‌تر.

الف. «سادات»: محترم‌ترین و عزّتمندترین گروه قومی در کل پاکستان، به ویژه در سند و پنجاب، شناخته می‌شود. این قوم به‌دلیل انتساب به پیامبر گرامی صلّی اللّه علیه و اله

##PAGE=۳۱۸##

تنها گروه نژادی است که از نیروی پیرپروری در نظام فکری شیعیان برخوردار است- هرچند در مواردی پیر غیرسید نیز مشاهده می‌شود. باتوجه به جایگاه تاریخی «پیر» در این کشور و نقش او در تبلیغ اسلام در شبه قاره هند، «پیر» از تقدّس ویژه‌ای برخوردار است. دکتر انجم رحمانی درباره منزلت اجتماعی پیر می‌گوید:

در پنجاب، نفوذ و موقعیت پیر هنوز هم خیلی زیاد است؛ به ویژه در جنوب پنجاب، این نفوذ بسیار عمیق است . پیر از مقام شخصیت روحانی برخوردار است. نقش پیر در مراسم تولّد نوزادان، ازدواج، خواستگاری و مرگ بسیار مهم است . مرید و عقیدتمند در کارهای شخصی خود، نظریه پیر و مرشد را خطاناپذیر می‌داند.[۸۰۶]

همچنین او اضافه می‌کند که در ایّام انتخابات، معمولا بیشتر مردم برای شرکت در انتخابات، بی طرف هستند؛ اما اگر پیر دستور بدهد، مردم با اشتیاق فوق العاده به‌پای صندوق‌ها می‌روند.[۸۰۷]

---

[۸۰۵] (1). عنایت الهی ملك، پاکستان مین انتظامیه کازوال(انحطاط دستگاه اجرایی در پاکستان)، ص93.

[۸۰۶] (1). انجم رحمانی، پنجاب تمدنی و معاشرتی جایزه، ص219.

[۸۰۷] (2). همان.

سادات نه تنها از وجهه مذهبی بالایی برخوردارند، بلکه از پایگاه سیاسی و اقتصادی برتری نیز برخوردار هستند و همین امر سبب گردیده تا آنها در صدر گروه های قومی و در بالاترین طبقه اجتماعی قرار گیرند. سادات با در اختیار داشتن منابع منزلت زای اجتماعی، مانند مذهب، سیاست و اقتصاد، به مقدّس ترین، قدرتمندترین و سرمایه دارترین نیروی اجتماعی تبدیل شده اند. در اینجا، می توان به تعدادی از خانواده های سادات اشاره کرد که به طور ارثی، از تمام منابع سه‌گانه منزلت اجتماعی برخوردار بوده است:

##PAGE=۳۱۹##

۱. سادات شاه جیونه در جنگ؛

۲. خاندان میر سادات در علی‌پور شهرستان مظفّرگر؛

۳. خاندان سید مظفّر علی شاه در کوت ادو شهرستان مظفّرگر؛

۴. خاندان سید فرحت نقوی در لیّه؛

۵. سادات شاه‌پور در لیّه؛

۶. برخی سادات خ‌یرپور؛ مانند سید غلام رسول شاه، سید بهادر علی شاه، سید ساجد حسین زیدی و سید صغیر حسین زیدی؛

۷. خاندان سید لعل حسین شاه در میانوالی و همچنین سید محب حسین شاه و سید امان حسین شاه؛

۸. خاندان سید عبّاس اکبر (خاندان شیر شاه) در حومه ملتان؛

۹. سادات سجّاده‌نشین درگاه شاه عبد الطیف بتایی در «بت شاه» (۵۰ کیلومتری شمال حیدرآباد)؛

۱۰. بخشی از سادات گردیزی ملتان؛

۱۱. سادات رضوی در سنگراربکار[۸۰۸] شهرستان روهری (سند).

برتری منزلت سادات به صورت ها و شیوه های گوناگون در آداب و رسوم و رفتار اجتماعی مردم انعکاس پیدا نموده است؛ مانند:

– دختر ندادن سادات به غیرسادات با آنکه ممنوعیت دینی برای آن تصور نمی‌شود.

– مقدّم داشتن سید هنگام ورود و خروج از منزل؛

---

[۸۰۸] rakabrargnaS..(1)

– جادادن سید در صدر مجلس یا یک درجه بالاتر از دیگران مانند صندلی و تخت؛

##PAGE=۳۲۰##

– مقدّم داشتن سید در پیش‌نمازی و سرپرستی امور اجتماعی و دینی و مواردی دیگر مانند این.

ب. قبایل برتر: دومین طبقه اجتماعی مختص قبایلی است که مقام و شرافت بالاتری از قبایل دیگر برای خویش قایلند . این بالاتری عمدتا به دو چیز برمی‌گردد: یکی «ذات پات»؛ یعنی شرافت نسبی؛ مانند: راجپوت، اعوان، صدیقی، گیلاری، و چته که اوّلی خود را به یکی از کاست‌های برتر هندو متعلّق می داند و دومی به حضرت عبّاس عموی پیامبر صلّی اللّه علیه و اله، سومی به ابو بکر و ...، دوم موقعیت های سیاسی و اقتصادی ممتاز؛ مانند بلوچ های ساکن پنجاب و سند، سیال، شیخ، تالپور، قزلباش، بتی (ملک) و چودری،[۸۰۹] که از جایگاه خوب اقتصادی یا سیاسی و یا هردو برخوردارند.

این اقوام دوست دارند و اغلب نیز سعی می کنند به قبایل پایین تر از خود و یا حتی گاهی هر قبیله دیگری دختر به همسری ندهند و ازدواج با قبیله غیررا نوعی کسر شأن می پندارند و در امور اجتماعی نیز فر مانبری از غیررا به عنوان رئیس و بزرگ خود، ناروا تلقّی می‌کنند. مولانا کاظم حسین حسینی، ساکن کنونی جنگ و مسئول مدرسه «امام العصر» شیخن، قبایل قریشی، کهوکر، بلوچ، بهروانه، سیال، لالی، کهرل، هرل، و سیرا را متعلّق به‌این طبقه ذکر می‌کند.[۸۱۰]

ج. قبایل پایین‌تر: سومین طبقه اجتماعی آن دسته از گروه های قومی و قبیله ای هستند که درجه پایین تری را در جامعه احراز کرده‌اند. آقای حسینی اقوام موچی، یا ولی (جولایی)، قصّابی، میراثی، نائی (حجّام)، لوهار، ترکان و کمهار را در این طبقه قرار می‌دهد.[۸۱۱] در روابط اجتماعی، به‌ویژه ازدواج‌ها،

##PAGE=۳۲۱##

۸۱۲

این درجه‌بندی طبقاتی کاملا مدّنظر قرار می گیرد؛ مثلا، زنان متعلّق به طبقه بالاتر تن به ازدواج با طبقه پایین تر نمی‌دهند و مردان آن نیز تمایل چندانی به ازدواج با طبقه پایین تر ندارند. اما شواهد چنین نشان می دهد که به تدریج، این ساختار طبقاتی در پی تغییر موقعیت های شغلی، تحصیلی و افزایش سطح آموزش در حال دگرگونی است . افراد متعلّق به‌طبقات پایین‌تر با احراز مقام های اداری و نظامی بالا توانسته اند تا حدّی مرزبندی های قدیمی را شکسته، روابط یکسانی با طبقات بالاتر (غیر از طبقه سادات در برخی مو ارد) برقرار کنند. رشد طبقه بروکرات و تکنوکرات در میان هر سه طبقه، به ویژه طبقه سوم، تغییرات محسوسی در موقعیت اجتماعی آنان به‌وجود آورده است.

---

[۸۰۹] (1). yradwohC.

[۸۱۰] (2). مصاحبه با مولانا کاظم حسین حسینی، جنگ،13 فروردین1383 ش/ اول آوریل2004 م.

[۸۱۱] (3). همان.

[۸۱۲] عارفی، محمد اکرم، شیعیان پاکستان، 1جلد، شیعه شناسي – قم، چاپ: اول،1385 هـ.ش.

روحانیت و جایگاه طبقاتی آن: روحانیت یکی از گروه‌های پرنفوذ و فعّال در جامعه شیعیان- بلکه کل کشور- به شمار می‌رود، اما از نظر رتبه‌بندی منزلت اجتماعی، می‌توان گفت: هنوز در رتبه سوم و پس از «سادات» و «جاگیرداران» قرار دارد.

«سادات» به دلیل اعتبار نژادی و نسلی و نیز شأن معنوی و قدسی، که از طریق «پیر و مرشد بودن» کسب کرده‌اند، در مقام و طبقه اول قرار دارند و «جاگیرداران» به‌خاطر پایگاه قوی اقتصادی و به تبع آن، اجتماعی- سیاسی‌شان در طبقه دوم قرار گرفته اند. روحانیت هرچند نیروی فعّال اجتماعی به شمار می‌رود، اما وابستگی اقتصادی اش به جامعه، به ویژه جاگیرداران و فئودالان، قدرت اجتماعی آن را کاهش داده است.

عامل دوم در کاهش منزلت اجتماعی روحانیت، نوپا بودن این نهاد و گروه نسبت به دو گروه و یا طبقه اجتماعی دیگر است. روحانیت تنها در چند دهه اخیر توانسته است به‌عنوان یک گروه خاص و نسبتا گسترده در اجتماع

##PAGE=۳۲۲##

ظاهر شود. اما به‌نظر می‌رسد به تازگی توانسته است با بهبود پایگاه اج تماعی خود، طبقات «پیران» و «جاگیرداران» (ودیره‌ها، سرمایه‌داران و ملک و سرداران جزء) را به‌مبارزه فراخواند. در پنجاب، سند و سرحد، نوعی مبارزه و رقابت میان روحانیت از یک سو، و «پیرها» و «ودیره‌ها» از سوی دیگر، آغاز شده است . روحانیت در تلاش است علاوه بر ایفای نقش رهبری مذهبی، که تاکنون در اختیار «پیر» ها بوده، در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی نیز نقش جدّی ایفا کند و این در حالی است که مدیریت اجتماعی و سیاسی جامعه در گذشته، تقریبا در انحصار جاگیرداران و ودیره ها قرار داشته است. روحانیت با توسعه مدارس علمیه و راه اندازی مؤسسات خیریه و رفاهی، به سرعت در حال افزایش نفوذ خود است و تحوّلات اجتماعی نیز در مجموع، به‌نفع آنها به‌پیش می‌رود.

مدرسه «جامعهٔ المنتظر» لاهور، جامعه «امام خمینی» میانوالی، جامعه «علمیه سلطان المدارس الاسلامیه» در سرگودا و جامعه «اهل بیت» در اسلام‌آباد با شبکه های تابع آن، نقش مهمی در تحوّل جایگاه طبقاتی روحانیت به‌عهده گرفته‌اند.

در سطح شهرها، به‌ویژه شهرهای بزرگ، که نهادهای قدیمی مانند «پیر- مریدی» و جاگیرداری تقریبا از هم فروپاشیده، روحانیت از موقعیت بالاتری برخوردار است . در اینجا، بوروکرات ها، به ویژه افسران و بازنشستگان ارتشی، که از موقعیت و شهرت اجتماعی بالایی برخوردارند، مهم ترین رقیب روحانیت تلقّی می شوند. افسران و ارتشیان بازنشسته سکولار، که مورد حمایت دولت نیز قرار دارند، می خواهند همچنان برتری اجتماعی خود را حفظ کنند و مانع رشد طبقاتی روحانیت گردند.

##PAGE=۳۲۳##

۳. نظام انجمنی (شورایی)

مناطق شمالی پاکستان مانند بلتستان، گلگت و احتمالا کشمیر تا حدّی از نظام اجتماعی متفاوتی برخوردار است که نمی‌توان آن را تحت عنوان نظام قبایلی و فئودالی مورد بحث قرار داد . این ناحیه با قریب یک میلیون جمعیت، که

اکثریت آن را شیعیان تشکیل می دهند، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در گذشته، ساختار اجتماعی این ناحیه از دو طبقه تشکیل شده بود: طبقه اشراف و طبقه پایین.

طبقه متوسط اقتصادی بسیار محدود و ضعیف بود . طبقه اشراف، که به طبقه حاکم مربوط می گردید، مانند «راجه» ها و «میر» ها قدرت سیاسی و اجتماعی را در دست داشت. راجه‌ها و میرها با برخورداری از وضعیت نسبتا بهتر زمین داری، که به صورت تیول تصاحب کرده بودند، نوعی اشرافیت فئودالی را در مناطق شمالی حاکم کرده بودند، اما پس از تسلط سلسله حاکمان «دوگره‌ها» در ۱۸۴۰ و سپس آزادی پاکستان ۱۹۴۷ و الحاق این منطقه به پاکستان، اشرافیت سیاسی‌شان از میان رفت و در دوران بوتو (۱۹۷۱– ۱۹۷۷) اشرافیت اقتصادی شان نیز از هم فروپاشید .[۸۱۳] اکنون در مناطق شمالی، نه نظام فئودالی و جاگیرداری روی کار است و نه نظام قبایلی به‌سبک جامعه بلوچ‌ها و پشتون‌ها.

جامعه بلتی ها و گلگتی ها هرچند با عناصر قومی و پیرسالاری بیگانه نیست– چنان‌که در گلگت قبایل یشکن، شینا، روندو، کیمن دوم، راجه و سید به عنوان اقوام اصلی آنجا مطرح هستند و وجود دارند–[۸۱۴] اما این ترکیب به‌گونه‌ای نیست که بتوان در روابط اجتماعی، نظم خاصی را براساس آن تعریف نمود. هرچند در

##PAGE=۳۲۴##

گلگت، نظام راجگی تا سال ۱۹۴۷ وجود داشت و راجه ها طبقه برتر اجتماعی به شمار می آمدند و سیاست، اقتصاد و شرافت نژادی را در اختیار داشتند، اما از سال ۱۹۷۲ با اصلاحات بوتو، این نظام از هم فرو پاشید.[۸۱۵]

جامعه بلتی، جامعه خودگودان روستایی است که هر روستا و محلّه براساس یک انجمن محلّی، که ماهیت شورایی دارد، نظم و نسق پیدا می‌کند. محمّد نذیر، محقق و نویسنده بلتی، در این‌باره نوشته است:

در هر خانواده بلتی در بلتستان، در مناسبت های خوشی و غم، تمام بستگان و افراد دیگر برابر اشتراک می‌جویند و برای افراد محل غذا فراهم می کنند. وقتی همه از کار روزانه فارغ می شوند، مرد و زن محلّه، به طور جداگانه در جاهای مخصوص گرد هم می‌آیند که آن را در زبان محلی، «هلچنگره»[۸۱۶] می‌گویند. در اینجا نظریات آزادانه ابراز شده و افراد در فضای آرام باهم خنده و صح بت می‌کنند. روی موضوعات و مسائل مختلف گفت وگو صورت گرفته و با اتفاق آراء حل می‌کنند و این «دیوان عام» ناحیه و محلّه است. در اینجا، اختلافات و منازعات سطحی مردم را به آسانی بدون کدام طرف‌داری و فشاری، منصفانه پایان می دهد. این حکم حتمی و غیرقابل دادخواست اس‌ت. برنامه ترقّی و رشد روستا، تعیین وقت برای آداب و رسوم کاشت و تقسیم آب در آن اتخاذ می گردد. این رسم اجتماعی قدیم بلتستان می‌باشد.[۸۱۷]

این انجمن‌های محلّی و مذهبی زیربنای نظام اجتماعی بلتی را تشکیل می دهند. به نظر می رسد پایه‌های نظم اجتماعی بلتی بر همین «هلچنگره» بنیان

---

[۸۱۳] (1). محمّد یوسف حسین‌آبادی، تاریخ بلتستان، ص299.

[۸۱۴] (2). پیار علی گلگتی، گلگتی ثقافت کاایك تحقیقی جایزه، ص29.

[۸۱۵] (1). عثمان علی، گلگت کی روك کهانی، ص150–154.

[۸۱۶] (2).argnahclH هلچنگره در حقیقت یك جرگه عمومی است که تمام اهالی در آن مشارکت دارند.

[۸۱۷] (3). محمّد نذیر، بلتستان، ادب و ثقافت، ص228.

##PAGE=۳۲۵##

نهاده شده است آقای حسین‌آبادی نیز در کتاب تاریخ بلتستان، این نهاد اجتماعی را چنین توصیف کرده است:

برای انجام این مراسم [مذهبی، سنّتی و اجتماعی] در هر محلّه ای از قدیم الایام، سازمان های جداگانه‌ای، که بنیان های زندگی اجتماعی بلتی بر آن استوار گردیده، وجود داشته اند. دبیر چنین سازمانی را «ترنگپه»[۸۱۸] می‌گویند. علاوه بر مراسم و رسوم مذهبی، تقریبا تمام امور اجتماعی نیز به وسیله همین انجام می پذیرند. زیر نظر همین سازمان‌ها، برای هر محلّه یا روستا، یک روحانی تعیین می شود که فراهم کردن امکانات زیستی روحانی به عهده همین سازمان (اهالی محلّه) می‌باشد.[۸۱۹]

«هلچنگره» یک سازمان، انجمن و شورای سنّتی ریش سفیدی است که معمولا بزرگان و بزرگ سالان محلّه و روستا در آن اشتراک می‌جویند. این شورا گاهی تحت نظر روحانیان فعالیت می‌کند.

از نظر طبقاتی و یا منزلت ا جتماعی، می توان گروه های درون جامعه بلتی را چنین درجه بندی نمود: اول روحانیون (علما)، دوم سادات، سوم نیروهای تحصیل کرده، و چهارم بقیه افراد جامعه . در اینجا، روحانیان در رأس هرم اجتماع قرار دارند. در این جامعه، نظام «پیر- مریدی» نیز نتوانسته- غیر از جامعه زوربخشی‌ها- نقش قابل توجهی کسب کند. بنابراین، تنها گروهی که توانسته است کنترل جامعه را در بخش های گوناگون به‌دست بگیرد، روحانیت است و به همین دلیل، برخلاف سایر ایالات پاکستان، که نهادهای سنّتی نقش امنیتی و قضائی را

##PAGE=۳۲۶##

در درون جامعه برعهده دارند، د ر بلتستان، «محکمه شرعی»، که یک نهاد قضائی و حقوقی مذهبی است، رسیدگی به دعاوی، منازعات و صدور آخرین حکم و رأی را در اختیار دارد . این نهاد (محکمه شرعی)، که مرکز آن در «اسکردو» قرار دارد.

در سایر نقاط بلتستان نیز دفتر و نمایندگی دارد و اعتبارش از نظر دولت، بس ان اعتبار «شورای قبایل» (قبایلی جرگه) در سایر جوامع قومی و هم چنین دادگاه شرعی است که خیلی از دعاوی و منازعات که جنبه شرعی داشته باشد دادگاه‌های رسمی آنها را به‌محکمه شرعیه ارجاع می‌دهد.

نظام سازمانی در جامعه شهری

جامعه شهری شیعیان عمدتا از الگوی «نظام سازمانی» پیروی می‌کند. این سازمان‌ها، که عموما ماهیت مذهبی دارند، از محلّه و حسینیه (امام باره) آغاز شده، به انجمن های مذهبی شهر و استان منتهی می شوند. هرچند ممکن است روابط سازمانی تعریف شده‌ای میان انجمن مذهبی محلّه و انجمن مذهبی شهر و استان در همه جا وجود نداشته باشد، اما جامعه شیعیان به‌عنوان یک جامعه مذهبی خاص، با تمام این انجمن‌ها و سازمان‌ها در تعامل قرار دارد.

---

[۸۱۸] (1).. apgnarT

[۸۱۹] (2). محمّد یوسف حسین‌آبادی، تاریخ بلتستان، ص347، 349 و 294.

«حسینیه» و امام باره (امام بارگاه) نقش مهمی در انسجام روابط شیعیان بر عهده دارد : این نقش در واقع، به نقش عزاداری در جامعه برمی گردد. «عزاداری» قوی‌ترین مراسم دسته جمعی مذهبی است که همواره شیعیان را در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار داده است . هر حسینیه یا امام بارگاه دارای یک «هیأت» یا «دسته» و یک «انجمن» است. هیأت‌ها و انجمن ها کوچک ترین و بنیادی ترین واحد اجتماعی- مذهبی در جامعه شهری شیعیان به شمار می‌آیند. هیأت‌ها و انجمن‌های امام باره‌ها از تشکیلاتی رسمی در دو بخش برخوردار است: بخش

##PAGE=۳۲۷##

متنفّذان که ریاست عمومی اداره امام باره و برنامه‌ریزی مراسم مذهبی و هماهنگی انجمن محلّی با انجمن مذهبی شهر و استان را به عهده دارد که به آن «انجمن» گفته می‌شود و بخش جوانان که اجرای مراسم مذهبی، به ویژه عزاداری و سینه‌زنی، را به‌عهده دارد و به‌آن «هیأت» یا «دسته» گفته می‌شود.

انجمن‌های مذهبی به‌دلیل پایگاه مردمی گسترده و برخورداری از پیشینه و تجربه طولانی، نه تنها اجرای مراسم عزاداری را مدیریت می کنند، بلکه از تمام حقوق مذهبی و اجتماعی شیعیان نیز پاس داری می نمایند. تقریبا در تمام شهرهای پاکستان، انجمنی تحت عنوان «مرکزی تنظیم عزا» یا «انجمن امامیه» و مانند آن برای همین اهداف تشکیل شده است.

روابط اجتماعی میان‌گروهی

روابط گروه های قومی و قبایلی شیعه با همدیگ ر از سازوکار نسبتا پیچیده ای برخوردار است . این روابط تحت تأثیر عوامل گوناگون قومی، فرهنگی و جغرافیایی قرار دارد. هر جامعه قومی (گروه قومی) دارای فرهنگ خاص خود بوده، از ارزش‌ها و هنجارهای قومی ویژه ای پیروی می کند، بدون اینکه اختلافات اعتقادی و مذهبی تأثیری جدّی بر آن داشته باشد. اختلاط مذهبی در خانواده ها و واحدهای دیگر محلّی و قبیله ای موجب گردیده است تا نظام اجتماعی نظم و هنجارهای ثابت خود را بدون ملاحظات مذهبی بر همگان تحمیل کند . پیوند منافع متضاد قومی و مذهبی با نهادهای سنّتی و طبیعی از یک سو، و ارزش های اعتقادی از سوی دیگر، چالش هایی را در روابط اجتماعی مبتنی بر قومیت صرف یا مذهب صرف به وجود آورده است . از این‌رو، مشکل است بتوان یک الگوی ثابت از روابط اجتماعی- مذهبی شیعیان، که خاستگاه‌های قومی، نژادی، زبانی و

##PAGE=۳۲۸##

فرهنگی بسیار متفاوتی دارد، در سط ح کل جامعه شیعی این کشور ارائه داد . البته این پیچیدگی تنها به جامعه شیعی پاکستان مربوط نمی‌گردد، بلکه تمام مذاهب این کشور و حتی نهادهای مدنی را نیز دربر می‌گیرد.

جامعه شیعی از لحاظ اجتماعی، بخشی از جامعه عمومی است که از بافت قومی، قبایلی و زبانی همانند سای ر گروه‌های اعتقادی و فکری متأثر است . بنابراین، تمایلات استقلال طلبانه و درون قومی، که در میان بلوچ ها، پشتون‌ها، سندی‌ها و مهاجران وجود دارد، در میان شیعیان وابسته به این اقوام نیز وجود دارد. در اینجا، گرایش‌های کلان قومی را مرور نموده، تأثیر آن را در روابط اقوام مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف. اقوام بزرگ و قوم‌گرایی

دکتر عارفه فرید، نویسنده کتاب حکایت های فرهنگ پاکستانی (پاکستانی کلچرکی روایات)، فرهنگ عمومی اجتماعی کشور را چنین توصیف می‌کند:

ما در تاریخ چهل ساله پاکستان، به جای آگاهی یا جاذبه ملّی، آگاهی منطقه‌ای را گسترش می دهیم. جنبش‌های مختلف محلّی احساس ملّی را پاره پاره می‌کنند. مردم از شناخت خود به عنوان سندی، مهاجر، پنجابی، پتان و یا بلوچی بیشتر احساس رضایت می‌کنند.[۸۲۰]

در سطح کلان، نوعی گرایش قومی شدید را می توان در میان اقوام بزرگ پاکستان مشاهده کرد؛ م ثلا، بلوچ‌ها همیشه از استقلال- و یا دست کم- از خودمختاری محلّی سخن گفته اند. در سال های ۱۹۶۵- ۱۹۶۶ و ۱۹۷۳، درگیری های خونینی بین دولت و قبایل مری، بگتی و مینگل در بلوچستان

##PAGE=۳۲۹##

درگرفت که تعداد زیادی از دو طرف به قتل رسیدند. احزاب قومی بلوچ مانند «جبهه آزادی مردمی بلوچ »، «سازمان دانشجویی بلوچ» و «حزب ملّی بلوچستان »، که خواهان خودمختاری و یا حمایت از بلوچ ها و سرزمین بلوچ در برابر حضور قومیت های دیگر و نفوذ سیاسی آنها در بلوچستان هستند، بسیار فعّالند . میر غوث بخش بزنجو، رهبر «حزب پاکستان نیشنل پارتی» و سردار روشن‌فکر قبیله «بزنجو»[۸۲۱] در جالاوان می‌گوید:

بلوچستان، پشتونستان، سند و پنجاب را باید به عنوان قومیت های جداگانه پذیرفت و یک قانون اساسی جدیدی باید نوشته شود که در آن، به هر واحد قومی اختیارات وسیعی واگذار شود.[۸۲۲]

عطاء اللّه مینگل، سردار قبیله «مینگل» از نوشکی، نیز در مصاحبه ای با ماه‌نامه بلوچی ندری بلوچ در فوریه ۱۹۸۱ در لندن گفته بود:

ما خواهان دیدن بلوچستان به‌عنوان یک کشور خودمختار آزاد و بلوچ‌ها را به‌عنوان یک قوم آزاد هستیم.[۸۲۳]

پشتون‌ها (پتان‌ها) نیز تمایلات قومی و زبانی شدیدی دارند . بعضی از آنها در بلوچستان شعار «پشتونستان بزرگ» سرمی‌دهند. محمود خان اچکزئی، رهبر «حزب مردمی ملّی پشتونخواه »، همواره با بلوچ‌ها بر سر مشارکت در قدرت و گرفتن امتیازات قومی و سیاسی بیشتر در کشمکش به‌سر برده است. محمود خان اچکزئی، دفاع از منافع پشتون را هدف اصلی خود در رقابت با بلوچ ها قرار داده است. در ایالت سرحد نیز پشتون گرایی در میان روشن فکران پشتون، گرایش غالب به‌شمار می‌آید. خان عبد الغفار خان، معروف به «پاچا خان»

---

[۸۲۰] (1). عارفه فرید، پاکستانی کلچرکی روایات، ص50.

[۸۲۱] (1). ojnizeB.

[۸۲۲] (2). سلیگ هریسن، بلوچ قومی تحریک، ص75.

[۸۲۳] (3). همان، ص89.

##PAGE=۳۳۰##

(۱۸۹۰– ۱۹۸۸) و فرزندش خان عبد الولی خان از آغاز تشکیل پاکستان تا امروز، یا از استقلال و تشکیل «پشتونستان بزرگ» سخن به‌میان آورده‌اند و یا از خودمختاری بیشتر در برابر نفوذ پنجابی ها. از سال ۱۹۵۳ که، طرح بزرگ «سدّ کالاباغ» (کالاباغ دیم) از طرف دولت مرکزی برای تولید ۴۰۰/ ۲ مگاوات برق شروع شد، پشتون ها آن را طرحی در جهت متضرّر شدن خود به‌خاطر از دست دادن زمین‌های ناحیه نوشهره و ذی‌نفع شدن پنجابی‌ها تلقّی کردند. این طرح به تحریک احساسات پشتون‌ها به‌شدت دامن زده است.

در سند نیز دو گرایش قومی و زبانی را می توان مشاهده کرد که در دهه های اخیر، بسیار تقویت گردیده است : یکی قوم‌گرایی سندی، دوم قوم‌گرایی مهاجر.

دکتر مبارک علی معتقد است : قوم‌گرایی سندی در دهه ۱۹۵۰، پس از آنکه تمام پاکستان غربی از نظر اداری به یک واحد سیاسی متمرکز (ون یونت) تبدیل شد و پنجابی ها نقش کلیدی در آن پیدا کردند، و از سوی دیگر، تعداد زیادی از مهاجران هندی نیز به سند و شهرهای بزرگ آن سر ازیر شدند و بسیاری از موقعیت ها را تصاحب کردند تقویت پیدا نمود.[۸۲۴]

قوم‌گرایی سندی از دو عنصر بنیادی تشکیل شده است : زبان و تاریخ. در عرصه زبان، شاه عبد اللطیف بتایی و کتاب رساله او، که حاوی اشعار صوفیانه و عرفانی به زبان سندی است، قهرمان ادبیات سندی به شمار می‌رود. در عرصه تاریخ هم مبارزان بومی، که در برابر هجوم اقوام و ملل دیگر به دفاع از سرزمین سند برخاسته‌اند– مانند راجه داهر که در سال ۸۹ ق در برابر لشکر محمّد بن قاسم فرمانده مسلمان عرب و هوشوشیدی که در سال ۱۸۴۳ در برابر تهاجم انگلیسی‌ها تا دم مرگ مقاومت کردند– چهره‌های اصلی تاریخ‌سازان قومیت

##PAGE=۳۳۱##

سندی را تشکیل می‌دهند.[۸۲۵]

سندی‌ها هویّت قومی خود را بیشتر در احیای زبانشان می دانند. به همین دلیل، گسترش زبان سندی در سطح ایالت، محبوبیت خاصی نزد آنها پیدا کرده است . حیدرآباد، که مرکز علمی، فرهنگی و تاریخی سندی‌ها به‌شمار می‌رود، کانون توسعه زبان سندی قرار گرفته است. «سندی ادبی بورد» (انجمن ادبی سندی) در جام شورو (حیدرآباد) در گسترش این زبان مؤثر بوده است. استقبال سندی‌ها از زبان سندی بسیار بیشتر از «اردو» است و این سبب گردیده تا نویسندگان و اندیشمندان نسل جد ید سندی آثار خود را به زبان محلّی ارائه دهند و این گرایش در سطح قشر مذهبی جامعه نیز به‌روشنی دیده می شود. به نظر می رسد یکی از عوامل مهم توجه به توسعه زبان سندی، اختلافات سندی ها با مهاجران است که به‌زبان اردو صحبت می‌کنند. این اختلاف قومی تأثیرات خود را د ر عرصه فرهنگ و ادبیات نیز عمیقا بر جای نهاده است. مهم‌ترین گروه قومیتگرای سند، گروه «سند نیشنل الاینس» (اتحادیه ملّی سند) به رهبری جی.

---

[۸۲۴] (1). مبارك علی، سند خاموشی کی آواز، ص266.

[۸۲۵] (1). همان، ص267– 268.

ایم. سید[۸۲۶] است که از قوم‌گرایی سندی به‌شدت دفاع می‌کند.

در کراچی و برخی شهرهای دیگر پاکستان، جنبش «قومی مهاجر» شکل گرفته که دفاع از هویّت و منافع مهاجران را وجهه همّت خود قرار داده است . این جنبش در ۱۸ مارس ۱۹۸۴ تحت رهبری الطاف حسین، در کراچی اعلام موجودیت کرد. مهاجران، که اکثریت جمعیت شهر کراچی را تشکیل می دهند، در آغاز، خواهان ایجاد یک ایالت مستقل به‌نام «مهاجران» بودند که با واکنش شدید دولت مرکزی و سندی‌ها مواجه شدند. اکنون جنبش «قومی مهاجر» (مهاجر

##PAGE=۳۳۲##

قومی موومنت[۸۲۷]) از این خواست چشم‌پوشی نموده و وحدت سند، «انصاف» (عدالت) و مشارکت به‌تناسب جمعیت در همه عرصه‌ها را جزو اهداف خود قرار داده است .[۸۲۸] الطاف حسین، رهبر جنبش «قومی مهاجر»، شعار «سند از آن سندی‌ها» را شعار اصلی خود قرار داده، می‌گوید:

شعار ما این بود که در سند، اولویت از آن کسانی است که در این سرزمین کار می‌کنند و از اینجا درآمد به‌دست می‌آورند و در همین سرزمین مصرف می کنند؛ از اینجا پول به جای دیگر نمی‌فرستند، زندگی و مرگ آنها وابسته به همین سرزمین است.[۸۲۹]

این سخنان اشاره به جمعیت غیربومی پنجابی و پشتون دارد که برای کسب و کار، به کراچی نقل مکان نموده اند. اوج قومیت‌گرایی جنبش مهاجر در سال های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ نمودار گردید، پس از آنکه یک دانشجوی دختر مهاجر به نام بشری زیدی در تصادفی با یک مینی‌بوس، که راننده پشتون داشت (در سال ۱۹۸۵)، کشته شد. این تصادف سرآغاز یک رویارویی چندین ساله بین قوم مهاجر و پتان (پشتون) گردید که در آن هزاران نفر کشته و زخمی شدند . هرچند گفته می‌شود که عوامل سیاسی در پشت این تنش‌های قومی مؤثر بوده و رهبر جنبش «قومی مهاجر» نیز دولت ضیاء الحق را در دامن زدن به تنش های قومی به منظور تضعیف جبهه مخالفان دولت، که الطاف حسین نیز عضو آن جبهه بود، متهم نموده است، اما در ظاهر، این درگیری‌ها رنگ قومی و زبانی داشته است.

مهاجران نه تنها با پتان‌ها، بلکه با پنجابی‌ها و خود سندی‌ها نیز به مخالفت برخاستند.

##PAGE=۳۳۳##

در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵، در درگیری‌های مسلّحانه‌ای که بین جنبش «قومی مهاجر» و حزب حاکم بی‌نظیر بوتو، که سندی تبار است، در کراچی رخ داد، ۳۹۲/ ۲ نفر کشته و ۰۵۴/ ۵ نفر– در مجموع– زخمی شدند.[۸۳۰]

---

[۸۲۶] (2). deyyaS .M .G.

[۸۲۷] (1). tnemevoM imuaQ rijahuM.

[۸۲۸] (2). احمد سلیم، مهاجر قومی موومنت[جنبش قومی مهاجر]، ص 60.

[۸۲۹] (3). منیر احمد، ایم. کیو. ایم، ص 31.

[۸۳۰] (1). همان، ص 381– 381.

جمعیت مهاجران اردوزبان (براساس آمار سال ۱۹۸۱) در کل سند ۲۲ درصد و سندی زبان ۵۲ درصد بودند. اما در نواحی شهری ایالت سند ۵۰ درصد کل جمعیت شهری را اردوزبان‌ها (مهاجران) تشکیل می‌دهند و در کراچی، تعداد آنان به ۱۳/ ۵۴ درصد می‌رسد. این در حالی است که پنجابی ها ۱۳ درصد و پشتو زبان‌ها ۸ درصد و سندی زبان‌ها تنها ۶ درصد را در این شهر تشکیل می دهند.[۸۳۱] مهاجران باتوجه به رشد جمعیت خود در سند، خواهان ۲۰ درصد پست‌های دولتی در مرکز (حکومت فدرال) و ۵۰ تا ۶۰ درصد در سند هستند.[۸۳۲]

در ایالت پنجاب، جنبش قوم گرایی خاصی که تحت عنوان «پنجاب‌خواهی» فعالیت نماید و بخواهد به احساسات قوم‌گرایی پنجابی دامن بزند، جلب توجه نمی کند، و این بدان دلیل است که مردم پنجاب تهدیدی برای حضور و منافع خود در سطح ایالت و مرکز احساس نمی کنند. گرچه لاهور و برخی شهرهای دیگر پنجاب شاهد حضور قومیت های دیگر نیز در خود هستند ، اما این حضور به حدّی نیست که ساختار جمعیتی، فرهنگی و اقتصادی این شهرها را دگرگون نموده، تهدیدی برای اقتصاد و فرهنگ بومی به شمار آید. تنها حرکتی که مبنای قوم گرایی پیدا کرده است و در پنجاب مشاهده می شود، حرکتی است از سوی «سرائیکی» زبان‌های ساکن این ایالت که نوعی قوم گرایی سرائیکی را ترویج می‌کند. سرائیکی زبان‌های پنجاب، که از اقوام پنجابی، بلوچ و پتان تشکیل شده‌اند،

##PAGE=۳۳۴##

در سال های اخیر، سازمانی تحت عنوان «سرائیکی موومنت»[۸۳۳] (جنبش سرائیکی)، تأسیس نموده و خواهان تشکیل ایالت جداگانه‌ای به‌نام «سرایکستان» هستند.

سرایکستان موردنظر آنها شامل شهرستان های سبی، سکّر، دیره غازی خان، ملتان، بهاولپور و دیره اسماعیل خان است.[۸۳۴] به نظر می‌رسد تهدید این جنبش برای ایجاد شکاف جدّی و بحران در داخل پنجاب، چندان جدّی نباشد.

پدیده «قوم‌گرایی» صرفا به قومیت های بزرگ پاکستان محدود نمی شود، بلکه این گرایش تبدیل به یک فرهنگ در کل جامعه گردیده و قومیت های کوچک تر مانند بنگالی های مقیم کراچی، بلتی ها و گلگتی های مناطق شمالی و هزاره های مقیم کویته را نیز دربرمی‌گیرد. تفاوتی که احتمالا میان این دو نوع قومیت گرایی مشاهده می شود، در نوع اهداف و خواست‌هاست؛ بدین معنا که قوم‌گرایی در میان اقوام بزرگ (بلوچ، پشتون، سندی و مهاجر) غالبا به‌سمت مقابله با سلطه قوم پنجابی پیش رفته است و در مواردی نیز یکدیگر را مورد ان تقاد و نفی و نکوهش قرار می دهند. اما قوم گرایی اقلّیت‌های کوچک‌تر، دفاع از هویّت فرهنگی و منافع خود در درون حکومت‌های محلی را هدف قرار داده است.

به‌هرحال، به‌نظر می‌رسد که چهار عامل در ظهور و رشد پدیده «قوم‌گرایی» نقش داشته است:

۱. مبنای تقسیمات اداری کشور که براساس فدرالیسم قومی انجام گرفته است و این امر همواره گرایش های قومی را تقویت می‌کند.

---

[۸۳۱] (2). احمد سلیم، سلگتا هوا سند، ص144.

[۸۳۲] (3). همان، ص144.

[۸۳۳] (1). tnemevoM ikiaraS.

[۸۳۴] (2). مصاحبه با عمران چودری از فعّالان« تحریك جعفریه» و سازمان« دانشجویان امامیه» در پنجاب، قم،28 مرداد1384.

۲. ساختار قدرت و مدیریتی کشور که برمبنای جاگیرداری، سرداری و نوّابی استوار گردیده و در آن گروه های سنّتی به‌جای التزام به فرهنگ ملّی، بر فرهنگ

##PAGE=۳۳۵##

محلّی و قومی پافشاری می‌کنند.

۳. فساد و ناکارآمدی دولت ها که می کوشند با ایجاد بحران های اجتماعی، افکار عمومی را از مسائل اصلی منحرف سازند.

۴. سلطه نامتوازن پنجابی‌ها بر دولت که نوعی سلطه قومی را در کشور به وجود آورده است.

ب. روابط اجتماعی گروه‌های قومی

باتوجه به تعدّد اقوام و قبایل گوناگون در هر ایالت و شهر و همچنین وجود گرایش های قوم‌گرایانه در میان اقوام بزرگ، اکنون این سؤال مطرح می شود که روابط اجتماعی گروه های قومی با همدیگر چگونه و در چه سطحی است؟ منظور از «روابط قومی»، روابط میان‌گروهی و برون‌گروهی است. هر قوم دارای زیرمجموعه های قومی کوچک‌تری نیز هست که سؤال مزبور روابط میان این زیرمجموعه ها را نیز دربر می گیرد. آنچه قبلا از پیچیدگی در روابط اجتماعی قومیت ها و قبایل زیرمجموعه‌های آنها مورد بحث قرار گرفت، نتیجه‌اش در همین مورد ظاهر می‌گردد.

در واقع، باید گفت: روابط اجتماعی افراد و گروه‌ها متأثر از عوامل گوناگونی است که برخی از این عوامل در تیره‌سازی روابط ایفای نقش می‌کنند و برخی نیز در بهبودی روابط نقش دارند . براساس ساختار اجتماعی جامعه پاکستان، می توان گفت: زمینه برای بروز ناهنجاری در روابط اجتماعی گروه های زبانی و ایلی، بسیار مساعد است؛ چنان که در عمل، این ناهنجاری‌ها و تنش ها میان قبایل گوناگون بلوچ مانند بگتی و مری، و در میان مری ها، بجارانی با گزینی در بلوچستان و قبایل

##PAGE=۳۳۶##

مزاری، چاندیو، دریشک [۸۳۵] و براهوئی در دیره غازی خان و همچنین مسائل قبایل بلوچ در جاهای دیگر مشاهده می‌شود. همین‌طور قبایل پشتون با همدیگر و سایر قبایل کوچک تر در میان گروه‌های قومی دیگر نیز خالی از منازعات مستمر نیستند که گاهی به خون ریزی‌های شدید نیز منجر می شود؛ زیرا تنازع، ناس ازگاری و اعمال عصبیّت از ویژگی‌های هر جامعه قبیله‌ای و فئودالی محسوب می‌شود.

اما علی رغم وجود زمینه های اجتماعی و سنّتی در بروز تنش های اجتماعی، باید گفت : افراد و گروه های اجتماعی همچنان در یک روابط نزدیک در زمینه‌های دیگر مانند دینی، اقتصادی، نژادی، شغلی و سیاسی نیز قرار دارند که همواره تأثیرات منفی عوامل نوع اول را خنثا می سازند. گروه‌های قومی شیعه در پاکستان، همانند سایر گروه های اجتماعی و

---

[۸۳۵] kahserD..(1)

مذهبی، شاهد فراز و نشیب هایی در روابط درون گروهی خود بوده اند. شیعیان این کشور از نظر اجتماعی، یکدست و یکپارچه نیستند و از لحاظ جغرافیایی نیز به شدت پراکنده‌اند. این دو عامل در کاهش سطح روابط آنها، همیشه تأثیرگذار بوده‌اند. اما در اینجا، عامل دیگری نیز وجود دارد که در استحکام روابط اجتماعی گروه های قومی شیعه بسیار سازنده بوده و آن «مذهب» است. شیعیان به‌دلیل در اقلّیت قر ار گرفتن، همیشه نوعی اعمال فشار روانی را بر خویش احساس می‌کنند و این امر سبب می گردد تا آنها بیشتر به سوی همکاری های درون‌مذهبی روی آورده، نسبت به همدیگر احساس نزدیکی و همکاری نمایند.

در مجموع، می توان گفت: الگوی روابط اجتماعی و روابط گروه های قومی و زبانی شیعیان، همان الگوی قبایلی و فئودالی است. اما این الگو- چنان‌که توضیح داده خواهد شد- تحت تأثیر عقاید و روابط مذهبی، تا حدّ زیادی تعدیل گردیده

##PAGE=۳۳۷##

است. براساس یک نظرسنجی اولیه، که از روابط اجتماعی گروه های قومی شیعه در چهار ایالت و در چهار زمینه خ اص به‌عنوان نمونه توسط نگارنده انجام گرفت، فرضیه مذکور تا حدّ زیادی تأیید می شود. در پرسش‌نامه‌ای که بدین منظور تهیه شده بود، چهار سؤال با پاسخ‌دهندگان در میان گذاشته شد:

۱. آیا اقوام و اهل زبان‌های محلّ شما دارای حسینیه و مراسم مذهبی جداگانه‌ای هستند یا مشترک؟

۲. آیا در کسب و کار و شغل‌ها، وابستگی‌های قومی یا زبانی لحاظ می‌گردد یا حسّاسیت خاصی وجود ندارد؟

۳. آیا ازدواج میان افراد گروه‌های قومی و زبانی گوناگون صورت می‌گیرد یا خیر؟

۴. قبرستان و محل دفن اموات اقوام و اهل زبان‌ها مشترک است یا جدا از هم؟

در خصو ص ایجاد حسینیه و برگزاری مجالس مشترک یا جداگانه، جواب پاسخ دهندگان در ایالت پنجاب کاملا مثبت بود. در سند نیز غالب پاسخ‌ها مثبت بود، اما در برخی شهرها مانند کراچی، حیدرآباد و سکّر حسینیه های ویژه قومی نیز وجود دارد که معمولا به اهل زبان های خاصی تعلّق دارد و گروه‌های قومی خاصی در آنها مراسم برگزار می کنند (مانند مهاجران، بلتی ها و پتان ها). در سرحد و بلوچستان هردو نوع آنها وجود دارد؛ هم حسینیه های ویژه قومی و هم حسینیه‌های مشترک . اما در شهر کویته، معمولا حسینیه ها و مجالس عزاداری اهل زبان ها (هزاره، گلگتی، بلتی، قندهاری، پنجابی، مهاجر و بنگش) از همدیگر جداست و هرکدام برای خود مجلس برگزار می‌کند.

در مورد شغل و کار در محیط مشترک یا جداگانه، هرچند در صورت برخورداری از حق انتخاب و فراهم بودن نیروی کار در میان افراد هم‌زبان و هم‌قبیله، اولویت با آنهاست، اما در مجموع، حسّاسیت شغلی چندان جدّی به‌نظر

##PAGE=۳۳۸##

نمی‌رسد و افراد متعلّق به زبان‌ها و گروه‌های قومی گوناگون به راحتی با همدیگر در مورد «شغل» کنار می‌آیند. در این مورد، پاسخ تمام چهار ایالت یکسان بود و وجود روابط شغلی در میان آنان عادی و طبیعی دانسته شده است.

درباره ازدواج و روابط خویشاوندی، حسّاسیت میان اهل زبان ها و قبایل گوناگون، بسیار زیاد است . پاسخ‌دهندگان سه ایالت سند، سرحد و بلوچستان ۱۰۰ درصد پاسخ «منفی» و یا «خیلی کم» داده‌اند، اما پاسخ دهندگان پنجاب غالبا ازدواج میان قبایل ساکن در پنجاب را رایج دانسته‌اند؛ تنها برخی افراد و مناطق نسبت به‌آن پاسخ منفی داده‌اند.

در پاسخ به‌پرسش چهارم، پاسخ‌دهندگان ساکن پنجاب بیش از ۹۰ درصد به مشترک بودن قبرستان‌ها میان اقوام و حتی مذاهب متعدّد نظر داده اند و در سند، به استثنای کراچی و خیرپور- که در اوّلی خوجه ها و در دومی سادات دارای قبرستان جداگانه ذکر شده‌اند- در سایر موارد، همه پاسخ‌دهندگان بر مشترک بودن قبرستان ها نظر داده‌اند. اما در سرحد و کویته (نه داخل بلوچستان) شرایط متفاوت است. در پیشاور، اقوام قزلباش، پتان و هندکو (کشمیری) هریک قبرستان مخصوص به‌خود دارند. هم‌چنین در کویته، مرکز ایالت بلوچستان، نیز هزاره‌ها دارای قبرستان اختصاصی هستند.

از این ارزیابی چنین جمع بندی می‌شود که روابط اجتماعی میان اهل زبان های گوناگون شیعی معمولا با دشواری های فرهنگی زیادی همراه بوده و از این رو، شیعیان کراچی، کویته و پیشاور، که از بافت قومی و زبانی متنوّع تری برخوردارند، از سطح روابط اجتماعی کمتری نیز برخوردارند . اما در سند و به ویژه پنجاب، که تنوّع زبانی در آنجا کمتر است، سطح روابط و تعامل اجتماعی اقوام شیعه مذهب نیز در آنجا بیشتر است . البته در سند و پنجاب نیز تنوّع زبانی و قومی وجود دارد،

##PAGE=۳۳۹##

اما به‌دلیل وجود یک زبان و فرهنگ مسلّط در این دو ایالت (زبان سندی در سند و پنجابی یا سرائیکی در پنجاب)، بستر همکاری و تعامل اجتماعی میان شیعیان بیشتر است . از سوی دیگر، می‌توان به‌این مسئله نیز اشاره کرد که فرهنگ سندی و پنجابی از انعطاف بیشتری نسبت به فرهنگ پشتون، بلوچ و هزاره برخوردار است.

در مناطق شمالی، که عمدتا سه زبان (بلتی، شنا و بروشکی)[۸۳۶] در آنجا رایج است، اشتراکات فرهنگی میان بلتی ها و گلگتی‌ها زیادتر بوده و روابط اجتماعی آنها بیشتر و مستحکم‌تر است. در روابط اجتماعی آنها، به‌ویژه در ازدواج، مذهب نقش اساسی دارد . شیعیان در این امر، با نوربخشی ها دارای روابط اجتماعی گسترده ای هستند، اما با سنّی ها کمتر در تعامل قرار دارند.[۸۳۷]

نقش مذهب در توسعه روابط اجتماعی

مذهب در میان گروه های قومی شیعه پاکستان، نقش بسیار مهمی در توسعه روابط اج تماعی داشته است . این تأثیرات به‌نظر می‌رسد در پرتو دو عامل، جدّی‌تر از سایر عوامل ظاهر شده است: ۱. عزاداری؛ ۲. سازمان‌های مذهبی.

---

[۸۳۶] (1). ikhsurB ,anihS ,itlaB.

[۸۳۷] (2). در نظر سنجی از علما و طلاب مناطق شمالی این نتیجه‌گیری به‌دست آمده است.

در مجموع، اسلام به‌عنوان یک ایدئولوژی عام و جهانی، همیشه آموزه‌ها و باورهای جهان‌شمول به جامعه تزریق می‌کند؛ مذهبی که بر اصول ا عتقادی و ارزشی واقعی بنیان یافته باشد بر مرزهای زبانی، نژادی، و جغرافیایی خط بطلان کشیده، همه انسان‌ها را به وحدت، همبستگی و برابری فرامی خواند. بنابراین، افراد تحت تأثیر آموزه های مذهبی و ایدئولوژی جهان‌شمول آن، به روابط و تعلّقات

##PAGE=۳۴۰##

فراتر از زبان، نژاد و محیط اندیشیده و نسبت به هم‌کیشان خود در همه جا و از همه نژادها و قبایل، احساس همبستگی و برادری می کنند. این احساس اگر به یک فرهنگ تبدیل شود، می تواند بر انسجام اجتماعی بیفزاید . از این رو، نقش وحدت‌بخش «ایدئولوژی» در جامعه بسیار جدّی است . در جام‌عه شیعی پاکستان، این تأثیر به‌خوبی مشهود است. افراد شیعه‌مذهب بلوچ، سندی، پتان، پنجابی، و بلتی هنگامی که باهم کیشان خود روبه‌رو می‌شوند، احساس آرامش و امنیت بیشتری به آنها دست می دهد و اعتماد بیشتری نسبت به همدیگر پیدا می کنند. آنها در برخوردها صمیمی تر ظا هر می‌شوند[۸۳۸] و در تعیین همکاران و هم شغل‌ها نیز همدیگر را در اولویت قرار می دهند. عنصر «مذهب» گاهی در شیوه توزیع جمعیت و انتخاب محل سکونت در شهرها نیز تأثیرگذار بوده است؛ چنان که در بیشتر شهرهای کشور، محلّه های ویژه شیعه نشین، که از ترکیب قومی گوناگونی برخو ردار است، به وجود آمده؛ مانند محلّه «حسین گوت» در کراچی، «علمدار رود» در کویته، «شیعه میانی» در ملتان، و «مدینه کالونی» در پیشاور (پشتو زبان و فارسی‌زبان).

اما «عزاداری»، که گسترده‌ترین و عمیق‌ترین مراسم مذهبی شیعیان به شمار می‌رود، به‌دلایل متعددی توانسته است نقش فعّال‌تری در همبستگی و استحکام روابط شیعیان ایفا کند؛ زیرا:

اولا، عزاداری مراسمی شورانگیز و تحوّل ساز از نظر تحریک و تقویت احساسات، عواطف و باورهای مذهبی محسوب می‌شود. این مراسم همان‌گونه که تجربه نشان داده، از نگاه تأثیرگذاری بر مخاطبان، شدیدتر و ریشه‌دارتر از هر

##PAGE=۳۴۱##

مراسم مذهبی و غیرمذهبی دیگر است. افرادی که با تعلّق‌های قومی، زبانی و فرهنگی متفاوت در مراسم عزاداری شرکت می‌جویند، تنها به‌یک چیز می‌اندیشند و آن صف‌آرایی دو جریان ظالم و مظلوم، و حسینی بودن و یزیدی بودن است. این احساس در باورسازی مبتنی بر تعلّق داشتن به‌جبهه واحد مظلومان، حق‌جویان و حسینیان بسیار مؤثر است.

ثانیا، عزاداری یک برنامه مداوم و طولانی است. شیعیان پاکستان معمولا از اول محرّم تا روز نهم ربیع الاول (دو ماه و ۹ روز) عزاداری می‌کنند و در این دوران، مراسم متعددی در جا های گوناگون برگزار می شود. در دهه اول محرّم، معمولا هر حسینیه و محلّه ای برای خود برنامه دارد، اما از دهه دوم محرّم به بعد، برنامه‌ها بیشتر حالت دوره‌ای و چرخشی پیدا می‌کند.

---

[۸۳۸] (1). در پاکستان، شیعیان افراد هم مذهب خود را« مؤمن» می‌نامند و در بازارها و سفرها، اگر بفهمند که « مؤمن» هستید، با شما بسیار صمیمی و با محبت رفتار می‌کنند و از همکاری دریغ نمی‌ورزند. نگارنده بارها شاهد چنین برخوردی در ایالت‌های گوناگون بوده است.

خطبای نامدار شهر، ایالت و یا کشور به شهرهای گوناگون دعوت می‌شوند. در یک شهر، در نقاط گوناگون، مراسم مهمی برگزار می‌گردد. مستمعان دو ماه تمام از محلّی به محل دیگر و از حسینیه‌ای به حسینیه‌ای دیگر در حرکتند. بعضی خطبا در جذب مخاطبان نقش سحرانگیزی ایفا می‌کنند. افرادی مانند حجۀ الاسلام جان علی شاه کاظمی دادو، طالب جوهری کراچی، سید ارشاد حسین قمی خیرپور، گلفام حسین ملتان، عبد الحکیم در سند و مانند آنان به راحتی قادرند هزاران نفر را از همه ملّیت ها و قومیت ها در محلّ واحدی گرد آورند و تحت تأثیر عمیق و هیجان انگیز سخنان خود قرار دهند . برگزاری مراسم عزاداری بدین شیوه تأثیرات زیادی در نزدیکی و آشناسازی افراد و گروه‌های شیعی با یکدیگر دارد.

ثالثا، در عزاداری، برخی مراسم ویژه برگزار می شود که از لحاظ اجتماعی، بسیار مهم تلقّی می گردد؛ مانند راه اندازی دسته‌های سینه‌زنی در میان محلّه‌ها، حسینیه‌ها و خیابان‌های شهر. از ششم محرّم به‌بعد، راه‌پیمایی دسته‌های

##PAGE=۳۴۲##

عزاداری (جلوس یا ماتمی جلوس) تحت عناوین «جلوس گهواره علی اصغر» (جلوس تعزیه)، «جلوس حنای شاه‌زاده قاسم»، «جلوس ذو الجناح» و «جلوس علم» از یک امام بارگاه به امام بارگاه‌های دیگر به‌راه می‌افتد و در شب نهم، در مراسم «هفت تکیه» هیأت‌های سینه‌زنی هفت حسینیه (امام بارگاه) را دور می زنند. در سند و پنجاب- بخصوص- برنامه‌های «شب بیداری» از شب نهم محرّم به بعد برگزار می شود که در آن، هیأت های عزاداری تمام شب را به اجرای برنامه‌های گوناگون عزاداری در حسینیه ها سپری نموده، گاهی در حسینیه های گوناگون گردش می‌کنند و در آخر شب، دوباره به‌محلّ اول خود برمی‌گردند.

برگزاری این نوع مراسم در طول ماه محرّم، تقریبا تمام شیعیان یک شهر را در تماس مستقیم با همدیگر قرار می دهد. باتوجه به‌آنکه در این مراسم، هیأت‌های مهمان از سوی هیأت‌های میزبان پذیرایی نیز می‌گردد، بنابراین، تأثیرات این امر در آشناسازی هیأت‌ها و قومیت‌ها با همدیگر بسیار عمیق و ماندگار خواهد بود.

رابعا، وجود هیأت های عزاداری گوناگون و متعدد در یک شهر، موجب گردیده است تا رؤسای هیأت ها برای هماهنگی برنامه‌های عمومی مانند راه پیمایی روزهای تاسوعا، عاشورا و اربعین، اقدام به تأسیس انجمن ها و سازمان های رهبری‌کننده مشترک بنمایند. بدین منظور، در تمام شهرهای پاکستان انجمن های مرکزی عزاداری تشکیل شده است که برنامه هماهنگی عمومی را انجام می‌دهند.

این انجمن‌های مرکزی در ایّام محرّم با انجمن ها و هیأت‌های محلّی به‌طور مستمر در ارتباط قرار گرفته و نسبت به رفع تهدیدات، برقراری نظم و فراهم سازی امکانات فعالیت می کنند. وجود چنین انجمن هایی، که برخاسته از ضرورت ها و نیازهای مراسم عزاداری است، تمام قومیت ها و اهل زبان های شیعه را در هر شهری گرد خود جمع می کند و میان آنها تعامل ایجاد می‌نماید.

##PAGE=۳۴۳##

بنابراین، می توان نتیجه گرفت که «عزاداری» مهم‌ترین عامل در تعامل اجتماعی اقوام و مروّج باورهای مشترک و فرهنگ مشترک به شمار می آید، به ویژه روح معنوی و حماسی که بر این مراسم حاکم است می تواند همه مرزها را به آسانی درنوردد و احساس همبستگی را بیش از پیش تقویت نماید.

سازمان‌های مذهبی، مانند «امامیه کونسل» ها (شوراهای امامیه) و «امامیه علما کونسل» ها و مانند آن، که از سوی علما، متنفّذان و افراد خیّر مذهبی و جوانان مذهبی راه اندازی شده، عامل مهم دیگری در برقراری روابط میان گر وه‌های قومی شیعه به‌شمار می‌آیند. در این میان، تأثیر چند سازمان دینی در سطح شیعیان پاکستان بسیار قوی بوده است:

۱. سازمان «دانشجویان امامیه» I. S. O (؛

۲. سازمان «امامیه» I. O (؛

۳. وفاق علمای شیعه پاکستان؛

۴. تحریک نفاذ فقه جعفریه «تحریک جعفریه».

«وفاق علمای شیعه» پیش از اینکه فعالیتش در سال های اخیر تعطیل شود، توانسته بود روحانیان پنجاب، سند و تا حدّی نیز سرحد را در یک تشکیلات مذهبی گرد آورد . این تشکیلات گرچه یک تشکیلات صنفی بود، اما باتوجه به نقش مردمی و اجتماعی روحانیت در جامعه، در همبستگی و تعامل رهب ران مذهبی، تأثیر مستقیمی بر همبستگی اجتماعی آنها برعهده داشت.

در ۱۲ آوریل ۱۹۷۹، روحانیت شیعه با مساعی برخی شخصیت های آکادمیک مذهبی، گروه «تحریک نفاذ فقه جعفریه» را در بکّر بنیان‌گذاری کردند.

این حزب به‌سرعت در سراسر مناطق شیعه‌نشین نفوذ پیدا کرد و در دهه

##PAGE=۳۴۴##

۱۹۸۰، به قوی‌ترین حزب مذهبی- سیاسی شیعیان تبدیل شد.[۸۳۹] در واقع، در تاریخ شیعیان پاکستان، این اولین بار بود که یک تشکیلات مذهبی توانست تمام شیعیان این کشور را براساس اهداف و آرمان های مشترک در یک ساختار سازمانی واحد مرتبط سازد و همه اهل زبان ها را به‌سمت دست یابی به اهداف و برنامه های واحد، سازمان دهی کنند. «تحریک» با ایجاد نمایندگی‌هایی در سراسر کشور و تشکیل گردهمایی ها (اجلاس و کنوشن) و اعزام گروه‌های تبلیغی، ارتباطی و کمک رسانی در روستاها، از کشمیر و گلگت تا بلوچستان و کراچی، همه را در یک ارتبا ط زنجیره ای مستحکم قرار داد. شیعیان مناطق شمالی و بلوچستان، که برای شیعیان پنجاب و سند کمتر شناخته شده بودند، در همین دوران، وارد شبکه ارتباطی «تحریک» شدند. این ارتباط و سازمان دهی جوامع متفرّق شیعه این کشور را به جامعه ای

[۸۳۹] (1). محمد اکرم عارف، جنبش اسلامی پاکستان، ص122.

واحد تبدیل کرد و در نتیجه، حوادث و رخدادهای دورافتاده ترین مناطق شیعه نشین با سرنوشت مرکز و شهرهای بزرگ کاملا به‌هم گره خورد.

در حادثه فرقه‌ای ۱۹۸۸ گلگت، که افراطیان وهّابی مسلک گلگت و سرحد به گلگت حمله بردند و ۱۳ روستا از جمله جلال‌آباد را با قریب ۶۰۰ واحد مسکونی تخریب کردند، [۸۴۰] شیعیان تمام پاکستان با آنها اظهار همبستگی و همکاری نمودند.

همچنین در ششم ژانویه ۱۹۸۵، که بر اثر حمله پلیس به تجمّع شیعیان در کویته ۱۶ نفر کشته و ۵۵ نفر زخمی شدند، [۸۴۱] هیأت‌هایی از تمام مناطق پاکستان برای اظهار همدردی و مساعدت عازم کویته شدند . در وقایع دیگری هم که در این سال‌ها برای شیعیان یک شهر و روستا پیش آمده، شیعیان شهرهای دیگر واکنش

##PAGE=۳۴۵##

نشان داده و نسبت به‌آنها ابراز احساسات و همکاری کرده‌اند.

سازمان «دانشجویان امامیه» I. S. O (از دیگر سازمان های مذهبی است که نقش اساسی در ایجاد روابط میان دانشجویان، علما و تحصیل‌کردگان شیعه در سراسر پاکستان داشته است . این سازمان فعّال ترین و گسترده ترین سازمان شیعی به شمار می رود و نیروهای آن بیش از سازمان های دیگر باهم در ارتباط قرار دارند . اعضای این سازمان دانشجویی از تمام اهل زبان‌ها تشکیل شده و همه در ارتباط تنگاتنگ تشکیلاتی قرار دارند و برنامه های مذهبی مشابهی در تمام شهرها اجرا می‌نمایند. [۸۴۲]

باتوجه به نقش ها و تأثیرات اجتماعی همین سازمان های مذهبی است که گرایش فراقومی و فرازبانی در میان اقشار مذهبی جامعه قوی‌تر از دیگران است.

گرچه منشأ اصلی کلان‌نگری مذهبی‌ها، آموزه‌های خود دین است که باورها و ارزش های عام را به‌افراد توصیه و تلقین می‌کند، اما تردیدی نیست که سازمان های مذهبی در نهادینه کردن این باورها و آموزه ها در میان اجتماع تأثیر بسزایی دارند.

موانع گسترش روابط اجتماعی

از توضیحاتی که تاکنون داده شد، تا حدّی موانع موجود در مسیر گسترش روابط دوستانه بین گروه های قومی نیز به‌دست آمد، اما در اینجا می‌توان برخی عوامل را به‌طور خاص نام برد که به‌نظر می‌رسد تأثیرات بیشتری در عدم توسعه ارتباطات میان‌گروهی دارند. این موانع را می‌توان به‌موانع جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دسته‌بندی نمود.

---

[۸۴۰] (2). مجله النصرة، ش12، مارس1988، ص 7- 8.

[۸۴۱] (3). فهیم عبّاس، کربلاء معلّاسی، کربلاء کویته تك، ص16.

[۸۴۲] (1). در این‌باره، می‌توان به جزوات و گزارش‌های سالانه این گروه مراجعه کرد.

##PAGE=۳۴۶##

از نظر جغرافیایی، نوعی گسست کامل میان مناطق استقرار گروه های قومی شیعه وجود دارد. توزیع انسانی و جغرافیایی جمعیت شیعه به‌گونه‌ای است که گروه‌ها قادر به ارتباط آسان با همدیگر نیستند. مناطق شیعه‌نشین بیش از حد پراکنده و نامنظّم بوده، فاقد هر نوع تمرکز است . این شرایط مانع گسترش روابط میان افراد، برقراری همکاری های شغلی، خویشاوندی، مشارکت در مراسم مذهبی و در نهایت، شکل‌گیری فرهنگ مشترک می‌گردد.

در عرصه فرهنگی، خرده‌فرهنگ‌ها و وجود زبان های گوناگون در جامعه شیعیان، رایج است که در بسیاری موارد، مانع تفاهم و درک شرایط همدیگر می گردد. اگر جوامع شهری را، که تنها بخش اندکی از شیعیان را در خود جای داده اند، استثنا کنیم، جوامع روستایی شیعیان مانند پشتون، پنجابی، سندی، بلوچ و بلتی و گلگت، زبان مشترکی برای گفت وگو ندارند و هرکدام از آ داب و رسوم بسیار متفاوتی پیروی می کنند. در واقع، تفاوت زبانی مهم ترین مانع در مبادلات فرهنگی، آشنایی گروه‌ها با یکدیگر و برقراری ارتباط مستقیم در میان آنهاست.

از نظر اجتماعی، نظام‌های اجتماعی گوناگونی در میان شیعیان وجود دارد که هرکدام ساختار دیگری را- اگرنه نامطلوب و ناموزون- دست‌کم برخلاف طبع و سلیقه خود می پندارد. از سوی دیگر، برخی از این نظام های اجتماعی مانند نظام اجتماعی بلوچ‌ها و پشتون ها چنان انعطاف ناپذیر است که گروه های خارج از آن مشکل بتواند جایگاهی برای خود در درون این نظام قبایلی بازنماید. افراد و گروه‌های خارج از قبایل این دو قوم در هرحال، یک گروه اجنبی نزد این قبایل تصور شده، هیچ گاه نمی توانند اعتماد لازم را برای خود کسب کنند و در روابط اجتماعی، این ملاحظات گاهی بسیار جدّی است.

اما از جمله موانع سیاسی، می‌توان به سیاست‌های دولت و احزاب سیاسی

##PAGE=۳۴۷##

اشاره کرد که به‌شدت، به مسائل قومی، زبانی و فرهنگی دامن می زنند؛ مثلا، احزاب قومگرا، که در هر چهار ایالت وجود دارند، احساسات قومی را تحریک می‌کنند، و این در حالی است که دولت فدرال نیز برای تحت کنترل درآوردن مخالفان خود، دست‌کم گاهی از تحریک مسائل قومی حمایت کرده، به تنش میان قومیت ها دامن می‌زند.

در کنار عوامل نام برده، عوامل دیگری نیز وجود دارد که گاهی مانع تقویت روابط گروه ها و افراد با یکدیگر می شود و در این عرصه، عامل اقتصادی و رقابت بر سر کسب موقعیت های شغلی و اجتماعی در جامعه ای که نرخ بیکاری در آن بالاست، می‌تواند گاهی بحران‌ساز تلقّی شود.

##PAGE=۳۴۹##

فصل ششم فرهنگ

##PAGE=۳۵۱##

درآمد

«فرهنگ» در جوامع امروزی، پدیده و محصول صددرصد بومی و ملّی هر جامعه ای به‌شمار نمی‌آید. گسترش ارتباطات میان افراد و جوامع و نیز تبادل سریع داده های فرهنگی و فکری در میان آنها، سبب گردیده است تا فرهنگ ها بسیار زودتر و پیچیده تر از آنچه در قرون گذشته تصور می شد، دست‌خوش دگرگونی گردد . پاکستان این تنوّع و دگرگونی فرهنگی را از قرن ها قبل در خود تجربه کرده است . آنچه امروز به‌عنوان «فرهنگ پاکستانی» نامیده می‌شود؛ ترکیبی از عناصر چهار فرهنگ متفاوت است:

۱. فرهنگ باستانی هندو که پیش از ورود اسلام به شبه‌قاره، فرهنگ و آیین رسمی این سرزمین به‌شمار می‌آمد و پس از آن نیز حضور خود را در بخش اعظم شبه‌قاره تا حدّی حفظ نموده است.

۲. فرهنگ سنّتی قبایلی و فئودالی که بعضا قدمتی به‌درازای تاریخ اولین گروه‌های مهاجر آریایی و ایرانی به‌این سرزمین دارد و تا امروز ارزش‌های خود را حفظ کرده است.

۳. فرهنگ اسلامی که عمدتا از قرن چهارم ه. با غلبه غزنویان بر هند آغاز

##PAGE=۳۵۲##

شد و به‌تدریج، بخش اعظم شبه‌قاره را فراگرفت.

۴. فرهنگ غربی که از زمان ورود استعمار اروپایی‌ها، به‌ویژه انگلیسی‌ها، در قرن ۱۷ و ۱۸ م به‌این منطقه رخنه نموده و با تثبیت استعمار انگلستان در قرن ۱۸ م و تداوم آن تا نیمه اول قرن ۲۰ م در همه عرصه‌ها گسترش پیدا کرده است.

اکنون باتوجه به‌همین عناصر و بنیان‌های اولیه فرهنگی در این کشور، باید «فرهنگ» پاکستان را مورد بررسی قرار داد . بررسی تحوّلات تاریخی فرهنگ و نیز ترکیب و دسته بندی گونه های آن در جامعه پاکستان، هدف اصلی این نوشتار نیست، بلکه این نوشتار درصدد است تا آنچه را در مجموع، جزو فرهنگ رسمی کنونی این کشور تلقّی می شود و همه اقشار و گروه های مذهبی و فکری- که به‌طور طبیعی شیعیان را نیز دربر خواهد گرفت- از آن متأثر است، به طور مشخص توصیف و تحلیل نماید.

در این فصل، جلوه‌ها و نمودهای فرهنگی شیعیان و نیز زبان و ادبیات آنها بررسی می شود و در بررسی آنها، با فرهنگ شیعیان، که تصویری از فرهنگ کل کشور است، آشنا می‌شویم:

آداب و رسوم

«آداب و رسوم» بخش مهمی از فرهنگ یک ملت را تشکیل می‌دهد؛ زیرا آداب و رسوم تصویر و تفسیر عملی از افکار، عقاید، احساسات و آرزوهای مردم را به دست می دهد. آداب و رسوم دامنه گسترده ای دارد. هر بخشی از زندگی- اگر مورد ملاحظه قرار گیرد- دارای آداب و رسوم بخصوصی است، اما در اینجا، صرفا به مهم ترین آنها به‌اختصار اشاره می‌شود:

##PAGE=۳۵۳##

۱. ازدواج

در زبان محلّی، به‌آن «شادی» گفته می‌شود و از نظر بهره‌مندی از آداب و رسوم و نیز تنوّع، در رتبه اول قرار دارد . این مراسم به‌خاطر شادمانه بودنش و همچنین تنها یک بار (اغلب) اتفاق افتادن آن برای هر فرد در طول زندگی و نیز بنیادی بودن آن در امر تشکیل خانواده، تولید نسل و قوام اجتماعی، مورد توجه ویژه جوامع و انسان ها قرار گرفته و سرشار از انواع مراسم و سرگرمی هاست. هرچند مناطق گوناگون پاکستان در برگزاری «شادی» از آداب و رسوم متفاوتی بهره می‌گیرند، اما باوجود این، مشترکات زیادی نیز با همدیگر دارند که مجموع آنها فرهنگ و رسوم این مردم را در این زمینه تشکیل می‌دهد.

در مناطق روستایی پنجاب، اولین رابطه میان خانواده پسر و دختر ا ز طریق زن های فامیل پسر انجام می گیرد.[۸۴۳] «منگنی»[۸۴۴] (خواستگاری) اولین مراسم رسمی برای پیوند نامزدی محسوب می شود. تعدادی از خانم های وابسته به خانواده پسر برای حلقه یا انگشتر انداختن به انگشت دختر، با یک دست لباس به منزل خانواده دختر می روند و به‌این رسم، «سگن»[۸۴۵] گفته می‌شود. خانواده دختر نیز با تقدیم هدایایی مانند لباس یا «دوپته» (روسری) از مهمانان پذیرایی می‌کنند.[۸۴۶] برنامه‌های دیگر (غیر از بردن عیدی برای عروس که معمولا در عید فطر و قربان انجام می گیرد) قریب یک ماه قبل از عروسی آغاز می‌شود.

در پنجاب، این مراسم بسیار مفصّل و پرهزینه برگزار می گردد. قریب یک ماه یا سه هفته پیش از عروسی، مراسمی به‌نام «گالا» برگزار می‌شود که در آن، بستگان و اهل روستا همراه هدایایی مانند گندم و حبوبات دیگر، در خانه داماد و

##PAGE=۳۵۴##

عروس جمع می‌شوند و از طرف خانواده داماد و عروس «قند» (گر) میان آنها تقسیم می‌شود.[۸۴۷] رسم «گالا» در واقع، سرآغاز راه‌اندازی برنامه‌های عروسی محسوب می شود. قریب یک هفته پیش از عروسی، مراسم «ورو سنبها» در خانه داماد و عروس برگزار می‌شود. در این مراسم، گوشت و برنج پخته میان اهالی روستا تقسیم می‌شود.

دو سه روز یا یک هفته پیش از عروسی، برنامه «مائیان» اجرا می‌شود؛ یعنی عروس و داماد را روی صندلی می نشانند، و دستانشان را حنا می بندند و دوستان عروس و داماد هرکدام جداگانه در خانه های عروس و داماد در مراسم شرکت کرده، هدایایی برای عروس و داماد می آورند. در بسیاری جاه ا، این رسم بیشتر در مورد عروس اجرا می شود و در این روز، لباس نو به تن عروس می پوشانند و او را در جای خلوتی قرار می دهند و تا روز عروسی از کار و رفت وآمد

---

[۸۴۳] (1). شاهد حسین رزّاقی، پاکستانی مسلمانون کی رسوم و رواج، ص61.

[۸۴۴] (2). ingnaM.

[۸۴۵] (3). nagaS.

[۸۴۶] (4). همان.

[۸۴۷] (1). همان، ص76- 77.

بازمی‌دارند.[۸۴۸] همچنین رسم های دیگری مانند اطعام مهمانان خانواده داماد از طرف بستگان او (برادری) و دعوت مفصّل مهمانان و بستگان پیش از حرکت به طرف خانه عروس از طرف خانواده داماد (میل) نیز وجود دارد.

یکی دیگر از برنامه‌های پیش از عروسی «سهرابستن» است، و آن عبارت است از آنکه بستگان عروس و داماد هرکدام جداگانه به خانه عروس و داماد رفته، عمامه ای از گل های طبیعی و تازه با روپوشی از گل، که صورت ها را بپوشاند، برای عروس و داماد درست می کنند و چهره های عروس و داماد را با پرده ای از گل می پوشانند. یکی از سنّت‌های این مردم، دادن هدیه و کمک به‌صورت نقد و یا جنس به‌خانواده یا شخص عروس و داماد است که به‌آنها «سلامی» و «ورنج بهانجی»[۸۴۹] گفته می‌شود.

##PAGE=۳۵۵##

عقد تقریبا در تمام پاکستان در روز عروسی خوانده می شود. احتمالا تنها در کویته، این مراسم در روز «شیرینی‌خوری» انجام می‌گیرد. رفت‌وآمد داماد در دوران نامزدی به خانه پدرزن بسیار کم است و در صورت رفتن نیز داماد حق دیدار و صحبت با نامزد خود را ندارد.[۸۵۰] برنامه اصلی عروسی هرچند با رفتن مهمانان (براتی‌ها) خانواده داماد به‌خانه عروس و آوردن عروس به‌منزل داماد به پایان می‌رسد، اما برخی دعوت‌های دیگر آن تا چندین روز ادامه می‌یابد.

«ولیمه» یکی از برنامه‌های مهم پس از آوردن عروس است که از طرف خانواده داماد ترتیب داده می شود. پذیرایی‌هایی که در خانواده عروس و داماد در طول این ایّام صورت می‌پذیرد، هزینه‌هایش به‌عهده خود آنهاست.

در شهرهای پنجاب، برنامه های ازدواج و عروسی ساده تر برگزار می شود و در آنجا، داماد و عروس در ارتباطات و صحبت با یکدیگر از آزادی لازم برخوردارند، اما این ارتباطات هیچ گاه به‌اندازه‌ای نیست که در ایران مرسوم است . همچنین برای پسر و دختر حق انتخاب وجود دارد.

«جهاز» از دیگر چیزهایی است که در پنجاب بسیار رایج است و مقدار آن در شهرها بیشتر و سنگین تر از روستاهاست. در برخی جاهای پنجاب، حیثیت عروس در گرو مقدار جهاز اوست و این امر بار مالی سنگینی را بر خانواده های دختر تحمیل می‌کند.

در سند، معمولا اولین تماس میان خانواده داماد و عروس از طریق سردار قبیله (به‌ویژه در میان بلوچ های سند) برقرار می‌شود و او مسئله خواستگاری (منگنی) را مطرح می کند، سپس زنان سال خورده دو طرف باهم می نشینند و درباره جزئیات کار باهم صحبت می‌کنند.[۸۵۱] در مجموع، مراسم خواستگاری در

##PAGE=۳۵۶##

---

[۸۴۸] (2). همان، ص78، 112، 137.

[۸۴۹] (3)..ijnahB natroW

[۸۵۰] (1). مصاحبه با افراد محلّی.

[۸۵۱] (2). شاهد حسین رزاقی، پاکستانی مسلمانون کی رسوم و رواج، ص104.

سند، سه مرحله را طی می‌کند:

۱. رفتن زنان از طرف خانواده پسر برای خواستگاری به‌خانه دختر؛

۲. رفتن بستگان پسر به‌خانه پدر دختر و پذیرایی از مهمانان با «شربت شیر» که به‌این مراسم، «کهیر پلانا»[۸۵۲] می‌گویند؛

۳. مراسم خواستگاری و شیرینی‌خوری (منگنی) که در آن زنان متعلّق به خانواده پسر با تحفه و هدایایی به خانه عروس می‌روند و ضمن دادن تحفه به عروس، انگشتری به‌دستش می‌کنند.[۸۵۳]

برای تعیین تاریخ مراسم عروسی، افرادی از سوی خانواده داماد به خانه پدر عروس می‌روند و تاریخ را مشخص می‌کنند و پس از تمام شدن صحبت ها، مبلغ ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ روپیه به‌پدر عروس پیشکش می کنند. یک هفته پیش از عروسی، رسم «گانو» اجرا می‌شود و آن همان رسم «مائیان» نزد پنجابی‌هاست. بستگان و اهل روستای عروس و داماد به خانه عروس و داماد می روند، نخی بر ساعد دست چپ داماد می بندند و در برخی جاها، چاقویی به منظور رفع اجنّه به دست داماد می‌دهند. خانم‌ها هم به منزل عروس می روند و نقابی که در زبان محلّی «آکیو» نامیده می‌شود، بر چهره عروس می‌آویزند که غیراز دو چشم تمام صورت او را می‌پوشاند و از این لحظه به‌بعد، عروس یکسره در داخل منزل می‌نشیند و از کار و خروج از منزل اجتناب می ورزد و از غذای خوب و خوش طعم استفاده می‌کند.[۸۵۴] رسم حنابندان- همان‌گونه که در پنجاب وجود دارد- در سند و سایر مناطق پاکستان نیز وجود دارد.

در سند، رسم «نک توپن»[۸۵۵] یعنی سوراخ کردن بینی عروس نیز بسیار جدّی

##PAGE=۳۵۷##

گرفته می‌شود. این کار را برای استفاده از گل بینی (کیل و بلاق)، که وسیله تزیینی مخصوص بینی است، انجام می دهند. «نک توپن» به‌معنای شوهردار بودن تلقّی می‌شود و یک خانم سندی تنها در صورت مرگ شوهر و یا والدین حق دارد «گل بینی» را کنار بگذارد.[۸۵۶] دادن جهزیه به عروس، لباس نو پوشاندن به عروس و داماد در روز عروسی (بارات)، و اهدای کمک‌های نقدی به‌مقدار دست کم ۱۰۰ روپیه به داماد از طرف مهمانان و بستگان، از جمله رسوم دیگری است که در سند دیده می‌شود. در برخی جاهای سند، مانند اطراف حیدرآباد، تهیه جهاز به‌عهده داماد است.

آداب و رسوم سندی ها در ازدواج، با بعضی رسوم ویژه این منطقه، از سایر مناطق متمایز می گردد: یکی خواستگاری و نامزدی در دوران کودکی است که به آن «امید» گفته می‌شود. این نامزدی چنان جدّی گرفته می‌شود که اگر پسر پیش از بلوغ بمیرد، دختری که به نام او نام‌گذاری شده «بیوه» خوانده می‌شود. دوم «تتّه باندهنا» است؛ یعنی معیّن کردن تاریخ

---

[۸۵۲] (1). analP reeK..

[۸۵۳] (2). همان، ص104-105.

[۸۵۴] (3). مصاحبه با افراد محلّی.

[۸۵۵] (4). napotcaN..

[۸۵۶] (1). شاهد حسین رزاقی، پاکستانی مسلمانون کی رسوم و رواج، ص105.

عروسی در روزهای پس از نامزدی که این تاریخ باید به گونه‌ای تعیین شود که دست کم سه یا چهار عید بین تاریخ نامزدی و عروسی فاصله بیفتد.[۸۵۷]

در سرحد، کرم ایجنسی و تیرا (اورکزئی ایجنسی)، ازدواج بیشتر میان افراد فامیل، قبیله و اهل روستا صورت می گیرد. عمو، دایی، خاله و برادر حق خود می‌دانند که برادرزاده و خواهرزاده را برای فرزند خود خواستگاری نمایند.

خواستگاری در اصطلاح محلی، «گرمات»[۸۵۸] گفته می‌شود. برای خواستگاری، پدر پسر همراه چند نفر معزّز به خانه پدر دختر می‌روند و مسئله را با او مطرح

##PAGE=۳۵۸##

می‌کنند. پس از توافق در اصل موضوع، جزئیات آن مانند «ولور» (شیربها)، جهاز و مصارفی که برعهده پدر پسر می‌آید، به‌شور گذاشته می‌شود. پدر دختر دست کم بین ۸۰ تا ۱۲۰ هزار روپیه شیربها تعیین می‌کند.

جهاز در کرم ایجنسی چندان رسم نیست. خانواده عروس تنها مقداری اسباب و لوازم شخصی برای عروس فراهم می‌کند و باقی جهاز به عهده خانواده داماد است . همچنین طلا و زیورآلات و مصارف عروسی نیز به عهده داماد است . پس از خواستگاری، بستگان زن خانواده پسر برای عروس لباس می برند که به آن «خوگه» گفته می‌شود. در وقت عروسی، دو بار پذیرایی با غذا رسم است : یک بار در شب عروسی در منزل پدر عروس که هزینه آن را قبلا از خانواده داماد می‌گیرند. دوم فردای آن شب که روز عروسی باشد، در منزل داماد پذیرایی به عمل می آید. شب سوم خانواده و بستگان نزدیک عروس به تعداد ۱۰ تا ۱۲ نفر مرد و به همین تعداد هم زن همراه با غذای آماده برای سرزدن به عروس و داماد، به‌خانه داماد می‌روند و این رسم را «تره» می‌گویند.

در دوران نامزدی، پسر زمانی به خانه پدرزن خود می‌رود که «عید» فرا رسیده باشد. در روز عید، داماد با دوستان خود، برای اولین‌بار پا به‌خانه نامزد خود می گذارد و این را «خپا آزادی» (پای‌وازی) می‌گویند. اما تازه داماد هرگز حق شب ماندن و دیدار و صحبت با نامزد خود را ندارد.

در بلوچستان نیز تقریبا همین رسم سرحد حاکم است . مردان و بزرگان خانواده و قبیله از جمله سردار در ترتیب دادن خویشی و دوستی نقش اصلی به عهده دارند. در بسیاری موارد، رضایت و رأی سردار لازم شمرده می شود. وقتی سردار به دوستی راضی نباشد، پدر دختر نمی تواند برخلاف آن عمل کند . سردار معمولا در مسئله خواستگاری، بستگان را بر غیربستگان ترجیح می‌دهد و از این‌رو، اگر دختر خواسته باشد به‌جای پسرعمو و پسرخاله با پسری از خانواده

##PAGE=۳۵۹##

دیگر ازدواج کند، در صورت وجود خواستگار در خانواده خود دختر، هرگز به دختر حق ازدواج با دیگری داده نمی‌شود.[۸۵۹]

---

[۸۵۷] (2). همان.

[۸۵۸] (3). tamroG.

بلوچ‌ها به خواستگاری «کوکرر» می‌گویند. از سنّت‌های مهم بلوچ ها، گرفتن شیربها (ولور) از داماد است . شیربها یا «ولور» براساس سن، زیبایی، شرافت خانوادگی و سایر کمالات دختر تفاوت می کند. این ویژگی‌ها چنان مؤثرند که به نظر می‌رسد شیربها حالت قیمت پرداختن پیدا می کند. به همین دلیل، ازدواج خرج زیادی روی دست داماد می گذارد و خانواده داماد برای تأمین این هزینه ها، اقدام به جمع آوری اعانه از بستگان و دوستان می کنند که آن را در زبان محلّی، «بجار» می‌گویند.

در کویته مرکز بلوچستان، آداب و رسوم دیگری وجود دارد . معمولا برای پیدا کردن دختر مناسب، زن ها تلاش بیشتری به‌خرج می دهند، اما برای خواستگاری، مردان تنها و یا مردان و زنان باهم نزد خانواده دختر می روند. پس از شنیدن جواب مثبت از طرف خانواده دختر، صحبت های اصلی روی طلا و زیورآلات، چگونگی مراسم شیرینی خوری و عروسی، لباس عروس و لباس های هدیه ای، که به آن «خلعتی» گفته می شود، و همچنین شیربها، که به آن «گله» می‌گویند، دور می‌زند. تمامی این مخارج به‌عهده خانواده پسر است. رسم «گله» (شیربها) به تدریج در حال از بین رفتن است، اما رسم «سراجاقی» (سر دیدگو) در میان هزاره‌ها کاملا پابرجاست. خانواده داماد به‌اختیار و رغبت خود، مبلغی را به‌عنوان «سراجاقی»[۸۶۰] به پدر دختر پیشکش می نماید. این مبلغ معمولا بین ۲۰ تا ۵۰ هزار روپیه است . خانواده دختر جهاز مفصّلی برای دختر خود تهیه می‌کند. مخارج

##PAGE=۳۶۰##

دیگر مانند طلا، شیرینی خوری، عروسی و لباس عروس برعهده داماد است.

از خواستگاری تا عروسی، مراسم متعددی برگزار می شود؛ مانند «قندشکنی» که یک مراسم محدود برای رسمی کردن پیوند است. سپس «شیرینی‌خوری» است که وسیع تر برگزار می‌شود و در آن با شیرینی و شیرچای از مهمانان پذیرایی می‌گردد. یک شب پیش از عروسی، مراسم «تخت خینه » یا حنابندان برگزار می گردد و سپس در شب دوم، مراسم عروسی برگزار می شود. عقد شرعی معمولا در روز «شیرینی‌خوری» خوانده می شود و گاهی تا نزدیک عروسی به تعویق انداخته می‌شود. در دوران نامزدی، رفت‌وآمد داماد به‌خانه پدرزن آزاد است و پسر و دختر می توانند باهم دیدار و صحبت داشته باشند؛ اما شب ماندن پسر در خانه پدرزن (خسر) خلاف ادب و عرف تلقّی می شود؛ همچنان‌که بیرون رفتن دختر در دوران نامزدی با نامزد خود، زشت و خلاف حیا تصور می‌شود.[۸۶۱]

مراسم ازدواج در مناطق شمالی بسیار آسان و کم‌تکلّف برگزار می‌شود. این مراسم مجموعا چهار روز طول می‌کشد. روز اول مراسم ابتدایی (کهور هرکق)، روز دوم حنابندان (سیر موسنگ)، روز سوم زفاف (بخستون) و روز چهارم اختتامیه (گرون زن) است.[۸۶۲] در روز اول (کهور هرکق)، اهل محل جمع می شوند و برای عروسی بر نامه‌ریزی می‌کنند. (مراسم خواستگاری بسیار ساده برگزاری می شود و بستگان آن را انجام می دهند.) در این روز، زن های روستا نان مخصوصی

---

[۸۵۹] (1). در این‌باره، نگارنده داستان یکی از جوانان تحصیل‌کرده بلوچ را از زبان خودش شنید که او را با مشکل و فشار روانی زیادی مواجه کرده بود

[۸۶۰] (2).« اجاق» نام محل و وسیله‌ای است که روی آن غذا می‌پزند، و در فرهنگ هزاره‌ها، از نوعی احترام و اعتبار نمادین برخوردار است.

[۸۶۱] (1). در این‌باره، ر. ك. کوثر علی کوثر، تاریخ و ثقافت هزاره، ص126-128.

[۸۶۲] (2). محمّد یوسف حسین‌آبادی، تاریخ بلتستان، ص347.

به‌نام «کولچه»[۸۶۳] می‌پزند. در روز دوم (شب حنابندان)، لباس و «کولچه» ها را به‌خانه عروس می‌برند و دایی عروس آن را باز و میان افراد تقسیم می‌کند. همچنین در این شب، دست های عروس و داماد را در خانه هایشان حنا می بندند و اطرافیان به

##PAGE=۳۶۱##

شادمانی می پردازند. چند نفری از نزدیکان عروس هم به خانه داماد می روند و روغنی را که فردای آن در غذا به کار می‌رود، آب می‌کنند.[۸۶۴] این رسم را «ماربجوس» می‌گویند. در روز سوم، که روز عروسی است، تمام مهمانان دو طرف همراه داماد در خانه عروس جمع می شوند و داماد را در کاروانی از ماشین ها در روستاهای اطراف گردش می دهند. عصر و یا شب آن روز عروس را به خانه بخت می برند. رسم چنین است که «باراتی‌ها» یعنی مهمانا ن و همراهان، از طرف عروس به‌خانه داماد می‌روند و اینها قصیده‌ای را نیز باهم همخوانی می‌کنند.

جهاز در میان بلتی‌ها رسم نیست، اما خانواده دختر تحفه هایی به‌صورت نقد یا جنس به داماد تقدیم می‌کند. در شب دوم عروسی، بستگان نزدیک عروس را به خانه داماد دعوت می کنند و تحفه هایی به‌آنان تقدیم می‌نمایند. برنامه عروسی در همین‌جا به‌پایان می‌رسد، اما دعوت‌های عروس و داماد تا روزها محیط را گرم نگه می‌دارد.[۸۶۵]

در پاکستان، معمولا انتخاب همسر برای پسر و دختر از طرف والدین صورت می گیرد و فرزندان به این انتخاب بزرگان احترام می‌گذارند و به‌آن رضایت می‌دهند. اما در شهرها، انتخاب بیشتر با خود پسر و دختر است . به همین دلیل، جوانان تحصیل‌کرده و یا کارمند می توانند همسر آینده خود را از میان هم‌کلاسی‌ها و همکاران خود در دانشگاه یا در محیط کار انتخاب کنند و این امر در برخی شهرها مانند کر اچی و لاهور از آزادی بیشتری برخوردار است . اما در عین‌حال، حیا، عفّت، متانت و حرف پذیری از بزرگان در میان همه اقشار، حتی روشن فکران و تحصیل‌کردگان متأثر از فرهنگ غربی، یک ارزش تلقّی می‌شود.

از دیگر رسم‌های رایج در ازدواج، دختر دادن در برابر دختر گرفتن است. این

##PAGE=۳۶۲##

رسم، که به‌آن «وتوستا»[۸۶۶] گفته می‌شود، تقریبا در همه جاها وجود دارد، اما در بلوچستان و سند بیش از سایر جاها دیده می‌شود. براساس رسم «وتوستا»، صاحب دختر به این شرط دخترش را به خواستگار می دهد که او نیز دختر یا خواهر خود را به‌طرف مقابل بدهد. در برخی جاها، رسم «مبادله» به خاطر سنگین بودن مخارج ازدواج، به‌ویژه شیربها («ولور» یا «دینا») صورت می‌گیرد و در برخی موارد، به‌خاطر علاقه دو طرف به‌دوستی متقابل و گاهی نیز به‌عنوان یک امتیاز برای جلب رضایت خانواده دختر مورد علاقه، انجام می گیرد. به هر حال، چنین ازدواجی هرچند از لحاظ هزینه،

---

[۸۶۳] (3).. ahceloC

[۸۶۴] (1). منظور از« آب کردن روغن»، تبدیل کره حیوانی به روغن زرد است.

[۸۶۵] (2). محمّد یوسف حسین‌آبادی، تاریخ بلتستان، ص347- 349.

[۸۶۶] (1).. atsotaW

بسیار باصرفه است، اما بعضا پیامدهای خانوادگی و اجتماعی ناگواری به همراه دارد و ضمن اینکه زن از هر نوع حق انتخاب محروم می‌گردد، اختلاف و ناسازگاری بین یک طرف به اختلاف میان طرف (خانواده) دیگر نیز کشیده می‌شود.

۲. مرگ

مراسم مربوط به مرگ تقریبا در همه پاکستان، ی کسان و یا نزدیک به هم برگزار می شود؛ زیرا این مراسم مبتنی بر دستورات مذهبی است . پس از فوت میّت و انجام مراسم دینی تغسیل، تکفین، تدفین و تلقین، مراسم «فاتحه» شروع می‌شود.

دست‌کم سه روز فاتحه در همه مناطق برگزار می شود. در روز سوم، در پنجاب و سند، مراسم «قل‌خوانی» برگزار می‌گردد و در آن قرآن به صورت تک‌خوانی قرائت و سپس «روضه» خوانده می‌شود. برگزاری مراسم هفتم، چهلم و سالگرد نیز مرسوم است . در سند، وقتی فردی به رحمت حق نایل شود، نزدیکان او سر و پا را برهنه کرده، شیون کنان به‌طرف خانه صاحب مصیبت می‌آیند. صاحب

##PAGE=۳۶۳##

مصیبت تا سه روز تخت‌خواب‌ها (چارپایی) را وارونه کرده و خود روی زمین می خوابد.[۸۶۷] در بعضی مناطق بلوچستان، صاحب مصیبت خانه را ترک کرده، آتش در منزل روشن نمی کند و چیزی نمی پزد و در این مدت، غذای آنها از طرف بستگان و اهل محل به‌نوبت تهیه می‌شود و پس از سه روز، صاحب مصیبت را غسل داده، به خانه‌اش برمی‌گردانند.[۸۶۸]

در سرحد، در مرگ بستگان، «نوحه‌سرایی» (ماتم اوربین) رسم است. تعدادی از خانم‌ها در دو گروه چند نفری به نوبت، گرد جنازه حلقه زده، یک صدا و یک آهنگ به‌صورت بلند، گریه و شیون سرمی‌دهند و به سروصورت می‌زنند.

صدای گریه اینها به قدری بلند است که تا فاصله دور نیز شنیده می شود. نذر و خیرات برای مردگان در تمام مناطق پاکستان رایج است، اما در سرحد، خیرات مخصوصی نیز مرسوم است که از تعهد مرد در سهیم کردن همسرش به ثواب انفاق اموالش در قبال بخشیدن «مهریه» از طرف زوجه، ناشی می‌شود. براساس این تعهد، مرد (شوهر) غیر از خیراتی که در ایام فاتحه نثار می‌کند، خیرات مخصوص دیگری نیز به‌نام زوجه خود می‌دهد تا حق زوجه را از اموال خانه ادا نموده باشد.

در سند، دو نوع نذر برای میّت رواج دارد : یکی «نذر عام» که از هر غذا یا چیز دیگری داده می‌شود. دوم «نذر خاص» که تنها از غذای مورد علاقه میّت و یا از لباس او داده می‌شود. در کویته، رسم «قل‌خوانی» به شیوه پنجاب و سند وجود ندارد، اما در دوران سه روز فاتحه، قرآن نیز خوانده می‌شود و در شب سوم، برنامه مخصوص قرآن‌خوانی برگزار می‌شود و هر فرد یک جزء قرآن

##PAGE=۳۶۴##

---

[۸۶۷] (1). گفت‌وگو با افراد محلّی در سند.

[۸۶۸] (2). شاهد حسین رزّاقی، پاکستانی مسلمانون کی رسوم و رواج، ص188.

می‌خواند و سپس شام صرف می کنند. در طول ایّام فاتحه، ظهر و شب برای بستگان، خدمت کاران و اهل محلّه نذر و خیرات تدارک دیده می‌شود. هفتم و چهلم نیز تا حدّی مرسوم است، اما این امر بیشتر به استطاعت مالی صاحب مصیبت بستگی دارد.

دو رسم دیگر نیز می‌توان در میان هزاره‌های کویته دید: یکی پرداخت کمک از صندوق «چنده» به صاحب مصیبت؛ دوم دعوت کردن خانواده صاحب مصیبت از سوی بستگان و دوستان پس از پایان مراسم فاتحه که به آن «روی‌شویی» گفته می‌شود. اگر بستگان و نزدیکان، خانواده صاحب مصیبت را «روی‌شویی» نکنند، ممکن است این امر نوعی بی‌احترامی و کم‌توجهی نسبت به صاحب مصیبت تلقّی شود و سبب دل خوری او گردد. از این‌رو، صاحب مصیبت معمولا از رفتن به خانه‌های کسانی که انتظار دعوت شدن (روی‌شویی) از طرف آنها را دارند تا انجام روی‌شویی، خودداری می‌کنند.

۳. آداب معاشرت

روابط افراد و خانواده‌ها در محدوده خانواده، قوم، قبیله، خانوار و روستا، بسیار گرم و صمیمی است . دو عامل بر گرمی و استحکام این روابط بیش از پیش افزوده است : یکی ساختار اجتماعی که براساس قبیله شکل گرفته؛ دوم فرهنگ مذهبی که بر گرمی روابط در میان افـراد تأکید می کند. پاکستانی‌ها، به‌ویژه در مناطق روستایی، که بیشتر جمعیت کشور در همین مناطق متمرکز شده و فرهنگ اصلی کشور نیز در همین جا محفوظ مانده است، نسبت به همدیگر با همدردی، عطوفت و ترحّم زیاد رفتار می کنند. هرگاه فردی در داخل روستا و محلّه، بیمار شود مردم روستا و محلّه به عیادت او می‌روند و هرکدام به‌نحوی به دل‌داری او می‌پردازند

##PAGE=۳۶۵##

و راه های مداوا را به او توصیه می کنند. در بیشتر مناطق، به ویژه پنجاب، عیادت کنندگان دست خالی به خانه مریض نمی‌روند.[۸۶۹]

بزرگ‌سالان و سال‌خوردگان از احترام خاصی در ج امعه برخوردارند . معمولا جوان‌ترها، به‌ویژه نوجوانان، از بلند حرف زدن، سیگار کشیدن و دراز کردن پا در حضور بزرگان خودداری می کنند. بزرگان و سال‌خوردگان را در صدر مجلس و یا در جای مناسب تر از خود می نشانند[۸۷۰] و در مشورت، نظرات آنها را بر نظرات خود ترجیح می دهند. اما در سطح شهرها، این آداب و رسوم به تدریج، رنگ باخته، جوانان دوست دارند آزادانه و مطابق میل خود رفتار کنند . در درون خانواده، پدربزرگ و مادربزرگ بیش از همه مورد تکریم و احترام قرار می‌گیرند.

هنگامی که غذا بر سر سفره آورده می شود آن را در برابر مادربزرگ م ی‌گذارند و او آن را در میان افراد خانواده تقسیم می‌کند. پس از پدر، فرزند بزرگ خانواده از منزلت بیشتری برخوردار است.

در پنجاب، رسم است که در روز سوم فوت پدر، پسر بزرگ را عمامه گذاری کرده، بدین صورت، مقام ریاست او را در منزل تثبیت می‌کنند و شخصیت او را در جا معه رسمیت و اعتبار می بخشند. با آنکه در درون خانه، اختلاف مادربزرگ

---

[۸۶۹] (1). انجم رحمانی، پنجاب؛ تمدّنی و معاشرتی جایزه، ص262-263.

[۸۷۰] (2). عارفه فرید، پاکستانی کلچرکی روایات، ص21.

با عروس یک امر طبیعی است، اما عروس ها ناگزیرند علی رغم میل باطنی خود، احترام مادرشوهر را حفظ کرده، از دستورات او اطاعت کنند . شکایت از مادر شوهر نزد شوهر و یا طرح مسئله جدا شدن از خانواده پد ر و مادر شوهر، نوعی بداخلاقی، کم‌صبری و ضعف اخلاق عروس تلقّی می‌شود. اما در شهرها، رسوم غربی از جمله تشکیل خانواده‌های هسته‌ای و بریدن از مادر و پدرها رو به

##PAGE=۳۶۶##

افزایش است.

مهمان‌نوازی یکی دیگر از ویژگی های مردم پاکستان است. مردم مهمان را دوست خد ا دانسته، از خدمت به او خودداری نمی‌کنند. در سند و بلوچستان، مهمان خانه‌هایی از طرف ودیره ها و متموّلان محل ساخته شده است که تمام اهل محل می‌توانند از آن برای پذیرایی مهمان خود استفاده کنند . برخی خانه‌ها مهمان‌خانه‌های مستقل دارند. مهمان‌خانه‌ها معمولا جدای از بخش مسکونی ساختمان و یا در یک زاویه آن، که در آن رو به بیرون باز می گردد، ساخته می شود. خانواده‌های غیرشهری و نیز مذهبی از تماس زنان خانواده شان با بیگانه به شدت جلوگیری می کنند. پذیرایی از مهمان، کوتاهی نکردن در خدمت به او و راضی نگه داشتن مهمان یک امر لازم تصور می‌شود و کم‌توجهی به‌مهمان را برای خود عیب و ننگ می‌دانند. پشتون‌های سرحد و قبایل آزاد بیش از جاهای دیگر نسبت به‌این امر اهتمام نشان می‌دهند.

ساده‌زیستی و کم‌تکلّفی از ویژگی‌های بارز پاکستانی‌هاست. این امر در مهمان‌نوازی‌ها نیز به‌چشم می‌خورد. پاکستانی‌ها با آنکه سعی می‌کنند با غذاهای خوب و عالی از مهمان پذیرایی کنند، اما اگر نتوانستند، آن را خلاف مروّت نمی دانند و سفره ساده خود را در هرحال، از مهمان دریغ نمی کنند. «تعارف» در میان پنجابی ها و سندی ها بسیار کم وجود دارد؛ چیزی را که میزبان یا مهمان در خصوص پذیرایی نیاز داشته و در توانشان باشد، صریح و شفّاف مطرح می‌کنند.

باتوجه به‌حسّاسیت مردم به خانواده و اهتمام ورزیدن به مسئله تفکیک مرد از زن، معمولا در صورت فراهم بودن مکانی در خارج از خانه برای مهمان، مانند مهمان خانه محل و روستا یا مسجد و یا فض‌ای باز مناسب در فصل غیرسرما، از بردن مهمان به داخل ساختمان مسکونی خودداری می‌کنند و از مهمان در

##PAGE=۳۶۷##

محل‌های دیگر پذیرایی می کنند.[۸۷۱] البته شیوه زندگی تقریبا عاری از تجمّل و تشریفات مردم ساکن روستا نیز ممکن است میزبان را از بردن مهمان به درون منزل شخصی بی نیاز سازد. در بسیاری موارد، محیط و امکانات داخل اتاق در مناطق روستایی پنجاب و سند، به دلیل عدم استفاده از فرش و استفاده از «چارپایی» (نوعی تخت خواب که برای نشستن نیز استفاده می‌شود) و تخت، با فضای باز چندان تفاوتی ندارد. هرچند استفاده از فرش در بسیاری مناطق سند و تمام سرحد و بلوچستان رایج است، اما فرش داخل منزل سندی ها بسیار ساده است و بیشتر از «موکت»، که در وسط آن «جاجیم» های دست‌دوزی شده محلّی انداخته شده، استفاده می گردد. اما در سرحد، اتاق‌ها با موکت، گلیم و یا قالی فرش گردیده و مهمان خانه‌ها به تشک های ضخیم و پتوهای عالی ساخت داخل و خارج برای استراحت مهمان مجهّز

---

[۸۷۱] (1). نگارنده طی چند ماهی که در نقاط گوناگون پاکستان سفر کرده، کمتر توفیق راهیابی به‌درون خانه‌ها راه پیدا کرده است.

است؛ زیرا استفاده از «چارپایی» و صندلی در میان پشتون ها مرسوم نیست . پشتون‌ها و بلوچ ها نشستن روی فرش و تشک و تکیه بر بالشت و متکّا را بر صندلی و «چارپایی» ترجیح می‌دهند.

۴. لباس

لباس مردم پاکستان تقریبا در تمام مناطق کشور، یک شکل است . این لباس از شلوار و «قمیص» (پیراهن) تشکیل شده است. اما به‌تناسب فرهنگ‌های محلّی، در آن تفاوت و تنوّع نیز دیده می شود. در پنجاب، پیراهن «بازوباز» و «تهبند» لباس سنّتی به‌شمار می‌رود. در جنوب پنجاب، استفاده از «تهبند» (لنگ) در میان مردان و زنان بیشتر رایج است و گاهی تا ۱۰ متر پارچه را یک تهبند درست

##PAGE=۳۶۸##

می‌کنند.[۸۷۲] مردها «پکری» (دستار) نیز بی سر می بندند که رنگ آن معمولا سفید یا سیاه است . اما این لباس سنّتی در حال تغییر است و اکنون مردها بیشتر از پیراهن بند و شلوار استفاده می‌کنند. لباس زن‌ها از قمیص یا «کرته»[۸۷۳] (پیراهن) و شلوار و «دوپته» (روسری) تشکیل شده است.

در سند، نیز قمیص و شلوار برای مر دان، و قمیص و شلوار و دوپته برای خانم ها لباس اصلی به شمار می‌رود. استفاده از عرقچین و کلاه نیز در میان مردان سندی رایج است . در بلوچستان و سرحد، استفاده از عرقچین، عمامه- که به آن «لنگی»[۸۷۴] یا «پکری» می‌گویند- و «جلیقه»- که به آن «واسکت»[۸۷۵] گفته می شود- در کنا ر قمیص و شلوار، از محبوبیت برخوردار است . مردم قبایل پشتون و برخی اقشار بلوچ هنوز هم عمامه را نشان عزّت و احترام مرد تلقّی می‌کنند و پشتون‌ها آن را جزو سنّت‌های قدیمی خود می‌دانند.

در مناطق شمالی، علاوه بر شلوار و قمیص، کلاه پشمی گندمی رنگ و جلیقه جزو لباس رسمی مردان محسوب می شود. زنان بلتی از کلاه مخصوصی در زیر روسری و چادر استفاده می کنند که در حاشیه آن اشیای تزیینی (از جنس نقره و مانند آن) به‌ویژه «تومار»، «فوقبو» و «پاشه» به کار می برند.[۸۷۶] در زمستان ها، کت و بالاپوش و «چغه» جزء اصلی لباس مردم در گلگت و بلتستان است.[۸۷۷]

زنان مربوط به خانواده های مذهبی در بیرون از منزل، عمدتا از چادر بلند، که بعضا دارای نقاب نیز هست، استفاده می‌کنند. این نوع پوشش در سرحد، به ویژه مناطق قبایلی، مناطق شمالی و کویته استفاده بیشتری دارد . دانش‌آموزان جوان و

##PAGE=۳۶۹##

---

[۸۷۲] (1). انجم رحمانی، پنجاب؛ تمدّنی و معاشرتی جایزه، ص270.

[۸۷۳] (2).. atruK

[۸۷۴] (3).. ignoL

[۸۷۵] (4).. tacecoW

[۸۷۶] (5). محمّد یوسف حسین‌آبادی، تاریخ بلتستان، ص352.

[۸۷۷] (6). شیخ نوید اسلم، مناطق شمالی اور پاکستان، ص183.

دانشجویان دختر در این مناطق، عموما از چادر استفاده می‌کنند.

حجاب اسلامی در جامعه پاکستان یک ارزش تلقّی شده، خانواده های مذهبی و باوقار در هرحال، آن را محترم می‌شمارند، قاسم صافی می‌گوید:

بانوان پاکستان حسن حجاب دارند و آن را درک می‌کنند و در خیابان که راه می‌روند، اگر صدای اذان را بشنوند، پوشش خود را بیشتر حفظ می‌کنند.[۸۷۸]

براساس یک مطالعه آماری، که در بهار ۱۳۸۳ ش/ ۲۰۰۴ م در مورد ۱/۱۱۷ خانم در چهار شهر کراچی، ملتان، حیدرآباد و کویته انجام گرفت، وضعیت حجاب بسیار عالی نشان داده شده است . افراد مورد مطالعه به سه گروه دسته‌بندی شده بودند: گروهی که از «چادر» (بدون نقاب یا نقابدار) استفاده می‌کردند به‌عنوان با حجاب کامل؛ گروهی که از روسری (دوپته) استفاده می نمودند به عنوان باحجاب متوسط؛ و افرادی که سربرهنه بودند به عنوان بی حجاب دسته‌بندی گردیدند و نتایج ذیل از آن به‌دست آمد:

جدول (۲۷): وضعیت حجاب بانوان در چهار شهر پاکستان [تصویر]

##PAGE=۳۷۰##

براساس این آمار، شهر کراچی با ۸/ ۳۴ درصد بی‌حجاب، مقام نخست را در بی حجابی دارد، درحالی‌که کویته با ۵/ ۲ درصد بی حجاب، در آخرین ردیف چهار شهر بزرگ قرار گرفته است . شرایط پوشش و حجاب در تمام نقاط کراچی یکسان نیست؛ مثلا، در منطقه اعیان نشین «دیفنس» ۸۰ درصد خانم ها فاقد حجاب هستند، درحالی که در «رضویه سوسایتی» میزان بی‌حجابی تنها به ۹ درصد می‌رسد.[۸۷۹] شرایط این شهر دقیقا مانند شمال و جنوب تهران در ایران است.

در مناطق اصلی شیعه‌نشین شهر کویته مانند «علمدار رود» و «بروری»، حجاب به‌طور کامل رعایت می‌شود و بی‌حجابی به‌معنای سربرهنه بودن، هرگز در آنجا وجود ندارد و ۵/ ۲ درصد بی‌حجابی، که در این شهر نشان داده شده، بر اساس ارزیابی جمعیت کل شهر بوده و نمونه آماری از مرکز شهر انتخاب شده است.

در مورد لباس و پوشش، الگوی لباس غربی نیز در سطح شهرها، به ویژه شهرهای بزرگ، در حال افزایش است. پیراهن و شلوار غربی در برخی شهرهای بزرگ مانند کراچی و لاهور در میان جوانان پسر و مردان رونق زیادی پیدا کرده است. براساس یک ارزیابی، که در مورد ۲۶۲ مرد در دو نقطه کراچی انجام گرفت، ۵۵ درصد افراد دارای لباس محلّی و ۴۵ درصد دارای لباسی به‌سبک غربی (کت یا پیراهن و شلوار سبک غربی) بودند. این تنوّع در سطح کارمندان و مقامات اداری کشور نیز دیده می شود. مقامات عالی‌رتبه این کشور گاهی در لباس ملّی و گاهی در لباس کت و شلوار در انظار، محل کار و مسافرت‌های خارجی حضور پیدا می‌کنند.

##PAGE=۳۷۱##

---

[۸۷۸] (1). قاسم صافی، سفرنامه پاکستان، ص73.

[۸۷۹] (1). آمارگیری خود نویسنده در بهار1383 هـ. ش/2004 م.

۵. غذا

غذای عمومی و غالب مردم پاکستان «نان» است. «برنج» تنها برای عده اندکی غذای غالب به شمار می‌آید. نان در این کشور، با «خورشت» مصرف می‌شود.

انواع و اقسام خورشت در این کشور رایج است. از هر نوع سبزی و صیفی یک یا چند نوع خورشت درست می‌کنند. در میان انواع خورشت ها، خورشت‌های «دالی» برای طبقه پایین و متوسط، استفاده بیشتری دارد . انواع و اقسام گوناگون «دال» مانند دال نخود، دال عدس، دال ماش و مانند آن در این کشور زرع شده، در غذای روزمرّه مردم استفاده می شود. پس از «دال»، خورشت صیفی‌جات مانند کدو، بادنجان، سیب‌زمینی (آلو)، کلم (گوبهی)، بامیه (بهندی) نخودفرنگی (متر)، لوبیا، کریلا[۸۸۰] و مانند آن استفاده بیشتر دارد.

گوشت از جمله لذیذترین غذاهای مردم پاکستان است. آنها سلیقه‌های زیادی در پختن گوشت به‌خرج داده، چندین نوع خورشت مانند قورمه، «کراهی»[۸۸۱] و قیمه (خورشت گوشت چرخ کرده) و از آن چندین نوع کباب مانند سیخ کباب، شامی کباب، گول کباب، نرگسی کباب و مانند آن درست می‌کنند.

همچنین پاکستانی‌ها در پختن برنج نیز تنوّع زیادی ایجاد می کنند؛ مانند پخت «پلاؤ»[۸۸۲]، «کهچری» (که از برنج نیم‌دانه درست می‌شود)، زرده، و سفیده. اما یک نوع بسیار معروف و خوش‌طعم برنج «بریانی» است که در آن، گوشت با برنج، مخلوط پخته می‌شود. «بریانی» بیشتر در نذرها، عروسی‌ها و مراسم بزرگ تهیه می شود و از مرغوبیت زیادی نزد مردم برخوردار است.

نان نیز در این کشور از دانه‌های گوناگون مانند گندم، جو و ذرت تهیه می‌شود

##PAGE=۳۷۲##

و در اشکال متفاوت ارائه می گردد. یک نوع خوش‌مزه آن، که در غذای صبحانه به کار می‌رود، نان روغنی است که در زبان محلّی به‌آن «چپاتی» گفته می‌شود.

این نوع نان از غذاهای بومی مردم شبه‌قاره به‌شمار می‌آید.

در مورد غذا خوردن و تهیه آن، که نوعی فرهنگ بومی این کشور را تداعی می‌کند، دو مسئله دیگر نیز جالب‌توجه است: یکی استفاده فراوان مردم از ادویه جات در غذاها، به ویژه فلفل قرمز، به گونه‌ای که خوردن غذای این کشور برای اتباع کشورهای دیگر شاید غیرممکن باشد؛ دوم صرف کردن غذا با دست و عدم استفاده از قاشق، مگر در مورد برنج که این نوع غذا خوردن ریشه در فرهنگ اسلامی و شرقی دارد.

---

[۸۸۰] (1). یك قسم سبزی تلخ مزه که ظاهرش شبیه کدو است.

[۸۸۱] (2). یك نوع خورشت گوشت که با روغن، گوجه و ادویه بدون آب پخته می‌شود.

[۸۸۲] (3). برنج دم‌کشیده معمولی که در ایران و سایر کشورها نیز رایج است.

ارزش‌ها و ضد ارزش های فرهنگی: خانم دکتر عارفه فرید در کتاب حکایت های فرهنگ پاکستانی، بحثی تحت عنوان «معیار شرف و رسوایی در پاکستان» به‌میان آورده است که به نظر می‌رسد گردآوری خوبی از ارزش‌ها و ضدارزش‌های فرهنگی- اجتماعی در این کشور انجام داده است . این ارزش‌ها غالبا ریشه های دینی و مذهبی دارند . تأثیرات فرهنگ دینی (اسلام و هندو) در باورها، ارزش ها و آداب و رسوم مسلمانان پاکستان بسیار عمیق و گسترده است و نمونه های آن را در همه ابعاد می‌توان دید.

خانم عارفه فرید درباره رفتارهای نابهنجار چنین می‌نویسد:

در فرهنگ پاکستانی، رفتارهایی که سبب رسوایی و مذمّت دانسته می شود بعضا از این قرارند: فرار از خانه، عاق کردن، طلاق گرفتن، خودکشی کردن، مصادره شدن اموال، ربودن دختر، آمدن مأمور دم در منزل و کسی را به زندان بردن، جذام، پیسی یا مبتلا شدن به کدام مریضی روحی و جنسی، دیوانه شدن و غیره.[۸۸۳]

##PAGE=۳۷۳##

او از جمله عوامل شرف و افتخار را داشتن مشاغل نظامیگری، شاعری، و مهارت ها و تخصص‌های علمی مانند پزشکی، مهندسی، استادی و حرفه تجارت، صنعت، سرمایه‌داری، زمیندار بودن و هنرمند بودن نام می برد و در پایان، داشتن فرزند پسر را نیز از عوامل افتخار برمی‌شمرد.[۸۸۴]

خانواده در جامعه مسلمانان پاکستان اهمیت ویژه ای دارد و بسیاری ارزش ها و ضدارزش ها از تصور مردم نسبت به جایگاه خانواده در اجتماع نشأت می‌گیرد.

در اینجا، خانواده سالاری یا برتری خانواده نسبت به دیگر نهادهای اجتماعی و مشاغل و مناصب آن کاملا برجسته است. بنابراین، ارزش‌هایی که در جهت حفظ و استحکام خانواده با معیارهای مذهبی و یا سنّتی مناسب تلقّی می شود، از اهمیت برخوردار است. دکتر انجم رحمانی ارزش‌های حاکم بر خانواده را چنین برشمرده است: حاکمیت مرد بر خانواده، ملکه بودن زن در منزل، فرمانبردار بودن زن، اشتغال زن به خانه داری، تربیت فرزندان، شریک کار مرد بودن در روستا و سلوک نیک با بستگان شوهر.[۸۸۵] کار زن در بیرون از منزل، مانند ادارات و محیطهای مختلط، برای دیگران عیب پنداشته می‌شود.[۸۸۶]

مردانگی و جوان‌مردی، مروّت، حیا، وفای به عهد، غیرت و مهمان‌نوازی از جمله ارزش‌های حاکم بر این جامعه است.

گروه دیگری از ارزش‌های فرهنگی در این جامعه وجود دارد که نه منشأ دینی، بلکه منشأ سنّتی و فئودالی (جاگیرداری) دارد. دکتر مبارک علی در کتاب فرهنگ جاگیرداری (جاگیرداری اور جاگیردارانه کلچر)، این گروه از ارزش‌ها را چنین بر شمرده است: شرافت و اصالت خانوادگی، عزّت، وفاداری به سران قبایل و فئودال،

---

[۸۸۳] (1). عارفه فرید، پاکستانی کلچرکی روایات، ص35.

[۸۸۴] (1). همان، ص41- 45.

[۸۸۵] (2). انجم رحمانی، پنجاب تمدّنی و معاشرتی جایزه، ص213، 214 و 255.

[۸۸۶] (3). همان، ص276.

دوستی و دشمنی یعنی رقابت‌بازی و سرانجام، انتقام‌جویی.[۸۸۷]

در مجموع، می توان گفت: ارزش‌های دینی و سنّتی عناصر اصلی ساختمان ارزش های این جامعه را تشکیل می دهد و ارزش‌های ناشی از فرهنگ غربی هنوز نتوانسته است جایگاهی قوی در جامعه و میان طبقات پایین و متوسط کسب کند، هرچند در میان طبقه مرفّه و ثروتمند یا روشن‌فکران به‌قدر کافی راه یافته است.

۶. زبان و ادبیات

زبان– همان‌گونه که پیداست– مهم‌ترین ابزار بیان و وسیله برقراری ارتباط میان افراد و انتقال احساسات، مفاهیم و منویات از یک فرد به‌فرد دیگر و همچنین یکی از عرصه های مهم تجلّی هنر در قالب شعر، داستان، رمان و طنز به‌شمار می‌آید.

زبان به‌عنوان یک عنصر پویا، ارتباط تنگاتنگی با حیات علمی، اجتماعی و فرهنگی دارد . رشد در هر حوزه‌ای می‌تواند تفسیری از رشد در حوزه دیگر نیز تلقّی شود.

در یک جامعه، ممکن است زبان های متعددی رایج باشد، اما رشد و توسعه آنها نمی تواند همسان و برابر ادامه پیدا کند . در اینجا، عوامل گوناگونی در رشد زبان ها تأثیرگذار است که این عوامل و شرایط به گونه برابر، نسبت به همه زبان‌های موجود در یک کشور توزیع نگردیده است.

گستره زبان از لحاظ تعداد، رسم الخط، گویش و لهجه، نشان دهنده تنوّع فرهنگی در یک جامعه نیز هست . این تنوّع گاهی ممکن است مانع تبادل فرهنگی و توسعه روابط اجتماعی لازم در یک واحد جغرافیایی گردد . از این‌رو، کشورها برای حل این معضل و دست یابی به وحدت فرهنگی و اجتماعی، سازوکاری در نظر گرفته اند که عبارت است از: معرفی یکی از زبان‌های عمده کشور به‌عنوان

«زبان ملّی» و همگانی. این پدیده در گذشته، که مسائلی مانند وحدت ملّی، انسجام اجتماعی، آموزش و یکسان سازی فرهنگی مورد توجه جدّی قرار نداشت، چندان ضروری نمی نمود، اما در جوامع نوین امروز، وجود یک ابزار ارتباطی مشترک به‌نام «زبان» بسیار حیاتی است.

---

[۸۸۷] (1). مبارك علی، جاگیرداری اور جاگیردارانه کلچر، ص141-154.

[۸۸۸] عارفی، محمد اکرم، شیعیان پاکستان، 1جلد، شیعه شناسي - قم، چاپ: اول،1385 هـ.ش.

در پاکستان، زبان ملّی و رسمی کشور «اردو» است. هرچند اردو زبان اوّلی و مادری اکثریت قاطع جمعیت این کشور نیست، اما ظهور و شکل گیری آن به عنوان زبان مشترک در جامعه مسلمانان هند در عصر سلاطین مسلمان، سبب محبوبیت و مقبولیت آن از سوی مسل مانان گردیده است . علاوه بر اردو، زبان های پنجابی، سرائیکی، سندی، پشتو، بلوچی، گجراتی، براهوئی، بلتی، شنا و فارسی نیز در این کشور رایج است و هریک در منطقه خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

زبان‌های موجود در پاکستان، که شیعیان نیز به آنها تکلّم می‌کنند، از رسم الخط واحدی، که عربی باشد، برخوردار است؛ اما تعداد حروف آنها از حروف زبان عربی بیشتر بوده و اردو در مجموع، از ۳۷ حرف تشکیل شده است:

ا. ب. پ. ت. [تصویر]. ث. ج. چ. ح. خ. د. [تصویر]. ذ. ر. [تصویر]. ز. ژ. س. ش. ص.

ض. ط. ظ. ع. غ. ف. ق. ک. گ. ل. م. ن. و. ه. ء. ی. [تصویر].

حرف «یا» (ی) در اردو، به دو نوع نوشته و دو نوع نیز تلفّظ می شود: یکی را «یای کوچک» می‌نامند که به‌شکل «ی» نوشته می شود و به صورت یای عربی تلفّظ می گردد. دومی را «یای بزرگ می نامند» که به شکل « [تصویر]» نوشته می‌شود و به‌صورت «ا» و کسره فارسی تلفّظ می گردد. «هاء» نیز به دو قسم خوانا و غیرخوانا تقسیم می شود. های یک چشم (ه) در کلمات اردو، به صورت کامل خوانده می شود؛ مانند «هاء» در کلمات «هند» و «هدایت»، اما هاء دو چشم (ه)

##PAGE=۳۷۶##

خوانا نیست و هرگاه در وسط یا آخر کلمه قرار گیرد، تلفظ نمی‌گردد؛ مانند: «دکه» (پریشان)، «دیکهنا» (دیدن)، «کهانا» (خوردن)، «سنده» و «بکّهر» (نام یکی از شهرهای سند) که به ترتیب، به صورت دک، دیکنا، کانا، سند و بکّر خوانده می‌شوند.

نون (ن) نیز در زبان اردو، به دو شکل با نقطه مانند «ن» و بدون نقطه مانند «ن» به کار می‌رود. نون با نقطه همانند نون عربی و فارسی تلفّظ می شود، اما نون بدون نقطه با صدای غنّه در عربی خوانده می شود مانند «هون» (هستم)، «میان» (لقب برای آدم محترم و باعزّت)، «بی‌بی یان پاکدامنان» (بی‌بی‌های پاکدامن) و مانند آن.

باوجود آنکه زبان ملّی پاکستان اردو است، اما دو زبان دیگر نیز در این کشور از اهمیت زیادی برخوردار است : اول انگلیسی، دوم فارسی. انگلیسی زبان علمی این کشور است و در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، زبان رسمی آموزشی قرار گرفته، بیش از اردو در این مراکز مورد استفاده قرار می گیرد. همچنین در اسناد رسمی و اداری نیز زبان انگلیسی برتری خود را بر اردو حفظ کرده است . زبان انگلیسی از دوران استعمار انگلستان در شبه قاره در قرن ۱۸ و ۱۹ م رواج پیدا نمود و جای فارسی و اردو را اشغال کرد، به گونه‌ای که سلطه خود را در ادارات و مراکز علمی تا امروز نیز حفظ کرده است. اما فارسی، زبان ادبی و شعری این کشور محسوب می شود. تمام شاعران نامدار کشور تقریبا به زبان فارسی مسلّط بوده، می‌توانند به‌این زبان شعر بسرایند. در مقدّمه اثر مهم میراث جاودان، که گزارش تفصیلی از کتیبه های فارسی در پاکستان ارائه داده، آمده است:

در شبه‌قاره، صدها شاعر فارسی‌گوی بوده‌اند و امروز نیز فارسی گویی در میان شاعران اردوزبان رایج است . در کتاب فارسی‌گویان پاکستان، نوشته دکتر سید سبط حسن رضوی، اسم ۷۴

##PAGE=۳۷۷##

شاعر فارسی‌گوی آمده است که بسیاری از آنان صاحب دیوان هستند.

در نخستین کنگره شعرای فارسی گوی پاکستان، که از سراسر این کشور آمده بودند و حسب دعوت رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در نوامبر ۱۹۹۱ م در راولپندی برگزار شد، مشخص گردید که هنوز ستاره اقبال شعر فارسی در این سرزمین افول نکرده است.[۸۸۹]

زبان فارسی به عنوان یک رشته علمی در تمام دانشگاه های بزرگ پاکستان، تدریس می گردد و اکنون تعدادی از دانشجویان پاکستانی از بلوچستان، پنجاب و سند در مقطع دکترای زبان فارسی در دانشگاه تهران مشغول تحصیل هستند.[۸۹۰] «خانه‌های فرهنگ» جمهوری اسلامی ایران در زمینه آموزش و گسترش زبان فارسی، در این کشور فعالیت دارند. در برنامه مبادلات فرهنگی و علمی و فنی، که بین ایران و پاکستان در سال ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ ش/ ۱۹۹۰- ۱۹۹۱ م به‌صورت رسمی تصویب شده، توجه به‌زبان و ادبیات فارسی مورد توافق قرار گرفته است.[۸۹۱]

یکی از راه‌های گسترش زبان فارسی در پاکستان (میان شیعیان)، حضور انبوه طلّاب و روحانیان این کشور در حوزه‌های علمیه قم و مشهد است که برای تحصیل به شهرهای مذهبی ایران روی آورده و فارسی را در ایران فراگرفته‌اند.

نفوذ فارسی در ادبیات مذهبی مناطق شمالی، گسترده تر از سایر جاهاست . در گذشته، این نفوذ بسیار شدید بود، اما به‌تدریج، جای خود را به «بلتی» و «اردو» داده است؛ اما هنوز هم در مرثیه، نوحه و سلام، کم وبیش از شعر فارسی استفاده می‌شود.[۸۹۲]

##PAGE=۳۷۸##

۷. شعر و شاعران

شبه قاره هند از دیرباز، مهد پرورش شاعران بزرگ بوده است . از روزگار حضور غزنویان در این سرزمین، شعر و شاعری اسلامی نیز با آن رو به‌شکوفایی نهاد.

در عصر مغول ها، (۹۳۲- ۱۲۷۳ ه/ ۱۵۲۶- ۱۸۵۷ م) ادبیات به‌طور کل، و ادبیات فارسی به طور خاص، به اوج ترقّی خود رسید. نویسندگان و شاعران بلندآوازه ای مانند ابو الفضل علّامی (۱۵۵۱- ۱۶۰۲)، شیخ مبارک (۱۵۰۵- ۱۵۹۳)، غزالی مشهدی (م ۱۷۰۲)، فیضی (۱۵۴۷- ۱۵۹۵) و شیری سیالکوتی در دوران اکبر شاه، و طالب آملی، نظیری

---

[۸۸۹] (1). سید کمال حاج سید جوادی، میراث جاودان، ج1، ص26.

[۸۹۰] (2). مصاحبه نویسنده با چند تن از دانشجویان بلوچستان و لاهور در دانشگاه تهران، بهار1384.

[۸۹۱] (3). سید کمال حاج سید جوادی، میراث جاودان، ص24- 25.

[۸۹۲] (4). محمّد نذیر، بلتستان: ادب و ثقافت، ص132-143.

نیشابوری، صوفی مازندرانی و طالب اصفهانی در دوران جهانگیر شاه، و حاجی جان محمّد قدسی، ابو طالب کلیم همدانی، امیر ظفر خان احسن و دیگران در دوران شاه جهان، در این کشور وجود داشتند.[۸۹۳]

در قرن ۱۸ و ۱۹ م نیز شعر و کلام منظوم از جایگاه خاصی برخوردار بود.

دکن، دهلی و لکنؤ سه مرکز مهم ادبی و علمی شیعیان به شمار می‌آمد. در دکن، سید شاه حسن ذوقی، سید اشرف، شاه ندیم حسینی ندیم، نظام علی خان آصف جاه ثانی (۱۷۹۲– ۱۸۰۳)، قلی خان درگاه، همّت علی خان همّت، کاظم علی خان کاظم و عبّاس علی خان و در قرن نوزدهم، میر انیس بزرگ ترین شاعر مرثیه گو و غزل سرا، پا به عرصه وجود نهادند.

در دهلی، ستارگانی در عرصه شعر و ادب درخشیدند که در تاریخ دو قرن اخیر شبه قاره، تک‌تازان فن ادب، سخن و کلام به‌شمار می‌روند و تا امروز نیز پیش گامان بی‌رقیب غزل، قصیده، مرثیه و نظم شناخته می شوند. مهم‌ترین چهره‌های این مکتب عبارتند از: میر تقی میر (۱۱۳۵– ۱۲۲۵ ق/ ۱۷۲۲– ۱۸۱۰ م)،

##PAGE=۳۷۹##

میرضا حک، سودا، میر انیس، میرزا دبیر (۱۸۰۳– ۱۸۷۵ م)، اسد الله خان غالب (۱۲۱۳– ۱۲۸۵ ق/ ۱۷۹۷– ۱۸۶۹ م) و محمّد حسین آزاد که بعدا به لاه ور منتقل شد . همچنین در لکنو نیز شاعران و ادیبان بلندآوازه ای ظهور کردند که هر کدام نقش مهمی در رشد ادبیات شیعی و مذهبی داشته اند؛ مانند میر علی اکبر مقبل فیض آبادی، میرزا منکو بیک درخشان، محمّد علی صبر، شیخ حسن رضا نجات دهلوی، میرزا اسحاق وصل لکنوی، سکندر، گدا و برخی دیگر.

در جنگ آزادی ۱۸۵۷ که قیام مردم توسط انگلیسی ها سرکوب شد، دانشمندان و شعرای اسلامی، برخی از این کشور هجرت کردند و برخی مجبور به ترک فعالیت های ادبی و علمی گردیدند، اما پس از مدتی، مجددا کانون های ادبی و علمی اهمیت خود را بازیافت.

در قرن بیستم میلادی، شعر و ادبیات اردو همچنان به بالندگی خود ادامه داد.

در اوایل این قرن، شاعران برجسته ای در شبه قاره ظهور کردند که عده ای از آنها پس از استقلال پاکستان، به این کشور، به‌ویژه شهر کراچی و لاهور، هجرت کردند و مکتب ادبی و شعری پاکستان را بنیان نهادند. اولین گروه شاعران شیعی، که در پاکستان حضور یافته و در عرصه ادبیات، لغت، نظم، غزل، مرثیه، قصیده، سلام، نعت و منقبت، شاه کارهای ادبی خلق کردند، عبارت بودند از:

۱. جوش ملیح آبادی (۱۸۹۶– ۱۹۸۲) صاحب آثار حسین و انقلاب، روح ادب، شاعرکی راتین، نقش و نگار، شعله شبنم، فکر و نشاط، فنون و حکمت و آثاری دیگر؛

---

[۸۹۳] (1). شیخ محمّد رفیق و دیگران، تاریخ پاکستان و هند، ص700-704.

۲. سید آل رضا (۱۸۹۶– ۱۹۷۸) صاحب آثار نوای رضا، غزل معلّا، شهادت سی پهلی، شهادت کی بعد، عظمت انسان، و شریکۂ الحسین؛

۳. نسیم امروهوی (۱۹۰۸– ۱۹۸۶) مؤلّف فرهنگ نسیم اللغات، فرهنگ اقبال، مرقع غم؛

##PAGE=۳۸۰##

۴. قمر جلالوی[۸۹۴] (۱۸۷۸– ۱۹۶۹) صاحب آثار غم جاودان، اوج قمر، اشک قمر، و عقیدت جاودان؛

۵. رئیس امروهوی (۱۹۱۴– ۱۹۸۸) صاحب آثار پس غبار، نجم السحر، بحضرت یزدان، ملبوس بهار، ضمیر خامه، میرزای خوب، نفسیات، جنسیات، و عجایب نفس؛

۶. ناصر کاظمی (۱۹۲۵– ۱۹۷۲) صاحب آثار دیوان، برگ نی، و نشاط خواب؛

۷. قیصر بارهوی (ت ۱۹۲۸) صاحب آثار شباب فطرت، معراج بشر و عظیم مرثیی؛

۸. دکتر سید صفدر حسین (ت ۱۹۱۹) صاحب لب فرات؛

۹. سهیل بنارسی (ت ۱۸۹۸) صاحب آثار نقوش عرفان، شهود عرفان، شعور عرفان، عروج عرفان، و رنجیر جمال؛

۱۰. سید افسر عبّاس زیدی (ت ۱۹۲۸) صاحب محراب حرم؛

۱۱. وحید الحسن هاشمی (ت ۱۹۳۰)؛

۱۲. شایق زیدی (ت ۱۹۱۵)؛

۱۳. ظهور جارچوی (ت ۱۹۱۴) مؤلّف ظهور فکر؛

۱۴. دکتر مسعود رضا خاکی (۱۸۹۴) صاحب آثار تذکره کرب و بلا، کیف غم، آیات وفا، لب کوثر، و پیکر ایثار؛

۱۵. ظفر شارب (ت ح ۱۹۲۷)؛

۱۶. زیبا ناروی (ت ۱۸۹۴)؛

۱۷. سید فیض الحسن فیضی (ت ۱۹۱۴) صاحب آثار نور ظهور، نم شبنم، و اردوکی وسعت اور جامعیت؛

۱۸. جوهر نظامی (ت ۱۹۰۹)؛

---

[۸۹۴] ywalalaJ..(1)

##PAGE=۳۸۱##

۱۹. ظهیر الدین حیدر (ت ۱۹۱۴) نویسنده کتاب اسلامی نظام معیشت کاسرسری جایزه؛

۲۰. خلش پیر اصحابی (ت ۱۹۲۱) صاحب آثار اقلاب فکر، تهذیب ماتم، شهر غم، ابر غم، چراغ فکر، و عرفان غم؛

و تعدادی دیگر از شعرای بلندآوازه و یا گم نام که اسامی آنها در کتب ادبی ذکر گردیده است؛ مانند صبا اکبرآبادی، صبا لکنوی، میر رضی میر و عزم جونپوری.

ذکر نمونه‌های اشعار این‌همه شاعر نیاز به تدوین اثر جداگانه‌ای دارد که پرداختن به‌آنها خارج از بحث این نوشتار است؛ اما نادیده انگاشتن کامل اشعار آنان نیز خلاف ادب می‌نماید. از این‌رو، به نمونه‌هایی از آثار برخی از این بزرگان ادب و سخن اشاره می‌نماییم:

کلام را با نمونه‌ای از اشعار جوش ملیح‌آبادی[۸۹۵]، پدر مرثیه‌سرای پاکستان و بنیانگذار مکتب جدید شعری در این کشور، آغاز می‌کنیم. اشعار جوش رنگ و محتوای انقلابی و حماسی دارد . او این پیام را به خوبی در مرثیه های خود نیز حفظ کرده است:

کربلا ایک تزلزل هی محیط دوران — کربلا خرمن سرمایه په هی برق تپان

کربلا طبل په هی ضربت آواز آذان — کربلا جرأت انکار هی پیش سلطان

فکر حق سوز یهال کاشت نهیس کرسکتی — کربلا جرأت انکار هی پیش سلطان

##PAGE=۳۸۲##

آو کعبی سی الهین سوی صنم خانه چلیس — تابع فقر کیی صولت شاهانه چلیس

کانپ الهی، بارگه سر عفاف ملکوت — یون معاصی کاکندهاتی هوئی پیمانه چلیس

آوای زمزمه سنجان سراپرده گل — به هوای نفس تازه جانانه چلیس

گریه نیم‌شب و آه سحرگاهی کو — چنگ و بربط په نچاتی هوی ترکانه چلیس

---

[۸۹۵] (1). جوش ملیح‌آبادی، اردو مرثیه پاکستان مین، ص114.

***[۸۹۶]

ممکن نهین متاع سخن مجه سی چهین لی
گو باغبان یه کنج چمن مجه سی چهین لی

گر احترام رسم وفاهی توای خدا
یه احترام رسم کهن مجه سی چهین لی

منظر دل و نگاه کی جب هوگئی اداس
یه بی‌فضا علاقه تن مجه سی چهین لی

گل‌ریز میری ناله کشی سی هی شاخ شاخ
گل‌چین کابس چلی تویه فن مجه سی چهین لی

سیپنحی هین دل کی خون سی مین نی یه کیاریان
کس کی مجال میرا چمن مجه سی چهین لی

***[۸۹۷]

##PAGE=۳۸۳##

معیار علی احمد مختار سی پو چهو
کردار هی کیا صاحب کردار سی پوچهو

تلوار هی کیا حیدر کرار سی پوچهو
لا سیف کی وسعت اسی تلوار سی پوچهو

انصاف و شجاعت کو به یک وقت یقین هی
اس کات کی تلوار کوئی اور نهین هی

دیتاهی رها عظمت کی گواهی
منبر کی بلندی په ده مزدور سپاهی

هر حال مین پابندی مرضی الهی
ده نان جوین اور ده اسلام پناهی

بهترکانه سکی غیر، براکهه کی سبهی اس کو
اپنانه سکی غیرخدا کهه که سبهی اس کو

***[۸۹۸]

---

[۸۹۶] (1). جوش ملیح‌آبادی، محراب و مضراب، ص354.
[۸۹۷] (2). ناصر کاظمی، کلیات ناصر، دیوان، ص14
[۸۹۸] (1). آل رضا، اردو مرثیه پاکستان مین، ص146.

چراغ خون حسینی مدام روشن هی | زمین سی تا بەشفق صبح و شام روشن هی
عمل کی بزم مین احمد کا نام روشن هی | لحد مین شمع هی، عالم تمام روشن هی
نه یه چراغ اگر رەنمای گل هوتا | تودین ختم رسل کاچراغ گل هوتا
جهان حسین کی الفت کاداغ روشن هی | تو زندگی کا وهان هر چراغ روشن هی
خردکی نور سی دل کا ایاغ روشن هی | ضیائی دل سی خرد کادماغ روشن هی
هرایک دو سری کازنگ فکر دهوتاهی | یو نهی چراغ سی روشن چراغ هوتاهی

***[۸۹۹]

##PAGE=۳۸۴##

قیصر بارهوی، که در وادی غزل، مرثیه، سلام و نوحه ید طولایی دارد، یکی از مرثیه های خود را درباره فضّه، کنیز حضرت فاطمه علیها السّلام سروده که بخشی از آن چنین است:

ای منزل وقار په قربان هر وقار | فضّه نی پرورش کنی وحدت کی شاهکار
ام البنین کی باغ مین جب آگئی بهار | زانو په کهیلنی لگی عباس نامدار
انگلی پکتر کی ساته جوزین العبا چلی | فضّه کی اختیار مین عرض و سما چلی
قاسم په دهوپ آئی تو چادر تهی سایبان | آنچل کافرش عون و محمد کی کهکشان
باقر کی ساته غزوه خیبر کی داستان | مادر کی طرح گیسوئی اکبر مین انگلیان
اصغر کو لوریون سی مجاهد بنادیا | فضّه کو شیر خوار کو هنسنا سکها دیا

***[۹۰۰]

---

[۸۹۹] (2). نسیم امرو هوی، بەنقل از اردو مرثیه پاکستان مین، ص164.
[۹۰۰] (1). قیصر بلهوی، همان، ص464.

رو به قبله تهین مصلّی په جناب کلثوم | رو کی کهتی تهین که ای قادر وحیّ القیوم
گهر گئی هین عجب آفت مین امام مظلوم | مصلحت تیری که اولاد سی مین هول محروم

##PAGE=۳۸۵##

کیا کرون نذر که هدیه نهین رکهتی کوئی | دل هی محجوب که فدیه نهین رکهتی کوئی
کل به‌پا هوگا یهان معرکه ذبح عظیم | کل ثمر لائی گا گلزار رضا و تسلیم
کیا کهون تجه سی که تو خود هی بصیر اور علیم | دل میرا خنجر احساس سی هوتا هی دو نیم
جس طرح و یکهتی هون موت کی تیاری هی | میری احساس په‌یه رات بهت بهاری هی

[۹۰۱]*** شعر در مناطق شمالی و کویته: شعر و ادبیات در شمال پاکستان و بلوچستان نیز از رشد خوبی برخوردار بوده است. محمّد نذیر در کتاب بلتستان : ادب و فرهنگ، به بررسی شعر در سال های پس از ۱۹۴۷ در بلتستان پرداخته، می‌گوید: تا پیش از ۱۹۴۷، شاعران بلتی صرفا به‌زبان بلتی شعر می‌سرودند، اما از استقلال به‌بعد، شعر به‌زبان اردو نیز در میان شاعران بلتی‌زبان، اهمیت پیدا کرده است. او از فدا حسین شمیم، محمّد علی خان واحد، راجه محمّد علی شاه صبا، راجه حامد حسین کلیم و سید اسد زیدی به عنوان برجسته ترین شاعران بلتستان نام می برد.[۹۰۲] آقای نذیر در صفحات بعدی کتاب خود، از ۱۴۰ تن شاعر دیگر بلتی زبان نام برده که همه کم وبیش در فن خود اهل ذوق شمرده می شوند.[۹۰۳] پیش از شکل گیری شعر بلتی، شعر فارسی در قالب مرثیه و نوحه، که راجه حسین علی خان محب در دهه ۱۸۴۰ بنیانگذار آن محسوب می‌شود، از شهرت زیادی برخوردار بود.

##PAGE=۳۸۶##

کویته مرکز بلوچستان نیز شاعران قابل توجهی دارد؛ م انند سید صادق حسین نقوی صاحب آثار شهرنامه، فکر و فن، کیف و کرب و انتخاب رباعیات طاهر. در میان هزاره‌های فارسی‌گوی این شهر، می‌توان از حاجی یعقوب علی انیس (ت ۱۹۳۴)، نادر علی نجفی (ت ۱۹۱۷)، محمّد علی اختیار (ت ۱۹۳۵)، محمّد انور عادل (ت ۱۹۳۵)، مقصود علی بیگ (ت ۱۹۳۸) سید جواد موسوی، دکتر ولایت حسین عسکری (ت ۱۹۴۷)، حیدر علی جاغوری (۱۹۴۳– ۱۹۹۹)، میرزا

---

[۹۰۱] (1). دکتر صفدر حسین، همان، ص468.
[۹۰۲] (2). محمّد نذیر، بلتستان: ادب و ثاقت، ص158.
[۹۰۳] (3). همان، ص170-174.

حسین قدیری و ظفر علی هدف (ت ۱۹۳۵)، شاه ولی شفایی (ت ۱۹۴۳)، محمّد علی ظفر (ت ۱۹۴۲)، فدا حسین نوشاد (۱۹۵۳)، صدف چنگیزی، جلال حسین اوحدی، دکتر زبیده ابراهیم، امداد حسی ن ابراهیمی، کوثر علی کوثر، مرحوم محمّد عالم مصباح، رجب علی رنجبر و تعدادی دیگر نام برد.[۹۰۴]

این شاعران در عرصه غزل، نظم (مثنوی)، قصیده، نعت، نوحه، سلام، منقبت، مسدّس، قطعه، مرثیه، دوبیتی و چاربیتی، همه طبع آزمایی نموده و به دو زبان فارسی و اردو سخن سرایی کرده‌اند. در اینجا، بحث را با ذکر نمونه ای از اشعار فارسی حاجی یعقوب علی انیس و میرزا حسین قدیری به‌پایان می‌برم:

«نظم»

سراپا گوش استم بر نوایت — کنم اخذ خوشی از هر ادایت

ز رنگ باده ناب تو خوشم — که از بزم تو من هم باده‌نوشم

نهم اندر سرت نیکو خراجی — ز اقلیم سخن فرخنده تاجی

کنون بختم ز تو بیدار گردید — سر دیو منسون بر دار گردید

چنین دانسته و دیدم جمالت — نشو از آب دانش شد نهالت.

۹۰۵

##PAGE=۳۸۷##

«غزل»

یارم به‌خواب دیدم و تعبیرش آرزوست — بر لوح دل کشیدم و تصویرش آرزوست

با خوش وصال یار چو خوش‌بخت بوده‌ایم — اکنون به‌یاد لحظه تقدیرش آرزوست

بیمارم و چو منتظر آن طبیب خویش — با آن دوا که قطره تأثیرش آرزوست

آن آگهی که جلوه‌نمای شعور شد — اندر حصار تیرگی، تنویرش آرزوست

می‌خانه شد خرابه و رندان، تشنه‌کام — هم جام من شکسته و تعمیرش آرزوست

---

[۹۰۴] (1). کوثر علی کوثر، تاریخ و ثقافت هزاره، ص253-305.

[۹۰۵] (2). کوثر علی کوثر، تاریخ و ثاقت هزاره، ص254.

فکر «قدیری» درک حقیقت نموده است با خون دل نوشته و تحریرش آرزوست[۹۰۶].

شاعران شیعه پاکستان همانند دیگر شاعران این سرزمین، بیشترین آثار خود را به «اردو» آفریده و کمتر به زبان های محلّی شعر گفته و یا به‌آن بسنده نموده‌اند. اردو عرصه بلندپروازی‌های فکری و بیان احساسات لطیف همه شاعران کشور محسوب می‌شود. هرچند شاعران شیعی در همه وادی های شعری سخن‌سرایی نموده‌اند؛ مانند غزل، نظم، مرثیه، مثنوی، نعت، منقبت، سلام، نوحه، قطعه و مانند آن، اما به نظر می‌رسد آنچه به ادبیات و شعر شیعی به طور خاص ارتباط پیدا می‌کند مرثیه‌نگلوی، سوزخوانی، سلام، منقبت، نوحه و مانند آن است .

الف. مرثیه: «مرثیه» عبارت از نظمی است که حوادث و مصایب غم‌انگیز عزیز

##PAGE=۳۸۸##

از دست رفته، به ویژه حضرت امام حسین علیه السّلام، شهدای کربلا و اهل بیت علیهم السّلام، را بیان می نماید.[۹۰۷] مهم‌ترین مرثیه‌سرایان شبه‌قاره پیش از تشکیل پاکستان عبارت بودند از: میرزا محمّد رفیع سودا (۱۱۱۹– ۱۱۹۵ ق)، میر تقی میر (۱۷۳۲– ۱۸۱۰)، میر انیس و میرزا دبیر.

اما در میان مرثیه سرایان جدید، که به تاریخ ادبیات پاکستان مربوط می گردد، افرادی مانند جوش ملیح آبادی، سید آل رضا، سید کاظم علی، جمیل مظهری، جعفر علی خان اثر لکنوی، نجم آفندی، دکتر سید صفدر حسین، قیصر بارهوی، سید وحید الحسن هاشمی، شاهد نقوی، صبا اکبرآبادی، نسیم امروهوی، امید فاضلی، و دکتر هلال نقوی بیش از دیگران جلب توجه می‌نمایند.[۹۰۸] در جمع این افراد، جوش ملیح‌آبادی و سید آل رضا نقش بنیادی دارند و از بنیان گذاران این فن در کراچی به‌شمار می‌روند.

کراچی و لاهور دو مرکز مهم ادبی و شعری در ادبیات شیعی پاکستان است.

بیشتر شاعران، ادیبان و مرثیه نگاران به‌همین دو شهر تعلّق دارند . از شاعران و مرثیه نگاران کنونی کراچی، می‌توان به طالب جوهری خطیب پرآوازه کشور (ت ۱۹۴۰)، شادان دهلوی، سید سردار محمّد نقوی (ت ۱۹۴۱)، هلال نقوی (ت ۱۹۴۸)، قسیم بن نسیم (ت ۱۹۴۴) امید فاضلی (۱۹۲۳)، فضل فتح‌پوری (۱۹۳۰)، کوثر الله‌آبادی (۱۹۳۱)، نظر جعفری (۱۹۳۵)، ساحر لکنوی (۱۹۳۳) وزیر جعفری، سرفراز ابد (۱۹۵۲) و مانند آنها اشاره نمود. از پنجاب و لاهور نیز دکتر صفدر حسین (۱۹۱۹)، سید افسر عبّاس زیدی (۱۹۲۸)، وحید الحسن هاشمی (۱۹۳۰)، ضیاء الله حیدر ضیاء (۱۹۳۱)، شاهد نقوی، محسن نقوی (م

##PAGE=۳۸۹##

---

[۹۰۶] (1). کوثر علی کوثر، تاریخ و ثقافت هزاره، ص263-264.

[۹۰۷] (1). فیروز الدین، فیروز اللغات اردو، ص1225/ سلیم اختر، اردو ادب کی مختصرترین تاریخ، ص353.

[۹۰۸] (2). سلیم اختر، اردو ادب کی مختصرترین تاریخ، ص369-370.

۱۹۹۵) نشاط مقبول (۱۹۴۰)، حبیب محمّد حبیب، و جاوید اقبال قزلباش شناخته شده‌تر از دیگران هستند.

نمونه‌هایی چند از مرثیه شاعران مرثیه‌گو:

تاریخ دی رهی هی آواز دم بدم — دشت ثبات و عزم هی دشت بلا و غم

صبر مسیح و جرأت سقراط کی قسم — اس راه مین هی صرف اک انسان کا قدم

جس کی رگون مین آتش بدرو حنین هی — جس سور ما کا اسم گرامی حسین هی

جو کاروان عزم کا رهبر تهاده حسین — خود اپنی خون جو شناور تهاوه حسین

اک دین تازه کا جو پیمبر تهاوه حسین — جو کربلا کا داور محشر تهاوه حسین

جس کی نظر په شیوه حق کا مدار تها — جو روح انقلاب کا پروردگار تها

***[۹۰۹]

گوش زینب مین پهنچتی رهی جمله حالات — یه بهی دیکها که مناسب هی کهان کون سی بات

پیش کرتی هین یه حالات کی تصویر روات — شیر حق کوجو ملی اونت کی فتنی سی نجات

رشته احمد مرسل کابرا پاس کیا — کربلا تو نی نه اس بات کا احساس کیا

***[۹۱۰]

##PAGE=۳۹۰##

شأن دل حزین هی عزای حسین سی — آبادیه زمین هی عزای حسین سی

دین کو مفر نهین هی عزای حسین سی — ثابت بقائی دین هی عزای حسین سی

---

[۹۰۹] (1). نمونه‌ای از مراثی جوش ملیح‌آبادی به‌نقل از: ضمیر اختر نقوی، اردو مرثیه پاکستان مین، ص113.

[۹۱۰] (2). سردار محمّد نقوی، به‌نقل از: ضمیر اختر نقوی، اردو مرثیه پاکستان مین، ص380.

جب تک که احتیاج هی شرع متین کی | هی دین مصطفی کو ضرورت حسین کی
انجام کارسن کی یه اسلام کی پکار | میدان آگیا پسر شیر کردگار
آنی لگا نظر صف باطل مین انتشار | مشکل مین تخت و تاج تها خطری مین اقتدار
روکا وه حمله تها جو مدینه په شام کا | یه کام تها حسین علیه السلام کا

***

بهره ور روح میری دین کی تعلیم سی | دل هی واقف عاشق معبود کی تعظیم سی
هو سکی ممکن اگر کچه شیوه تسلیم سی | غسل دون پهلی زبان کو کوثر و تسنیم سی
لاکی پهر لب پر حسین ابن علی کی نام کو | صبح کی ضو سی بدل دالون سواد شام کو
وه حسین ابن علی جو محسن اسلام هی | جس کا پاکیزه تصور دافع او هام هی
تذکره جس کا علاج گردش ایّام هی | جس کی غیرت کافسانه دو جهان مین عام هی
ثبت لب پر ظلم کی مهر خموشی کر گیا | منفرد و انداز سی جو سر فروشی کرگیا[۹۱۱]

##PAGE=۳۹۱##

«مرثیه» همیشه بلند و طولانی سروده می شود، به‌گونه‌ای که بتواند حوادث تلخ و غم انگیز یک فرد و یا یک جریان را به‌خوبی منعکس سازد و این گاهی با مدح آغاز می شود و به‌تدریج، به‌سوی بیان حوادث حزن‌انگیز به پیش می‌رود، اما نمونه‌هایی که در اینجا آورده شده صرفا قطعاتی از مرثیه هر شاعر است، نه تمام و یا بخش عمده آن . در وادی مرثیه، نوحه و سلام شایسته است از مرثیه گویان و نوحه‌سرایان خوش‌ذوق خانواده میرزا در حیدرآباد سند، که از قرن ۱۱ و ۱۲ ه. نسل اندر نسل به این امر پرداخته و امروز دکتر میرزا امام علی افسر وارث این فرهنگ است، نیز یاد شود.[۹۱۲]

---

[۹۱۱] (1). سید افسر عبّاس زیدی، بهنقل از: ضمیر اختر نقوی، اردو مرثیه پاکستان مین، ص474.

[۹۱۲] (1). در دیداری که نگارنده با دکتر میرزا امام علی افسر در حیدرآباد داشت، ایشان 15 تن از شاعران خانواده خود و آثار آنها را برشمرد که هرکدام اثری در موضوع شعر، مرثیه و نوحه به یادگار گذاشته‌اند.

ب. سلام: «سلام» نوع دیگری از شعر و نظم است که در ایّام محرّم در مجالس عزاداری خوانده شده و جایگاه مهمی در میان شیعیان پاکستان احراز کرده است . سید قائم رضا نسیم امر وهوی، که خود یکی از شعرای نامدار و سلام نگاران معروف شیعه است در تعریف «سلام» چنین آورده:

نوعی نظم مدحی که به سبک غزل می باشد و در آن مضامین معرکه کربلا و شهدای کربلا و اشعاری مربوط به اخلاق شخصی و اجتماعی بیشتر می‌آید.[۹۱۳]

##PAGE=۳۹۲##

در سند و پنجاب، خواندن «سلام» در مراسم محرّم بسیار شایع است، اما در میان شیعیان مناطق شمالی و کویته، چنین چیزی تقریبا مرسوم نیست. ضمیر اختر نقوی در کتاب اردو مرثیه پاکستان مین، از سلام سرایان کراچی و لاهور نام برده و در کراچی از سیماب اکبرآبادی، حامد لکنوی، زید ای . بخاری، ماهر قادری، ارم لکنوی، رعنا اکبرآبادی، رشید ترابی، آغا سروش لکنوی، حشم لکنوی، نظام دهلوی نام برده که همگان درگذشته اند و از افراد موجود، معجز لکنوی، نعیم میر تهی، ناز بریلوی، قیس دهلوی، سید هاشم رضا، منوّر عبّاس شهاب، راغب مرادآبادی، محشر بدایونی، اقبال صفی پوری، شأن الحق حقی، تابش دهلوی، حباب ترمذی، و زاهد فتح پوری را می توان نام برد .[۹۱۴] آقای نقوی درباره شاعران سلام‌سرای لاهور نیز می‌گوید:

شاعران لاهور سلام و نظم‌های بی‌شماری در شأن امام حسین علیه السّلام نوشته اند، اما آنها خارج از موضوع ما هستند و لازم است که کتابی در این موضوع نوشته شود . در میان شاعران برجسته لاهور، احسان دانش، احمد ندیم قاسمی و قتیل شفایی «سلام» زیادی به محضر امام حسین تقدیم کرده‌اند.[۹۱۵]

در سایر شهرهای سند و پنجاب و همچنین پیشاور نیز به تناسب رشد فرهنگی و ادبی شیعیان، مرثیه‌نگاران و سلام‌نگاران قابل توجهی، ظهور کرده‌اند.

تقریبا غالب شعرای شیعه ضمن پرداختن به غزل، قطعه و نظم، به سلام، مرثیه، مدح و نوحه، که در ادبیات مذهبی رایج است، نیز پرداخته‌اند. در اینجا، صرفا به نمونه‌ای از «سلام» در اشعار محسن نقوی و مرحوم رشید ترابی بسنده می‌کنیم:

##PAGE=۳۹۳##

عاشور کادهل جانا، صغرا کاوه مرجانا — اکبر تیری سینی مین، بر چهی کا اتر جانا

ای خون علی اصغر، میدان قیامت مین — شبیر کی چهری پر کچه اور نکهر جانا

---

[۹۱۳] (2). قائم رضا نسیم، نسیم اللغات اردو، ص706.

[۹۱۴] (1). ضمیر اختر نقوی، اردو مرثیه پاکستان مین، ص202.

[۹۱۵] (2). همان، ص459.

سجادیه کهتی تهی، معصوم سکینه سی | عباس کی لا شی سی چپ چاپ گزر جانا
ننّهی سی مجاهد کو مان نی یه نصیحت کی | تیرون کی مقابل بهی بی‌خوف و خطر جانا
محسن کورلائی گاتا حشر لهوا کثر | زهرا تری کلیون کا صحرا مین بکهر جانا

***[۹۱۶]

هی یهی وقت ان کا دامن تهام لی | گر نی والی اب علی کا نام لی
عصر عاشور آئی آواز رسول | فاطمه بازوئی زینب تهام لی
قید خانی مین کوئی بچی هی دفن | اک امانت اور ملک شام لی
ای ترابی مفت هی آب حیات | موت کی باتهون سی کوئی جام لی

***[۹۱۷] در موضوع «سلام»، می توان از کتاب های ایمان، نوشته محمّد واجد شاه اختر؛ تذکره کرب و بلا و کیف غم، نوشته مسعود رضا خاکی؛ حسین علیه السلام پر سلام، نوشته سید علی رضوی بلگرامی؛ سلام و کلام، نوشته ذابر فتح‌پوری؛ غم جاودان، نوشته قمر جلالوی؛ و گل های عقیدت، نوشته فدا محمّد ناشاد بلتستانی نام برد.

##PAGE=۳۹۴##

ج. مدح و منقبت : «مدح» و «منقبت» از دیگر انواع شعر و نظم رایج نزد شیعیان است که در وصف اهل بیت علیهم السّلام سروده می‌شود. نسیم امروهوی در تعریف «منقبت» گفته است: منقبت عبارت از نظمی است که در مدح اهل بیت علیهم السّلام می آید.[۹۱۸] سنّی‌های پاکستان اشعار مدحی مذهبی شان را در شأن پیامبر گرامی صلّی اللّه علیه و اله می‌سرایند که آن را «نعت» می‌گویند، اما شیعیان بیشتر به «منقبت» روی آورده‌اند و این البته به معنای چشم‌پوشی از «نعت» از سوی شاعران شیعه مذهب نیست؛ زیرا بیشتر شعرای معروف شیعه آثار بسیار وزینی در عرصه «نعت» از خود به‌یادگار گذاشته‌اند که این نشان‌دهنده اهتمام آنان به نعت‌سرایی است. محسن نقوی، یکی از شاعران برجسته حاضر، در توصیف «نعت» تحت عنوان «ارمغان نعت» می‌گوید:

یه معجزه نعت رسول مدنی هی | جو لفظ بهی لکهتا هون عقیق یمنی هی

---

[۹۱۶] (1). محسن نقوی، موج ادراك، ص14.
[۹۱۷] (2). رشید ترابی، اردو مرثیه پاکستان مین، ص203.
[۹۱۸] (1). قائم رضا نسیم، نسیم اللغات اردو، ص1117.

حرفول کی قطارین هین که رنگون کی جزیری الفاظ کی جهلمل هی که گل پیرهنی هی

[۹۱۹] اما در موضوع منقبت و مدح، اشعار زیادی سروده شده که از جمله آنها آثار سید افسر عبّاس زیدی به نام های قرطاس و قلم، جان سخن، و محشر خاموش است. اثر اول مشتمل بر هزار قطعه در مدح پیامبر و اهل بیت علیهم السّلام و اثر سوم مشتمل بر هشتصد قطعه در همین موضوع است . ه‌مچنین در این مورد، می توان به کتاب های حسین اور انقلاب، نوشته جوش ملیح‌آبادی؛ رنگ عقیدت،

##PAGE=۳۹۵##

نوشته محترمه سکندر حیا بریلوی؛ قصاید نجم، نوشته نجم آفندی؛ لب کوثر نوشته مسعود رضا خاکی؛ ناله دل نوشته سید اظهر حسنین کاظمی و دیگران اشاره نمود.

د. نوحه: «نوحه» که عبارت از نظم و شعر حزن انگیز در رثای اموات و شهدا، به ویژه شهدای کربلا، است، عام ترین و فراگیرترین نوع شعر در ادبیات شیعیان است. سرودن نوحه یکی دیگر از ابعاد ادبی شاعران را به‌نمایش می‌گذارد. گاهی خلق این اثر به هیأت ها و انجمن های عزاداری، که به صورت حرفه‌ای در خواندن و ترویج آن می کوشند، نسبت داده می‌شود. شاید شمردن تعداد نوحه سرایان و یا حتی مهم ترین آنها کاری بس دشوار باشد؛ زیرا نوحه یکی از عام ترین مقوله‌های ادبی در جامعه شیعی است و در هر شهر و شهرستانی، متولّیان خوش‌نامی دارد.

در زمره آثاری که در این موضوع تدوین گردیده، می توان به مجموعه‌های ذیل اشاره کرد: اشارات غم و بیاض نجم، اثر نجم آفندی؛ جلوس ماتم، اثر ناصر علی ناصر؛ ضیای کربلا، اثر ضیاء جام نگری؛ بیاض تسکین زهرا، تألیف محمّد وصی خان از کراچی؛ گلستان ماتم، اثر جمعی از شعرا؛ گلشن زهرا، و مجموعه نوحه‌جات، تألیف سید رضی رضوی؛ مقبول نوحه‌جات، و نوحه‌جات، انجمن العبّاس کراچی.

نوحه در پاکستان به دو روش فردی و جمعی خوانده می شود. در صورت جمعی خواندن، سه تا پنج نفر معمولا با صدا و آهنگ واحد، نوحه ای برای دسته زنی می خوانند و سینه زنان براساس آهنگ آنها، سینه می زنند. همچنین در عرصه نوحه‌خوانی و سینه‌زنی، زنان نیز نقشی تقریبا برابر با مردان دارند.

برگزاری مراسم عزاداری زنانه و سینه‌زنی و نوحه‌خوانی آنان اکنون در تمام مناطق پاکستان رایج است.

##PAGE=۳۹۶##

۸. مطبوعات

---

[۹۱۹] (2). موفقیت من در شعر، که کلماتم را همچون عقیق یمنی و جزیره‌ای از گل می‌نمایاند، از برکت معجزه« نعت رسول» است.(محسن نقوی، فرات فکر، ص32)

مطبوعات یکی از ابراز مهم ارتباطی، اطلاع‌رسانی فرهنگ‌سازی و رشد آگاهی های عمومی است . امروز مطبوعات از عناصر مهم جوامع نوین به شمار آمده، نقش آنها در شکل‌دهی جامعه مدنی بسیار برجسته است.

وجود مطبوعات، تعداد و تنوّع آنها در ارزیابی سطح فرهنگ و رشد آگاهی عمومی، بسیار مهم تلقّی می شود. جوامع امروز نمی‌توانند بدون این ابزار مهم فرهنگی و اطلاع‌رسانی، به حیات سازنده خود ادامه دهند.

شیعیان پاکستان به عنوان یک گروه اعتقادی و فرهنگی خاص و نیز به عنوان بخشی از جامعه این کشور، در عرصه فعالیت‌های مطبوعاتی بسیار فعّال بوده، حضور فرهنگی خوبی در سطح کشور دارند. در این میان، شهرهای کراچی و لاهور در صدر این نوع فعالیت‌ها قرار دارند.

به نظر می‌رسد مطبوعات از لحاظ کمّی رشد خوبی در جامعه شیعیان پاکستان داشته، تقریبا می توانند پاسخگوی نیازهای عمومی آن کشور به شمار آیند، اما مشکلات جنبی دیگر مانند یکنواختی و عدم تنوّع محتوایی، ضعف نظام توزیع، محدودیت شمارگان و عوام‌زدگی بیشتر نشریات و سرانجام، فقدان یک دیدگاه کلان و فرامذهبی- در دست کم تعدادی از آنان- سبب گردیده است تا مطبوعات شیعی نتوانند جایگاه مناسبی در این کشور و حتی در میان شیعیان، به خوبی باز کنند.

نویسندگان، روزنامه‌نگاران و محققان ورزیده ای که از تخصص و توانایی علمی در رشته خود برخوردارند، به دلایل اقتصادی، سیاسی، امنیتی و بعضا

##PAGE=۳۹۷##

فکری، تاکنون نتوانسته اند در مطبوعات مذهبی، که اهداف و سیاست های مشخصی را پی گیری می‌کنند، جذب شوند . شیعیان پاکستان از لحاظ نیروی انسانی، در بخش مطبوعات و ادبیات بسیار غنی بوده، تعداد زیادی از نشریات و رسانه‌های عمومی ملّی با کمک و مدیریت همین افراد به فعالیت خود ادامه می دهند. اما شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه به‌گونه‌ای است که نویسندگان حرفه ای و متفکران دانشگاهی شیعه مسی‌ر خود را از مطبوعات ویژه شیعی جدا نموده‌اند. شاید تعداد افرادی مانند مرتضی پویا، که با راه‌اندازی نشریه سراسری فرامذهبی با نیروهای کاملا متخصص در کشور مسیر تازه‌ای باز نموده است، بسیار کم باشد.

مطبوعات مستقل شیعی در پاکستان، عموما مذهبی بوده و اکثریت قاطع آنها توسط روحانیان، سازمان های مذهبی و مراکز آموزشی دینی شیعه منتشر می‌گردند. زبان اکثر قریب به‌اتفاق این نشریات «اردو» است و مخاطبان آنها را نیز عامّه مردم و قشر مذهبی جامعه تشکیل می‌دهند.

براساس آماری که حجۀ الاسلام و المسلمین سید محمّد ثقلین کاظمی در کت اب امامیه دایریکتری ۲۰۰۱ م از تعداد و محل انتشار مطبوعات شیعی تهیه کرده است، تعداد تمام نشریات و مطبوعات شیعیان در پاکستان به ۴۶ عنوان می‌رسد. در تحقیقات تکمیلی که پیرامون آن صورت گرفت، به ۱۴ عنوان دیگر نیز در کراچی حیدرآباد، ملتان، لاهور، راولپندی و کویته دست یافتم که بدین‌سان، مجموع مطبوعات شیعیان دست‌کم تا ۶۰ عنوان افزایش می‌یابد. تفصیل این عناوین و مشخصات دیگر آن به‌شرح ذیل است:

##PAGE=۳۹۸##

جدول (۲۸): وضعیت مطبوعات شیعه در شهرهای مختلف [تصویر]

##PAGE=۳۹۹##

[تصویر]

##PAGE=۴۰۰##

[تصویر]

##PAGE=۴۰۱##

مطبوعات شیعیان از نظر محتوایی و اهدافی که دنبال می کنند، تقریبا شبیه هم و یک دست هستند . تبلیغ مذهب و توسعه و رشد آگاهی های دینی هدف اصلی همه این مطبوعات ذکر شده است . تنها تعداد اندکی هستند که جنبه خبری داشته، اخبار و گزارش های عمومی یا مربوط به مؤسسه و ساز مان‌های خاصی را منتشر می کنند. از لحاظ زبان نیز نوعی یکپارچی در آنها مشاهده می شود؛ چنان‌که از تعداد ۶۰ عنوان نشریه، ۹ عنوان آن به‌زبان‌های غیراردو مانند سندی (سه مورد)، گجراتی (۲ مورد)، انگلیسی (۲ مورد) و فارسی (۲ مورد) منتشر می‌شود و ۵۱ مورد دیگر به اردو نشر می‌شود.

از لحاظ گروه‌بندی جنسی، تنها سه عنوان آن به نام‌های پیام زینب، طاهره و چهل دختران تاریخ به زنان اختصاص یافته است و ۵۷ عنوان دیگر به مردان و یا به همگان تعلّق دارند که از این میان، سه مورد آنها، مانند معصوم، طاهره و مجتبی ویژه کودکان هستند و بق یه مربوط به بزرگ سالان. بنابراین، از این نظر نیز نوعی کاستی و عدم تعادل شدید در آنها مشاهده می‌شود. هرچند انتظار نمی رود که اختصاص عناوین مطبوعات میان گروه های سنّی، جنسی و زبانی کاملا برابر باشد، اما سخن در این است که این عدم برابری در چه سطحی باید قرار گ یرد تا به مرز بی توجهی و محرومیت برخی اقشار و گروه‌ها از دست‌یابی به مطبوعات ویژه خود منجر نگردد؟

کتاب‌خانه و کتاب فروشی: بررسی آمار دقیق مجموع کتاب خانه‌ها، کتاب‌فروشی‌ها و انتشارات متعلّق به شیعیان، کاری بس دشوار و پیچیده است، هم از آن نظر که گستردگی کار ، بسیج یک گروه زبده کاری را ایجاب می نماید و هم از آن نظر که تعریف مشخصی از کتاب خانه و کتاب فروشی در موارد متعددی که سطح کتاب ها محدود است و یا این نوع فعالیت در ضمن یک فعالیت دیگر انجام گیرد، وجود

##PAGE=۴۰۲##

ندارد. شاید به‌همین دلیل، محقّق ارجمند آقای سید محمّد ثقلین کاظمی زمانی که به ارائه آمار کتاب خانه‌های شیعیان در سطح اسلام‌آباد و راولپندی می پردازد، به عدد درشتی دست پیدا می کند، درحالی‌که نتیجه مطالعات مشابه او در سایر مناطق کشور، به‌مراتب کمتر از آن را نشان می دهد. به‌هرحال، تلاشی که وی در این زم ینه در اثر خود امامیه دایریکتری ۲۰۰۱ م انجام داده، جامع‌تر از هر آمار دیگری است که از سوی محققان دیگر تاکنون ارائه شده است.

آقای کاظمی در سراسر شهرهای شیعه نشین پاکستان ۱۳۷ باب کتاب‌خانه و کتاب فروشی و بعضا انتشارات مربوط به شیعیان را نام برده است. براساس این آمار، کراچی با ۳۲ باب کتاب‌خانه و کتاب‌فروشی در مقام اول، لاهور با ۱۹ باب در مقام دوم و کویته با ۱۰ باب در مقام سوم قرار گرفته‌اند. از لحاظ جایگاه ایالتی، پنجاب با ۷۶ مورد در جایگاه اول، سند با ۳۸ مورد در جایگاه دوم و بلوچستان در جایگاه سوم قرار دارند.[۹۲۰]

##PAGE=۴۰۳##

فصل هفتم نظام سیاسی شیعیان

##PAGE=۴۰۵##

درآمد

این فصل به بررسی پاسخ این سؤال ها می پردازد که مشارکت شیعیان در سیاست و حکومت پاکستان در چه سطحی است؟ و آیا روند تحوّلات سیاسی پس از استقلال این کشور، به انتظارات شیعیان به عنوان دومین گروه بزرگ مذهبی و جمعیتی پاکستان، پاسخ مثبت داده است یا خیر؟

براساس شواهد تاریخی، در قرون شانزدهم، هفدهم و هجدهم م، شیعیان از موقعیت سیاسی خوبی در شبه قاره برخوردار بودند. در دو قرن شانزدهم و هفدهم م، چندین سلسله از حاکمان شیعی مانند پادشاهان «چک» در کشمیر، شاهان «شرقیه» در جونپور، «عادل شاهان» در بیجاپور، «نظام شاهان» در احمد نگر، و «قطب شاهان» در گلکنده روی‌کار آمدند. در سند نیز حکمرانان «سمّا» گرایش شیعی داشتند و با روی کار آمدن سلسله «کلوار» در ۱۷۱۹ م در سند و سپس «تالپورها» در قرن نوزدهم، حکومت شیعیان دست کم بر سند و قسمتی از پنجاب ادامه یافت . در جنوب هند، در «میسور»[۹۲۱] نیز حیدر علی و تیپو سلطان حکومت شیعی تشکیل دادند و تا سال ۱۷۹۹ م علیه انگلیسی‌ها مبارزه کردند.

زمانی که انگلیسی‌ها به‌تدریج از نیمه دوم قرن هجدهم تا نیمه اول قرن نوزدهم بر تمام شبه‌قاره مسلّط شدند، مسلمانان و از جمله شیعیان، حکومت‌ها و

##PAGE=۴۰۶##

موقعیت‌های ممتاز سیاسی خود را از دست دادند . در نیمه اول قرن بیستم، که جنبش ملّی گرایی و آزادی خواهی مردم شبه‌قاره علیه استعمار انگلستان آغاز شده بود، شیعیان در کنار سایر مسلمانان، از نو موقعیت سیاسی خود ر ا تا حدودی بهبود بخشیدند. در این مقطع، به استثنای سند، که تالپورها در «خیرپور» مستقیما حکومت خود را حفظ کردند، در سایر مناطق هند، شیعیان به‌صورت انفرادی در سیاست نقش داشتند.

---

[۹۲۰] (1). سید محمّد ثقلین کاظمی، امامیه دایریکتری2001 م، حصّه اول، ص43- 277.

[۹۲۱] (1)..roosiaM

در نهضت استقلال پاکستان نیز، که در سال ۱۹۴۷ م به تأسیس این کشور منجر شد، نقش شیعیان بسیار چشمگیر بود. شیعیان همانند برادران اهل سنّت خود، از حزب «مسلم لیگ» به رهبری محمّد علی جناح، مشهور به «قائد اعظم»، که او خود نیز یک مسلمان شیعه بود، حمایت به عمل آوردند و با تمام توان، در جهت تحقق اهداف «مسلم لیگ» و شکل‌گیری کشور مستقل برای جامعهٔ مسلمانان شبه قاره، به مبارزه پرداختند. رهبران و شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی شیعی زیادی مانند ژنرال یحیی خان، رئیس جمهور سال‌های ۱۹۶۸– ۱۹۷۱ م، میجر مبارک علی شاه، سر محمّد علی خان مهاراجه آف محمود آباد، راجه امیر احمد خان محمودآباد، نوّاب سر فتح علی خان قزلباش، جستس سید امیر علی، سعید محمّد مهدی، خان بهادر سید آل نبی، راجه غضنفر علی خان، سید محمّد محسن از داکا، نوّاب محمّد اسماعیل خان پسر سید علی امام، سید رضا علی، ابو الحسن اصفهانی از داکا، مولانا سید نجم الحسن کراروی از ایالت سرحد و دیگران در نهضت استقلال فعّالانه حضور داشتند.

تعامل سیاسی رهبران و گروه های اجتماعی و مذهبی پاکستان پس از استقلال به گونه‌ای بود که شیعیان نسبت به مشارکت خویش در عرصه‌های سیاسی، اداری و نظامی احساس تبعیض و بی‌عدالتی نمی‌کردند. رهبران «مسلم لیگ»

##PAGE=۴۰۷##

مانند محمّد علی جناح، لیاقت علی خان، نوّاب افتخار حسین خان ممدوت، و عبد الرب نیشتر به وحدت و وفاق اجتماعی اعتقاد کامل داشتند و با جناح بندی‌های مذهبی در سیاست مخالف بودند. اصول فکری غیرمذهبی حزب حاکم «مسلم لیگ» بستر مشارکت همه اقشار و گرایش های اعتقادی را در قدرت فراهم می‌کرد و شیعیان نیز توانسته بودند با عضویت در این حزب، جایگاه سیاسی خود را در کشور تثبیت کنند.

در سال ۱۹۵۱ م، که ۳۱ تن از رهبران برجسته مذهبی تمام مکاتب فکری مسلمانان پاکستان برای تدوین مبانی و اصول فکری، سیاسی و حقوقی کشورشان براساس رهنمودهای دین اسلام در کراچی گرد هم آمدند و توانستند ۲۲ اصل اساسی را، که نقطه مشترک میان تمام مذاهب اسلامی این کشور بود، با موفقیت تمام به تصویب رسانند، در واقع، گام بزرگی در جهت وحدت سیاسی پیروان مذاهب اسلامی پاکستان برداشتند. در تدوین این اصول، علّامه مفتی جعفر حسین و علّامه کفایت حسین از شیعیان نمایندگی می‌کردند.

در مجموع، «سیاست» در پاکستان از «مذهب» جدا تلقّی می شود. احزاب سیاسی عمده کشور مانند «مسلم لیگ» و حزب «مردم» (پیپلز پارتی)[۹۲۲] بر جدایی دین از سیاست اعتقاد دارند و مانع از رخنه گرایش های تندروانه مذهبی در حزب و دولت می گودند. غلبه نگرش غیردینی نسبت به سیاست و قدرت، جهت گیری فعالیت‌ها را از مذهب به قدرت محض تغییر داده و «شهروندی» مبانی اصلی این فعالیت ها به‌شمار می‌آید. بنابراین، نابرابری حاکم بر قواعد بازی در عرصه سیاسی این کشور، خاستگاه طبقاتی و اجتماعی دارد که در آن طبقهٔ زمیندار و فئودال (جاگیردار و ودیره) پیروز اصلی و نهایی بازی قدرت به‌شمار

##PAGE=۴۰۸##

---

[۹۲۲] ytraP selpoeP..(1)

می‌آید. هرچند احزاب اسلامی نیز در این کشور فعّال هستند، اما تاکنون نتوانسته اند فرهنگ سیاسی و قواعد بازی را تغییر دهند. این احزاب از قدرت سیاسی نسبتا ضعیفی برخوردارند . قدرت واقعی کشور در طول نیم قرن گذشته، در اختیار زمینداران و سرمایه‌داران بزرگ قرار داشته است. بنابراین، باتوجه به وابستگی‌های مذهبی طبقه فئودال، سیاست و قدرت نیز میان مذاهب گوناگون توزیع گردیده است. هرچند ممکن است این توزیع به‌دلیل نابرابری در اصل توزیع زمین و سرمایه، که منبع اصلی قدرت و سیاست در این کشور تلقّی می شود، نابرابر باشد، اما این نابرابری ریشه غیردینی دارد و در آن تمام افراد وابسته به طبقات پایین و متوسط بدون توجه به خاستگاه مذهبی آنان، تقریبا به نحو یکسان از قدرت به حاشیه رانده شده‌اند.

مشارکت شیعیان در حکومت و سیاست، به دو روش صورت گرفته است:

اول. مشارکت غیرسازمان یافته که از آغاز تشکیل پاکستان تا امروز، به طور سنّتی ادامه پیدا کرده است . منظور از «مشارکت غیرسازمان یافته» این است که شیعیان فاقد یک حزب سیاسی مشخص بوده و مشارکت آنان در سیاست از طریق عضویت در احزاب سیاسی دیگر مانند «مسلم لیگ» و حزب «مردم» و یا به‌گونه آزاد انجام گرفته است. در واقع، باز بودن فضای سیاسی و سکولار بودن سیاست، دو عامل اصلی در عدم رویکرد شیعیان به تشکّل های دارای هویّت مذهبی بوده است. شیعیان عدم توجه به سیاست مذهبی را شیوه موفق‌تری برای حضور خویش در قدرت می‌دانسته‌اند.

دوم. مشارکت سازمان یافته که با تأسیس «نهضت اجرای فقه جعفری » در سال ۱۹۷۹ به‌نحوی آغاز شد و با حضور مستقل و آشکار این حزب در انتخابات ۱۹۸۸ رسما جامه عمل پوشید. در مشارکت نوع دوم، شیعیان با ورود به‌عرصه

##PAGE=۴۰۹##

سیاسی از طریق حزب سیاسی ویژه و با هویّت مذهبی شیعی خود، درصدد حفظ و یا احیای هویّت مذهبی خویش بودند و این در شرایطی بود که شیعیان از ناحیه دولت نظامی ضیاء الحق، که سیاست مذهبی را در پیش گرفته بود، احساس هویّت‌زدایی می‌کردند. شیعیان پاکستان هیچ‌گاه هویّت سیاسی‌شان مورد تهدید قرار نگرفته و دغدغه‌ای از لحاظ مشارکت سیاسی نداشته‌اند. دغدغه اصلی آنها در زمینه نادیده انگاشتن هویّت مذهبی شان بوده است که همین امر زمینه انسجام سیاسی آنها را در قالب «تحریک جعفریه» در دهه ۱۹۸۰ فراهم کرد.

در این فصل، جایگاه شیعیان در حکومت و سیاست، احزاب سیاسی، چالش ها و فرصت‌ها و دغدغه‌های سیاسی آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جایگاه شیعیان در حکومت

برخلاف بسیاری از کشورهای اسلامی، که اقلّیت شیعه در آنها تقریبا از مشارکت مناسب در قدرت محروم بوده و همیشه یا غالبا نوعی بدبینی مذهبی نسبت به آنها وجود داشته و از حضور آنها در پست های مهم دولتی جلوگیری به عمل آمده، در پاکستان عرصه برای مشارکت سیاسی شعیان به خوبی فراهم بوده و تبعیضی از سوی حاکمیت در این مورد اعمال نگردیده است. به نظر می‌رسد تنها در دوران حکومت ضیاء الحق (۱۹۷۷– ۱۹۸۸)، که تندروان مذهبی در بعضی ارکان مهم دولت، به ویژه سازمان «اطلاعات ارتش» i. s. i (نفوذ کرده بودند، محدودیت هایی نسبت به غیردیوبندی ها مانند

بریلوی‌ها و شیعیان تا حدّی اعمال می شد. علّامه سید ساجد علی نقوی، رهبر شیعیان پاکستان، با اشاره به پیشینه مشارکت سیاسی شیعیان و ارزیابی آن با دوران ضیاء الحق و پس از آن چنین می‌گوید:

##PAGE=۴۱۰##

در سیاست کشور هم ملّاکان شیعه نقش دارند . حتی در حرکتی که برای تأسیس پاکستان شد، بیشتر از سرمایه های شیعیان صرف گردید. آن روزها، حتی در اوایل تأسیس کشور، در پست های مهم دولتی هم شیعیان وجود داشتند و در سیاست کشور هم نقش ایفا می کردند. اکنون هم در سیاست کشور نقش دارند، اما نه مثل گذشته، بسیاری از کسانی که در نهادهای دولتی کشور بیشتر نقش داشتند، اکنون آن نقش را از دست داده‌اند.[۹۲۳]

علّامه سید ساجد نقوی ضمن تشریح تأثیرات منفی سیاست‌های مذهبی دولت ضیاء الحق و نیز فرقه گرایی برخی گروه‌ها و افراد بر روند مشارکت آزادانه شهروندان، آن را در حدّی نمی داند که سبب محروم یت جدّی شیعیان در عرصه های سیاسی شده باشد. او می‌گوید:

البته در میدان سیاست- همان‌گونه که عرض کردم- اکنون هم شیعیان حضور دارند و در احزاب گوناگون هستند؛ مانند حزب «مردم» و حزب «مسلم لیگ » ... اکنون در حزب حاکم، بعضی هستند که پست وزارتی، پست مشاورتی و پست‌های دیگر دارند.[۹۲۴]

سیاست‌مداران شیعه حضور در سیاست را نه از پایگاه مذهبی و دینی، که از پایگاه سیاسی و غیرمذهبی- صرفا به‌عنوان یک شهروند- تداوم بخشیده‌اند.

ظاهرا بیشتر آنها علایق مذهبی قابل توجهی ندارند و از پرداختن به امور مذهبی و حقوق دینی شیعیان، که از سوی «تحریک جعفریه» مطرح می‌شود، خودداری می‌ورزند. یکی از نویسندگان شیعه در این‌باره می‌نویسد:

##PAGE=۴۱۱##

بعد از تشکیل پاکستان، در پارلمان این کشور، تعداد قابل توجهی اهل تشیّع همیشه وجود داشته، اما آنها نیز همانند سایر اعضای پارلمان و رهبران احزاب سیاسی، دین را محور سیاست ملّی قرار نداده‌اند.[۹۲۵]

سازوکار مشارکت در سیاست، سازوکار انتخاباتی است . اما شیعیان به‌دلیل عدم تمرکز، قادر به کسب آراء لازم در بیشتر حوزه‌های انتخاباتی نیستند. از این‌رو، آنها از مذهبی شدن جریان رقابت های انتخاباتی به‌شدت اکراه دارند و آن را به نفع خود نمی‌دانند. رهبران مذهبی شیعه به خوبی متوجه این موضوع هستند. وکیل وزارت حسین نقوی، یکی از برجسته ترین رهبران شیعه و فرد شماره ۲ «تحریک جعفریه» (در گذشته)، می گوید:

---

[۹۲۳] (1). سید ساجد علی نقوی،« شیعیان و چالش‌های پیش رو؛ وضعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شیعیان در پاکستان»، فصل‌نامه تخصصی شیعه‌شناسی، سال سوم، ش10(تابستان1384)، ص208.

[۹۲۴] (2). همان، ص209.

[۹۲۵] (1). تسلیم رضا خان، سفیر نور، ص242.

نقش ما در سیاست کشور نقش وزن بخشنده بوده و کسی بدون رأی ما به پارلمان راه نمی یابد. هرچند ممکن است ما نتوانیم به تنهایی در انتخابات به پیروزی دست یابیم، اما موقعیت ما به گونه‌ای است که به هر طرف برویم وزنه آن طرف سنگین می‌شود. از این‌رو، تمام احزاب سیاسی با «تحریک جعفریه» ارتباط برقرار می‌کنند.[۹۲۶]

سیاست در پاکستان عمدتا در انحصار خانواده های مشخصی قرار دارد؛ زیرا سیاست در این کشور، مبتنی بر نظام «جاگیرداری»[۹۲۷] و «سرداری» است.

خانواده‌های «سردار»، «ودیره» و «جاگیردار»[۹۲۸] به‌طور سنّتی و ارثی، بخش اعظم قدرت سیاسی را در دست دارند . در میان خانواده های سیاسی سنّتی، تعدادی خانواده های سرشناس شیعه نیز و جود دارند که همیشه در سیاست دست داشته‌اند. در اینجا، می توان به‌برخی از آنها، که در سطح کشور مطرح بوده و تقریبا در هر حکومتی به نحوی در عرصه سیاسی فعّالند، اشاره نمود.

##PAGE=۴۱۲##

خانواده‌های سیاسی شیعه

۱. سادات شاه جیونه جنگ

سادات شاه جیونه از فرزندان حضرت محبوب عالم، معروف به «شاه جیونه» هستند که در دوران سلطنت سلطان غیاث الدین بلبن (۱۲۶۶– ۱۲۸۷) از سمرقند به شبه‌قاره آمدند. کرنل سید عابد حسین (م ۱۹۷۱) اولین فرد این خانواده است که پس از تشکیل پاکستان، در صحنه سیاست این کشور ظاهر شد . او فعالیت سیاسی را با عضویت در انجمن شهر «دسترکت بورد»[۹۲۹] جنگ در سال ۱۹۳۷ آغاز کرد و در سال ۱۹۵۵ با عضویت در کابینه پاکستان غربی (بنگلادش کنونی) به‌عنوان وزیر «آموزش» به فعالیت پرداخت .[۹۳۰] پس از فوت کرنل عابد حسین، دختر او سیده عابده حسین وارث سیاسی پدر گردید. عابده حسین تاکنون به عضویت احزاب مختلف درآمده است؛ مانند حزب «مردم»، حزب «بی. این.

ای»،[۹۳۱] حزب «دمکراتیک ملّی» و بالاخره حزب «مسلم لیگ». او از نظر سیاسی، در پست‌های مهمی قرار داشته است؛ مانند عضویت مجلس ایالتی، ریاست «شورای شهرستان جنگ» در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۷، وزیر اطلاعات و نشریات در کابینه موقّت غلام مصطفی جتویی ۱۹۸۵ و سفیر پاکستان در آمریکا در سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳ در حکومت نواز شریف.[۹۳۲]

---

[۹۲۶] (2). مصاحبه اختصاصی با سید وزارت حسین نقوی در بکّر،30 مارس2004.

[۹۲۷] (3). جاگیرداری: ارباب رعیتی و فئودالی.

[۹۲۸] (4). جاگیردار: زمین‌دار بزرگ.

[۹۲۹] (1). draoB tcirtsiD.

[۹۳۰] (2). وکیل انجمن، سیاست کی فرعون، ص311/ عقیل عبّاس جعفری، پاکستان کی سیاسی و دیری، ص260.

[۹۳۱] (3). ytraP .A .N .B.

[۹۳۲] (4). وکیل انجم، سیاست کی فرعون، ص319/ عقیل عبّاس جعفری، پاکستان کی سیاسی و دیری، ص263-266.

سومین سیاست مدار نامدار این خانواده سید فیصل صالح حیات، برادرزاده عابده حسین، است . او در سال ۱۹۸۸ به‌عضویت مجلس «شورای ملّی» شهر جنگ انتخاب شد و در همان سال، به کابینه دولت مرکزی نیز راه یافت و در سال

##PAGE=۴۱۳##

۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳ نیز عضو مجلس «شورای ملّی» بود. در دولت کنونی پرویز مشرّف، مجددا به مجلس راه یافت و به‌عنوان وزیر کشور در دولت پرویز مشرّف مشغول به کار شد. اما در تابستان ۱۳۸۴ ه/ ۲۰۰۵ م پرویز مشرّف او را برکنار و به‌جای او، آفتاب احمد شیر پاو را به‌عنوان وزیر کشور منصوب کرد.

برادر کوچک تر فیصل صالح حیات، سید اسد حیات، نیز در فعالیت های سیاسی شرکت دارد و در سال ۱۹۹۳ به‌نمایندگی مجلس «شورای ملّی» از حوزه جنگ انتخاب شده بود.[۹۳۳]

از این خانواده، دو فرد دیگر نیز در عرصه سیاسی خوب درخشیده اند: سید ذو الفقار علی بخاری و سید افتخار علی بخاری. ذو الفقار علی بخاری در سال ۱۹۷۷ عضو مجلس «شورای ملّی» بود و برادرش افتخار علی بخاری در سال ۱۹۸۵ به‌عضویت مجلس سنا برگزیده شد و بعد مدتی را در سمت وزیر «دارایی» و «منصوبه‌بندی» (برنامه‌ریزی) انجام وظیفه می‌کرد.[۹۳۴]

در میان خانم‌های سیاست‌پیشه این خانواده، اکنون صغرا امام، دختر عابده حسین، وارد فعالیت شده است که در انتخابات ۲۰۰۲ به‌نمایندگی از محلّ خود به مجلس ایالتی راه یافت.

۲. سادات قتال‌پور خانیوال

این سادات روابط خا نوادگی و دوستی نزدیکی با سادات «شاه جیونه» دارند. سید فخر امام یکی از فعّالان سیاسی سادات «قتال‌پور»، پسرخاله و همسر سیده عابده حسین (از جنگ) است. او بارها در انتخابات مجالس ایالتی و ملّی شرکت جسته است و در انتخابات سال ۱۹۸۵ و ۱۹۹۰ به‌مجلس شورای ملّی راه پیدا کرد. در

##PAGE=۴۱۴##

مرحله اول، به‌ریاست مجلس نیز انتخاب گردید و در مرحله دوم، به عنوان وزیر «تعلیم» در کابینه نواز شریف (۱۹۹۰–۱۹۹۳) فعالیت می‌کرد.

دیگر افراد سرشناس این خانواده عبارتند از : دکتر خاور علی عضو مجلس ایالتی در انتخابات سال های ۱۹۷۷، ۱۹۸۵، ۱۹۸۸ و ۱۹۹۰، سید مراتب علی (از خانواده پدر بزرگ مادری عابده حسین و فخر امام)، سید امجد علی شاه وزیر

---

[۹۳۳] (1). عقیل عبّاس جعفری، پاکستان کی سیاسی و دیری، ص266.

[۹۳۴] (2). همان، ص286.

«دارایی» دولت فدرال در زمان ضیاء الحق و نماینده پاکستان در سازمان ملل متحد، و سید بابر علی وزیر «دارایی» در کابینه موقّت معین قریشی.[۹۳۵]

۳. خانواده تالپور

قوم «تالپور» یکی از اقوام شاهی ساکن در سند است که پس از سقوط سلسله حاکم «کلوار» در سال ۱۱۹۷ ق قدرت را در دست گرفت. حاکمان تالپور در قرن هجدهم و نوزدهم م، در مناطق حیدرآباد، خیرپور و میرپور خاص حکومت می‌کردند. همچنین حکومت عده ای از آنها تا چند سال پس از تشکیل پاکستان نیز بر خیرپور ادامه داشت . افراد و شاه‌زادگان میران تالپور، امروز نیز همچنان در عرصه سیاست پاکستان فعّالانه حضور دارند.

از تالپورهای میرپور خاص، می‌توان از میر امام بخش خان تالپور، میر منوّر علی تالپور و نوّاب محمّد یوسف خان تالپور به‌طور خاص نام برد. میر منوّر علی تالپور، شوهر خواهر آصف علی زرداری (همسر بی‌نظیر بوتو)، در سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۳ نماینده مردم در مجلس ایالتی سند بود . او همچنین یکی از فعّالان حزب «مسلم لیگ» در گذشته و حزب «مردم» در سال‌های اخیر بوده است. میر امام بخش خان تالپور عضو حزب «مردم» و نماینده مردم در مجلس «شورای ملّی» در دوران ذو الفقار علی بوتو (۱۹۷۰– ۱۹۷۷) بود. نوّاب محمّد یوسف خان

##PAGE=۴۱۵##

تالپور نیز از اعضای حزب «مردم» بود و در انتخابات ۱۹۹۳ به‌نمایندگی مجلس «شورای ملّی» انتخاب شد و در همان سال، به‌مقام وزارت «خوراک» در دولت فدرال منصوب گردید.[۹۳۶]

از میران تالپور ساکن تندو محمّد خان، خانواده میر غلام علی تالپور (۱۹۰۹– ۱۹۶۲) بیش از همه در سیاست نقش داشته است. خود میر غلام علی تالپور عضو مجلس ایالت سند در سال ۱۹۳۷، سپس به‌عنوان وزیر ایالتی انتخاب شد و در سال‌های ۱۹۵۳– ۱۹۵۴ ریاست مجلس سند را به‌عهده داشت و پیش از روی‌کار آمدن ایّوب خان، سمت وزارت را در دولت فدرال عهده‌دار و در سال ۱۹۶۲ نیز نماینده مردم در مجلس «شورای ملّی» بود.[۹۳۷] پسران او میر اعجاز علی و میر مختار علی نیز هرکدام در فعالیت‌های سیاسی حضور داشته‌اند.

میر اعجاز علی عضو حزب «مردم» و نماینده مجلس «شورای ملّی» در ۱۹۶۵ و ۱۹۷۷ و وزیر «آب و برق» در کابینه بوتو بود و در انتخابات ۱۹۸۵ به‌عضویت مجلس ایالت سند برگزیده شد و به عنوان وزیر در این ایالت مشغول کار بود.[۹۳۸]

در میان تالپورهای تند و میر محمود، میر علی احمد تالپور (۱۹۱۵– ۱۹۸۷) بیش از همه جلب توجه می‌کند. او در سال ۱۹۳۹، حاکم اعلای ایالت بهار گردید و پس از مدتی حاکم اعلای سند شد و در زمان ضیاء الحق در سال‌های ۱۹۷۸ تا

---

[۹۳۵] (1). همان، ص266.

[۹۳۶] (1). همان، ص479–480.

[۹۳۷] (2). همان، ص481.

[۹۳۸] (3). همان.

۱۹۸۵ وزیر «دفاع» کابینه دولت بود و از نظر سیاسی به حزب «مسلم لیگ» تعلّق داشت. پس از فوت میر علی احمد، برادرزاده او، میر رفیق تالپور، در فعالیت‌های سیاسی شرکت کرده است.

میران خیرپور تا ۱۹۷۷ در سیاست حضور داشتند و از آن به‌بعد، رغبتی در این زمینه نشان نداده‌اند.

##PAGE=۴۱۶##

۴. خانواده قزلباش لاهور

قزلباش‌های لاهور، که یکی از زمیندارترین خانواده‌های فئودال در پاکستان به شمار می روند، به‌تناسب موقعیت اقتصادی خود، در سیاست نیز نقش داشته‌اند.

مهم‌ترین شخصیت نیم قرن اخیر این خانواده نوّاب مظفّر علی قزلباش است . او با آنکه در ابتدا از تأسیس پاکستان حمایت نکرد و با «مسلم لیگ» میانه خوبی نداشت، اما پس از تثبیت پاکستان، توان ست به سرعت موقعیت خود را با شرایط جدید وفق دهد . او در دوران حیات خود، به مقام های مهم دولتی مانند وزارت اعلای پنجاب، وزارت اعلای مغربی پاکستان در ۱۹۵۸ و وزارت «صنایع» در دولت فدرال دست یافت .[۹۳۹] پس از فوت او، دخترش افسر رضا قزلباش راه پدر را ادامه داد. او در ابتدا، به‌عضویت «مسلم لیگ» درآمد و به‌عنوان نماینده مجلس «شورای ملّی» و وزیر در کابینه محمّد خان جونیجو (۱۹۸۵– ۱۹۸۸) فعالیت نمود، سپس به‌عضویت حزب «مردم» خانم بوتو درآمد و مسئول شعبه زنان این حزب در سال‌های ۱۹۹۴ و پس از آن در لاهور انتخاب شد.

یکی دیگر از فعّالان سیاسی خانواده قزلباش لاهور، میجر ذو الفقار علی است که با حزب «مسلم لیگ» همکاری داشت و دست‌کم یک‌بار در زمان ایّوب خان به نمایندگی مجلس «شورای ملّی» انتخاب شد.[۹۴۰]

۵. سادات گردیزی ملتان

سادات گردیزی ملتان یکی از زمیندارترین و فعّال ترین خانواده‌های سیاسی در میان خانواده‌های زمیندار و سیاست‌مدار معروف این شهر مانند «صدیقی» و «قریشی» به شمار می‌آیند. سادات گردیزی همه شیعه نیستند، بلکه شیعه و سنّی

##PAGE=۴۱۷##

دارند، اما همه نسبت به اهل بیت علیهم السّلام و اولیا اعتقاد و احترام نشان می دهند.[۹۴۱] سیاست‌مداران اخیر فعّال گردیزی عبارتند از: عبّاس حسین شاه فرزند سید الطاف حسین، و علی حسین شاه فرزند محمّد نواز شاه عضو «مسلم لیگ» و عضو مجلس ایالتی در دهه ۱۹۵۰ و وزیر ایالتی در همان دوره، و سید عبّاس حس ین گردیزی عضو حزب «مردم» و نماینده در مجلس «شورای ملّی» در دهه ۱۹۷۰.

---

[۹۳۹] (1). وکیل انجم، سیاست کی فرعون، ص251- 257.

[۹۴۰] (2). همان، ص259- 260.

[۹۴۱] (1). عقیل عبّاس جعفری، پاکستان کی سیاسی و دیری، ص337.

شاخه‌ای از سادات گردیزی در بهاولپور به‌سر می‌برند که آنها نیز در سیاست فعّالند.[۹۴۲]

۶. خانواده سردار یزدان خان کویته

مرحوم یزدان خان از قبیله «هزاره جاغوری» است که جوانی را در ارتش و پیری ر ا در ریاست بر مردم به عنوان یک سردار سپری کرد . او دارای سه فرزند به نام های ژنرال محمّد موسی خان، سردار محمّد عیسی خان و سردار محمّد اسحاق بود که هرکدام در سیاست پاکستان ایفای نقش کرده‌اند.

ژنرال محمّد موسی خان در دوران ریاست جمهوری محمّد ایّوب خان (۱۹۵۸– ۱۹۶۹)، هشت سال فرمانده کل ارتش پاکستان بود و در سال های ۱۹۶۷ تا ۱۹۶۹ به‌سمت فرماندار کل پاکستان غربی (پاکستان کنونی) تعیین شد و سپس در سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۱ در سمت فرماندار ایالت بلوچستان ایفای وظیفه می‌کرد.[۹۴۳]

سردار محمّد عیسی خان، فرزند دوم یزدان خان، عضو فعّال «مسلم لیگ» بود.

هرچند خود او نتوانست نقشی برجسته در سیاست ایفا کند، اما پسرش سردار نثار

##PAGE=۴۱۸##

علی (ت ۱۹۴۵) دوبار در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۹۷ در مجلس شورای ایالتی بلوچستان به عنوان نماینده برگزیده شد و در بار دوم، به‌عنوان وزیر «تعلیم» نیز در ایالت بلوچستان خدمت کرده است.[۹۴۴]

سردار سعادت فرزند دوم سردار محمّد عیسی خان نیز مدتی مقام وزارت «بهداشت» را در ایالت بلوچستان دارا بوده است. سردار محمّد اسحاق خان، پسر سوم یزدان خان، در دوران ریاست جمهوری ایّوب خان (۱۹۵۸– ۱۹۶۹) عضو مجلس شورای پاکستان غربی بود و پسرش سردار محمّد آصف (ت ۲۰۰۲) ضمن عهده‌داری وظیفه افسری در «محکمه خارجه»، ۱۵ سال تمام رئیس «شیعه کنفرانس» و یکی از فعّالان سیاسی و اجتماعی در شهر کویته بوده است.[۹۴۵]

از افراد مهم سیاسی– اداری دیگر این خانواده، سردار حسن موسی، پسر ژنرال موسی، است که به عنوان افسر عالی‌رتبه در سازمان «هواپیمایی و ورزش » در کراچی فعالیت داشت و فرزند او مهدی حسن موسی مدتی وزیر «آب و برق » بلوچستان بود (۲۰۰۱). در اینجا، می‌توان از مارشال نیروی هوایی شربت علی چنگیزی، داماد ژنرال موسی خان، نیز یاد نمود.

علاوه بر این شش خانواده بزرگ سیاسی سنّتی، بعضی خانواده‌های سیاسی دیگر نیز در حدّ محدودتر وجود دارند؛ مانند بعضی خانواده های قوم «سیال» در جنگ، «پیرها» در پاراچنار، خانواده «آخوندزاده» در پیشاور، خانواده های

---

[۹۴۲] (2). همان، ص340- 341.

[۹۴۳] (3). کوثر علی کوثر، تاریخ و ثقافت هزاره، ص 208/ مصاحبه شخصی با محمّد مهدی موسی نوه محمّد موسی خان در کراچی، 11 اسفند 1382 ش/ اول مارس 2004 م.

[۹۴۴] (1). همان، ص208- 209.

[۹۴۵] (2). همان، ص208.

«سادات» تقریبا به طور غالب در پنجاب و سند، تعدادی از خانواده های «گیلانی» شیعه در پنجاب و نیز بعضی خانواده‌های ذی نفوذ شیعه در کراچی به‌ویژه در میان خوجه‌ها که نفوذ گسترده‌ای در بخش اداری دارند.

##PAGE=۴۱۹##

حضور شیعیان در مجالس شورا و سنا

قوّه مقنّنه پاکستان از دو مجلس «شورای ملّی» و «سنا» تشکیل شده است. مجلس «شورای ملّی» دارای ۳۴۲ عضو و مجلس «سنا» دارای ۱۰۰ عضو است.[۹۴۶] نمایندگان مجلس شورای ملّی از طریق انتخابات عمومی برگزیده می‌شوند، اما اعضای مجلس سنا از سوی مجالس ایالتی (۵۶ نفر)، مجلس شورا (۸ نفر) و نیز حکومت مرکزی برگزیده می شوند.[۹۴۷] نظام سیاسی پاکستان فدرالی است که در آن، علاوه بر وجود مجلس شورای ملّی، چهار مجلس ایالتی دیگر نیز در چهار ایالت این کشور وجود دارد که به‌کار قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری در محدوده ایالت‌های مربوط می‌پردازند. نظام انتخاباتی مرکّب از حزبی و آزاد است. در این نظام، ملاحظات مذهبی، زبانی و قومی در نظر گرفته نمی شود و هر فرد با عضویت و نامزد شدن در حزب موردنظر خود و یا به طور مستقل، می تواند از حوزه محل اقامت خود و یا خارج از آن در انتخابات مجالس (ایالتی، ملّی و سنا) نامزد شود.

اما ساختار اجتماعی جامعه به گونه‌ای است که عناصر زبانی و قومی و گاهی نیز مذهبی نمی تواند کاملا در آن نادیده گرفته شود. بنابراین، عوامل مزبور کم‌وبیش بر انتخابات تأثیر می‌گذارد.

شیعیان همانند سایر گروه های مذهبی، از مجاری حزبی و یا به طور مستقل، در عرصه انتخابات، که هیچ محدودیت قانونی در آن وجود ندارد، حضور پیدا می کنند. هرچند این حضور هیچ گاه نتوانسته است از میزان تناسب جمعیتی مورد ادعای آنها (۲۰ درصد تا ۲۵ درصد) به درستی نمایندگی کند، اما باز بودن مسیر ورود به سیاست و عدم وجود سانسور و تبعیض رسمی، همیشه رضایت خاطر

##PAGE=۴۲۰##

برای شیعیان به‌وجود آورده است.

سیاست‌مداران شیعه معمولا از روند مشارکت سیاسی شیعیان راضی به نظر می‌رسند. آنها شکست و پیروزی در انتخابات را ناشی از عامل دینی و مذهبی تلقّی نمی‌کنند؛ زیرا فضای غالب بر سیاست کشور، فضای غیردینی است.

در مجلس «شورای ملّی» کنونی، که در سال ۲۰۰۲ انتخابات آن برگزار شد، ۳۷ نماینده شیعه بدان راه پیدا کردند.[۹۴۸] در مجلس سنا نیز از ۱۰۰ نماینده، دست کم ۶ تن شیعه هستند (سید دلاور عبّاس و اس . ایم. ظفر از لاهور، محمّد عبّاس

---

[۹۴۶] (1). صفدر محمود، آیین پاکستان، ص87 و 91.

[۹۴۷] (2). همان، ص91-92.

[۹۴۸] (1). مصاحبه با حجة الاسلام سید افتخار حسین نقوی، قم، تابستان1384. اما در فهرستی که نگارنده از برخی بزرگان محقق شیعه در اسلام‌آباد دریافت نمود، 17 نفر در مجلس ذکر شده بود: 9 نفر از پنجاب، 6 نفر از سند، یك نفر از پاراچنار و یك نفر از اسلام‌آباد.

کمیلی از کراچی، سید سجّاد حسین از پاراچنار، سید مشاهد حسین از اسلام آباد و سید سجاد حسین بخاری از لاهور). سطح مشارکت شیعیان در هردو مجلس، نسبتا خوب است، هرچند خواسته واقعی آنها بیش از این است . اما احساس محرومیت سیاسی در جامعه شیعیان چندان محسوس نیست . در هیأت دولت، حضور شیعیان ناچیز است؛ چنان که در کابینه نخست وزیر ظفر الله خان جمالی (۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴) ظاهرا تنها یک نفر وزیر از شیعیان حضور داشت (وزیر کشور) و در کابینه فعلی شوکت عزیز با تغییر وزیر کشور، همان یک نفر هم وجود ندارد.

مشارکت و حضور شیعیان در مجالس ایالتی کمتر از این مشاهده می‌شود.

در مجلس ایالتی سرحد شمال غربی، که ۱۲۴ نماینده دارد، تنها ۳ نماینده از شیعیان حضور دارند : مخدوم‌زاده مرید کاظم از دیره اسماعیل خان، سید قلب حسن از بنگش و خانم غالبه[۹۴۹] خورشید آخوندزاده از پیشاور.[۹۵۰] یک نفر

##PAGE=۴۲۱##

۹۵۱

از اعضای «تحریک جعفریه» (رمضان توقیر) هم به‌عنوان وزیر «مشاور» در کابینه این ایالت شرکت دارد.[۹۵۲] در پنجاب و سند، حضور شیعیان در مجلس ایالتی و دولت محلّی نیرومندتر از دو ایالت سرحد و بلوچستان است.

در مجلس ایالتی پنجاب، نمایندگان زیادی از شیعیان حضور دارند؛ مانند مخدوم سید مختار حسین از لاهور، حفیظ الله خان بلوچ از بکّر، صغرا امام دختر عابده حسین از جنگ، سید اکبر خان از بکّر، ملک الله بخش از لیّه، حسین جه انیان گردیزی از کبیر والا، شیخ منظور از بهاولپور، سید عابد شاه از سرگودا، سید علی عبّاس از شیخوپوره، [۹۵۳] و در کابینه دولت محلّی ایالت پنجاب نیز وزرای شیعه مانند شوکت علی بتی وزیر «فرهنگ»، سید اکبر خان وزیر «زندان‌ها»، سید اختر حسین رضوی وزیر «کار»، سید رضا علی گیلانی وزیر «مسکن»، و سردار حسنین بهادر دریشک وزیر «دارایی» مشارکت دارند. در مجلس ایالتی بلوچستان، ظاهرا تنها ۲ نفر از حوزه انتخاباتی کویته (سرهنگ یونس چنگیزی و دکتر رقیّه هاشمی) به آن راه یافته‌اند و در کابینه آن، تنها یک وزیر شیعه (یونس چنگیزی) حضور دارد.

شیعیان، نیروهای مسلّح و ادارات

به نظر می رسد حضور شیعیان در ارتش، نیروی انتظامی (پلیس) ژاندارمری و امور اداری قوی تر و پررنگ تر از بخش‌های دیگر است . دلایل آن باتوجه به وضعیت اقتصاد عمومی مردم، کاملا روشن است . شرکت در انتخابات و راه‌یابی به‌مجالس شورا، هزینه‌های سنگینی دربر دارد که طبقات کم‌درآمد

---

[۹۴۹] abilahG..(2)

[۹۵۰] (3). گفت‌وگو با خانم غالبه خورشید آخوندزاده در منزل ایشان، پیشاور، محلّه« مروی‌ها»، 25 آبان1382.

[۹۵۱] عارفی، محمد اکرم، شیعیان پاکستان، 1جلد، شیعه شناسي – قم، چاپ: اول،1385 هـ.ش.

[۹۵۲] (1). سید ساجد نقوی، شیعیان و چالش‌های پیش‌رو، فصل‌نامه تخصصی شیعه‌شناسی، ص218.

[۹۵۳] aroopohkiahS..(2)

##PAGE=۴۲۲##

و حتی متوسط جامعه به آسانی از عهده آن برنمی آیند؛ اما حضور در سازمان ارتش، پلیس، ژاندارمری و اداری کشور نه تنها هزینه‌ای به‌همراه ندارد که مهم‌ترین منبع کاریابی و درآمد نیز به‌شمار می‌رود. نظام استخدامی و عضوگیری در ارتش و نیروی انتظامی (پلیس) مبتنی بر نظام وظیفه عمومی نیست، بلکه از نوع استخدام با حقوق است که براساس آن، دولت به‌تمام افراد نیروهای نظامی و انتظامی از سرباز ساده تا درجه داران عالی‌رتبه حقوق می پردازد. در جامعه‌ای که آمار بیکاری بسیار بالاست، مراکز استخدام ارتش، پلیس و اداری از مهم ترین مراکز اشتغال‌زایی محسوب می‌شوند. از این‌رو، بخش قابل توجهی از مردم به‌این سازمان‌ها و ادارات جذب شده‌اند.

آمار شیعیان در نیروهای نظامی، انتظامی و ژاندارمری بر ده‌ها هزار نفر بالغ می‌شود.

در سازمان ارتش و پلیس، تعداد زیادی افسران عالی‌رتبه شیعه وجود دارند که به‌خاطر نظام مبتنی بر شایسته‌سالاری در ارتش، درجه‌داران به‌راحتی می‌توانند براساس بروز شایستگی‌های خود، ارتقای مقام پیدا کنند . ژنرال محمّد موسی خان ظاهرا اولین افسر شیعه‌ای بود که در سال های ۱۹۵۸– ۱۹۶۶ در پاکستان به بالاترین درجه نظامی، که «فرمان‌دهی کل نیروهای ارتش» باشد، نایل آمد. پس از او، ژنرال یحیی خان به‌این مقام رسید و یحیی خان از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۱ در بالاترین پست سیاسی، که «ریاست جمهوری» باشد، نیز حضور داشت.

در دهه‌های اخیر نیز شیعیان به درجات عالی در ارتش دست یافته اند. تقریبا عالی‌ترین درجه نظامی پاکستان درجه «ژنرالی» است که امروز تعداد زیادی از ژنرال های شیعه یا در درون ارتش مشغول خدمت هستند و یا از آن بازنشسته شده و در بخش‌های غیرنظامی مشغول کار شده‌اند؛ مانند:

##PAGE=۴۲۳##

۱. ژنرال یحیی؛

۲. ژنرال سید تصوّر حسین، بازنشسته از پنجاب؛

۳. ژنرال تجمّل حسین، بازنشسته از پنجاب؛

۴. ژنرال سید سالار حسین شاه، بازنشسته از بهاولپور؛

۵. ژنرال احمد علی قزلباش، بازنشسته از پیشاور؛

۶. مارشال نیروی هوایی شربت علی چینگری، بازنشسته از کراچی؛

۷. ژنرال حسین مهدی، بازنشسته از لاهور؛

۸. ژنرال مهدی حسن، بازنشسته از اسلام‌آباد؛

۹. ژنرال تنویر نقوی، بازنشسته از اسلام‌آباد؛

۱۰. ژنرال جهانگیر، بازنشسته از اسلام‌آباد؛

۱۱. ژنرال علی رضا، بازنشسته از اسلام‌آباد.

در تقسیمات ارتش پاکستان، پنج فرمان دهی بزرگ وجود دارد که هرکدا م چندین لشکر را تحت فرمان خود دارد . به فرمانده هریک از این دسته ها «کور کماندر» گفته می‌شود. دست‌کم یکی از این «کور کماندر» ها (به نام «ذاکر زیدی») شیعه است . او چند سال قبل کورکماندر ایالت بلوچستان بود . در سطوح پایین تر فرمان دهی ارتش، مانند «کرنل» (سرهنگ)، «کپتان»[۹۵۴] (سروان)، «میجر»[۹۵۵] (سرگرد) و امثال آن نیز تعداد زیادی شیعه وجود دارد.

نیروی ارتش بیشتر از افراد پنجابی تشکیل شده و شیعیان و اهل سنّت پنجاب بدون مواجه شدن با تعصّبات خاص مذهبی، به تناسب حضور خود، در ارتش راه پیدا کرده اند. پس از پنجابی ها، پشتون (پتان) ها نیرومندترین گروه را در ساختار ارتش، به‌ویژه در سطوح فرمان‌دهی آن، تشکیل می‌دهند، اما به‌نظر می‌رسد حسّاسیت مذهبی پشتون‌ها در ارتش بسیار بیشتر از پنجابی‌ها باشد. تعدادی از

##PAGE=۴۲۴##

این افسران در دوران ضیاء الحق، تحت تأثیر گرایش های تندروانه دیوبندی قرار گرفته بودند که بعدا گروه طالبان در افغانستان را پشتیبانی تسلیحاتی، لجستیکی و مشاوره‌ای می‌کردند.

حضور شیعیان در نیروی انتظامی نیز بسیار چشمگیر است . در بسیاری شهرها، افسران شیعه در مقام فرمانده کل نیروی پلیس و یا معاونان آن در سطح شهر یا کلانتری (تهانه) انجام وظیفه می کنند. این حضور در هر چهار ایالت کاملا محسوس است. چنین به‌نظر می‌رسد که نظام اداری سازمان نیروهای نظامی، انتظامی و همچنین کشوری به گونه‌ای بسیار انعطاف‌پذیر و عاری از تعصّب های جدّی فرقه‌ای و مذهبی فعالیت می کند. در این سازمان‌ها و ادارات، تمایلات قومی و زبانی بر تمایلات مذهبی غالب آمده است.

همچنین حضور شیعیان در بدنه اداری کشور، مانند وزارت خانه‌ها، سازمان ها، شهرداری ها، شوراهای شهری (یونین کونسل)، بانک ها و نهادهای فرهنگی و آموزشی رضایت بخش است . در کراچی، اسلام آباد، لاهور، کویته و دیگر شهرهای بزرگ، بیشترین نیروی کار را پس از بازار، بخش اداری به‌خود اختصاص داده است.

در مناطق اکثریت شیعه نشین، مانند پاراچنار و مناطق شمالی، مسئولان سطح اول اجرایی، اداری و انتظامی همیشه از میان اهل سنّت انتخاب شده اند. اداره این دو منطقه، که از مرکزیت پیشاور و اسلام آباد مستقیما کنترل می شود، در دست مقامات مرکز ایالت و پایتخت قرار دارد . دولت مرکزی و ایالتی با نوعی نگاه تردیدآمیز به اکثریت شیعیان بومی این دو منطقه می نگرد و با ترس از رشد تمایلات شیعی و احتمالا استقلال فرهنگی این مناطق، کوشیده است امور آنج ا را در

---

[۹۵۴] (1).. niatpaC

[۹۵۵] (2).. rojaM

دست اهل سنّت نگه دارد و شیعیان محلّی را بیشتر تحت نظر قرار دهد، در حالی که شیعیان این مناطق هیچ گاه تمایلات منافی با وحدت ملّی کشور نداشته‌اند و تهدیدی برای وفاق اجتماعی و سیاسی به‌حساب نمی‌آیند. اما در بدنه اداری و

##PAGE=۴۲۵##

انتظامی تشکیلات محلیّ، اکثریت با شیعیان است.

سید خیرات حسین، برادر حجۀ الاسلام و المسلمین سید عابد حسین، از پاراچنار درباره میزان مشارکت شیعیان در دولت محلّی پاراچنار می‌گوید:

اکثریت کارمندان را شیعه تشکیل می دهند، اما فرماندار پاراچنار، که از طرف فرماندار (گورنر) پیشاور انتخاب می گردد، همیشه از میان برادران اهل سنّت انتخاب می شود. در ژاندارمری حدود ۹۰ درصد و در ملیشه حدود ۵۰ درصد شیعه هستند.[۹۵۶]

در مورد مشارکت شیعیان در اداره مناطق شمالی، حجۀ الاسلام و المسلمین احسان علی اتحادی، یکی از روحانیان فعّال اجتماعی- سیاسی گلگت، می‌گوید:

در جنگ آزادی، نقش اصلی از آن شیعیان و سپس اسماعیلی‌ها بود.

پس از آنکه مردم مناطق شمالی به پاکستان پیوستند. حکومت پاکستان اداره امور آنجا را به برادران اهل سنّت، که بعضا تعصّبات مذهبی نیز داشتند، واگذار کرد . مردم مناطق شمالی فاقد حقوق سیاسی بوده و نماینده‌ای در مجلس «شورای ملّی» و حکومت مرکزی ندارند. رئیس اجرایی و هفت معاونت آن در گذشته، همیشه از برادران پنجابی و پتان انتخاب می‌شدند. رئیس پلیس و افسران عمده نیروی انتظامی و نظامی نیز از افراد غیربومی تعیین می شوند. اما در سال های اخیر، مقداری تعدیل در ساختار سیاسی اینجا به‌وجود آمده است. برخی معاونت‌ها به شیعیان واگذار شده و چند مشاور نیز به آنها تعلّق گرفته اند. نقش شیعیان در شورای مناطق شمالی نیز افزایش چشمگیر یافته و به ۵۰ درصد رسیده است.[۹۵۷]

##PAGE=۴۲۶##

معاون رئیس اجرایی مناطق شمالی (دپتی چیف ایگزیکتیو)[۹۵۸] از ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴، فدا محمّد ناشاد، نامزد «تحریک جعفریه»، بود. اما در انتخابات ۲۰۰۴ یک نفر اسماعیلی به‌این سمت انتخاب شد. از سال ۱۹۹۴، که «تحریک جعفریه» به‌عنوان یک حزب سیاسی فعّال در انتخابات مناطق شمالی حضور پیدا کرد و هشت کرسی را در شورای مناط ق شمالی به خود اختصاص داد، تلاشی منسجم برای افزایش نقش شیعیان در آنجا آغاز گردید . در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴، که فدا محمّد ناشاد معاونت رئیس اجرایی حکومت مناطق شمالی را به عهده داشت، آقایان شیخ غلام حیدر از نگر و عمران

---

[۹۵۶] (1). گفت‌وگو با سید خیرات حسین در روستای« علی زی» پاراچنار، 27 آبان1382.

[۹۵۷] (2). گفت‌وگو با حجة الاسلام و المسلمین احسان علی اتحادی، قم، 6 آبان1384.

[۹۵۸] (1)..evitucexE feihC ytupeD

ندیم از شگر، به عنوان دو «مشیر» (یا وزیر) شیعه در کابینه وجود داشتند . محمّد اسماعیل وزیر (مشیر) علاقایی (محلی)[۹۵۹] از «گانچی» نوربخشی و سیف الرحمن از «گلگت» و جانباز خان از «دیامر» دو وزیر سنّی بودند. در این شورا، روحانیان شیعه مانند حجج اسلام سید محمّد علی رضوی، سید محمّد عبّاس رضوی و شیخ غلام حید ر نجفی نیز عضویت داشتند.[۹۶۰] در پلیس، که عمدتا از نیروهای محلّی تشکیل شده است، شیعیان از اکثریت برخوردارند. همچنین در ارتش مرزی محلّی مناطق شمالی، که به «ناردرن ایریاز اسکاوتس»[۹۶۱] نامیده می‌شود اکثریت قاطع را شیعیان تشکیل می‌دهند. اما فرمانده عمومی آن- همان‌گونه که در بخش های دیگر معمول است- از افراد غیربومی و غیرشیعه تعیین می‌گردد.[۹۶۲]

##PAGE=۴۲۷##

جایگاه شیعیان در احزاب سیاسی

در پاکستان، احزاب سیاسی غیردینی زیادی فعالیت دارند که بعضی ملّی و فراگیرند مانند «مسلم لیگ»، حزب «مردم» (پاکستان پیپلز پارتی-.P. P. P (، «تحریک استقلال» و بعضی محلّی و ایالتی هستند که در سطح یک یا دو ایالت و یا در میان گروه‌های زبانی و قومی خاصی فعالیت می‌کنند؛ مانند «حزب ملّی عوام» A. N. P (، جنبش «قومی مهاجر»، «پختونخواه عوامی ملّی پارتی»، «جمهوری وطن»، «بلوچستان نیشنل پارتی»،[۹۶۳] و «پاک پختونخواه».

سیاست‌مداران شیعه تقریبا با همه این احزاب، کم وبیش ارتباط سازمانی و سیاسی دارند. اما قسمت عمده سیاست‌مداران و دوست‌داران فعالیت‌های سیاسی به دو حزب «مسلم لیگ» و «مردم» تعلّق دارد.

الف. مسلم لیگ

این حزب در سال ۱۹۰۶ م در «داکا» تأسیس شد. پیش از تقسیم هند (۱۹۴۷)، «مسلم لیگ» قوی‌ترین حزب سیاسی مسلمانان شناخته می شد و توانسته بود خود را به عنوان نماینده رسمی مسلمانان در برابر حزب «کنگره»، که بیشتر اعضای آن را هندوها تشکیل می دادند و تحت تأثیر ملّی گرایی هندو قرار داشت، مطرح سازد . زمانی که تنش میان جامعه مسلمانان و هندوها افزایش یافت، «مسلم لیگ» تحت رهبری محمّد علی جناح، مسئله استقلال و ایجاد دولت مستقل برای مسلمانان شبه‌قاره را مطرح کرد. این حزب در اجلاس ۲۳ مارس ۱۹۴۰ در لاهور، «قطع‌نامه پاکستان» را، که مبنای تشکیل پاکستان در ۱۹۴۷ گردید، تصویب کرد و بر رهبری نهضت عظیم مسلمانان، در ۱۴ اوت ۱۹۴۷

##PAGE=۴۲۸##

رسما شکل‌گیری کشور پاکستان را اعلام نمود.

---

[۹۵۹] (2). iaqalA.

[۹۶۰] (3). گزارش هیأت اعزامی« مجمع جهانی اهل بیت»، 26 مرداد 1381، ص 17- 18/ محمّد یوسف حسین‌آبادی، تاریخ بلتستان، ص314- 315.

[۹۶۱] (4). stuocs saerA nrehtroN.

[۹۶۲] (5). مصاحبه اختصاصی با احسان علی اتحادی، قم، 6 آبان1384.

[۹۶۳] (1). ytraP lanoitaN natsihcoolaB.

«مسلم لیگ» باتوجه به‌نقش بنیادی‌اش در تشکیل پاکستان، خود را وارث این سرزمین قلمداد کرده و قدرت را تقریبا همیشه در این کشور در اختیار داشته است . هرچند این حزب با بحران‌های داخلی و انشعابات متعدد در سال های ۱۹۶۲، ۱۹۸۸ و ۱۹۹۹ مواجه بوده و به شاخه های «کونسل مسلم لیگ »،[۹۶۴] «کنونشن مسلم لیگ »،[۹۶۵] «قیوم مسلم لیگ»،[۹۶۶] «جونیجو مسلم لیگ » و در سال های اخیر، به «مسلم لیگ قاید اعظم » و «مسلم لیگ نواز شریف » تقسیم شده، اما اعتبار آن به‌عنوان مهم‌ترین حزب سیاسی همچنان محفوظ مانده است و اکنون نیز قدرت را در دولت پرویز مشرّف در دست دارد.

«مسلم لیگ» از نظر خطمشی سیاسی و فکری، حزبی کاملا محافظه‌کار است.

این گروه طرفدار عدم دخالت دین در سیاست است و حافظ منافع طبقه اشراف و سرمایه دار و فئودال شناخته می‌شود. مهم‌ترین امتیازش نقش تاریخی مثبت آن در تشکیل پاکستان و برخورداری از حمایت ارتش است . شیعیان اشراف، محافظه کار و سنّتی بیشتر با این حزب همکاری دارند . از شش خانواده معروف سیاسی شیعه- که در این فصل به آنها اشاره شد- خانواده‌های «قزلباش» لاهور، «سردار یزدان خان» کویته، بیشتر «سادات شاه جیونه» (کنونی)، بیشتر افراد خانواده «گردیزی» و تعدادی از «سادات» قتال‌پور خانیوال اعضای «مسلم لیگ» هستند.

برخی از گردیزی‌ها و سادات قتال‌پور با خانواده تالپورها به حزب «مردم» وابستگی سیاسی دارند.

##PAGE=۴۲۹##

در مجموع، نفوذ حزب «مسلم لیگ» در میان شیعیان، کمتر از حزب «مردم» است. «مسلم لیگ» حزب نخبگان است که در میان توده و طبقات پایین جامعه، اعضای چندانی ندارد . نخبگان جامعه شیعه همانند نخبگان غیرشیعه در سطوح گوناگون این حزب حضور دارند؛ چنان‌که شهاب الدین شاه حسینی نایب رئیس آن در کل ایالت سند است. محمّد عارف خان مسئول «مسلم لیگ» در شهرستان جنگ در زمان نواز شریف بود (ق ۱۹۹۹). سید سرکار حسین شاه از گمبت (مربوط به شهرستان خیرپور سند) یکی از رهبران و فعّالان «مسلم لیگ» در شهر گمبت است.

از دیگر سیاست‌مداران متنفذ شیعه در «مسلم لیگ»، می‌توان میر هزار خان بجارانی وزیر در دولت مرکزی، سید علی شاه و ناز لطیفی در بت شاه، سید ساجد حسین در خیرپور و سید صغیر حسین زیدی منشی عمومی حزب در خیرپور، سید امام علی شاه در سکّر، سید ایاز علی شاه شیرازی در تتّه (سند)، راجا نادر پرویز خان نماینده مجلس در فیصل‌آباد، سید جعفر حسین بخاری نماینده مجلس از ملتان، محمّد طاهر شاه نماینده مجلس از جنگ، لیاقت عبّاس بتی نماینده مجلس از حافظآباد، سناتور سید دلاور عبّاس و اس . ایم. ظفر در لاهور، سناتور سید مشاهد حسین در اسلام آباد و صدها نفر دیگر را نام برد. سید مشاهد حسین سمت دبیر کلی «مسلم لیگ قاید اعظم» را در کل پاکستان به‌عهده دارد.

در بلوچستان نیز برخی سیاست‌مداران شیعه عضو «مسلم لیگ» هستند که از آن جمله، می‌توان از کرنل یونس چنگیزی، نماینده مردم در مجلس ایالتی و وزیر «ورزش» در این ایالت و غلام علی آزاد اعظم علمدار رود نام برد.

---

[۹۶۴] (1).. eugaeL milsuM lesnuoC

[۹۶۵] (2).. eugaeL milsuM noitnevnoC

[۹۶۶] (3). صفدر محمود، پاکستان کی اهم سیاسی جماعتین[احزاب عمده سیاسی پاکستان]، ص 15 و 19.

##PAGE=۴۳۰##

ب. حزب مردم (پیپلز پارتی)

حزب «مردم»، که در پاکستان بیشتر با حروف مخفّف«P. P. P» (پاکستان پیپلز پارتی) شناخته می‌شود، در سال ۱۹۶۷ توسط ذو الفقار علی بوتو از لارکانه سند و وزیر خارجه در کابینه رئیس جمهور ایّوب خان (۱۹۵۸- ۱۹۶۹) تأسیس شد.

شعارهای اصلی حزب «نان، لباس، مسکن، مساوات اسلامی و ملی شدن صنایع و زمین » بود.[۹۶۷] این حزب دارای تفکر سوسیالیستی و خطمشی انقلابی بود و از برابری در جامعه حمایت می کرد. نسل جوان تحصیل کرده و طبقات پایین جامعه، که از فشار نظام فئودالی و اشرافی ح اکم بر کشور رنج می بردند، به‌سرعت جذب این حزب گردیدند و در مدت تنها سه سال، به بزرگ‌ترین حزب سیاسی پاکستان تبدیل شد. احتمالا شعارهای مساوات‌طلبانه و مبارزه‌جویانه حزب با نظام فئودالی و جاگیرداری، که امید می رفت به‌زندگی اکثریت طبقه فقیر جامعه سر و سامان بخ شد، مهم ترین عامل در جذب توده‌ها به‌این حزب بوده است. برای شیعیان، دو عامل دیگر نیز می توانست در جذب بیشتر آنها به حزب «مردم» کمک نماید:

یکی عدم توجه این حزب به مسائل فرقه‌ای و مذهبی؛ دوم ارتباط مثبت مقامات رهبری حزب با شیعیان؛ زیرا همسر ذو الفقار علی بوتو، خانم نصرت بوت، دختر یک خانواده شیعی مذهب ایرانی الاصل است و بی نظیر بوتو، رهبر کنونی حزب، نیز تمایلات شیعی دارد و شوهرش آصف علی زرداری متعلّق به یک خانواده زمیندار شیعه است.

به‌هرحال، این حزب در جامعه شیعیان پاکستان، از محبوبیت بیشتری برخوردار است و بیشتر شیعیان در ایالات چهارگانه، به‌ویژه سند، که پایگاه اصلی حزب «مردم» به شمار می‌رود، از اعضا و هواداران حزب «مردم» محسوب

##PAGE=۴۳۱##

می‌شوند و در کراچی، پس از حزب «جنبش قومی مهاجر » M. Q. M (بزرگ‌ترین حزب را تشکیل می دهد. در حیدرآباد (سند)، دست کم پنج نماینده مجلس ملّی و ایالتی کنونی شیعیان وابسته به همین حزب هستند .[۹۶۸] همچنین سیاست‌مداران خانواده «میرزا» مانند میرزا عاشق حسین بیگ و دکتر ذو الفقار میرزا در سکّر و روهری، نیز «ناظم» های شهر و شهرستان مانند سید ناصر حسین شاه رضوی، سید کاظم علی شاه و سید قاسم علی شاه عضو حزب «مردم» هستند.[۹۶۹] میران تالپور در میرپور خاص مانند میر امام بخش خان تالپور، میر منوّر علی و دیگران و میران تندو محمّد خان مانند پسران میر غلام علی تالپور، که هرکدام در سیاست کشور فعّال هستند، در این حزب عضویت دارند.[۹۷۰]

---

[۹۶۷] (1). همان، ص103.

[۹۶۸] (1). مصاحبه با مولانا محمّد علی جروار، حیدرآباد،23 اسفند1382.

[۹۶۹] (2). مصاحبه با غلام سرور سومرو، مسئول سازمان« امامیه سند» در سکّر، سکّر، 1 مارس2004.

[۹۷۰] (3). عقیل عبّاس جعفری، پاکستان کی سیاسی و دیری، ص480-483.

حزب «مردم» در میان شیعیان پنجاب نیز طرف‌داران زیادی دارد. سادات شهرستان جنگ در گذشته با این حزب همکار بودند و اکنون نیز با آن ارتباط دارند . سادات بخاری (ذو الفقار علی بخاری و سید افتخار علی بخاری) از خانیوال و سادات قریشی در لیه و ملتان که از سیاست‌مداران فعال هستند اکثرا از اعضا و هواداران حزب مردم می‌باشند.[۹۷۱]

در ایالت سرحد نیز نفوذ حزب «مردم» بسیار چشمگیر است. حجج اسلام سید جواد هادی، عضو سابق مجلس سنا و سرپرست سابق شورای سیاسی «تحریک جعفریه»، و علّامه خورشید انور جوادی از سران «تحریک جعفریه» در ایالت سرحد، که هردو نفر نسبت به‌مسائل سیاسی آنجا آگاهی کافی دارند، می‌گویند: اکثریت شیعیان سرحد و پاکستان با حزب «مردم» هستند؛ چنان‌که قمر

##PAGE=۴۳۲##

عبّاس، وزیر سابق ایالت سرحد، و مرید کاظم، از فعّالان سیاسی ایالت، هردو از اعض ای حزب «مردم» هستند. حجۀ الاسلام علّامه نجم الحسین کراری (وفات ۱۹۸۲ م/ ۱۴۰۲ ق) اولین روحانی و از اولین افرادی بوده که در این ایالت، به حزب «مردم» پیوسته است.[۹۷۲]

در بلوچستان نیز این حزب هواداران زیادی دارد . هرچند قدرت و نفوذ اصلی در این ایالت متعلّق به احزاب محلّی پشتون، بلوچ و جمعیت علمای اسلام است، اما باوجود این، حزب «مردم» نیز از پایگاه مردمی برخوردار است؛ چنان‌که سه تن از «ناظم» های شیعه دیره مراد جمالی در سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵، وابسته به حزب «مردم» بودند. در کویته، مرکز اصلی شیعیان بلوچستان، نور محمّد صرّاف، نماینده مجلس ایالتی و وزیر در دهه ۱۹۸۰، طاهر خان و سید عبّاس (پسر مرحوم سید حسین)، از فعّالان سیاسی هزاره به‌این حزب تعلّق داشتند.

حزب «مردم» در مناطق شمالی نیز قدرتمند است. پیش از اینکه «تحریک جعفریه» در دهه ۱۹۹۰ در آنجا قدرت پیدا کند، حزب «مردم» تنها حزب عمده سیاسی شیعیان به‌شمار می‌رفت.[۹۷۳]

این حزب در انتخابات ۱۹۹۴، از ۲۴ کرسی شورای مناطق شمالی، ۷ کرسی را از آن خود نمود [۹۷۴] و در انتخابات سال‌های بعد نیز تعداد قابل توجهی از کرسی ها را به خود اختصاص داده است؛ مثلا، در انتخابات ۱۹۹۹، ۳ کرسی از ۹ کرسی مردان را در منطقه بلتستان از آن خود کرد.[۹۷۵]

بنابراین، از دو حزب بزرگ سیاسی پاکستان، حزب «مردم» در جایگاه اول و حزب «مسلم لیگ» در جایگاه دوم در میان شیعیان قرار دارد. اما چنان‌که تاکنون

##PAGE=۴۳۳##

---

[۹۷۱] (4). همان، ص267 و 283-286.

[۹۷۲] (1). مختار علی نیر آخوندزاده، عزاداری در استان سرحد، ص110.

[۹۷۳] (2). محمّد یوسف حسین‌آبادی، تاریخ بلتستان، ص314.

[۹۷۴] (3). همان، ص312.

[۹۷۵] (4). همان، ص386-387.

تجربه نشان داده، هیچ یک از این دو حزب پس از به دست گرفتن حکومت، توجه چندانی به شیعیان نکرده اند. وکیل وزارت حسین، از سیاست‌مداران و رهبران «تحریک جعفریه» می‌گوید:

حزب «مردم» تا حالا هیچ پست کلیدی به شیعه نداده است، همین‌طور «مسلم لیگ».[۹۷۶]

ج. تحریک جعفریه پاکستان (حرکت جعفری پاکستان)[۹۷۷]

۱. پیشینه: فعالیت‌های سیاسی سازمان یافته شیعیان، که تحت عنوان «حزب» و سازمان سیاسی و مذهبی بخصوصی صورت گرفته باشد، سابقه چندان طولانی در این کشور ندارد . سیاست‌مداران شیعه حضور در عرصه سیاسی را با اظهار هویّت مذهبی، نه تنها مناسب و مفید نمی دانسته‌اند، بلکه غالبا مخالف دینی شدن سیاست نیز بوده اند. همچنین نظام سیاسی پاکستان نیز اساسا برمبنای «تفکیک دین از سیاست » استوار یافته است که این امر زمینه غیرمذهبی شدن سیاست را بیش از پیش فراهم می‌نماید.

از سوی دیگر، رهبران مذهبی شیعه، که هدایت امور مذهبی مردم را در دست داشته اند، باتوجه به ایده غالب نزد مرجعیت شیعه مبنی بر عدم ورود به سیاست، در گذشته تمایل خاصی به فعالیت‌های سیاسی نداشتند و از این‌رو، در

##PAGE=۴۳۴##

پی تشکیل سازمان سیاسی ویژه شیعی برنیامدند . باوجود آنکه گروه های مذهبی دیگر مانند «دیوبندی»، «بریلوی» و «اهل حدیث» هرکدام دارای حزب سیاسی ویژه خود بوده‌اند، اما شیعیان تا سال ۱۹۷۹ از ورود در فعالیت‌های سیاسی تحت عنوان گروه مذهبی خاص، خودداری نمودند. هرچند در ماه اوت ۱۹۷۰ گروهی تحت عنوان «حزب سیاسی شیعه پاکستان (پاکستان شیعه پولیتیکل پارتی) اعلام موجودیت کرد و تا امروز نیز وجود دارد، اما این حزب هیچ‌وقت نتوانست در جامعه شیعه پایگاهی کسب کند و اعتماد مردم را به‌دست آورد.[۹۷۸]

شیعیان پاکستان حضور در سیاست را از طریق فعالیت و عضویت در احزاب سیاسی «مسلم لیگ» و حزب «مردم» تداوم بخشیده‌اند. این احزاب به‌خاطر مشی دموکراتیک و غیرمذهبی خود، از شیعیان به خوبی استقبال کرده‌اند. بنابراین، مسئله «مشارکت» برای شیعیان یک مسئله حل نشده تلقّی نگردیده و نگرانی در این خصوص نداشته اند. دغدغه اصلی رهبران شیعه حفظ حقوق مذهبی و فرهنگی بوده که هرگاه تهدیدی در این زمینه احساس کرده اند، به اقدامات سازمان‌یافته مذهبی- سیاسی دست زده‌اند. مهم‌ترین گروه‌های مذهبی و نیمه سیاسی، که در گذشته در این زمینه شکل گرفته، عبارت است از: «کنفرانس سراسری شیعه» در سال ۱۹۴۸ که توسط نوّاب مظفّر علی قزلباش در لاهور تأسیس

---

[۹۷۶] (1). سید وزارت حسین، بگر، 30 مارس 2004.

[۹۷۷] (2).« تحریك جعفریه پاکستان» نام حزب مذهبی- سیاسی شیعیان است که در دوران رهبری مفتی جعفر حسین و عارف حسین حسینی به نام« تحریك نفاذ فقه جعفریه» نامیده می‌شد. سپس در زمان رهبری کنونی آن، علّامه ساجد علی نقوی نام آن به« تحریك جعفریه» تغییر یافت و در سال 2002، که دولت پرویز مشرّف فعالیت این گروه را غیرقانونی اعلان کرد، نام آن به « تحریك اسلامی» تغییر داده شد . در زبان فارسی، این نام به « نهضت اجرای فقه جعفری » ترجمه شده است، اما مسئولان حزب می گویند: کلمه« نهضت» معادل دقیق واژه« تحریك» نیست و باید به‌جای آن کلمه« حرکت» آورده شود.

[۹۷۸] (1). مهدی حسن، پاکستان کی سیاسی جماعتیں، ص193.

شد، اداره «تحفّظ حقوق شیعه » توسط علّامه مفتی جعفر حسین و علّامه کفایت حسین در س ال ۱۹۴۹ در لاهور، و «کمیته خواست‌های شیعه» (شیعه مطالبات کمیتی)[۹۷۹] با تلاش و همّت سید محمّد دهلوی در سال ۱۹۶۰ در کراچی.[۹۸۰]

##PAGE=۴۳۵##

این سازمان‌ها و تشکّل ها از ویژگی های یک حزب سیاسی تمام عیار برخوردار نبودند، بلکه گروه هایی بودند که از نیروهای خاص و برای اهداف خاص تشکیل شده بودند؛ چنان که خواست‌های «کمیته خواست‌های شیعه» به سه مسئله محدود می‌شد:

۱. تدریس کتب مذهبی شیعه برای دانش‌آموزان و دانشجویان شیعه در مدارس و دانشگاه‌ها؛

۲. واگذاری اوقاف شیعیان به‌خود شیعیان؛

۳. حفاظت از مراسم عزاداری.[۹۸۱]

این شرایط از زمان رئیس جمهور ایّوب خان (۱۹۵۸– ۱۹۶۹) تا زمان ذو الفقار علی بوتو (۱۹۷۱– ۱۹۷۷) ادامه یافت. در سال ۱۹۷۷، که بوتو برای دومین بار متوالی در انتخابات به پیروزی رسید، ۹ حزب مخالف او، که ائتلافی تحت نام «اتحاد ملّی » (قومی اتحاد) تشکیل داده بودند، نسبت به نتیجه ا نتخابات اعتراض نمودند . دامنه اعتراضات به تدریج گسترده‌تر شده و به جنبشی به نام جنبش «نظام مصطفی » تبدیل گردید. ژنرال ضیاء الحق، فرمانده کل ستاد ارتش، با استفاده از ناآرامی های موجود، دست به کودتا زده و قدرت را در دست گرفت (شب ششم ژوئیه ۱۹۷۷). ظهور ژنرال ضیاء الحق در رأس حکومت، منشأ تحوّلات سیاسی و اجتماعی زیادی گردید که یکی از آنها انسجام یافتن شیعیان و ایجاد گروه سیاسی– مذهبی به‌منظور دفاع از حقوق مذهبی خویش بود.

۲. عوامل شکل‌گیری حرکت جعفری: جامعه شیعیان پاکستان، که بزرگ‌ترین گروه مذهبی پس از حنفی‌های این کشور را به‌خود اختصاص داده، همیشه در پی حفظ، احیا و تحکیم هویّت مستقل خود در این کشور بوده است . مذاهب و مکاتب فکری بزرگ دیگر این کشور مانند «دیوبندی‌ها»، «بریلوی‌ها» و «اهل حدیث» برای

##PAGE=۴۳۶##

حفظ هویّت مذهبی خود، گروه های مذهبی– سیاسی تشکیل داده اند که در مجامع رسمی از این مذاهب نمایندگی می‌کنند. نظام اجتماعی و تا حدودی سیاسی پاکستان نیز به گونه‌ای است که هویّت های مستقل مذهبی در آن به رسمیت شناخته شده و دولت در اتخاذ سیاست های دینی خود به آنها اهتمام ورزیده است و آنها را مورد توجه قرار می دهد. نهادهای دینی دولتی مانند «شورای مشورتی اسلامی »،[۹۸۲] اداره «تحقیقات اسلامی » و «کمیته رؤیت هلال »[۹۸۳] نیز بر

---

[۹۷۹] (2). eettimmoC sdnameD aihS..

[۹۸۰] (3). مؤسسه شهید حسینی، یادواره علّامه سید عارف حسین حسینی، ص36– 37/ سید سعید اختر رضوی، خورشید خاور، ص115.

[۹۸۱] (1). سید عارف حسین نقوی، تذکره علمای امامیه پاکستان، ص255– 256.

[۹۸۲] (1).« اسلامی نظریاتی کونسل».

[۹۸۳] (2).« هلال کمیتی».

اساس حفظ و احترام به همین هویّت‌های مستقل مذهبی تشکیل شده و تمام چهار جریان مذهبی اصلی پاکستان در آنها نماینده دارند.

در سال ۱۹۵۱، که ۲۲ ماده اساسی به‌وسیله ۳۱ تن از برجسته‌ترین علمای پاکستان در حوزه قوانین و سیاست‌های دینی تدوین گردید، نمونه روشن تری از مشارکت و بازتاب چهار هویّت مذهبی «دیوبندی»، «بریلوی»، «اهل حدیث » و «شیعه» به نمایش گذاشته شد. شیعیان برخلاف سه جریان مذهبی دیگر، فاقد انسجام و نمایندگی رسمی و قابل قبول در رهبری مذهبی بودند. دست‌کم برخی از رهبران مذهبی شیعه همواره در آرزوی سازمان دهی شیعیان و نمایندگی از این گروه در محافل رسمی بودند . برخی تحوّلات سیاسی و مذهبی، که در سطح کشور و دولت پدیدار می گردید و شیعیان ناگزیر بودند در قبال آن موضعی اتخاذ نمایند، وجود یک زبان رسمی و مورد قبول از سوی شیعیان را ایجاب می‌نمود.

حرکت‌های پراکنده مذهبی- سیاسی در گذشته مانند «کنفرانس سراسری شیعه»، «شیعه مطالبات کمیتی» و اداره «تحفّظ حقوق شیعه» همه در جهت پرکردن همین خلأ و حفظ و احیای هویّت مذهبی صورت گرفته است . انعطاف سیاست‌های مذهبی دولت‌ها در گذشته، مانع افزایش نگرانی شیعیان از

##PAGE=۴۳۷##

مخاطره‌آمیز شدن هویّت مذهبی‌شان می‌گردید. به همین دلیل، شرایط همگانی برای بسیج نیروهای مذهبی و اجتماعی بر محور اهداف مشترک، که دغدغه جدّی اکثریت شیعیان را تشکیل دهد، فراهم نگردیده بود.

با روی‌کار آمدن ژنرال ضیاء الحق در ششم ژوئیه ۱۹۷۷ و اعلام سیاست‌های مذهبی گسترده، که در آن برخی امتیازات سابق فرهنگی و مذهبی اعطا شده به شیعیان مانند آموزش دینی جداگانه در مدارس و دانشگاه ها، لغو گردید[۹۸۴] و برخی قوانین مذهبی جدید مانند دریافت زکات از سرمایه های نقدی و غیرنقدی مردم وضع شد، شیعیان را به واکنش های تازه‌ای واداشت که سرانجام، به شکل گیری «حرکت اجرای فقه جعفری » منتهی گردید. شهید عارف حسین حسینی، رهبر سابق «حرکت اجرای فقه جعفری»، در این‌باره می‌گوید:

این حکومت [حکومت ضیاء الحق] در روزهای نخست، شعار حاکم نمودن فقه حنفیه را سرداد . چون شیعیان حیدر کرّار به‌این فقه عمل نمی کردند و فقه شیعه جدا از فقه حنفی بود، لذا شیعیان طبیعتا به عنوان عکس العمل، از حکومت خواستند که اگر واقعا قرار است در پاکستان نظا م اسلامی حاکم بشود، لازم است که برای ما و فقط برای ما عمل به فقه اهل بیت رسمیت داشته و در کشور قانونی گردد. و مرحوم مفتی جعفر حسین «نهضت اجرای فقه جعفری» را برای همین هدف تأسیس نمودند.[۹۸۵]

تمام رهبران و سران حزب، سیاست های مذهبی ضیاء الحق را تنها و یا مهم ترین عامل شکل گیری «حرکت اجرای فقه جعفری» دانسته‌اند. در گزارش

##PAGE=۴۳۸##

---

[۹۸۴] (1). مؤسسه شهید حسینی، یادواره علّامه سید عارف حسین حسین، ص40.

[۹۸۵] (2). همان، ص140- 141.

سالانه دفتر مرکزی «حرکت جعفری»، که در سال ۱۹۹۷ منتشر شده، درباره علت تأسیس این گروه آمده است:

عامل بنیادی در تشکیل «حرکت» این بود که ژنرال ضیاء الحق برنامه اسلامیزه کردن را اعلام کرد و بعضی اعلانات مبهمی نمود که از آن، این نگرانی در میان شیعیان پیدا شد که فقه و نظریات مخصوصی را بر آنها حاکم می‌کنند. لذا، برای حفظ حقوق خود در قانون‌گذاری، بنیاد «نهضت اجرای فقه جعفری» در ۱۲ آوریل ۱۹۷۹ نهاده شد.[۹۸۶]

چنان‌که از بیان انگیزه شکل گیری «حرکت جعفری» ظاهر می گردد، نگرانی واقعی شیعیان نه از احساس عدم مشارکت سیاسی، بلکه از احساس هویّت زدایی دینی منشأ می گیرد و در تاریخ قریب ۶۰ ساله پاکستان نیز نشان داده شده است که شیعیان تنها زمانی به اقدام جمعی اعتراض آمیز علیه دولت دست زده اند که احساس کرده‌اند حقوق و تشخّص مذهبی آنها مورد تهاجم قرار گرفته و یا فرهنگ و رژیم حقوقی غیرشیعی به‌نحوی بر آنها تحمیل می‌شود.

۳. تأسیس: طرح تأسیس «حرکت جعفری» پس از اعلان اجرای «نظام مصطفی» در سال ۱۹۷۸ از سوی رئیس جمهور ضیاء الحق، مورد توجه رهبران مذهبی شیعه، به ویژه علّامه مفتی جعفر حسین، قرار گرفت . ضیاء الحق در زمینه اسلامی کردن کشور، فرامینی صادر کرد که دامنه گسترده ای داشت؛ مانند اجرای حدود و تعزیرات اسلامی در مورد قذف، زنا و سرقت؛ اجرای برنامه برگزاری نماز در دفاتر و ادارات دولتی؛ دریافت زکات و عشر؛ تشکیل دادگاه شریعت؛ تأس یس دانشگاه اسلامی در اسلام‌آباد؛ مبارزه با شراب‌نوشی و بی‌بندوباری؛ جلوگیری از نمایش فیلم‌های مستهجن در تلویزیون؛ تشویق به مطالعات اسلامی و احترام به

##PAGE=۴۳۹##

علما و روحانیت و دانش اسلامی؛ و استفاده از لباس و زبان ملّی در ادارات .[۹۸۷] برخی از این برنامه‌ها مانند اخذ زکات اجباری، که شامل پس‌اندازهای نقدی در بانک‌ها نیز می‌گردید، و تک آموزشی کردن برنامه آموزش دینی و دولتی کردن اوقاف شیعیان، واکنش های منفی شیعیان را برانگیخت . «شورای مشورتی اسلامی» (اسلامی نظریاتی کونسل)، که متکفّل ارائه مشاوره و برنامه‌های دینی به دولت است، به اعتراضات و پیشنهادات نمایندگان شیعه (محمّد رضی مجتهد و علّامه مفتی جعفر حسین) در این شورا ترتیب اثر نداده و علی رغم مخالفت شیعیان، برنامه های ضیاء الحق را تصویب کردند . علّامه مفتی جعفر حسین در مصاحبه‌ای در ۱۳ فوریه ۱۹۷۹ در لاهور، مخالفت خود را با اخذ زکات اجباری از شیعیان اعلام نمود و تهدید کرد که در صورت عدم ترتیب اثر دولت، از شورا استعفا خواهد داد.[۹۸۸]

مفتی جعفر حسین برای منسجم کردن و مؤثر نمودن مبارزات خود، عده‌ای از روحانیان سرشناس مانند حجج اسلام شیخ محسن علی نجفی اسلام آباد، سید صفدر ح سین نجفی لاهور، سید ساجد علی نقوی محمّد حسین نجفی دهکو و علّامه حسین بخش جارا و تعدادی دیگر را با خود همراه نمود و زمینه تشکیل «نهضت اجرای فقه جعفری » را فراهم کرد . برنامه‌ریزی گردهمایی شهر بکّر را مجلس «نظام فقه جعفریه» در دست داشت و سازمان «دانشجویان امامیه» نیز آن را

---

[۹۸۶] (1). تحریك جعفریه پاکستان، گزارش1997، ص 2.

[۹۸۷] (1). ضیاء الاسلام انصاری، جنرل محمّد ضیاء الحق شخصیت اور کارنامی، ص231- 232.

[۹۸۸] (2). مؤسسه شهید حسینی، یادواره علّامه سید عارف حسین حسینی، ص41/ تسلیم رضا خان، سفیر نور، ص71.

کمک نمود.[۹۸۹] در شهر بکّر، مؤمنان شهر، به ویژه سید وزارت حسین نقوی، در برگزاری این نشست نقش مهمی داشتند . علما، اندیشمندان و شخصیت‌های متنفّذ شیعه در ۱۲ و ۱۳ آوریل ۱۹۷۹ از سراسر پاکستان در شهر بکّر گرد هم

##PAGE=۴۴۰##

آمدند و در روز دوم اجلاس، علّامه مفتی جعفر حسین را به عنوان رهبر شیعیان پاکستان انتخاب کردند و سازمان «حرکت اجرای فقه جعفری» را به‌عنوان تشکیلات فراگیر شیعی بنیاد نهادند.[۹۹۰]

لازم به یادآوری است که عنوان «رهبر شیعیان» (قاید ملت جعفریه) جدا از تشکیلات «حرکت جعفریه» است که علّامه مفتی ج‌عفر حسین نیز جداگانه این عنوان را احراز کرد . اما از آن به‌بعد، هر رهبر «حرکت جعفری» عنوان رهبری شیعه در پاکستان را نیز داراست.

اولین نشست رسمی و تشکیلاتی سران و بنیان گذاران «نهضت اجرای فقه جعفری » در ۲۰ آوریل همان سال در «گوجرانواله» تشکیل شد. در این نشست، ساختار تشکیلاتی نهضت پی ریزی گردید و ۴۳ نفر برای «شورای عالی» (سپریم کونسل) و «شورای مرکزی» (مرکزی کونسل) در نظر گرفته شدند . همچنین در همین جلسه، آقایان وزارت حسین نقوی، ریاض حسین نجفی، اختر حسین شایق، امداد حسین شاه همدانی، کرنل محمّد خان و اقتدار علی مظ هر برای تدوین اساس‌نامه نهضت تعیین شدند.[۹۹۱] تشکیلات نهضت در زمان مفتی جعفر حسین به خاطر اشتغالات و کسالت جسمی وی (تا ۱۹۸۳) توسعه چندانی پیدا نکرد و اعضای شورای مرکزی آن نیز انتخاب نشدند.

۴. اهداف: «حرکت اجرای فقه جعفری » در اوان شکل‌گیری خود، اهداف محدودی را پی‌گیری می‌کرد که عبارت بودند از:

۱. استثنا شدن شیعیان از پرداخت زکات؛

۲. حفظ امنیت مراسم عزاداری و عدم ایجاد موانع در برگزاری آن؛

##PAGE=۴۴۱##

۳. مستثنا شدن راه‌پیمایی‌های عزاداری از دریافت مجوّز رسمی؛

۴. آموزش تعلیمات دینی شیعیان برای دانش‌آموزان و دانشجویان شیعه؛

۵. مراعات فقه شیعه در قوانین حکومتی برای شیعیان.[۹۹۲]

---

[۹۸۹] (3). سعید اختر رضوی، خورشید خاور، ص118.

[۹۹۰] (1). مؤسسه شهید حسینی، یادواره علّامه سید عارف حسین حسینی، ص42/ تسلیم رضا خان، سفیر نور، ص72/ سعید اختر رضوی، خورشید خاور، ص118.

[۹۹۱] (2). تسلیم رضا خان، سفیر نور، ص73.

[۹۹۲] (1). مؤسسه شهید حسینی، یادواره علّامه سید عارف حسین حسینی، ص45.

این اهداف و خواست‌ها در گردهمایی تاریخی شیعیان در پنجم ژوئیه ۱۹۸۰ در اسلام‌آباد از سوی دولت پذیرفته شد، اما حکومت به‌اجرای همه آنها تن در نداد.

پس از درگذشت مفتی جعفر حسین، رهبر فقید شیعیان در ۲۹ اوت ۱۹۸۳ و انتخاب علّامه عارف حسین حسینی در دهم فوریه ۱۹۸۴، هدف «حرکت» از سطح خواست های مذهبی به سطح خواست های کلان سیاسی و اجتماعی توسعه یافت. شهید عارف حسین حسینی، که خواهان حضور فعّال شیعیان در عرصه های سیاسی و اجتماعی بود، «حرکت» را به‌سوی ورود به‌این عرصه‌ها هدایت نمود . او همچنین اصلاحات و توسعه فرهنگی، آموزشی و دینی در درون جامعه شیعه را از اهداف مهم دیگر «حرکت» قرار داد. خواست‌های مهم «حرکت» در زمان شهید حسینی براساس اساس نامه آن چنین ذکر شده بود: وجود نمایندگی شیعیان در ادارات دولتی قانونگذار؛ حفظ و حراست از حقوق اقتصادی، مذهبی مدنی و سیاسی شیعیان؛ تبلیغ عقاید شیعه از طریق رسانه‌ها؛ مراعات حق شیعیان در کتب درسی؛ ترویج دین و عزاداری؛ ایجاد مراکز تبلیغی در سطح کشور؛ از بین بردن تعصّب های قومی، زبانی و مذهبی؛ جلوگیری از فساد؛ اعلان جهاد علیه استکبار جهانی؛ تربیت معنوی و اخلاقی شیعیان؛ ایجاد مراکز بهزیستی؛ از بین بردن اختلاف طبقاتی؛ قیام برای رهایی از استعمار اقتصادی- سیاسی؛ قیام برای

##PAGE=۴۴۲##

ایجاد نظام اسلامی؛ و کمک به فقرا و نیازمندان.[۹۹۳]

با این تغییرات و اصلاحات در اساس نامه «حرکت»، این گروه به‌یک حزب مذهبی- سیاسی تمام عیار تبدیل شد و منشوری که در سال ۱۹۸۶ برای «حرکت» تدوین گردید، جامعیت برنامه‌ها و مواضع این گروه را در زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، دینی و تحوّلات و مسائل جهانی به خوبی نشان می‌دهد.

«حرکت جعفری» یک حزب میانه‌رو اسلامی است که دیدگاه روشن فکرانه و مترقّیانه نسبت به مسائل اسلامی و سیاسی دارد. این گروه در جریان فعالیت های خود، تحت تأثیر اندیشه انقلابی و اصلاحی حضرت امام خمینی رحمه اللّه قرار گرفت. در دوران شهید عارف حسین حسینی (۱۹۸۴- ۱۹۸۸) تفکر انقلابی و رادیکال بر حرکت غالب بود. «حرکت» با آنکه حزبی متعلّق به شیعیان است و دفاع از حقوق شیعیان مهم ترین هدف آن شناخته شده، اما از نظر فکری، طرفدار وحدت امّت اسلامی و تقریب بین پیروان مذاهب اسلامی یعنی شیعه و سنّی است و وحدت امّت اسلامی را در برابر سلطه استعمار و استکبار غرب و شرق حیاتی می‌داند.[۹۹۴]

«حرکت» خواهان ایجاد نظام اسلامی در کشور است . اصلاحات اجتماعی، به ویژه در عرصه مالکیت زمین، که شیوه فئودالی دارد و همچنین اصلاحات اقتصادی و فرهنگی متناسب با دیدگاه های اسلامی، از دیگر اهداف مهم آن اعلام شده است.

---

[۹۹۳] (1). همان، ص52- 53.

[۹۹۴] (2). در این‌باره، می‌توان به سخنرانی‌های شهید عارف حسین حسینی در کتاب‌های میثاق خون و سفیر نور، اثر تسلیم رضا خان، همچنین علّامه ساجد نقوی و نامه‌های رسمی نهضت به مقامات دولتی در جزوه دستك، نشر دفتر مرکزی تحریك جعفریه، مراجعه کرد.

در سال ۲۰۰۲، که منشور جدید «حرکت جعفری»[۹۹۵] تدوین شد، بار دیگر بر

##PAGE=۴۴۳##

محورهای ذیل تأکید گردید : اسلامیت نظام؛ برقراری حکومت دینی؛ برقراری عدالت اجتماعی؛ رفع تبعیض؛ تقوا محوری؛ قرار گرفتن قرآن و سنّت به عنوان تنها منبع قانون گذاری؛ حفظ نظام دموکراسی و فدرالی؛ تغییر نظام اقتصادی موجود که براساس منافع قدرت های بزرگ و عوامل وابسته به آن به‌وجود آمده است و سبب استثمار و ستم می گردد؛ تحدید مالکیت فردی؛ تقسیم و توزیع اراضی؛ حمایت از کارگران؛ برقراری روابط حسنه با خارج، به ویژه کشورهای اسلامی و همسایه؛ مخالفت با صهیونیسم، نژادپرستی و استعمار؛ حمایت از مظلومان و اقلّیت های اسلامی در جهان؛ و سرانجام، توسعه ارزش های انسانی و اسلامی در نظام آموزشی و برطرف کردن موانع و تفاوت بین آموزش دینی و دنیوی.[۹۹۶]

۵. فعالیت‌ها: «حرکت جعفری» از سال ۱۹۷۹ تاکنون (۲۰۰۶) فعالیت‌های زیادی در زمینه های گوناگون و از جمله سیاسی داشته است . یکی از مهم ترین دستاوردهای سیاسی- مذهبی «حرکت» تنها یک سال پس از تأسیس آن در جریان گردهمایی ده‌ها هزار نفری- و یا آن‌گونه که خود «حرکت» اعلام کرده، صدها هزار نفری- این گروه در پنجم و ششم ژوئیه ۱۹۸۰ در اسلام‌آباد، به دست آمد . در این تجمّع عظیم، که در تجلیل از اولین سالگرد شهادت شهید محمّد باقر صدر ترتیب داده شده بود و سپس به یک حرکت اعتراضی توسط سران «حرکت اجرای فقه جعفری » علیه دولت ضیاء الحق تبدیل گردید، نمایندگان «حرکت» و جمعیت حاضر، مجلس و ساختمان های اداری دولتی را به محاصره خود درآوردند و از دولت خواستند که به حقوق مذهبی آنها، به ویژه مسئله زکات و آموزش دینی در مدارس توجه کند . در پی این فشار، معاهده‌ای

##PAGE=۴۴۴##

بین «حرکت اجرای فقه جعفری » و دولت (وزیر امور مذهبی کشور) به امضا رسید. براساس این توافق‌نامه، دولت متعهد می‌شد که به‌حقوق مذهبی شیعیان توجه کند و در هر قانون مذهبی و اسلامی، که به تصویب می‌رسد، دیدگاه فقه شیعه نیز ملحوظ گردد.[۹۹۷]

امضای این معاهده دستاورد بزرگی برای «حرکت» در دوران مفتی جعفر حسین و حتی پس از آن به شمار می‌رود. مفتی جعفر حسین به دلیل فرصت کوتاهی که در ا ختیار داشت و همچنین کسالت جسمی، نتوانست نهضت را از نظر سازمانی زیاد فعّال سازد. او سرانجام، در ۲۹ اوت ۱۹۸۳ چشم از جهان فروبست.

در دهم فوریه ۱۹۸۴ دومین رهبر «حرکت» براساس اساس‌نامه حزب، در نشستی از اعضای شورای عالی (۵۰ نفر) و شورای مرکزی (۱۲۵ نفر) در شهر بکوّ انتخاب شد . در برگزاری اجلاس بکّر و انتخاب رهبر جدید، برخی از سران

---

[۹۹۵] (3). در این سال،« حرکت جعفری» نام خود را به« حرکت اسلامی پاکستان» تغییر داد.

[۹۹۶] (1). اسلامی تحریك پاکستان، منشور، ص6- 15.

[۹۹۷] (1). تسلیم رضا خان، سفیر نور، ص83.

«حرکت» مانند سید وزارت حسین نقوی، علّامه صفدر حسین نجفی، علّامه محمّد حسین نجفی دکو، علّامه حسین بخش جارا، علّامه حافظ ریاض حسین نقوی نجفی و سید امداد حسین همدانی نقش بیشتری داشتند.[۹۹۸]

شهید عارف حسین حسینی بازسازی و فعّال سازی نهضت را از اولین برنامه های خود قرار داد . او با انجام سفرهای دوره‌ای، که از دهم آوریل ۱۹۸۴ از سرگودا در پنجاب آغاز شد و تا یک و نیم ماه در سراسر پاکستان ادامه یافت، شاخه‌های حرکت را در تمام شهرها و شهرستان‌ها فعّال نمود و رابطه نهضت را با مردم برقرار نمود.[۹۹۹]

##PAGE=۴۴۵##

شهید عارف حسین حسینی «حرکت» را آماده فعالیت‌های سیاسی کرد. تا پیش از ۱۹۸۴، «نهضت» تنها در امور مربوط به‌حقوق مذهبی شیعیان با دولت در گفت وگو و احتجاج قرار داشت، اما از این سال به بعد، «نهضت» تصمیم گرفت فواتر از حقوق مذهبی، همانند احزاب سیاسی دیگر، در تمام فعالیت های سیاسی، از جمله انتخابات نیز حضور پیدا کند. ظاهرا اولین بار در ۲۰ دسامبر ۱۹۸۴ در اجلاس کابینه مرکزی، که در مدرسه جامعه «المنتظر» لاهور برگزار شده بود، ورود به فعالیت‌های سیاسی به تصویب رسید. در این جلسه، کابینه مرکزی «حرکت» حمایت خود را از «M. R. D» (جنبش اعاده دموکراسی)، که علیه حکومت نظامی ضیاء الحق تشکیل شده بود، اعلام کرد . در فردای آن روز، هیأت حرکت با سران جنبش اعاده دموکراسی) M. R. D (در منزل حیدر ایدوکیت [۱۰۰۰] در گلبرگ لاهور دیدار کرد و دو طرف بر چهار اصل اعلام شده از سوی M. R. D و تعهد سران جنبش مزبور در تضمین حقوق شیعیان، به توافق رسیدند.[۱۰۰۱] مصوّبه کابینه مرکزی «حرکت»، در اجلاس شورای مرکزی ۱۸ ژانویه ۱۹۸۵ در «گمبت» سند نیز تأیید شد . همچنین به‌حرکت و رهبری آن اجا زه داده شد تا با هر حزبی که برای برقراری جمهوری و تأمین حقوق شیعیان فعالیت و همکاری می‌کند، همکاری نماید.[۱۰۰۲]

به نظر می رسد اتخاذ این تصمیم نقطه عطفی در تاریخ «حرکت اجرای فقه جعفری » و بلکه تمام شیعیان محسوب می‌شود. هرچند حضور «حرکت» در عرصه انتخابات، (بجز در مناطق شمالی در دوران علّامه ساجد علی نقوی) موفقیتی به‌همراه نداشته، اما توانسته است به‌جامعه از هم گسسته شیعیان

##PAGE=۴۴۶##

انسجام و اعتماد به نفس ببخشد و حضور آنان را در محافل سیاسی و حزبی تثبیت و حمایت های سیاسی احزاب هم‌پیمان با حرکت را تأمین نماید. گردهمایی عظیم و تاریخی شیعیان تحت رهبری حرکت در کنفرانس «قرآن و سنّت» در ششم ژوئیه ۱۹۸۶ م در «مینار»[۱۰۰۳] پاکستان در لاهور، رزمایش سیاسی بزرگی بود که شیعیان در برابر دولت ضیاء

---

[۹۹۸] (2). مصاحبه اختصاصی با وزارت حسین نقوی، بگر،30 مارس2004.

[۹۹۹] (3). تسلیم رضا خان، سفیر نور، ص105-106.

[۱۰۰۰] (1). etacovdA.

[۱۰۰۱] (2). همان، ص245-248.

[۱۰۰۲] (3). همان، ص248.

[۱۰۰۳] (1). raneeM.

الحق به‌نمایش درآوردند. در این گردهمایی چند صد هزار نفری (کنفرانس قرآن و سنّت)، منشو ر سیاسی حزب نیز به‌تأیید مردم رسید.

فعالیت سیاسی «حرکت اجرای فقه جعفری» در دهه ۱۹۸۰، جایگاه شیعیان در جامعه را تثبیت کرد، اما مواجه شدن این گروه با موجی از خشونت های فرقه‌ای، که از سوی «سپاه صحابه» هدایت می‌شد، فعالیت‌های این حزب را در عرصه اصلاحات در درون جامعه شیعی و حضور مقتدر در عرصه ملّی تحت الشعاع قرار داد . در جریان عملیات تروریستی فرقه‌ای، تعدادی از شخصیت های مؤثر «حرکت» جان خود را از دست دادند. شهید عارف حسین حسینی ناگزیر بود از یک سو، برای تحقق اهداف کلان خود، که سرنگونی دولت نظامی و برقراری حکومت اسلامی بود، مشی وحدت‌طلبانه و شعار «برادری شیعه و سنّی» را ادامه دهد و از سوی دیگر، سیاست دفاعی محتاطانه ای در برابر هجوم حملات فرقه ای در پیش گیرد.

دولت نظامی ضیاء الحق (۱۹۷۷– ۱۹۸۸) از بیداری و انسجام شیعیان، که تحت تأثیر افکار انقلابی، مبارزه با نفوذ آمریکا و غرب را جزو برنامه های خود قرار داده بود، به شدت نگران بود. رابطه «حرکت اجرای فقه جعفری » با ضیاء الحق هیچ‌گاه بهبود نیافت.

سرانجام، در صبحگاه پنجم اوت ۱۹۸۸، براساس یک توطئه پیچیده داخلی و

##PAGE=۴۴۷##

خارجی، که برخی مقامات دولتی مانند سروان ماجد گیلانی مقیم اسلام‌آباد و فضل حق نخست‌وزیر ایالت سرحد نیز در آن دست داشتند، علّامه عارف حسین حسینی در مدرسه اش در شهر پیشاور به شهادت رسید. پس از شهادت علّامه عارف حسین حسینی، علّامه سید ساجد علی نقوی، معاون اول وی و رئیس شورای سیاسی حزب، در سوم سپتامبر ۱۹۸۸ به‌رهبری «حرکت اجرای فقه جعفری » برگزیده شد. در دوران رهبری علّامه ساجد علی نقوی، که تاکنون ادامه دارد، «حرکت جعفری» علی‌رغم تشدید درگیری‌های فرقه‌ای، توانسته است نقش سیاسی خود را در کشور حفظ کند.

دهه ۱۹۹۰ شرایط بسیار پیچیده، دشوار و در عین حال، امیدوارکننده‌ای در برابر «حرکت» جعفری قرار داد. «حرکت» در این مقطع، با افزایش خشونت های فرقه‌ای و حملات تروریستی از سوی «سپاه صحابه» و «لشکر جنگوی» روبه‌رو بود؛ مانند شهادت دکتر محمّد علی نقوی مسئول سابق سازمان «دانشجویان امامیه » و عضو کمیته مرکزی «حرکت جعفری» (۷ مارس ۱۹۹۵)، شهادت سید محسن نقوی و علّامه طالب حسین کرپالوی [۱۰۰۴] از نویسندگان و مؤلّفان معروف لاهور، شهادت چوهدری شوکت علی چیمه (۱۹۹۵) از فعّالان سیاسی شیعه در فیصل‌آباد، شهادت شاهین حیدر از مسئولان «حرکت» در فیصل‌آباد (۱۵ مارس ۱۹۹۷)، شهادت سید اعجاز ع لی شاه از سران حرکت در بکّر، شهادت سید عاشق حسین بخاری دبیرکل «حرکت» در کوت ادو (۹ می ۱۹۸۸)، شهادت خورشید انور ایدوکیت دبیرکل «حرکت

[۱۰۰۴] ywalapraK..(1)

جعفری» در کل پاکستان (۲۸ سپتامبر ۱۹۹۹) و همچنین شهادت دبیرکل بعدی حزب انور علی آخوندزاده (در ۲۳ نوامبر ۲۰۰۰).[۱۰۰۵]

##PAGE=۴۴۸##

در اواخر این دهه حمله به مراکز مذهبی و محلّ اجتماعات شیعیان رو به گسترش نهاد؛ مانند حمله به قبرستان «مؤمن پوره» که طی آن ۲۵ تن کشته شدند (۱۱ ژانویه ۱۹۹۸)، حمله به حسینه ای در روستای «کرم داد قریشی » از توابع مظفّرگر که ۱۶ کشته برجای گذاشت، و حمله به مسجد «حر» در محلّه «ملیر» کراچی که ۹ نمازگزار در آن جان خود را از دست دادند (۲ اکتبر ۱۹۹۹).

این روند در سال های پس از ۲۰۰۰ نیز با شدت ادامه پیدا کرد؛ مانند : حمله به حسینیه «علی مرتضی» در کراچی (۲۰۰۲)، مسجد «شاه نجف» در اسلام آباد، امام بارگاه قدیمی شهر بکّر (۲۶ آوریل ۲۰۰۲)، نماز جمعه شهر کویته (۴ جولای ۲۰۰۲)، و راه‌پیمایی عزاداری روز عاشورا در کویته (۲ مارس ۲۰۰۴).[۱۰۰۶]

اما «حرکت» علی‌رغم تشدید فشارها و ملتهب شدن فضای مذهبی و اجتماعی، به حضور فعّالانه خود در صحنه سیاسی ادامه داده و روابط با احزاب سیاسی و اسلامی را گرم تر کرده و با آنها در ائتلاف های جدیدی وارد گردیده که از نظر سیاسی، بسیار مهم بوده است. «حرکت» اولین حضور مستقل در صحنه انتخابات را در سال ۱۹۸۸ تجربه کرد که ناموفق بود؛ زیرا نتوانست نماینده‌ای به مجلس بفرستد. پس از تجربه این شکست، «حرکت» به جای حضور مستقل د ر عرصه انتخابات، سیاست حضور در ائتلاف با احزاب دیگر را در پیش گرفت.

سیاست «ائتلاف» در دو جبهه و با دو هدف پی‌گیری می‌شد:

در جبهه اول، علّامه ساجد علی نقوی با اتخاذ رویکرد واقع‌بینانه‌تر نسبت به مسائل جاری کشور، مدافع جدّی پیوستن به ائتلاف‌های سیاسی و مذهبی با گروه‌های غیرشیعی بود. حرکت در این جبهه با احزاب اسلامی وارد ائتلاف شد که هدف عمده آن مهار فرقه‌گرایی و منزوی کردن «سپاه صحابه» و ورود مؤثرتر به

##PAGE=۴۴۹##

صحنه انتخابات بود. علّامه ساجد علی نقوی در دیداری که در ۲۲ ژانویه با قاضی حسین احمد رهبر «جماعت اسلامی» در منصوره داشت، ضرورت مبارزه مشترک را پیشنهاد نمود که مورد استقبال قاضی حسین احمد قرار گرفت .[۱۰۰۷] حجۀ الاسلام سید جواد هادی، مسئول شورای سیاسی «حرکت جعفریه »، رایزنی‌هایی با قاضی حسین احمد و مولانا سمیع الحق رهبر شاخه‌ای از «جمعیت علمای اسلام » آغاز کرد و سرانجام، با میزبانی و دعوت مولانا سمیع الحق، «شورای ملّی یک جهتی» در ۲۴ مارس ۱۹۹۵ در اسلام‌آباد بنیان نهاده شد.[۱۰۰۸] در این ائتلاف، هفت گروه اسلامی مانند «حرکت

[۱۰۰۵] (2). فهیم عبّاس، کربلای معلّی سی کربلای کوئته تك، ص19- 22.

[۱۰۰۶] (1). همان، ص20- 25، 48 و 73.

[۱۰۰۷] (1). کارکردگی رپورت تحریك جعفریه پاکستان، اکتبر1994- 1995، ص 13.

[۱۰۰۸] (2). همان، ص14- 15.

جعفریه»، «جماعت اسلامی»، «جمعیت علمای اسلام گروه فضل الرحمان »، «جمعیت علمای اسلام گروه سمیع الحق »، «جمعیت علمای پاکستان گروه نیازی»، «تحریک منهاج القرآن» و «جمعیت اهل حدیث» عضویت داشتند.[۱۰۰۹] «شورای ملّی یک جهتی » به تدریج، کارایی خود را از دست داد، اما اعضای تشکیل دهنده آن، که مهم ترین آنها علّامه ساجد نقوی، قاضی حسین احمد و فضل الرحمان، بودند در ۲۷ ژوئن ۲۰۰۱ ائتلاف جدیدی به‌نام (متحده مجلس عمل) تشکیل دادند که هدف آن بیشتر وحدت اسلامی، مبارزه با دولت نظامی پرویز مشرّف و بازگشت دموکراسی به کشور بود.[۱۰۱۰]

تشکیل (متحده مجلس عمل) بزرگ‌ترین دستاورد احزاب اسلامی از جمله «حرکت جعفری » به شمار می رود. این ائتلاف در انتخابات ۲۰۰۲ به بزرگ‌ترین پیروزی خود در تاریخ احزاب اسلامی این کشور دست یافت و ۶۰ کرسی مجلس

##PAGE=۴۵۰##

شورای فدرال و ۴۸ کرسی مجلس ایالت سرحد را از آن خود کرد و توانست دولت ایالتی را در سرحد تشکیل دهد.

تحکیم موقعیت (متحده مجلس عمل) (ائتلاف احزاب اسلامی) در عرصه سیاسی، پشتوانه خوبی برای «حرکت جعفری» فراهم کرد. علّامه ساجد علی نقوی می‌گوید:

ما از طریق «مجلس عمل» در مجلس‌های ایالتی هم حضور داریم؛ حتی یک وزیر هم در ایالت سرحد داریم . شیخ رمضان توقیر، که مسئول [حرکت] در آن ایالت بود، اکنون وزیر مشاور در این ایالت است.

نمایندگانی هم داریم؛ ولی چون ما ممنوع بوده ایم، نتوانسته‌ایم شرکت فعّالی داشته باشیم؛ فقط از طریق «مجلس عمل» فعالیت خود را ادامه داده‌ایم.[۱۰۱۱]

در جبهه دوم، ائتلاف با احزاب سیاسی غیراسلامی مورد توجه «حرکت جعفری» قرار گرفت که هدف از آن مشارکت سازمان‌یافته در دولت به منظور پی‌گیری حقوق مذهبی- سیاسی شیعیان و رویارویی با اقدامات و تصمیمات تندروانه مذهبی در درون دولت و مجلس، علیه شیعیان بود . «حرکت جعفری» در چارچوب این سیاست با احزاب «مردم» و «مسلم لیگ» در دوره‌های گوناگون، ائتلاف سیاسی تشکیل داد که مهم ترین آن ائتلاف سال ۱۹۹۷ با «مسلم لیگ» به رهبری نواز شریف بود که موجب پیروزی قاطع «مسلم لیگ» در انتخابات همان سال گردید . در دهه ۱۹۹۰، برخی روحانیان سرشناس حرکت مانند حجج اسلام سید جواد هادی و سید عابد حسین حسینی- به ترتیب- به مجلس سنا راه

##PAGE=۴۵۱##

یافتند. همچنین «حرکت» در انتخابات ۱۹۹۴، بزرگ‌ترین پیروزی انتخاباتی خود را در مناطق شمالی جشن گرفت.

[۱۰۰۹] (3). ملك آفتاب حسین جوادی، تحقیقی دستاویز، ص24- 25.

[۱۰۱۰] (4). دستور و منشور مجلس متحده عمل، ص 2.

[۱۰۱۱] (1). ساجد علی نقوی،« شیعیان و چالش‌های پیش‌رو در پاکستان»، فصل‌نامه تخصصی شیعه‌شناسی، ص218-219.

در این انتخابات، ۸ کرسی از ۲۴ کرسی «شورای مناطق شمال» (ناردرن ایریاز کونسل[۱۰۱۲]) به «حرکت جعفری» تعلّق گرفت و دو نفر (غلام حسین سلیم و سید رضی الدین رضوی) نیز به‌عنوان مشاور در گروه پنج نفره مشاوران منصوب شدند.[۱۰۱۳]

«حرکت» در کنار فعالیت های سیاسی، در حوزه حقوقی نیز با چالش بزرگی روبه رو بود. موضوع این چالش لایحه «شریعت» بود که در زمان ضیاء الحق توسط قاضی عبد اللطیف و عبد الستار نیازی به مجلس سنا ارائه شد. این لایحه حاوی پیشنهاداتی در زمینه اسلامی کردن قوانین بود، اما برخی گروه‌ها مانند «حرکت جعفری» و «جمعیت اهل حدیث»، خواهان انجام اصلاحاتی در آن بودند.

پیشنهاد «حرکت اجرای فقه جعفری » این بود که ماده ۲۲۷ قانون اساسی، که به آزادی حقوق مذهبی اقلّیت ها در دایره احوالات شخصی پرداخته است، به‌حوزه حقوق عمومی نیز تعمیم یابد. همچنین در صورت اجرای قوانین اسلامی، احکام و قوانین مشترک اسلامی به عنوان قوانین همگانی، و قوانین مورد اختلاف مذاهب به عنوان قوانین ویژه هر گروه مذهبی به‌رسمیت شناخته شود.[۱۰۱۴]

در سال ۱۹۹۳، اعظم طارق، سرکرده انجمن «سپاه صحابه»، با حمایت ۴۰ تن از نمایندگان مجلس، لایحه «ناموس صحابه بل» را، که ماهیت فرقه‌ای و ضدشیعی داشت، به مجلس ارائه داد. «حرکت جعفری» تلاش‌های حقوقی و سیاسی زیادی برای عدم تصویب این لایحه به‌کار برد که این تلاش‌ها، هم در

##PAGE=۴۵۲##

این مورد و هم در مورد لایحه «شریعت» به نتایج مثبتی منتهی شد. علّامه سید ساجد علی نقوی این موفقیت را چنین تشریح می‌کند:

موفقیت‌های تحریک زیادند : یکی اینکه جهش فرقه گرایی بزرگی که علیه شیعیان به راه افتاده بود و شیعیان را تکفیر می‌کردند و می‌خواستند این موضوع را از مجلس اعلام کنند، لایحه‌ای درست کردیم، جلوی این کار را گرفتیم. «شریعت بل» یعنی: لایحه «شریعت» به مجلس آمد، جلوی آن را گرفتیم . در آن لایحه، چیزهایی وجود داشتند که برای شیعیان مشکل‌زا بودند و حقوق شیعیان را نادیده گرفته بودند . ما جلوی آنها را گرفتیم . لایحه «ناموس صحابه بل» به مجلس آمد، چندین بار سعی کردند که تصویب شود، ولی ما جلوی آن را گرفتیم.[۱۰۱۵]

۶. افول و ضعف: «حرکت جعفری» در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰، زمانی که به اوج قدرت و استحکام خود رسیده بود و با برخورداری از شعبه‌هایی مانند «تشکیلات کارمندان اسلامی»، «جعفریه ترست» (تأسیس ۱۹۹۰)، و «شورای آموزشی پاکستان»[۱۰۱۶] به ارائه خدمات و فعالیت‌های سازندگی و رفاهی نیز می پرداخت، ناگهان با بحران داخلی مواجه شد . این

[۱۰۱۲] (1). lesnuoC saerA nrehtroN.

[۱۰۱۳] (2). محمّد یوسف حسین‌آبادی، تاریخ بلتستان، ص312-313.

[۱۰۱۴] (3). تسلیم رضا خان، سفیر نور، ص76، 123 و 124/ همو، میثاق خون، ص 81- 82.

[۱۰۱۵] (1). ساجد علی نقوی،« شیعیان و چالش‌های پیش‌رو»، فصل‌نامه تخصصی شیعه‌شناسی، ص221.

[۱۰۱۶] (2). licnuoC lanoitacudE natsikaP.

بحران صدمات بزرگی بر «حرکت» وارد ساخت. بعضی رهبران حرکت مانند ساجد علی نقوی بحران داخلی در «حرکت» را توطئه دولت و بعضی نهادها و نیروها برای ضربه زدن به جبهه واحد و منسجم شیعیان و رهبری آن می‌دانند.[۱۰۱۷] علّامه سید افتخار حسین نقوی، دبیرکل «حرکت جعفری» در سال‌های بحران، ریشه‌های بحران را در ضعف اخلاقی، رقابت منفی، نفی همدیگر توسط مسئولان رده‌بالای «حرکت» که به‌یک جمع ۲۰ و ۲۲ نفره

##PAGE=۴۵۳##

محدود می شد (قریب ده تا دوازده روحانی و هفت یا هشت غیرروحانی) می‌داند.[۱۰۱۸] اما مخالفان علّامه ساجد علی نقوی مانند سازمان «دانشجویان امامیه» و بعضی فعّالان روحانی نهضت، بخصوص در ایالت سرحد و بلوچستان، بیشتر بر اختلافات فکری- سیاسی، که ریشه در تفکر انقلابی و محافظه‌کارانه دارد، تأکید می‌کنند.[۱۰۱۹]

به‌هرحال، قطع نظر از وجود دیدگاه های مختلف در اینکه عامل اصلی بحران و انشعاب در «حرکت جعفری» چه بوده است، پیامد منفی آن تمام جامعه تشیّع پاکستان را دربر گرفت. اکنون رهبران و فعّالان «حرکت جعفری» غالبا به ضررها و آسیب‌های ناشی از این چندگانگی آگاه گردیده و به نحوی علاقه‌مند شده‌اند که به بازسازی مجدّد «حرکت جعفری» بپردازند. اما تحوّلات دیگری که در سال‌های بعد اتفاق افتاد و سبب مسدود شدن دفاتر «حرکت» از سوی دولت گردید، فرصت را برای فعّال‌سازی دوباره «حرکت» از میان برد.

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا و بسیج جامعه جهانی در مبارزه با احزاب اسلامی رادیکال، به بهانه «مبارزه با تروریسم»، دولت پاکستان در ۱۲ ژانویه ۲۰۰۲ «حرکت جعفری» و چند حزب اسلامی دیگر را غیرقانونی اعلام کرد. اما «حرکت جعفری» فعالیت خود را تحت عنوان «اسلامی تحریک» ادامه داد. ولی در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۳ دولت پرویز مشرّف مجددا سه حزب اسلامی:

«پاکستان ملت اسلامیه» (سپاه صحابه سابق)، «خدّام الاسلام» (جیش محمّد سابق) و «اسلامی تحریک» (حرکت جعفری سابق) را غیرقانونی اعلام کرد.[۱۰۲۰]

با آنکه «حرکت جعفری/ حرکت اسلامی» باره‌ا دست داشتن به اعمال

##PAGE=۴۵۴##

تروریستی را انکار نموده و خود این حزب و هواداران آن در واقع، قربانی اصلی خشونت های فرقه ای و حملات تروریستی بوده‌اند، در عین حال، دولت برای حفظ سیاست توازن میان احزاب شیعه و سنّی، هرگاه فشاری بر «سپاه صحابه» وارد کرده، بر «حرکت جعفری» نیز وارد ساخته است. برمبنای همین سیاست، پس از قتل اعظم طارق، سرکرده «سپاه صحابه»، علّامه ساجد علی نقوی در راولپندی دستگیر و از نیمه نوامبر ۲۰۰۳ تا ۲۶ مارس ۲۰۰۴ زندانی شد.

[۱۰۱۷] (3). همان، ص224/ تحریك جعفریه، رپورت 9 وان دو ساله تنظیمی کنونشن99، ص14.

[۱۰۱۸] (1). مصاحبه با سید افتخار حسین نقوی، قم، تابستان1384.

[۱۰۱۹] (2). در مصاحبه‌هایی که نگارنده با این دسته در لاهور، پیشاور و کویته داشته، آنان بتفصیل به‌این موضوع پرداخته‌اند.

[۱۰۲۰] (3). روزنامه شرق پیشاور،16 نوامبر2003.

اکنون فعالیت رسمی و علنی «حرکت جعفری / حرکت اسلامی » تعطیل شده و حرکت به فعالیت‌های زیرزمینی روی آورده است، اگرچه این حزب از طریق متحده مجلس عمل کم وبیش حضور سیاسی خود را در کشور حفظ کرده است . از سوی دیگر، رهبری حزب علّامه ساجد علی نقوی با استفاده از عنوان رهبر شیعیان (قاید ملت جعفریه)- نه رهبر حزب- توانسته است روابط خود با مرد م و هواداران حزب را حفظ کند و به فعالیت های اجتماعی، مردمی، دینی و فرهنگی خود ادامه دهد . علّامه نقوی تحت عنوان قیادت شیعیان، به مسافرت های داخل و خارج از کشور می پردازد و در تجمّعات مردم سخنرانی می‌کند و به دید و بازدید و بررسی مسائل عمومی جامعه شیعیان می پردازد و مواضع خود را اعلام می‌دارد.

باتوجه به شرایط سیاسی کنونی شیعیان و «حرکت جعفری »، می توان به این جمع بندی رسید که مشارکت شیعیان در قدرت، در مجموع رضایت نسبی شیعیان را به همراه داشته است. شیعیان از روند دموکراتیک کنونی تا حدّ زیادی راضی به‌نظر می‌رسند و احساس رفتار تبعیض آمیز سازمان یافته نسبت به خود ندارند، هرچند در مناطق شمالی و پاراچنار انتظار و بلکه خواست شیعیان این بوده است که مقام اول اجرایی این دو ناحیه نیز به‌آنها واگذار گردد و یا دست‌کم از

##PAGE=۴۵۵##

انحصار دایمی غیرشیعی، که عمدا تاکنون اعمال شده است، خارج گردد.

اما در دایره حقوق مذهبی و حضور فکری و اعتقادی شیعیان در سازمان های اسلامی حکومتی، هنوز نگرانی هایی در جامعه شیعیان مشاهده می شود. علّامه ساجد علی نقوی، رهبر جامعه تشیّع این کشور، ضمن اظهار نارضایتی از عدم مشارکت متناسب شیعیان در نهاده‌ای اسلامی دولتی، خواست های خود را در این مورد چنین بیان می‌دارد:

در «اسلامی نظریاتی کونسل» نمایندگانی هستند، ولی تعدادشان کم است. البته در دادگاه شرعی هنوز هیچ‌کس از شیعیان نماینده وجود ندارد. خوب، ما قسمتی از جمعیت کشور هستیم و وجود داریم.

بنابراین، حتی یک نفر از ما در دادگاه شرعی کل کشور باشد . اگر ما نباشیم، این مترادف است با نفی وجود شیعه در پاکستان، و ما این را قبول نداریم . ما خواسته هایمان را گفته ایم. در «وزارت امور مذهبی »، وزیر سنّی است . ما قبول داریم وزیر سنّی باشد، ولی مشاور او در امور مذهبی شیعه باشد. در «اداره تحقیقات اسلامی »، که در زمینه مسائل اسلامی، تحقیقات و بررسی می‌شود، در آنجا هم باید شیعه حضور داشته باشد.[۱۰۲۱]

بنابراین، نگرانی شیعیان بیشتر جنبه اعتقادی و فرهنگی دارد که به هویّت مذهبی آنها برمی گردد. «حرکت جعفری» در واقع، عهده‌دار پرکردن این خ لأ و یا کم کردن فاصله آن در سطح کشور است . دولت عمدتا سیاست معتدلانه ای در قبال شیعیان در پیش گرفته است و رهبران شیعه نیز ظاهرا مشکل غیرقابل حلّی

##PAGE=۴۵۶##

[۱۰۲۱] (1). سید ساجد علی نقوی،« شیعیان و چالش‌های پیش‌رو»، فصل‌نامه تخصصی شیعه‌شناسی، ص218.

با دولت در برابر خود نمی بینند، بلکه مشکل اصلی میان دولت و جامعه شیعیان زمانی بروز کرد که یک جریان افراطی مذهبی در زمان ضیاء الحق (۱۹۷۷– ۱۹۸۸) در سازمان‌های دولتی نفوذ کرد و سیاست های تبعیض‌آمیز مذهبی را در پیش گرفت. اکنون دولت پرویز مشرّف با اعلام سیاست غیرفرقه ای و مبارزه با افراطگرایی مذهبی، می تواند اعتماد میان شیعیان و دولت را از نو افزایش دهد و با زدودن آثار سوء گذشته، حمایت شیعیان را به خود جلب نماید.

##PAGE=۴۵۷##

فصل هشتم اقتصاد

##PAGE=۴۵۹##

وضعیت اقتصادی پاکستان

پاکستان عمدتا کشوری غیرصنعتی است که اقتصاد آن برپایه «کشاورزی» استوار گردیده است. ایالت‌های پنجاب و سند مهم‌ترین مناطق کشاورزی این کشور را تشکیل می دهند و از آب و هوای بسیار مناسب و منابع آبی خوبی برخوردارند . این کشور از تنوّع آب و هوایی خاصی برخوردار است . مناطق شمالی و شمال غربی آن کوهستانی و سرد و از امکانات کشاورزی و فرصت های اقتصادی کمتری برخوردار است . اما مناطق مرکزی، شرقی و ج نوبی آن، که شامل پنجاب و سند می‌گردد، از آب و هوای گرم، زمین های هموار و حاصلخیز و روخانه های متعدد برخوردار است. بلوچستان، که در غرب و جنوب غرب این کشور واقع شده، ناحیه ای خشک و کم بارانی است و از صحراهای وسیع و کم جمعیت تشکیل شده.

پاکستان در دهه های اخیر ، کوشیده است بخش صنعت را نیز تقویت نماید و با افزایش تولیدات، به صادرات کالاهای صنعتی اقدام کند. تقویت بخش صنعت در کنار بخش کشاورزی، مهم‌ترین راه دست‌یابی به موازنه تجاری و کاهش سطح واردات به شمار می آید. مروری اجمالی به منابع و بخش های اقتصادی این کشور می تواند ما را در شناخت وضعیت اقتصادی این کشور کمک کند.

##PAGE=۴۶۰##

الف. کشاورزی

پاکستان مجموعا دارای ۸۰ میلیون هکتار مساحت است که ۲/ ۲۵ درصد آن زیر کشت و ۱۰ درصد دیگر قابل کشاورزی، ۶/ ۳ درصد جنگل و تقریبا ۶۰ درصد آن کوهستانی و بیابانی و غیرقابل کشاورزی است. پنجاب مهم‌ترین منطقه کشاورزی پاکستان است که ۵۰ درصد سهم کشاورزی را به خود اختصاص داده است . ایالت سند با دربر داشتن قریب یک سوم مساحت زمین کشاورزی پنجاب در ردیف دوم، و سرحد با برخورداری از نصف میزان کشاورزی سند،

در ردیف سوم قرار گرفته است.[۱۰۲۲] بلوچستان با آنکه بزرگ‌ترین ایالت پاکستان به‌شمار می‌آید، به‌خاطر نامساعد بودن شرایط جغرافیایی و آب و هوایی، دارای کمترین زمینه کشاورزی است.

محصولات عمده کشاورزی پاکستان میوه، گندم، برنج، ذرّت، پنبه، نیشکر و تنباکو است . براساس آمار سال ۱۹۹۹– ۲۰۰۰ به‌میزان ۰۰۰/ ۴۶۳/ ۸ هکتار اراضی زیر کشت گندم قرار داشت که از آن ۶۰۰/ ۰۷۸/ ۲۱ تن گندم برداشت گردید. برنج قریب ۹۰۰/ ۵۱۵/ ۲ هکتار زمین با ۶۰۰/ ۱۵۵/ ۵ تن محصول، ذرّت ۷/ ۹۶۱ هزار هکتار با ۰۰۰/ ۶۵۲/ ۱ تن و پنبه ۱۰۰/ ۹۸۳/ ۲ هکتار با ۲۴۰/ ۱۱ میلیون تن و نیشکر ۸۰۰/ ۰۰۹/ ۱ هکتار با ۶۰۰/ ۳۳۲/ ۴۶ تن و تنباکو ۴/ ۵۶ هزار هکتار با ۷/ ۱۰۷ هزار تن کاشت و برداشت شده‌اند.[۱۰۲۳]

مناطق حاصلخیز کشاورزی پاکستان دارای دو فصل محصول‌دهی است که در اصطلاح محلّی، به‌آن فصل «ربیع» و فصل «خریف» گفته می‌شود. محصولات فصل ربیع در آغاز یا دوران فصل سرما، که مصادف با ماه‌های اکتبر و نوامبر

##PAGE=۴۶۱##

میلادی است کاشت می شود و در آغاز فصل گرما، که برابر با ماه های آوریل و می است، برداشت می گردد. محصولات فصل خریف در ماه های آوریل تا ژوئن کاشت می گردد و در ماه های اکتبر و نوامبر برداشت می شود. در هر فصلی، محصول ویژه‌ای کاشته می‌شود و بدین‌سان، در طول یک سال، دو نوع محصول کشاورزی متفاوت از یک زمین برداشت می‌گردد. مناطق گوناگون پاکستان از نظر میزان بهره وری زمین و محصولات کشاورزی، تفاوت و تنوّع زیادی دارند که مواردی از آن در جدول‌های ذیل مشهود است:

جدول (۲۹): مساحت زیر کاشت گندم و میزان محصول آن در چهار ایالت پاکستان (۱۹۹۹– ۲۰۰۰)[۱۰۲۴]

[تصویر] جدول (۳۰): مساحت زیر کاشت برنج و میزان تولید آن در چهار ایالت پاکستان (۱۹۹۹– ۲۰۰۰)[۱۰۲۵] [تصویر]

##PAGE=۴۶۲##

جدول (۳۱): مساحت زیر کاشت ذرّت و میزان تولید آن در چهار ایالت پاکستان (۱۹۹۹– ۲۰۰۰)[۱۰۲۶] [تصویر] جدول (۳۲): مساحت زیر کاشت پنبه و میزان تولید آن در چهار ایالت پاکستان (۱۹۹۹– ۲۰۰۰) [تصویر] پاکستان از نظر تولیدات کشاورزی، در جایگاه خوبی قرار دارد و در تولید گندم، چهارمین کشور در آسیا و یازدهمین کشور در سطح جهان به‌شمار می‌رود.

بعضی محصولات کشاورزی و غذایی آن مانند پنبه، تنباکو، شکر، میوه و صیفی جات به‌خارج صادر می گردد و از منابع مهم تأمین ارز آن کشور محسوب می شود. براساس بعضی آمارهای داخلی، قریب ۶۰ درصد درآمد ارزی این کشور از

[۱۰۲۲] (1). نذیر احمد خالد، کتابستان ورلداتلس، ص63.

[۱۰۲۳] (2). همان، ص63- 67.

[۱۰۲۴] (1). برگرفته از: نذیر احمد خالد، کتابستان ورلداتلس، ص64- 66.

[۱۰۲۵] (2). همان، ص64.

[۱۰۲۶] (1). همان، ص65.

صادرات پنبه به‌دست می‌آید.[۱۰۲۷] اما بعضی منابع دیگر اندکی در این آمار تعدیل نشان داده، وضعیت کشاورزی و جایگاه آن در اقتصاد پاکستان را چنین تشریح کرده‌اند:

##PAGE=۴۶۳##

اقتصاد پاکستان عمدتا برپایه کشاورزی و صنایع سبک و خدمات استوار است . از این میان، کشاورزی با به اشتغال درآوردن ۴۸ درصد نیروی کار (در ۱۹۹۷) و تأمین ۲۶ درصد تولید ناخالص داخلی (در ۱۹۹۸) و تأمین بیش از ۵۰ درصد درآمدهای ناشی از صادرات (در ۱۹۹۷– ۱۹۹۸) مهم‌ترین بخش اقتصادی به‌شمار می‌رود.[۱۰۲۸]

براساس آمار کتابستان ورلداتلس (کتاب اطلس جهان) ۶۷ درصد جمعیت روستایی کشور به صورت مستقیم یا غیرمستقیم وابسته به بخش کشاورزی است و بیش از ۵۰ درصد نیروی کار نیز در همین بخش اشتغال دارد .[۱۰۲۹] اما باوجود تمام پیشرفت هایی که در بخش کشاورزی به عمل آمده است، پاکستان هنوز هم در بعضی محصولات مهم و ضروری مانند دانه های روغنی، اقسام گوناگون «حبوبات» (که خورشت اغلب مردم را تشکیل می دهد) و مانند آنها، بل کمبودهایی روبه روست. دولت از برنامه پنج ساله پنجم (۱۹۷۸– ۱۹۸۳) به بعد، به طور جدّی کوشیده است بخش کشاورزی را بیش از پیش توسعه داده، ضمن تأمین نیازهای داخلی، صادرات آن را نیز افزایش دهد . اما به‌نظر می‌رسد به‌استثنای برنامه های پنج ساله پنجم و ششم (۱۹۷۸– ۱۹۸۸)، برنامه های پنج ساله هفتم (۱۹۸۸– ۱۹۹۳)، هشتم (۱۹۹۳– ۱۹۹۷) و نهم (۱۹۹۸– ۲۰۰۳) به خاطر بی‌ثباتی سیاسی، که پس از کشته شدن ضیاء الحق و روی‌کار آمدن و سقوط متوالی دولت های حزب «مردم» و «مسلم لیگ» نواز شریف به‌وجود آمد، چندان موفق نبوده است،[۱۰۳۰] به‌ویژه آنکه آمریکا، که یکی از مهم‌ترین کشورهای کمک‌کننده

##PAGE=۴۶۴##

به پاکستان بوده، نیز از سال ۱۹۹۰ در پی تغییر شرایط جهانی و پایان یافتن جنگ سرد، کمک های خود به پاکستان را قطع کرده است . در دوران پرویز مشرّف، رئیس جمهور کنونی، (از ۱۹۹۹ تاکنون)، روابط پاکستان با آمریکا و سازمان‌های بین المللی از نو تحکیم یافته و پاکستان با برخورداری از نقش اساسی در مبارزه با بنیادگرایی اسلامی «القاعده» و «طالبان» در همکاری نزدیک تری با آمریکا قرار گرفته و از مساعدت های مالی بیشتر آمریکا، که شامل تخفیف بخشی از بدهی‌های آن کشور نیز می‌گردید، بهره‌مند شده است.

ب. صنعت

پاکستان از زمان استقلال تاکنون، گام های بزرگی در جهت صنعتی شدن برداشته است . در دوران تقسیم هند، تنها ۲۳ واحد صنعتی از مجموع ۹۲۱ واحد به‌این کشور تعلّق گرفت و در سال ۱۹۴۹ تنها ۷/ ۷ درصد از درآمد ملّی را بخش صنعت تأمین می‌کرد و در سال مالی ۱۹۵۹– ۱۹۶۰ این میزان تنها به ۱۲ درصد افزایش یافت. اما امروز هزاران شرکت

[۱۰۲۷] (2). نذیر احمد خالد، ص65 و 67 به‌نقل از: سالنامه تولیدات کشاورزی پاکستان،1999–2000.

[۱۰۲۸] (1). دانشنامه جهان اسلام، ج5، ص447.

[۱۰۲۹] (2). نذیر احمد خالد، کتابستان ورلداتلس، ص63.

[۱۰۳۰] (3). سید قاسم محمود، انسائیکلوپیدیا پاکستانیکا، ص367.

و کارخانه صنعتی بزرگ و متوسط در بخش های گوناگون فعالیت می کنند که ۱۷ درصد از درآمد ملّی را به خود اختصاص داده‌اند. در دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۶۰ م، مراکزی برای حمایت از توسعه صنعتی به‌وجود آمد که تأثیر بسیار مثبتی بر رشد صنعتی کشور داشت. مهم‌ترین آنها عبارت بودند از: مؤسسه «توسعه صنعتی» در ۱۹۵۲، «انجمن صنعتی» و «انجمن مالی- صنعتی» در ۱۹۴۸، «شورای تحقیقاتی علوم و صنایع پاکستان» در ۱۹۵۳ و مرکز «علوم و تکنولوژی پاکستان» در ۱۹۶۱ م. این مراکز و انجمن‌ها، فعالیت‌های تحقیقاتی در زمینه‌های

##PAGE=۴۶۵##

تأمین اعتبار و ارز و ایجاد دیگر تسهیلات برای رشد صنعت به‌عمل آوردند و توانستند پشتوانه علمی و مالی خوبی برای تأسیس صنایع در کشور ایجاد کنند.[۱۰۳۱]

امروز صنایع مهم پاکستان در زمینه های نسّاجی، تولید شکر، تولید روغن، سیمان، کود شیمیایی، کاغذسازی، ماشین‌سازی، فولاد، چرم‌سازی، تولید فرش، و وسایل جرّاحی و پزشکی فعالیت می کنند. پاکستان تعدادی از این صنایع را با حمایت های مالی و فنی کشورهای چین، ژاپن، کره، ایتالیا، روسیه و آمریکا به وجود آور ده است. چین بیشتر در صنایع اتومبیل‌سازی، موتورسازی، استخراج معادن، تولید برق، و روسیه در زمینه صنعت فولاد با این کشور همکاری دارد.

بخش صنعتی پاکستان در سال مالی ۱۹۹۹- ۲۰۰۰، رشدی ۴/ ۶ درصدی داشته و این رشد در صنایع شیمیایی، لاستیک‌سازی، پلاستیک‌سازی، آهن و ماشین‌سازی چشمگیرتر بوده است.[۱۰۳۲]

ویلیام گودوین،[۱۰۳۳] نویسنده کتاب پاکستان، نیز چشم‌انداز صنعت پاکستان را مثبت ارزیابی کرده و نوشته است:

بخش صنعتی پاکستان، که پارچه، لباس، کالاهای چرمی، فرش و قالیچه، کالاهای ورزشی، ماشین آلات و لوازم جرّاحی تولید می‌کند، نسبتا قوی است و توانایی بالقوّه‌ای برای صدور کالاهای تولیدی‌اش را دارد.[۱۰۳۴]

##PAGE=۴۶۶##

پاکستان در عرصه تجارت خارجی، همواره با کسری تراز تجاری روبه‌رو بوده است. این کشور در سال مالی ۲۰۰۰، ۶/ ۸ میلیارد دلار صادرات و ۶/ ۹ میلیارد دلار واردات داشته است . دولت برای جبران کسری تراز تجاری، به وام های خارجی متوسّل می شود. اکنون میزان بدهی های خارجی این کشور بالغ بر ۴۰ میلیارد دلار می شود.[۱۰۳۵] برخی منابع خارجی، سقف بدهی خارجی و داخلی این کشور را تا ۶۵ میلیارد دلار ذکر کرده‌اند.[۱۰۳۶]

[۱۰۳۱] (1). همان، ص360- 361.

[۱۰۳۲] (2). نذیر احمد خالد، کتابستان ورلداتلس، ص80.

[۱۰۳۳] (3)..niwdooG mailliW

[۱۰۳۴] (4). ویلیام گودوین، پاکستان، ص113.

[۱۰۳۵] (1). نذیر احمد، کتابستان ورلد اتلس، ص80.

[۱۰۳۶] (2). ویلیام گودوین، پاکستان، ص113.

دولت برای رسیدن به موازنه تجاری خارجی، پس از تولید ات کشاورزی، به تولیدات صنعتی چشم دوخته است که این کار تنها با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی بیشتر و تقویت بخش خصوصی و حمایت های مالی و قانونی از آنها ممکن می‌شود. اما رشد تروریسم مذهبی در کشور، که بعضا منافع دولت های خارجی، به ویژه غربی، را هدف قرار می دهد، نگرانی هایی برای سرمایه گذاران خارجی به وجود آورده است . پرویز مشرّف با تشدید مبارزات ضد تروریستی در سال‌های اخیر و انتصاب شوکت عزیز، اقتصاددان شناخته شده کشور، به جای میر ظفر الله جمالی به عنوان نخست وزیر در تابستان ۲۰۰۵، تلاش کرد به اوضاع اقتصادی کشور سر و سامان بخشد.

تولیدات صنعتی پاکستان عمدتا در بازار داخلی به مصرف می‌رسد، اما برخی از آنها توانسته است در بازارهای خارجی نیز مشتری پیدا کند؛ مانند فرش و قالیچه، چرم و کالاهای چرمی، پارچه، وسایل جرّاحی و پزشکی، و وسایل ورزشی.

##PAGE=۴۶۷##

جدول (۳۳): وضعیت صنایع پاکستان در سال ۲۰۰۰– ۲۰۰۱ [تصویر]

##PAGE=۴۶۸##

ج. منابع و معادن

پاکستان از لحاظ ذخایر زیرزمینی و سطحی، در وضعیت مطلوبی قرار ندارد.

معادن و منابع کانی آن نمی تواند به‌تمام نیازهای کشور پاسخ دهد، هرچند برخی معادن کشور مانند زغال سنگ، نمک و گچ، از نظر ذخایر بسیار غنی است. منابع کانی عمده آن عبارت است از: زغال سنگ، گاز طبیعی، نفت خام، سنگ مرمر، خاک رس چینی، ترومیت، دولومیت، سنگ آهک، سولفور، منگنز، نمک و سنگ آهن.[۱۰۳۷]

ذخایر زغال سنگ این کشور ۱۸۵ میلیارد تن برآورد شده است. در سال ۱۹۹۲ یکی از مهم‌ترین ذخایر زغال‌سنگ در ایالت سند با ظرفیت ۱۷۵ میلیارد تن کشف شد که در نوع خود، بزرگ‌ترین ذخیره زغال‌سنگ جهان است. تولید سالانه زغال‌سنگ در سال ۲۰۰۰– ۲۰۰۱ به‌میزان ۰۰۰/ ۱۶۴/ ۳ تن بوده است که ۹۱ درصد آن در کوره های آجرپزی و ۹ درصد دیگر در تأمین نیروی برق به مصرف می رسد. معادن عمده زغال سنگ در اطراف کویته بلوچستان، و تهر، لاکرا[۱۰۳۸] و جمپیر[۱۰۳۹] در سند، و دندوت،[۱۰۴۰] پدهرار[۱۰۴۱] و پیل در پنجاب واقع شده‌اند.[۱۰۴۲]

منبع طبیعی مهم دیگر پاکستان «گاز» است که ذخایر مهم آن در ناحیه «سوئی» بلوچستان، مناطق پایین سند، خیرپور و مناطق مرتفع پوتوهار و کوهستان نمک قرار گرفته است.

[۱۰۳۷] (1). نظیف کار، غزاله و نورزی، حسین، برآورد استراتژیك پاکستان، ص59.

[۱۰۳۸] (2).. arkaL

[۱۰۳۹] (3).. reapmaJ

[۱۰۴۰] (4).. todnaD

[۱۰۴۱] (5).. rarahdaP

[۱۰۴۲] (6). نذیر احمد، کتابستان ورلداتلس، ص76.

ذخایر گاز در سال ۱۹۹۵ قریب ۰۳۴/ ۶۱۵ میلیارد متر مکعب تخمین زده شده بود و در یکم آوریل ۲۰۰۱ ذخایر قابل بهره‌برداری گاز ۲۵ تریلیون مکعب فوت ذکر شده است. در سال ۲۰۰۰– ۲۰۰۱ میانگین تولید گاز در کشور ۲۷۱/ ۲

##PAGE=۴۶۹##

میلیون متر مکعب بود که ۴۰ درصد در تولید نیروی برق، ۲۵ درصد در تولید کود، ۱۸ درصد در صنایع و ۱۷ درصد در سوخت خانگی به‌مصرف می‌رسید.[۱۰۴۳]

نفت نیز کم‌وبیش در این کشور کشف شده است . اولین چاه نفت در سال ۱۹۶۸ در میانوالی پنجاب حفر شد و تا سال ۲۰۰۲ قریب ۹۰ حلقه چاه به حفّاری رسید . میزان ذخایر نفت در سال ۲۰۰۱، ۲۸۳ میلیون بشکه ذکر شده است که روزانه ۱۴۱/ ۵۶ بشکه از آن استخراج می‌گردد. نفت ۴۷ درصد نیازهای انرژی پاکستان را تأمین می‌کند، اما تولید نفت داخلی تنها یک سوم نیازهای داخلی را کفایت می‌کند و دو سوم دیگر از خارج وارد می‌شود.[۱۰۴۴] منابع نفتی پاکستان در مناطق پایین سند، کوهستان نمک و چندین نقطه دیگر در پنجاب و سند مورد شناسایی و بهره‌برداری قرار گرفته است.

پاکستان در عرصه تأمین انرژی و مواد سوختی، با مشکلات عدیده ای روبه روست. هرچند منابع و تولید سالانه زغال‌سنگ در این کشور رضایت‌بخش است، اما در زمینه نفت، گاز و برق با کمبودها و نواقص زیادی مواجه است.

پاکستان برنامه توسعه شبکه گازرسانی را با جدّیت ادامه می دهد و تا نیمه اول سال ۲۰۰۲، تعداد ۷۷۴ شهر کوچک و بزرگ را گازرسانی کرده بود. دولت همچنین با در پیش گرفتن برنامه گازسوز کردن خودروها، می کوشد از وابستگی به نفت وارداتی بکاهد و تا اوت ۲۰۰۲ قریب ۰۰۰/ ۳۰۰ دستگاه اتومبیل به دستگاه های گازسوز) C. N. G (مجهّز شد.[۱۰۴۵]

کمبود انرژی برق یکی دیگر از مشکلات روزمرّه اقتصادی کشور است . هرچند طی یک دهه اخیر، براساس برخی آمارها، به‌میزان تقریبی صددرصد بر تولید

##PAGE=۴۷۰##

برق افزوده شده، اما این افزایش تولید نتوانسته است معضل کمبود برق در کشور را برطرف نماید . در سال ۱۹۹۲ میزان تولید برق ۲۹۳/ ۹ مگاوات بود که ۷/ ۶۷ درصد آن از سوخت‌های فسیلی، ۹/ ۳۵ درصد از انرژی آب و ۵/ ۱ درصد از انرژی هسته ای تولید می گردید.[۱۰۴۶] اما در سال ۲۰۰۰– ۲۰۰۱، این میزان به ۸۱۸/ ۱۷ مگاوات افزایش یافت که نقش برق هسته‌ای در آن ۴۶۲ مگاوات (۶/ ۲ درصد) است.

د. حمل‌ونقل

[۱۰۴۳] (1). همان، ص77.

[۱۰۴۴] (2). همان، ص76.

[۱۰۴۵] (3). همان، ص77.

[۱۰۴۶] (1). نظیف‌کار، غزاله و نوروزی، حسین، برآورد استراتژیك پاکستان، ص63.

وضعیت حمل‌ونقل در یک کشور می تواند از شاخص های رشد اقتصادی تلقّی شود . کشوری که در اقتصاد، تجارت و تولید کالا به رشد مناسبی دست یافته باشد، دارای نظام حمل و نقل مناسب و پیشرفته ای است، هم چنان‌که قدیمی و ناکارآمد بودن نظام حمل ونقل آن می تواند علامتی برای عدم توسعه اقتصادی و تجاری آن تلقی شود . پروفسور نذیر احمد درباره وضعیت حمل‌ونقل پاکستان می‌گوید:

پاکستان از نظر مساحت، کشور بزرگی است؛ اما به دلایل طبیعی، اقتصادی و سیاسی، وسایل حمل ونقل آن در اکثر مناطق، هنوز بسیار عقب مانده اند. اگرچه در مناطق پرجمعیت و سطح هموار پنجاب، سند، سرحد و بلوچستان بهترین نظام جاده‌ای و راه آهن وجود دارد، اما مناطق کم جمعیت کوهستانی و ریگستانی، از نظر تسهیلات جدید بسیار عقب مانده‌اند.[۱۰۴۷]

##PAGE=۴۷۱##

حمل‌ونقل پاکستان از چ هار بخش جاده‌ای، ریلی، هوایی و دریایی تشکیل شده است . حمل‌ونقل جاده‌ای ۹۰ درصد از سهم کل حمل‌ونقل مسافر و کالا را به خود اختصاص می دهد. پاکستان در سال ۲۰۰۰ دارای ۹۵۹/ ۲۴۹ کیلومتر جاده آسفالته بوده است که سالانه ۸ درصد بر طول آن افزوده می‌شود. از این میان، ۵۷۷ کیلومتر آن بزرگراه است که شهرهای فیصل‌آباد- پندی بتیان،[۱۰۴۸] اسلام‌آباد- پیشاور و اسلام‌آباد- لاهور را به‌هم وصل می‌کند. از ۹۵۹/ ۲۴۹ کیلومتر جاده، ۲۰۰/ ۱۳۸ کیلومتر آن استاندارد و ۱۴۰/ ۱۱۰ کیلومتر آن فاقد استاندارد است که این امر بیانگر مشکلات و نارسایی‌ها در بخش قابل توجهی از نظام حمل‌ونقل جاده‌ای این کشور است.

بخش ریلی و راه آهن پاکستان علی رغم برخورداری از شبکه ای گسترده به طول ۷۹۱/ ۷ کیلومتر با ۵۹۷ لکوموتیو، ۲۷۵/ ۲ واگن مسافربری و ۹۰۶/ ۲۳ واگن باری، از شرایط خوبی برخوردار نیست.

پروفسور عرفان احمد بیگ معتقد است: سیر نزولی در نظام راه‌آهن پاکستان از سال ۱۹۶۵ آغاز شد. پس از آنکه کشور در جنگ ۱۹۶۵ با هند با مشکلات سیاسی و اقتصادی مواجه گردید، فساد و ضعف مدیریت در سازمان راه آهن رخنه نمود و این سازمان هرسال با زیان و خسارت روبه‌رو بوده است.[۱۰۴۹]

نذیر احمد، نویسنده کتابستان اطلس جهان، روند نزولی کیفیت و فعالیت راه‌آهن را چنین تشریح می‌کند:

##PAGE=۴۷۲##

در طی دهه گذشته (۱۹۹۰- ۲۰۰۰)، نظام راه آهن با رشد منفی جدّی مواجه بوده است؛ یک سازمان سودآور با میلیاردها روپیه خسارت دارد فعالیت می کند. در جریان ده سال گذشته، تقریبا یک هزار کیلومتر خط راه آهن مسدود شده است، در حالی‌که در همین دوران، تعداد مسافرین از ۹/ ۸۴ میلیون نفر به ۶۸ میلیون نفر کاهش یافته است، و حمل کالای تجارتی از ۷/ ۷ میلیون تن به ۸/ ۴ میلیون تن رسیده است.

[۱۰۴۷] (2). نذیر احمد خالد، کتابستان ورلد اتلس، ص84.

[۱۰۴۸] (1). naytuB idnaP

[۱۰۴۹] (2). عرفان احمد بیگ،« نقش راه‌آهن قندهار تا آسیای میانه در توسعه اقتصادی پاکستان»، جنگ سندی میگزین، 7 مارس2004، ص 4.

تعداد واگن های باری از ۸۵۱/ ۳۴ به ۹۰۶/ ۲۳ تقلیل پیدا کرده و لکوموتیو از ۷۵۳ دستگاه به ۵۹۷ دستگاه رسیده‌اند.[۱۰۵۰]

راه‌آهن به‌خاطر فرسودگی خطوط و شبکه و همچنین قدیمی بودن لوکوموتیوها و واگن ها در شرایط ناگواری قرار دارد. دولت تاکنون نتوانسته است بودجه لازم برای بازسازی و جایگزین کردن بخش های قدیمی و فرسوده به جدید را تأمین کند. درآمدهای خود سازمان راه‌آهن حتی هزینه‌های جاری آن را نیز کفایت نمی‌کند.

بخش هوایی و دریایی سومین و چهارمین بخش حمل‌ونقل پاکستان را تشکیل می‌دهد. پاکستان در سال ۱۹۵۵، اداره« A .P .I.» [۱۰۵۱] را در خطوط هوایی داخلی و بین‌المللی تأسیس کرد. این اداره در سال ۲۰۰۰، ۴۸ فروند هواپیما در اختیار داشت که در خطوط داخلی و بین‌المللی فعالیت می‌کرد. پاکستان در این عرصه، از پیشرفت و موفقیت خوبی برخوردار بوده و تا سال ۲۰۰۰، ۳۵ شهر این کشور دارای فرودگاه گردیده و با همدیگر در ارتباط هوایی قرار گرفته‌اند.

##PAGE=۴۷۳##

ه. اشتغال و درآمد

توزیع جمعیت در سطح شهر و روستا تقریبا تصویری از وضعیت اشتغال در پاکستان را نشان می‌دهد. براساس سرشماری سال ۱۹۹۸، ۵/ ۶۷ درصد مردم روستانشین و ۵/ ۳۲ درصد شهرنشین بوده اند. بدین‌سان، می توان گفت: معیشت دست‌کم ۶۷ درصد جمعیت کشور از طریق کشاورزی تأمین می شود. آمارهای موجود در منابع خارجی، توزیع اشتغال در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ را چنین ثبت کرده است:[۱۰۵۲]

توزیع مشاغل طبق آمار سال ۱۹۹۹: ۱. کشاورزی ۴۴ درصد؛ ۲. خدمات ۳۹ درصد؛ ۳. صنعت ۱۷ درصد.

توزیع مشاغل طبق آمار سال ۲۰۰۰: ۱. کشاورزی ۴۴ درصد؛ ۲. خدمات ۳۰ درصد؛ ۳. صنعت ۲۶ درصد.

آمارهای آخرین سال‌های دهه ۱۹۹۰ نیز تقریبا ارقام و اعداد مزبور را تأیید می‌کند. در جلد پنجم دانشنامه جهان اسلام، ذیل عنوان «پاکستان» درباره اقتصاد این کشور چنین آمده است:

اقتصاد پاکستان عمدتا برپایه کشاورزی و صنایع سبک و خدمات استوار است . از این میان، کشاورزی با به اشتغال درآوردن ۴۸ درصد نیروی کار (۱۹۹۷) و تأمین ۲۶ درصد تولید ناخالص داخلی (در ۱۹۹۸) و تأمین بیش از ۵۰ درصد درآمدهای ناشی از صادرات (در ۱۹۹۷– ۱۹۹۸) مهم‌ترین بخش اقتصادی به‌شمار می‌رود.

بخش صنعت ۵/ ۱۷ درصد از نیروی کار را به اشتغال درآورده (در ۱۹۹۴– ۱۹۹۵) و ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی کشور را (در ۱۹۹۷– ۱۹۹۸) تأمین کرده است. بالغ بر ۸/ ۳۲ درصد نیروی کار (در

[۱۰۵۰] (1). نذیر احمد، کتابستان ورلداتلس، ص86.

[۱۰۵۱] (2)..senilriA lanoitanretnI natsikaP

[۱۰۵۲] (1). نظیف‌کار، غزاله و نوروزی، حسین، برآورد استراتژیك پاکستان، ص57– 58.

##PAGE=۴۷۴##

۱۹۹۴– ۱۹۹۵) در بخش خدمات اشتغال یافته و ۳/ ۴۹ درصد از تولید ناخالص داخلی (در ۱۹۹۷– ۱۹۹۸) متعلّق به‌این بخش است.[۱۰۵۳]

گفته می‌شود: کل نیروی کار در سال ۱۹۹۹– ۲۰۰۰ قریب ۴۰ میلیون نفر بوده است. میزان بیکاری در این کشور بسیار بالاست.

براساس برآورد سال ۲۰۰۰، تولید ناخالص داخلی پاکستان ۲۸۴ میلیارد دلار بوده است . رشد واقعی ۸/ ۴ درصد و تولید سرانه ناخالص داخلی ۲۰۰۰ دلار بوده است .[۱۰۵۴] پاکستان قریب ۴۰ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد که قس ط بازپرداخت و نیز سود سالانه آن، حجم عظیمی از درآمد ملّی این کشور را به خود اختصاص می دهد. در اوایل دهه ۱۹۹۰، که تصور می شد این کشور ۲۰ میلیارد دلار بدهی دارد، ۲۸ درصد درآمد کشور صرف بازپرداخت قسط و سود وام‌های خارجی می گردید. در همان سال، ۳۱ درصد درآمد کشور صرف هزینه های دفاعی گردید .[۱۰۵۵] بخش خدمات عمومی سهم بسیار ناچیزی از بودجه را به‌خود اختصاص می‌دهد.

تخصیص بودجه کمتر به‌بخش خدمات، به‌معنای عدم توسعه رفاه عمومی است که این امر ارتباطی مستقیم با زندگی افراد جامعه دارد. در پاکستان، یک اقلّیت کوچک از امکانات گس ترده اقتصادی برخوردار است، اما اکثریت قاطع مردم در تنگنای شدیدی قرار دارند. ویلیام گودوین در کتاب پاکستان می‌نویسد:

درآمد سرانه پاکستانی ها در سال، تقریبا چهارصد دلار است . با هر معیاری که بسنجیم، این درآمد بسیار کم است و وضعیت اقتصادی خراب کشور ... احتمالا در سال‌های آتی هم ادامه خواهد داشت.[۱۰۵۶]

##PAGE=۴۷۵##

وضعیت اقتصادی شیعیان

توضیحات و آمارهایی که از وضعیت اقتصادی پاکستان ارائه گردید، شرایط و وضعیت اقتصادی آن کشور را به تصویر می‌کشد. این شرایط دربرگیرنده وضعیت همه اقشار و گروه های اجتماعی، قومی و مذهبی این کشور، از جمله شیعیان است. جامعه شیعیان پاکستان، همچنان که از لحاظ اجتماعی و سیاسی یک گروه اجتماعی و سیاسی کاملا مشخص و متمایز از سایر گروه های اجتماعی و سیاسی نیست، از لحاظ اقتصادی نیز همین گونه است. شرایط، فرصت‌ها و موانع فعالیت‌های اقتصادی و کسب سرمایه برای همه گروه‌های مذهبی یکسان است . از این‌رو، می‌توان به‌خوبی استدلال کرد که شکاف طبقاتی ناشی از درآمد– همان‌گونه که در کل پاکستان وجود دارد– در میان شیعیان نیز وجود دارد و نرخ بیکاری و فقر در کل کشور، تصویر روشنی از جامعه شیعه این کشور نیز هست.

[۱۰۵۳] (1). دانشنامه جهان اسلام، ج5، ص447.

[۱۰۵۴] (2). ویلیام گودوین، پاکستان، ص123.

[۱۰۵۵] (3). محمّد فاروق خان، کیسوین صدی اور پاکستان[پاکستان و قرن بیست و یکم]، ص106.

[۱۰۵۶] (4). ویلیام گودوین، پاکستان، ص113.

بخش اعظم ج معیت کشور (۶۷ درصد) روستانشین است که معیشت آنان با کشاورزی پیوند خورده . جامعه روستایی کشور از دو طبقه زمیندار (جاگیردار) و بی‌زمین تشکیل شده است . اکثریت قاطع جمعیت روستایی کم زمین و یا فاقد زمین هستند که برای تأمین معاش خود، ناگزیرند روی زمین های «جاگیرداران» (فئودال‌ها) کار کنند و یا بخشی از نیروی کار خود را به شهرهای مجاور یا بزرگ مانند کراچی و لاهور و یا در خارج از کشور (عمدتا کشورهای عربی) بفرستند. جمعیت شهری عمدتا در ادارات و سازمان‌های دولتی و در بازار اشتغال دارند.

شیعیان به‌تبع کل جامعه پاکستان، عمدتا در چهار گروه شغلی تقسیم‌بندی می‌شوند: ۱. کشاورزی؛ ۲. کارمندی؛ ۳. بازار و تجارت؛ ۴. مهاجرت برای کار.

##PAGE=۴۷۶##

۱. کشاورزی

برآوردهای اولیه نشان می دهد که نسبت جمعیت غیرشهری شیعیان به جمعیت شهری آن، بیش از نسبت جمعیت غیرشهری اهل سنّت به جمعیت شهری آنها ست. احتمالا تنها در ایالت بلوچستان، جمعیت شهرنشین شیعه، که در کویته تمرکز یافته، نسبت به جمعیت روستایی آن بیشتر است و در سایر ایالات و مناطق، اکثریت عمده شیعیان در روستاها زندگی می‌کنند. حجۀ الاسلام سید افتخار حسین نقوی، دبیر کل سابق «تحریک جعفریه» و سرپرست سابق این گروه، در پنجاب می‌گوید:

به‌طور کلی، می توانیم بگوییم که بیش از نود درصد مردم شیعه پاکستان وضعشان خیلی ضعیف است . چون یک علتش این است که بیشترشان در دهات زندگی می کنند؛ یعنی شیعه ها بیشتر توی روستاها هستند؛ آن هم چون ملّاک ها توی روستاها بوده‌اند، کنار رودخانه‌ها بوده‌اند و همان‌جا چون آبادی‌ها بودند و اینها مزارعین آنها بوده‌اند و خیلی‌ها هم شیعه می‌شدند؛ چون ملّاکشان سید و شیعه بودند.[۱۰۵۷]

علّامه سید ساجد علی نقوی، رهبر شیعیان پاکستان، نیز وضع اقتصادی شیعیان را جدا از سایر مردم کشور ندانسته، در مورد وضعیت اقتصادی آنها چنین می‌گوید:

در حال حاضر، شیعیان این کشور در وضع اقتصادی جدا از دیگر مردم پاکستان نیستند . البته شیعیان دو طایفه هستند؛ یک طایفه آنها

##PAGE=۴۷۷##

ملّاک هستند زمین دارند و در بعضی جاها، زیاد هستند . در سیاست این کشور هم نقش دارند . البته چون کشور وسیع است، نسبت آنها به دیگران کمتر است.[۱۰۵۸]

[۱۰۵۷] (1). مصاحبه شخصی با حجة الاسلام سید افتخار حسین نقوی، قم، شعبان1426 ق. متن این مصاحبه در کتابخانه مؤسسه« شیعه‌شناسی» قم نگه‌داری می‌شود.

[۱۰۵۸] (1). ساجد علی نقوی،« شیعیان و چالش‌های پیش‌رو»، فصل‌نامه تخصصی شیعه‌شناسی، ص207.

طایفه دیگر شیعیان بدون زمین و یا کم زمین هستند که زندگی را به مشقّت سپری می کنند. زمین‌داران بزرگ شیعه در پنجاب و سند به سر می‌برند و بیشتر آنها در امتداد رودهای سند (بخصوص در جانب شرق آن) چناب، جهلم و راوی واقع شده‌اند. در گذشته، تعداد فئودالان و زمین داران بزرگ شیعه در این دو ایالت بیشتر بوده، اما اکنون تا حدّ زیادی کاهش یافته‌اند. علّامه سید افتخار حسین نقوی درباره عوامل این کاهش چنین می‌گوید:

نظام فئودالی فقط بین شیعیان نیست، بین همه هست . الآن یک کمی کم رنگ شده؛ یعنی هنوز هم هست، اما چنین شده که این فئودال ها آمده‌اند بیشتر زمین ها را فروخته اند، آن زمین ها را مزارعین [کشاورزان] شان خریداری کرده اند. این سادات، که خیلی زمین داشتند، آنها شدند فقیر، خمس بگیر و آنهایی که مزارعینشان بوده اند، آنها شده اند ملاّک؛ یعنی عمل عکس شده است، اما آن ملّاکیت موجود است.[۱۰۵۹]

عامل مهم دیگر در تضعیف زمین داری و کاهش سطح املاک کشاورزی، مسئله «ارث» است؛ بدین معنا که زمین در دوران انتقال از یک نسل به نسل دیگر، همواره تجزیه می گردد و به تعداد اعضای وارث خانواده به سهم های کوچک تر تقسیم می‌شود؛ مثلا، در گذشته اگر صاحب زمینی دارای ۲۰۰۰ جریب

##PAGE=۴۷۸##

زمین بود، در فرض داشتن چهار فرزند پسر، نسل دوم این زمیندار تنها مالک ۵۰۰ جریب زمین می گردید و در نسل سوم نیز اگر برای هر مرد خانواده (چهار برادران) چهار فرزند پسر در نظر بگیریم، سهم نوه‌ها به ۱۲۵ جریب کاهش پیدا می‌کند.

به‌هرحال، اقتصاد کشاورزی از این طریق، همیشه در معرض آسیب و کاهش درآمد قرار دارد و به تبع آن، سطح درآمدها نیز کاهش یافته، نرخ فقر رو به افزایش می گذارد. از این‌رو، می‌توان گفت: در پنجاب و سند، جمعیت کم و زمین و فاقد زمین به شدت رو به گسترش است . در عین حال، در میان گروه اقلّیت زمیندار و فئودال، به نظر می رسد «سادات» زمین‌های بیشتری در اختیار دارند.

برخی خانواده‌های سادات در مظفّرگر، تونسه، میانوالی، لیّه، کرور، بکّر و جنگ در پنجاب، و خیرپور، روهری و بت شاه در سند از زمین‌داران بزرگ به شمار می‌روند. این خانواده‌ها هریک بین ۱۰۰۰ تا ۴۰۰۰ جریب زمین در تصرف خود دارند و در عرصه‌های سیاسی و مذهبی نیز بسیار فعّالند. حجۀ الاسلام سید افتخار نقوی درباره ریشه‌ها و عوامل زمیندار شدن سادات و کسب منزلت اقتصادی و اجتماعی برتر، چند عامل را به‌طور ویژه نام برده، می‌گوید:

در زمان مغول ها، همچنین در زمان انگلیس ها، این سادات هنر داشتند، علم داشتند، طبیب بودند . هر خانواده بروید از اجدادشان بپرسید که چطور زمین به شما داده شد؟ می گوید که- مثلا- فلان سیک حیوانش مریض شده بود و نمی‌توانست علاج کند، آمد نزد جدّ ما و جدّ ما آن را تداوی کرد و او بعدش گفت : شما بروید این زمین را هرچه می‌توانید احاطه‌اش کنید. یک عاملش این بود که سادات در هنرهای مختلف وارد بودند و بیشتر آنها از بخارا و از طرف افغانستان و ایران و عرب آمده

[۱۰۵۹] (2). مصاحبه با سید افتخار حسین نقوی، قم، شعبان1426 ق.

##PAGE=۴۷۹##

بودند، این یک دلیل.

دوم [اینکه] همین سادات بودند که هندوها را مسلمان کردند، سیک ها را مسلمان کردند، هرچه مسلمان بودند آنها سید را به‌عنوان آقا احترام می کردند. آنها خیال می کردند- یعنی حقیقتش هم همین بود- که اینها خانواده پیغمبرند و ما هم که پیغمبر را ندیدیم، باید دست این‌ها را ببوسیم که گویا دست نبی را بوسیده ایم. لذا، نظرشان این بود که اینها نباید بیایند زحمت بکشند، بیایند کار کنند؛ این آقای ما هست، ما باید زمین ها را برای اینها بدهیم و اینها- مثلا- می‌آمدند بعضی هندوها یا بعضی کسانی که وقتی مسلمان می شدند به سادات یک زمی‌ن های مخصوصی می دادند که این برای سادات است که مزارعین آن را بکارند و برای سادات هم چیزی بدهند.

سوم اینکه می‌گفتند: سادات یک حقی دارند. آن حق، حق خمس است؛ یک حقی است ما باید به‌همین سادات بدهیم.

چهارم اینکه وقتی می آییم همین انگلیسی ها و اینها را می بینیم، این هم توی ذهنشان بود که ما باید سادات را خوشحال نگه داریم تا اینها خیلی طرف درس و بحث و اینها اصلا نروند تا اینها علیه ما مردم را نشورانند؛ چون می ترسیدند از همین سادات، چون پیر و مرشد همین سادات بود. لذا، آنها هم سعی‌شان این بود که اینها احترام داشته باشند و برای اینها یک چیزهایی باشد.

بعد این هم هست که خیلی سادات ها را می بینیم که خودشان رفته اند، زمین های بایر را احاطه کردند و بعد آمدند خودشان زحمت کشیدند و برایشان آباد کردند.[۱۰۶۰]

##PAGE=۴۸۰##

به‌هرحال، یک اقلّیت محدود، اکثریت منابع درآمد روستایی را در اختیار دارند. منتقدان فئودال ها، فئودالیسم و جاگیرداری را محصول سیاست های نادرست حاکمان مغول و انگلیسی ها می دانند. حاکمان مغول و انگلیسی ها برای جلب حمایت افراد ذی‌نفوذ و منصب‌داران نظامی خود، زمین‌های وسیعی را به آنان واگذار می‌کردند و گاهی به‌کسانی که در دولت و به نفع حکومت خدمات شایسته ای انجام داده بودند، پاداش هایی به‌صورت اقطاع و زمین می بخشیدند که این بذل و بخشش‌های بزرگ سبب شکل‌گیری نظام «جاگیرداری» و نابرابری در توزیع اراضی گردید.

مهم این است که تداوم این نظام سبب گسترش فقر در جامعه روستایی و محرومیت اکثریت قاطع کشاورزان از زمین گردیده است. امروز فقر و بیکاری در میان کشاورزان بسیار افزایش یافته است. دست‌مزد روزانه در روستاها بین ۷۰ تا ۱۰۰[۱۰۶۱] روپیه (در سال ۲۰۰۴) است و درآمد متوسط ماهانه ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ روپیه. در روستاها، کار بر روی زمین به‌چند روش انجام می‌گیرد:

[۱۰۶۰] (1). همان، ص 5- 6.

[۱۰۶۱] (1). 100 روپیه معادل تقریبا 2 دلار آمریکایی و 1500 تومان واحد پول ایران است.

۱. اجاره: کشاورز زمین را با پرداخت پول معیّنی در برابر هر «ایکر» (معادل دو جریب و خرده‌ای) برای یک سال اجاره می‌کند. در این قرارداد، تمام هزینه‌های کشت و برداشت به‌عهده اجاره‌دار است و مالک زمین هیچ هزینه‌ای غیراز زمین و آب به‌عهده نمی‌گیرد. مبلغ اجاره بین ۳۵۰۰ تا ۶۰۰۰ روپیه در هر ایکر است که کم و زیاد آن بستگی به استعداد زمین در کیفیت محصول دهی دارد. در زبان محلّی، این نوع اجاره داری را «تیکه» می‌گویند؛ یعنی: کنتورات. در جاهایی که زمین از ظرفیت بهره‌وری کمتری برخوردار باشد، نرخ اجاره بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ روپیه کاهش می‌یابد.

۲. مزارعه: مزارعه در سند بیشتر بدین گونه است که کشاورز، کار و بخشی از هزینه های کشاورزی را در قبال تصاحب یک چهارم از محصول به‌عهده می‌گیرد.

##PAGE=۴۸۱##

۱۰۶۲

کشاورز کار شخم زدن و کاشت را انجام می دهد و همچنین متعهد می شود که هزینه سوخ ت موتوری را که از چاه آب می‌کشد به‌اضافه نیمی از بذر، کود و سموم بپردازد.

اما شروط مزارعه در پنجاب اندکی تفاوت دارد . در آنجا، محصول در برابر قبول تعهدات بیشتر از سوی کشاورز، میان کشاورز و مالک تقسیم می‌شود.

کشاورز، ضمن تعهد کار از کشت تا برداشت، تمام هزینه بذر و نیمی از هزینه آب و کود را نیز برعهده می گیرد. البته در مناطقی از سند مانند سکّر و روهری، مزارعه به نصف نیز رایج است که در این صورت، کشاورز باید بذر را با کار و نیمی از هزینه‌های دیگر، تماما به‌عهده بگیرد. در بعضی مناطق پنجاب، مانند بکّر، زارع اگر تم ام هزینه ها را متعهد شود در آن صورت، تنها یک چهارم محصول را به مالک می‌دهد و سه چهارم را خود او تصاحب می‌نماید.

۳. کارگری: در کارگری، کشاورز یا کارگر صرفا نیروی کار خود را برای یک سال هجری در اختیار مالک قرار می دهد و در پایان سال، ۶۱ تا ۷۰ من گندم و یا ۲۰ تا ۲۵ گونی صد کیلویی از محصولی که کاشته می شود، به‌عنوان دست‌مزد دریافت می‌کند.

در مجموع، شرایط کار و معیشت در سطح روستاها با معضلات زیادی روبه روست. در مناطقی که زمین های وسیع و بزرگ کشاورزی وجود دارد، کشاورزان- هرچند با دست‌مزد کم- فرصت کاریابی در اختیار دارند و می‌توانند به معیشت خود سرو سامان دهند؛ اما در مناطقی که خود روستاییان کم زمین یا بی زمین هستند، زمینه برای اشتغال و جذب نیروی کار اضافی وجود ندارد و نرخ بیکاری بسیار بالاست . نتایجی که از این ارزیابی کلی از تعدادی از روستاهای اطراف

[۱۰۶۲] عارفی، محمد اکرم، شیعیان پاکستان، 1جلد، شیعه شناسي - قم، چاپ: اول،1385 هـ.ش.

حیدرآباد و روهر ی در سند، لیّه، بکّر و جنگ در پنجاب به عمل آمده، میزان بیکاری را بسیار بالا و سطح درآمد خانواده‌ها را بسیار پایین نشان داده است.[۱۰۶۳]

##PAGE=۴۸۲##

جدول (۳۴): وضعیت زمین، جمعیت و کار در روستاهای اطراف حیدرآباد در سال ۲۰۰۴ [تصویر]

##PAGE=۴۸۳##

[تصویر]

##PAGE=۴۸۴##

جدول (۳۵): وضعیت زمین، جمعیت و کار در روستاهای اطراف روهری (سند) سال ۲۰۰۴ [تصویر]

##PAGE=۴۸۵##

جدول (۳۶): وضعیت زمین، جمعیت و کار در روستاهای لیّه (پنجاب) سال ۲۰۰۴ [تصویر] جدول (۳۷): وضعیت زمین، جمعیت و کار در بعضی روستاهای جنگ (پنجاب) سال ۲۰۰۴ [تصویر]

##PAGE=۴۸۶##

جدول (۳۸): وضعیت زمین، جمعیت و کار بعضی روستاهای بکّر (پنجاب) سال ۲۰۰۴ [تصویر]

##PAGE=۴۸۷##

[تصویر]

##PAGE=۴۸۸##

در این آمار، به خوبی نشان داده شده است که مقدار زمین های تحت مالکیت روستاییان و کشاورزان نسبت به میزان جمعیت خانوارها، بسیار کم است. اکثریت قاطع روستاییان یا کم‌زمین هستند و یا بدون زمین، و در هر روستا، فقط چند نفر زمین‌های وسیع و بزرگ در اختیار دارند . سطح بیکاری نیز بسیار بالا نشان داده شده است که این میزان باتوجه به فقدان فرصت های شغلی در روستاها کاملا همخوانی دارد . «محدود بودن سطح اشتغال » و نیز «فصلی بودن » آن دو عامل عمده رشد بیکاری و کاهش دست مزدهاست. در مناطقی از پنجاب، که نیشکر کاشته می شود، درو کردن و تمیز کردن محصول، ۴ تا ۵ روپیه در هر «من» هزینه برمی‌دارد و یک کارگر متوسط می تواند روزانه ۳۰- ۳۵ «من» نیشکر را قطع و تمیز کند که در این صورت، دست‌مزد یک روز او بین ۱۲۰ تا ۱۵۰ روپیه خواهد بود.

[۱۰۶۳] (1). این آمار در ماه مارس2004 براساس اطلاعات داده شده توسط ساکنان روستاها در محل تنظیم گردیده است.

نرخ درو کردن محصول گندم و نخود (لپه) به ترتیب ۱۰۰ تا ۱۲۰ کیلو گندم و ۲۰۰ تا ۳۰۰ روپیه در هر ایکر (۸۴۰/ ۴ متر مربع) است.

وضعیت کشاورزی در بلوچستان، سرحد و مناطق شمالی نامساعدتر از سند و پنجاب است. در سرحد و مناطق قبایلی مانند پاراچنار، کوهات، هنگو و تیرا قریب به اتفاق مردم، کم زمین هستند. در پاراچنار، که به نظر می رسد وضعیت کشاورزی بهتر از کوهات، تیرا و هنگو باشد، متوسط محصول هر خانواده از زمین بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ من (یک من- ۴۰ کیلوگرم) گندم و مانند آن است که این مقدار بیش از مصرف سالانه هر خانواده است . اما در سایر مناطق سرحد و مناطق شمالی، به‌خاطر کم بودن زمین زیر کشت و کوهستانی بودن منطقه و سرد بودن آب و هوا، درآمد حاصل از زمین نمی‌تواند نیازهای خانواده‌ها را تأمین کند؛ چنان‌که بلتستان، که دارای ۸۱۷/ ۲۵ کیلومتر مربع مساحت و ۵۷۵/ ۳۱۷ نفر جمعیت (مطابق سرشماری ۱۹۹۸) است تنها از ۰۰۰/ ۲۰ هکتار زمین قابل

##PAGE=۴۸۹##

کشت برخوردار است.[۱۰۶۴] محمّد یوسف حسین‌آبادی شرایط جغرافیایی و کشاورزی بلتستان را چنین تشریح می‌کند:

بلتستان یک منطقه کوهستانی است ... وادی‌های اینجا تنگ هستند که در آن میان، «روندو» و «کرمنگ» بیش از همه تنگ می‌باشند. مناطق پایینی «خپلو» و «شگر» نسبتا وسیع هستند. وادی «سکردو» بیش از همه وسیع است که از ناحیه «تورگو» تا «حوطو»[۱۰۶۵] هشت تا شانزده کیلومتر پهنایی دارد . مناطق میدانی و هموار بسیار کم است . وادی‌هایی که به‌هر میزان تنگ باشد، به همان اندازه، کشاورزی آن نیز کوچک تر است. در زمین، مقدار شن زیادتر و مقدار خاک حاصل‌خیز بسیار اندک است. نایتروژن آن به‌شدت کم است. لذا، زمین بدون کود هیچ‌گونه محصولی نمی‌دهد.[۱۰۶۶]

محصولات کشاورزی مناطق شمالی در زمینه گندم، جو و سایر حبوبات بسیار ناچیز است، اما میوه ها مانند توت، زردآلو، سیب، انگور و بادام و سیب‌زمینی یا سبزی و صیفی وضعیت بهتری دارد و میوه های این مناطق از شهرت خاصی برخوردار است.[۱۰۶۷]

۲. کارمندی

اشتغال در ادارات و نهادهای دولتی در سال های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰- به ترتیب- ۳۹ درصد و ۳۰ درصد از نیروی کار در این کشور را تشکیل می‌داد. احتمالا به همین نسبت و یا نزدیک به‌آن، شیعیان نیز در بخش خدمات و ادارات مشغول

##PAGE=۴۹۰##

[۱۰۶۴] (1). محمّد یوسف حسین‌آبادی، تاریخ بلتستان، ص14.

[۱۰۶۵] (2). .otoH

[۱۰۶۶] (3). همان، ص13.

[۱۰۶۷] (4). همان، ص14- 15.

به کار هستند. در میان سازمان‌های دولتی، بخش آموزش و پرورش، ارتش و پلیس بیشترین نیروی کار را به خود جذب کرده است. در بخش خدمات عمومی و دولتی، به ویژه در سطوح پایین و متوسط، تبعیضات مذهبی وجود ندارد . البته میان مستخدمان و افراد جویای کار رقابت وجود دارد و گاهی سفارش های خصوصی و یا تمایلات گروهی، زبانی، محلّی و مذهبی نیز ممکن است در امر استخدام دخالت نماید، اما روند عمومی و رسمی دولت بر اصل عدم تبعیض استوار شده است. مهم این است که افراد جامعه به هرگروه قومی و زبانی که تعلّق دارند، احساس تبعیض سازمان یافته زبانی و مذهبی نسبت به خویش ندارند و این امر تأثیر عمیقی در انسجام اجتماعی و بهبودی رابطه مردم با گروه حاکم دارد.

زمینه اشتغال در ادارات و سازمان های دولتی در شهرهای بزرگ مانند کراچی، لاهور، راولپندی، ملتان، کویته، پیشاور و فیصل‌آباد بیش از شهرهای کوچک است. دست‌رسی به آمار صحیح در این مورد در جامعه شیعیان، مقدور نیست، اما از گفت‌وگو با افراد محلّی می‌توان دریافت که حجم قابل توجهی از نیروی کار شیعیان در این بخش به استخدام گرفته شده است.

۳. بازار و تجارت

بازار یکی از اساسی ترین منابع درآمد شهرنشین ها به شمار می رود و باتوجه به انعطاف پذیری فراوان آن، همیشه بزرگ‌ترین حجم نیروی کار را در سطح شهرها به خود اختصاص می ده‌د. در پاکستان، بازار محل کسب و درآمد اقشار و طبقات گوناگون است که شیعیان نیز به تناسب حضور انسانی خود، در هر شهری تقریبا در بازار و تجارت نیز به همان سطح حضور پیدا کرده اند. تنها چیزی‌که در سطح بازار و تجارت در بیشتر شهرهای پاکستان جلب توجه می کند، عدم حضور

##PAGE=۴۹۱##

شیعیان در تجارت های کلان است . کراچی و لاهور دو مورد استثنایی هستند که شیعیان به تناسب دیگران، از قدرت اقتصادی و تجاری خوبی برخوردارند . در کراچی، «خوجه» ها نقش برجسته‌ای در تجارت و کسب و کار بازار دارند؛ همچنان که قوم «شیخ» و «خوجه‌ها» در لاهور از این مقام ممتاز تجاری برخوردارند.

خوجه‌ها در اصل، یک قوم تجارت پیشه هستند . آنها پیش از اینکه از گجرات هند (سرزمین اصلی‌شان) به پاکستان، امارات، لندن و آفریقا بروند، به تجارت مشغول بودند و تجارت را شغل اصلی و سنّتی خود می دانستند. در میان این قوم چند خانواده بزرگ سرمایه دار وجود دارد که در سطح کل پاکستان مطرحند؛ مانند خانواده حبیب، گوگل، [۱۰۶۸] کانجی و حاجی. خانواده «حبیب» پس از تشکیل پاکستان، «بانک حبیب»[۱۰۶۹] را در پاکستان تأسیس کرد که در زمان بوتو ملّی شد و پس از آن «الجیب بانک » را به‌وجود آورد که اکنون نیز فعالیت دارد. در سوئیس بانک های«A. G. A» و «میتروپالیتن» نیز متعلّق به شیعیان خوجه است . یک بانک دیگر آنها به نام «I. C. C. B» «بانک بین‌المللی اقتصاد و اعتبار»، که به فردی به‌نام عابدی تعلّق داشت، چند سال پیش در لندن به‌اتهام پول‌شویی بسته شد.

[۱۰۶۸] legooG..(1)

[۱۰۶۹] knaB bibaH..(2)

خوجه‌ها دارای یک خط کشتی رانی بین‌المللی به‌نام سازمان «تجارت بین‌المللی جعفریه» (A .B .I .J نیز هستند که دفتر آن در کراچی قرار دارد . این خط کشتی رانی زمانی یکی از نیرومندترین ناوگان تجاری را در اختیار داشت، اما اکنون با مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کند.

خوجه های مقیم کراچی بیشتر در صنایع پوشاک، غذا، ذوب آهن، شکر و پارچه سرمایه گذاری کرده‌اند. این قوم به‌دلیل قدرت بالای مالی، نقش مهمی در راه‌اندازی و احیای مراکز مذهبی و فرهنگی نیز ایفا می‌کند.

##PAGE=۴۹۲##

برخی صاحب‌نظران محلّی امور شیعه معتقدند : پایین بودن سطح سواد و تحصیلات در میان شیعیان و تمرکز آنها در روستاها دو عامل مهم در عدم استقبال از شهرنشینی و در نتیجه، عدم رشد در عرصه تجارت بوده است . آقای افتخار حسین نقوی می‌گوید:

یک زمان بود می گفتند: ۲۲ خانواده در کل پاکستان سرمایه دارند که پول گردش می کند در دست اینها. از آنها هفت، هشت‌تایی شیعه بودند؛ مثلا، خاندان حبیب بود، خاندان گوگل بود، [۱۰۷۰] ابو الحسن اصفهانی بود، خاندان راجه محمودآباد بود؛ همان‌هایی که برای پاکستان پول دادند ...

اما حالا اگر بگوییم- مثلا- صد خانواده شده، بین این صد خانواده ممکن است دوازده، پانز ده نفر باشند.- تازه پانزده نفر هم زیادند- بیشتر اینها ممکن است تجّاری باشند که توی کراچی هستند یا توی لاهور هستند یا در فیصل آباد. وقتی حصّه اینها را، که می‌بینیم، می‌بینیم که- مثلا- آنها صد هستند و این [شیعیان] چهار و پنج‌اند- مثلا- این جوری حساب می‌شود. لذا، شیعه ها نتوانستند خود را در بازار تجارت بیاورند، در بازار سرمایه داری بیاورند، به سبب کم‌سوادیشان، به سبب موجود نبودن توی شهرها.[۱۰۷۱]

پس از کراچی و لاهور، احتمالا کویته (بلوچستان) یکی از مهم ترین شهرهایی است که شیعیان حضور پررنگ تر و فعّال‌تری در بازار آن پیدا کرده‌اند. یکی از بازارهای اصلی شهر کویته «لیاقت بازار» است که «پاساژ» های مهم و اصلی شهر

##PAGE=۴۹۳##

در آن قرار دارد . شیعیان در پاساژهای این بازار؛ مانند «پاساژ هاشمی»، «پاساژ لیاقت»، «پاساژ اسپنزر»،[۱۰۷۲] «پاساژ سنهری»[۱۰۷۳] و «پاساژ ذو الفقار » حضور جدی و بسیار چشم گیری دارند. کسب و کار عمده شیعیان در بازار کویته، فروش البسه، وسایل برقی و تولید کفش است . اما شیعیان این شهر در صنایع تولیدی، تجارت داخلی و خارجی

[۱۰۷۰] (1). یکی از تاجران بزرگ خانواده گوگل، مصطفی گوگل است که میان پاکستان- ایران و کشورهای آفریقایی تجارت می کند. نگارنده در تماس تلفنی با او در تهران خواست زمینه یك مصاحبه را فراهم کند، اما ایشان بدلایل امنیتی عذرخواهی نمود.

[۱۰۷۱] (2). مصاحبه با سید افتخار حسین نقوی، شعبان1426 ق.

[۱۰۷۲] (1).. tekraM raznepS

[۱۰۷۳] (2).. tekram irhanuS

سرمایه‌گذاری محسوسی نکرده و تنها در سال های اخیر، تعدادی خرده تاجر پیدا شده‌اند که بین پاکستان، ایران، آسیای میانه، امارات و آسیای جنوب شرقی تجارت می‌کنند.

۴. مهاجرت برای کار

افزایش نرخ بیکاری در پاکستان سبب گردیده است تا بخشی از نیروی کار آن در کشورهای دیگر به جست وجوی کار برخیزد. امروز صدها هزار کارگر پاکستانی تنها در کش ورهای عربی به کار مشغولند. در میان این کارگران، از تمام گروه‌های قومی و مذهبی وجود دارند . تقریبا از تمام ایالات و مناطق پاکستان، کارگران مهاجر به کشورهای عربی و اروپایی رفته‌اند و تعدادی از شیعیان نیز از سراسر پاکستان در میان این جمع حضور دارند . در تحقیقاتی که از مناطق گوناگون پاکستان به عمل آمد، فراگیری پدیده «مهاجرت برای کار » کاملا محسوس بود و تعداد زیادی از خانواده ها معیشتشان از همین راه تأمین می‌شود.

تعدادی از این کارگران به کشورهای عربی، بخصوص عربستان و امارات، و تعدادی دیگر به اروپا مانند انگلستان، ه لند، نروژ، دانمارک و سوئیس رفته‌اند.

کارگران مقیم کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس اغلب بدون خانواده هستند، در حالی که در کشورهای غربی، بیشتر با خانواده خود به‌سر می‌برند. این کارگران

##PAGE=۴۹۴##

مجرّد، دایم با خانواده های خود در پاکستان در ارتباط و رفت وآمد هستند. آنها در ابتدا از طریق بنگاه های کاریابی، که در پاکستان و کشور مقصد مستقر هستند، جذب کار می شوند و سپس خود آنها واسطه ای برای کشاندن بستگان خود به‌این کشورها می‌گردند.

حضور کارگران مهاجر در خارج از پاکستان نقش قابل توجهی در اقتصاد این کشور دارد؛ از یک سو، منبعی- هرچند جزئی- برای تأمین ارز دولت محسوب می شوند؛ و از سوی دیگر، صدها هزار خانواده کم درآمد را در داخل پاکستان تأمین می‌کنند. این کارگران به‌تدریج، به‌افزایش پس‌انداز نیز دست زده و سرمایه های آنها در بازارهای داخلی کشور نیز به‌گردش درمی‌آید.

به‌هرحال، این منابع اشتغالزا و اقتصادی چهارگانه (کشاورزی، کارمندی، بازار و تجارت، و کار در کشورهای خارجی) منابع اصلی و مهم درآمد اقتصادی خانواده‌های شیعیان را در پاکستان تشکیل می‌دهد. اما اشتغال و اقتصاد خانواده‌ها تنها بر این موارد متّکی نیست، بلکه صنایع دستی، کارگری، حمل ونقل و مانند آن نیز بخشی از اقتصاد خانواده ها و جامعه شیعه را تأمین می کند. به نظر می رسد مسئله مهم در اقتصاد این کشور، به ویژه شیعیان، این است که فقر و بیکاری یک معضل جدّی و فراگیر در میان مردم، از جمله شیعیان است. این فقر زمینه را برای انواع ناهنجاری‌ها، بزه‌کاری‌ها، فساد و ارتشا در جامعه فراهم کرده است که مقابله با آن نیاز به سرمایه های عظیم تر و مدیریت و برنامه قاطع تر و عمیق تری دارد.

##PAGE=۴۹۵##

فصل نهم جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

##PAGE=۴۹۷##

به نظر می رسد شرایط عمومی شیعیان پاکستان با شرایط شیعیان در کشورهای منطقه و همجوار (به استثنای ایران) از جهات زیادی تفاوت دارد . سطح همگونی و سازگاری، که میان جامعه شیعه و سنّی این کشور دیده می شود، نسبت به بسیاری کشورهای دیگر، از عمق و گستره بیشتری برخوردار است . دلایل آن عمدتا در اشتراکات قومی، زبان ی، جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی نهفته و برخی عوامل دیگر مانند فعالیت های مشترک اقتصادی، اداری و مدنی نیز آن را تقویت می‌کند.

هرچند جامعه پاکستان اساسا یک جامعه چند قومی و چند فرهنگی است و همین عامل در بروز بعضی التهابات و تنش‌های فصلی نیز بسیار مؤثر بوده و گاهی دولت مرکزی را با مشکل روبه رو ساخته است،[۱۰۷۴] اما مسئله این است که شکاف‌های قومی، زبانی و فرهنگی در این کشور، موازی با شکاف مذهبی نبوده، بلکه شکاف مذهبی شکاف های دیگر را از هم قطع نموده، آنها را ترمیم می‌کند.

بنابراین، اگر مذهب در مواردی به عنوان یک عامل تمایزساز و احتمالا ناهمساز ظاهر می گردد، عوامل زبانی، قومی، فرهنگی و جغرافیایی مجددا همسازی‌ها و همسویی‌ها را تقویت می‌نمایند.

##PAGE=۴۹۸##

بعضی شرایط و موقعیت های مثبت در پاکستان وجود دارد که فرصت هایی برابر یا تقریبا برابر برای پیروان تمام مذاهب اسلامی فراهم کرده که شیعیان نیز توانسته‌اند از آن بهره‌مند گردند.

این موقعیت‌ها عبارت است از:

۱. بی‌طرفی دولت در امور مذهبی : دولت پاکستان دولتی غیرمذهبی (سکولار) است و در عرصه مذهبی، سیاست های بی‌طرفانه در پیش گرفته؛ می کوشد آزادی های مذهبی را محترم شمرده، با همه پیروان مذاهب رفتاری غیرجانب دارانه داشته باشد. هرچند در درون دولت، ممکن است افراد یا حلقه هایی تحت تأثیر گرایش های مذهبی خاصی قرار داشته باشند و گاهی جانب‌دارانه عمل نمایند، ولی این، سیاست رسمی و غالب دولت نیست . دولت زمینه فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصا دی برابری را به وجود آورده که شیعیان با استفاده از آنها، به تناسب امکانات و انگیزه های خود، فعالیت‌هایشان را تقویت بخشیده اند. این بزرگ‌ترین ویژگی دولت پاکستان است که توانسته از بروز نارضایتی های حاد مذهبی در سطح عام پیش‌گیری نماید و مانع مذهبی شدن سیاست در ساختار دولت گردد.

[۱۰۷۴] (1). چنان‌که اکنون نیروهای دولت مرکزی با بلوچ های قبیله بگتی در جنوب ایالت بلوچستان بر سر نحوه توزیع منافع گاز استخراجی از این ایالت (سوئی) و انتقال آن به ایالت دیگر، درگیری مسلّحانه دارند.

۲. اشتراکات زبانی، قومی و فرهنگی: اقوام و اهل زبان های عمده پاکستان مانند پنجابی، سندی، پشتون، بلوچ و مهاجر هرکدام در میان خود از دو گروه شیعه و سنّی تشکیل شده اند. روابط افراد درون گروه‌ها باهم نزدیک و غالبا همراه با احساس همبستگی است، هرچند به‌دلیل ساختار ایلی اقوام، روابط ایل ها و قبیله های داخل در هر گروه قومی، خالی از منازعه و کشمکش نیست، اما هرگاه مسائل و منافع مشترک قومی و زبانی مطرح می گردد، همه ایل‌های یک قوم دست در دست همدیگر داده، از منافعشان دفاع می‌کنند؛ چنان‌که در مسائل میان

##PAGE=۴۹۹##

ایالت‌ها یا یک ایالت با دولت مرکزی، که اغلب رنگ قومی و زبانی به‌خود می‌گیرد، شیعیان و سنّیان یک قوم دوشادوش یکدیگر قرار می‌گیرند. چنین اشتراکاتی به‌افراد و جناح‌های ملّی‌گرا فرصت می‌دهد تا با یک نگاه فرامذهبی و به دور از تعصّب دینی، همه افراد هم‌زبان را به دور خود جمع کنند و در برخی جاها، موجب خلق ارزش ها و باورهای محلّی و قومی مشترکی گردیده که شکاف ناشی از مذهب را کاملا تحت الشعاع قرار داده است . نمونه‌های آن را در میان سندی‌ها، مهاجران، بلوچ‌ها و سرائیکی‌زبانان به‌وضوح می‌توان دید.

۳. نفوذ گسترده تصوّف: اسلام مردم پاکستان در اصل، اسلام صوفیانه و درویشانه است . «مشایخ» و «اولیا»، چه در گسترش اسلام و چه در استمرار آن، در شبه قاره هند نقش برجسته ای داشته‌اند. «اسلام صوفیانه»، اسلام میانه‌رو و به دور از تعصّبات نابجاست . در آموزه‌های آن، معنویت گرایی و عرفان اهمیت خاصی پیدا کرده و مهم تر از همه اینکه پیشگامان معنویت و عرفان نزد رهبران تصوّف، حضرت علی علیه السّلام و فرزندان او به شمار می‌روند که نزد شیعه به‌عنوان جانشینان واقعی پیامبر، از قداست و منزلت استثنایی برخوردارند. این در واقع، مهم‌ترین جهت اشتراک تصوّف با تشیّع است و به همین دلیل، هردو گروه به تجلیل و بزرگداشت از ائمّه اطهار علیهم السّلام می پردازند و نسبت به همدیگر احساس نزدیکی می‌کنند. بریلوی‌های پاکستان به‌همین دلیل، کمترین تعصّب را با شیعیان دارند.

۴. اختلاط جمعیتی و سرزمینی: معمولا هنگامی که اقلّیت های ساکن در یک کشور مرزهای تمایزدهنده خود را کاهش دهند و با اکثریت کاملا درهم آمیزند، از برخوردهای ناشی از تبعیضات ویژه مربوط به اقلّیت ها مصون می مانند. چنین چیزی دست‌کم از لحاظ جمعیتی و سرزمینی، در میان شیعه و سنّی پاکستان کاملا

##PAGE=۵۰۰##

تحقق پیدا کرده و همین در بهره مندی برابر پیروان هردو مذهب از برنامه های توسعه‌ای دولت بسیار مؤثر بوده است . شیعیان پاکستان، چه در شهرها و چه در روستاها، کوچه به‌کوچه، روستا به روستا و خانه به‌خانه با برادران دینی سنّی خود زندگی می‌کنند. بنابراین، همه شهروندان از برنامه های رفاهی و آموزشی و بهداشتی، که در هر نقطه‌ای از کشور اجرا می‌شود به نحو برابر سود می برند و در مناطقی که مرزهای جمعیتی و سرزمینی براساس گرایش های مذهبی از هم تفکیک گردیده مانند مناطق شمالی، تقریبا به همان‌سان، از رفتار تبعیض‌آمیز نیز تأثیر پذیرفته‌اند.

۵. رشد نهادهای مدنی: نهادهای مدنی در جوامع امروزی، که جانشین نهادهای سنّتی مانند قوم، قبیله و ایل گردیده، اغلب مرزهای نفوذناپذیر مذهبی، نژادی، خونی، فامیلی و زبانی را، که خاستگاه بسیاری از تعارضات اجتماعی تلقّی

می‌شود، درنوردیده و پیوند میان ا فراد یک جامعه را نزدیک تر کرده اند. در پاکستان، این گونه نهادها مانند احزاب، اتحادیه‌ها، مؤسسات و دیگر سازمان های اجتماعی، نقش نسبتا شایسته ای در انسجام اجتماعی و همسویی گروه های قومی و مذهبی ایفا کرده اند. در بسیاری از احزاب سیاسی، به ویژه دو حزب بزرگ کشو ر (مسلم لیگ و مردم)، روابط سیاسی و فکری جدیدی شکل گرفته که ارزش های عام و مشترکی را به جامعه تزریق می کند، به‌دور از وابستگی های مذهبی که آسیب و شکافی را پدیدار نمی‌سازد.

بنابراین، در نتیجه وجود این شرایط و موقعیت ها، گروه‌های اجتماعی از جمله گروه های مذهبی، زیرمجموعه گروه‌های بزرگ‌تری قرار می گیرند که تحوّل در آنها تابعی از تحوّل در کل جامعه است . در این صورت، تنها شرایط عمومی است که مرجع نهایی تحوّلات اصلی به‌شمار می‌رود. شیعیان پاکستان به‌تناسب

##PAGE=۵۰۱##

جمعیت، ظرفیت های اقتصادی، تحرّک سیاسی و فرهنگ‌سازی خود، از جایگاه نسبتا خوبی در کشور برخوردارند؛ اما باتوجه به‌عدم توسعه و رشد ملّی در سطح کلان، شیعیان نیز به‌تناسب جمعیت خود، از آن متأثرند.

بزرگ‌ترین مسئله یا مسایل درخور توجه شیعیان، که به مثابه معضلی جدّی برای آنها مطرح است، مسائل اقتصادی، آموزشی و فرهنگی است. از نظر اقتصادی، فقر و بیکاری در همه جا گسترده است، سطح درآمد سرانه بسیار پایین است و قدرت خرید خانواده ها نیز به تبع آن پایین . در عرصه آموزش نیز مشکلات فزاینده ای به چشم می خورد. هرچند امکانات اولیه آموزشی مانند مدارس تقریبا در دسترس همگا ن قرار دارد، اما کیفیت آموزش به خاطر کمبود امکانات جنبی، نبود نظارت های دولتی، وجود فساد اداری، پایین بودن حقوق معلمان و مهم تر از همه، پایین بودن انگیزه های تحصیلی در میان خود دانش آموزان و دانشجویان، افت شدیدی را نشان می دهد. بیکاری گسترده‌ای که در میان فارغ التحصیلان دانشگاه ها و مدارس وجود دارد، عامل بازدارنده دیگری برای دانش آموزان و دانشجویان در ادامه تحصیل محسوب می‌شود.

همچنین در عرصه فرهنگی، به ویژه فرهنگ دینی، نیز ضعف های شدیدی احساس می شود. فقدان مراکز کافی آموزش‌های مذهبی و تبلیغی، که به صورت لازم پشتیبانی گردد، دلیل عمده ضعف فرهنگ دینی به شمار می‌رود. اما در کنار آن، عوامل دیگری نیز وجود دارد که در حدّ خود، تأثیرات زیادی برجای گذاشته است؛ مانند نفوذ فرهنگ بومی قبایلی، وجود نظام فئودالی و طبقاتی با فرهنگ ویژه آن، تغییر در الگوهای اجتماعی و فرهنگی، که از نفوذ و هجوم لجام گسیخته فرهنگ غربی ناشی می شود و سرانجام، پیشینه طولانی اسلام صوفیانه در این کشور . مجموعه این عوامل فرهنگ خاصی را در این کشور پرورش داده است که

##PAGE=۵۰۲##

با فرهنگ دینی راستین چندان همخوانی ندارد.

در دو دهه اخیر، جامعه تشیّع پاکستان شاهد ورود اندیشه نوگرایانه دینی در خود بوده که سرآغاز حرکت تازه فرهنگی، علمی و آموزشی در آن گردیده است.

این حرکت در آغاز، در عرصه سیاسی و فرهنگی شروع شد، اما روند سیاسی آن در پی واکنش های سازمان‌یافته دولتی و گروه‌های فرقه گرای مذهبی، تقریبا متوقف گردید ؛ ولی حرکت فرهنگی- علمی آن همچنان با رشد مناسب سالانه خویش ادامه دارد. این رشد، هم در بعد کمی و هم کیفی کاملا محسوس است و استمرار آن می تواند آینده درخشانی در پی داشته باشد.

یکی از مهم‌ترین مشکلات پاکستان، چه در سطح کلان و چه در سطح خرد، مشکلات اقتصادی است و این اختصاص به ایالت یا ناحیه و یا گروه قومی و مذهبی خاصی ندارد، بلکه اکثریت قاطع مردم پاکستان به نحوی از آن رنج می برند. نابسامانی اقتصادی تأثیراتی منفی بر فرهنگ، اجتماع، آموزش، اخلاق و سیاست بر جای نهاده که کمترین آن نگاه اقتصادی و بهره‌مندانه به پدیده های غیراقتصادی و حتی مذهبی و معنوی است؛ چنان که تنش‌های گاه و بی گاه قومی و مذهبی و رشد ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی بعضا ارتباطی مستقیم با مسائل اقتصادی دارد . بنابراین، بهبود شرایط امنیتی و اجتماعی نمی‌تواند بدون ارتقای سطح زندگی مردم تحقق یابد . در این‌گونه مسائل، تفاوتی میان شیعه و سنّی یا مسلمان و غیرمسلمان در این کشور وجود ندارد. در واقع، همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از بسیاری جهات، سرنوشت و شرایط یکسانی دارند. به همین دلیل، باید گفت: پاکستان از اینکه توانسته است شرایط زندگی و فعالیت برابر یا تقریبا برابری برای همه گروه‌های مذهبی فراهم کند، موفقیت بزرگی کسب کرده است.

از اینجا، می‌توان فرضیه و پاسخ اصلی پرسش این پژوهش را نیز به‌دست

##PAGE=۵۰۳##

آورد: هرگاه فرصت های کاملا برابر یا تقریبا برابر برای همگان فراهم آید، می توان گفت: شرایط و موقعیت افراد و گروه‌ها در آن بسیار برجسته و یا دست‌کم امیدوارکننده خواهد بود. هرچند در طبقه‌بندی‌های اجتماعی، به‌خاطر برقراری نظام فئودالی و قبایلی (سردار سالاری) فرصت‌های برابر میان فئودال و کشاورز، و سردار و رعیّت وجود ندارد و این نابرابری‌ها در منزلت‌های اجتماعی، موقعیت‌های اقتصادی و سیاسی بسیار برجسته است، اما تفاوت های مذهبی نتوانسته عامل شکل‌گیری تمایزات و نابرابری ها گردد؛ چنان که یک فئودال یا سردار شیعه از همان قدرت و منزلتی در میان رعیّت غیرشیعه خود برخوردار است که یک فئودال یا سردار سنّی در میان زیردستان هم کیش خود. برخلاف بعضی کشورهایی که در آنها به طور سازمان یافته تبعیضات مذهبی اعمال می گردد، در پاکستان چنین چیزی تقریبا محسوس نیست. بنابراین، می‌توان گفت: تمام پیروان مذاهب اسلامی می‌توانند از امکانات و امتیازات دولتی و غیردولتی برابر سود ببرند و این فرصت برابر، بزرگ‌ترین امتیاز جامعه دینی و سیاسی این کشور است.

اما- همچنان‌که اشاره گردید- مشکل اصلی مردم، مشکل اقتصادی است و همین منشأ عقب افتادگی تمام یا بیشتر طرح‌های دیگر در زمینه های دیگر می گردد. سازوکاری که برای این منظور در نظر گرفته شده، کاهش سطح انتظارات مردم از یک سو، و فعّال کردن بخش های خصوصی برای مشارکت در ارائه خدمات از سوی دیگر، است . این طرح در این جامعه، پاسخ مثبتی داشته و کمک چشم گیری به مردم نموده است . سازمان‌ها و انجمن های خیریه غیردولتی در عرصه‌های آموزش، بهداشت و کمک به خانواده های محروم، گام‌های مهمی برداشته اند. این مؤسسات معمولا از طریق وجوهات مذهبی و مساعدت‌های افراد

##PAGE=۵۰۴##

متموّل تأمین مالی می گردد، دولت نیز در به رسمیت شناختن فعالیت آنها کوتاهی نمی کند. به نظر می رسد دولت به خوبی متوجه ناتوانی خود در کاهش میزان فقر و بیکاری و ارائه خدمات عمومی هست و کاملا اذعان دارد که منابع لازم را علی‌رغم دریافت وام های سنگین خارجی برای مقابله با مشکلات ندارد . از این‌رو، به سود خود می داند که از مشارکت سازمان‌های خصوصی و سرمایه گذاری کشورهای اسلامی در بخش های آموزشی، فرهنگی، بهداشتی، اقتصادی و خدماتی استقبال کند.

چنین پیش‌بینی می‌شود که در نتیجه رشد آموزش و آگاهی های دینی و علمی، که حوزه های علمیه و دانشگاه ها متولّی آن هستند، تغییر مثبتی در فرهنگ دینی نیز به وجود آید. اکنون جامعه دینی کشور تحت تأثیر تعلیمات و آموزه های تصوّف‌مآبانه قرار دارد که عمدتا از سوی گروه‌های سطحی گرای مذهبی مانند مدّاحان، ذاکران و پیران ترویج می گردد. اگر رشد و توسعه آموزش دینی بتواند رویکرد مذهبی توده ها را از چنین الگوها و رهبرانی به رهبران آگاه و دانشمند مانند عالمان و دانشگاهیان تغییر دهد، دستاورد بزرگی خواهد داشت . این حرکت در سطح وسیع، در جامعه شیعیان پاکستان آغاز گردیده و امید تحوّلات مثبت در آینده پیش بینی می گردد. امید است در کوتاه مدت، شاهد شکوفایی بیش از پیش مردم پاکستان، از همه گروه‌ها و مذاهب- به‌ویژه شیعیان این کشور- بوده و اخوّت دینی و رشد همه جانبه آن را برای همیشه نظاره‌گر باشیم.

##PAGE=۵۰۵##

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی و عربی

۱. آخوندزاده، مختار علی نیّر، عزاداری در استان سرحد، پیشاور، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران.

۲. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ق/ ۱۹۶۵ م، ج ۳ و ۴ و ۵.

۳. احمد، عزیز، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه نقی لطفی و محمّد جعفر یاحقی، تهران، کیهان، ۱۳۶۶.

۴. ارشاد، فرهنگ، مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۵.

۵. اصطخری، ابراهیم، ممالک و مسالک، ترجمه محمد بن اسعد تستری، بی‌جا، بهمن، ۱۳۷۳.

۶. الامین، حسن، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعة، ط. السادسة، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۲۰۰۱- ۲۰۰۲.

۷. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه محمّد توکل، ایران، بی‌جا، نقره، ۱۳۳۷.

۸. توین بی، آرنولد، تاریخ تمدّن، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۶۲.

۹. جوزجانی، قاضی منهاج سراج، طبقات ناصری، کابل، انجمن تاریخ افغانستان، چ دوم، ۱۳۴۲.

۱۰. جویباری، رستگار، توضیح المسائل، ج ۱، چ سوم، ۱۴۲۰ ق.

۱۱. حاج سید جوادی، سید کمال، میراث جاودان، اسلام‌آباد، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.

۱۲. حسین، سید مرتضی، مطلع انوار، ترجمه محمّد هاشم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.

۱۳. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۸.

۵۰۶##PAGE=##

۱۴. دائرة المعارف تشیّع، زیر نظ ر احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی و بهاء الدین خرّمشاهی، تهران، سازمان دائرة المعارف تشیّع، ۱۳۶۸، ج ۲.

۱۵. دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر حدّاد عادل، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۹، ج ۵.

۱۶. دورانت، ویل، تاریخ تمدّن، ج ۱، ترجمه احمد آرام، ع . پاشائی و امیر حسین آریان پور، چ دوم، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷.

۱۷. رضوی، سید عبّاس اطهر، شیعه در هند، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.

۱۸. ساروخانی، باقر، دائرة المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان، ۱۳۷۰.

۱۹. سطوتی، جعفر، شیعیان پاکستان، تهران، مجمع جهانی اهل بیت، ۱۳۸۱.

۲۰. شوشتری، قاضی نور اللّه، مجالس المؤمنین، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ ق، ج ۱ و ۲.

۲۱. صافی، قاسم، سفرنامه پاکستان، تهران، کلمه، ۱۳۶۶.

۲۲. طبری، محمّد بن جریر، تاریخ طبری، مصر، قاهره، دار المعارف، ۱۹۷۱، ج ۵– ۷.

۲۳. عارفی، محمّد اکرم، جنبش اسلامی پاکستان، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

۲۴. غبار، غلام محمّد، افغانستان در مسیر تاریخ، تهران، جمهوری، ۱۳۷۴.

۲۵. فرشته، محمد قاسم، تاریخ فرشته، لکنؤ، بی‌نا، ۱۲۸۱ ق.

۲۶. کامران مقدّم، شهیندخت، نگاهی به پاکستان، تهران، بی‌نا، ۱۳۸۵.

۲۷. گودوین، ویلیام، پاکستان، ترجمه فاطمه شاداب، تهران، ققنوس، ۱۳۸۳.

۲۸. مجلسی، محمّد باقر، بحار الانوار، ج ۴۹، بیروت، مؤسسهٔ الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

۲۹. مؤسسه شهید حسینی قم، یادواره علّامه سید عارف حسین حسینی، تهران، شاهد، ۱۳۶۹.

۳۰. نظیف کار، غزاله و نوروزی، حسین، برآورد است راتژیک پاکستان، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۲، ج ۱.

۳۱. نقوی، سید حسین عارف، تذکره علمای امامیه، ترجمه محمّد هاشم، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.

۳۲. هالیستر، جان نورمن، تشیّع در هند، ترجمه آذر میدخت مشایخ فریدونی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.

##PAGE=۵۰۷##

ب. منابع اردو

۳۳. آغا محمّد ناصر، بلوچستان مین پیروان علی، کراچی، احمد برادرز پرنترز، ۱۹۹۸.

۳۴. آلیور، ایدوارد ای.، پتان اور بلوچ، ترجمه ایم. انور رومان، کویته، نساء تریدرز، ۱۹۸۴.

۳۵. احمد زئی، میر نصیر خان، تاریخ بلوچ و بلوچستان، کویته، بلوچ اکیدمی، ۱۹۸۸.

۳۶. احمد، سلیم، سلگتا هوا سند، لاهور، جنگ پبلشرز، ۱۹۹۰.

۳۷. احمد، سلیم، مهاجر قومی موومنت، لاهور، سارنگ پبلی کیشنز، ۱۹۹۶.

۳۸. اختر، سلیم، اردو ادب کی مختصرترین تاریخ، لاهور، سنگ میل پبلی کیشنز، ۲۰۰۲.

۳۹. اردو دایرهٔ المعارف اسلامیه، لاهور، دانشگاه پنجاب، ۱۹۷۸.

۴۰. اسلامی تحریک پاکستان، دستور، راولپندی، دفتر مرکزی، ۲۰۰۲.

۴۱. اسلامی تحریک پاکستان، منشور، راولپندی، دفتر مرکزی، ۲۰۰۲.

۴۲. اسلم، شیخ نوید، مناطق شمالی اور پاکستان، لاهور، سنگ میل پبلی کیشنز، ۲۰۰۰.

۴۳. اصغریه استودنس آرگنایزیشن، آیین اصغریه ایجوکیشن پروجیکت، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۴۴. اصغریه استودنس آرگنایزیشن، آیین، حیدرآباد، جام شورو، ۲۰۰۱.

۴۵. اعظم، خواجه محمّد، واقعات کشمیر، ترجمه اردو، سرینگر، جمون ایند کشمیر اسلامک ریسرچ سینتر، ۲۰۰۱.

۴۶. افسر، امام علی بیگ، سند اور اهل بیت، حیدرآباد، محسن میرزا پبلی کیشنز، ۲۰۰۱.

۴۷. اکرام، شیخ محمّد، آب کوثر، لاهور، اداره ثقافت اسلامیه، ۱۹۸۷– ۲۰۰۰/ لاهور، فیروز سنز لمیتد، ۱۹۶۸.

۴۸. اکرام، شیخ محمّد، رود کوثر، لاهور، اداره ثقافت اسلامیه، ۱۹۸۷– ۲۰۰۰/ لاهور، فیروز سنز لمیتد، ۱۹۶۸.

۴۹. اکرام، شیخ محمّد، موج کوثر، لاهور، اداره ثقافت اسلامیه، ۱۹۸۷– ۲۰۰۰/ لاهور، فیروز سنز لمیتد، ۱۹۶۸.

۵۰. الزمان، سید محمّد جعفر، مصباح شیعیت، لیّه، المنتظر پبلی کیشنز، ۲۰۰۳.

۵۱. العارف اکیدمی، میثاق خون، لاهور، نقوی پرنترز، ۱۹۹۷.

۵۲. الیاس، مولانا محمّد، میر عزیمت حضرت مولانا حق نواز جنگوی شهید، لاهور،

##PAGE=۵۰۸##

لاله عبد الرشید پرنترز، بی‌تا.

۵۳. امامیه آرگنایزیشن پاکستان، جزوه «تنظیم ضرورت و لایحه عمل»، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۵۴. امامیه آرگنایزیشن پاکستان، هما را بنیادی موقف، لاهور، امامیه پبلی کیشنز، بی‌تا.

۵۵. امامیه استودنس آرگنایزیشن، دستور امامیه آرگنایزیشن پاکستان، لاهور، شعبه امامیه پبلی کیشنز، بی‌تا.

۵۶. امامیه استودنس آرگنایزیشن، دستور و پالیسیان، لاهور، العارف پبلی کیشنز، بی‌تا.

۵۷. انصاری، ضیاء الاسلام، جنرل محمّد ضیاء الحق شخصیت اور کارنامی، لاهور، جنگ، ۱۹۹۰.

۵۸. پاکستان ایجوکشنل کونسل ایک نظر مین، راولپندی.

۵۹. پیهرسن، رابرت این، مری بلوچ کلچر، ترجمه ریاض صدیقی، کویته، سناتریدرز، ۱۹۸۴.

۶۰. تحریک جعفریه پاکستان، گزارش، ۱۹۹۷.

۶۱. تحریک جعفریه، دستک، راولپندی، دفتر مرکزی تحریک جعفریه، بی‌تا.

۶۲. تحریک جعفریه، رپورت ۹ وان دو ساله تنظیمی کنونشن ۹۹، بی‌محل، ۱۹۹۹.

۶۳. تحریک جعفریه، کارکردگی رپورت، اکتوبر ۱۹۹۴ تا سپتمبر ۱۹۹۵.

۶۴. تحریک جعفریه، کارگردگی رپورت، ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۵، راولپندی، ۱۹۹۵.

۶۵. تسلیم رضا خان، سفیر نور، لاهور، چ دوم، الوفا پرنترز، ۱۹۹۸.

۶۶. تنظیم المکاتب، تنظیم المکاتب کی انیس ساله خدمات کاایک مختصر جایزه، کراچی، ۲۰۰۰.

۶۷. جابر بن حیان ترست، جزوه «اسوه پبلک اسکول»، اسلام‌آباد، جامعۀ اهل بیت، بی‌تا.

۶۸. جامعه اهل بیت، حسنات جاریه، اسلام‌آباد، ۲۰۰۲.

۶۹. جامعۀ الکوثر، جزوه «جامعۀ الکوثر»، اسلام‌آباد، بی‌تا.

۷۰. جعفری، عقیل عبّاس، پاکستان کی سیاسی و دیری، چ ششم، اسلام‌آباد، گدبکس، ۱۹۹۸.

۷۱. جعفریه ویلفیئر فند، اسلامی نظام مالیات، لاهور، اداره جعفریه ویلفیئر، ۲۰۰۳.

۷۲. جوادی، ملک آفتاب حسین، تحقیقی دستاویز، راولپندی، مرکز مطالعات اسلامی، ۱۹۹۷.

۷۳. چراغ، محمّد علی، تاریخ پاکستان، لاهور، سنگ میل پبلی کیشنز، ۱۹۹۳.

##PAGE=۵۰۹##

۷۴. حسین‌آبادی، محمّد یوسف، تاریخ بلتستان، سکردو، بلتستان پرنترز، ۲۰۰۳.

۷۵. خالد محمود، مطالعه بریلویت، لاهور، دار المعارف، بی‌تا.

۷۶. خالد، نذیر احمد، کتابستان ورلد اتلس، لاهور، مسلم پرنتنگ پریس، ۲۰۰۲.

۷۷. دومکی، مقصود علی، سالانه رپورت مرکز تبلیغات اسلامی، جیکب‌آباد، علاقائی دفتر مدینۀ العلم، ۲۰۰۳.

۷۸. راجپوت، الله بخش، فرهنگ پاکستان در ادوار قبل از مسیح، کراچی، فیروز سنز، بی‌تا.

۷۹. رحمانی، انجم، پنجاب تمدنی و معاشرتی جایزه، لاهور، زاهد بشیر پرنترز، ۱۹۹۸.

۸۰. رزّاقی، شاهد حسین، پاکستانی مسلمانون کی رسوم و رواج، لاهور، سنگ میل پبلی کیشنز، ۱۹۹۶.

۸۱. رضوی، سعید اختر، خورشید خاور، گوپال‌پور هند، معارف پبلی کیشنز، ۲۰۰۲.

۸۲. رضوی، سید محبوب، تاریخ دیوبند، دهلی، اشرک پریس، بی‌تا.

۸۳. رضوی، علی حسین، تاریخ شیعیان علی، کراچی، امامیه اکیدمی، ۱۹۹۲.

۸۴. رفیق، شیخ محمّد و دیگران، تاریخ پاکستان و هند، لاهور، ندیم یونس پریس، ۱۹۹۳.

۸۵. ریاضی، سید حسن، پاکستان ناگزیرتها، کراچی، شعبه تصنیف، تألیف و ترجمه دانشگاه کراچی، ۱۹۸۷.

۸۶. سازمان وفاق المدارس شیعه پاکستان، دستورالعمل وفاق المدارس شیعه پاکستان، لاهور، حوزه علمیه جامعۀ المنتظر، بی‌تا.

۸۷. سازمان وفاق عالمان شیعه، دستور وفاق علمای شیعه پاکستان، لاهور، دفتر مرکزی وفاق، بی‌تا.

۸۸. سکندر، کاچو سکندر خان، قدیم لداخ: تاریخ و تمدن، لداخ، کاچو پبلشرز، بی‌تا.

۸۹. سلیگ، هریسن، بلوچ قومی تحریک، ترجمه مسعود بخاری، کراچی، ذکی سنز پرنترز، ۱۹۹۰.

۹۰. سلیم اختر، اردو ادب کی مختصرترین تاریخ، لاهور، سنگ میل پبلی کیشنز، ۲۰۰۲.

۹۱. شاهد مختار، پاکستان مین فوجی حکومتین، لاهور، شاهد پبلیشرز، بی‌تا.

۹۲. شرف الدین موسوی، سید علی، اصول عزاداری، کراچی، دار الثقافۀ الاسلامیۀ، ۱۴۱۸ ق.

۹۳. شرف الدین موسوی، سید علی، مثالی عزاداری کیسی منائین، کراچی، دار الثقافۀ

##PAGE=۵۱۰##

الاسلامیۀ، ۱۹۹۶.

۹۴. شرف الدین موسوی، سید علی، هماری ثقافت کیاهی اورکیا هونی چاهیی، کراچی، دار الثقافۀ الاسلامیۀ، ۱۴۲۰ ق.

۹۵. صفدر محمود، آیین پاکستان، لاهور، جنگ پبلیشرز، ۱۹۹۱.

۹۶. صفدر محمود، پاکستان کی اهم سیاسی جماعتین، جنگ پبلیشرز، ۱۹۹۱.

۹۷. عارفه، فرید، پاکستانی کلچرکی روایات، کراچی، رایل بک کمپنی، ۱۹۹۳.

۹۸. عثمان، علی، گلگت کی روک کهانی، لاهور، مقبول اکیدمی، ۱۹۹۲.

۹۹. فرشته، محمّد قاسم، تاریخ فرشته، ترجمه عبد الحی خواجه ایم. ای. لاهور، غلام علی پرنترز، بی‌تا.

۱۰۰. فهیم، عبّاس، کربلاء معلی سی کربلاء کویته تک، کویته، شهدا ویلفئر آرگنایزیشن، ۲۰۰۴.

۱۰۱. فیروز الدین، اردو فیروز اللغات، لاهور، فیروز سنزلمیتد، بی‌تا.

۱۰۲. کاظمی، سید محمّد ثقلین، امامیه دایریکتری ۲۰۰۱ م، لاهور، اداره منهاج الصالحین، ۲۰۰۱.

۱۰۳. کاظمی، سید محمّد ثقلین، امامیه دینی مدارس پاکستان، لاهور، وفاق المدارس الشیعه پاکستان، ۲۰۰۴ م/ ۱۴۲۵ ق.

۱۰۴. کاظمی، ناصر، کلیات ناصر، لاهور، چائنه آرت پریس، ۱۹۹۷.

۱۰۵. کوثر، کوثر علی، فرهنگ و ثقافت هزاره، کویته، یونایتد پرنترز، ۲۰۰۳.

۱۰۶. گلگتی، پیار علی، گلگتی ثقافت کاایک تحقیقی جایزه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کراچی، مرکز مطالعات پاکستان دانشگاه کراچی، ۱۹۹۱.

۱۰۷. گرداپور، شیر محمّد خان، تاریخ پشتون، ترجمه سراج احمد علوی، کراچی، سند آفست پرنترز، ۱۹۹۱.

۱۰۸. مبارک، علی، جاگیرداری اور جاگیردارانه کلچر، لاهور، مشعل، ۱۹۹۶.

۱۰۹. مبارک، علی، سند خاموشی کی آواز، لاهور، فکشن هاوس، ۱۹۹۴.

۱۱۰. متحده مجلس عمل، دستور و منشور متحده مجلس عمل، فیصل‌آباد، بی‌محل، بی‌تا.

۱۱۱. محمّد فاروق خان، اکیسوین صدی اور پاکستان [پاکستان و قرن بیست و یکم]، لاهور، المورد، ۱۹۹۶.

##PAGE=۵۱۱##

۱۱۲. محمّد، نذیر، بلتستان (ادب و ثقافت)، سکردو، بی‌جا، ۱۹۹۸.

۱۱۳. محمود، سید قاسم، اسلامی انسائیکلوپیدیا، کراچی، شاهکار بک فاوندیشن، ۱۹۸۴، ج ۱.

۱۱۴. محمود، سید قاسم، انسائیکلوپیدیا پاکستانیکا، کراچی، شاهکار بک فاوندیشن، ۱۹۹۸.

۱۱۵. مری، شاه محمّد، بلوچ قوم عهد قدیم سی عهد حاضر تک، لاهور، تخلیقات، ۲۰۰۰.

۱۱۶. ملک، عنایت الهی، پاکستان مین انتظامیه کازوال، لاهور، مشعل، ۲۰۰۰.

۱۱۷. ملیح‌آبادی، جوش، محراب و مضراب، لاهور، جنگ پبلشرز، ۱۹۹۳.

۱۱۸. منیر، احمد، ایم. کیو. ایم.، لاهور، بک پرنترز، ۱۹۹۵.

۱۱۹. میمن، عبد المجید، پاکستان مین صوفیانه تحریکین، لاهور، سنگ میل پبلی کشینز، ۲۰۰۰.

۱۲۰. نجفی دهکو، محمّد حسین، اصلاح الرسوم الظاهرة بکلام العترة الطاهرة، سرگودا، مکتبة السبطین، ۱۹۹۹.

۱۲۱. نسیم، قائم رضا، نسیم اللغات اردو، لاهور، غلام علی پرنترز، بی‌تا.

۱۲۲. نقوی، سید حسین عارف، بر صغیر کی امامیه مصنّفین کی مطبوعات تصانیف اور تراجم، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۷۷، ج ۱ و ۲.

۱۲۳. نقوی، سید محمّد جعفر الزمان، اسرار العبدیات یعنی عملی روحانیت، کراچی، القایم ویلفئر ترست، بی‌تا.

۱۲۴. نقوی، شاهد، عزاداری، لاهور، اظهار سنز پرنترز، ۲۰۰۲.

۱۲۵. نقوی، ضمیر اختر، اردو مرثیه پاکستان مین، کراچی، شوکت علی ایندسنز آفست پرنترز، ۱۹۸۲.

۱۲۶. نقوی، محسن، فرات فکر، لاهور، شرکت پرنتنگ پریس، ۱۹۹۸.

۱۲۷. نقوی، محسن، موج ادراک، لاهور، شرکت پرنتنگ پریس، بی‌تا.

۱۲۸. وکیل، انجم، سیاست کی فرعون، لاهور، فیروز سنز، بی‌تا.

۱۲۹. هتورام، بهادر لاله، تاریخ بلوچستان، ترجمه ملک محمّد پناه، چ سوم، کویٹ بلوچ اکیدمی، ۱۹۸۷.

##PAGE=۵۱۲##

ج. منابع لاتین

natsikaP kooB tcaF dlroW ehT,. A. I. C. www. 130 .

stcaF cisaB(natsikaP fo tnemnrevoG. www. 131(.

mtoh. suoigiler/ sdleif/ koobtcaf/ snoitacilbuP/ aiclvog. icdo. www. 132 /.

ه مطبوعات

۱۳۳. اطلاعات، تهران، ش ۲۲۲۰۱ (دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۰).

۱۳۴. الظهور، میانوالی، مجمع الامام الخمینی، السنۀ الاولی، العدد ۴، ذی قعده ۱۴۳۵ ق.

۱۳۵. المعصوم، حیدرآباد، نشریه سازمان دانشجویان اصغریه، اکتبر– نوامبر ۲۰۰۱.

۱۳۶. المنتظر، لاهور، حوزه علمیه جامعه «المنتظر»، سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۳.

۱۳۷. النصرۀ، لاهور، نشریه تنظیم نصرت اسلامی طلّاب بلتستانی، ش ۲۰ تا ۵۲ (دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰).

۱۳۸. امامیه میگزین، لاهور، مارس ۲۰۰۵.

۱۳۹. پیام زینب، پکی شاه مردان میانوالی، جامعه «امام خمینی» و جامعه السیدۀ خدیجۀ الکبری، سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵.

۱۴۰. تحریک، راولپندی، شعبه نشر و اشاعت تحریک جعفریه پاکستان، آوریل ۱۹۹۸.

۱۴۱. توحید، کراچی، ش ۴۷– ۴۹ (محرّم ۱۴۲۵ ق/ مارس ۲۰۰۴ م)

۱۴۲. جامعه اسلامیه نوربخشیه، کراچی، تبیان، ش ۱۱ (آوریل– ژوئن ۲۰۰۰)

۱۴۳. جنگ سندی میگزین، کراچی، ج ۶۸، ش ۲ و ۴، ۶۰ و ۶۱، مارس ۲۰۰۴.

۱۴۴. دقایق الاسلام، سرگودا، جامعه علمیه سلطان المدارس، سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴.

۱۴۵. مشرق، پیشاور، ج ۳۷، ش ۱۰۷، (یکشنبه، ۱۶ نوامبر ۲۰۰۳).

۱۴۶. شیعه‌شناسی، قم، سال سوم، ش ۱۰ (تابستان ۱۳۸۴).

۱۴۷. لسان صدق، اسلام‌آباد، دار التبلیغ الجعفریه، ج ۸، ش ۲ (آوریل ۲۰۰۰).

علاوه بر منابع مزبور از جزوات و گزارش های سالانه سازمان‌ها، مدارس و مراکز فرهنگی و اجتماعی و مصاحبه ها، در کنار مشاهدات شخصی به‌طور گسترده استفاده شده است.

##PAGE=۵۱۳##

نمایه‌ها

نمایه اشخاص و اعلام و اماکن

آ

آبی شل، ۱۲۲

آخوندآباد، ۱۳۳

آخوندزاده، ۱۶، ۴۸، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۳۲، ۱۳۳، ۴۱۸، ۴۲۰، ۴۳۲، ۴۴۷، ۵۰۵

آذربایجان، ۱۷۲، ۱۷۹

آراهی، ۲۹۴

آرنولد توین بی، ۳۱

آریایی، ۳۰، ۶۵، ۸۲، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۵۱

آرین، ۲۹۷

آریه سماجیون، ۶۵

آزاد، ۶، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۵، ۲۸، ۳۳، ۳۷، ۳۹، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۸۱، ۸۲، ۱۰۰، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۵۷، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۹، ۲۳۸، ۲۴۳، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۱۱، ۳۱۵، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۹، ۳۵۵، ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۷۹، ۴۰۶، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۹، ۴۲۵، ۴۲۹، ۴۵۱، ۴۹۸

آزاد کشمیر، ۶، ۱۲۶، ۲۰۲، ۲۸۵، ۲۸۶

آزرگی، ۳۰۱

آسیای جنوب شرقی، ۴۹۳

آسیای میانه، ۲۵، ۳۱، ۴۱، ۳۰۱، ۴۷۱، ۴۹۳

آصف، ۳۷۸، ۴۱۴، ۴۱۸، ۴۳۰

آصف الدوله، ۲۴۱

آغا خان، ۷۱، ۷۲

آغا خان اول، ۷۰، ۷۱

آغا خان دوم، ۷۱

آغا خان سوم، ۷۱

آغاخانی، ۷۱، ۱۱۲

آغا سید عبّاس، ۷۴

آغا علی شاه، ۷۱

آغا محمّد ناصر، ۵۱، ۹۵، ۲۹۵، ۳۰۱، ۵۰۷

آفریدی، ۳۰۹

آفریقا، ۷۰، ۷۱، ۱۳۱، ۴۹۱، ۴۹۲

آقاخانی، ۶۸

آگره، ۵۰

آل سعود، ۱۶۵

آل شنسب، ۲۲۰

##PAGE=۵۱۴##

آمریکا، ۷۹، ۸۴، ۸۷، ۱۳۱، ۱۴۰، ۱۹۶، ۲۱۲، ۴۱۲، ۴۴۶، ۴۵۳، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۸۰

آملی، ۳۷۸

آینه مصف، ۱۵۲

ا

ابراهیم، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۱۱۸، ۱۷۲، ۳۸۶، ۵۰۵

ابراهیم زئی، ۱۱۸

ابراهیمی، ۳۸۶

ابرو، ۱۰۶، ۲۹۸

ابن اثیر، ۳۲، ۳۴، ۳۸، ۴۰، ۵۰۵

ابن تیمیه، ۶۲

ابن جوثب منصور الیمان، ۶۷

ابو البرکات، ۴۷

ابو الحسن اشعری، ۶۲

ابو الحسن اصفهانی، ۴۰۶، ۴۹۲

ابو الحسن حکیمی، ۲۶۰

ابو الخطّاب، ۶۷

ابو الفتح داود، ۶۷

ابو الفتوح، ۴۴

ابو الفضل، ۴۹، ۱۷۰، ۳۷۸

ابو بکر، ۳۲۰

ابو حنیفه، ۶۰، ۶۲

ابو سعید، ۷۵

ابو عبد اللّه جعفر بن محمّد، ۴۰

ابو عمر، ۳۸

ابو معشر، ۴۰

ابو منظور، ۷۴

ابو نصر، ۳۹

اتارپرادش، ۶۰، ۶۳

اتحاد تنظیمات مدارس دینی پاکستان، ۲۶۲

اتحاد ملّی، ۴۳۵

اتحادیه ملّی سند، ۳۳۱

اتک، ۱۸۴، ۱۸۵، ۲۵۹، ۲۸۷

اتهاره هزاروی، ۱۱۵

اثنا عشری، ۶۶، ۷۰، ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۲۴، ۱۲۵

اچکزئی، ۲۹۶، ۳۲۹

احسائی، ۱۴۱

احسان دانش، ۳۹۲

احسان علی اتحادی، ۴۲۵، ۴۲۶

احقاقی، ۱۴۲

احمد الله، ۳۷

احمد بیگ، ۴۷۱

احمد پارک، ۱۱۲

احمد خان محمودآباد، ۴۰۶

احمد رضا خان، ۶۳

احمد زئی، ۴۱، ۱۲۲، ۲۸۶، ۵۰۷

احمد علی شاهد، ۲۱

احمد ندیم قاسمی، ۳۹۲

احمد نگر، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۷۴، ۴۰۵

احمدی، ۵۷، ۵۹، ۷۸

اخباری، ۲۲۲

##PAGE=۵۱۵##

۱۰۷۵

اختر حسین شایق، ۴۴۰

اختر عبّاس، ۱۴۲، ۲۲۳

اختیار، ۳۱، ۳۵، ۵۱، ۸۷، ۱۴۶، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۳، ۱۹۴، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۲۲، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۲۹، ۳۵۹، ۳۸۴، ۳۸۶، ۴۰۸، ۴۲۸، ۴۴۴، ۴۷۲، ۴۷۸، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۸، ۴۹۱

اداره «تحفّظ حقوق شیعه»، ۴۳۴، ۴۳۶

اداره «تحقیقات اسلامی»، ۴۳۶

اذان، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۲، ۳۶۹

ارادتمند، ۶۲، ۱۸۳

اربعین، ۲۱۴، ۳۴۲

اربن اریا، ۱۱۳

اردبیل، ۴۹

اردبیلی، ۶۲، ۱۴۳

اردو، ۱۰، ۲۸، ۴۲، ۴۹، ۵۶، ۶۲، ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۳۲، ۱۶۹، ۱۷۴، ۱۹۶، ۲۱۰، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۷، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۷، ۴۰۱، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳

ارزگان، ۴۳

[۱۰۷۵] عارفی، محمد اکرم، شیعیان پاکستان، 1جلد، شیعه شناسي - قم، چاپ: اول،1385 هـ.ش.

ارزگانی، ۳۱۴

ارشاد حسین، ۲۳۰، ۳۴۱

ارغون، ۴۷، ۱۰۵

ازبک‌ها، ۴۸

اس. ایم. ظفر، ۴۲۰، ۴۲۹

استا محمّد، ۹۶

استخاره، ۱۵۱

استرآبادی، ۴۷

استرزئی، ۱۱۸

استور، ۱۲۳، ۲۶۵

اسد، ۱۶۳، ۱۸۰، ۲۰۴، ۳۸۵

اسد الله خان غالب، ۳۷۹

اسد حیات، ۴۱۳

اسدی، ۱۶، ۲۰، ۱۹۵، ۲۰۴، ۲۲۸، ۲۳۶، ۲۳۷، ۳۱۴

اسکردو، ۵۵، ۱۲۵، ۲۱۳، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۵، ۲۸۴، ۳۰۰، ۳۲۶

اسکندر، ۳۰، ۳۱، ۸۴، ۱۱۶

اسکندرآباد، ۱۱۶

اسلام‌آباد، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۸، ۹۳، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۳۴، ۱۴۲، ۱۴۳، ۲۰۳، ۲۱۳، ۲۲۱، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۵۱، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۸۶، ۳۰۱، ۳۱۷، ۳۲۲، ۴۰۲، ۴۲۰، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۹، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۷۱، ۵۰۶، ۵۰۹، ۵۱۲، ۵۱۴

اسلام پوره، ۱۱۱

اسلامی تحریک، ۱۵، ۴۴۳، ۴۵۳، ۵۰۷

اسلامی نظریاتی کونسل، ۸۶، ۱۲۷، ۴۳۹، ۴۵۵

##PAGE=۵۱۶##

اسماعیل، ۳۹، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۲، ۶۵، ۶۷، ۷۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۴۸، ۱۸۵، ۲۰۲، ۲۲۱، ۲۳۸، ۲۴۵، ۲۹۵، ۳۳۴، ۴۰۶، ۴۲۰، ۴۲۶

اسماعیل عادل شاه، ۴۷

اسماعیلی، ۳۴، ۴۰، ۴۴، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۴، ۱۲۵، ۲۹۹، ۴۲۵، ۴۲۶

اسماعیلیه، ۴۴، ۶۷، ۶۹، ۷۱

اسوه پبلک اسکول، ۲۳۶، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۵۰۹

اشتر، ۴۰، ۹۳، ۱۶۰، ۱۸۹، ۲۲۰، ۲۵۹، ۲۷۷، ۲۹۷، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۳۹، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹

اشتیاق حسین، ۳۷، ۸۶

اشعری، ۶۲، ۲۶۷

اصطخری، ۴۱، ۵۰۵

اصغریه استودنس آرگنایزیشن، ۱۳۹، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۶۵، ۲۸۲، ۵۰۷، ۵۰۸

اصفهانی، ۱۰۴، ۳۷۸، ۴۰۶، ۴۹۲

اصولی، ۲۲۲

اعتبار خان عمرانی، ۹۷

اعتکاف، ۱۶۷

اعجاز حسن، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۳۴

اعجاز علی، ۴۱۵، ۴۴۷

اعظم طارق، ۴۵۱، ۴۵۴

اعوان، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۷، ۲۹۷، ۳۲۰

افشار یزدی، ۴۹

افضل لوئر، ۹۷، ۲۹۴

افغان، ۴۸، ۱۳۰، ۳۰۸، ۳۰۹

افغانستان، ۲۵، ۲۶، ۳۴، ۳۵، ۴۳، ۶۰، ۷۵، ۷۹، ۹۴، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۷۹، ۱۹۰، ۲۳۱، ۲۵۱، ۳۰۱، ۴۲۴، ۴۷۸، ۵۰۵، ۵۰۶

افغانی، ۱۳۰، ۱۳۱

اقامه، ۱۵۲، ۲۱۱، ۲۴۲

اقبال، ۳۷، ۵۸، ۸۲، ۲۱۳، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۸۹، ۳۹۲

اکبرآبادی، ۳۸۱، ۳۸۸، ۳۹۲

اکبر شاه، ۳۶، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۳۱۵، ۳۷۸

اکراد، ۴۱، ۴۲

البرز، ۴۱

التمش، ۳۵، ۳۶

«الجامعۀ النجیبیه» مهدی‌آباد، ۲۶۱

الجیب بانک، ۴۹۱

الزمان، ۱۵۹، ۱۷۰، ۱۸۳، ۵۰۸، ۵۱۳

الزهرا مادل اسکول، ۲۸۸

الطاف حسین، ۳۳۱، ۳۳۲، ۴۱۷

العصر پبلک اسکول، ۲۸۸

القاعده، ۴۶۴

اللہ‌آبادی، ۳۸۸

اللہ بخش راجپوت، ۲۹

اللہ داد، ۱۰۳

المستنصر باللہ، ۶۷

المصطفی پبلک اسکول، ۲۸۷، ۲۸۸

##PAGE=۵۱۷##

المصطفی گرلز اسکول، ۲۸۷

المصطفی لدین اللہ، ۶۸

المصطفی مادل اسکول، ۲۸۷

المصطفی هائر سیکندری اسکول، ۲۸۷

المصطفی هاوس، ۱۹۷

الموت، ۶۹

الهی ظهیر، ۶۶

امارات، ۴۹۱، ۴۹۳

امام بارگاه، ۹۹، ۱۰۰، ۱۱۲، ۱۲۰، ۱۷۳، ۳۲۶، ۳۴۲، ۴۴۸

امام بارگاه انجمن در بتول، ۱۸۲

امام بارگاه حسینی، ۹۹

امام بارگاه علمدار، ۱۸۲

امام باره، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۰، ۳۲۶

امام باره دادن شاه، ۱۰۳

امام باقر علیه السّلام، ۶۷

امام حسین علیه السّلام، ۴۱، ۴۲، ۵۲، ۱۱۹، ۱۴۹، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۹۰، ۲۰۶، ۲۵۸، ۲۵۹، ۳۰۲، ۳۸۸، ۳۹۲

امام خمینی، ۱۹۵، ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۸۴، ۳۰۱، ۳۲۲، ۴۴۲، ۵۱۴

امام خمینی کمپلکس، ۲۱۵

امام صادق علیه السّلام، ۳۹، ۴۰، ۶۷، ۱۸۰، ۱۸۲، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۵۸، ۳۰۱

امامینز پاکستان، ۱۹۷

امامیه، ۱۴، ۱۵، ۵۴، ۷۲، ۷۳، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۹، ۱۶۶، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۷، ۲۷۸، ۲۸۴، ۳۳۴، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۹۷، ۴۰۲، ۴۳۱، ۴۳۵، ۴۳۹، ۴۴۷، ۴۵۳، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳

امامیه آرگنایزیشن، ۱۹۷، ۱۹۹، ۵۰۸

امامیه استودنس آرگنایزیشن، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۹، ۵۰۸

امامیه پبلیکی شنز، ۱۹۹

امامیه جرگه، ۲۱۴

امامیه صوفیه، ۷۲

امامیه علما کونسل، ۳۴۳

امامیه کالونی، ۱۱۰

امامیه کونسل، ۲۱۴، ۳۴۳

امامیه مشن ترست، ۲۱۵

امداد الله، ۶۲

امداد حسین، ۳۸۶، ۴۴۰، ۴۴۴

امروهوی، ۶۱، ۲۲۰، ۲۳۳، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۸، ۳۹۱، ۳۹۴

امروهه، ۲۴۱

اموی‌ها، ۳۹، ۴۱

امید، ۱۸، ۱۹، ۲۷، ۸۰، ۸۶، ۱۱۶، ۱۲۷، ۱۵۹، ۱۸۳، ۱۹۳، ۲۸۸، ۳۵۷، ۳۸۸، ۴۳۰، ۴۴۷، ۵۰۳، ۵۰۴

امیر حمزه، ۵۱

##PAGE=۵۱۸##

امیر خسرو، ۳۵

امیر ظفر خان احسن، ۳۷۸

امیر عبد الرحمان، ۱۳۱

امینی، ۴۳۸

انجم رحمانی، ۳۱۸، ۳۶۵، ۳۶۸، ۳۷۳

انجمن ادبی سندی، ۳۳۱

انجمن اصغریه، ۲۰۶

انجمن امامیه، ۵۲، ۱۴۸، ۲۱۴، ۳۲۷

انجمن حسینیه، ۲۱۴

انجمن حیدری، ۱۰۵، ۲۱۴

انجمن سپاه صحابه، ۷۹

انجمن صنعتی، ۴۶۴

انجمن فلاح و بهبود نوربخشی بلتستانیان کراچی، ۷۳

انجمن مالی- صنعتی، ۴۶۴

انجمن محفل مرتضی، ۷۰

انچولی، ۱۰۱

اندخیل، ۱۲۲

اندس مادل اسکول، ۲۸۷

انستیتو تحقیقات مرکزی اسلامی، ۸۶

انصاری، ۱۴۱، ۲۲۱، ۵۰۸

انگلستان، ۵۳، ۷۱، ۸۲، ۸۳، ۱۳۱، ۳۵۲، ۳۷۶، ۴۰۶، ۴۹۳

انگلیسی، ۲۸، ۳۶، ۳۷، ۵۳، ۷۱، ۸۲، ۱۷۲، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۸۴، ۲۹۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۵، ۳۳۰، ۳۵۲، ۳۷۶، ۳۷۹، ۴۰۱، ۴۰۵، ۴۷۹، ۴۸۰

انوار العلوم، ۶۴

انور شاه محدّث، ۶۱

انیس، ۲۰۲، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۶، ۳۸۸، ۵۰۹

اوپانیشادها، ۱۳۷

اوحدی، ۳۸۶

اوده، ۱۷۳، ۲۴۱، ۲۴۲

اورکزئی، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۲۳۸، ۳۰۹، ۳۵۷

اورکزئی ایجنسی، ۱۲۱، ۱۲۲، ۲۳۸، ۳۵۷

اورنگ زیب، ۵۰

اوستا محمّد، ۹۶، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۲۹

اوقی، ۳۱۳، ۳۱۴

اوکاره، ۶۵، ۲۵۹

اوگی، ۱۲۰

اولاد میر عبد الاول، ۱۰۴

اولاد میر معصوم بکّری، ۱۰۴

اهل بیت پبلک اسکول، ۲۸۷

اهل تسنّن، ۴۵، ۶۸، ۱۶۴

اهل حدیث، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۷، ۱۲۵، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴۹، ۴۵۱

اهل سنّت و جماعت، ۱۲۴، ۱۲۵

ایالت بهار، ۴۱۵

ایالت مرزی شمال غربی، ۱۱۷

ایبت‌آباد، ۱۱۷، ۱۲۰، ۲۵۷

ایتالیا، ۴۶۵

ایدوارد ای. آلیور، ۳۰۹

##PAGE=۵۱۹##

ایدوکیت، ۴۴۵، ۴۴۷

ایران، ۲۵، ۳۴، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۸، ۷۹، ۹۴، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۵۴، ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۹۰، ۲۰۱، ۲۰۶، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۵۱، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۷، ۲۷۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۵۵، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۷، ۴۷۸، ۴۸۰، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۷، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۱۲

ایرانی، ۴۱، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۵۳، ۵۶، ۵۸، ۱۳۰، ۲۲۰، ۳۰۰، ۳۵۱، ۴۳۰

ایم. مسعود، ۳۱۷

ایمن‌آباد، ۱۱۲

ایّوب، ۴۷، ۱۰۹، ۱۴۷

ایّوب خان، ۸۴، ۲۶۹، ۳۰۸، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۳۰، ۴۳۵

ایّوب نگر، ۱۰۹

ب

بابر شاه، ۵۰، ۱۷۲

بابر میله، ۱۱۸

بابل، ۲۹، ۳۰

بابه، ۳۱۴

بارات، ۳۵۷

بارهوی، ۳۸۰، ۳۸۴، ۳۸۸

باریا، ۴۶، ۴۷، ۱۰۶، ۳۰۳

باری شاخ، ۲۳۶، ۲۹۴

بازار قصّه‌خوانی، ۱۱۷

بازوباز، ۳۶۷

«باقریه کوتله جام» بلوک میانوالی، ۲۴۶

باگ، ۹۸، ۱۸۵، ۲۹۴، ۳۱۳

بالاکوت، ۱۲۰

بالاکوتی، ۷۹

بالاناری، ۹۸

بالان شاخ، ۲۹۴

بامیان، ۳۹

بانس بریلی، ۶۳

بان سنگ‌آباد، ۱۰۸

بانک بین‌المللی اقتصاد و اعتبار، ۴۹۱

بانک حبیب، ۴۹۱

ببرلو، ۱۸۲

بتایی، ۱۰۳، ۱۶۰، ۱۷۲، ۱۷۹، ۳۱۹، ۳۳۰

بتایی نگر، ۱۰۳

بت‌پرستی، ۵۵

بت شاه، ۱۰۴، ۱۶۰، ۳۱۹، ۴۲۹، ۴۷۸

بت نور شاه، ۱۰۵

بتی، ۱۱۴، ۳۲۰، ۴۲۱، ۴۲۹

بجار، ۲۹۵، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۳۵، ۳۵۹، ۴۲۹

بچل شاه، ۱۰۵

بخارا، ۴۷۸

بخاری، ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۶۰، ۱۹۵، ۲۰۴، ۳۹۲، ۴۱۳، ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۴۷، ۵۱۰

##PAGE=۵۲۰##

بخستون، ۳۶۰

بداغ خان قاجار، ۴۹

بدایونی، ۸۵، ۳۹۲

بدخشان، ۴۸

بدوال، ۱۱۴، ۲۹۷

بدین، ۱۵، ۳۷، ۴۰، ۵۳، ۵۷، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۹۲، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۱۸، ۱۵۰، ۱۹۹، ۲۰۷، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۶، ۲۳۶، ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۹۲، ۲۹۳، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۱۵، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۶۵، ۳۹۷، ۴۶۱، ۴۷۳، ۴۷۷، ۴۸۰

برالدو، ۵۵

براهوئی، ۲۸، ۱۰۷، ۳۰۵، ۳۳۶، ۳۷۵

برّ صغیر، ۲۲۰، ۲۳۲، ۵۱۲

بر محمد خیل، ۱۲۲، ۲۹۶

بروری، ۹۵، ۱۰۷، ۲۳۷، ۳۷۰

بروری هزاره تاون، ۲۳۶

بروشکی، ۲۸، ۳۳۹

بروشو، ۳۰۰

بروقپه، ۲۹۹

بروکپا، ۲۹۹، ۳۰۰

برهان الدین، ۶۸

برهان نظام شاه، ۴۷، ۷۴

برهمن، ۳۳، ۳۰۳

برهمن‌آباد، ۳۳

بریتانیا، ۳۶، ۳۷، ۸۲، ۸۳، ۳۰۳

بریلوی، ۶۳، ۶۴، ۷۶، ۸۱، ۸۷، ۱۸۱، ۳۹۲، ۳۹۵، ۴۰۹، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۹۹

بزنجو، ۳۲۹

بستی جعفریه، ۱۱۴

بستی سهو والا، ۱۱۴

بستی شادو خان، ۱۱۴

بسم اللّه خوانی، ۱۵۳

بشری زیدی، ۳۳۲

بصره، ۳۸

بغاردو، ۲۸۸

بفتی، ۲۸۶

بقیع، ۱۶۵

بکّر، ۱۵، ۲۱، ۴۷، ۵۰، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۸۴، ۲۰۲، ۲۸۸، ۲۹۵، ۳۲۰، ۳۴۳، ۳۷۶، ۴۱۱، ۴۲۱، ۴۳۳، ۴۳۹، ۴۴۴، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۷۸، ۴۸۱

بکّری، ۱۰۴

بگتی، ۹۹، ۳۱۳، ۳۲۸، ۳۳۵، ۴۹۷

بگروت، ۱۲۳

بلبل شاه، ۵۳، ۵۴

بلبن، ۳۵، ۴۱۲

بلتستان، ۲۱، ۲۸، ۴۴، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۷۲، ۷۴، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۳۸، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۷۹، ۱۸۵، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۲۳، ۲۳۴، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۸، ۳۷۷،

##PAGE=۵۲۱##

۳۸۵، ۴۲۶، ۴۳۲، ۴۵۱، ۴۸۸، ۴۸۹، ۵۰۹، ۵۱۲

بلتی، ۸، ۲۸، ۹۵، ۱۰۱، ۱۳۳، ۱۵۳، ۲۱۱، ۲۹۳، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۶، ۳۶۱، ۳۶۸، ۳۷۵، ۳۷۷، ۳۸۵

بلگرامی، ۳۹۳

بلوت شریف، ۱۱۹، ۱۸۵

بلوچ، ۷، ۱۳، ۲۷، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۴، ۲۱۰، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۶، ۳۵۵، ۳۵۹، ۳۶۷، ۳۶۸، ۴۲۱، ۴۳۲، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۳

بلوچ جتویی، ۲۹۵

بلوچستان، ۶، ۱۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۲، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۵۱، ۵۸، ۷۴، ۷۵، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۸، ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۰۱، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۴، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۷۷، ۳۸۵، ۳۸۶، ۴۰۲، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۵۳، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۶، ۴۸۸، ۴۹۲، ۴۹۷، ۵۰۷، ۵۱۳

بلوچستان نیشنل پارتی، ۴۲۷

بلوچ سروهی، ۱۰۵، ۲۹۴

بلوچ شنبانی، ۲۹۴

بلو شاه بل، ۱۱۵

بلیدی، ۷۵، ۲۹۳، ۲۹۴

بمبرا، ۲۹۸

بنگال، ۴۸، ۱۳۰، ۱۳۲

بنگالی، ۱۳۰، ۳۳۴

بنگش، ۹۵، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۸۴، ۲۹۶، ۳۰۹، ۳۳۷، ۴۲۰

بنگلادش، ۳۰، ۸۳، ۸۴، ۴۱۲

بنگلزئی، ۳۱۳

بنو، ۶۲، ۱۱۷، ۱۲۰

بنیاد آغا خان، ۷۲

بنیاد شهید، ۸۰، ۲۱۵

بنیاد معرفی فاوندیشن، ۲۱۳، ۲۸۶

بوتو، ۷۷، ۷۸، ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۳۰۸، ۳۲۳، ۳۲۴، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۳۰، ۴۳۵، ۴۹۱

بودا، ۳۰، ۳۱

بودایی، ۵۷

بودیسم، ۳۰، ۱۳۷

بورکی، ۱۲۲، ۳۱۲

بورگری، ۱۰۶

##PAGE=۵۲۲##

بوروکرات، ۲۸۲، ۳۲۲

بولان، ۹۸، ۲۵۷، ۳۰۵

بوهره، ۶۸

بهادر خان، ۳۱۳

بهاولپور، ۱۳۰، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۹۸، ۳۱۷، ۳۳۴، ۴۱۷، ۴۲۱، ۴۲۳

بهاولنگر، ۲۰۲، ۲۵۷

بهاء الدین زکریّا ملتانی، ۱۶۱

بهبهانی، ۲۴۲

بهروانه، ۱۱۵، ۲۶۰، ۳۲۰

بهره، ۱۳، ۱۴، ۲۱، ۶۴، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۱۰۰، ۱۵۵، ۱۶۵، ۲۸۳، ۲۹۲، ۲۹۹، ۳۰۶، ۳۵۳، ۳۹۰، ۴۶۱، ۴۶۴، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۸۰، ۴۹۸، ۵۰۰، ۵۰۲

بهسود، ۳۱۴

بهمنی، ۴۵، ۴۶، ۴۷

بهوانه، ۱۱۵

بهیکر، ۲۸۵

بی‌بی پاکدامنان، ۱۴۷، ۱۷۰

بیجاپور، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۴۰۵

بیجارانی، ۲۹۵، ۳۱۳

بیرم خان، ۴۹

بیمارستان خیریه «عبد اللّه»، ۲۳۶

بین النهرین، ۲۹

بی‌نظیر بوتو، ۸۴، ۳۳۳، ۴۱۴، ۴۳۰

پ

پاچا خان، ۳۲۹

پادشاهان بهمنی، ۴۵

پاراچنار، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۹۴، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۶۰، ۱۸۴، ۲۰۴، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۲۸، ۲۳۸، ۲۵۸، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۶، ۳۰۱، ۳۱۲، ۴۱۸، ۴۲۰، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۵۴، ۴۸۸

پاراچناری، ۱۱۸

پارسی، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۹۵

پارسیان، ۲۸، ۵۸

پاساژ اسپنزر، ۴۹۳

پاساژ ذو الفقار، ۴۹۳

پاساژ سنهری، ۴۹۳

پاساژ لیاقت، ۴۹۳

پاساژ هاشمی، ۴۹۳

پاکپتن، ۲۵۷

پاک پختونخواه، ۴۲۷

پاکستان ایجوکیشن کونسل، ۲۸۷

پاکستان غربی، ۸۳، ۳۳۰، ۴۱۲، ۴۱۷، ۴۱۸

پاکستان ملت اسلامیه، ۴۵۳

پاکستان میدیکل کیر، ۲۱۴

پاک کالونی، ۱۰۸

پاک گیت، ۱۱۲

پانی پت، ۴۸، ۱۷۲

پای وازی، ۳۵۸

پتافی گوت، ۲۶۶

##PAGE=۵۲۳##

پتان، ۷، ۲۷، ۴۱، ۱۱۶، ۱۱۸، ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۲۸، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۰، ۴۲۳، ۴۲۵، ۵۰۷

پتنی، ۱۰۵، ۳۰۹

پتنی بزرگ، ۱۰۵

پتنی کوچک، ۱۰۵

پختونخواه عوامی ملّی پارتی، ۴۲۷

پدهرار، ۴۶۸

پرکوته، ۲۱۲

پرل، ۲۹۷

پروژه حسین مشن، ۲۰۷

پرویز خان، ۴۲۹

پرویز مشرّف، ۸۵، ۸۷، ۲۷۲، ۴۱۳، ۴۲۸، ۴۳۳، ۴۴۹، ۴۵۳، ۴۵۶، ۴۶۴، ۴۶۶

پریذیدنسی بمبئی، ۲۹

پشتو، ۲۸، ۹۵، ۹۹، ۱۰۱، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۹۰، ۲۲۴، ۳۳۳، ۳۷۵، ۴۵۰، ۴۶۵

پشتون، ۷، ۱۳، ۲۷، ۹۴، ۹۵، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۲، ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۴، ۳۲۳، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۶، ۳۳۹، ۳۴۶، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۴۲۳، ۴۳۲، ۴۹۸، ۵۱۲

پشتونستان، ۳۲۹، ۳۳۰

پشتونوالی، ۳۰۸

پشی، ۳۱۴

پکری، ۳۶۸

پکی شاه مردان، ۱۱۶، ۲۳۷، ۵۱۴

پکی میرانی، ۱۱۴

پلیت سیدان، ۲۸۵

پنجابی، ۷، ۱۳، ۲۷، ۲۸، ۹۵، ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۱۸، ۲۹۳، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۳۰، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۶، ۳۵۶، ۳۶۶، ۳۷۵، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۹۸

پنج گور، ۷۵

پنج مرحله سقیم، ۱۱۴

پنج هتی، ۱۰۶

پندی بتیان، ۴۷۱

پوتوهار، ۲۶، ۴۶۸

پوریگ، ۵۵

پولو، ۱۶۰

پونده بازار، ۱۱۹

پونیال، ۱۲۳

پویا، ۱۴۵، ۲۸۲، ۳۷۴، ۳۹۷

پهلوان گوت، ۱۰۱، ۱۳۴

پیپلز پارتی، ۹، ۴۰۷، ۴۲۷، ۴۳۰

پیرآباد، ۱۰۸

پیران، ۱۲۰، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۹، ۱۹۱، ۳۲۲، ۵۰۴

پیران، ۱۲۰، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۹، ۱۹۱، ۳۲۲، ۵۰۴

پیر پنجال، ۲۶

پیر دری پاک، ۱۸۴

##PAGE=۵۲۴##

پیر– مریدی، ۷، ۷۶، ۱۳۸، ۱۴۶، ۱۷۳، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۳۲۲، ۳۲۵

پیر نور الدین، ۶۹

پیرو دهایی، ۱۱۲

پیرها، ۷۰، ۳۲۲، ۴۱۸

پیری، ۱۹۱، ۴۱۷

پیشاور، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۸، ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۴۸، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۵۰، ۱۶۸، ۱۸۱، ۲۰۰، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۸۲، ۲۹۳، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۹۲، ۴۱۸، ۴۲۰، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۴۷، ۴۵۳، ۴۷۱، ۴۹۰، ۵۰۵، ۵۱۴

پیشاور صدر، ۱۱۸

پیشوایی، ۷۱، ۱۸۳، ۱۸۹

پیل، ۳۸۹، ۴۶۸

پیلان، ۱۱۶

پیوار، ۱۲۱، ۲۸۶

پیهرسن، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۵۰۹

ت

تابش، ۳۹۲

تاتارها، ۲۹۹

تاسوعا، ۳۴۲

تالپور، ۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۷۲، ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۲۰، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۲۸، ۴۳۱

تام جهام، ۱۶۴

تانزانیا، ۷۰

تانگ، ۱۲۰

تانگیر، ۱۲۳

تانوی، ۶۱، ۸۵

تانیسر، ۳۴

تاون شیپ، ۱۱۱

تبّت خورد، ۲۹۹

تبّتی، ۲۹۹

تبریزی، ۱۷۹

تتّه، ۳۳، ۴۵، ۴۷، ۵۰، ۵۱، ۷۴، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴، ۲۰۲، ۲۴۱، ۳۵۷، ۴۲۹

تتّه باندهنا، ۳۵۷

تجلیل، ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۶۵، ۲۷۴، ۴۴۳، ۴۹۹

تجمّل حسین، ۴۲۳

تحریک تحفّظ حقوق جعفریه پاکستان، ۲۱۴

تحریک جعفریه، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۹۳، ۱۱۴، ۱۲۱، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۲۵، ۲۳۲، ۲۶۳، ۲۸۷، ۳۳۴، ۳۴۳، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۲۰، ۴۲۶، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۸، ۴۴۲، ۴۵۲، ۴۷۶، ۵۰۹، ۵۱۴

تحریک ختم نبوّت، ۷۷، ۷۸

تحریک منهاج القرآن، ۴۴۹

تخت خینه، ۳۶۰

تربت، ۷۵، ۱۵۲

ترپارکر، ۲۶، ۱۰۱

ترخان، ۴۷

ترخانی، ۴۸

##PAGE=۵۲۵##

ترک، ۳۵، ۴۵، ۴۸، ۱۳۰، ۲۷۷، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۶۳، ۳۷۹

ترکان، ۲۹۷، ۳۲۰

ترکستان، ۵۳

ترکی، ۴۹

ترکیه، ۵۰

ترمذی، ۳۵، ۳۹۲

تره، ۳۵۸

تریلی، ۲۹۸

تریهر، ۱۴۸، ۲۱۰، ۲۹۴

تشکیلات کارمندان اسلامی، ۴۵۲

تصوّر حسین، ۴۲۳

تصوّف، ۷، ۶۲، ۷۲، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۷۹، ۱۸۲، ۲۴۳، ۴۹۹، ۵۰۴

تعارف، ۳۶۶

تعزیه، ۱۰۸، ۱۶۴، ۱۶۵، ۳۴۲

تقی‌زاده داوری، ۳، ۲۰

تکنوکرات، ۲۸۲، ۳۲۱

تل، ۲۶، ۳۱۱

تلنگانه، ۴۷

تله عنایت خان، ۱۱۴

تمبو، ۹۶، ۹۷، ۲۲۹، ۲۳۶

تندو، ۱۰۳، ۲۶۶، ۴۵۰

تندو آغا، ۱۰۳

تندو اللّه یار، ۶۲، ۱۰۳، ۲۶۶

تندو جام، ۱۰۳

تندوجان محمّد، ۱۰۹

تندو جهانیه، ۱۰۳

تندو علی‌آباد، ۱۰۵

تندو محمّد خان، ۱۰۴، ۴۱۵، ۴۳۱

تندو میرمحمود، ۱۰۳، ۴۱۵

تندو ولی محمّد، ۱۰۳

تنظیم المکاتب، ۱۵، ۱۹۲، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۳۲، ۲۶۴، ۵۰۹

تنظیم المؤمنین، ۱۳۳

تنظیم غلامان آل عمران، ۲۱۵

تنظیم نسل نو هزاره، ۱۶۰

تنظیم نصرت اسلامی بلتستان، ۲۱۱

توانه، ۲۹۷

توبه تیک سنگ، ۲۵۹

توتکی، ۱۷۸

توتم‌پرستی، ۳۰

توران، ۴۱

تورگو، ۴۸۹

توری، ۳۱، ۳۶، ۵۰، ۵۲، ۹۵، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۴، ۱۸۴، ۲۹۶، ۴۸۱

توریزونه، ۳۱۱

توسّلی، ۱۶، ۱۹۵، ۲۲۳، ۲۳۴، ۲۳۷

توکر نیاز بیگ، ۱۱۱

تونسه، ۲۹۵، ۴۷۸

تهبند، ۳۶۷

تهتوی، ۱۷۲

##PAGE=۵۲۶##

تهر، ۴۷، ۳۷۰، ۳۷۷، ۴۲۶، ۴۶۸، ۴۹۲، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۱۳

تهر مارکر، ۲۰۲

تهوار، ۲۶۱، ۲۸۵

تهیری، ۷۸

تهیم، ۲۹۸

تی بی کربلا، ۱۱۴

تیپو سلطان، ۴۰۵

تی دی ای کالونی، ۱۱۴

تیرا، ۴۳، ۹۴، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۶۰، ۱۸۴، ۲۹۶، ۳۱۱، ۳۵۷، ۴۸۸

تیشه خیل، ۱۲۰

تیکسلا، ۳۱، ۱۱۳، ۲۲۱

تیکنیکل اسکول، ۲۸۸

تیکه، ۴۸۰

تیمور لنگ، ۶۸

تیوسوفیکل، ۵۹

ث

ثقلین، ۱۴، ۱۶، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۶، ۲۲۶، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۷۸، ۲۸۴، ۳۹۷، ۴۰۲، ۵۱۱

ج

جابر بن حیّان ترست، ۲۰۳، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۶، ۵۰۹

جابر غواخی، ۱۲۲

جات، ۵، ۳۴، ۴۳، ۶۴، ۱۳۱، ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۶۸، ۲۷۷، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۹۵، ۴۲۲، ۴۶۲

جاثلیق، ۳۹

جارا، ۱۲۰، ۱۴۲، ۲۳۴، ۲۴۵، ۴۳۹، ۴۴۴

جارچوی، ۲۲۲، ۳۸۰

جاسن شاه، ۱۰۹

جاغوری، ۳۱۳، ۳۸۶، ۴۱۷

جاگیرانی بلوچ، ۱۰۶

جاگیردار، ۳۱۶، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۴۰۷، ۴۱۱، ۴۷۵، ۵۱۲

جاگیرداری، ۸، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۳۴، ۳۷۳، ۳۷۴، ۴۱۱، ۴۳۰، ۴۸۰، ۵۱۲

جالاوان، ۳۱۳، ۳۲۹

جالور، ۷۴

جام ابراهیم، ۴۲

جام بایزید، ۴۲

جامره، ۲۸۵

جام شورو، ۱۰۳، ۲۰۷، ۲۲۸، ۲۶۵، ۳۳۱، ۵۰۸.

جامعه «آل محمّد»، ۲۵۹

جامعه «آیهٔ اللّه خوئی»، ۲۵۹

جامعه «اشرفیه»، ۶۲

جامعه «البهبهانیه»، ۲۶۱

جامعه «امام العصر»، ۲۶۰

جامعه «امام جعفر صادق علیه السّلام»، ۲۶۱

جامعه «امام حسن علیه السّلام»، ۲۶۱

##PAGE=۵۲۷##

جامعه «امام حسین علیه السّلام»، ۲۵۹

جامعه «امام خمینی»، ۲۲۷، ۲۵۸، ۲۶۰، ۳۲۲، ۵۱۴

جامعه «امام سجّاد علیه السّلام»، ۲۵۹

جامعه «امام صادق علیه السّلام»، ۲۵۸

جامعه «امامیه»، ۲۰۰، ۲۲۴، ۲۴۵، ۲۴۶

جامعه «اهل بیت»، ۲۱۳، ۲۲۱، ۲۶۰، ۳۲۲

جامعه «بنوری تاون»، ۶۲

جامعه «تبلیغیه»، ۶۴

جامعه «تعلیم الاسلام»، ۲۵۹

جامعه «ثقلین»، ۲۶۱

جامعه «جعفریه بهمنیه»، ۲۶۱

جامعه «حسنین علیهما السّلام»، ۲۶۱

جامعه «دار الایتام هاشمیه»، ۲۶۱

جامعه «رضویه»، ۲۵۹

جامعه «رضویه چیچه وطنی»، ۲۰۱

جامعه «رضویه عزیز المدارس»، ۲۵۹

جامعه «زینبیه»، ۲۶۱

جامعه «سرادیه»، ۲۶۱

جامعه «سلفیه»، ۶۵

جامعه «شهید عارف حسین حسینی»، ۲۵۸[۱۰۷۶]

##PAGE=۵۲۷##

جامعه عربیه «مخزن العلوم جعفریه»، ۲۵۸

جامعه «علمیه»، ۲۵۸، ۲۵۹

جامعه «علمیه سلطان المدارس»، ۲۵۸

جامعه «علمیه کراچی»، ۲۲۸

جامعه «علویه نعیم الواعظین»، ۲۵۹

جامعه «فاطمیه»، ۲۵۹

جامعه «فخرانیه»، ۲۶۱

جامعه «قبازردیه»، ۲۶۱

جامعه «مبارکه»، ۲۶۱

[۱۰۷۶] عارفی، محمد اکرم، شیعیان پاکستان، 1جلد، شیعه شناسي - قم، چاپ: اول،1385 هـ.ش.

جامعه «محمّدیه»، ۶۵، ۲۴۵

جامعه «مدینه»، ۶۲

جامعه «مصطفویه»، ۲۶۱

جامعه «مغامسیه»، ۲۶۱

جامعه «منصوریه»، ۲۶۱

جامعه «منظر الاسلام»، ۶۳

جامعه «مهدویه»، ۲۵۹

جامعه «نظامیه رضویه»، ۶۴

جامعه «نعیمیه»، ۶۴

جامعه «نوربخشیه»، ۲۶۱

جامعه «هاشمیه»، ۲۵۹

«جامعهٔ البهمنیه»، ۲۶۱

«جامعهٔ الحسین علیه السّلام»، ۲۶۱

«جامعهٔ الرضا علیه السّلام»، ۲۵۹

«جامعهٔ الزهراء»، ۲۵۲

«جامعهٔ السیدهٔ خدیجهٔ الکبری»، ۲۳۱

«جامعهٔ الکوثر»، ۲۵۷، ۲۸۳، ۲۸۴، ۳۰۱، ۵۰۹

«جامعهٔ المنتظر»، ۱۱۱، ۳۲۲

«جامعهٔ اهل البیت و القرآن»، ۲۲۹

جام فیروز، ۴۷

جامو، ۲۵۶

جامی، ۲۷۰

##PAGE=۵۲۸##

جانباز خان، ۴۲۶

جاوید اقبال قزلباش، ۳۸۹

جاه ثانی، ۳۷۸

جبهه آزادی مردمی بلوچ، ۳۲۹

جت، ۳۸، ۱۰۴، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۶

جتویی، ۱۰۸، ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۰۵، ۳۱۲، ۴۱۲

جدو، ۱۰۹، ۱۲۹، ۱۷۶، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۵۱، ۴۶۱

جرجانی، ۴۷

جروار، ۲۹۴، ۴۳۱

جزیرهٔ العرب، ۴۱

جستس سید امیر علی، ۴۰۶

جعفرآباد، ۹۶، ۲۱۰، ۲۹۴

جعفر حسین، ۲۲۱، ۲۳۲، ۲۷۰، ۴۰۷، ۴۲۹، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۴

جعفر طیّار سوسایتی، ۱۰۱

جعفری، ۹، ۶۶، ۱۲۰، ۱۳۴، ۲۳۴، ۲۶۷، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۱۱، ۳۸۸، ۴۰۸، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۳۱، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۵۰۹

جعفریه، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۹۳، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۴۲، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۷۰، ۲۸۲، ۲۸۷، ۳۰۱، ۳۳۴، ۳۴۳، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۲۱، ۴۲۶، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۹، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۷۶، ۴۹۱، ۵۰۹، ۵۱۴

جعفریه ترست، ۲۸۷، ۴۵۲

جعفریه ویلفیئر فند، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۵۰۹

جلال‌آباد، ۱۲۴، ۳۴۴

جلالوی، ۳۸۰، ۳۹۳

جل مگسی، ۹۷، ۹۸، ۲۱۰

جلوس، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۰، ۲۱۴، ۳۴۲، ۳۹۵

جلوس تابوت، ۱۶۵

جلوس تعزیه، ۳۴۲

جلوس حنای شاه‌زاده قاسم، ۳۴۲

جلوس ذو الجناح، ۳۴۲

جلوس علم، ۱۶۳، ۳۴۲

جلوس گهواره علی اصغر، ۳۴۲

جلوه‌گاه امامین، ۵۱، ۱۰۴

جلیقه، ۳۶۸

جماعت اسلامی، ۸۶، ۲۸۲، ۴۴۹

جماعت خوجه پیرهای اثناعشری کراچی، ۷۰

جماعت علی شاه، ۸۵

جمال میان، ۸۵

جمالی، ۹۲، ۹۶، ۹۷، ۱۱۹، ۱۸۲، ۲۰۷، ۲۱۵، ۲۳۶، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۴۲۰، ۴۳۲، ۴۵۹، ۴۶۶

جمانی، ۱۰۶

جمپیر، ۴۶۸

##PAGE=۵۲۹##

جمعه خان عمرانی، ۹۷

جمعه خوانی، ۲۳۰

جمعیت اهل حدیث، ۶۶، ۴۴۹، ۴۵۱

جمعیت علمای اسلام، ۴۳۲، ۴۴۹

جمل، ۳۸

جمنا- گنگ، ۳۱

جمن شاه، ۱۱۴، ۱۸۳

جمهوری وطن، ۴۲۷

جناح، ۳۷، ۸۱، ۸۳، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۲۷، ۴۹۹

جناح پبلک اسکول، ۲۸۷

جنبش اعاده دموکراسی، ۴۴۵

جنبش سرائیکی، ۳۳۴

جنبش سنگتن، ۸۲

جنبش «قومی مهاجر»، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۴۲۷

جنبش «نظام مصطفی»، ۸۶، ۴۳۵

جنجوعه، ۱۰۶، ۲۹۷

جند برواله، ۱۱۵

جنگ، ۹، ۱۵، ۲۱، ۴۳، ۴۸، ۵۹، ۶۵، ۷۹، ۸۴، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۳۴، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۷۸، ۱۸۴، ۱۹۱، ۱۹۵، ۲۰۲، ۲۲۷، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۹۵، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۷۹، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۸، ۴۲۱، ۴۲۵، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۶۴، ۴۷۱، ۴۷۸، ۴۸۱، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۴

جنگ آزادی، ۶۵، ۳۱۵، ۳۷۹، ۴۲۵

جوادی، ۱۵، ۱۶، ۱۱۹، ۱۹۵، ۲۲۸، ۲۳۳، ۳۷۷، ۴۳۱، ۴۴۹، ۵۰۶، ۵۰۹

جوادیه، ۱۱۲، ۱۸۲

جوزاره، ۱۱۸

جولاها، ۲۹۷

جولایی، ۳۲۰

جونپور، ۴۹، ۷۴، ۴۰۵

جونپوری، ۷۴

جونیجو، ۴۱۶

جونیجو مسلم لیگ، ۴۲۸

جوهر، ۸۵، ۱۱۱، ۲۱۳، ۲۶۱

جوهر تاون، ۱۱۱

جوهر کمپلکس، ۲۱۳

جوهر نظامی، ۳۸۰

جوهری، ۳۴۱، ۳۸۸

جهاز، ۳۵۵، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۱

جهانگیر، ۴۲۳

جهانگیر شاه، ۳۷۸

جهک، ۱۱۲

جهلم، ۲۶، ۱۱۵، ۲۵۹، ۴۷۷

جی. ایم. سید، ۳۳۱

جیبال، ۳۴

جیش محمّد، ۴۵۳

جیکب‌آباد، ۱۵، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۸۵، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۱۳، ۵۱۰

جین، ۳۰

جینیزم، ۱۳۷

##PAGE=۵۳۰##

چ

چادر، ۳۰۵، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۸۴

چاربیتی، ۳۸۶

چاغی، ۲۶

چاکر خان، ۴۲

چاندراگوپتا موریا، ۳۱

چاندیو، ۳۳۶

چاه سیدان منوّر، ۱۱۹

چترال، ۲۶، ۱۲۳

چته، ۶۱، ۲۹۷، ۳۲۰

چتیان هتیان، ۱۱۲

چشتی، ۶۲، ۱۷۸

چک، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۸۴، ۱۹۲، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۴۶، ۲۵۹، ۲۶۷، ۲۹۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۷، ۳۲۶، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۷۵، ۴۰۵، ۴۱۳، ۴۶۹، ۴۷۴، ۴۷۷، ۴۸۹، ۴۹۰

چکراله، ۱۱۶، ۲۴۵، ۲۴۶

چکرکوت، ۱۱۸، ۲۸۶

چکوال، ۲۶۰، ۲۸۵

چکی، ۱۰۳، ۲۶۶

چلاس، ۱۲۳

چلاس غور، ۱۲۳

چلگری، ۹۷، ۲۹۳، ۲۹۴، ۳۱۳

چناب، ۲۶، ۱۱۵، ۴۷۷

چنده، ۳۱۴، ۳۶۴

چنگیزی، ۳۱۴، ۳۸۶، ۴۲۱، ۴۲۹

چودری، ۳۲۰، ۳۳۴

چوک اعظم، ۱۱۴

چوگان، ۷۶

چوگله، ۱۱۹

چولستان، ۲۶

چولی، ۲۹۸

چونگی امرسدو، ۱۱۱

چوهان، ۱۰۴، ۲۹۸

چوهدری شوکت علی چیمه، ۴۴۷

چهارشنبه سوری، ۱۷۱

چهوترون، ۵۶

چین، ۲۵، ۳۹، ۱۲۲، ۱۲۳، ۳۸۲، ۴۶۵

چینوت، ۱۱۵، ۲۶۰، ۲۸۷

ح

حاجی، ۶۰، ۶۲، ۱۱۴، ۱۲۰، ۲۷۹، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۷۸، ۳۸۶، ۴۹۱

حاجی مورا، ۱۲۰

حارث بن مرّه عبدی، ۳۲، ۳۸، ۲۲۰

حاضری پاک، ۱۷۰

حافظآباد، ۲۵۷، ۴۲۹

حافظ تصدّق حسین، ۱۷۸

حافظ ریاض، ۱۶، ۲۰۱، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۳۵، ۲۴۲، ۲۵۹، ۲۷۷، ۴۴۴

حافظ سیف الله، ۱۴۲

##PAGE=۵۳۱##

حافظ کفایت حسین، ۲۲۱

حافظ محمّد احمد، ۶۱

حاکمان مغولی، ۱۷۲

حایری، ۱۴۲، ۲۴۴

حبیب، ۳۸۹، ۴۹۱، ۴۹۲

حبیب محمّد حبیب، ۳۸۹

حجّاج، ۳۳

حجاز، ۴۲

حجّام، ۳۲۰

حدیث «کساء»، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۶۷

حراموش، ۱۲۳

حرکت اجرای فقه جعفریه، ۱۳۳

حرکت اسلامی پاکستان، ۴۴۲

حزب «بی. این. ای»، ۴۱۲

حزب «جماعت اسلامی»، ۲۸۲

حزب «جنبش قومی مهاجر»، ۴۳۱

حزب «کنگره»، ۴۲۷

حزب «مردم»، ۷۷، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۶۳

حزب مردمی ملّی پشتونخواه، ۳۲۹

حزب «مسلم لیگ»، ۳۷، ۸۲، ۸۳، ۴۰۶، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۲

حزب ملّی بلوچستان، ۳۲۹

حزب ملّی عوام، ۴۲۷

حسکهٔ بن عتاب حبطی، ۳۸

حسن ابدال، ۱۸۴، ۱۸۵

حسن انجو، ۴۷

حسن بن دلدار علی، ۲۴۳

حسن رضا خان، ۲۴۲

حسن علی شاه، ۷۱

حسن موسی، ۴۱۸

حسنین‌آباد، ۱۱۵

حسنین بهادر، ۴۲۱

حسوبلیل، ۱۱۵

حسین‌آباد، ۵۴، ۵۵، ۷۴، ۱۰۳، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۶۰، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۸، ۴۲۶، ۴۳۲، ۴۵۱، ۴۸۹، ۵۰۹

حسین‌آباد تندو تورو، ۱۰۳

حسین‌آبادی، ۵۴، ۵۵، ۷۴، ۱۶۰، ۲۹۹، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۸، ۴۲۶، ۴۳۲، ۴۵۱، ۴۸۹، ۵۰۹

حسین احمد، ۴۴۹

حسین بن دلدار علی، ۲۴۳، ۲۴۴

حسین شاه، ۷۴، ۱۴۸، ۱۸۳، ۱۸۴، ۳۱۹، ۴۱۷، ۴۲۳، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۴۰

حسین گوت، ۱۰۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۳۰۱، ۳۴۰

حسین مهدی، ۴۲۳

حسینی، ۱۵، ۹۷، ۹۹، ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۹۶، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۵۸، ۲۸۲، ۳۰۲، ۳۲۰، ۳۴۱، ۳۷۸، ۳۸۳، ۴۲۹، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۷، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷،

##PAGE=۵۳۲##

۴۵۰، ۵۰۷

حسینیه «آخوندآباد»، ۱۳۳

حسینیه «علی مرتضی»، ۴۴۸

حق نواز جنگوی، ۷۹، ۸۰، ۵۰۸

حکمتی، ۱۰۷

حلب، ۴۱، ۹۷، ۳۰۵

حمید پوره کالونی، ۱۰۸

حنفی، ۶۰، ۶۳، ۷۹، ۱۱۷، ۱۳۲، ۲۶۷، ۲۹۶، ۴۳۵، ۴۳۷

حنیف، ۶۶

حوریه سندیه، ۳۹

حوزه‌های علمیه، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۲۷، ۲۴۷، ۳۷۷، ۵۰۴

حوزه علمیه قم، ۱۲۷، ۲۱۰، ۲۲۶، ۲۷۱

حوطو، ۴۸۹

حویلی بهادر شاه، ۱۱۵

حویلی مرید شاه، ۱۱۲

حیات‌آباد، ۱۱۸

حیدرآباد، ۱۵، ۱۶، ۳۳، ۵۱، ۵۲، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۷۵، ۱۹۰، ۱۹۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۲۸، ۲۴۵، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۰۱، ۳۱۹، ۳۳۱، ۳۳۷، ۳۵۷، ۳۶۹، ۳۹۱، ۳۹۷، ۴۱۴، ۴۳۱، ۴۸۱، ۵۰۸، ۵۱۳

حیدر شاه واله، ۱۱۴

حیدر علی، ۱۶، ۳۷، ۱۹۵، ۳۸۶، ۴۰۵

خ

خادم حسین، ۱۷۸، ۳۱۳

خادی زئی، ۱۱۸

خاران، ۲۶

خاص خیلی، ۱۰۴، ۱۰۶، ۲۹۸

خاکی، ۳۸۰، ۳۹۳، ۳۹۵

خان بریلوی، ۶۳

خان بهادر سید آل نبی، ۴۰۶

خان‌پور، ۱۰۸، ۲۹۵

خاندان خلجی، ۳۵

خاندان میر سادات، ۳۱۹

خان عبد الغفار خان، ۳۲۹

خانواده سمّا، ۴۷، ۵۱

خانیوال، ۹، ۲۴۶، ۲۹۵، ۴۱۳، ۴۲۸، ۴۳۱

خاور علی، ۴۱۴

خپا آزادی، ۳۵۸

خپلو، ۵۵، ۷۳، ۱۲۳، ۲۶۱، ۲۶۵، ۲۸۴، ۲۹۹، ۴۸۹

ختم، ۶۰، ۷۷، ۷۸، ۱۶۷، ۳۸۳

ختنه، ۱۵۲، ۱۵۶

خداداد، ۱۱۷

خدّام الاسلام، ۴۵۳

خراسان، ۳۴، ۴۰

خرلچئی، ۱۲۲

خسر، ۳۵، ۳۶۰

خسوری، ۱۲۰

##PAGE=۵۳۳##

خطابه، ۱۵۶، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۳، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۳۰، ۲۳۱

خلّاد، ۴۰

خلش پیر اصحابی، ۳۸۱

خلعتی، ۳۵۹

خلفای راشدین، ۸۰

خلیج‌فارس، ۳۱، ۴۹۳

خمال مهوره، ۱۲۲

خوئی، ۲۵۹، ۲۶۵

خوارج، ۳۸

خوجه، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۲۶۵، ۲۹۹، ۴۹۱

خوجه‌ها، ۶۹، ۷۰، ۳۳۸، ۴۱۸، ۴۹۱

خوشاب، ۱۱۵، ۲۰۲، ۲۲۰، ۲۴۶

خوشی، ۱۲۱، ۱۵۹، ۱۶۰، ۲۹۶، ۳۲۴، ۳۸۶

خوگه، ۳۵۸

خیابان واکلات، ۱۰۸

خیرپور، ۱۵، ۵۲، ۵۳، ۷۸، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۲۸، ۱۳۰، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۳۰، ۲۴۵، ۲۶۰، ۲۸۶، ۲۹۵، ۳۱۹، ۳۳۸، ۳۴۱، ۴۰۶، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۲۹، ۴۶۸، ۴۷۸

خیرپور میرس، ۵۳

خیرپور ناتن شاه، ۱۰۴

خیل، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۶، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۱

د

دادر، ۹۸، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۹۴

دادگاه محکمه شرعی، ۲۳۴

دادو، ۱۰۱، ۱۰۴، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۹۵، ۳۴۱

دار التبلیغ جعفریه، ۱۴۲، ۲۳۱

دار العلوم امجدیه، ۶۴

دار العلوم انجمن حزب الاحناف، ۶۴

دار العلوم تعلیم الاسلام، ۶۵

دار العلوم تندو الله یار خان، ۶۲

دار العلوم حقّانیه اکوره ختک، ۶۲

دار العلوم دیوبند، ۶۰، ۶۱

دار العلوم کهده، ۶۲

دار العلوم محمّدیه، ۲۳۱، ۲۴۶، ۲۵۸

دار العلوم نعیمیه، ۶۳

داریل، ۱۲۳، ۱۲۴

داعی مطلق، ۴۴، ۶۸

داعی یمنی، ۴۴، ۶۷

داکا، ۴۰۶، ۴۲۷

دال، ۱۲۲، ۲۹۲، ۳۱۶، ۳۷۱، ۳۷۳، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۶، ۴۲۸، ۴۷۵، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۸۰، ۵۰۳

دانشگاه جعفریه، ۲۲۱

دانشگاه سند، ۲۰۵

دانشگاه کراچی، ۱۶، ۱۲۴، ۲۱۴، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۸۶

دانمارک، ۴۹۳

داود بن عجب شاه، ۶۸

##PAGE=۵۳۴##

داود خان عمرانی، ۹۷

داود خیل، ۱۱۶

داودی، ۶۸

داهر، ۳۳، ۳۳۰

دایره بستی، ۱۱۲

دپتی چیف ایگزیکتیو، ۴۲۶

دخمه، ۵۸

دراویدی، ۳۰

دربیله، ۴۵

درد، ۲۹۹

درگاه فتح‌پور، ۱۸۵، ۲۹۴

درگاه مهر شاه، ۱۸۲

درمانگاه خیریه «امام مهدی علیه السّلام»، ۲۳۷

درویش، ۵۱، ۱۲۱، ۱۸۱، ۳۱۴

درویشان، ۱۳۸، ۱۸۱، ۱۸۵

دره بولان، ۳۰۵

دری پاک، ۱۸۳، ۱۸۴

دریشک، ۳۳۶، ۴۲۱

دریواندی، ۱۲۱

دسترکت بورد، ۴۱۲

دشتی، ۲۹۵

دعای سفره، ۱۵۳

دکتر جواد، ۲۰۸

دکن، ۳۰، ۴۵، ۳۷۸

دکو، ۱۶، ۱۴۲، ۲۲۷، ۲۳۳، ۴۴۴

دکی، ۱۰۰، ۱۵۲، ۳۰۱، ۳۵۷

دگری، ۱۰۸، ۱۰۹

دلدار علی، ۱۷۲، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴

دندوت، ۴۶۸

دنکوت، ۴۲

دنگر محلّه، ۱۰۷

دو آبه، ۱۱۶

دوازده ترک، ۴۸

دوبیتی، ۳۸۶

دوپته، ۳۵۳، ۳۶۸، ۳۶۹

دورونارو، ۱۰۹

دوک رته، ۱۱۲

دوک سیدان، ۱۱۲

دوک سیده، ۱۱۲

دوگر، ۱۱۴، ۲۵۹، ۳۲۳

دولتانه، ۲۹۷

دولت‌پور، ۱۰۷

دوم، ۶، ۱۸، ۱۹، ۲۷، ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۴۰، ۴۲، ۴۹، ۵۶، ۶۷، ۷۱، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۸۴، ۸۹، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۴۲، ۱۸۰، ۱۸۹، ۲۲۳، ۲۳۰، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۵۱، ۲۵۷، ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۹۷، ۳۰۰، ۳۰۶، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۳۰، ۳۴۱، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۷۲، ۳۷۶، ۴۰۲، ۴۰۵، ۴۰۸، ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۴۰، ۴۵۰، ۴۵۲، ۴۶۰، ۴۷۸، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۹

##PAGE=۵۳۵##

دومکی، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۸، ۵۱۰

دهبه، ۱۱۶

دهکر، ۹۸، ۲۹۴

دهلوی، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۲۲۱، ۲۳۰، ۲۶۷، ۳۷۹، ۳۸۸، ۳۹۲، ۴۳۴

دهلی، ۳۳، ۳۵، ۱۷۲، ۲۰۰، ۲۴۱، ۲۴۸، ۳۷۸

دهن شیرین کردن، ۱۵۲

دیامر، ۱۲۴، ۱۲۵، ۲۵۷، ۴۲۶

دیامیر، ۳۰۰

دیبل، ۳۲، ۳۳

دیره، ۲۶، ۱۰۱، ۱۱۹، ۱۲۰، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۳، ۳۲۲، ۳۶۶، ۴۰۷، ۴۱۱

دیره اسماعیل خان، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۸۵، ۲۰۲، ۲۳۸، ۲۴۵، ۲۹۵، ۳۳۴، ۴۲۰

دیره اللّه یار، ۹۶، ۲۹۴

دیره امید علی شاه، ۱۱۶

دیره بگتی، ۹۹، ۳۱۳

دیره‌جات، ۳۴

دیره غازی خان، ۱۱۶، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۴۶، ۲۹۵، ۳۳۴، ۳۳۶

دیره مراد جمالی، ۹۶، ۹۷، ۱۸۲، ۲۳۶، ۲۹۴، ۴۳۲

دیزنگی، ۳۱۴

دیفنس، ۱۰۱، ۲۲۵، ۲۵۹، ۳۷۰

دیم، ۱۲۴، ۳۳۰، ۴۵۲

دینا، ۱۱۵، ۳۶۲

دینیات سینترز، ۷، ۲۱۵، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۸

دیوبند، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۲۲۱، ۲۴۲، ۴۰۹، ۴۲۴، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶

دیوبندی، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۲۲۱، ۴۰۹، ۴۲۴، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶

ذ

ذاکران، ۱۶۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۷۹، ۵۰۴

ذکر، ۲۷، ۲۸، ۵۷، ۶۲، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۹۲، ۹۳، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۹۴، ۱۹۸، ۲۰۳، ۲۰۹، ۲۱۳، ۲۳۰، ۲۴۵، ۲۵۲، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۸۱، ۲۸۳، ۳۰۹، ۳۱۳، ۳۲۰، ۳۳۸، ۳۸۱، ۳۸۶، ۴۰۱، ۴۲۰، ۴۴۱، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۶۹

ذکری، ۷۴، ۷۵

ذو الجناح، ۱۰۹، ۱۴۹، ۱۶۴، ۳۴۲

ذو الفقار علی، ۶۰، ۷۷، ۷۸، ۸۴، ۳۰۸، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۶، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۵

ذو الفقار میرزا، ۴۳۱

ذوقی، ۳۷۸

##PAGE=۵۳۶##

ر

رئیس امروهوی، ۳۸۰

رئیسان، ۱۱۸

راجپوت، ۳۲۰، ۵۱۰

راجن‌پور، ۲۰۲، ۲۳۳

راجن شاه سرگانی، ۱۱۴

راجه، ۳۳، ۵۵، ۱۲۳، ۳۰۰، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۳۰، ۳۸۵، ۴۰۶، ۴۹۲

راشدی، ۲۶۶

رافضی، ۴۳

رامپور، ۲۴۱

رانا، ۲۹۷

رانا راجپوت، ۱۱۴

راولپندی، ۱۵، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۶۱، ۱۸۵، ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۲۰، ۲۳۳، ۳۱۷، ۳۷۷، ۳۹۷، ۴۰۲، ۴۵۴، ۴۹۰

راوی، ۲۶، ۴۷۷

ربوه، ۵۹

رتوال، ۱۷۸

رتّه متّه، ۱۱۵

رحیم یار خان، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۵۹، ۲۹۵

رخصت، ۱۵۱

رشید ترابی، ۳۹۲، ۳۹۳

رضانگر، ۱۱۵

رضوان مآب، ۲۴۳

رضوی، ۳۸، ۴۰، ۴۴، ۶۱، ۶۲، ۶۷، ۱۰۵، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۵۴، ۱۷۹، ۱۸۰، ۲۲۰، ۲۳۰، ۳۰۲، ۳۱۹، ۳۷۶، ۳۹۳، ۳۹۵، ۴۲۱، ۴۲۶، ۴۳۱، ۴۳۴، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۵۱، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۱۰

رضویه سوسایتی، ۱۰۱، ۳۷۰

رفیق تارر، ۸۵

رقیّه، ۴۲۱

رمضان، ۱۷، ۷۵، ۱۱۶، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۲۲۷، ۲۳۷

رمضان توقی، ۴۲۱، ۴۵۰

رنجبر، ۳۸۶

رنچن شاه، ۵۴

رو جهان جمالی، ۹۶

روحانیت، ۷، ۱۳، ۴۳، ۱۳۸، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۹۵، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۸، ۲۶۱، ۲۷۱، ۲۷۷، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۴۳، ۴۳۹، ۵۱۳

روداد خان سیّال، ۹۶

رودبار، ۴۱

رود جهلم، ۲۶

رود سند، ۲۶، ۱۱۳، ۱۱۵

رود کابل، ۲۶، ۳۱

رود کرم، ۲۶

رود گومل، ۲۶

رود «مولا»، ۱۴۷

روسیه، ۲۵، ۴۶۵

روضه، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳،

##PAGE=۵۳۷##

۳۶۲

روم، ۴۷

رومی، ۴۶

روندو، ۵۶، ۱۲۳، ۱۲۵، ۲۶۵، ۲۹۹، ۳۲۳، ۴۸۹

روهری، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۴۹، ۲۵۹، ۲۹۴، ۳۱۹، ۴۳۱، ۴۷۸، ۴۸۱

روهیله، ۴۲

روی‌شویی، ۳۶۴

ریاست جمهوری، ۸۴، ۸۷، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۲

رید، ۱۰۶

ز

زابل، ۳۳

زاهد علی زاهدی، ۲۶۷، ۲۶۸

زبیده ابراهیم، ۳۸۶

زرتشتی، ۵۷

زرداری، ۴۱۴، ۴۳۰

زرنج، ۳۲

زط، ۳۸

زنگبار، ۷۰

زیارتگاه عبد اللّه شاه غازی، ۱۸۹

زید، ۳۳، ۳۹، ۴۰، ۵۰، ۱۸۴، ۲۶۳، ۳۶۶، ۳۹۲، ۳۹۶، ۴۳۶

زیدی، ۱۱۹، ۱۲۰، ۳۰۲، ۳۱۹، ۳۳۲، ۳۸۰، ۳۸۵، ۳۸۸، ۳۹۱، ۳۹۴، ۴۲۳، ۴۲۹

زیدیه، ۴۰

زیران، ۱۲۲، ۲۸۵

زینب، ۱۱۴، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۷۱، ۱۹۰، ۲۳۱، ۳۸۹، ۳۹۳، ۴۰۱، ۵۱۴

ژ

ژاپن، ۴۶۵

ژنرال، ۸۴، ۸۵، ۴۰۶، ۴۱۷، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۳۵، ۴۳۷، ۴۳۸

ژنرال علی رضا، ۴۲۳

ژنرال موسی، ۱۵۴، ۴۱۸

ژوب، ۹۹، ۳۰۱

س

سابقی، ۲۳۴

ساجد علی نقوی، ۱۵، ۲۱، ۲۸۷، ۴۰۹، ۴۳۳، ۴۳۹، ۴۴۵، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۷۶، ۴۷۷

ساجد میر، ۶۶

سادات، ۸، ۹، ۵۱، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۹، ۱۹۱، ۲۰۵، ۲۲۰، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۶، ۳۰۲، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۵، ۳۳۸، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۸، ۴۳۱، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹

سادات اردوزبان، ۱۰۶

##PAGE=۵۳۸##

سادات رضوی، ۱۰۵، ۳۰۲، ۳۱۹

سادات زیدی، ۱۱۹، ۳۰۲

سادات کاظمی، ۱۱۹

سادات معصومی، ۱۰۴

سادات نقوی، ۹۷، ۲۲۰، ۳۰۲

سادات نگر، ۱۱۴

سازمان «اصغریه»، ۲۰۸

سازمان «اطلاعات ارتش»، ۴۰۹

سازمان «امامیه»، ۱۵، ۱۳۹، ۱۹۲، ۳۴۳

سازمان «امامیه پاکستان»، ۱۹۷، ۱۹۸

سازمان «تجارت بین‌المللی جعفریه»، ۴۹۱

سازمان «تنظیم المکاتب»، ۱۹۲

سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، ۲۷۱

سازمان «دانشجویان اصغریه»، ۱۵، ۱۳۹، ۱۹۲، ۲۰۶، ۲۸۱

سازمان «دانشجویان امامیه»، ۱۴، ۱۵، ۱۳۹، ۱۹۲، ۱۹۸، ۳۳۴، ۳۴۳، ۴۳۹، ۴۴۷، ۴۵۳

سازمان دانشجویی بلوچ، ۳۲۹

سازمان شیعه سند، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰

سازمان «وفاق المدارس»، ۱۵

سازمان «هواپیمایی و ورزش»، ۴۱۸

سازمان «هیأت آموزش مدارس دینی پاکستان»، ۲۷۲

سامارو، ۱۰۹

سامتیه، ۱۱۴

سانگر، ۱۰۱، ۲۰۲

ساهیوال، ۲۹، ۲۵۹

سبحانی، ۲۶۸، ۲۷۴

سبزوار، ۱۶۰، ۱۷۲، ۱۷۹، ۱۸۰

سبطین، ۲۴۶

سبّی، ۱۱، ۱۲، ۹۵، ۹۸، ۹۹، ۱۶۴، ۲۱۰، ۲۳۱، ۳۳۴، ۳۹۶، ۴۷۰

سبیل، ۱۶۵، ۱۷۹

سپاه صحابه، ۱۶، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۱۷۶، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۴

ستار، ۳۵، ۱۰۸، ۲۵۹، ۳۶۸، ۳۷۷، ۳۷۸

ست پنتهی، ۷۰

سترسام، ۱۲۲

ستلج، ۲۶

سجّاده‌نشین، ۱۸۵، ۱۸۹، ۱۹۱، ۳۱۹

سجّاده‌نشینی، ۱۹۱

سجستان، ۳۲

سر آغا خان، ۷۱

سرائیکی، ۲۸، ۹۷، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۰، ۲۹۸، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۹، ۳۷۵، ۴۹۹

سرائیکی موومنت، ۳۳۴

سرایکستان، ۳۳۴

سربنی، ۳۰۹

سرحد، ۶، ۱۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۳، ۴۸، ۹۳، ۹۴، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲،

##PAGE=۵۳۹##

۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۷۵، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۹۶، ۲۰۳، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۸۲، ۲۸۶، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۰۹، ۳۲۲، ۳۲۹، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۴۰۶، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۴۷، ۴۵۰، ۴۵۳، ۴۶۰، ۴۷۰، ۴۸۸

سردار، ۴۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۲۲، ۳۲۹، ۳۵۵، ۳۵۸، ۳۸۸، ۳۸۹، ۴۱۱، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۱، ۵۰۳

سرداری، ۲۹۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۳۴، ۴۱۱

سردار یزدان خان، ۹، ۴۱۷، ۴۲۸

سردیدگو، ۳۵۹

سرفراز ابد، ۳۸۸

سرگانی، ۹۷، ۱۱۴

سرگودا، ۱۱۵، ۱۴۲، ۱۷۵، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۲۷، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۹۵، ۳۲۲، ۴۲۱، ۴۴۴

سروش، ۱۹۶، ۳۹۲

سرهاری، ۱۰۹

سره‌میله، ۱۲۲

سریاب، ۹۵

سریوال، ۲۶۵، ۲۶۶

سزین، ۱۲۳

سعادت، ۴۱۸

سعدی، ۳۵

سعید محمّد مهدی، ۴۰۶

سکّر، ۱۵، ۲۱، ۶۹، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۲۸، ۱۴۸، ۱۸۲، ۱۸۴، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۴، ۲۵۹، ۲۶۵، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۱۲، ۳۳۴، ۳۳۷، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۸۱

سکردو، ۵۵، ۵۶، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۲۰۰، ۲۱۳، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۵، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۸۷، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۲۶، ۴۸۹[۱۰۷۷]

##PAGE=۵۳۹##

سکرند، ۱۰۷

سکندر، ۳۰، ۳۱، ۵۴، ۷۲، ۸۴، ۱۱۶، ۳۷۹، ۳۹۵، ۵۱۰

سگن، ۳۵۳

[۱۰۷۷] عارفی، محمد اکرم، شیعیان پاکستان، 1جلد، شیعه شناسي - قم، چاپ: اول،1385 هـ.ش.

سلاطین شنسبانی، ۳۸

سلاطین مغولی، ۳۶

سلتور گلشیر، ۵۵

سلجوقیان، ۳۴

سلطان الافاضل، ۲۰۱، ۲۷۷، ۲۷۸

سلطان العلماء، ۱۷۲، ۲۴۳

سلطان المدارس، ۱۰۶، ۱۷۵، ۲۲۰، ۲۲۷، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۵۸، ۳۲۲

سلطان محمود، ۳۴، ۴۴، ۴۷، ۵۰، ۶۷

سلفی، ۶۶

سلمان فارسی کالونی، ۱۳۳

سلیمان بن حسن، ۶۸

سلیمان خیل، ۱۲۲

##PAGE=۵۴۰##

سلیمانی، ۶۸

سمرقند، ۴۸، ۴۱۲

سمیع الحق، ۴۴۹

سنان بن سلمه، ۳۳

سنجاوی، ۹۹

سندری، ۱۰۹

سند شیعه آرگنایزیشن، ۲۰۸

سند نیشنل الاینس، ۳۳۱

سندی، ۸، ۱۳، ۲۷، ۲۸، ۳۹، ۴۰، ۶۱، ۹۷، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۷۹، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۹۳، ۲۹۸، ۳۱۶، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۶، ۳۵۷، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۷۵، ۴۰۱، ۴۷۱، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۱۴

سندی ادبی بورد، ۳۳۱

سندی بن ربیع، ۴۰

سنگراربکار، ۳۱۹

سنّی، ۱۱، ۱۷، ۴۳، ۴۹، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۹۲، ۹۴، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۸، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۲، ۱۴۷، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۷۵، ۱۷۹، ۱۸۰، ۲۰۸، ۲۲۲، ۲۲۹، ۲۶۲، ۲۷۲، ۲۷۹، ۳۳۹، ۳۹۴، ۴۰۱، ۴۱۶، ۴۲۶، ۴۴۲، ۴۴۶، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۲، ۵۰۳

سنیت‌پور، ۴۲

سنّی تحریک، ۸۱

سنّی حنفی، ۶۰

سوئی، ۴۶۸، ۴۹۷

سوئیس، ۴۹۱، ۴۹۳

سوات، ۲۶

سوالک، ۲۵

سودا، ۳۷۹، ۳۸۸

سورت، ۵۸

سوریه، ۳۱

سوزخوانی، ۱۶۲، ۱۷۴، ۳۸۷

سولجر بازار، ۱۰۱

سولنگی، ۱۰۹، ۱۷۸

سومر، ۲۹، ۴۵، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۰۸

سومرا، ۱۰۰

سومرو، ۳۰، ۱۴۸، ۲۰۹، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۸، ۴۳۱

سهالوی، ۲۴۲

سهرابستن، ۳۵۴

سهروردی، ۶۲

سهون، ۴۵، ۱۰۱، ۱۴۸

سهون شریف، ۱۰۴، ۱۶۱

سیاچن، ۵۵

سیال، ۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۲۰، ۴۱۸

سیتلائت تاون، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۵

سیتهار، ۲۹۸

سیدآباد، ۱۱۸، ۲۳۷

سید آل رضا، ۳۷۹، ۳۸۸

##PAGE=۵۴۱##

سید ابو الحسن، ۲۴۲

سید ارشاد حسین، ۲۳۰، ۳۴۱

سید اسد حیات، ۴۱۳

سید اسماعیل، ۵۲

سید اشرف، ۳۷۸

سید اظهر حسنین، ۳۹۵

سید اعجاز علی شاه، ۴۴۷

سید اکبر خان، ۴۲۱

سید الطاف حسین، ۴۱۷

سید العلماء، ۲۴۳، ۲۴۴

سید امام علی شاه، ۲۰۸، ۴۲۹

سید امجد علی شاه، ۱۸۴

سید بابر علی، ۴۱۴

سید باوا صدا حسین، ۱۸۴، ۱۸۵

سید بهادر علی شاه، ۳۱۹

سید ثابت علی شاه، ۵۲

سید جعفر الزمان، ۱۸۳

سید جلیل اختر، ۲۲۱

سید جواد هادی، ۱۵، ۱۸۱، ۴۳۱، ۴۵۰

سید حشمت علی، ۲۲۲، ۲۴۵

سید خیار سید میان، ۱۸۴

سید خیرات حسین، ۴۲۵

سید دلاور عبّاس، ۴۲۰، ۴۲۹

سید رضا علی، ۴۰۶، ۴۲۱

سید ریاض حسین، ۱۷۸

سید ساجد حسین، ۴۲۹

سید سجّاد حسین، ۴۲۰

سید سرکار حسین، ۲۰۹، ۴۲۹

سید سلیمان، ۲۱، ۸۵

سید شاه حسین، ۱۲۰

سید شیر شاه بخاری، ۱۰۷

سید صابر حسین، ۱۷۸

سید صادق علی شاه، ۱۸۵

سید صفدر، ۱۲۶، ۱۴۲، ۲۰۱، ۲۲۳، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۷۰، ۳۸۰، ۳۸۸، ۴۳۹

سید صناعی، ۱۰۴

سید طالب حسین شاه، ۱۸۳، ۱۸۴

سید طاهر حسین موسوی، ۱۰۵

سید عابد حسین، ۱۵، ۲۰۴، ۲۲۸، ۴۱۲، ۴۲۵، ۴۵۰

سید عابد شاه، ۴۲۱

سید عارف شاه، ۱۷۸

سید عبّاس، ۳۸، ۴۰، ۴۴، ۶۷، ۷۴، ۴۱۷، ۴۳۲، ۵۰۶

سید عبّاس اکبر، ۱۹۱، ۳۱۹

سید عبد الاول، ۱۰۵

سید عبد الرحمان، ۵۳

سید عبد اللطیف، ۱۶۱

سید علمدار شاه، ۱۸۴، ۱۸۵

سید علی، ۵۰، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۷۲، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۹۵، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۳۳، ۲۴۴، ۲۷۱،

##PAGE=۵۴۲##

۳۹۳، ۴۲۹، ۵۱۱

سید علی امام، ۴۰۶

سید علی عبّاس، ۴۲۱

سید عنایت حسین شاه، ۱۴۸

سید عنایت شاه، ۹۶، ۲۹۴

سید عون علی، ۷۳

سید غلام رسول شاه، ۳۱۹

سید فخر امام، ۴۱۳

سید فرحت نقوی، ۳۱۹

سید فیصل صالح حیات، ۱۹۱، ۴۱۲

سید فیض الحسن، ۳۸۰

سید قاسم علی شاه، ۴۳۱

سید قلب حسن، ۴۲۰

سید کاظم رشتی، ۱۴۱

سید کاظم علی، ۳۸۸، ۴۳۱

سید گلاب، ۱۴۲

سید گل محمّد شاه، ۲۴۶

سید لعل حسین شاه، ۳۱۹

سید محب حسین شاه، ۳۱۹

سید محمّد، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۷۲، ۷۴، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۴۱، ۱۵۹، ۱۷۲، ۱۷۹، ۱۸۲، ۲۰۱، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۶۷، ۲۷۸، ۲۸۴، ۳۹۷، ۴۰۲، ۴۰۶، ۴۲۶، ۴۳۴، ۵۰۸، ۵۱۱، ۵۱۳

سید محمّد باقر، ۱۹۵، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۴۵، ۲۴۶

سید محمّد عثمان، ۱۷۲، ۱۷۹

سید محمّد علی شاه، ۷۳

سید محمود، ۱۲۷، ۱۸۴

سید مراتب علی، ۴۱۴

سید مرتضی، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۶، ۵۰۶

سید مزّمّل حسین، ۱۷۸

سید مشاهد حسین، ۴۲۰، ۴۲۹

سید مظفّر علی شاه، ۳۱۹

سید نثار شاه، ۹۶، ۲۹۴

سید نذر عبّاس بخاری، ۱۰۷

سید وحید الحسن هاشمی، ۳۸۸

سید وزارت حسین، ۹۳، ۱۱۴، ۴۱۱، ۴۳۳، ۴۳۹، ۴۴۴

سید هاشم رضا، ۳۹۲

سیده عابده حسین، ۴۱۲، ۴۱۳

سیرا، ۲۹۷، ۳۲۰

سیر موسنگ، ۳۶۰

سیزده بدر، ۱۶۰

سیستان، ۳۲، ۳۸، ۴۱

سیف‌آباد، ۲۰۷

سیف الرحمن، ۴۲۶

سیک، ۵۷، ۴۷۸، ۴۷۹

سینو، ۲۶۱، ۲۸۸

سینه‌زنی، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۹۵

سیوره، ۱۱۴

##PAGE=۵۴۳##

ش

شاپور چاکر، ۱۰۹

شادی، ۱۰۹، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۰، ۳۵۳

شادی پلی، ۱۰۹

شادینا، ۱۱۵

شافعی، ۳۴

شاه اختر، ۳۹۳

شاه اسماعیل، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۱۴۸

شاه اللّه دته، ۲۸۴

شاهان صفوی، ۴۷

شاه بیگ، ۴۷، ۱۰۵

شاه‌پور، ۱۱۴، ۳۱۹

شاه‌پور دورته، ۱۱۴

شاه جهان، ۳۷۸

شاه جیونه، ۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۹۱، ۳۱۹، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۲۸

شاه چن چراغ، ۱۱۲

شاه حسین، ۱۲۰

شاه حسینی، ۴۲۹

شاهد، ۱۴، ۱۸، ۲۱، ۵۲، ۸۰، ۸۱، ۸۴، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۳۴، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۸۰، ۲۰۶، ۲۲۳، ۲۶۸، ۳۳۳، ۳۳۶، ۳۴۰، ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۶۳، ۳۸۸، ۵۰۲، ۵۰۴، ۵۰۷، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۳

شاه‌راه کربلا، ۱۰۷

شاه‌راه «کویته– سند»، ۴۳

شاه‌زاده کریم، ۷۱

شاه شمس، ۱۶۰

شاه عبد اللطیف، ۱۶۰، ۱۷۲، ۱۷۹

شاه فیصل کالونی، ۱۰۲

شاه کاظمی دادو، ۳۴۱

شاه گجراتی، ۴۳

شاه محمّد مری، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۳۰۷

شاه ندیم، ۳۷۸

شاهوخیل، ۱۱۸

شاه ولی، ۴۶، ۳۸۶

شاه ولی اللّه، ۶۱، ۶۲، ۶۳

شاه همدانی، ۴۴۰

شاهین حیدر، ۴۴۷

شاه یوسف گردیزی، ۱۱۲

شایق، ۳۸۰، ۴۴۰

شأن الحق حقی، ۳۹۲

شب برات، ۱۵۵، ۱۵۹

شب بیداری، ۳۴۲

شب قدر، ۱۵۹، ۱۶۶

شبلان، ۱۲۲، ۲۸۵

شبه جزیره عربستان، ۳۱

شبه‌قاره، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۲، ۴۵، ۵۰، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۷، ۶۹، ۸۲، ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۵۴، ۱۶۷، ۲۲۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۳۰۳، ۳۱۸، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۷۲، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۸، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۱۲، ۴۲۷، ۴۹۹

##PAGE=۵۴۴##

شجر حسین شجر، ۱۷۸

شرف الدین، ۵۳، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۷۴، ۲۳۳، ۲۷۱، ۵۱۱

شرقیه، ۴۰۵

شریعت، ۳۷، ۷۵، ۸۵، ۸۷، ۱۳۸، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۸۳، ۲۴۳، ۴۳۸، ۴۵۱، ۴۵۲

شریعت بل، ۴۵۲

شریعت گریزی، ۱۳۸

شریعتی، ۱۹۶

شعبه اسلامیات، ۲۴۸، ۲۶۷

شعله شبنم، ۳۷۹

شفایی، ۳۸۶، ۳۹۲

شکارپور، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۸۲، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۹۵، ۳۱۱

شکارپور پاتک، ۲۰۹

شکر، ۵۰، ۴۶۲، ۴۶۵، ۴۹۱

شگر، ۵۵، ۷۳، ۱۲۳، ۲۱۳، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۶۱، ۲۶۵، ۲۸۴، ۲۹۹، ۴۲۶، ۴۸۹

شگری، ۲۱۳

شلوزان، ۱۲۱، ۲۸۵

شمس الدین، ۳۵، ۳۶، ۴۱، ۵۴، ۵۵، ۶۹، ۷۲، ۱۷۹، ۱۸۰

شمسی، ۷۰

شمیم، ۳۸۵

شنسب، ۳۸، ۳۹، ۲۲۰

شنسبانیان، ۳۸

شنگک، ۱۲۲

شنگو شگر، ۱۲۳

شوت، ۲۸۸

شورای آموزشی پاکستان، ۲۸۷، ۴۵۲

شورای ایدیولوژی اسلامی، ۷۷

شورای تحقیقاتی علوم و صنایع پاکستان، ۴۶۴

شورای تفکر اسلامی، ۸۶

شورای شهرستان جنگ، ۴۱۲

شورای قومی هزاره، ۳۱۴

شورای مشورتی اسلامی، ۱۲۷، ۴۳۶، ۴۳۹

شورای ملّی یک جهتی، ۴۴۹

شورای مناطق شمال، ۴۵۱

شورای همگرایی ملّی، ۷۷

شورکوت، ۱۱۵، ۲۵۹

شوروی، ۷۹، ۱۳۱، ۱۳۲

شوشتر، ۴۹، ۵۰، ۱۷۲

شوکت علی بتی، ۴۲۱

شهاب الدین، ۳۵، ۴۵، ۴۲۹

شهباز قلندر، ۱۶۱، ۱۷۲، ۱۷۹

شهدادپور، ۱۰۹

شهدا ویلفیئر، ۲۱۵، ۲۳۷

شهر ماری، ۱۱۶

شهزاده محمّد، ۳۵

شهید فاوندیش، ۲۱۵

شهید کالونی، ۱۱۸

شیخ، ۱۶، ۳۱، ۳۵، ۴۹، ۵۰، ۵۶، ۶۳، ۱۰۴،

##PAGE=۵۴۵##

۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۳۱، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۷۲، ۱۹۵، ۲۰۳، ۲۲۳، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۶۶، ۲۷۹، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۹۸، ۳۲۰، ۳۶۸، ۳۷۸، ۴۲۶، ۴۳۹، ۴۵۰، ۴۹۱، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۰

شیخ الاسلام، ۵۰، ۲۴۳

شیخ حسن، ۲۱۲، ۲۶۰، ۲۶۵، ۳۷۹

شیخ شهین، ۱۴۸

شیخ عبد اللّه، ۵۶

شیخ علی مدد، ۱۳۳

شیخ غلام حسین، ۵۶، ۲۱۲، ۲۶۵

شیخ غلام حیدر، ۴۲۶

شیخ غلام محمّد، ۲۲۳، ۲۳۴

شیخ گدایی، ۴۹

شیخ مبارک، ۴۹، ۳۷۸

شیخ محلّه، ۱۰۷

شیخ محمّد اکرام، ۴۹، ۵۰، ۶۱، ۶۵، ۷۰

شیخ محمّد حسین، ۲۰۴، ۲۵۸

شیخ مفید، ۲۷۳

شیخ منظور، ۴۲۱

شیخن، ۱۱۵، ۲۲۷، ۲۶۰، ۳۲۰

شیخوپوره، ۴۲۱

شیخیه، ۱۴۱

شیدا حسین جعفری، ۲۹۶، ۳۱۱

شیدی، ۱۰۸، ۳۳۰

شیرازی، ۵۰، ۵۳، ۹۷، ۱۲۰، ۱۴۷، ۲۶۸، ۲۷۲، ۴۲۹

شیر پاو، ۴۱۳

شیر شاه، ۴۸، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۹۱، ۳۱۹

شیر کوت، ۱۱۸

شیر لغاری، ۱۰۹

شیری سیالکوتی، ۳۷۸

شیرین محلّه، ۱۰۷

شیرینی‌خوری، ۳۵۶، ۳۵۹، ۳۶۰

شیعه استودنس اسیوسی ایشن، ۱۹۳

شیعه رابطه کونسل، ۲۱۴

شیعه کانفرانس، ۲۱۴

شیعه مطالبات کمیتی، ۴۳۴، ۴۳۶

شیعه میانی، ۱۱۱، ۳۴۰

شیعه امامیه اثنی عشریه، ۷۲

شیعه دوازده امامی، ۴۲، ۶۸، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۲۰۶، ۳۰۱

شیعیان اسماعیلی، ۱۱۲

شیعیان هزاره، ۴۴

شیعیت خالص، ۱۴۲

شینا، ۱۲۳، ۳۰۰، ۳۲۳

شیوک، ۱۲۳

ص

صاحب، ۳۷، ۷۵، ۱۴۶، ۱۵۳، ۱۶۲، ۱۷۲، ۱۹۹، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۷۹، ۳۰۶، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸۶،

##PAGE=۵۴۶##

۴۷۷، ۴۹۲

صاعدی، ۴۷

صافی، ۱۶۴، ۳۶۹، ۵۰۶

صالح پت، ۱۰۷، ۲۰۷، ۲۵۹

صبا، ۴۰، ۳۸۱، ۳۸۵، ۳۸۸

صبر، ۲۳۸، ۳۶۵، ۳۷۹

صحبت‌پور، ۹۶، ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۵۹، ۲۹۴، ۳۱۱، ۳۱۳

صدر، ۱۰۱، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۱۲، ۲۴۵، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۶۵، ۳۹۶، ۴۴۳، ۵۰۶

صدر الدین، ۶۹

صدر جنگ، ۱۱۵

صدر کینت، ۱۱۲

صدیقی، ۱۱۲، ۳۲۰، ۴۱۶، ۵۰۹

صرّاف، ۴۳۲

صغرا امام، ۴۱۳، ۴۲۱

صغری، ۲۰۷، ۲۶۵

صفدر حسین، ۱۲۶، ۱۴۲، ۲۰۱، ۲۲۳، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۹، ۲۷۰، ۳۸۰، ۳۸۵، ۳۸۸، ۴۳۹، ۴۴۴

صفر، ۳۳، ۷۳، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۷۱، ۱۷۶، ۳۹۰

صفوی، ۴۷، ۴۸، ۴۹

صفی پوری، ۳۹۲

صندوق رفاه جعفریه، ۲۰۳، ۲۰۴

صوبو دیرو، ۲۶۰، ۲۸۶

صوفی احمد خان، ۵۹

صوفیان، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۵

صوفی مازندرانی، ۳۷۸

صوفیه، ۳۵، ۷۲، ۷۳، ۱۲۵، ۱۴۷، ۱۶۰، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۵

ض

ضحّاک، ۳۸

ضرغام عبّاس، ۱۷۸

ضیاء الحق، ۷۸، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۳۳۲، ۴۰۹، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۲۴، ۴۳۵، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۵۱، ۴۵۶، ۴۶۳، ۵۰۸

ضیاء الله حیدر ضیاء، ۳۸۸

ضیاء جام نگری، ۳۹۵

ط

طالب، ۱۰۷، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۱۳، ۳۴۱، ۳۷۸، ۳۸۸، ۴۴۷

طالبان، ۴۲۴، ۴۶۴

طاهر، ۴۶، ۱۰۵، ۱۵۲، ۳۸۶، ۴۰۱، ۴۲۹، ۴۳۲

طباطبائی، ۲۴۲، ۲۶۸

طورمک، ۲۸۸

طوسی ترکستانی، ۵۵

طوغی رود، ۹۵

طولتی، ۲۸۴

##PAGE=۵۴۷##

ظ

ظفر، ۱۶، ۲۲۰، ۲۳۳، ۳۷۸، ۳۸۶، ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۶۶

ظفر الله خان جمالی، ۴۲۰

ظفر شارب، ۳۸۰

ظفر علی هدف، ۳۸۶

ظهیر الدین، ۴۸، ۶۸، ۱۱۷

ظهیر الدین حیدر، ۳۸۱

ظهیر الدین محمّد بابر، ۳۶، ۴۸

ع

عابد حسین، ۱۵، ۶۰، ۲۰۴، ۲۲۸، ۴۱۲، ۴۲۵، ۴۵۰

عابده حسین، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۲۱

عادل شاه، ۴۶، ۴۷

عادل شاهان، ۴۶، ۴۷، ۴۰۵

عادل شاهی، ۴۶، ۴۸

عارف حسین، ۹۶، ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۹۶، ۲۵۸، ۲۸۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۷، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۵۰۷

عارفه فرید، ۳۲۸، ۳۶۵، ۳۷۲

عاشورا، ۶۶، ۷۸، ۹۶، ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۱۹، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۱۴، ۲۳۳، ۳۴۲، ۳۹۳، ۴۴۸

عالم، ۳۹، ۴۹، ۵۰، ۶۴، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۶۸، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۸، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۷، ۳۸۳، ۳۸۶، ۴۱۲

عبّاس، ۳۸، ۴۰، ۴۴، ۵۶، ۶۷، ۷۴، ۸۰، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۴۲، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۶۳، ۱۷۸، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۲۳، ۲۳۰، ۲۴۴، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۴۴، ۳۸۰، ۳۸۴، ۳۸۸، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۴، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۷، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۴۷، ۵۰۶، ۵۰۹، ۵۱۱

عبّاس تاون، ۱۰۱

عبّاس حسین شاه، ۴۱۷

عبّاس علمدار علیه السّلام، ۱۴۸

عبّاس علی خان، ۲۴۲، ۳۷۸

عبّاسی، ۳۹، ۴۰، ۵۱، ۶۷، ۱۲۷، ۲۲۰، ۲۹۸

عبد الرب نیشتر، ۴۰۷

عبد الرحمان، ۴۳، ۵۳، ۱۳۱، ۳۰۱

عبد الرحمان بن جرو الطائی، ۳۸

عبد السلام، ۷۳

عبد العزیر، ۶۶

عبد اللّه، ۳۹، ۴۰، ۴۴، ۵۶، ۶۷، ۱۶۰، ۲۳۶

عبد اللّه اشتر، ۴۰، ۲۲۰

عبد اللّه بن سمره، ۳۲

عبد اللّه بن عامر، ۳۲

عبد اللّه شاه، ۱۸۹

عبد اللّه شاه غازی، ۱۸۹

عبد الواحد، ۷۳

عثمان، ۳۲، ۳۵، ۱۶۱، ۱۷۲، ۱۷۹، ۳۲۴، ۵۱۱

عثمانی، ۶۱، ۸۵

##PAGE=۵۴۸##

عراق، ۳۱، ۳۳، ۳۹، ۴۲، ۴۷، ۵۰، ۵۶، ۶۹، ۱۹۰، ۲۲۰، ۲۴۲، ۲۷۷

عراقی، ۵۴، ۵۵، ۷۲، ۱۷۹

عرب، ۳۱، ۳۲، ۴۵، ۵۱، ۱۳۰، ۲۲۲، ۳۳۰، ۴۷۸

عربستان، ۳۱، ۶۵، ۷۹، ۱۳۱، ۴۹۳

عربی، ۱۰، ۴۹، ۷۹، ۱۳۱، ۱۶۶، ۲۴۳، ۲۷۱، ۲۷۸، ۳۷۵، ۳۷۶، ۴۷۵، ۴۹۳، ۵۰۵

عرس، ۱۶۰، ۱۶۱

عریضه، ۱۵۹

عزاداری، ۱۳، ۱۴، ۴۲، ۴۸، ۵۱، ۵۲، ۷۳، ۸۰، ۹۶، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۵، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۳، ۳۱۴، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۹۱، ۳۹۵، ۴۳۲، ۴۳۵، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۸، ۵۰۵، ۵۱۱، ۵۱۳

عزیز، ۴۴، ۴۷، ۵۰، ۶۲، ۱۰۹، ۲۵۹، ۳۸۷، ۴۲۰، ۵۰۵

عزیزآباد، ۱۰۹

عسکری، ۳۸۶

عظیم‌آبادی، ۱۴۱

عظیم الله، ۳۷

عقیقه، ۱۵۲

عقیل، ۲۷۳، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۳۱، ۵۰۹

علّامه، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۳۷، ۵۰، ۶۱، ۸۲، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۴۲، ۱۷۸، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۳۰، ۲۳۳، ۲۴۵، ۲۵۸، ۲۶۸، ۲۷۳، ۲۷۷، ۴۰۷، ۴۰۹، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۷۷، ۵۰۷

علّامه طالب حسین کرپالوی، ۴۴۷

علّامی، ۳۷۸

علاء الدین، ۳۴، ۴۶

علم، ۳۱، ۳۵، ۳۶، ۶۲، ۶۵، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۰، ۱۹۰، ۲۱۵، ۲۲۲، ۲۴۱، ۲۵۸، ۲۶۹، ۲۸۳، ۳۴۲، ۴۷۸

علما بورد، ۷۷

علم بدر کردن، ۱۶۲

علمدار رود، ۹۵، ۱۰۷، ۳۴۰، ۳۷۰، ۴۲۹

علم‌کشی، ۱۶۳، ۱۷۰

علویان، ۴۱

علی علیه السّلام، ۳۲، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۵۲، ۶۶، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۸۰، ۱۹۰، ۲۰۶، ۲۲۰، ۲۲۷، ۲۲۹، ۴۹۹

علی‌آباد، ۱۰۵، ۲۳۷

علی اتحادی، ۴۲۵، ۴۲۶

علی بخش سجّادی بنبرو، ۲۰

علی‌پور، ۳۱۹

علی خیل، ۱۲۲، ۲۹۶

##PAGE=۵۴۹##

علی زئی، ۱۱۸، ۱۲۲، ۲۸۶

علی شاه، ۵۲، ۷۱، ۷۳، ۸۵، ۱۰۵، ۱۱۶، ۱۴۲، ۱۴۸، ۱۶۰، ۱۸۵، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۲۰، ۳۱۳، ۳۱۹، ۳۴۱، ۳۸۵، ۴۰۶، ۴۱۴، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۴۷

علیگر، ۶۳

علی مراد، ۵۳، ۱۰۶

علی مظهر، ۴۴۰

علی ناصر تلهارا، ۱۷۸

عمان، ۳۱

عمر، ۳۲، ۳۸، ۴۲، ۴۵، ۵۳، ۷۴، ۱۰۱، ۱۰۹، ۱۵۳، ۲۰۱، ۲۱۵

عمران بن فیض، ۳۸

عمران چودری، ۳۳۴

عمران ندیم، ۴۲۶

عمرانی، ۷۲، ۹۷، ۲۹۴، ۲۹۵

عمر سعد، ۱۵۹

عمر کوت، ۱۰۱، ۱۰۹

عمرو، ۴۰، ۴۱

عنایت الهی ملک، ۳۱۶، ۳۱۷

عنایت علی، ۲۲۰

عون المؤمنین، ۷۳

عون علی بورکی، ۳۱۲

عون نقوی، ۲۱

عیدگاه، ۱۱۴، ۱۶۶

عید مبارکی، ۱۵۸، ۱۶۶

عید مرده، ۱۵۵

غ

غازی، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۶۱، ۱۸۹، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۴۶، ۲۹۵، ۳۳۴، ۳۳۶

غازی‌آباد، ۱۱۱، ۱۱۵

غالبه خورشید آخوندزاده، ۴۲۰

غدیر خم، ۱۵۸، ۱۵۹

غروی، ۲۳۴

غریب‌آباد، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸

غزالی مشهدی، ۳۷۸

غزر، ۱۲۴، ۳۰۰

غزل، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۴، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۱، ۳۹۲

غزنوی، ۳۴، ۳۵، ۴۴، ۶۷

غزنویان، ۳۳، ۳۵، ۴۵، ۳۵۱، ۳۷۸

غزنی، ۳۹، ۴۵، ۴۸

غضنفر علی خان، ۴۰۶

غلام آل حسن بن حکم، ۳۹

غلام بشیر، ۱۰۶

غلام حسین سلیم، ۴۵۱

غلام رضا سریوال، ۲۶۵، ۲۶۶

غلام زید شهید، ۳۹

غلام شاه، ۵۱، ۱۰۸، ۱۸۲

غلام ماچی، ۱۰۷

غلام محمّد جمالی، ۹۶، ۲۰۷

غلام مهدی، ۱۶، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۸۶

غلزائی، ۳۰۹

##PAGE=۵۵۰##

غواری، ۷۳، ۲۶۱، ۲۸۵، ۲۸۸

غور، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۸، ۴۰، ۱۲۳، ۳۰۹، ۳۱۳، ۳۸۶، ۴۱۷

غورغشتی، ۳۰۹

غوری، ۳۵، ۳۱۳، ۳۸۶، ۴۱۷

غوریان، ۳۳، ۳۴، ۳۵

ف

فئودال، ۲۹۲، ۳۱۶، ۳۷۳، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۶، ۴۲۸، ۴۷۵، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۸۰، ۵۰۳

فاتا، ۲۸، ۹۳، ۲۹۵، ۲۹۶

فاتحه، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۸، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴

فاتحه‌خوانی، ۱۵۴، ۲۳۰

فارسی، ۱۰، ۳۴، ۴۳، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۹، ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۸، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۷۹، ۲۴۳، ۲۵۹، ۲۶۶، ۲۷۱، ۳۰۸، ۳۴۰، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۵، ۳۸۶، ۴۰۱، ۴۳۳، ۵۰۵، ۵۱۲

فارسی دری، ۹۵، ۳۰۱

فاضل، ۲۱، ۱۱۶، ۲۰۱، ۲۴۵، ۲۷۷، ۲۷۸

فاضل راجن‌پور، ۲۳۳

فاضل قم، ۲۷۸

فاضل نجف، ۲۷۸

فاضلی، ۳۸۸

فاطمه علیها السّلام، ۱۵۰، ۱۷۰، ۱۷۱، ۳۰۲، ۳۸۴

فاطمی، ۴۴، ۶۷

فتح‌پوری، ۳۸۸، ۳۹۲، ۳۹۳

فتح شاه، ۱۱۵

فتح علی جنجوعه، ۱۰۶

فتحعلی شاه قاجار، ۵۲، ۷۱

فدا حسین نوشاد، ۳۸۶

فدا محمّد ناشاد بلتستانی، ۳۹۳

فدراسیون جهانی جماعت‌های مسلمان شیعه اثناعشری خوجه، ۷۰

فراه، ۷۵

فرشته، ۳۳، ۳۹، ۴۲، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۰۶، ۵۱۱

فرغانه، ۴۸

فصیحی، ۲۳۴

فضل الحق، ۸۳

فضل الرحمان، ۶۰، ۴۴۹

فضل حسین، ۲۰۷

فضل حسین اصغری، ۲۰۷، ۲۶۵

فضل حق، ۴۴۷

فضّه، ۳۸۴

فولادی، ۳۱۴

فیروز، ۴۷، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۶۹، ۱۹۰، ۲۰۷، ۳۸۸

فیروز کوه، ۳۹

فیصل‌آباد، ۶۵، ۸۱، ۱۱۶، ۱۳۴، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۶۰، ۲۸۷، ۴۲۹، ۴۴۷، ۴۹۰، ۴۹۲

فیصل صالح حیات، ۱۹۱، ۴۱۲، ۴۱۳

فیض‌آبادی، ۳۷، ۳۷۹

##PAGE=۵۵۱##

##PAGE=۵۵۱##

فیض النجف پبی بلوک، ۲۴۶

فیضی، ۴۹، ۳۷۸، ۳۸۰

فیضیه، ۲۲۹، ۲۵۹، ۳۱۱

فیلیپین، ۲۰۹

[۱۰۷۸] عارفی، محمد اکرم، شیعیان پاکستان، 1جلد، شیعه شناسي - قم، چاپ: اول،1385 هـ.ش.

فیملی لائن، ۱۰۷

ق

قاجار، ۴۹، ۵۲، ۷۱

قادری، ۶۲، ۸۱، ۱۷۹، ۳۹۲

قادیان، ۵۹

قادیانی، ۵۹، ۷۷، ۷۸

قاسم علیه السّلام، ۱۴۹

قاسم‌آباد، ۱۰۳، ۲۸۸

قاسم بیله، ۱۱۲

قاضی عبد اللطیف، ۴۵۱

قاضی منهاج سراج جوزجانی، ۳۸، ۳۹

قاضی نعمان، ۶۸

قاضی نور اللّه شوشتری، ۴۹، ۵۰، ۱۷۲

قاید اعظم، ۴۲۸، ۴۲۹

قایم بهروانه، ۱۱۵، ۲۶۰

قبایل آزاد، ۲۶، ۲۸، ۲۹۵، ۲۹۶

قبرستان «مؤمن پوره»، ۴۴۸

قبله، ۲۷۹، ۳۸۴

قبله صاحب، ۲۷۹

قتال‌پور، ۹، ۴۱۳، ۴۲۸

قتیل شفایی، ۳۹۲

قدر، ۲۵، ۳۶، ۶۷، ۷۵، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۱۳۰، ۱۳۹، ۱۴۶، ۱۵۳، ۱۵۹، ۱۶۶، ۱۷۱، ۱۸۵، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۴۳، ۲۵۲، ۲۶۸، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۰۰، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۹، ۳۳۴، ۳۶۳، ۳۷۴، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۱، ۴۱۴، ۴۲۸، ۴۳۲، ۴۳۵، ۴۴۳، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۹۱، ۵۰۱، ۵۰۳

قدسی، ۱۴۷، ۳۲۱، ۳۷۸

قدمگاه، ۵۲، ۱۰۳، ۱۹۰

قدمگاه مولا علی علیه السّلام، ۵۲، ۱۴۹، ۲۰۶

قدیری، ۳۸۶، ۳۸۷

قرآن سینترز، ۲۴۷

قرارداد مقاصد، ۸۶

قراقرم، ۲۶، ۱۲۳

قرمطی، ۴۴، ۶۷

قریشی، ۳۷، ۸۶، ۲۹۷، ۳۲۰، ۴۱۴، ۴۱۶، ۴۳۱، ۴۴۸

قزلباش، ۹، ۴۸، ۹۵، ۱۱۸، ۱۳۲، ۲۹۳، ۳۲۰، ۳۳۸، ۳۸۹، ۴۰۶، ۴۱۶، ۴۲۳، ۴۲۸، ۴۳۴

قزوین، ۴۹

قسیم بن نسیم، ۳۸۸

قصّابی، ۲۹۷، ۳۲۰

قصر زینب، ۱۱۴

قصور، ۶۶

قصوری، ۶۶

قصیده، ۳۶۱، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۶

قطب الدین ایبک، ۳۵

قطب شاهان، ۴۶، ۴۷، ۴۰۵

قطب شاهی، ۴۶، ۴۸

قطب علی شاه، ۱۶۰

قطع‌نامه پاکستان، ۸۳، ۴۲۷

قطعه، ۱۵۶، ۱۵۷، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۲، ۳۹۴

قفقاز، ۲۵

قل‌خوانی، ۱۵۴، ۱۵۵، ۳۶۲، ۳۶۳

قلعه افضل لوئر، ۲۹۴

قلعه سید عنایت شاه، ۲۹۴

قلعه سید منظور شاه، ۲۹۴

قلعه سید نثار شاه، ۲۹۴

قلعه صالح محمّد پندرانی، ۲۹۴

قلندر، ۱۶۱، ۱۷۲، ۱۷۹، ۱۸۱، ۳۱۴

قلندری، ۱۷۹

قلی خان درگاه، ۳۷۸

قم، ۲۱، ۵۶، ۶۹، ۹۳، ۱۱۶، ۱۲۷، ۱۳۸، ۱۶۳، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۴، ۲۹۶، ۳۳۴، ۳۷۷، ۴۲۰، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۵۳، ۴۷۶، ۴۷۷

قمر، ۱۵۲، ۲۸۸، ۳۸۰، ۳۹۳، ۴۳۱

قمراه، ۲۸۸

قمی، ۱۷۸، ۲۳۰، ۳۴۱

قمیص، ۳۶۷، ۳۶۸

قندهار، ۴۳، ۹۵، ۱۰۵، ۱۳۱، ۳۳۷، ۴۷۱

قندهاری، ۹۵، ۳۳۷

قنوچ، ۳۴

قومی اتحاد، ۴۳۵

قوهستان، ۴۱

قیس، ۳۹۲

قیصر، ۳۸۰، ۳۸۴، ۳۸۸

قیقان، ۳۲، ۳۸

«قیوم مسلم لیگ»، ۴۲۸

ک

کابل، ۲۶، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۴۸، ۱۳۱

کابلستان، ۳۴

کاتگر، ۱۲۰

کاچو سکندر خان، ۵۴، ۷۲، ۵۱۰

کارادر، ۱۰۱

کارپاره، ۱۰۸

کارگیل، ۸۴

کاظم حسین حسینی، ۲۲۷، ۳۲۰

کاظم سلیم، ۲۱

کاظم علی خان کاظم، ۳۷۸

کاظمی، ۱۴، ۱۶، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۶، ۱۹۵، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۲۰، ۲۲۶، ۲۳۳، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۷۸، ۲۸۴، ۳۴۱، ۳۸۰، ۳۸۲، ۳۹۵، ۳۹۷، ۴۰۲، ۵۱۱

کاکر، ۲۹۶

##PAGE=۵۵۳##

کالاباغ، ۱۱۶، ۳۳۰

کامبای، ۶۷

کامی، ۲۹۷

کانجن، ۶۵

کانجی، ۴۹۱

کانسی، ۲۹۶

کاوان، ۴۶

کبرویه، ۱۷۹

کبیر والا، ۴۲۱

کپتان، ۴۲۳

کچئی، ۴۱، ۴۲، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۲۰

کچکینه، ۱۲۲

کچورا، ۱۲۰

کچیله، ۱۱۴

کد پلات، ۱۰۸

کراخیل، ۱۲۲

کراروی، ۱۴۱، ۲۲۰، ۲۲۱، ۴۰۶

کرانی، ۹۵، ۲۶۶، ۳۰۹

کربلا، ۴۱، ۸۰، ۱۰۷، ۱۱۴، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۶۳، ۳۴۴، ۳۸۱، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۱، ۳۹۵، ۴۴۷

کرپالوی، ۴۴۷

کرته، ۳۶۸

کردستان، ۴۱

کردونک، ۵۵

کرشن نگر، ۱۱۱

کرمان، ۳۲، ۴۱، ۵۱، ۷۱، ۱۲۲، ۲۸۵، ۳۰۵

کرم ایجنسی، ۱۲۱، ۳۰۲، ۳۱۱، ۳۵۷، ۳۵۸

کرم‌پور، ۳۱۳

کرم‌پور بیجارانی، ۳۱۳

کرم داد قریشی، ۴۴۸

کرمنگ، ۱۲۳، ۱۲۵، ۲۶۵، ۲۸۴، ۲۹۹، ۴۸۹

کرنل، ۴۱۲، ۴۲۳، ۴۲۹

کرنل محمّد خان، ۴۴۰

کرور، ۹۳، ۱۱۳، ۲۹۵، ۴۷۸

کره، ۲۳۳، ۲۶۷، ۳۶۱، ۳۸۰، ۳۹۱، ۳۹۳، ۴۳۵، ۴۶۵

کریز، ۱۲۲

کریس، ۷۳، ۲۶۵، ۲۸۵

کریم‌بخش، ۲۲۰

کرین تاون، ۱۱۱

کش، ۳۲، ۱۱۹

کشمور، ۲۹۵

کشمیر، ۶، ۲۸، ۳۴، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۹، ۶۹، ۷۲، ۸۴، ۹۳، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۵۵، ۱۶۲، ۱۷۲، ۱۷۹، ۱۹۶، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۹، ۲۵۱، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۳، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۲۳، ۳۳۸، ۳۴۴، ۴۰۵

کشمیری، ۲۸، ۱۱۸، ۱۳۲، ۲۹۳، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۳۸

کفایت حسین، ۱۲۷، ۲۲۱، ۴۰۷، ۴۳۴

##PAGE=۵۵۴##

کلاچی، ۱۲۰

کلان بازار، ۱۱۹

کلایه، ۱۲۲

کلتری، ۱۲۵

کلفتن، ۱۰۲

کلوار، ۵۱، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۷۲، ۱۷۳، ۲۹۴، ۴۰۵، ۴۱۴

کلیم، ۳۷۸، ۳۸۵

کلّیهٔ اهل البیت، ۲۶۰

کمپانی «هند شرقی»، ۲۴۲

کمشنری بازار، ۱۱۹

کمهار، ۲۹۷

کمیته خواست‌های شیعه، ۴۳۴، ۴۳۵

کمیته رؤیت هلال، ۴۳۶

کمیلی، ۴۲۰

کمین، ۱۲۴

کنج علی زئی، ۲۸۵

کندار، ۱۰۶

کندس کرمنی، ۲۸۸

کندکوت، ۱۰۷

کنری، ۱۰۹

کنفرانس سراسری شیعه، ۴۳۴، ۴۳۶

کنفرانس قرآن و سنّت، ۴۴۶

کنگره ملّی هند، ۸۲

کنونشن مسلم لیگ، ۴۲۸

کنیا، ۷۰

کواردو، ۵۶

کوت، ۵۱، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۶، ۲۵۹، ۲۸۶

کوت ادو، ۳۱۹، ۴۴۷

کوت بهادر، ۱۱۵

کوت بیلیان، ۱۱۶

کوت دیجی، ۲۹، ۳۰، ۵۳، ۹۴، ۱۰۶

کوتری، ۱۰۳، ۱۰۴

کوت شاکر، ۱۱۵

کوت کرور، ۴۲

کوتله حاجی شاه، ۱۱۴

کوتله سیدان، ۱۱۹

کوتلی، ۱۲۶، ۲۵۹، ۲۸۵

کوتلی ستیان، ۱۱۳

کوت میرس، ۱۰۹

کوثر، ۴۹، ۵۰، ۶۱، ۶۵، ۷۰، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۷۱، ۳۰۱، ۳۶۰، ۳۸۰، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۵، ۴۱۷، ۵۰۸، ۵۱۱

کود دیجی، ۱۵

کورا، ۲۰۸، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۰۵

کورائی، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۰۵

کور کماندر، ۴۲۳

کورو، ۲۶۱، ۲۸۸

کوری، ۲۹۸

کوسه، ۱۰۴، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵

##PAGE=۵۵۵##

کوشان، ۳۱

کوشانی، ۳۱

کوفه، ۳۸، ۳۹، ۱۴۴

کوکرر، ۳۵۹

کولچه، ۳۶۰

کولی، ۳۰۶

کوندا، ۱۶۹، ۱۷۰

کونسل مسلم لیگ، ۴۲۸

کونیس، ۲۸۸

کوهات، ۱۵، ۹۴، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۳۳، ۲۹۶، ۴۸۸

کوهستان نمک، ۲۶، ۴۶۸، ۴۶۹

کوه سفید، ۲۶

کوه سلیمان، ۲۶

کوه کیرتار، ۲۶

کوه مراد، ۷۵

کوه مردار، ۱۴۹

کوه ملّی، ۱۳۳

کوه هندوکش، ۲۶

کویت، ۱۴۲، ۲۱۲، ۲۱۳

کویته، ۹، ۱۵، ۱۶، ۲۰، ۲۶، ۲۸، ۴۳، ۴۴، ۸۰، ۹۴، ۹۵، ۹۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۹۰، ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۳، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۵۸، ۲۶۶، ۲۷۹، ۲۹۳، ۲۹۸، ۳۰۱، ۳۰۵، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۴، ۳۵۵، ۳۵۹، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۸۵، ۳۹۲، ۳۹۷، ۴۰۲، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۱، ۴۲۴، ۴۲۸، ۴۳۲، ۴۴۸، ۴۵۳، ۴۶۸، ۴۷۶، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۳

کهرل، ۳۲۰

کھوتا، ۱۱۳

کھور ھرکق، ۳۶۰

کھوکر، ۳۲۰

کھی، ۲۰۹

کھیر پلانا، ۳۵۶

کیچ مکران، ۷۵

کیمن دوم، ۱۲۳، ۳۰۰، ۳۲۳

گ

گالا، ۳۵۳، ۳۵۴

گانچی، ۳۰۰، ۴۲۶

گانگچه، ۱۲۴

گانو، ۳۵۶

گپ چانی، ۱۰۹

گجرات، ۴۷، ۶۷، ۶۹، ۷۴، ۱۷۸، ۴۹۱

گجراتی، ۴۳، ۶۸، ۱۰۱، ۲۹۸، ۳۷۵، ۴۰۱

گجرانواله، ۱۷۸

گچکی، ۷۵

گدا، ۳۷۹، ۴۹۹

گدایی، ۴۹

گدی‌نشین، ۱۹۱

گردیزی، ۹، ۱۱۲، ۱۹۵، ۳۱۹، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۲۱، ۴۲۸

گرمات، ۳۵۷

گرون زن، ۳۶۰

گرونگ، ۲۶۵

گروه نیازی، ۴۴۹

گری یسین، ۱۰۸، ۲۹۵

گزینی، ۳۳۵

گفتار، ۷۴، ۱۶۲، ۳۱۰

گلاب‌پور شگر، ۷۳

گلبرگ، ۴۴۵

گلتری، ۱۲۳

گلستان جوهر، ۲۱۳

گلشن اقبال، ۲۱۳

گلفام حسین، ۳۴۱

گلکنده، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۴۰۵

گلگت، ۲۸، ۴۴، ۵۳، ۵۶، ۷۱، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۸۵، ۲۰۲، ۲۱۳، ۲۳۴، ۲۶۱، ۲۶۵، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۶۸، ۴۲۵، ۴۲۶

گلگتی، ۸، ۲۸، ۹۵، ۱۲۴، ۲۹۳، ۳۰۰، ۳۲۳، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۳۹، ۵۱۱

گل گشت، ۱۱۲

گل محمّد، ۱۰۶، ۲۴۶

گلن خیل، ۱۱۶

گله، ۱۱۹، ۳۵۹

گمبت، ۲۰۸، ۲۱۰، ۴۲۹، ۴۴۵

گنج آسیا، ۱۱۷

گنداخه، ۹۶، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۹۴

گنداوه، ۹۴، ۹۷، ۹۸، ۱۴۷، ۲۱۰، ۲۹۴

گنگچه، ۲۹۹

گنگوی، ۶۱

گنیش، ۲۸۵

گوادر، ۷۵

گوجرانواله، ۶۵، ۱۱۶، ۳۱۷، ۴۴۰

گوجر خان، ۱۱۳

گورداس‌پور، ۵۹

گورمانی، ۲۹۷

گوگل، ۴۹۱، ۴۹۲

گولا، ۹۷، ۲۹۴

گومل، ۲۶، ۳۴

گون، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۳۰، ۴۰، ۷۶، ۷۷، ۹۲، ۹۹، ۱۰۹، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۷۱، ۱۸۳، ۱۹۳، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۵۱، ۲۶۹، ۲۸۷، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۱۹، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۶، ۳۵۳، ۳۶۷، ۳۷۱، ۳۸۹، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۲۹، ۴۴۳، ۴۵۰، ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۹۰، ۴۹۳

گهوتکی، ۲۹۵

گیلانی، ۴۷، ۳۲۰، ۴۱۸، ۴۲۱، ۴۴۷

##PAGE=۵۵۷##

ل

لارکانه، ۲۹، ۱۰۱، ۱۰۷، ۲۰۷، ۲۹۵، ۴۳۰

لاری، ۲۰۹، ۲۹۸، ۳۰۴، ۳۲۳، ۴۲۲، ۵۰۳

لاشار، ۹۷

لاشاری، ۱۰۷، ۲۹۳، ۲۹۴، ۳۰۵

لاشاری محلّه، ۱۰۷

لاکه، ۱۶۷

لال شاه بخاری، ۱۰۷

لال‌مائی، ۲۸۵

لالی، ۲۲۲

لاهور، ۹، ۱۵، ۲۱، ۲۸، ۳۵، ۴۸، ۴۹، ۵۸، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۸۲، ۱۱۱، ۱۳۴، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۷۸، ۱۸۴، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۷۰، ۲۷۸، ۲۸۶، ۲۹۳، ۳۱۷، ۳۳۳، ۳۶۱، ۳۷۹، ۳۸۸، ۳۹۲، ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۰۲، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۴، ۴۳۹، ۴۴۵، ۴۴۷، ۴۵۳، ۴۷۱، ۴۷۵، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲

لاهوری، ۱۷۲

لایحه «شریعت»، ۸۷، ۴۵۱، ۴۵۲

لایحه «ناموس صحابه بل»، ۴۵۱

لداخ، ۵۴، ۷۲

لدیانه، ۵۹، ۱۱۴

لسبیله، ۷۵

لشکر جنگوی، ۱۶، ۸۰، ۱۷۶، ۴۴۷

لطیف‌آباد شماره ۴، ۱۰۲

لطیف‌آباد شماره ۵، ۱۰۲

لطیف‌آباد شماره ۸، ۱۰۲

لطیف‌آباد شماره ۹، ۱۰۲

لطیف‌آباد شماره ۱۰، ۱۰۲

لطیف‌آباد شماره ۱۱ و ۱۲، ۱۰۳

لعل شهباز قلندر، ۱۶۱، ۱۷۲، ۱۷۹

لغاری، ۱۰۹، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵

لقمان خیل، ۱۲۱، ۲۸۵

لکنو، ۶۶، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۷۳، ۲۰۰، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۳۱، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۷۰، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۸، ۳۹۲

لکنوی، ۶۶، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۸، ۳۹۲

لکی غلام شاه، ۱۰۸، ۱۸۲

لنجوانی، ۱۰۴

لندن، ۷۰، ۱۳۱، ۲۶۵، ۳۲۹، ۴۹۱

لندو شریف، ۱۰۹

لنگی، ۱۰۹، ۱۷۸، ۳۶۸

لودهی خیل، ۲۸۶

لودی، ۱۱۸، ۱۷۲

لورالائی، ۹۹، ۳۰۱

«لوری» ها، ۳۰۶

لوهار، ۹۷، ۲۹۷، ۳۲۰

لهری، ۹۸، ۱۴۸، ۲۳۶

لیاقت، ۸۳، ۲۰۵، ۴۰۷، ۴۲۹، ۴۹۲، ۴۹۳

لیاقت بازار، ۴۹۲

لیّه، ۱۵، ۲۱، ۳۷، ۴۲، ۱۰۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۴۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۴۶، ۲۶۰، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۹۵، ۳۱۹، ۳۳۷، ۳۵۲، ۴۲۱، ۴۳۱، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۸۱، ۵۰۱

##PAGE=۵۵۸##

م

مائیان، ۳۵۴، ۳۵۶

ماتم اوربین، ۳۶۳

ماتمی جلوس، ۳۴۲

مادل تاون، ۱۱۱، ۲۵۹

مادی شاه سخیرا، ۱۱۵

ماربجوس، ۳۶۱

مارپرستی، ۳۰

مارشال، ۲۹، ۴۱۸، ۴۲۳

مارگیلا تاون، ۱۱۳

ماری اندس، ۲۱۵، ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۵۸

مازندرانی، ۵۳، ۳۷۸

ماگادها، ۳۱

مانسهره، ۱۱۷، ۱۲۰، ۲۵۷

مبادله، ۳۶۲

مبارک علی، ۳۳۰، ۳۷۳، ۳۷۴

متحده مجلس عمل، ۷۷، ۸۷، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۴، ۵۱۲

متی، ۳۰۹، ۳۱۵، ۳۵۱، ۴۱۱، ۴۴۱، ۴۵۵، ۴۷۰

متیاری، ۱۰۴، ۱۶۰

مثنوی، ۳۸۶، ۳۸۷

مثوانی، ۲۹۵

مجاهدآباد، ۱۱۴

مجاهدین، ۳۷

مجتمع «امام خمینی»، ۲۳۷

مجتهد، ۵۳، ۷۴، ۱۷۲، ۲۴۲، ۴۳۹

مجلس «اعلای علمای شیعه»، ۲۶۷

مجلس ایالتی، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۳۲

مجلس سنا، ۷۹، ۴۱۳، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۳۱، ۴۵۰، ۴۵۱

مجلس «شورای ملّی»، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۵

مجلس فدرال، ۸۷

مجلس ملّی، ۶۰، ۷۸، ۷۹، ۴۳۱

مجلس نظارت مدارس شیعه، ۲۲۴

مجلس «نظام فقه جعفریه»، ۴۳۹

مجمع جهانی اهل بیت، ۲۳۴، ۴۲۶، ۵۰۶

مچ، ۹۸، ۳۰۱

مچی وال، ۱۱۵

محب، ۳۱۹، ۳۸۵

محبت شاخ، ۲۹۴

محبوب علی شاه، ۲۲۰

محدّث امروهوی، ۶۱

محدّث دهلوی، ۶۱، ۶۴

محدّث سهارنپوری، ۶۱

محرّم، ۱۷، ۴۸، ۵۱، ۶۶، ۸۰، ۹۳، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۱۴، ۲۲۷، ۲۳۷، ۳۱۴، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۹۱، ۳۹۲، ۵۱۴

محشر بدایونی، ۳۹۲

محفل مرتضی، ۷۰، ۲۱۵

محقق هندی، ۲۴۴

محلّه حیدری، ۱۱۵

محمّد اسحاق، ۲۸۴، ۴۱۷، ۴۱۸

محمّد اسماعیل، ۶۵، ۴۰۶، ۴۲۶

##PAGE=۵۵۹##

محمّد اکرم عارفی، ۳۴۴

محمّد انور عادل، ۳۸۶

محمّد بن عبد اللّه، ۴۰

محمّد بن قاسم، ۳۳، ۳۳۰

محمّد جمالی، ۹۶، ۲۰۷

محمّد حسنین، ۲۳۴

محمّد حسین، ۱۶، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۷۰، ۱۹۱، ۲۰۴، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۳۳، ۲۴۴، ۲۵۸، ۲۶۸، ۳۷۹، ۴۳۹، ۴۴۴، ۵۱۲

محمّد خیل، ۱۲۲، ۲۹۶

محمّد داد، ۱۱۷

محمّد داد آسیا، ۱۱۸

محمّد شاه، ۴۳، ۴۶، ۷۱، ۲۴۶

محمّد شفیع، ۶۱

محمّد طاهر شاه، ۴۲۹

محمّد عارف خان، ۴۲۹

محمّد عبّاس، ۱۷۸، ۲۰۱، ۲۴۴، ۴۲۰، ۴۲۶

محمّد علی، ۳۵، ۳۷، ۶۶، ۷۳، ۸۱، ۸۳، ۸۵، ۱۹۶، ۲۳۳، ۳۷۹، ۳۸۵، ۳۸۶، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۲۷، ۴۳۱، ۴۴۷، ۵۰۹

محمّد علی خان، ۴۰۶

محمّد علی خان واحد، ۳۸۵

محمّد عیسی، ۴۱۷، ۴۱۸

محمّد موسی خان، ۴۱۷، ۴۲۲

محمّد مهدی موسی، ۴۱۷

محمّد نذیر، ۱۵۱، ۳۲۴، ۳۷۷، ۳۸۵

محمّد نواز جمالی، ۹۶

محمّد نواز شاه، ۴۱۷

محمّد وصی خان، ۳۹۵

محمّدی، ۳۷، ۱۰۱، ۲۷۰

محمّد یار، ۱۴۲، ۲۲۰، ۲۲۳

محمّدی دیره، ۱۰۱

محمّدیه ترست، ۱۵، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۶۰، ۲۶۵

محمّدیه دیووال، ۲۴۶

محمودآباد، ۷۳، ۱۰۹، ۱۲۰، ۴۰۶، ۴۹۲

محمود الحسن، ۶۱

مخدوم، ۱۸۹، ۴۲۱

مخدوم‌زاده مرید کاظم، ۴۲۰

مدارس اهل بیت، ۲۸۳

مدارس علمیه، ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۱، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۲، ۱۷۳، ۲۰۱، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۲۰، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۱، ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۶۱، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۳۲۲

مدارس غیرانتفاعی «اسوه»، ۲۸۳

مدح، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۴

مدرسه ابی طالب، ۱۰۷

مدرسه «اسلامیه محمّدیه»، ۲۶۰

مدرسه «المعصومین»، ۲۰۴

مدرسه «المهدی»، ۲۶۰

مدرسه «امام العصر علیه السّلام»، ۲۲۷

مدرسه «امام حسین علیه السّلام فاوندیشن»، ۲۵۸

مدرسه «امام رضا علیه السّلام»، ۲۶۰

مدرسه «امام صادق علیه السّلام»، ۲۳۶، ۲۳۷، ۳۰۱

مدرسه «جالندر»، ۳۶

مدرسه جامعه «امام خمینی» میانوالی، ۲۶۰

##PAGE=۵۶۰##

مدرسه جامعه «امامیه»، ۲۰۰

مدرسه جامعه «نقویه»، ۲۵۹

مدرسه «جامعه علمیه دیفنس»، ۲۲۵

مدرسه «جامعهٔ الامام المهدی علیه السّلام»، ۲۱

مدرسه «جامعهٔ المنتظر»، ۳۲۲

مدرسه «جعفریه»، ۲۰۰، ۲۴۵، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۷۰، ۲۸۲، ۳۰۱

مدرسه «جوادیه»، ۱۸۲

مدرسه «جوهریه»، ۲۶۱

مدرسه «حجهٔ القائم»، ۲۵۹

مدرسه «خدیجهٔ الکبری»، ۲۶۰

مدرسه «دار الحکمه»، ۱۸۲

مدرسه «دار القرآن و المعارف الاسلامیه»، ۱۸۲

مدرسه «سلطان المدارس سرگودا»، ۱۷۵

مدرسه «شمس العلوم»، ۲۶۰

مدرسه «شهید عارف حسین حسینی»، ۲۸۲

مدرسه «عربیه خیر المدارس»، ۶۲

مدرسه علمیه سکّر، ۳۱۲

مدرسه «فاطمه زهرا»، ۲۳۷

مدرسه «فاطمیه»، ۲۶۶

مدرسه «فیضیه»، ۳۱۱

مدرسه «مخزن العلوم جعفریه»، ۲۲۸، ۲۴۶

مدرسه «مدینهٔ العلم»، ۲۶۰

مدرسه «مشارع الشرایع»، ۲۴۲

مدرسه «مشارع العلوم»، ۲۶۵

مدرسه «مظهر الایمان»، ۲۶۰

مدرسه «ناظمیه»، ۲۲۱، ۲۴۲

مدرسه «ولی عصر علیه السّلام»، ۱۸۲

مدرسه «باب العلوم»، ۲۴۵

مدرسه «جامعه قائم آل محمّد»، ۹۸

مدرسه «مخزن العلوم جعفریه»، ۲۲۸، ۲۴۶

«مدرسهٔ الواعظین»، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۴۲، ۲۴۵

مدینه، ۳۲، ۳۹، ۶۲

مدینه کالونی، ۱۳۳، ۳۴۰

مدینهٔ العلم، ۲۱۱، ۲۶۰، ۵۱۰

مدینهٔ العلم، ۲۱۱، ۲۶۰، ۵۰۹

مذهب جعفری، ۶۶

مرائی، ۱۱۸، ۲۸۶

مرادآباد، ۶۳، ۳۹۲

مرتضی کالونی، ۲۱۱

مرثیه، ۵۶، ۱۶۲، ۱۶۳، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۵۱۳

مردان، ۱۱۶، ۱۲۹، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۷، ۱۷۰، ۲۳۷، ۲۴۲، ۳۲۱، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۳۲

مررانی، ۱۰۳

مرزائی‌ها، ۶۵

مرشد، ۱۲۱، ۱۵۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۳۱۰، ۳۱۸، ۳۲۱، ۴۷۹

مرقد بلبل شاه، ۵۳

«مرکز اهل بیت» مانسهره سرحد، ۲۶۰

مرکز تبلیغات اسلامی، ۱۵، ۲۱۰، ۵۱۰

مرکز تحقیقات و تبلیغات اسلامی، ۲۲۸، ۲۵۸

مرکز تعلیمی قرآن کریم و معارف اسلامی، ۲۶۶

مرکز جهانی علوم اسلامی، ۲۷۱

##PAGE=۵۶۱##

مرکز علم و عمل، ۲۱۵

مرکز «علوم و تکنولوژی پاکستان»، ۴۶۴

مرکزی تنظیم عزا، ۲۱۴، ۳۲۷

مرند، ۱۷۲، ۱۷۹

مرو، ۱۳، ۳۰، ۳۳، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۵۱، ۵۲، ۵۶، ۶۱، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۳، ۷۵، ۸۴، ۸۶، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۶۱، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۹، ۱۸۲، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۸، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۷۷، ۲۸۲، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۸، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۴۳، ۳۵۱، ۳۶۶، ۳۷۳، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۴، ۳۸۸، ۳۹۱، ۳۹۴، ۳۹۶، ۴۰۸، ۴۱۴، ۴۲۲، ۴۳۱، ۴۳۴، ۴۵۹، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۸۰، ۴۹۳، ۵۰۰

مروندی، ۱۶۱

مروی‌ها، ۱۱۷، ۱۱۸، ۴۲۰

مری، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۹۲، ۱۱۳، ۱۷۹، ۲۹۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۲۸، ۳۳۵، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۵، ۵۰۹، ۵۱۲

مرید، ۷، ۶۲، ۱۱۲، ۱۲۱، ۱۳۸، ۱۴۶، ۱۷۳، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۳۱۸، ۳۲۲، ۳۲۵

مرید کاظم، ۴۲۰، ۴۳۲

مزاری، ۳۳۶

مستعلی بالله، ۶۷

مستعلیه، ۶۸

مستونگ، ۳۱۳

مسجد «اقصی»، ۹۸

مسجد «امام صادق علیه السّلام»، ۱۸۲

مسجد «شاه نجف»، ۴۴۸

مسدّس، ۳۸۶

مسکری گودام، ۱۱۷، ۱۱۸

مسکه، ۳۱۴

مسلمان، ۱۷، ۳۷، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۷۰، ۷۱، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۳، ۹۲، ۱۰۱، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۴، ۲۴۳، ۳۰۳، ۳۳۰، ۳۷۵، ۴۰۶، ۴۷۹، ۵۰۲

مسلم بازار، ۱۱۹

مسلم باغ، ۱۰۰، ۳۰۱

مسلم لیگ، ۹، ۳۷، ۸۲، ۸۳، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۵۰، ۴۶۳، ۵۰۰

مسلم لیگ قاید اعظم، ۴۲۸، ۴۲۹

مسیح، ۲۹، ۵۹، ۳۸۹، ۵۱۰

مسیحی، ۵۷، ۹۲

مشتاق احمد، ۱۰۷

مشتاق حسین، ۱۰۷

مشتاق حسین جعفری، ۱۳۴

مشهد، ۶۹، ۱۳۸، ۱۵۴، ۲۱۱، ۲۵۱، ۲۷۱، ۳۷۷، ۳۷۸

مصباح، ۱۵۹، ۱۷۰، ۲۷۳، ۳۸۶، ۵۰۸

مصر، ۲۹، ۳۱، ۳۷، ۴۴، ۶۷، ۳۱۴، ۳۳۲، ۳۷۱، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۸۸

مطهّری، ۱۹۵، ۲۶۸

مظفّرآباد، ۱۱۲، ۱۲۶

مظفّرگر، ۲۰۲، ۲۹۵، ۳۱۹، ۴۴۸، ۴۷۸

مظهری، ۳۸۸

##PAGE=۵۶۲##

معاویه، ۳۳، ۴۲، ۸۰

معتبر، ۱۸، ۱۹۰، ۲۴۵، ۲۶۸، ۳۰۷، ۳۰۸

معلم، ۴۹، ۵۳، ۶۷، ۱۸۴، ۲۶۶

مغول، ۵، ۲۸، ۳۴، ۳۶، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۱۱۲، ۱۲۷، ۱۳۰، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۱۵، ۳۷۸، ۴۷۸، ۴۸۰

مغول‌آباد، ۱۱۲

مغیری، ۲۹۳، ۲۹۴

مفتی، ۶۱، ۱۲۷، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۳۲، ۲۴۴، ۴۰۷، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۴

مفید، ۲۳۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۴۳۳

مقبل، ۳۷۹

مقپون بوخا، ۵۵

مقدّس، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۷۰، ۱۹۰، ۲۱۲، ۳۱۸

مقدّسی، ۴۱

مقدّم، ۱۵۰، ۱۵۳، ۳۰۷، ۳۱۹، ۳۲۰، ۵۰۶

مقصود علی بیگ، ۳۸۶

مقصود علی دومکی، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۹۸

مقصوده رند، ۱۰۹

مکارم شیرازی، ۲۶۸، ۲۷۲[۱۰۷۹]

##PAGE=۵۶۲##

مکانیکی رود، ۹۵

[۱۰۷۹] عارفی، محمد اکرم، شیعیان پاکستان، 1جلد، شیعه شناسي - قم، چاپ: اول،1385 هـ.ش.

مکتب «جعفری»، ۲۶۷

مکتب «قم»، ۲۲۳

مکتب «لکنو»، ۱۳۸، ۱۴۱، ۲۲۱، ۲۲۲

مکتب «نجف»، ۱۴۲

مکران، ۳۲، ۴۱، ۵۱، ۷۴، ۷۵، ۲۱۰، ۳۰۶

مکلی، ۱۰۴

مکن سمون، ۱۰۹

مکّه، ۷۴

ملاح، ۲۹۸

ملاذ العلماء، ۲۴۳

ملّا مازندرانی، ۴۷

ملّا محسن، ۲۷۲

ملّا محمّد محمود، ۶۰

ملانه، ۱۲۱

ملتان، ۹، ۱۵، ۲۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۶۲، ۶۴، ۶۷، ۶۹، ۷۱، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۴۲، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۸۴، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۲۸، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۵۸، ۲۸۷، ۲۹۵، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۳۴، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۶۹، ۳۹۷، ۴۱۶، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۹۰، ۵۰۸

ملک، ۱۱۴، ۱۹۵، ۲۳۳، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۹۳، ۴۴۹، ۵۰۹، ۵۱۲، ۵۱۳

ملک آفتاب جوادی، ۱۵

ملک الله بخش، ۴۲۱

ملک سهراب بلوچ، ۴۲

ملک واجه، ۳۰۷

ملنگ، ۱۸۱

ملنگ‌ها، ۱۳۸، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۵

ملیح‌آبادی، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۴، ۵۱۲

ملیر، ۱۰۱، ۴۴۸

«ملّی یک جهتی کونسل»، ۷۷

ممتازآباد، ۱۱۲

##PAGE=۵۶۳##

ممتاز العلماء، ۲۴۳

ممتاز چشتی، ۱۷۸

ممدوت، ۴۰۷

ممل، ۱۰۷

مناطق شمالی، ۶، ۲۸، ۴۴، ۵۳، ۵۶، ۷۱، ۹۳، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۹۶، ۲۰۳، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۵۱، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۵، ۲۷۰، ۲۷۹، ۲۸۶، ۲۹۹، ۳۲۳، ۳۳۴، ۳۳۹، ۳۴۴، ۳۶۰، ۳۶۸، ۳۷۷، ۳۸۵، ۳۹۲، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۳۲، ۴۴۵، ۴۵۱، ۴۵۴، ۴۵۹، ۴۸۸، ۴۸۹، ۵۰۰

مناطق قبایل آزاد (فاتا)، ۲۹۵

مناطق قبایلی، ۶، ۹۳، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۳، ۲۵۱، ۲۵۶، ۲۸۶، ۳۶۸، ۴۸۸

منتهوکا، ۲۸۴

مندی شادینه، ۱۱۵

منصبدار، ۳۱۵

منصور الیمان، ۴۴، ۶۷

منصوره، ۴۴۹

منظور شاه، ۹۶، ۲۹۴

منقبت، ۳۷۹، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۴

منگاپیر، ۱۰۲، ۱۳۳، ۳۰۱

منگنی، ۳۵۳، ۳۵۵، ۳۵۶

منگی، ۱۰۸، ۲۹۸

منوّر عبّاس شهاب، ۳۹۲

منهاج الدین، ۳۸

منی خیل، ۱۲۲، ۲۹۶

موئنجودارو، ۲۹

موالی، ۶، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۷۳، ۱۸۱، ۱۸۲

موالیه، ۱۴۱

موتراشی، ۱۵۲

موچی، ۱۱۰، ۱۱۴، ۲۹۷، ۳۲۰

موچی گیت، ۱۱۰

موحّدی، ۲۶۶

موحّدین، ۱۴۲

مورو، ۲۹۵، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۱۳

موسوی، ۷۳، ۷۴، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۳۸، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۷۴، ۱۹۵، ۲۰۴، ۲۳۳، ۲۷۱، ۳۰۲، ۳۸۶، ۵۰۶، ۵۱۱

موسی خان، ۱۵۴، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۲

مولائی، ۱۰۲، ۱۰۳

مولانا، ۲۰، ۵۳، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۷۳، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۵، ۹۶، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۴، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۹۵، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۸، ۲۳۴، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۶۵، ۲۷۰، ۲۷۹، ۳۲۰، ۴۰۶، ۴۳۱، ۴۴۹، ۵۰۸

مولوی، ۳۷، ۶۰، ۶۶، ۷۳، ۸۲، ۸۵، ۲۲۱، ۲۷۹

مهاجر، ۸، ۱۱، ۲۷، ۵۰، ۹۷، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۱۹، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۲۲۰، ۲۹۳، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۵۱، ۴۲۷، ۴۳۱، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۸، ۴۹۹

مهاجرت، ۹، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۹، ۵۰، ۵۸، ۹۱، ۹۵، ۹۷، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۰، ۲۲۰، ۲۴۴، ۴۷۵، ۴۹۳، ۵۰۵

##PAGE=۵۶۴##

مهاجر قومی موومنت، ۳۳۱، ۳۳۲، ۵۰۷

مهاراجه، ۴۰۶

مهاویرا، ۳۰

مهتر جمال، ۴۷

مهدویت، ۵۹، ۷۴، ۷۵

مهدی، ۱۶، ۵۹، ۷۲، ۷۵، ۱۴۹، ۱۵۹، ۱۸۳، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۳۷، ۲۴۲، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۵، ۲۸۶، ۲۸۸، ۴۰۶، ۴۱۷، ۴۲۳، ۴۳۴

مهدی‌آباد، ۲۱۲، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۵، ۲۸۸

مهدی‌آبادی، ۲۱۲، ۲۶۵

مهدی حسن موسی، ۴۱۸

مهر، ۲۰، ۳۳، ۱۰۸، ۱۸۲، ۲۰۵، ۲۹۸، ۳۱۳، ۳۶۳، ۳۹۱

مهران، ۳۳، ۲۰۵، ۳۱۳

مهلب بن ابی صفره، ۳۳

مهمند، ۳۰۹

میان مرید، ۱۲۱، ۱۸۴

میانوالی، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۷۸، ۱۸۵، ۲۰۲، ۲۱۵، ۲۲۷، ۲۳۱، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۸۷، ۲۹۵، ۳۱۹، ۳۲۲، ۴۶۹، ۴۷۸، ۵۰۸

میانی، ۱۰۵، ۱۱۱، ۲۸۰، ۳۴۰

میتا خان، ۱۱۸

میتروپالیتن، ۴۹۱

میجر، ۴۲۳

میجر ذو الفقار علی، ۴۱۶

میجر مبارک علی شاه، ۴۰۶

میراثی، ۲۹۷، ۳۲۰

میر امام بخش خان تالپور، ۴۱۴، ۴۳۱

میران، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۳۱

میران تندو محمّد خان، ۴۳۱

میرانی، ۱۱۴، ۲۹۸

میرانیس، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۸

میر بهرام خان، ۵۱

میرپور خاص، ۵۲، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۰۹، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۶، ۲۹۸، ۴۱۴، ۴۳۱

میرپور ساکرو، ۱۰۴

میر تقی میر، ۳۷۸، ۳۸۸

میرجت، ۱۰۴

میر جد، ۱۰۶

میر جلال خان، ۳۰۵

میر حسن علی خان، ۵۳

میر رضی میر، ۳۸۱

میر رفیق تالپور، ۴۱۵

میرزا امام علی افسر، ۱۰۲، ۳۹۱

میرزا دبیر، ۳۷۹، ۳۸۸

میرزا شاه حسن بیگ، ۴۷

میرزا عاشق حسین بیگ، ۴۳۱

میرزا عیسی خان ترخان، ۴۷

میرزا محله، ۱۰۲

میرزا محمّد رفیع سودا، ۳۸۸

میرزا محمّد عبّاس علی خان، ۲۴۲

میرزا منکو بیک درخشان، ۳۷۹

میرزا یوسف حسین، ۱۴۱، ۲۲۱، ۲۳۳، ۲۴۵

میر سید صفایی، ۵۰

میر شهداد بلوچ، ۴۲

میرضا حک، ۳۷۹

##PAGE=۵۶۵##

میر عبد الاول، ۱۰۴

میر علی احمد، ۴۱۵

میر علی مراد خان، ۵۳

میر غوث‌بخش بزنجو، ۳۲۹

میر کرم علی خان، ۵۲، ۵۳

میر محمود، ۱۰۳، ۴۱۵

میر مختار علی، ۴۱۵

میر مراد علی خان، ۵۳

میر منوّر علی، ۴۱۴، ۴۳۱

میر نصیر خان، ۴۱، ۵۲، ۵۳، ۵۰۷

میرواه رود، ۱۰۸

میرواه گورچانی، ۱۰۹

میر هزار خان بجارانی، ۴۲۹

میر همدانی، ۵۳

میسر، ۱۶، ۲۹۵

میسور، ۴۰۵

میله، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۵۸

میمن، ۱۷۹، ۲۹۸، ۲۹۹، ۵۱۲

مینار، ۴۴۶

مینگل، ۳۱۳، ۳۲۸، ۳۲۹

میواتی، ۲۹۸

مؤسسه «اهل بیت علیهم السّلام» قم، ۲۶۰

مؤسسه «توسعه صنعتی»، ۴۶۴

مؤسسه «توسعه صنعتی»، ۴۶۴

مؤسسه «آموزش برای همه»، ۱۳۰

مؤسسه «امام خمینی رحمه اللّه»، ۲۸۴

مؤسسه «جعفریه»، ۲۸۷

مؤمن‌آباد، ۲۶۶

ن

نائی، ۲۹۷، ۳۲۰

نادر علی نجفی، ۳۸۶

ناد علی، ۱۴۳، ۱۴۴

نارا، ۲۶

ناردرن ایریاز کونسل، ۴۵۱

نارووال، ۲۵۷

ناروی، ۳۸۰

ناز بریلوی، ۳۹۲

ناز لطیفی، ۴۲۹

ناصرآباد، ۱۱۲

ناصر الاسلام، ۵۶

ناصر عبّاس، ۱۷۸

ناصر علی ناصر، ۳۹۵

ناظم، ۱۰۱، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۳۲

ناظم‌آباد، ۱۰۱

ناظمیه، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۴۲، ۵۰۹

ناموس صحابه بل، ۴۵۱، ۴۵۲

نانا صاحب، ۳۷

نانگا پربت، ۲۶

نانوتوی، ۶۰، ۶۱

نجات، ۳۸۹

نجدی، ۶۳

نجف، ۵۲، ۵۶، ۱۳۸، ۱۴۲، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۷۰، ۲۷۸، ۲۷۹، ۴۴۸، ۵۱۰

نجفی، ۱۶، ۱۲۶، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۸۳، ۱۹۱، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۳۰، ۲۳۲،

##PAGE=۵۶۶##

۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۷۰، ۲۷۷، ۲۸۳، ۲۸۴، ۳۸۶، ۴۲۶، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۴، ۵۱۲

نجفی لایبریری، ۲۶۵

نجم افندی، ۳۸۸، ۳۹۵

نجم العلماء، ۲۴۲

نجم الملّه، ۲۴۴

نچایوبانوجو سولنگی‌آباد، ۱۰۹

ندوی، ۶۶، ۸۵

نذر حاجت، ۱۷۱

نذر خاص، ۳۶۳

نذر عام، ۳۶۳

نذر و نیاز، ۱۵۵

نذیر، ۶۴، ۱۵۱، ۳۲۴، ۳۷۷، ۳۸۵، ۵۱۲

نذیر احمد، ۲۷، ۱۰۰، ۱۱۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۷، ۲۹۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۲، ۵۰۹

نروژ، ۴۹۳

نزار، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱

نزاریه، ۶۸

نزاری‌ها، ۶۹

نسیم، ۲۳۰، ۲۳۳، ۳۷۹، ۳۸۴، ۳۸۸، ۳۹۱، ۳۹۴، ۵۱۲

نشاط مقبول، ۳۸۹

نصرپور، ۴۵

نصرت بوتو، ۴۳۰

نصیرآباد، ۱۵، ۹۶، ۱۰۵، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۳۷، ۲۴۲، ۲۹۴

نظام دهلوی، ۳۹۲

نظام شاه، ۴۶، ۴۷، ۷۴

نظام شاهان، ۴۶، ۴۷، ۴۰۵

نظام شاهی، ۴۶، ۴۸

نظام علی خان آصف، ۳۷۸

نظام مصطفی، ۸۶، ۴۳۵، ۴۳۸

نظم، ۸۴، ۲۲۱، ۲۳۵، ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۷، ۳۴۲، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۴، ۳۹۵

نظیری نیشابوری، ۳۷۸

نعت، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۴

نعیم میر تهی، ۳۹۲

نفس زکیّه، ۱۸۹

نقشبندی، ۶۲

نک توپن، ۳۵۶، ۳۵۷

نگر، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۷۰، ۷۴، ۸۱، ۹۱، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۳۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۴، ۲۰۲، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۷۱، ۲۸۵، ۲۹۷، ۳۱۶، ۳۴۵، ۳۷۴، ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۰۵، ۴۰۷، ۴۰۹، ۴۲۴، ۴۲۶، ۴۳۴، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۴۶، ۴۵۵، ۴۶۶، ۴۷۱

نگر یاسین، ۱۲۳

نمایندگی رهبری در امور پاکستان، ۲۷۱

ننگرانی، ۹۷

نوّاب، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۲۰، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۱۳، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۱۴، ۴۱۶، ۴۳۴

##PAGE=۵۶۷##

نوّاب افتخار حسین خان ممدوت، ۴۰۷

نوّاب اکبر خان بگتی، ۳۱۳

نوّاب خیربخش مری، ۳۱۳

نوّاب سر فتح علی خان قزلباش، ۴۰۶

نوّاب سیف الله تتّه، ۱۰۴

نوّاب محمّد اسماعیل خان، ۴۰۶

نوّاب محمّد یوسف خان تالپور، ۴۱۴

نوّاب مظفّر علی، ۴۱۶، ۴۳۴

نواز شریف، ۸۵، ۸۷، ۴۱۲، ۴۱۴، ۴۲۹، ۴۵۰، ۴۶۳

نوتکی، ۱۷۸

نوحه، ۵۶، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۳، ۳۷۷، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۵

نوحه‌سرایی، ۳۶۳

نوربخش، ۵۴، ۵۵، ۷۲، ۷۴، ۱۷۹

نوربخشی، ۵۵، ۷۳، ۷۴، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۸۵،

۳۲۵، ۳۳۹، ۴۲۶

نوربخشیه، ۵۵، ۷۲، ۱۷۹، ۲۶۱، ۳۰۰، ۵۱۴

نوربخشیه امامیه، ۷۳

نوربخشیه صوفیه، ۷۳

نوربخشیه همدانی، ۷۴

نورست گرو، ۶۹

نور شاه، ۶۱، ۶۹، ۱۰۵، ۱۸۴

نور محمّد، ۱۷۲، ۴۳۲

نوروز، ۹۲، ۱۶۰، ۴۷۰، ۴۷۳، ۵۰۷

نوشکی، ۳۲۹

نوشهر، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۹۰، ۲۰۷

نوشهره، ۹۸، ۱۱۴، ۲۳۶، ۳۳۰

نوکوت، ۱۰۹

نون، ۶۰، ۷۸، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۱۱۹، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۲۰۳، ۲۴۳، ۳۰۸، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۶۳، ۳۷۶، ۳۷۹، ۴۱۹، ۴۳۸، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۵۱

نهضت اجرای فقه جعفری، ۴۰۸، ۴۳۳، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰

نهضت ختم نبوّت، ۶۰، ۷۷

نهضت نظام مصطفی، ۷۷

نیازی، ۱۶۸، ۴۴۹، ۴۵۱

نیاگوته، ۱۰۶

نیرون کوت، ۵۱

نیشابور، ۴۷، ۱۰۵، ۳۷۸

نیم کی چاری، ۱۰۵، ۱۸۲

و

وات نمبر، ۹۷

واخان، ۲۵

واسکت، ۳۶۸

واشنگ لاین، ۱۱۱

واگریجی، ۱۰۹، ۲۲۱، ۲۵۸

وانکی وسی، ۱۰۳، ۲۹۴

واه بررا، ۱۰۵

واهی گرانگ، ۹۷

وتوستا، ۳۶۲

ودیره، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۳، ۳۲۲، ۴۰۷، ۴۱۱

ورتن بهانجی، ۳۵۴

ورو سنبها، ۳۵۴

##PAGE=۵۶۸##

وزیرستان، ۲۶

وصی مراد شاه، ۱۰۴

«وفاق المدارس شیعه پاکستان»، ۲۰۱، ۲۲۴، ۲۷۴

وفاق علمای شیعه، ۱۵، ۲۲۴، ۲۲۵، ۳۴۳، ۵۱۰

وفاق علمای شیعه پاکستان، ۱۵، ۲۲۴، ۳۴۳

وکیل وزارت حسین، ۱۵، ۴۱۱، ۴۳۳

ولایت، ۴۳، ۶۶، ۷۵، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۸، ۲۴۱، ۳۸۶

ولایت فقیه، ۱۴۴، ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۷۴

ولور، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۲

ولی، ۲۷، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۹۲، ۹۶، ۱۰۳، ۱۲۵، ۱۴۳، ۱۶۸، ۱۸۲، ۱۸۴، ۲۰۰، ۲۴۲، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۸، ۲۹۷، ۳۰۷، ۳۲۰، ۳۳۸، ۳۷۵، ۳۸۶، ۴۵۰، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۷۱، ۴۹۸، ۵۰۲، ۵۱۳

ولی بهمنی، ۴۶

ولید بن عبد الملک، ۳۳

ولی محمّد جمالی، ۹۶

ولیمه، ۳۵۵

وهّابی، ۶۳، ۸۱، ۱۰۰، ۳۴۴

وهّابیت، ۶۵، ۷۳، ۸۱

ویلیام گودوین، ۲۸، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۷۴

ویهند، ۳۴

ه

هاراپا، ۲۹

هاشمی، ۳۸۰، ۳۸۸، ۴۲۱، ۴۹۳

هاله، ۱۰۴، ۲۰۷

هاوسنگ کالونی، ۱۱۴

هتورام، ۴۱، ۲۹۳، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۱۰، ۵۱۳

هرات، ۴۹، ۵۰، ۱۷۲، ۱۷۹

هرل، ۳۲۰

هرنایی، ۹۹

هروی، ۵۰، ۱۷۲، ۲۴۵

هریانوی، ۲۹۸

هزارجات افغانستان، ۴۳

هزارگی، ۳۰۱

هزار مرد، ۴۰، ۴۳

هزاره، ۸، ۲۸، ۲۹، ۴۳، ۴۴، ۹۵، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۲۱، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۸، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۷۱، ۲۳۶، ۲۹۳، ۳۰۱، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۴، ۳۸۶، ۳۸۷، ۴۱۷، ۴۳۲، ۵۱۱

هزاره جاغوری، ۴۱۷

هزاره قومی جرگه، ۳۱۴

هشام بن عمرو تغلبی، ۴۰

هفت تکیه، ۳۴۲

هلچنگره، ۳۲۴، ۳۲۵

هلند، ۴۹۳

همایون، ۳۶، ۴۸، ۴۹

همّت، ۱۳۳، ۲۰۸، ۲۴۵، ۳۳۱، ۳۷۸، ۴۳۴

همدان، ۱۷۲

همدانی، ۴۷، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۷۲، ۷۴، ۱۷۲، ۳۷۸، ۴۴۰، ۴۴۴

هندکو، ۲۸، ۱۱۸، ۱۲۶، ۳۳۸

«هندکوزبان» ها، ۱۱۸

##PAGE=۵۶۹##

هندوئیسم، ۱۳۷

هندوستان، ۳۳، ۳۹، ۴۹، ۷۱، ۸۳، ۱۱۰، ۲۴۵

هندوکش، ۲۶، ۱۱۹

هندوها، ۵۸، ۸۲، ۸۳، ۱۳۸، ۱۴۷، ۲۴۴، ۳۱۷، ۴۲۷، ۴۷۹

هندی، ۳۰، ۳۶، ۳۹، ۴۰، ۴۵، ۸۲، ۱۰۱، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۶۹، ۲۴۳، ۲۴۴، ۳۳۰

هنزه، ۷۱، ۱۲۳، ۲۸۵

هنگو، ۱۵، ۹۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۳۳، ۱۶۰، ۲۱۴، ۲۳۸، ۲۸۲، ۲۸۶، ۲۹۶، ۴۸۸

هوپر، ۲۸۵

هوت، ۹۹، ۲۹۳، ۳۰۵

هوجانی، ۷۰

هوشوشیدی، ۳۳۰

هیأت، ۴۴، ۴۷، ۹۶، ۹۸، ۱۶۲، ۱۷۰، ۱۹۴، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۷۲، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۹۵، ۴۲۰، ۴۲۶، ۴۴۵

هیأت علما، ۷۷

هیثم، ۴۴، ۶۷

هیرمند، ۳۱

هیمالیا، ۲۵، ۲۶، ۱۲۳

ی

یار شاه، ۱۴۲، ۲۲۳

یار قند، ۵۵

یار محمّد، ۱۷۲

یا علی مدد، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۸۱

یا ولی، ۲۹۷

یتیم‌خانه، ۲۱۳

یحیی خان، ۸۵، ۴۰۶، ۴۲۲

یزدان خان، ۹، ۳۱۳، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۸

یزدی، ۴۹

یزید، ۴۲، ۱۶۳، ۳۴۱

یشکن، ۱۲۳، ۳۰۰، ۳۲۳

یعقوب علی، ۱۶، ۱۰۵، ۲۲۳، ۲۳۴، ۲۳۷، ۳۸۶

یلتر، ۲۸۵

یوسف بن سلیمان، ۴۴

یوسف زئی، ۳۰۹

یوسف عادل شاه، ۴۶

A. G. A

، ۴۹۱

P. N. A

، ۴۲۷

I. C. C. B

، ۴۹۱

O. I

، ۱۵، ۱۳۹، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۳۴۳

O. S. I

، ۱۵، ۱۳۹، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۳۴۳، ۳۴۵

A. B. I. J

، ۴۹۱

M. Q. M

، ۴۳۱

D. R. M

۴۴۵ ،

P. P. P

۴۳۰ ،۴۲۷ ،

##PAGE=۵۷۰##

نمایه کتب

آ

آشنایی با علوم اسلامی، ۲۶۸

آموزش دینی، ۷، ۱۲۶، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۲، ۲۲۴، ۲۴۷، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۷۱، ۴۳۷، ۴۳۹، ۴۴۳، ۵۰۴

آموزش عقاید، ۲۶۷، ۲۷۱

آیین اصغریه ایجوکیشن پروجیکت، ۲۸۲

ا

ابر غم، ۳۸۱

احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ۴۱

احسن الفواید فی شرح العقاید، ۲۳۳

اردو مرثیه پاکستان مین، ۳۸۱، ۳۹۲

اسلامی نظام معیشت کاسرسری جایزه، ۳۸۱

اشارات غم، ۳۹۵

اشک قمر، ۳۸۰

اصلاح الرسوم، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۷۰، ۱۹۱، ۲۳۳

اصلاح محافل و مجالس، ۲۳۳

اصول الشریعه، ۲۳۳

اصول دین، ۲۲۹، ۲۷۳

اصول عزاداری، ۱۴۵، ۱۴۹، ۲۳۳

اصول فقه، ۲۷۰، ۲۷۴، ۲۷۷

اکبرنامه و آیین اکبری، ۴۹

الارشاد، ۲۷۳، ۲۷۴

العابد، ۴۰، ۵۳

العارف، ۱۹۶، ۵۱۲

العصر، ۱۹۹، ۲۲۷، ۲۶۰، ۲۸۸، ۳۲۰، ۵۱۱

العوامل فی النحو، ۲۷۲

القائم، ۱۱۴، ۲۵۹

المبلّغ، ۲۳۱، ۵۱۲

المعصوم، ۲۰۸، ۲۸۷، ۵۱۲

المنتظر، ۱۶، ۱۱۱، ۱۴۵، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۷۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۱، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۴۵، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۷۰، ۲۷۷، ۲۷۸، ۳۰۱، ۳۲۲، ۴۴۵، ۵۱۲

المنطق، ۲۷۳

المهدی، ۲۱، ۹۸، ۲۶۰

النصرۀ، ۲۱۲، ۲۳۲، ۳۴۴، ۵۱۲

امامیه دایریکتری، ۱۱۳، ۱۶۶، ۲۲۶، ۲۳۳، ۲۸۴، ۳۹۷، ۴۰۲

امامیه دینی مدارس پاکستان، ۱۲۶، ۲۳۳، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۷۸

##PAGE=۵۷۱##

##PAGE=۵۷۱##

انتخاب رباعیات طاهر، ۳۸۶

انتخاب مصایب، ۲۳۳

انقلاب فکر، ۳۸۱

اوج قمر، ۳۸۰

ایمان، ۳۹، ۳۰۷، ۳۹۳

ب

بحضرت یزدان، ۳۸۰

بدر، ۱۵۱، ۱۶۰، ۱۶۲

برآورد استراتژیک پاکستان، ۹۲، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۳

براهین احمدیه، ۵۹

براهین العقاید، ۲۷۴

برگ نی، ۳۸۰

بلتستان: ادب و فرهنگ، ۳۸۵

بیاض تسکین، ۳۹۵

بیاض نجم، ۳۹۵

پ

پاکستان ایجوکشنل کونسل ایک نظر مین، ۲۸۷

[۱۰۸۰] عارفی، محمد اکرم، شیعیان پاکستان، 1جلد، شیعه شناسي - قم، چاپ: اول،1385 هـ.ش.

پاکستانی کلچرکی روایات، ۳۲۸، ۳۶۵، ۳۷۲

پس‌غبار، ۳۸۰

پنج گنج، ۲۶۹

پیام زینب، ۲۳۱، ۴۰۱، ۵۱۲

پیکر ایثار، ۳۸۰

ت

تاریخ اسلام، ۲۷۳، ۲۷۴

تاریخ بلتستان، ۵۴، ۵۵، ۷۴، ۱۲۳، ۱۵۷، ۱۶۰، ۲۹۹، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۸، ۴۲۶، ۴۳۲، ۴۵۱، ۴۸۹

تاریخ بلوچ و بلوچستان، ۴۱

تاریخ پشتون، ۳۰۸

تاریخ شیعیان علی، ۱۷۹، ۱۸۰

تاریخ فرشته، ۳۳، ۴۶، ۴۷، ۴۹

تبصره، ۲۷۰، ۲۷۳

تبیان، ۷۳

تحفۀ الاخبار، ۲۳۳

تذکره، ۳۹۱

تذکره علمای امامیه، ۲۳۳، ۲۶۷، ۴۳۵

تذکره کرب‌وبلا، ۳۸۰، ۳۹۳

ترجمه و تفسیر قرآن، ۲۳۳

ترجمه و حواشی صحیفه کامله، ۲۳۲

ترجمه و حواشی نهج البلاغه، ۲۳۲

ترجمه اصول کافی، ۲۳۳

ترجمه الارشاد، ۲۳۲

ترجمه تفسیر قرآن مجید، ۲۳۲

ترجمه فروع کافی، ۲۳۳

ترجیحات، ۲۳۳

ترمیمات، ۲۳۳

تفسیر انوار النجف، ۲۳۴

تفسیر روایج القرآن، ۲۴۴

##PAGE=۵۷۲##

تفسیر عاشورا، ۲۳۳

تفسیر قرآن، ۱۷۴، ۲۳۲، ۲۳۳، ۵۰۸

تفسیر لوامع التنزیل، ۲۴۴

تفسیر نمونه، ۲۶۸

تلخیص المنطق، ۲۷۳

تنزیه الامامیه، ۲۳۳

تنظیم، ۱۵، ۱۹، ۷۹، ۱۳۳، ۱۶۰، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۳۲، ۲۶۴، ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۸۴، ۳۲۷، ۴۸۱، ۵۰۷

توحید مفضّل، ۲۷۳

توسّل، ۶۳، ۶۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۰

توضیح المسائل، ۱۴۴

توضیح عزا، ۲۳۰

تهذیب ماتم، ۳۸۱

ث

ثقلین، ۱۴، ۱۶، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۶، ۲۲۶، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۷۸، ۲۸۴، ۳۹۷، ۴۰۲، ۵۱۱

ج

جاگیرداری اور جاگیردارانہ کلچر، ۳۷۳، ۳۷۴

جوامع الجامع، ۲۷۳

جامع المقدّمات، ۲۶۹

جان سخن، ۳۹۴

جلوس ماتم، ۳۹۵

جنسیات، ۳۸۰

چ

چراغ فکر، ۳۸۱

چهل دختران تاریخ، ۴۰۱

ح

حاشیه، ۲۷۳، ۳۶۸، ۴۰۸، ۴۹۳

حدود و تعزیرات، ۲۳۲، ۴۳۸

حدیقۂ الاسلام، ۲۴۴

حسین اور انقلاب، ۳۹۴

حسین علیه السلام پر سلام، ۳۹۳

حسین و انقلاب، ۳۷۹

حقوق و اسلام، ۲۳۲

حکایت‌های فرهنگ پاکستانی، ۳۲۸، ۳۷۲

د

دائرة المعارف پاکستانیکا، ۳۰۳، ۳۱۶

دائرة المعارف تشیّع، ۶۷، ۹۲، ۱۴۸

دانشنامه جهان اسلام، ۲۸، ۶۸، ۹۲، ۳۰۵، ۳۰۶، ۴۶۳، ۴۷۳، ۴۷۴

درایة الحدیث، ۲۷۴

درّ نجف، ۵۶، ۲۴۲، ۲۷۹

دعائم الاسلام، ۶۸

دقایق الاسلام، ۱۴۲، ۱۵۰، ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۳۱، ۲۴۵، ۵۱۲

ده اوتار، ۶۹

دین حق از دیدگاه عقل، ۲۳۲

دیوان، ۳۲۴، ۳۷۷، ۳۸۰، ۳۸۲

##PAGE=۵۷۳##

ذ

ذو الفقار، ۶۰، ۷۷، ۷۸، ۸۴، ۱۴۳، ۱۴۶، ۳۰۸، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۶، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۵، ۴۹۳

ر

رسائل، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۷

رسالت، ۳۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۲۰۸

رساله، ۶۵، ۷۶، ۱۰۲، ۲۴۴، ۳۳۰

رنجیر جمال، ۳۸۰

رنگ عقیدت، ۳۹۴

روح ادب، ۳۷۹

روزنامه جنگ، ۱۰۸، ۱۰۹

س

سحر، ۱۵۹، ۱۶۷، ۳۴۱، ۳۸۲

سلام و کلام، ۳۹۳

سیرت امیر المؤمنین علیه السّلام، ۲۳۲

ش

شافیه، ۲۶۹

شباب فطرت، ۳۸۰

شرائع الاسلام، ۲۷۳

شرح ابن عقیل، ۲۷۳

شرح الالفیه، ۲۶۹

شرح باب حادی عشر، ۲۷۳

شرح تجرید، ۲۷۴

شرح لمعه، ۲۷۰، ۲۷۴

شرح مأة عامل، ۲۶۹

شریکة الحسین، ۳۷۹

شعله شبنم، ۳۷۹

شعور عرفان، ۳۸۰

شهادت سی پهلی، ۳۷۹

شهادت کی‌بعد، ۳۷۹

شهر غم، ۳۸۱

شهرنامه، ۳۸۶

شهود عرفان، ۳۸۰

شهید، ۱۶، ۳۹، ۴۰، ۷۸، ۸۰، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۵۲، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۱۵، ۲۵۸، ۲۶۸، ۲۸۲، ۴۳۴، ۴۳۷، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۶

شیعه در هند، ۳۸، ۴۰، ۴۴، ۶۷

ص

صرف، ۱۷، ۱۳۹، ۱۴۶، ۱۶۹، ۲۴۳، ۲۶۹، ۳۲۷، ۳۶۴، ۳۷۲، ۳۸۹، ۴۱۰، ۴۷۴

صرف بهائی، ۲۶۹

صرف ساده، ۲۷۲

صرف میر، ۲۶۹، ۲۷۲

صمدیه، ۲۷۲

ض

ضربت، ۳۸۱

ضمیر خامه، ۳۸۰

ضیای کربلا، ۳۹۵

ط

طاهره، ۱۵۲، ۴۰۱

طبقات ناصری، ۳۸، ۳۹

ظ

ظهور فکر، ۳۸۰

ع

عبقات الانوار، ۲۴۳، ۲۴۴

عرفان المجالس، ۲۳۰

عرفان غم، ۳۸۱

عروج عرفان، ۳۸۰

عظمت انسان، ۳۷۹

عظیم مرثیی، ۳۸۰

عقائد الامامیه، ۲۷۳

عقاید، ۶، ۱۳، ۲۰، ۴۴، ۵۵، ۵۹، ۶۲، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۷۳، ۷۶، ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۷۴، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۸۳، ۳۳۶، ۳۵۲، ۴۴۱

عقیدت جاودان، ۳۸۰

علم الصیغه، ۲۶۹

عمل، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۹، ۳۵، ۴۰، ۵۲، ۷۴، ۷۷، ۷۹، ۸۴، ۸۷، ۹۱، ۹۶، ۹۷، ۱۱۱، ۱۴۲، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۹، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۸۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۰۹، ۲۱۵، ۲۲۴، ۲۳۰، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۸، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۶، ۳۳۵، ۳۵۸، ۳۸۳، ۴۰۶، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۳۷، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۴، ۴۶۳، ۴۶۵، ۴۷۷، ۴۸۱، ۴۹۳، ۴۹۸

غ

غایهٔ المقصود، ۲۴۴

غزل معلّا، ۳۷۹

غم جاودان، ۳۸۰، ۳۹۳

ف

فارسی‌گویان پاکستان، ۳۷۶

فرهنگ اقبال، ۳۷۹

فرهنگ جاگیرداری، ۳۷۳

فرهنگ نسیم اللغات، ۳۷۹

فصل‌نامه صدای ثقلین، ۲۳۲

فقه احوط، ۷۴

فکر و فن، ۳۸۶

فکر و نشاط، ۳۷۹

فنون و حکمت، ۳۷۹

ق

قرآن، ۷، ۶۲، ۶۵، ۷۵، ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۷۴، ۱۹۴، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۳، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۴، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۸۳، ۳۶۲، ۴۴۳، ۴۴۶

##PAGE=۵۷۵##

قرآن اور مستشرقین، ۲۳۳

قرطاس و قلم، ۳۹۴

قصاید نجم، ۳۹۵

قوانین الشریعه فی فقه الجعفریه، ۲۳۳

ک

کافیه جامی، ۲۷۰

کتاب اطلس جهان، ۴۶۳

کتاب پاکستان، ۱۷۹، ۴۶۵، ۴۷۴

کتابستان ورلد اتلس، ۲۷، ۱۰۰، ۱۱۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۷، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۲

کرب‌وبلا، ۳۸۰، ۳۹۳

کفایه، ۲۷۵، ۲۷۷

کیف غم، ۳۸۰، ۳۹۳

کیف و کرب، ۳۸۶

گ

گلستان ماتم، ۳۹۵

گلشن زهرا، ۳۹۵

گل‌های عقیدت، ۳۹۳

گنان‌ها، ۶۹

ل

لب فرات، ۳۸۰

لب کوثر، ۳۸۰، ۳۹۵

لسان صدق، ۲۳۱

لغات قرآن کریم، ۲۷۳

لمعه، ۲۶۵، ۲۷۰، ۲۷۴

لوامع التنزیل، ۲۴۴

م

ماهنامه اصلاح، ۲۳۲

ماهنامه المبلّغ، ۲۳۱

ماهنامه المعصوم، ۲۰۸

ماهنامه المنتظر، ۱۴۵، ۱۵۹، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۴۵، ۲۶۰

ماهنامه النصرة، ۲۱۲، ۲۳۲

ماهنامه بلوچی ندری بلوچ، ۳۲۹

ماهنامه پیام زینب، ۲۳۱

ماهنامه تحریک، ۲۳۲، ۲۶۶، ۲۷۰

ماهنامه دقایق الاسلام، ۱۴۲، ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۳۱، ۲۴۵

ماهنامه صدای معصوم، ۲۳۲

ماهنامه مجتبی، ۲۳۲

مثالی عزاداری، ۱۴۵، ۱۷۴، ۲۳۳

مجتبی، ۲۳۲، ۴۰۱

مجموعه نوحه‌جات، ۳۹۵

محراب حرم، ۳۸۰

محشر خاموش، ۳۹۴

مختصر المعانی، ۲۷۳

مطلع انوار، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۶

##PAGE=۵۷۶##

معالم، ۲۷۰

معالم الاصول، ۲۷۰، ۲۷۳

معالم المدرستین، ۲۷۴

معراج بشر، ۳۸۰

معصوم، ۳۹، ۶۴، ۱۰۴، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۶۱، ۲۳۲، ۳۹۳، ۴۰۱

مغنی الادیب، ۲۷۳

مقبول نوحه‌جات، ۳۹۵

ملبوس بهار، ۳۸۰

ممالک و مسالک، ۴۱

مناسک حج، ۲۳۲

منتخب التواریخ، ۴۹

منطق، ۲۴۳، ۲۶۹

موجز فی الاصول، ۲۷۳

موج کوثر، ۶۱، ۶۵

مودّة القربی، ۵۳

میراث جاودان، ۳۷۶، ۳۷۷

میرزای خوب، ۳۸۰

ن

ناله دل، ۳۹۵

نجم السحر، ۳۸۰

نحو میر، ۲۶۹

نسیم المجالس، ۲۳۰

نشاط خواب، ۳۸۰

نفسیات، ۳۸۰

نقش و نگار، ۳۷۹

نقوش عرفان، ۳۸۰

نم شبنم، ۳۸۰

نوای رضا، ۳۷۹

نوای صوفیه، ۷۳

نور ظهور، ۳۸۰

و

وسائل الشیعه، ۲۳۳

ه

هدایه، ۲۶۹، ۲۷۲[۱۰۸۱]

[۱۰۸۱] عارفی، محمد اکرم، شیعیان پاکستان، 1جلد، شیعه شناسي – قم، چاپ: اول،1385 هـ.ش.